پژوهشگاه نیرو

NRI-ER-963-PSSPN08-00-F

مطالعه، شناسایی و تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و راه‌کارهای کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی

مدیر پروژه:

جمال عبداله‌پور

واحد مجری:

گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱۴۰۰


بسم الله الرحمن الرحيم

مطالعه، شناسایی و تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و راه‌کارهای کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی

مدیر پروژه:

جمال عبداله‌پور

گروه پژوهشی پشتیبان:

مدیریت و علوم اجتماعی

همکاران پروژه:

بهمن سبحانی

علیرضا کرمانی

علی ذوالقدر شجاعی

واحد مجری:

گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی

انتشارات پژوهشگاه نیرو

خرداد ۱۴۰۰

کد ثبت گزارش: *NRI-ER-963-PSSPN08-00-F*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ایران. وزارت نیرو. پژوهشگاه نیرو. گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی

مطالعه، شناسایی و تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و راه‌کارهای کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی/ مدیر پروژه: جمال عبداله‌پور. ویراستار: نازنین محمدی‌نام. کارفرما: پژوهشگاه نیرو، ۱۴۰۰.

۳۲۶ ص.: مصور، نمودار، جدول

۱. سبحانی، بهمن، همکار پروژه. ۲. کرمانی، علیرضا، همکار پروژه. ۳. ذوالقدر شجاعی، علی، همکار پروژه. ۴. حیدری، غلامرضا، مدیر واحد مجری. ۵. گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی. ۶. محور پژوهشی مطالعات ابعاد اجتماعی توسعه صنعت برق و انرژی

انتشارات پژوهشگاه نیرو

گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی

کلیه حقوق معنوی اثر متعلق به پدیدآورندگان، کلیه حقوق مادی متعلق به نام پژوهشگاه نیرو و نشر مطالب در حدود متعارف، با ذکر منبع بلامانع است.

نشانی: تهران، شهرک غرب، انتهای بلوار شهید دادمان، پژوهشگاه نیرو، کدپستی: ۱۴۶۸۶۱۳۱۱۳

تلفن: ۹-۸۸۰۷۹۴۰۱

نمابر: ۸۸۰۷۸۲۹۶

وبگاه: *www.nri.ac.ir*

پست الکترونیک انتشارات: *publications@nri.ac.ir*

فرم تعهدنامه اصالت اثر

متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این گزارش حاصل کار پژوهشی اینجانب جمال عبداله‌پور، مدیر پروژه پژوهشی مطالعه، شناسایی و تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و راه‌کارهای کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی و همکاران به شرح زیر است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده است مطابق مقررات، مورداجاع قرار گرفته و در فهرست منابع ذکر گردیده است.

■ گزارش حاصل انجام همه مراحل پروژه است.

□ گزارش حاصل انجام ..... مرحله از ..... مرحله پروژه است.

همکاران :

۱. بهمن سبحانی

۲. علیرضا کرمانی

۳. علی ذوالقدر شجاعی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

پیشگفتار

ازآنجاکه توسعه امری جامعه‌محور در نظر گرفته شده است، شناخت جامعه و استفاده از دستاوردهای علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت ضرورتی آشکار به‌شمار می‌آید. صنعت برق یکی از بخش‌های مهم زیرساختی کشور است و حکمرانی و مدیریت صنعت برق چه توسعه آمرانه و یا یک جانبه را در دستور کار خویش قرار داده باشد و چه توسعه دموکراتیک و یا همه جانبه را، به هر حال نیازمند استفاده از دانش اجتماعی برای پیشبرد اهداف خویش است. در توسعه آمرانه حاکمیت برای باز کردن گره‌ها و موانع اجتماعی نیازمند شناخت جوامع هدف خویش است و در توسعه دموکراتیک جلب مشارکت مردم و جوامع محلی در تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و بهره‌برداری مستلزم شناخت ویژگی‌ها و کلیت فرهنگ آنها است. هم‌چنین باید گفت تعدد، تنوع و گستردگی جامعه مشترکین و ذی‌نفعان و به تبع آن مطالبات، نیازها و درخواست‌های متفاوت آنها حسب زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی متفاوتشان، و ازسویی‌دیگر مسئولیت اجتماعی این صنعت در قبال جامعه و تلاش برای استقرار مدیریت توأمان عرضه و تقاضا/مصرف و رفع و بهبود ناترازی؛ علوم اجتماعی و بهره‌گیری از دستاوردهای آن را در عرصه‌های حکمرانی و مدیریت که از چنین ظرفیتی برخوردارند، در جایگاه ویژه‌ای قرار داده است.

با این اوصاف، تحقق ایده بنیادی توسعه سیستم‌های انرژی مبتنی بر ویژگی تکنیکی–اجتماعی جز از رهگذر کاربست علوم اجتماعی ممکن نیست. کاربست علوم اجتماعی اقدامی است که نیازمند بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی است. در واقع اگر پیش‌نیاز توسعه جامعه‌محور صنعت برق و انرژی، بهره‌گیری از علوم اجتماعی است این اقدام پیش از هر چیز نیاز دارد تا بستر پذیرش آن در عرصه حکمرانی فراهم شود. هر چند باید گفت در این عرصه نشانه‌هایی وجود دارد امّا صرفاً گویای اقداماتی است که نهادینه نشده و می‌توان ورود علوم اجتماعی و رویکرد اجتماعی در وزارت نیرو و زیرمجموعه آن به‌عنوان متولی برق و انرژی را یک اقدام و یا جریان نوپا تلقی کرد که تا رسیدن به هدف اصلی راه طولانی و ناهمواری را در پیش دارد. ازاین‌رو اهمیت بسط و توسعه کاربست علوم اجتماعی و پژوهش‌های معدودی که در این زمینه انجام شده است، انجام مطالعات بیشتری را ضروری می‌سازد؛ به‌ویژه مطالعاتی که مبتنی بر راه‌کارهای عملیاتی در جهت ترویج علوم اجتماعی باشد. در این راستا پژوهشی در گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو با هدف ارائه راه‌کارهای عملیاتی در جهت بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی انجام گرفت. این پژوهش با عنوان «مطالعه، شناسایی و تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و راه‌کارهای کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی» در سه مرحله سازماندهی شد. نخست ادبیات علوم اجتماعی و عرصه حکمرانی برق و انرژی و نسبت بین آن دو مطالعه شد. سپس در همین مرحله، به الگوهای کاربست دانش و نیز نحوه بسترسازی نیز پرداخته شد. در مرحله دوم تجارب کشورهای دیگر در حوزه مطالعات علوم اجتماعی برق و انرژی و نیز وضعیت موجود داخل در این زمینه با اتکا به رویکردهای مفهومی و نظری حاصل از مطالعات مرحله اول واکاوی و شناسایی شد. در نهایت در مرحله سوم تلاش شد تا با بهره‌گیری از تجارب نظری و عملی موجود در کشور و خارج، راه‌کارهای عملیاتی جهت بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن، پیشنهاد و تدوین شود.

پروژه پژوهشی مذکور از آغاز سال ۱۳۹۸ لغایت خردادماه ۱۴۰۰ به طول انجامیده که نتایج آن در گزارش حاضر ارائه شده است. گزارش پژوهش مشتمل بر چهار بخش «مقدمه» (طرح مسئله پژوهش، سؤالات، اهمیت و ضرورت و اهداف آن)، «تبیین و تشریح ادبیات پژوهش»، «بررسی و تحلیل امکان و امتناع کاربست علوم اجتماعی» و «تدوین راه‌کارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن» است. هر کدام از پژوهش‌های مذکور دربردارنده چند فصل می‌باشد. نظارت تخصّصی بر اجرای پژوهش و تدوین گزارش آن، بر عهده جناب آقای دکتر حسین ایمانی جاجرمی دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بوده است. ایشان استاد بنده در دانشگاه تهران بود که در این پژوهش نیز از راهنمایی‌هایشان بسیار بهره بردم.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

راهنمایی‌ها، همراهی‌ها و صبوری بی‌شایبه آقای دکتر غلامرضا حیدری مدیر محترم گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی به‌عنوان مجری و هم‌چنین پیشنهادات و نظرات ارزشمند همکاران این گروه (سرکار خانم‌ها دکتر اشرف‌السادات پسندیده، هانیه آرزمجو، سمیه نعمتی، مهندس ملیحه خنجری و مریم کیقبادی و جناب آقایان دکتر حمیدرضا پیرمراد و مهندس محمدباقر رویانی) در غنی‌سازی هرچه بیشتر نتایج پژوهش جای تقدیر و تشکر بی‌پایان دارد. همکاران گروه با راهبری دکتر حیدری همه همت و دانش خود را در جهت داوری و نیز مطالعه گزارش‌های مرحله‌ای در طبق اخلاص گذاشتند. هم‌چنین آقای مهندس علی ذوالقدر شجاعی به‌عنوان کارشناس کنترل کیفی بسیار کمک و همراهی نمودند که می‌توان گفت فراتر از تصّور بوده است؛ لطفشان مستدام باد. بر خود لازم می‌دانم از راهنمایی‌های آقایان مهندس حمید چیت‌چیان وزیر نیرو در دولت یازدهم، دکتر محمدصادق قاضی‌زاده رئیس سابق پژوهشگاه نیرو و مهندس علی‌اکبر مهاجری معاون اسبق وزارت نیرو نیز تقدیر و سپاسگزاری به عمل آورم. دوستان پژوهشگری داشتم که بدون هیچ چشم‌داشتی مانند بنده دغدغه داشتند و تلاش زیادی در پیشبرد بهتر این پژوهش به عمل آوردند. پس باید زحمات آقایان دکتر مسعود رضایی سامان‌کندی و صادق پیوسته را ستود که بسیار از آنها یاد گرفتم. آقایان دکتر بهمن سبحانی و علیرضا کرمانی نیز به‌عنوان پژوهشگر، در انجام بخش‌هایی از پژوهش و نیز در ارائه نقطه‌نظرات علمی خود در غنابخشی به نتایج پژوهش بسیار مؤثر بودند و باید گفت تلاش‌ها، بینش و دانش بی‌نظیرشان ستودنی است. هم‌چنین قدردان همه کسانی هستم که در مصاحبه‌های تخصصی به‌عنوان خبرگان حوزه علوم اجتماعی و حوزه صنعت برق با صبوری پاسخگوی سؤالات بنده بودند و دانش، تجربه و اندیشه خود را به اشتراک گذاشتند.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

فهرست مطالب

مقدمه و طرح مسئله پژوهش ۱۸
بخش اول: تشریح و تبیین ادبیات پژوهش ۲۲
مقدمه ۲۲
۱-۱. چیستی علوم اجتماعی ۲۳
مقدمه ۲۳
۱-۱-۱. دامنه علوم اجتماعی ۲۳
۱-۱-۲. موضوع علوم اجتماعی ۲۵
۱-۱-۳. روش‌های علوم اجتماعی ۲۹
جمع‌بندی ۳۱
۱-۲. ابعاد و ماهیت حکمرانی ۳۲
مقدمه ۳۲
۱-۲-۱. مفهوم حکمرانی ۳۲
۱-۲-۲. مؤلفه‌های حکمرانی ۳۳
۱-۲-۳. اهداف، ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها، کارکردها و پیامدهای حکمرانی ۳۵
جمع‌بندی ۳۹
۱-۳. نسبت علوم اجتماعی و حکمرانی صنعت برق و انرژی ۴۰
مقدمه ۴۰
۱-۳-۱. ایده توسعه توسعهٔ پایدار و ضرورت مطالعات بین‌رشته‌ای در برق و انرژی با تأکید بر مطالعات علوم اجتماعی انرژی ۴۰
۱-۳-۲. کارکردهای علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی ۴۴
۱-۳-۲-۱. ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ۴۶
۱-۳-۲-۱-۱. زمینه‌های ارزشی و نگرشی ۴۷
۱-۳-۲-۱-۲. زمینه‌های هویتی ۵۲
۱-۳-۲-۱-۳. زمینه‌های جمعیت‌شناختی ۵۳
۱-۳-۲-۱-۴. زمینه‌های نهادی ۵۵
۱-۳-۲-۱-۵. زمینه‌های ارتباطی ۶۴
۱-۳-۲-۱-۶. زمینه‌های توسعه‌ای ۶۵
۱-۳-۲-۲. مسئولیت اجتماعی ۶۶
۱-۳-۲-۳. متقاعدسازی مردم ۶۹
۱-۳-۲-۴. پذیرش اجتماعی ۷۲
۱-۳-۲-۵. جلب مشارکت عمومی ۷۴
جمع‌بندی ۷۶
۱-۴. الزامات کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی ۷۹
مقدمه ۷۹
۱-۴-۱. عوامل امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی صنعت برق و انرژی ۷۹
۱-۴-۱-۱. عوامل ایدئولوژیک ۸۱
۱-۴-۱-۲. عوامل معرفتی ۸۱
۱-۴-۱-۳. عوامل نهادی ۸۳

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱-۴-۱-۴. عوامل ظرفیتی ۸۴
۱-۴-۲. الگوهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی ۸۹
جمع‌بندی ۹۶
۱-۵. نحوه کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی در چارچوب مدل‌های کاربست دانش ۹۹
مقدمه ۹۹
۱-۵-۱. مدل‌های مبتنی بر ارتباط پژوهشگر/کاربر ۱۰۲
۱-۵-۱-۱. مدل فشار علم ۱۰۳
۱-۵-۱-۲. مدل کشش ـ تقاضا ۱۰۳
۱-۵-۱-۳. مدل اشاعه ۱۰۴
۱-۵-۱-۴. مدل تعاملی ۱۰۵
۱-۵-۲. مدل‌های مبتنی بر ماهیت کاربست دانش ۱۰۶
۱-۵-۲-۱. استفاده ابزاری ۱۰۶
۱-۵-۲-۲. استفادهٔ مفهومی ۱۰۷
۱-۵-۲-۳. استفادهٔ نمادین ۱۰۷
۱-۵-۲-۴. استفادهٔ فرایند ۱۰۸
۱-۵-۳. مدل‌های مبتنی بر فرایند کاربست دانش ۱۰۸
۱-۵-۳-۱. مدل چهارمرحله‌ای ریچ ۱۰۹
۱-۵-۳-۲. مقیاس شش‌مرحله‌ای نات و وایلداوسکی ۱۰۹
۱-۵-۳-۳. چارچوب جامع و یکپارچه علم و عمل ۱۱۰
جمع‌بندی ۱۱۱
نتیجه‌گیری بخش اول ۱۱۵
بخش دوم: بررسی و تحلیل امکان و امتناع کاربست علوم اجتماعی ۱۱۷
مقدمه ۱۱۷
۲-۱. روش‌شناسی پژوهش ۱۱۹
مقدمه ۱۱۹
۲-۱-۱. نحوه گردآوری داده‌ها ۱۱۹
۲-۱-۲. نحوه تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها ۱۲۴
جمع‌بندی ۱۲۹
۲-۲. تجارب کشورهای خارجی در حوزه بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حوزه صنعت برق و انرژی ۱۳۰
مقدمه ۱۳۰
۲-۲-۱. پژوهشگاه‌ها و انجمن‌های علمی ۱۳۰
۲-۲-۱-۱. انجمن مراکز پژوهشی آلمانی هلم‌هولتز ۱۳۰
۲-۲-۱-۲. مؤسسه انرژی کالج سلطنتی لندن ۱۳۳
۲-۲-۱-۳. مرکز سیاست جهانی انرژی ۱۳۵
۲-۲-۱-۴. مرکز راهبردهای گذار انرژی نروژ ۱۳۷
۲-۲-۱-۵. مؤسسه منابع، محیط زیست و پایداری ۱۳۸
۲-۲-۱-۶. مدرسهٔ مهندسی انرژی پایدار ۱۳۹

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲-۲-۱-۷. مؤسسهٔ انرژی و محیط زیست ۱۴۰
۲-۲-۱-۸. انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی ۱۴۲
۲-۲-۱-۹. انجمن جامعه‌شناسی اروپا ۱۴۳
۲-۲-۱-۱۰. انجمن جامعه‌شناسی آمریکا ۱۴۴
۲-۲-۲. مجلات علمی پژوهشی ۱۴۴
۲-۲-۲-۱. مجلهٔ تحقیقات انرژی و علوم اجتماعی ۱۴۴
۲-۲-۲-۲. مجله سیاست‌گذاری انرژی ۱۴۵
۲-۲-۲-۳. مجله انرژی برای توسعه پایدار ۱۴۶
۲-۲-۲-۴. مجله بین‌المللی تحقیقات انرژی ۱۴۷
۲-۲-۳. اندیشمندان و پژوهشگران بین‌المللی علوم انسانی و اجتماعی فعال در حوزه انرژی ۱۴۸
۲-۲-۴. سرفصل‌های درسی دوره‌های علوم اجتماعی مرتبط با «انرژی»، «توسعه پایدار» و «محیط زیست» ۱۵۷
۲-۲-۴-۱. دوره جامعه‌شناسی سیاره: فرهنگ، نهادها و روابط اجتماعی به دنبال پایداری ۱۵۷
۲-۲-۴-۲. کارشناسی «جامعه‌شناسی محیط زیست» در دانشگاه وَندربیلت ۱۵۸
۲-۲-۴-۳. دوره‌های تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه کِنِتیکت ۱۵۹
۲-۲-۴-۴. دوره «انرژی، محیط زیست و جامعه» در دانشگاه استاوانگر نروژ ۱۵۹
۲-۲-۴-۵. دوره «انرژی، محیط زیست و جامعه» در دانشگاه بریتیش کلمبیا ۱۶۱
۲-۲-۴-۶. دوره کارشناسی ارشد «توسعه پایدار» دانشگاه ادینبورگ بریتانیا ۱۶۳
۲-۲-۴-۷. دوره «انرژی و جامعه» دانشگاه گوئلف کانادا ۱۶۴
۲-۲-۴-۸. دوره «انرژی و جامعه» دانشگاه استرالیای جنوبی ۱۶۴
جمع‌بندی ۱۶۵
۲-۳. تحلیل رویکرد اجتماعی در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای صنعت برق و انرژی ایران ۱۶۶
مقدمه ۱۶۶
۲-۳-۱. تحلیل رویکرد اجتماعی در اسناد بالادستی صنعت برق و انرژی ۱۶۷
۲-۳-۱-۱. رویکرد اجتماعی در طرح‌های توسعه‌ای ۱۶۹
۲-۳-۱-۲. رویکرد اجتماعی در مدیریت مصرف ۱۷۴
۲-۳-۲. تحلیل رویکرد اجتماعی در حوزه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی وزارت نیرو و زیرمجموعه آن ۱۸۱
۲-۳-۲-۱. بررسی وظایف و برنامه راهبردی وزارت نیرو ۱۸۱
۲-۳-۲-۲. بررسی رویکرد اجتماعی در اهداف و مأموریت‌های زیرمجموعه وزارت نیرو ۲۰۴
۲-۳-۲-۲-۱. سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) ۲۰۴
۲-۳-۲-۲-۲. شرکت مادرتخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) ۲۰۶
۲-۳-۲-۲-۳. شرکت مادرتخصصی تولید نیروی برق حرارتی ۲۰۸
۲-۳-۳. بررسی رویکرد اجتماعی در اهداف و مأموریت‌های نهادهای صنفی صنعت برق و انرژی ۲۰۹
۲-۳-۳-۱. سندیکای صنعت برق ایران ۲۰۹
۲-۳-۳-۲. سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق ۲۱۰
۲-۳-۳-۳. انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های توزیع نیروی برق ۲۱۱
۲-۳-۳-۴. انجمن شرکت‌های خدمات انرژی ایران ۲۱۲
۲-۳-۳-۵. انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی ایران ۲۱۳
۲-۳-۳-۶. انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران ۲۱۳
۲-۳-۳-۷. بورس انرژی ایران ۲۱۵

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جمع‌بندی ۲۱۶
۲-۴. بررسی جایگاه علوم اجتماعی در عرصه آموزش، پژوهش و توسعه فناوری صنعت برق و انرژی ۲۲۱
مقدمه ۲۲۱
۲-۴-۱. عرصه آموزش ۲۲۱
۲-۴-۱-۱. نگاهی به دوره‌های آموزشی نظام جامع آموزش صنعت آب و برق ۲۲۱
۲-۴-۱-۲. بررسی جایگاه علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در آموزش عالی کشور ۲۲۲
۲-۴-۲. عرصه پژوهش و توسعه فناوری ۲۲۶
۲-۴-۲-۱. جایگاه علوم اجتماعی در ساختار پژوهش و توسعه فناوری وزارت نیرو ۲۲۶
۲-۴-۲-۲. جایگاه مطالعات علوم اجتماعی در ساختار مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی مرتبط با صنعت برق و انرژی ۲۳۲
۲-۴-۲-۲-۱. پژوهشگاه مواد و انرژی ۲۳۲
۲-۴-۲-۲-۲. سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران ۲۳۴
۲-۴-۲-۲-۳. مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی ۲۳۵
۲-۴-۲-۲-۴. پژوهشگاه استاندارد ۲۳۶
۲-۴-۲-۲-۵. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ۲۳۷
۲-۴-۲-۲-۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۲۳۷
۲-۴-۲-۲-۷. پژوهشکده مطالعات فناوری ۲۳۸
۲-۴-۲-۲-۸. انجمن علمی انرژی ایران ۲۳۹
۲-۴-۲-۲-۹. انجمن علمی مهندسی بهره‌وری صنعت برق ایران ۲۴۰
۲-۴-۲-۲-۱۰. انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی ایران ۲۴۰
۲-۴-۲-۲-۱۱. انجمن علمی فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر ایران ۲۴۱
۲-۴-۲-۳. جایگاه مطالعات صنعت برق و انرژی در ساختار مراکز پژوهشی و انجمن‌های علمی مرتبط با علوم اجتماعی ۲۴۲
۲-۴-۲-۳-۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۲۴۲
۲-۴-۲-۳-۲. مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی ۲۴۲
۲-۴-۲-۳-۳. پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری ۲۴۳
۲-۴-۲-۳-۴. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ۲۴۴
۲-۴-۲-۳-۵. پژوهشکده مطالعات راهبردی ۲۴۵
۲-۴-۲-۳-۶. مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور ۲۴۵
۲-۴-۲-۳-۷. پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار سازمان حفاظت محیط زیست ۲۴۶
۲-۴-۲-۳-۸. مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری ۲۴۶
۲-۴-۲-۳-۹. انجمن علمی جامعه‌شناسی ایران ۲۴۷
۲-۴-۲-۳-۱۰. انجمن علمی انسان‌شناسی ایران ۲۴۸
۲-۴-۲-۳-۱۱. انجمن علمی ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات ۲۴۸
۲-۴-۲-۴. فراتحلیل مجلات علمی و پژوهشی علوم اجتماعی در حوزه مطالعات صنعت برق و انرژی ۲۴۹
جمع‌بندی ۲۵۶
۲-۵. کارکردهای علوم اجتماعی برای مواجهه با چالش‌های حکمرانی صنعت برق و عوامل امکان و امتناع پذیرش و کاربست آن از دیدگاه خبرگان صنعت برق و علوم اجتماعی ۲۶۱
مقدمه ۲۶۱

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲-۵-۱. چالش‌های مستلزم مداخله اجتماعی در حکمرانی صنعت برق ۲۶۱
۲-۵-۲. کارکرد علوم اجتماعی در فهم چالش‌های برق و مواجهه با آن ۲۶۶
۲-۵-۳. عوامل امکان پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن ۲۶۹
۲-۵-۳-۱. تغییر نسبی نگرش در وزارت نیرو ۲۶۹
۲-۵-۳-۲. تحولات پارادایمی ۲۷۰
۲-۵-۴. عوامل امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن ۲۷۳
۲-۵-۴-۱. غلبه تفکر فنّی-بوروکراتیک ۲۷۳
۲-۵-۴-۲. ساختار حکمرانی غیرمشارکتی ۲۷۵
۲-۵-۴-۳. فرهنگ سازمانی مبتنی بر روزمرّگی ۲۷۷
۲-۵-۴-۴. شرایط آنومیک رویکرد توسعه پایدار ۲۷۸
۲-۵-۴-۵. فقدان بستر گفتمانی مشترک صنعت برق با علوم اجتماعی ۲۸۰
۲-۵-۴-۶. فقدان رویکردی جامع و بین‌رشته‌ای در عرصه آکادمیک ۲۸۲
۲-۵-۴-۷. چالش‌های درون‌گفتمانی علوم اجتماعی ۲۸۳
۲-۵-۴-۸. فرهنگ عمومی مبتنی بر عناصر محدودکننده ۲۸۵
جمع‌بندی ۲۹۴
نتیجه‌گیری بخش دوم ۲۹۹
بخش سوم: تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و راه‌کارهای کاربست علوم اجتماعی ۳۰۱
مقدمه ۳۰۱
۳-۱. تدوین سازوکارها ۳۰۲
مقدمه ۳۰۲
۳-۱-۱. روش‌شناسی تدوین سازوکارها ۳۰۲
۳-۱-۲. سازوکارها ۳۰۵
جمع‌بندی ۳۰۷
۳-۲. تدوین راه‌کارهای عملیاتی ۳۰۹
مقدمه ۳۰۹
۳-۲-۱. عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا ۳۰۹
۳-۲-۲. عرصه آموزش ۳۱۱
۳-۲-۳. عرصه پژوهش و توسعه فناوری ۳۱۲
جمع‌بندی ۳۱۵
نتیجه‌گیری بخش سوم ۳۱۶
منابع و مآخذ ۳۱۷

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

فهرست جدول‌ها

جدول ۱-۱: روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی و نمونه‌های عملی آن ۳۰
جدول ۱-۲: هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی مؤثر ۳۶
جدول ۱-۳: هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی عادلانه ۳۷
جدول ۱-۴: هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی پاسخگو ۳۸
جدول ۱-۵. هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی مستحکم ۳۹
جدول ۱-۶: ابعاد و مؤلفه‌های زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی موردملاحظه در حکمرانی برق و انرژی ۶۶
جدول ۱-۷: ابعاد و مؤلفه‌های ایفای مسئولیت اجتماعی در حکمرانی برق و انرژی ۶۹
جدول ۱-۷: ابعاد و مؤلفه‌های متقاعدسازی مردم در حکمرانی برق و انرژی ۷۲
جدول ۱-۸: ابعاد و مؤلفه‌های پذیرش اجتماعی در حکمرانی برق و انرژی ۷۴
جدول ۱-۹: ابعاد و مؤلفه‌های مشارکت عمومی در حکمرانی برق و انرژی ۷۶
جدول ۱-۱۰: نقش پژوهش‌های علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی ۷۸
جدول ۱-۱۱: عوامل امکان و امتناع مطالعات میان‌رشته‌ای (با تأکید بر ادغام علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی) بر اساس نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی ۸۸
جدول ۱-۱۲: ماتریس تدوین سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی با اتکا به فرایندها و عناصر دیدگاه جریان‌سازی و گفتمان‌سازی ۹۸
جدول ۱-۱۳: مراحل کاربست دانش ۱۱۰
جدول ۲-۱: نحوه شناسایی اقدامات بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی (ایران و خارج) ۱۲۲
جدول ۲-۲: فهرست سؤالات راهنمای مصاحبه با خبرگان حوزه علوم اجتماعی (استادان و پژوهشگران مطالعات علوم اجتماعی حوزه صنعت برق و انرژی) و خبرگان صنعت برق و انرژی (مدیران و کارشناسان ستادی و زیرمجموعه وزارت نیرو) ۱۲۶
جدول ۲-۳: فهرست خبرگان مصاحبه‌شونده حوزه علوم اجتماعی (استادان و پژوهشگران مطالعات علوم اجتماعی حوزه صنعت برق و انرژی) ۱۲۷
جدول ۲-۴: فهرست خبرگان مصاحبه‌شونده حوزه صنعت برق و انرژی (مدیران و کارشناسان وزارت نیرو و زیرمجموعه) ۱۲۸
جدول ۲-۵: مشخصات، بیوگرافی و برخی از آثار پژوهشی اندیشمندان و پژوهشگران بین‌المللی علوم انسانی و اجتماعی برق و انرژی ۱۴۸
جدول ۲-۶: رئوس برنامه‌های نیمسال دوره کارشناسی ارشد انرژی، محیط زیست و جامعه در دانشگاه استاوانگر نروژ ۱۶۰
جدول ۲-۷: موضوع و محتوای دوره کارشناسی ارشد انرژی، محیط زیست و جامعه در دانشگاه بریتیش کلمبیا ۱۶۲
جدول ۲-۸: مشخصات اسناد بالادستی موردبررسی رویکرد اجتماعی در عرصه کلان سیاست‌گذاری صنعت برق و انرژی ۱۶۸
جدول ۲-۹: طرح‌های توسعه‌ای عرصه تولید، انتقال و توزیع صنعت نفت و گاز در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی ۱۷۰
جدول ۲-۱۰: طرح‌های توسعه‌ای عرصه تولید، انتقال و توزیع صنعت برق در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی ۱۷۱
جدول ۲-۱۱: طرح‌های توسعه‌ای عرصه تولید، انتقال و توزیع انرژی (حوزه عام انرژی) در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی ۱۷۲
جدول ۲-۱۲: طرح‌های توسعه‌ای خدمات‌رسانی و محرومیت‌زدایی دستگاه‌های متولی انرژی در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی ۱۷۳
جدول ۲-۱۳: اقدامات قیمتی مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی ۱۷۶
جدول ۲-۱۴: اقدامات فناورانه مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی ۱۷۶
جدول ۲-۱۵: اقدامات سازمانی و نهادی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی ۱۷۷

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۱۶: اقدامات استانداردسازی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی ۱۷۸
جدول ۲-۱۷: اقدامات فرهنگی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی ۱۷۹
جدول ۲-۱۸: اقدامات کالبدی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی..... ۱۸۰
جدول ۲-۱۹: واکاوی رویکرد اجتماعی در وظایف و راهبردهای بخش برق و انرژی وزارت نیرو..... ۱۸۳
جدول ۲-۲۰: خلاصه واکاوی رویکرد اجتماعی در وظایف و راهبردهای بخش برق و انرژی وزارت نیرو (حوزه ستادی)..... ۱۹۳
جدول ۲-۲۱: اهداف راهبردی و اجرایی مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی (سابق) وزارت نیرو..... ۱۹۷
جدول ۲-۲۲: وظایف گروه‌های مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی (سابق) وزارت نیرو..... ۱۹۸
جدول ۲-۲۳: طرح‌ها و پروژه‌های صنعت برق و انرژی مشمول مطالعات ارزیابی زیست‌محیطی و مطالعات اجتماعی ۲۰۱
جدول ۲-۲۴: تحلیل رویکرد اجتماعی در وظایف سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (براساس ماده ۶ اساسنامه) ۲۰۶
جدول ۲-۲۵: تحلیل رویکرد اجتماعی در وظایف شرکت مادرتخصصی توانیر (براساس ماده ۷ اساسنامه)..... ۲۰۸
جدول ۲-۲۶: واکاوی رویکرد اجتماعی و ضرورت اعمال آن در اهداف انجمن‌های صنفی صنعت برق و انرژی ۲۲۰
جدول ۲-۲۷: دوره‌های آموزشی شغلی با ماهیت علوم اجتماعی در نظام جامع آموزش وزارت نیرو..... ۲۲۲
جدول ۲-۲۸: بررسی جایگاه علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در آموزش عالی کشور (برق و انرژی در رشته‌های علوم اجتماعی) ۲۲۳
جدول ۲-۲۹: بررسی جایگاه علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در آموزش عالی کشور (علوم اجتماعی در رشته‌های مرتبط با برق و انرژی)..... ۲۲۴
جدول ۲-۳۰: مشخصات نشریات زیرگروه علوم اجتماعی مورد بررسی در فراتحلیل مباحث اجتماعی برق و انرژی..... ۲۵۲
جدول ۲-۳۱: مشخصات مقالات مرتبط با علوم اجتماعی برق و انرژی در نشریات علمی و پژوهشی زیرگروه علوم اجتماعی..... ۲۵۴
جدول ۲-۳۲: مشخصات مقالات مرتبط با علوم اجتماعی برق و انرژی در نشریات علمی و پژوهشی زیرگروه علوم اجتماعی به تفکیک بررسی نوع منبع انرژی و عرصه..... ۲۵۶
جدول ۲-۳۳: جایگاه علوم اجتماعی در ساختار مراکز پژوهشی و توسعه فناوری صنعت برق و انرژی ۲۵۸
جدول ۲-۳۴: جایگاه علوم اجتماعی در ساختار انجمن‌های علمی صنعت برق و انرژی..... ۲۵۹
جدول ۲-۳۵: ظرفیت‌های مراکز پژوهشی علوم اجتماعی و توسعه پایدار در حوزه مطالعات صنعت برق و انرژی..... ۲۶۰
جدول ۲-۳۶: ظرفیت‌های انجمن‌های علمی علوم اجتماعی در حوزه مطالعات صنعت برق و انرژی..... ۲۶۰
جدول ۲-۳۷: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه صنعت برق و انرژی در خصوص چالش‌های مستلزم مداخله اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران..... ۲۶۴
جدول ۲-۳۸: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه علوم اجتماعی در خصوص کارکردهای علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران..... ۲۶۸
جدول ۲-۳۹: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه صنعت برق در خصوص عوامل امکان پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران..... ۲۷۲
جدول ۲-۴۰: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه علوم اجتماعی در خصوص عوامل امکان پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران..... ۲۷۳
جدول ۲-۴۱: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه صنعت برق در خصوص عوامل امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران..... ۲۸۸
جدول ۲-۴۲: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه علوم اجتماعی در خصوص عوامل امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران..... ۲۹۱
جدول ۲-۴۳: ویژگی‌ها و ابعاد عوامل امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی صنعت برق..... ۲۹۷
جدول ۲-۴۴: نحوه شناسایی و تحلیل اقدامات بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی (ایران)..... ۳۰۰

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۳-۱: ماتریس تدوین سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی با اتکا به فرایندها و عناصر دیدگاه جریان‌سازی و گفتمان‌سازی ۳۰۲
جدول ۳-۲: ماتریس تدوین سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی. ۳۰۵
جدول ۳-۳: تحلیل سازوکارهای بسترسازی علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی ۳۰۶
جدول ۳-۴: سازوکارهای بسترسازی علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی..... ۳۰۷
جدول ۳-۵: سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا..... ۳۰۹
جدول ۳-۶: راه‌کارهای عملیاتی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا ۳۱۰
جدول ۳-۷: سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه آموزش..... ۳۱۱
جدول ۳-۸: راه‌کارهای عملیاتی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه آموزش..... ۳۱۲
جدول ۳-۹: سازوکارهای بسترسازی علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه پژوهش و توسعه فناوری..... ۳۱۳
جدول ۳-۱۰: راه‌کارهای عملیاتی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه پژوهش و توسعه فناوری..... ۳۱۴

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

فهرست شکل‌ها

شکل ۱-۱: علوم اجتماعی و انسانی و موضوعات مرتبط (بنت و همکاران، ۲۰۱۷)..... ۲۷
شکل ۱-۲: بخش‌ها و موضوعات پژوهش علوم اجتماعی در مقیاس‌های مختلف (بنت و همکاران، ۲۰۱۷)..... ۲۸
شکل ۱-۳: چارچوب عملیاتی فهم اهداف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی (بنت و تری ستیرفیلد، ۲۰۱۸)..... ۳۵
شکل ۱-۴: کارکردهای علوم اجتماعی (اعمال رویکرد اجتماعی) در حکمرانی صنعت برق و انرژی (مأخذ: یافته‌های پژوهش)..... ۴۶
شکل ۱-۵: طیف مشارکت عمومی و مهم‌ترین هدف هر مرحله (مأخذ: انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی، ۲۰۱۴) ۷۶
شکل ۱-۶: چارچوب فراگیر توسعه بر اساس پارادایم‌های جریان‌سازی (مأخذ: پیکیوتو، ۲۰۰۲)..... ۹۵
شکل ۱-۷: الگوی نظری جریان‌سازی علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی (مأخذ: بر اساس الگوی پیکیوتو، ۲۰۰۲) ۹۷
شکل ۱-۸: چارچوب جامع و یکپارچهٔ دانش و کنش در حکمرانی (مأخذ: بنت و همکاران، ۲۰۱۶)..... ۱۱۱
شکل ۱-۹: چارچوب پیشنهادی الگوی کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی (مأخذ: یافته‌های پژوهش) ۱۱۵
شکل ۲-۱: نمودار انتقال دانش در هلم‌هولتز ۱۳۳
شکل ۲-۲: اهداف راهبردی و خط مشی‌های مؤسسه محیط زیست و انرژی برزیل..... ۱۴۲
شکل ۲-۳: فهرست مراکز و اسناد توسعه فناوری پژوهشگاه نیرو ۲۳۰
شکل ۲-۴: روند انتشار مقالات مرتبط با علوم اجتماعی برق و انرژی در نشریات علمی و پژوهشی زیرگروه علوم اجتماعی به تفکیک سال ۲۵۶
شکل ۲-۵: چالش‌های مستلزم مداخله اجتماعی در حکمرانی صنعت برق (دیدگاه خبرگان صنعت برق)..... ۲۶۳
شکل ۲-۶: کارکرد علوم اجتماعی در فهم چالش‌های صنعت برق و مواجهه با آن (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی) ۲۶۷
شکل ۲-۷: بسترهای امکان پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر تغییر نسبی نگرش در وزارت نیرو (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی و صنعت برق) ۲۷۰
شکل ۲-۸: بسترهای امکان پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر تحولات پارادایمی (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی) ۲۷۱
شکل ۲-۹: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر غلبه تفکّر فنی-بوروکراتیک (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی و صنعت برق)..... ۲۷۵
شکل ۲-۱۰: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر ساختار حکمرانی آمرانه (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی و صنعت برق)..... ۲۷۷
شکل ۲-۱۱: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر فرهنگ سازمانی مبتنی بر روزمرّگی (دیدگاه خبرگان صنعت برق) ۲۷۸
شکل ۲-۱۲: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر شرایط آنومیک رویکرد توسعه پایدار (دیدگاه خبرگان صنعت برق) ۲۸۰
شکل ۲-۱۳: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر فقدان بستر گفتمانی مشترک بین برق و علوم اجتماعی (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی)..... ۲۸۲
شکل ۲-۱۴: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر فقدان رویکرد بین‌رشته‌ای و جامع در عرصه آکادمیک (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی)..... ۲۸۳
شکل ۲-۱۵: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر چالش‌های درون‌گفتمانی علوم اجتماعی (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی)..... ۲۸۵
شکل ۲-۱۶: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر فرهنگ عمومی مبتنی بر عناصر محدودکننده (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی)..... ۲۸۷

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

شکل ۲–۱۷: عوامل بسترسازی امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق از دیدگاه خبرگان صنعت برق و علوم اجتماعی ۲۹۶
شکل ۲–۱۸: عوامل بسترسازی امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق از دیدگاه خبرگان صنعت برق و علوم اجتماعی ۲۹۸
شکل ۳–۱: مدل ارتباط راهبردهای گفتمان‌سازی با عرصه‌های کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی و خط‌مشی‌های ارائه شده جهت جریان‌سازی علوم اجتماعی (مأخذ: یافته‌های پژوهش) ۳۰۸

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مقدمه و طرح مسئله پژوهش

اصل بنیادی و اساسی تصمیم‌گیری حرفه‌ای؛ ارزیابی همزمان جوانب اقتصادی، راهبردی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فنی می‌باشد. این امر در بخش انرژی، که به‌طور سنتی با پروژه‌های بزرگ‌مقیاس مبتنی بر اثرات قوی و متعارض اجتماعی ارتباط دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از یک طرف، این پروژه‌ها به‌طور مطلق برای رفاه اجتماعی جمعیت ضروری بوده اما از طرفی دیگر، آن‌ها مکرراً با مسائل زیست‌محیطی در ارتباط بوده و با مخالفت اجتماعی مواجه هستند (فریرا و دیگران، ۲۰۱۰). برای نمونه، برق‌رسانی به تمام نقاط یک کشور پروژه‌ای بزرگ‌مقیاس است که از یک‌سو دارای پیامدها و کارکردهای متعدد اجتماعی از جمله افزایش امکانات رفاهی، تغییر سبک زندگی مردم، ارتقای سطح شاخص‌های بهداشت و آموزش و ... است و از سوی دیگر، نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده، منابع مالی زیاد و مصرف منابع طبیعی کشور است و مدیریت این وجوه امری پیچیده و چندبعدی است.

نظر به اهمیت این موضوع، اصل توسعه پایدار مقبولیت روزافزونی در رویکردهای جدید برنامه‌ریزی انرژی پیدا کرده و به نیروی انگیزشی عمده‌ای در این زمینه تبدیل شده است. ازاین‌رو برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مبتنی بر توسعه پایدار انرژی برق بر اساس زمینه‌ای[1] که دغدغه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی را منعکس کند، ضرورت می‌یابد. محصول کار، چارچوب مرجع متمایز و جامعی است که ابزار مفیدی برای تشخیص و ارزیابی برنامه‌ها و راهبردهای انرژی خواهد بود (همان). اما سال‌های متمادی اجرای اقدامات توسعه‌ای مبتنی بر رویکردی عمدتاً اقتصادی بوده که عمدتاً تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی این اقدامات را در نظر نمی‌گرفتند و به‌تبع آن انتقادات زیادی را از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی برانگیختند. بروز ایده‌هائی همچون توسعه پایدار، توسعه مشارکتی، توسعه مردم‌گرایانه و توسعه یکپارچه که به تدریج جایگزین اصطلاح رایج‌تر «توسعه اقتصادی» شد، محصول چنین شرایطی بوده است. این جانشینی اصطلاحات، تنها نشان‌دهنده تغییر در واژگان نبوده بلکه یک انتقال پارادایمی و معنایی در امر توسعه است که نهادها و سازمان‌های معطوف به مسائل عملی توسعه نیز در این امر درگیر شده و تلاش کرده‌اند شاخص‌هایی جامع‌تر و کیفی‌تر از شاخص‌های مادی برای اندازه‌گیری توسعه تدوین کنند (عنبری، ۱۳۹۰).

یکی از شاخص‌های کیفی سنجش توسعه، میزان توجه به ملاحظات اجتماعی در اقدامات توسعه‌ای است که در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه به‌طور عام و در حوزه صنعت برق و انرژی به‌طور خاص در مقایسه با حوزه‌هایی چون محیط‌زیست متأخرتر بوده و حتی می‌توان گفت کمتر موردتوجه قرار گرفته است. در واقع سیاست‌گذاری و مدیریت انرژی به‌عنوان امری فنی و مهندسی در نظر گرفته شده و ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن نادیده گرفته شده است. لارید[2] (۲۰۱۳)، در این خصوص می‌گوید: «تصمیم‌گیری تکنوکراتیک (به کمک خبرگان در صنعت برق یا سیاست‌گذاری انرژی) بدون فرصت مشارکت عمومی در بخش انرژی (برق) سابقه گسترده‌ای در جهان دارد و انتخاب‌های مرتبط با انرژی برای عموم در قالب گزینش‌های ساده‌ای میان انواع سوخت‌ها و فناوری‌ها تصور می‌شود» (مرزبان و دیگران، ۱۳۹۷).

در ایران نیز وخیم شدن مسئله انرژی در چند دهه گذشته نظیر شکل گرفتن ساختارها، زیرساخت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای نامناسب در زمینه مصرف انرژی، عدم موفقیت در ممانعت از بدمصرف شدن جامعه ایرانی در بخش انرژی و توجه ناکافی به ابعاد اجتماعی و غیرفنی مدیریت منابع انرژی و توسعه نیافتن دانش اجتماعی لازم برای مدیریت پایدار این منابع (وزارت نیرو، ۱۳۹۷) نشان می‌دهد که رویکردهای حاکم بر حکمرانی[3] و مدیریت برق و انرژی، با تأکید بر سازوکارهای تکنوکراتیک و نگاه فنی، به تنهایی قادر به حل مسائلی که از به‌کارگیری همین رویکرد ایجاد شده، نیست و نیاز به استفاده از رویکردهای نو و سازوکارهای متنوع دارد. رویکردهای نو نیاز است با نگاهی اجتماعی و فرهنگی، به‌طورکلی غیرفنی، به مسئله انرژی نگاه کنند. این رویکرد با شناخت

1 *context*
2 *Laurid*
3 *governance*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ذی‌نفعان مختلف، نظام انگیزه‌های آنها، تنوع جغرافیایی، سیر تاریخی و فرهنگی جامعه؛ اجماع‌سازی از طریق تقویت بستر گفت‌وگو و اجتماعی کردن مسئله انرژی و متکی به استفاده از سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌های مختلف جامعه را دنبال می‌کند. بنابراین از چنین منظری، «ارتقای ظرفیت نظام‌های انرژی در گرو مشارکت همه طرف‌های ذینفع بوده و بهره‌گیری از مفهوم حکمرانی، به خودی خود، اذعان به این موضوع است که قدرت در درون و بیرون از اختیارات و نهادهای رسمی حکومت وجود دارد». بر این اساس «عاملان مدیریت تنها بخش عمومی نیستند بلکه بخش‌های خصوصی و داوطلب نیز در این حوزه وارد می‌شوند (مرزبان و دیگران، ۱۳۹۷).

تمرکز بر صنعت و تکنولوژی و ابعاد مادی و اقتصادی آن در برنامه‌های توسعه باعث شده تا از یک سو زمینه‌ها و الزامات اجتماعی و فرهنگی برنامه‌ها و از دگر سو پیامدهای اجتماعی و فرهنگی این برنامه‌ها مورد غفلت قرار گیرد. تقلیل ناموجه توسعه به اقتصاد و تکنولوژی، در نظام برنامه‌ریزی کشور، باعث شده تا تدوین برنامه‌های توسعه در غیاب صاحب‌نظران علوم اجتماعی و غفلت از ابعاد نرم اجتماعی و فرهنگی این برنامه‌ها انجام شود. این وضعیت مشکلی فراگیر در کل نظام برنامه‌ریزی کشور است و سیاست‌گذاری و حکمرانی حوزه برق کشور نیز مستثنی از آن نیست. به نظر می‌رسد توفیق برنامه‌های توسعه در جوامع امروزی از یک سو مستلزم رفع موانع اجتماعی و فرهنگی و از سوی دیگر استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی فرهنگی جوامع هدف است و این امکان‌پذیر نیست جز از رهگذر استفاده از دانش اجتماعی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه.

علوم اجتماعی به‌معنای وسیع در چند دهه گذشته به‌نحوی گسترش یافته است که از ظرفیت‌های لازم برای ورود به حوزه تحلیلی حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی، نظیر پرداختن به مسئله پایدارسازی تولید و مصرف یا مدیریت توأمان عرضه و تقاضا/مصرف برخوردار شده است. رویکرد برآمده از دستاوردهای علوم بیان‌شده می‌پذیرد که صنعت برق و انرژی علیرغم اینکه واقعیت‌های فیزیکی هستند اما تولید و توزیع یا عرضه و تقاضای آن عمیقاً با فرایندهای انسانی دارای ابعاد تاریخی، جغرافیائی، اقتصادی، اجتماعی، رفتاری، فرهنگی و سیاسی مرتبط است. به نوعی باید گفت رویکرد نوین، نگاه برآمده از علوم اجتماعی را به علوم فنی و مهندسی می‌افزاید (وزارت نیرو، ۱۳۹۷). در واقع این علوم از این ظرفیت برخوردار هستند که در بهبود، رفع، اصلاح و یا پیشگیری از برخی مسائل پیش روی صنعت برق و انرژی که صرفاً عرصه کار فنی و علوم طبیعی نبوده؛ راهگشا باشند. با چنین رویکردی، نقش‌آفرینی مردم در زنجیره تولید، انتقال و توزیع/مصرف و ارزیابی پیامدهای آن تبدیل به یک دغدغه و مطالبه اجتماعی می‌شود. در هر صورت برق جزء لاینفک زندگی مردم شده که هر گونه اقدامی بدون توجه به مردم در عرصه بهبود این صنعت و رویارویی با چالش‌های آن از یک طرف و اتخاذ رویکرد استراتژیک مبتنی بر نگاه اجتماعی در مدیریت توسعه از طرفی دیگر، چندان قرین موفقیت نخواهد شد.

واقعیت امر این است که در جهت نهادینه‌کردن علوم اجتماعی و تثبیت و تداوم نقش‌آفرینی آن در تسهیل‌گری فرایند حکمرانی و مدیریت این عرصه؛ ضرورت دارد با شناسایی الگوها و واکاوی در شرایط و بسترهای امکان و امتناع کاربست علوم اجتماعی، سازوکارهای عملیاتی منسجم و مشخصی را تدوین و طراحی نمود. ازاین‌رو سؤالی که مطرح می‌گردد این است که **با چه سازوکارهایی می‌توان، بستر پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را در حکمرانی و مدیریت صنعت و برق انرژی فراهم کرد به گونه‌ای که دستاوردهای این دسته از علوم بتواند در فرایندهای این عرصه نقش‌آفرینی کند؟**

در راستای پاسخ به سؤال اصلی، تلاش شده تا به سؤالات فرعی ذیل پاسخ داده شود:

۱. چه نسبتی بین علوم اجتماعی و حکمرانی صنعت برق و انرژی وجود دارد و الزامات و الگوهای مفهومی و نظری بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در این عرصه کدام‌اند؟
۲. علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی در ایران چه وضعیتی دارد و چه شرایطی زمینه امکان و امتناع آن را فراهم می‌کند؟

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۳. در برخی از کشورهای دیگر چه تجارب عملی در جهت نهادینه‌کردن علوم اجتماعی و کاربست آن وجود دارد؟
۴. چه سازوکارهایی را می‌توان منطبق بر الگوهای نظری و مفهومی متناسب با وضعیت موجود برای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی تدوین نمود؟

از معدود پژوهش‌های مرتبط می‌توان به سه نمونه اشاره کرد. اول، پژوهش «تدوین نقشه راه مباحث مدیریتی و علوم اجتماعی در صنعت برق ایران» (پژوهشگاه نیرو، ۱۳۹۷) است که به ارائه مجموعه‌ای از سرفصل‌های پژوهشی حسب چالش‌ها و نیازهای صنعت برق پرداخته است. دوم، پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی پژوهش‌های حوزه مدیریت و علوم اجتماعی صنعت برق ایران» (پژوهشگاه نیرو، ۱۳۹۹) است که با هدف اطمینان از صحت و دقت پژوهش‌های صورت‌گرفته، فرآیند انجام آن‌ها و به کار بستن مؤثر نتایج را بررسی می‌نماید. «تشکیل اتاق فکر در زمینه‌های علوم اجتماعی در صنعت برق» (پژوهشگاه نیرو)، سومین پژوهش مدنظر است که در راستای تشکیل اتاق فکر ساختاریافته و کارا در زمینه مباحث علوم اجتماعی در صنعت برق در حال انجام است[۱]. سایر پژوهش‌های مرتبط با صنعت برق و علوم اجتماعی به‌ویژه در سطح سازمانی وزارت نیرو از نوع مطالعات موردی بوده که سعی در شناسایی ابعاد اجتماعی اقدامات توسعه‌ای، ساختارها، فرایندها، بحران‌ها و چالش‌ها و مواردی دیگر در عرصه صنعت برق و انرژی داشته‌اند که البته بیشتر پژوهش‌های با ماهیت علوم اجتماعی معطوف به ابعاد اجتماعی و فرهنگی مدیریت مصرف انرژی هستند.

در این زمینه در خارج از کشور اقدامات پژوهشی قابل‌ملاحظه‌ای انجام شده که به تبیین الزامات اجتماعی حکمرانی و مدیریت این عرصه پرداخته‌اند (برای نمونه: هس و سواکول[۲] (۲۰۲۰)؛ اینگبورگرودا و دیگران[۳] (۲۰۲۰)؛ گالوین[۴] (۲۰۲۰)؛ دانلوپ[۵] (۲۰۱۶)؛ کوپر[۶] (۲۰۱۷)؛ مالاباند و دیگران[۷] (۲۰۱۷)؛ استرن[۸] (۲۰۱۷)؛ وُنگ پارودی و دیگران[۹] (۲۰۱۶)؛ سواکول و دیگران[۱۰] (۲۰۱۵)؛ واینسکل[۱۱] (۲۰۱۴)؛ رایان و دیگران[۱۲] (۲۰۱۴)؛ سواکول (۲۰۱۴)؛ استیرلینگ[۱۳] (۲۰۱۴)؛ وست و اسمیت[۱۴] (۲۰۱۳)؛ میلر و همکاران[۱۵] (۲۰۱۳)؛ روهراچر[۱۶] (۲۰۰۸) و ...). در این پژوهش‌ها بیشتر بر مبانی و سازوکارهای نحوه کاربست علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی تأکید شده است. این موضوع بیانگر اهمیت مطالعات از این دست در نهادینه‌کردن علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی است که با توجه به اینکه کاربست علوم اجتماعی در این عرصه در ایران جریان نوپایی است برداشتن گام‌ها و اقدامات اساسی‌تری نیز ضرورت می‌یابد.

تعدد، تنوع و گستردگی جامعه مشترکین و ذی‌نفعان و به تبع آن مطالبات، نیازها و انتظارات متفاوت آنها حسب زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی متفاوتشان و از سوئی دیگر مسئولیت اجتماعی این صنعت در قبال جامعه و تلاش برای استقرار مدیریت توأمان عرضه و تقاضا/مصرف؛ علوم اجتماعی و بهره‌گیری از دستاوردهای آن را در عرصه‌های حکمرانی و مدیریت که از چنین ظرفیتی برخوردارند، در جایگاه ویژه‌ای قرار داده است. اهمیت بسط و توسعه کاربست علوم اجتماعی و پژوهش‌های معدودی که در این زمینه انجام

---

۱ پروژه‌های پژوهشی مذکور در گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو با مدیریت ملیحه خنجری اجرا شده و یا در حال انجام است.

2 *Hess and Sovacool*
3 *Ingeborgruda et al.*
4 *Galvin*
5 *Dunlop*
۶ *Cooper*
7 *Mallaband*
8 *Stern*
9 *Wong-Parodi et al.*
10 *Sovacool et al.*
11 *Winskel*
12 *Ryan et al.*
13 *Stirling*
14 *West and Smith*
15 *Miller et al.*
16 *Rohracher*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

شده است، انجام مطالعات بیشتری را ضروری می‌سازد به‌ویژه مطالعاتی که مبتنی بر راه‌کارهای عملیاتی در جهت ترویج علوم اجتماعی باشد. پژوهش حاضر در جهت بسط و توسعه کاربست علوم اجتماعی با رویکرد متفاوتی که برگرفته از تجارب موجود در کشور و خارج از کشور است، تلاش می‌کند تا راه‌کارهای عملیاتی منسجم‌تری را در این زمینه ارائه دهد. این فرایند دربردارنده شناخت الگوها و تجارب و نیز شرایط و بسترهای امکان و امتناع کاربست علوم اجتماعی است. بنابراین باید با دیدی همه‌جانبه آن را نگریست تا بتوان بستری مناسب را به‌منظور پذیرش علوم اجتماعی و پیاده‌سازی آن در عمل که همان حکمرانی و مدیریت مبتنی بر رویکرد اجتماعی است، فراهم کرد.

بر اساس مباحث مذکور **هدف اصلی** این پژوهش شناسایی و تدوین سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی است که در این راستا **اهداف فرعی** ذیل جهت تحقق آن مدنظر است:

۱. بررسی نسبت علوم اجتماعی با حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی
۲. بررسی مبانی مفهومی و نظری امکان و امتناع علوم اجتماعی و کاربست آن و ارائه الگوهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی
۳. شناخت الگوهای کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی
۴. بررسی وضعیت موجود علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی و شرایط امکان و امتناع آن در ایران
۵. بررسی و مرور تجارب برخی از کشورهای دیگر در جهت نهادینه کردن علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

بخش اول: تشریح و تبیین ادبیات پژوهش

مقدمه

گزارش این بخش در پنج فصل ارائه می‌شود. در فصل اول چیستی علوم اجتماعی، شامل دامنه، رشته‌ها، موضوعات و روش‌های پژوهش در آن به‌طور خلاصه مرور می‌شود. فصل دوم به تعریف و توضیح حکمرانی و ابعاد و مؤلفه‌های آن می‌پردازد. در فصل سوم، نسبت کارکردهای علوم اجتماعی با حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی و نیاز به بسترسازی علوم اجتماعی و گسترش دامنه و کاربست آن و پتانسیل‌های علوم اجتماعی برای نقش‌آفرینی در این حوزه موردبررسی قرار می‌گیرد. فصل چهارم به‌طور مشخص، الزامات کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی و امکان و امتناع کاربست آن را تبیین خواهد نمود و فرایندهای بسترسازی و ایجاد باور عمومی نسبت به علوم اجتماعی و کاربست آن را بیان می‌نماید. در فصل پنجم، الگوهای نظری و تجربی کاربست علوم اجتماعی مرور می‌شود و مدل ارزیابی کاربست دانش علوم اجتماعی ارائه می‌شود و سرانجام، در بخش نتیجه‌گیری به جمع‌بندی مباحث پیشین جهت تدوین الگوی پیشنهادی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی پرداخته خواهد شد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱-۱. چیستی علوم اجتماعی

مقدمه

نقصان آگاهی از قلمرو علوم اجتماعی، رشته‌های مختلف آن، موضوعات، روش‌ها و خروجی‌ها و تردید نسبت به اهداف علوم اجتماعی یکی از دلایل ممانعت از دخالت علوم اجتماعی در حوزهٔ ابعاد انسانی امور فیزیکی و طبیعی شده است. برای رسیدن به درکی موجه و واقع‌گرایانه از علوم اجتماعی، که از مانعیّت و جامعیّت قابل‌قبولی هم برخوردار باشد، توضیح سه مسئله ضروری است؛ اول اینکه منظور از علوم اجتماعی اشاره به کدام دانش‌ها و یا رشته‌های علمی‌رایج است و به عبارتی حدود و ثغور این علوم کدام‌اند؛ دوم اینکه موضوعات موردبحث و به عبارتی محتوای این علوم شامل چه مباحث و موضوعاتی است و آخر اینکه روش‌های رایج برای پژوهش در این علوم کدام‌اند. بنابراین، در این فصل به مرور و توضیح دامنه، موضوع و روش‌های علوم اجتماعی پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱. دامنه علوم اجتماعی

علم اجتماعی در معنای عام و متداول آن دربرگیرنده مجموعه‌ای از دانش‌های انسانی است که به مطالعه ابعاد اجتماعی پدیده‌ها در جهان زندگی انسان‌ها می‌پردازد. از این منظر علوم اجتماعی شامل طیفی وسیع از دانش‌ها است که وجه مشترک همه آن‌ها تمرکز بر رفتار انسان‌هاست. ازاین‌رو، و با کمی‌تسامح، می‌توان علوم اجتماعی را علوم رفتاری نیز نام‌گذاری کرد که با این وصف دامنه شمول آن حتی به روانشناسی هم می‌رسد. چنین برداشتی از علم اجتماعی دارای، حداقل، دو مشکل اساسی است؛ با تعریف دانش انسانی، که در کشور و به اشتباه علوم انسانی[1] نامیده شده‌اند، هم‌پوشانی بسیار دارد و در عمل همانی می‌شود که علوم انسانی می‌نامیم و دیگر اینکه با سنت‌های رایج در محافل و جوامع علوم اجتماعی سازگار نیست.

این برداشت از علوم اجتماعی تقریباً در برگیرنده تمامی‌دانش‌هایی است که علوم انسانی نامیده شده‌اند و به سرعت تداعی‌کننده این گزاره است که علم اجتماعی همان علم انسانی است، درحالی‌که موضوعاتی مثل هنر و ادبیات که آشکارا ذیل علوم انسانی قرار می‌گیرند از جنس علوم اجتماعی نیستند و دیگر اینکه علوم انسانی و اجتماعی دو کانون توجه متفاوت دارند که مرزهای روشنی را بین این دو حوزه دانشی ترسیم می‌کند. درحالی‌که کانون توجه آنچه که اصطلاحاً علوم انسانی می‌نامیم امر یگانه و منحصربه‌فرد و یکتا[2] است، کانون توجه علوم اجتماعی بر امر عمومی[3] متمرکز است. برای مثال و در توضیح این نکته می‌توان گفت که آمارهای اجتماعی نمی‌توانند به‌طور دقیق پیش‌بینی کنند که من در انتخابات آینده به چه کسی رأی خواهم داد اما آن‌ها می‌توانند تا حدود زیادی پیش‌بینی کنند که افراد شبیه من در انتخابات بعدی به چه کسی رأی خواهند داد.

افزون بر این، چنین برداشت حداکثری از مفهوم علوم اجتماعی اگر چه تا حدودی بیانگر است اما دامنه‌ای چنان گسترده دارد که به سادگی نمی‌توان، به سنت رایج و امروزینِ طبقه‌بندی دانش‌ها و رویه‌های عملی رایج در دپارتمان‌ها و دانشکده‌های علوم اجتماعی، نامی خاص بر آن نهاد. گذشته از این دانش‌هایی چون اقتصاد، حقوق و روان‌شناسی به چنان استقلالی از نظر موضوعی

1 *Humanities*
2 *unique*
3 *general*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

رسیده‌اند که تقلیل همه آن‌ها به‌عنوانی چون علوم اجتماعی با دشواری‌های بسیار روبرو است. به نظر می‌رسد علم اجتماعی در تاریخ شکل‌گیری و تکامل خود به‌مثابه مفهوم بنیادین و مادری عمل کرده است که دانش‌های انسانی بسیاری در دامن آن شکل گرفته و پرورش یافته‌اند ولی پس از بلوغ مفهومی ادبیات خاص خود را تولید کرده و در نهایت به‌مثابه رشته علمی مستقل در جهانِ رشته‌های علمی ظاهر شده‌اند.

در چنین شرایطی تحدید دامنه و حدود و ثغور علوم اجتماعی برای رسیدن به تعریفی از این علوم ضروری است. برای این منظور دو راه پیش روی ماست؛ راه اول این است که از اصطلاح علوم اجتماعی عدول کرده و به اصطلاح علم اجتماعی بسنده کنیم و منظور از علوم اجتماعی را محدود به علمی‌کنیم که علم عمومی علوم اجتماعی نامیده شده است؛ یعنی جامعه شناسی. این تحدید اگر چه حدود و ثغور علم اجتماعی را روشن می‌کند ولی چنان فهم ما را از مفهوم علوم اجتماعی در مضیقه و تنگنا قرار می‌دهد که با رویه‌های رایج در دپارتمان‌ها و دانشکده‌های علوم اجتماعی ناسازگار است. زیرا در عمل شاهد آن هستیم که از یک طرف دانشکده‌های علوم اجتماعی شامل رشته‌هایی چون اقتصاد، علوم سیاسی، حقوق و ... نمی‌شوند و از طرف دیگر نیز محدود به جامعه‌شناسی نبوده و اغلب رشته‌هایی چون مردم‌شناسی، جمعیت‌شناسی و ارتباطات اجتماعی نیز در این دانشکده‌ها تدریس می‌شوند. یعنی در عمل درک عرفی از علوم اجتماعی شامل رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی و رشته‌های هم‌جواری است که مردم‌شناسی، جمعیت‌شناسی و ارتباطات اجتماعی مهم‌ترین آنها هستند.

بر اساس گزارش علوم اجتماعی جهانی[1] (۱۹۹۹) که توسط یونسکو[2] منتشر می‌شود «چنین تفاوت‌هایی در تعریف شاخه‌ای از دانش که بر مطالعهٔ علمیِ جامعه و افراد به‌عنوان موجودات اجتماعی متمرکز است، موضوعی درجه دوم است؛ هر چند هر کدام تصویری تار ارائه می‌دهند. اساساً بحث در مورد نام‌گذاری و اصطلاحات، مسئلهٔ کاهش تعریف علوم اجتماعی به فهرستی از رشته‌های اساسی از جمله جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جمعیت‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، زبان‌شناسی و علوم حقوقی را مطرح می‌کند. بدون شک تفکیک رشته‌ها بخشی از تلاش علمی است و دارای ارزش اکتشافی و آموزشی است. هم‌چنین واضح است که یک دانشمند علوم اجتماعی شایسته شخصی است که دارای سطح بالایی از آموزش و تخصص در یکی از رشته‌های اصلی است، بدون آن نمی‌تواند از مرزهای بین‌رشته‌ای عبور کند تا با سایر متخصصان همکاری کند. با این وجود، در خط مماس علمی، در تحقیقات پیشرفته، که میان‌رشته‌ای بودن یا فرارشته‌ای بودن ضروری است، تئوری‌ها و روش‌های رشته‌های مختلف را با توجه به ماهیت تحقیق ترکیب می‌کند».

به‌طور خلاصه، اصطلاح علوم اجتماعی عموماً رشته‌های دانشگاهی را دربر می‌گیرد که به‌طور نظری و تجربی پدیدهٔ رفتارهای انسانی و اجتماعی را بررسی می‌کنند و ساختار و کارکرد وابستگی متقابل نظام‌ها و نهادهای اجتماعی و همین‌طور تأثیر و تأثر با کنش‌ها و رفتارهای افراد را تحلیل می‌کنند. بنابراین، علوم اجتماعی شامل علوم ارتباطات و اطلاعات، علوم فرهنگی (انسان‌شناسی و قوم‌شناسی)، جمعیت‌شناسی، اقتصاد، آموزش، جغرافیا، تاریخ، حقوق، علوم مدیریت، علوم سیاسی، روان‌شناسی، مدیریت عمومی و جامعه‌شناسی می‌شود (مینش و همکاران، ۲۰۱۲).

تفکیک رشته‌های مختلف علوم اجتماعی بر اساس دغدغه‌های ذاتی آن‌ها و نیز روش‌های تحقیق هر کدام صورت می‌گیرد. حیات همهٔ آن‌ها بستگی به «روش علمی» دارد، بدین‌معنا که به دنبال قابلیت پذیرش عمومی و تبدیل شدن به دانش جمعی هستند. علاوه بر تفکر و تعمق راجع به سرشت این علوم، مطالعات تجربی فرضیات و برآورد کمّی برخی متغیرها بخشی جدایی‌ناپذیر از این علوم هستند. البته، آزمایش به گونه‌ای که در علوم فیزیکی و زیستی مرسوم است، در علوم اجتماعی حضور ندارد. فقط در روانشناسی مقادیر قابل‌توجهی آزمایش انجام شده است. ... رشته‌ها و حرفه‌های حقوق، پزشکی، مهندسی، مددکاری اجتماعی، روزنامه‌نگاری،

1 *World Social Science*
2 *UNESCO*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

آموزش در زمرهٔ نهادهایی هستند که دانش علوم اجتماعی در آن‌ها به‌طور روزمره می‌تواند در عمل به‌کار گرفته شود (بنیاد ملّی علوم آمریکا[1]، ۱۹۶۹).

در یک تقسیم‌بندی دیگر، علوم اجتماعی به کلاسیک و کاربردی تقسیم شده و برای هر یک حوزه و وظایفی تعریف می‌شود که برای مطالعهٔ دامنهٔ وسیع و متنوعی از پدیده‌های اجتماعی، فرایندهای اجتماعی و ویژگی‌های فردی به‌کار می‌روند. رشته‌های علوم اجتماعی کلاسیک شامل جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم سیاسی، جغرافیا، اقتصاد، تاریخ و روان‌شناسی است. علوم اجتماعی کاربردی نیز رشته‌های آموزش، ارتباطات، توسعه و حقوق را دربر می‌گیرد. اگرچه رشته‌های هنر و دانش انسانی جزء علوم اجتماعی نیستند، اما اغلب تحلیل‌های انتقادی راجع به فرایندها و پدیده‌های اجتماعی ارائه می‌دهند و به‌همان نسبت دارای نظریه‌ها و روش‌هایی جهت مشاهدات تجربی هستند (بنت و همکاران، ۲۰۱۷).

۱-۱-۲. موضوع علوم اجتماعی

اگر از مسئله حدود و ثغور علوم اجتماعی بگذریم مسئله دیگری، که رسیدن به پاسخی ولو اجمالی، که لازمه هرگونه درک و دریافت واقع‌گرایانه از علم اجتماعی است، محتوا و روحی است که در درون این حدود و ثغور جاریست. سؤال اصلی در این زمینه این است که موضوع موردمطالعه علم اجتماعی چیست و یا اینکه از چه چیزی سخن می‌گوید؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان به منازعه‌ای اشاره کرد که بنیانگذاران جامعه‌شناسی با رشته‌های پیرامونی خود داشته و جامعه‌شناسی خود محصول چنین منازعه‌ای بوده است. این منازعه که می‌توان از آن تحت عنوان منازعه تأسیس یاد کرد اشاره به مباحث و تلاش‌هایی دارد که افرادی چون دورکیم[2] با طرح آنها به دنبال اثبات این موضوع بودند که جامعه‌شناسی همچون دیگر رشته‌های علمی دارای موضوع منحصربه‌فرد و خاص خود است و این موضوع در حیطه عمل هیچ یک از رشته‌های علمی موجود نیز قرار ندارد. روی سخن دورکیم بیش از هر رشته‌ای با روانشناسان بود. زیرا موضوعی چون جامعه و امر اجتماعی بیش و پیش از هر چیز در تقابل با فرد و امر فردی قرار می‌داد. دورکیم می‌کوشید تا نشان دهد که چیزی به نام امر اجتماعی وجود دارد و مستقل از امر فردی و یا مجموع امور فردی با هم است. او تحلیل و تبیین پدیده‌های اجتماعی را بدون توجه به عوامل اجتماعی ناممکن می‌دانست و معتقد بود که هر امر اجتماعی را صرفاً باید با اتکا به امر جمعی دیگری تبیین کرد. مثلاً او نرخ‌های متفاوت خودکشی در جوامع مختلف را با نرخ‌های متفاوت همبستگی اجتماعی در آن جوامع تبیین می‌کرد. به عبارتی ساده‌تر او معتقد بود علت‌های وقوع پدیده‌های اجتماعی در دسته‌ای از متن‌های اجتماعی قابل‌شناسایی است که آن پدیده از آن برخاسته است. دیگر بنیانگذاران همچون مارکس و وبر نیز رویکرد مشابهی به فهم پدیده‌های اجتماعی داشتند. مثلاً مارکس انواع شکل‌بندی‌های اجتماعی و نظام‌های فکری جوامع مدرن را متأثر از اقتصاد سیاسی یا زیرساخت‌های اقتصادی اجتماعی آن جوامع می‌دانست و وبر معتقد بود پدیده‌ای چون سرمایه‌داری با ارجاع به نظام‌های فکری و ارزشی چون پروتستانتیسم قابل‌فهم هستند.

جامعه‌شناسی از همان ابتدا در ترسیم مرزهای خود با دیگر حوزه‌های دانشی تأکیدی تام و تمام بر زمینه‌ها و به عبارتی متن[3]های اجتماعی پدیده‌های جهان زندگی داشت و در ادامه با مفاهیم کم و بیش مشابهی، که از رایج‌ترین آنها می‌توان به ساختار و یا ساخت[4] اشاره کرد، به بررسی متن‌های اجتماعی پدیده‌های جهان زندگی پرداخت. این تأکید باعث شد تا ساختارگرایی تا مدت‌های مدید رویکرد اصلی بسیاری از کسانی باشد که خود را جامعه‌شناس می‌نامیدند و در مقاطعی از تاریخ علوم اجتماعی سایه ساختارگرایی چنان بر سر این علوم سنگین شد که نامدارانی چون تالکوت پارسنز[5] آشکارا خود را جبرگرای فرهنگی نامیدند. رویکردی که معتقد

---

۱ *National Science Fundaiton*

2 *Durkheim*

۳ منظور از متن *context* است نه *text*، زیرا *text* اشاره به بافتار دارد اما *context* اشاره به شرایط محیطی یک پدیده دارد.

4 *structure*

5 *Parsons, T.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

بود در معادله فرد و جامعه افراد تحت تأثیر فلج‌کننده جامعه و ساختارهای آن هستند. در این رویکرد موضوع اصلی موردمطالعه بدون هیچ‌گونه تردیدی ساختارهای اجتماعی بودند.

بااین‌حال و از همان ابتدا صداهایی در اعتراض بر استیلای تام و تمام ساختارها بر تحلیل پدیده‌های اجتماعی وجود داشت. افرادی چون وبر با طرح مسئله معنا در کنش اجتماعی سرآغاز نوعی تفکر در علم اجتماعی شدند که سرانجام تحت عنوان کنش متقابل اجتماعی در برابر ساختارگرایان قد علم کردند. کنشگرایان معتقد بودند که ساختارها محصول کنش متقابل و پایدار اجتماعی افراد هستند نه بالعکس. ازاین‌رو فردِ در کنش با دیگران تبدیل به موضوعی دیگری برای مطالعه علم اجتماعی شد. دیدگاه کنش متقابل نمادین[1] و افرادی چون هربرت مید و هربرت بلومر از مهم‌ترین صاحبنظران و سخنگویان آن در علوم اجتماعی به‌شمار می‌روند.

اگرچه منازعه فرد و جامعه منازعه‌ای همچنان زنده و جاری است و هنوز به نفع یکی یکسره نشده و به نظر نمی‌رسد که اصولاً یکسره شدنی هم باشد، با این وجود، برخی جامعه‌شناسان سعی کردند با عبور از این منازعه و با حرکت بر فراز دوگانه‌هایی این‌چنینی دستور کار جدیدی برای جامعه‌شناسی بنویسند که عمدتاً تحت عناوینی چون دیدگاه‌های تلفیقی از آنها نام برده می‌شود و از مهم‌ترین آنها می‌توان به جامعه‌شناسانی چون آنتونی گیدنز (با نظریه ساختاریابی[2])، پیر بوردیو[3] (با ساخت‌گرایی تکوینی[4])، نوربرت الیاس (با جامعه‌شناسی فرایندی[5]) اشاره کرد. هر یک از این دیدگاه‌ها مدعی نجات جامعه‌شناسی از دوگانه‌انگاری‌هایی است که فهم پدیده اجتماعی را دچار اختلال می‌کنند. بااین‌حال و با فرض حل مشکل دوآلیسم در جامعه‌شناسی، توسط این دیدگاه‌های تلفیقی، هنوز مشکلات دیگری فراروی رسیدن به درکی قانع‌کننده از این حوزه علمی است که در دیدگاه‌های افرادی چون برونو لاتور[6] ظهور و نمود پیدا کرده است. بر اساس طرح مسئله لاتور به نظر می‌رسد که کنشگران اصلی حوزه معرفت جامعه‌شناسانه تا کنون آنانی بوده‌اند که وجه مشترک آنها انسانی بودن آنهاست. کنشگران علوم اجتماعی یا بدون هیچ واسطه‌ای انسان‌ها هستند و یا ساختارهایی که انسان‌ها در درون آنها به ایفای نقش می‌پردازند. علم اجتماعی تا امروز به‌مثابه علمی عمل کرده که انسان‌ها و جوامع انسانی موضوعات منحصربه‌فرد آن بوده‌اند. در چنین چارچوبی واقعیات اجتماعی محصول کنش کنشگران اجتماعی هستند و به عبارتی در این زمینه عاملیت منحصر به انسان‌ها بوده است. بر اساس این رویکرد برساخت اجتماعی واقعیت دارای ساختاری نامتقارن است. اما در سال‌های اخیر و در کارهای کسانی چون لاتور، لا، ولگار و کالن[7] یک اصل تقارن تعمیم‌یافته مطرح می‌شود که ظاهراً از هر جهتی از رویکردهای قبلی خود متقارن‌تر است. آنها معتقدند باید کنشگری و بازیگری از انسان به غیر انسان هم تعمیم داده شود و نقش انسان و غیر انسان در علم و فناوری به شکلی متقارن بررسی و مطالعه شود (میرساردو و ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۷). لاتور تصریح می‌کند عواملی که در گذشته تحت عنوان «قلمرو اجتماع» مطرح می‌شدند صرفاً برخی از آن عناصری هستند که در آینده تحت آن چه جمع، و نه جامعه، می‌خوانیم تجمع می‌یابند (تقوی، ۱۳۷۸). در این نگاه که به دیدگاه کنشگر ـ شبکه[8] شناخته شده کنشگران اجتماعی لزوماً انسان‌ها نیستند و موجوداتی چون تکنولوژی‌ها، و در یک برداشتِ کلی‌تر ناانسان‌ها، فقط تحت تأثیر پدیده‌های اجتماعی نبوده بلکه قدرت تأثیرگذاری اجتماعی بر جهان زندگی انسان‌ها را نیز دارند.

به‌طور خلاصه، علوم اجتماعی بر گونه‌های متنوعی از پدیده‌های اجتماعی (بازارها، حکمرانی، سیاست، فرهنگ، جمعیت، ایده‌ها، روایت‌ها، توسعه، اقتصاد اجتماعی، بهزیستی و ...)، فرایندهای اجتماعی (سازمان‌های اجتماعی، سیاست‌گذاری، آموزش، بازاریابی، توسعه محلی، و ...) یا ویژگی‌های فردی (ارزش‌ها، باورها، دانش، انگیزه‌ها، ترجیحات، ادراکات و رفتارها) تمرکز می‌کنند (شکل ۱-۱). در به‌کارگیری علوم اجتماعی، تشخیص این نکته حائز اهمیت است که در همهٔ موضوعات ارائه‌شده در این شکل بر نظریهٔ

1 *Symbolic Interaction*
2 *Structuration Theory*
3 *Bourdieu, P.*
4 *Genetic structuralism*
5 *Process Sociology*
6 *Latour, B.*
7 *Latour, Lau, Wolgaar& Calen*
8 *Network-Actor Theory*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

اجتماعی محرز و اثبات‌شده‌ای استواراند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. برای مثال، مردم‌شناسی شناخت فرهنگ مردم برای اعمال حکمرانی توصیه‌شده توسط علوم سیاسی است و شایسته است که پژوهشگران هنگام طراحی پروژه‌های پژوهشی جدید آن را در نظر بگیرند. به دلایل متعددی، برخی از حوزه‌های نظریهٔ اجتماعی کاربرد بیشتری در حیطهٔ مطالعات محیط زیست و انرژی داشته‌اند؛ برای مثال اقتصاد (بالم‌فورد[1] و همکاران، ۲۰۰۲؛ تالیس و همکاران، ۲۰۰۸)، فرهنگ (پیلگریم و پرِتی[2]، ۲۰۱۰؛ ترنر و همکاران، ۲۰۰۳)، رفتار (کلایتون و میِرز[3]، ۲۰۱۵؛ شولتس[4]، ۲۰۱۱)، قدرت و عدالت (بروکینگتون[5] و همکاران، ۲۰۰۸؛ مارتین و همکاران، ۲۰۱۳) و حکمرانی (آرمیتاژ[6] و همکاران، ۲۰۱۲؛ بورینی ـ فایِرابند و هیل[7]، ۲۰۱۵؛ لاک‌وود[8]، ۲۰۱۰) (به نقل از بنت و همکاران، ۲۰۱۷).

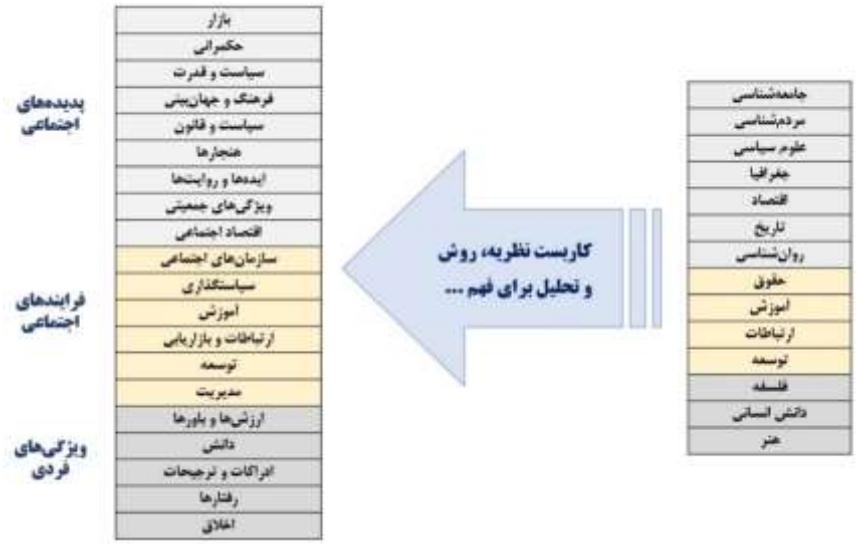

شکل ۱-۱: علوم اجتماعی و انسانی و موضوعات مرتبط (بنت و همکاران، ۲۰۱۷)

پژوهش‌های علوم اجتماعی را می‌توان بر روی موضوعاتی با سطوح مختلف فردی، محلی، ملی و جهانی طراحی نمود و در هر سطحی دانشمندان علوم اجتماعی بر موضوعات پژوهشی و نظریه‌های مختلفی تمرکز می‌کنند. به‌عنوان نمونه در سطح فردی دانشمند علوم اجتماعی ممکن است ارزش‌ها، باورها و رفتارهای فردی مرتبط با مصرف انرژی (برق) را مطالعه کند؛ و در سطح جهانی ممکن است چگونگی تأثیر روایت‌ها و ایده‌ها بر توافق‌های بین‌المللی در تولید و تبادل انرژی را موردبررسی قرار دهد. هم‌چنین می‌توان پدیده‌های اجتماعی را به‌طور همزمان در چند سطح مختلف مطالعه کرد؛ برای نمونه، دانشمندان علوم اجتماعی ممکن است بررسی کنند که چگونه تغییر در بازارها، سیاست‌ها و ویژگی‌های جمعیتی در مقیاس کلان یا ملی بر سیاست‌گذاری محلی یا پیامدهای اقتصاد اجتماعی تأثیر می‌گذارد (شکل ۱-۲).

1 *Balmford*
2 *Pilgrim and Pretty*
3 *Clayton and Meyers*
4 *Schultz*
5 *Brckington*
6 *Armitage*
7 *Borrini-Feyerabend and Hill*
8 *Lockwood*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

بخش‌ها	مقیاس‌ها	موضوعات
جامعه جهانی، سازمان‌های مردم‌نهاد، سیاست‌های بین‌المللی، اتحادیه‌ها	جهانی و منطقه‌ای	ایده‌ها، فلسفه‌ها، بهترین اقدامات، روایت‌ها، حکمرانی، ویژگی‌های جمعیتی، نظریه، بازارها، توافق‌های جهانی
سیاستمداران، قانونگذاران، اژانس‌های دولتی، بخش‌های وابسته به منابع، جامعهٔ مدنی، دانشمندان، شبکه‌ها	ملی	حقوق و سیاست، علوم سیاسی، فرایندهای برنامه‌ریزی، مذاکره، مشغولیت (درگیری) اجتماعی، فرایندهای مدافعه
دولت‌های محلی، نواحی حفاظت‌شده، دایره‌های مدیریتی، اجتماعات، مشترکان، کاربران، گروه‌ها، خانواده‌ها، افراد	محلی و فردی	سیاستگذاری، مدیریت، توسعه محلی، امرار معاش، اقتصاد اجتماعی، فرهنگ‌ها، رفتار، انگیزه‌ها، ارزش‌ها، ادراکات

شکل ۱-۲: بخش‌ها و موضوعات پژوهش علوم اجتماعی در مقیاس‌های مختلف (بنت و همکاران، ۲۰۱۷)

پژوهشگران علوم اجتماعی اهدافی چون فهمیدن، تبیین، نظریه‌پردازی، ساختارشکنی، پیش‌بینی، تصور و برنامه‌ریزی در حوزهٔ انرژی (برق) را دنبال می‌کنند. اول، دانشمندان علوم اجتماعی می‌توانند پدیده‌های اجتماعی، فرایندها و ویژگی‌های فردی را با بررسی این مسئله که یک رویداد چرا و چگونه رخ می‌دهد، فهم و تبیین کنند. دوم، همانند دانشمندان علوم طبیعی، دانشمندان اجتماعی به توسعهٔ نظریه‌های جدید و یا آزمودن نظریه‌های موجود تمایل دارند. برای مثال، دانشمندان علوم اجتماعی ممکن است بپرسند «عوامل مرتبط با فعالیت‌های غیرقانونی در حوزه برق کدام‌اند؟»، «کدام مقدمات و سازوکارهای حکمرانی به مصرف بهینه برق منجر می‌شوند؟» یا «چه موقع پول می‌تواند افراد را به مشارکت بیشتر در حکمرانی مؤثر انرژی (برق) تشویق کند؟» و به این‌منظور از نظریه‌های حقوق، حکمرانی یا اقتصاد رفتاری کمک بگیرند.

سوم، دانشمندان علوم اجتماعی ممکن است با هدف ایجاد راه‌حل‌های جدید به‌دنبال شکستن ساختارهای موجود باشند. برای مثال می‌توان مطالعات اجتماعی انتقادی زیادی در مورد نابرابری، عدالت محیطی، عدالت در دسترسی به انرژی و ... انجام داد که هدف آن‌ها انتقاد و رهاسازی از شرایط اجتماعی و محیطی غیرقابل‌قبول باشد. چهارم، دانشمندان علوم اجتماعی می‌توانند از طریق مدل‌سازی و پیش‌بینی شرایط اجتماعی و/ یا اقتصادی روندهای آینده را پیش‌بینی کنند. سرانجام، علوم اجتماعی ممکن است برای تصویرسازی آیندهٔ مطلوب یا برنامه‌ریزی و شناسایی سلسله اقداماتی جهت بهبود سیاست‌ها، برنامه‌ها و پیامدهای اجتماعی به‌کار گرفته شوند. البته، این اهداف مختلف علوم اجتماعی غالباً در عمل هم‌پوشانی دارند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت منظور از ابعاد اجتماعی و فرهنگی، که موضوعات کانونی مطالعه و بررسی علوم اجتماعی هستند، ساختارهایی هستند مانند فرهنگ و یا نهادهایی که ممکن است سازوکاری محدودکننده و یا تسهیلگرانه‌ای که در زندگی اجتماعی و فردی داشته باشند. برای مثال شناخت جوامع محلی در عرصه و حریم نیروگاه‌ها و شبکه‌های انتقال (ابعاد جمعیت‌شناختی، دانش بومی، سنت‌های مشارکتی)، نقش نهاد خانواده در صرفه‌جویی مصرف انرژی، تعامل مشترکین و متولیان تأمین برق (روش‌های ارتباطی، جلب مشارکت، بیان مطالبات اجتماعی)، پیامدهای ساخت نیروگاه برق بر مهاجرت مردم و یا تخریب میراث فرهنگی و تغییر و تحولاتی که بر اثر برق‌رسانی در رفاه و سبک زندگی مردم مناطق روستائی ایجاد می‌گردد، از جمله موضوعاتی است که در حیطه مباحث اجتماعی و فرهنگی صنعت برق و انرژی قابل‌مطالعه است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱-۱-۳. روش‌های علوم اجتماعی

ازآنجاکه علم اجتماعی عمری به نسبت کوتاه در مقایسه با سایر علوم دارد، هنوز هم بخشی مهم از تلاش‌های جامعه علمی علوم اجتماعی مصروف پاسخ به این شبهه می‌شود که آیا آنچه که اصطلاحاً علوم اجتماعی نامیده شده است علم است؟ این شک چنان در علم اجتماعی ریشه‌دار است که اگوست کنت[1] برای رفع آن علمی را که امروز جامعه‌شناسی می‌نامیم، فیزیک اجتماعی نامید. مفاهیمی مثل واقعیت اجتماعی دورکیم و ساختار اجتماعی نزد جامعه‌شناسانی چون پارسنز اشاره به این داشتند که موضوع موردمطالعه جامعه‌شناسی چیزی مستقل از افراد و اراده و آگاهی آنان است. این برداشت به آنها اجازه می‌داد تا با طرح این نکته که واقعیات اجتماعی و ساختارها همچون جهان فیزیکی، که محدودیت‌ها و شرایط خود را بر ما تحمیل می‌کنند، دارای اجبارهایی ورای امیال و اراده ما هستند و ازاین‌رو می‌توان مشابهت‌هایی را بین جهان اجتماعی و فیزیکی پیدا کرد و بر اساس همین مشابهت‌ها هم می‌توان مدعی مشابهت در روش پژوهش این دو حوزه شد. این شباهت‌ها و واقعیتِ پیشگامی علومِ فیزیک در تاریخ علم، بسیاری از علمای علوم اجتماعی را به این باور رساند که اگر علوم اجتماعی سودای رسیدن به و شأن و اعتبار علمی در سر می‌پروراند باید از همان روش‌هایی استفاده کند که امتحان خود را در علوم فیزیک پس داده‌اند. در چنین فضایی عجیب نیست که مدعی شویم قریب به اتفاق کتاب‌های روش تحقیق در علم اجتماعی نسخه‌های بدلی همان کتاب‌هایی از آب در آمدند که فیزیکدانان و شیمی‌دانان و دیگر روش‌شناسان علوم دقیقه قبلاً نوشته بودند. یکسان‌پنداری موضوع علوم اجتماعی و علوم فیزیک از همان سال‌های ابتدایی شکل‌گیری علوم اجتماعی اسباب نارضایتی بسیاری را فراهم آورد و این ناخرسندی بیش و پیش از همه در دیدگاه‌های دو جامعه‌شناس آلمانی، یعنی ماکس وبر و جورج زیمل، ظهور و بروز یافت. وبر با طرح جامعه‌شناسی تفهمی‌خود نشان داد که معنا عنصر اساسی کنش اجتماعی است درحالی‌که جست‌وجوی چنین چیزی در رفتار یک سنگ و یا هر یک از عناصر شیمیایی ناممکن است. بسط چنین ایده‌هایی در حوزه تفکر علم اجتماعی کم کم این ایده را به اذهان متبادر کرد که ازآنجاکه موضوع علم اجتماعی با علوم فیزیک دارای تفاوت ماهوی است باید در روش‌ها نیز این تفاوت‌ها را لحاظ کرد. علاوه بر این جامعه‌شناسانی چون هابرماس[2] با طرح اهداف و علایق متفاوت علوم فیزیک و علم اجتماعی به ایده ضرورت به‌کارگیری سازوکارها و یا روش‌های متفاوت در رسیدن به این ایده‌های متفاوت قوت بخشیدند. هابرماس معتقد است هدف علوم فیزیک استیلا بر موضوع موردمطالعه و در نهایت کنترل و مدیریت رفتارهای آن است، درحالی‌که هدف علم اجتماعی نه استیلا و سرکوب و مدیریت که رهاسازی اعضای جامعه از سلطه است. ازاین‌رو در پژوهش‌های اجتماعی درنظر گرفتن و ملاحظهٔ سوژهٔ پژوهش و ویژگی‌های آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

ملاحظات مهم در طراحی پژوهش‌های علوم اجتماعی عبارت‌اند از: ۱) در انجام پژوهش با چه کسی/کسانی باید همکاری کرد، ۲) چه روش‌هایی باید استفاده شود و ۳) داده‌ها چگونه تحلیل می‌شوند (بنت و همکاران، ۲۰۱۷). در مورد سؤال اول، برخی دانشمندان علوم اجتماعی ممکن است سؤالات، روش‌ها و دستورالعمل‌های پژوهش را با همکاری گروه‌ها، سازمان‌ها یا اجتماعات انتخاب کنند تا تضمین کنند پروژهٔ آن‌ها نیازهای آن‌ها را دربر می‌گیرد و باعث تسهیل اقدام یا تغییر سیاسی می‌شود. برخی دیگر، ممکن است جهت حفظ بی‌طرفی و یا مشارکت در یک نظریهٔ تعمیم‌پذیر پژوهش را با فاصله از دیگران (بدون همکاری با گروه، سازمان یا اجتماع خاص) انجام دهند. در مورد سؤال دوم، جهت فهم ابعاد مختلف برق و انرژی، دامنهٔ وسیع و متنوعی از روش‌ها به‌کار می‌رود که به شیوه‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند. در اینجا، این روش‌ها در چند طبقه گروه‌بندی شده‌اند: کیفی، کمّی، مشارکتی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، ارزیابانه، فضایی، تاریخی و فراتحلیلی (جدول ۱-۱) (بنت و همکاران، ۲۰۱۷). باید تأکید نمود که همهٔ این روش‌ها بینش‌های مهم و خاصی فراهم می‌کنند، درحالی‌که باید این را هم بپذیریم که هر روشی مزایا و اشکالات خود را دارد. برای غلبه بر محدودیت‌های هر یک ازاین‌روش‌ها، استفاده از چندین روش یا روش تلفیقی (آمیخته) در علوم اجتماعی امری

1 *Comte, A.*
2 *Habermas*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

متداول است، همان‌طور که فنون تحلیلی کیفی و کمی با هم در مورد داده‌های مشابه به‌کار می‌رود. هم‌چنین مثلث‌سازی روش‌شناختی ـ هدایت پژوهش با استفاده از دامنهٔ متنوعی از روش‌ها و متمرکز بر افراد و دیدگاه‌های مختلف ـ می‌تواند اعتبار نتایج را تضمین کند و نیز به ظهور چشم‌اندازهای مختلف در مورد یک موضوع کمک نماید.

جدول ۱-۱: روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی و نمونه‌های عملی آن

روش‌ها	نمونه‌هایی از روش‌های علوم اجتماعی
کیفی	مصاحبه، گروه کانونی، مشاهده مشارکتی، تحلیل گفتمان و مضمون، تحلیل اسناد، مردم‌نگاری، استخراج تصویر، تحلیل نهادی، مطالعهٔ موردی، تحلیل تطبیقی، تحلیل تصویر
کمی	پیمایش، ارزیابی اقتصادی، تحلیل هزینه ـ فایده، مدل‌سازی، آزمایش‌های آزمایشگاهی و میدانی
مشارکتی	روش‌های تسهیل گروهی (گروه‌های صوری، فرایند دلفی)، پژوهش اجتماع‌محور (تقویم‌های سنتی، رتبه‌بندی گروهی)، روش کنش مشارکتی، روش‌های مبتنی بر هنر (عکس، صدا یا ویدئوی مشارکتی)
برنامه‌ریزی	پس‌نگری، تصویرسازی ذهنی، برنامه‌ریزی سناریو، تصمیم‌گیری ساختاری، مدل‌سازی اقتصادی
ارزیابی	پایش و ارزیابی، تحلیل سیاست، تحلیل موردی، تفسیر قانونی (تفسیر موضوعی)، ارزیابی تأثیرات اجتماعی
مکانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (*GIS*)، سیستم اطلاعات جغرافیایی تاریخی (*HGIS*)، نقشه‌برداری اجتماع‌محور
تاریخی	تحقیقات بایگانی (آرشیوی)، تاریخچه چشم‌انداز، تاریخ شفاهی، *HGIS*
فرا تحلیلی	فراتحلیل، مرور سیستماتیک (منظم)، تحلیل تطبیقی کیفی

مأخذ: (بنت و همکاران، ۲۰۱۷)

در مورد سؤال سوم، نتایج تحقیقات علوم اجتماعی را می‌توان به روش‌های استقرایی[1]، قیاسی[2]، پس‌کاوی[3] و استفهامی[4] تحلیل کرد. در استراتژی «استقرایی» نظریه از جمع‌آوری داده‌ها آغاز و با توصیف‌های انتزاعی یعنی تعمیم‌ها به پایان می‌رسد. در این روش گزاره‌های کلی به صورت شبکه‌هایی به هم مربوط می‌شوند. استقراگرایان در جستجوی قوانین جهان زندگی اجتماعی‌اند. در روش «قیاسی»، نظریه عکس استقرایی است. به جای آنکه نظریه نتیجهٔ نهایی پژوهش باشد، باید در همان آغاز پژوهش تولید شود؛ چه با اقتباس چه با ابداع نظریه به شکل یک استدلال قیاسی در می‌آید. وظیفهٔ پژوهش این است که نظریه‌ها را به آزمون بکشد، معلوم کند که آیا آنچه نظریه بیان می‌کند با داده‌های موجود انطباق دارد یا نه؛ بنابراین لازم است یک یا چند فرضیه جمع‌آوری شود. در استراتژی قیاسی گزاره‌ها رابطهٔ منطقی با هم دارند و سطح کلیت آن‌ها با هم تفاوت دارد. در «پس‌کاوی»، نظریه یا تبیین از طریق اثبات موجودیت ساختار یا مکانیسم فرضیه‌پردازی شده‌ای حاصل می‌شود که مسئول ایجاد توالی منظم مورد مشاهده است. پس‌کاوی تنها مستلزم توصیفی از مکانیسم یا ساختار مولد است، اما ممکن است مستلزم استدلال‌هایی برای اثبات عملکرد آنها باشد و این استدلال‌ها می‌توانند به شکل یک استدلال نظری درآیند. در استراتژی «استفهامی» نظریه می‌تواند صورت‌های متعددی داشته باشد، از استدلال‌های منطقی مستحکم گرفته تا بحث‌های کلی و منعطف. در اینجا، نظریه و پژوهش در هم تنیده‌اند. داده‌ها و تصورات نظری در فرایندی تکوینی و خلاق دوشادوش یکدیگر به پیش می‌روند و توالی‌های منظمی که در آغاز یا جریان پژوهش کشف می‌شوند پژوهشگر را به طرح پرسش‌ها و جستجوی پاسخ‌ها ترغیب می‌کند. پژوهش گفتگویی میان داده‌ها و نظریه است که پژوهشگر میانجی یا مترجم این گفتگوست. داده‌ها در پرتو نظریه‌ای که در حال تکوین است تفسیر و بازتفسیر می‌شوند تا تبیین رضایت‌بخش با اشباع نظری حاصل آید و پاسخ‌های متقاعدکننده‌ای به پرسش‌ها داده شود (بلیکی، ۱۳۸۴).

1 *Inductive*
2 *Deductive*
3 *Retroductive*
4 *Abductive*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جمع‌بندی

در این فصل علوم اجتماعی، دامنه، موضوع و روش‌های آن موردبررسی قرار گرفت. علوم اجتماعی به‌عنوان رشته‌های دانشگاهی تعریف می‌شود که به‌طور نظری و تجربی پدیدهٔ رفتارهای انسانی و اجتماعی را بررسی می‌کنند و ساختار و کارکرد وابستگی متقابل نظام‌ها و نهادهای اجتماعی و همین‌طور تأثیر و تأثر با کنش‌ها و رفتارهای افراد را تحلیل می‌نمایند. پدیده‌های اجتماعی، فرایندهای اجتماعی و ویژگی‌های فردی متأثر از این عوامل موضوعات اصلی علوم اجتماعی هستند که می‌توانند در سطوح محلی و فردی، ملی و جهانی موردبررسی قرار گیرند و این بررسی با روش‌های مختلف کمّی (پیمایش، تحلیل هزینه ـ فایده و ...)، کیفی (مصاحبه، تحلیل گفتمان و ...)، مشارکتی، تاریخی، فراتحلیلی و ... انجام می‌گیرد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱-۲. ابعاد و ماهیت حکمرانی

مقدمه

یکی از پیش‌فرض‌ها و بینش‌های اصلی کتاب حاضر این است که «حکمرانی»[۱] یکی از مهم‌ترین عوامل فعال‌سازی یا تضعیف اثربخشی سیاست‌های تدوین‌شده در هر یک از عرصه‌های زندگی مردم است (بنت و تری ستیرفیلد[۲]، ۲۰۱۸). تولید و تأمین، توزیع، مدیریت مصرف و حفظ منابع برق و انرژی یکی از عرصه‌های اصلی تحت تأثیر حکمرانی است. ازاین‌رو بررسی حکمرانی و ابعاد آن و نسبت آن با مدیریت و سایر حوزه‌های تصمیم‌سازی و کنش می‌تواند به روشن‌تر شدن دامنهٔ موضوع کمک کند. در این فصل مفهوم حکمرانی، مؤلفه‌های حکمرانی و اهداف، ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و پیامدهای آن موردبحث قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱. مفهوم حکمرانی

امروزه واژه حکمرانی تبدیل به اصطلاحی رایج در رشته‌های علمی مختلف از قبیل علوم سیاسی، حقوق، مدیریت عمومی، اقتصاد، جامعه‌شناسی و تاریخ شده است (کرسبرگن و واردن[۳]، ۲۰۰۴). این اصطلاح حداقل دارای شش معنای متفاوت است: دولت حداقلی، حکمرانی شرکتی، مدیریت عمومی جدید، حکمرانی خوب، نظام اجتماعی سایبرنتیک و شبکه‌های خودسازمان‌ده (رودس، ۱۹۹۶). مشکلاتی مانند فساد در ساخت و اجرای زیرساخت‌های انرژی، بهره‌برداری از تجهیزات انرژی، فروش خدمات به مصرف‌کنندگان و شیوع تلفات غیر فنی (سرقت) انرژی توسط کسانی که توانایی پرداخت هزینه‌های آن را ندارند، یا برای دسترسی به خدمات انرژی راه‌های غیر قانونی را انتخاب می‌کنند، اغلب نقاط ورود موضوع حکمرانی به بحث انرژی بوده است (سمیث، ۲۰۰۴؛ دپورو و همکاران، ۲۰۱۱؛ تاسدوون و همکاران، ۲۰۱۱ و جمیل، ۲۰۱۳).

به احتمال زیاد «حکومت»[۴] یکی از نزدیک‌ترین واژه‌ها به چیزی است که «حکمرانی» نامیده می‌شود. این نزدیکی باعث شده تا بسیاری معنای این دو را نیز یکسان تلقی کرده و در عمل از این دو واژه به جای هم استفاده کنند. این در حالی است که در ادبیات تخصصی این بحث از حکمرانی عمدتاً برای اشاره به اشکال جدید حکومت استفاده می‌شود. حکمرانی با اشکال قدیمی‌تر حکومت از آن جهت متفاوت است که عاملان مدیریت تنها بخش عمومی نیستند، بلکه بخش‌های خصوصی و داوطلب نیز در حوزهٔ مدیریت وارد می‌شوند. تا آنجا که فریمن[۵] (۲۰۰۰) از حکمرانی به‌عنوان رابطه‌ای مبتنی بر مذاکره میان بازیگران عمومی و خصوصی یاد می‌کند که، از طریق آن، این بازیگران دربارهٔ سیاست‌گذاری و شیوه‌های اجرا و پیاده‌سازی گفتگو می‌کنند و در نتیجه، منجر به تمرکززدایی از فرایند تصمیم‌گیری می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد که حکمرانی مقوله‌ای متفاوت از حکومت باشد.

درحالی‌که حکومت به مجموعه سازمان‌ها و افرادی گفته می‌شود که قدرت تدوین مقررات، قانون‌ها، قضاوت و اجرای آن را دارد و کارکرد اصلی آن، بسیج منابع، اداره منظم و هدایت و کنترل عمل عمومی در جامعه است، حکمرانی به مدیریت قدرت، نحوه تصمیم‌گیری‌های جمعی و شیوه اعمال تصمیمات باز می‌گردد که موجب اقتدار حکومت می‌شود. پس اگر حکومت به نمایندگی جامعه تصمیم می‌گیرد و اقدام می‌کند، حکمرانی با جامعه تصمیم گرفته و مشارکتی عمل می‌کند. حکمرانی شامل قوای سه‌گانه حکومت (مجریه، مقننه و قضائیه)، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. افزون بر این معنای حکمرانی، همچون هر مفهوم دیگری

---

۱ *governance*

۲ *Bennet, N. J. and Terre Satterfield, T*

۳ *Kersbergen, K. & Warrden, F.*

۴ *government*

5 *Freeman*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ریشه در زمینه و زمانه اجتماعی و فرهنگی خود دارد. بر این اساس و در دنیایی که مدرنش خوانده‌اند حکمرانی در عمل مفهومی برآمده از رابطه دولت، بازار و جامعه مدنی است (صرافی، ۱۳۹۲: ۶۹-۶۸).

در بخش زیادی از تاریخ مدرن که سیاست‌های لیبرالی و بازارمحور بر جوامع مسلط شدند کوچک‌سازی دولت در دستور کار قرار گرفت. اما این سیاست نیز مجبور به اصلاح زیاده‌روی‌های خود شد و در پی برخی کاستی‌های اقدام جمعی مبتنی بر تجربهٔ بازار، رسیدن به این نتیجه که راه‌کار بازار همیشه و همه جا بهترین پاسخ را به مسائل عمومی ارائه نمی‌دهد، گفتمان‌های مردم‌سالارانه و جامعه‌محور تقویت شد و به شکل‌گیری سه‌ضلعی حاکمیتی، متشکل از بخش عمومی، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعهٔ مدنی، منتهی شد (دوناهو، ۲۰۰۴). در واقع حکمرانی شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به‌وسیله آنها، شهروندان و گروه‌ها، منافع‌شان را بیان می‌کنند، حقوق قانونی‌شان را اعمال می‌کنند، به وظایفشان عمل می‌کنند و میانجی اختلافاتشان می‌شود. در مجموع باید گفت که حکمرانی با تنظیم مناسبات قدرت بین بخش‌های دولتی، خصوصی و جامعه مدنی مرتبط است. اینکه ترتیبات نهادهای اجتماعی و سازوکار آنها چیست، قدرت نفوذ و تصمیم‌گیری نزد کیست، شهروندان عادی چطور خواست خود را پیش برده و مشارکت می‌کنند و چگونه حکومت برانگیزاننده همیاری، پاسخگو و برآوردکننده خواست‌ها می‌شود، همگی در حیطه مباحث حکمرانی است (صرافی، ۱۳۹۲: ۶۹-۶۸). بر این اساس دولت زمانی می‌تواند وظایف اصلی خود را در زمینه اصلاح موانع توسعه، افزایش رقابت‌پذیری، اصلاحات نهادی، دست‌یابی به بازارهای آزاد و بهبود سرمایه اجتماعی به درستی انجام دهد که از حکمرانی خوب و ویژگی‌های آن شامل جلب مشارکت مردمی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری برخوردار باشد (عنبری، ۱۳۹۰). تدقیق در ویژگی‌های حکمرانی (مشارکت، توافق همگانی، کارآیی و اثربخشی، پاسخ‌دهی، دربرگیرندگی، قانونمندی، شفافیت و پاسخگویی) گویای این است که سنگ بنای آن در مقیاس محلی و در اجتماع محلی است تا به تدریج در همبستگی و یکپارچگی اجتماعات به مقیاس‌های بالاتر سرایت نماید. این ویژگی‌ها در سطح کلان ملی قابل‌پایش نیست و با تمرکززدائی و پیگیری نهادهای مدنی در سطح محلی عملیاتی می‌شوند (صرافی، ۱۳۹۲: ۷۵ به نقل از پایک و تومانی[1]، ۲۰۰۹). حکمرانی خوب در جوامع عقب‌مانده بدون حمایت و تسهیل‌گری بخش دولتی برای قوام اجتماعات محلی، مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی برپا نمی‌شود و نیز لازم است به لایه‌های بالاتر سرایت کند (صرافی، ۱۳۹۲: ۷۷ به نقل از کورفی – مورلات[2] و دیگران، ۲۰۰۹).

۱-۲-۲. مؤلفه‌های حکمرانی

به نظر می‌رسد که حکمرانی صنعت برق، به‌مثابه بخشی از نظام حکمرانی کشور، نیز کم و بیش تحت تأثیر حکمرانی دولت‌محور و متمرکز بوده است. افزون بر این، ماهیت شبکه‌ای و تولید متمرکز برق امکان حکمرانی و مدیریت متمرکز برق را در کشور دوچندان نیز کرده است. بااین‌حال تغییر و تحولات تکنولوژیک از یک سو و پویایی‌های جامعه مدنی از سوی دیگر باعث شده تا این شکل متمرکز حکمرانی موردسؤال قرار گیرد. آینده‌پژوهان امروز از ضرورت و ظهور الگوهای جدیدی از حکمرانی صنعت برق سخن می‌گویند که به هیچ‌وجه متمرکز نیست و بعد اجتماعی آن از اهمیت خاصی برخوردار است. بر این اساس و با توجه به تغییر و تحولات در اشکال حکمرانی در جوامع امروزی، حکمرانی صنعت برق نیز باید همسو با تحولات جامعه مدنی و هم‌چنین اقتضائات زیست‌محیطی برآمده از تعامل فعالانه دولت با بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه انرژی باشد و علاوه بر این اجزا به بُعد زیست‌محیطی برنامه‌ها و سیاست‌های خود نیز توجه تام داشته باشد.

در چارچوب چنین درکی از مفهوم حکمرانی در تعریف «حکمرانی انرژی» می‌توان گفت که این مفهوم به کنشگران، مؤسسات و فرایندهایی اطلاق می‌شود که تعیین‌کننده تصمیم‌گیری‌ها درباره نحوه ارائه خدمات انرژی هستند (فلورینی و سواکول، ۲۰۰۰). این کنشگران و فرایندها شامل بازیگران مرتبط با انرژی همچون دولت‌ها، سازمان‌های مردم نهاد، گروه‌های جامعه مدنی، شرکت‌ها،

1 *Pike, Andy & John Tomany*
2 *Corfee – Morlot*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

شهروندان و مشارکت‌های عمومی و خصوصی (PPP)[1] و هم‌چنین مؤسسات یا قوانینی است که بر اساس آنها تصمیم‌سازی می‌شود و هم‌چنین فرایندهای تعیین دستورکار، مذاکره، اجرای نظارت و اجرای قوانین مربوط به انرژی می‌شوند. بنابراین، درست همانند حکمرانی جهانی محیط زیست (سواکول و همکاران، ۲۰۱۲)، حکمرانی جهانی انرژی محدود به فعالیت‌های دولت نیست؛ بلکه مستلزم یک فرایند چندسطحی و مشارکت کنشگران متعدد است. سطوح کنش کنشگران، نهادها و فرایندهای حکمرانی انرژی در سطوح مختلفی از فردی تا محلی، ملی و حتی جهانی متغیر است.

در رابطه با حکمرانی و زمینه‌های مختلف آن از جمله حکمرانی انطباقی (سازگارانه)، حکمرانی آینده‌نگر، حکمرانی خوب، حکمرانی نهادی و ... ادبیات نظری گسترده‌ای وجود دارد، اما فهم و به‌کاربستن بینش‌های برآمده از این پیشینه و ارتقای حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی با چندین چالش قابل‌توجه روبه‌رو است و باید تلاش‌های اندیشمندان و متخصصان برای غلبه بر این چالش‌ها و یا کم‌رنگ‌کردن تأثیر آن‌ها باشد. بِنِت و تری ستیرفیلد (۲۰۱۸)، به چند مورد از این چالش‌ها اشاره کرده‌اند. اول، این حوزه در کل کاملاً نظری است و نظر می‌رسد برای بسیاری از سیاست‌گذاران، مدیران، متخصصان و دانشمندان سایر حوزه‌ها که ممکن است بخواهند مفاهیم، نظریه‌ها و چارچوب‌های حکمرانی را برای بهبود مسائل موجود به‌کار گیرند، ناآشنا و غیرقابل دسترسی است. دوم، راجع به تفاوت بین حکمرانی و مدیریت در بسیاری از حوزه‌های کاربردی این موضوع شفافیت نظری و تحلیلی کمی وجود دارد. سوم، اغلب پژوهش‌های پیشین به جای امور ذاتی و درونی (مانند پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی) مرتبط با شیوه‌های مختلف حکمرانی، بر ملاحظات قانونی و رویه‌ای (از قبیل مشارکت، به‌رسمیت شناختن، عدالت و ...) تمرکز کرده‌اند. این امر بدین‌معناست که پیوند بین ظرفیت حکمرانی، کارایی و عملکرد اغلب نامشخص است؛ هرچند برخی از پژوهش‌های کاربردی جهت بررسی و روشن‌کردن پیوندهای بین منابع و فرایندهای حکمرانی و پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی به انجام رسیده‌اند.

برای روشن شدن مفهوم حکمرانی و ارتباط دادن آن با صنعت برق و انرژی لازم است از پیچیدگی مفهومی و مؤلفه‌های تحلیلی و اهداف آن اندکی کاسته شود و در چارچوب قابل‌فهمی ارائه گردد. بنابراین، در اولین گام، لازم است تعاریف روشن و مفهوم‌سازی مؤلفه‌های تحلیلی حکمرانی (از قبیل نهادها، ساختارها، و فرایندها) ارائه گردد؛ سپس ادبیات نظری حکمرانی جهت تهیهٔ لیستی جامع از ملاحظات مرتبط با ظرفیت، کارایی و عملکرد حکمرانی از جمله اصول، ویژگی‌ها، یا شاخص‌های حکمرانی مرور شود.

گراهام[2] (۲۰۰۳) و لاک‌وود[3] (۲۰۱۰) حکمرانی را به‌عنوان نهادها، ساختارها و فرایندهایی تعریف کرده‌اند که تعیین می‌کنند چه کسانی سیاست‌گذاری می‌کنند، سیاست‌ها برای چه کسانی اتخاذ می‌شوند، و چه اقداماتی، چگونه و توسط چه‌کسانی و با چه تأثیری انجام می‌شوند. ... باید توجه داشت که بین حکمرانی و مدیریت یک تمایز مفهومی مهم وجود دارد: مدیریت به منابع، طرح‌ها، و اقداماتی اشاره دارد که از کارکردهای حکمرانی ناشی می‌شود (همان). بنابراین، می‌توان به‌طور خاص، هدف حکمرانی صنعت برق و انرژی را مدیریت رفتارهای فردی یا کنش‌های جمعی در پیگیری اهداف عمومی سیاست‌های انرژی یا پیامدهای اجتماعی مرتبط با آن دانست. ازاین‌رو، درک حکمرانی برق و انرژی به معنای فهمیدن نحوهٔ اتخاذ تصمیمات مرتبط با انرژی و چگونگی منجرشدن سیاست‌ها و فرایندهای ناشی از آن به پیامدهای پایدار اجتماعی و زیست‌محیطی است.

تحلیل‌های مرتبط با حکمرانی بر ظرفیت، کارکرد و یا عملکرد مؤلفه‌های نهادی، ساختاری و رویه‌ای حکمرانی متمرکزند. نهادها به‌عنوان قواعد رسمی (به‌عنوان مثال، قانون اساسی، قوانین مدنی، سیاست‌ها، حقوق مالکیت) و غیررسمی (برای مثال، زمینهٔ فرهنگی، هنجارهای اجتماعی، ساختارهای قدرت عمومی) تعریف شده است که تعاملات انسانی را شکل می‌دهند (مثلاً در قالب ساختارها و فرایندهای سیاست‌گذاری) و کنش‌های انسانی یا مدیریتی را هدایت، حمایت و یا محدود می‌کنند. ساختارها به بدنه یا موجودیت‌های رسمی (از قبیل، ترتیبات سیاست‌گذاری، بدنه‌های مدیریت مشترک) و سازمان‌های رسمی (برای مثال، سطوح حکمرانی، سازمان‌های بخش خصوصی، سازمان‌های جامعهٔ مدنی) و همین‌طور شبکه‌های غیررسمی کنشگران و سازمان‌ها اشاره

1 *Public and Private Participation*

۲ *Graham*

3 *Lackwood*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

می‌کند که متضمن صلاحیت‌های حکمرانی (مثلاً کارایی، مشارکت) هستند و نقش‌های مختلفی ایفا می‌کنند. فرایندهای حکمرانی که وسائل تحقق وظایف و عملکردهای حکمرانی هستند، مفصل‌بندی تعهدات نهادی، قانون‌گذاری، شکل‌دهی سیاست، انتشار اطلاعات و به‌کار بردن سیاست را دربر می‌گیرند. این فرایندها نقش مهمی در سیاست‌گذاری و اجرای این سیاست‌ها ایفا می‌کنند (بنت و تری ستیرفیلد، ۲۰۱۸).

ساختارها و فرایندهای حکمرانی صنعت برق و انرژی می‌توانند به‌طرق مختلفی به هم نزدیک شوند. برای مثال، حکمرانی می‌تواند از بالا توسط مقامات عالی‌رتبه دولتی یا افراد یا کنش‌گران سرّی، از پایین توسط اجتماعات محلی، یا از طریق اقتدار و سیاست‌گذاری مشترک به‌واسطهٔ ترتیبات رسمی مدیریت مشترک یا شبکه‌های غیررسمی کنشگران و سازمان‌ها یا رویه‌ها هدایت شود. به‌علاوه، به نظر می‌رسد مؤلفه‌های نهادی، ساختاری و رویه‌ای حکمرانی در سطوح مختلف محلی تا جهانی درک می‌شوند و با یکدیگر تعامل دارند، و بر ظرفیت، عملکرد و پیامدهای حکمرانی اثر می‌گذارند.

۱-۲-۳. اهداف، ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها، کارکردها و پیامدهای حکمرانی

مرور جامع ادبیات مربوط به حکمرانی، نشان می‌دهد که حکمرانی دارای چهار دسته اهداف قابل‌تعمیم و مجزا است: مؤثر[1] بودن، عادلانه[2] بودن، پاسخگو[3] بودن و مستحکم (قوی)[4] بودن که باید به‌طور همزمان در مؤلفه‌های نهادی، ساختاری و فرایندی ملاحظه شوند (شکل ۱-۳). به‌طور خلاصه، هدف مرکزی حکمرانی مؤثر «حفظ و بهبود توانایی و کارکرد سیستم جهت دست‌یابی به اهداف سیستم و تأمین آسایش و رفاه عمومی» است؛ هدف حکمرانی عادلانه «به‌کارگیری فرایندهای جامع و فراگیر و ارائهٔ نتایج منصفانه» است؛ حکمرانی پاسخگو «اطمینان می‌دهد که سیاست‌ها با شرایط متغیر محیطی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف سازگار است»؛ و نهایتاً، هدف حکمرانی مستحکم «تضمین پایداری نهادهای کارکردی، حفظ عملکردها و مقابله با آشفتگی‌ها و بحران‌ها» می‌باشد.

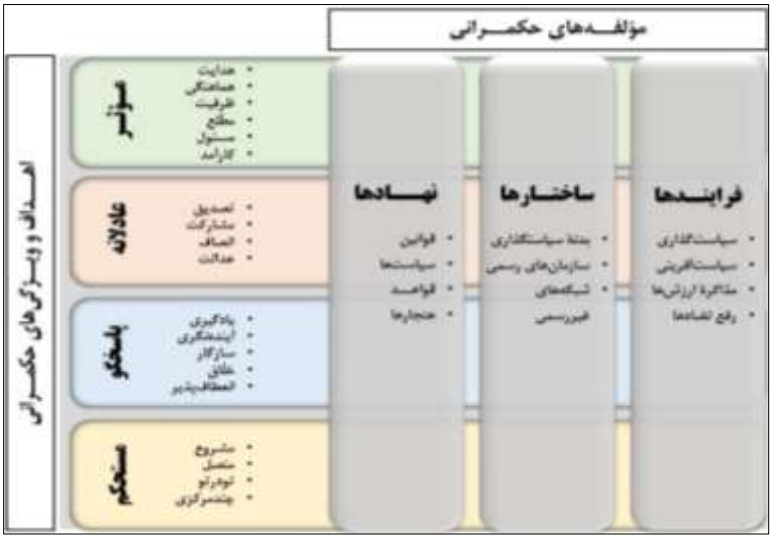

شکل ۱-۳: چارچوب عملیاتی فهم اهداف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی (بنت و تری ستیرفیلد، ۲۰۱۸)

اهداف، ویژگی‌ها (ویژگی‌ها و شایستگی‌ها)، ظرفیت‌ها (درون‌دادها)، کارکردها و وظایف (برون‌دادها) و عملکردها (پیامدها)ی حکمرانی مؤثر، عادلانه، پاسخگو و مستحکم در جداول ۱-۲ تا ۱-۵ به تفصیل آورده شده است.

1 *Effective*
2 *Equitable*
3 *Responsive*
4 *Robust*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۱-۲: هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی مؤثر

عنوان: حکمرانی مؤثر **هدف:** پشتیبانی مؤثر از حفظ تمامیت و کارایی سیستم‌ها			
صفات (کیفیت‌ها و شایستگی‌ها)	**مشخصات یا درون‌دادهای کلی (ظرفیت)**	**برون‌دادهای مطلوب (کارکردها و وظایف)**	**پیامدهای مطلوب (عملکردها)**
هدایت[1]	دورنما، اهداف و مقاصد جامع هستند، به‌وضوح بیان شده و با ذی‌نفعان درمیان گذاشته شده‌اند. مرزهای روشن کنش و دامنه‌ها وجود دارند.	تعیین می‌کند که کدام اقدام مؤثر مراحل دست‌یابی به موفقیت را پوشش می‌دهد و تنظیم می‌کند.	بهبود عملکرد سیستم تنوع خدمات افزایش بهره‌وری سیستم تأمین بهتر انرژی
هماهنگی[2]	نقش‌ها، کارکردها، و تعهدات دولت، ادارات و سازمان‌های مختلف با هم هماهنگ‌اند. بدنه یا واحد هماهنگ‌کننده وجود دارد.	سیستمی از قوانین برای استفاده، سازوکارهای محرومیت، اقدامات مدیریت و پوشش مکانی را ایجاد می‌کند که برای دست‌یابی به اهداف مکمل و کافی هستند. زمینه‌ای برای بحث، مذاکره و حل و فصل منازعات فراهم می‌کند.	
ظرفیت[3]	صلاحیت‌ها، مهارت‌ها و منابع کافی است و فعالانه توسعه داده می‌شوند. هدایت‌کننده لایق و مطلوب وجود دارد. سازوکارهای حل تعارض بین گروه‌ها وجود دارد.	سیاست‌گذاری موفق و مشروع، سازمان‌دهی، اجرا و ارزیابی اقدامات را فراهم می‌کند.	
مطلع (آگاه)[4]	برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات و اقدامات مدیریتی با بهترین اطلاعات در دسترس و یکپارچه‌کردن انواع مختلف دانش و سیستم‌ها اطلاع‌رسانی می‌شود.	احتمال این‌که اقدامات مدیریت به نتایج مؤثر منجر شود را افزایش می‌دهد.	
مسئول[5]	رویه‌هایی برای پاسخگو نمودن دولتمردان دربارهٔ عملکرد سیستم وجود دارد. سازوکارهایی برای اطمینان از شفافیت ابزارها و اصول سیاست‌گذاری در نظر گرفته شده است.	تضمین می‌کند که دولتمردان طبق تصمیمات اتخاذشده عمل می‌کنند و اقدامات مؤثر در حال انجام است.	
کارآمد[6]	تصمیمات مربوط به اقدامات مدیریتی و استقرار منابع را راهنمایی می‌کند. الزامات زمانی کنشگران مستدل است. هزینه‌های اقتصادی و اقدامات انجام‌شده متناسب با بهره‌وری سیستم است.	ضمن به حداقل رساندن استفاده بی‌فایده از منابع موجود، بهره‌وری از اقدامات مدیریت را به حداکثر می‌رساند.	

منبع: (بنت و تری ستیرفیلد، ۲۰۱۸) با اندکی تغییر

1 *Direction*
2 *Coordination*
3 *Capacity*
4 *Informed*
5 *Accountable*
6 *Efficient*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۱-۳: هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی عادلانه

عنوان: حکمرانی عادلانه **هدف:** به‌کارگیری فرایندهای جامع و فراگیر و ارائهٔ نتایج منصفانه			
صفات (کیفیت‌ها و شایستگی‌ها)	**مشخصات یا درون‌دادهای کلی (ظرفیت)**	**برون‌دادهای مطلوب (کارکردها و وظایف)**	**پیامدهای مطلوب (عملکردها)**
تصدیق[1]	سیاست‌ها و فرایندهای به‌رسمیت شناختن، احترام و ادغام دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و حقوق متنوع را تضمین می‌کنند. دیدگاه‌های گروه‌های حاشیه‌نشین و آسیب‌پذیر در نظر گرفته می‌شود.	حکمرانی قابل‌قبول اجتماعی و ادراک از مشروعیت را تسهیل می‌کند. کمک‌ها در طراحی اقدامات مدیریتی با بستر اجتماعی متناسب است.	گنجاندن در فرایندهای تصمیم‌گیری؛ نتایج اجتماعی و اقتصادی بهبود یافته؛ افزایش کیفیت زندگی یا بهزیستی؛ توزیع عادلانه‌تر ثروت؛ دسترسی بهتر به عدالت و حمایت از حقوق
مشارکت[2]	فضاها و فرایندهایی برای فعال‌کردن مشارکت و انتخاب جمعی وجود دارد. ساختارهایی که تضمین‌کنندهٔ نمایندگی و درگیری (مشغولیت) گروه‌های ذینفع مختلف است.	به روابط عادلانه قدرت و فرآیندهای تصمیم‌گیری کمک می‌کند. به برنامه‌ها و اقداماتی منجر می‌شود که منافع گروه‌های مختلف را نشان می‌دهد. به طرفین اجازه می‌دهد تا در مورد تصمیمات آزادانه بحث کنند و عزت خود را حفظ کنند.	
انصاف[3]	سازوکارهایی برای اطمینان از این‌که هزینه‌ها و فواید اقتصادی – اجتماعی عادلانه است و به‌صورت عادلانه توزیع می‌شود. حقوق و مسئولیت‌ها به‌طور عادلانه به اشتراک گذاشته و واگذار می‌شوند. شرایط نابرابر در نظر گرفته شده‌اند.	تعادل بین هزینه‌ها و فواید متعلق به گروه‌های مختلف را تضمین می‌کند.	
عدالت[4]	قوانین و سیاست‌هایی برای حمایت از حقوق محلی و سازوکارهایی برای تضمین دسترسی گروه‌ها به عدالت وجود دارند.	تضمین می‌کند حقوق (برای مثال، عنوان، مالکیت تاریخی، دسترسی، استفاده، مدیریت) زیر پا گذاشته نمی‌شود و غرامت‌ها و تاوان‌های خسارات گذشته جبران می‌شود.	

منبع: (بنت و تری ستیرفیلد، ۲۰۱۸) با اندکی تغییر

1 *Recognition*
2 *Participation*
3 *Fair*
4 *Just*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۱-۴: هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی پاسخگو

عنوان: حکمرانی پاسخگو **هدف:** فعال‌سازی سازگاری با زمینه‌های متنوع و شرایط متغیر			
صفات (کیفیت‌ها و شایستگی‌ها)	**مشخصات یا درون‌دادهای کلی (ظرفیت)**	**برون‌دادهای مطلوب (کارکردها و وظایف)**	**پیامدهای مطلوب (عملکردها)**
یادگیری[1]	پایش، ارزیابی، بازتاب‌ها و ارتباط عملکرد نهادینه‌شده است. فرایندها و خط‌مشی‌هایی در راستای تولید مشترک دانش و ارتقای حافظهٔ اجتماعی و نهادی در جریان است.	تضمین می‌کند که اطلاعات تولید شده، مستند شده، به اشتراک گذاشته شده و سیاست‌گذاری را به اطلاع می‌رسانند.	میسرکردن قابلیت انعطاف‌پذیری منابع میسرکردن انعطاف‌پذیری جوامع محلی نهادهای سازگارتر با شرایط متغیر مؤسسات انعطاف‌پذیرتری که می‌توانند برای کار در زمینه‌های مختلف دگرگون شوند.
آینده‌نگری[2]	برنامه‌ریزی بلندمدت و تفکر دوراندیشانه نهادینه شده است. مخاطرات و فرصت‌های شناخته‌شده و ناشناخته مدنظر قرار گرفته، تجزیه و تحلیل می‌شود و برای آن برنامه‌ریزی صورت گرفته است.	برنامه‌ها و گام‌هایی برای آماده‌سازی و جلوگیری از نتایج مخاطرات پیش‌بینی‌نشده تدارک می‌بینند. دانش، ظرفیت و انعطاف‌پذیری در مقابل آشفتگی‌ها و اختلالات را دارد.	
سازگار[3]	فرصت‌های تفکر و تأمل نهادینه شده است. فرایندهایی جهت بازنگری و تکامل سیاست‌ها، نهادها و اقدامات منطبق با آن‌ها وجود دارند.	تضمین می‌کند که برنامه‌ها و اقدامات مدیریتی به‌طور فعالانه‌ای با انعکاس زمینه‌های اجتماعی ـ اقتصادیِ متغیر و دانش جدید انطباق می‌یابند.	
خلاق[4]	نوآوری و تجربه مورد تشویق قرار گرفته و موفقیت‌ها و شکست‌ها پایش می‌شود. تحمل ریسک بالاتر تجسم می‌یابد.	اجازه می‌دهد تغییر به‌عنوان یک فرصت دیده شود. ظهور ایده‌ها و اقدامات جدید و مؤثرتر را میسر می‌سازد.	
انعطاف‌پذیر[5]	سیاست‌هایی وجود دارد که نیاز به کاهش سطح مدل‌های مدیریت برای واقعیت‌های محلی را تشخیص می‌دهد. برای درک و مستندسازی زمینه‌های متنوعی که سیاست‌ها در آن به‌کار گرفته می‌شود و اِعمال تعدیل‌های لازم در سیاست‌ها اقداماتی صورت می‌گیرد.	نظام‌های حکمرانی و مدل‌های مدیریت را قادر می‌سازد تا با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و محیطی محلی بهتر سازگار شوند.	

منبع: (بنت و تری ستیرفیلد، ۲۰۱۸) با اندکی تغییر

1 *Learning*
2 *Anticipatory*
3 *Adaptive*
4 *Innovative*
5 *Flexible*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۱-۵. هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی مستحکم

عنوان: حکمرانی مستحکم (قوی)

هدف: تضمین پایداری نهادهای کارکردی، حفظ عملکردها و مقابله با آشفتگی‌ها و بحران‌ها

صفات (کیفیت‌ها و شایستگی‌ها)	مشخصات یا درون‌دادهای کلی (ظرفیت)	برون‌دادهای مطلوب (کارکردها و وظایف)	پیامدهای مطلوب (عملکردها)
مشروع[1]	یک دید جمعی سیاست‌ها را شکل می‌دهد و اقدامات را در همه مقیاس‌ها راهنمایی می‌کند. مشروعیت نهادی اعطا می‌شود (به‌عنوان مثال، در سیاست) و درک می‌شود (به‌عنوان مثال، توسط نمایندگان). دولتمردان با صداقت و ثبات عمل می‌کنند. نهادها شفاف هستند.	نشان می‌دهد که حمایت از بالا و حوزهٔ انتخاباتی و هیئت مؤسسان پشتیبان وجود دارد.	مؤسسات تقویت شده و به‌خوبی پشتیبانی می‌شوند. عملکرد و وظایف نهادی کم و بیش سازگار است. نهادها در طول زمان تداوم دارند.
متصل[2]	شبکه‌های سازمان‌ها و کنشگران به صورت عمودی و افقی به شدت به‌هم پیوند خورده‌اند. سازمان‌های پیونددهنده حضور دارند. فرایندهایی برای حمایت از توسعه شبکه، توسعه روابط اجتماعی و پشتیبانی از یادگیری متقابل در حال انجام هستند.	به پیوند بین مقیاس‌ها (محلی تا جهانی) کمک می‌کند. اجتماع حمایتی ایجاد می‌کند، سرمایه اجتماعی تولید می‌کند، احترام و اعتماد را تقویت می‌کند و حافظه اجتماعی را ایجاد می‌کند. ارتباطات و تبادل اطلاعات را تشویق می‌کند، اشاعهٔ نوآوری‌ها را میسر می‌سازد و همکاری را تسهیل می‌کند.	
تودرتو[3]	وظایف به سطوح مناسب واگذار می‌شود. قدرت و مسئولیت تصمیم‌گیری تا جایی که امکان دارد به سطوح پایین واگذار می‌شود. خود ـ سازمانی موردتشویق و حمایت قرار می‌گیرد. اقتدار و مسئولیت توسط دولت و حمایت‌های بیرونی (تشخیص قانونی، اراده سیاسی، تعهد زمانی) و نظارت پشتیبانی می‌شود.	نهاد مناسب برای انجام اقدامات ضروری را توانمند می‌کند. امکان شکل‌گیری و انطباق نهادها و فرایندهای تصمیم‌گیری را در زیرمجموعه‌های متفاوت محلی (شرایط اجتماعی، حاکمیت، اقتصاد محلی) در یک سیستم بزرگ‌تر فراهم می‌کند.	
چندمرکز[4]	مراکز تصمیم‌گیری و اقدام در چندین مکان، در سراسر قلمرو قدرت و در مقیاس‌های مختلف در تعامل و انسجام جهت رسیدن به یک هدف مشترک است. مؤسساتی وجود دارند که متنوع و زائد هستند، که اهداف مشابهی را دنبال می‌کنند و در برخی کارکردها هم‌پوشانی دارند.	به مقاومت در مقابل تغییرات در یک محل کمک می‌کند. اطمینان می‌دهد که نظام حکمرانی در مواجهه با مشکلات بزرگ و بحران‌ها فرو نمی‌ریزد و کارایی خود را از دست نمی‌دهد.	

منبع: (بنت و تری ستیرفیلد، ۲۰۱۸) با اندکی تغییر

جمع‌بندی

حکمرانی انرژی به کنشگران، مؤسسات و فرایندهایی اطلاق می‌شود که تعیین‌کننده تصمیم‌گیری‌ها درباره نحوه ارائه خدمات انرژی هستند که شامل بازیگران مرتبط با انرژی همچون دولت‌ها، سازمان‌های مردم نهاد، گروه‌های جامعه مدنی، شرکت‌ها، شهروندان و مشارکت‌های دولتی و خصوصی و هم‌چنین مؤسسات یا قوانینی است که بر اساس آنها تصمیم‌سازی می‌شود. هم‌چنین، مدیریت به منابع، طرح‌ها و اقداماتی اشاره دارد که از کارکردهای حکمرانی ناشی می‌شود. نهادها، ساختارها و فرایندها مؤلفه‌های اصلی حکمرانی هستند و اهداف قابل‌تعمیم و مجزای مؤثر بودن، عادلانه بودن، پاسخ‌گویی و استحکام را دنبال می‌کنند. هر دسته از این اهداف دارای درون‌دادها، برون‌دادها و پیامدهای خاصی هستند و علوم اجتماعی می‌تواند در هر کدام از این ویژگی‌ها ایفای نقش کند.

1 *Legitimate*
2 *Connected*
3 *Nested*
4 *Polycentric*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱-۳. نسبت علوم اجتماعی و حکمرانی صنعت برق و انرژی

مقدمه

در این فصل با اتکا به فهمی که از دانش علوم اجتماعی و نیز ادبیات حکمرانی و مدیریت در دو فصل پیشین ارائه شد، نسبت بین این دو از منظر ضرورت و کارکرد علوم اجتماعی در فرایندهای حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی تحلیل خواهد شد. ازاین‌رو نخست مفهوم توسعه پایدار و نیاز به مطالعات بین‌رشته‌ای با تأکید بر مطالعات علوم اجتماعی انرژی واکاوی شده و سپس نقش علوم اجتماعی در این عرصه تشریح خواهد شد. تبیین رویکرد اجتماعی به‌عنوان یکی از عناصر توسعه پایدار صنعت برق و انرژی و پیشبرد بهتر حکمرانی و مدیریت آن مستلزم شناخت کارکردهای علوم اجتماعی است که در واقع رویکرد اجتماعی نیز زمانی در این عرصه قابل‌رصد و بازیابی است که در چارچوب کارکردهای علوم اجتماعی قابل‌توصیف باشد.

۱-۳-۱. ایده توسعه توسعهٔ پایدار و ضرورت مطالعات بین‌رشته‌ای در برق و انرژی با تأکید بر مطالعات علوم اجتماعی انرژی

به لحاظ مفهومی «توسعهٔ پایدار» به معنای «تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای به‌حداکثر رساندن رفاه انسان فعلی بدون آسیب به توانایی نسل‌های آتی بر برآوردن نیازهایشان است» (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه[۱]، ۲۰۰۱)، که بر پایهٔ هشیاری انسان نسبت به خودش و نسبت به منابع طبیعی کره زمین استوار است و خواهان یک سبک زندگی پایدار برای همهٔ انسان‌ها است و مخالف مصرف بیش از اندازه، اتلاف منابع و بی‌توجهی به نسل‌های آینده و قطع رابطه با گذشته است (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵). در واقع، توسعهٔ پایدار یک فرایند متغیر، گردش سرمایه‌گذاری، جهت‌دهی فناوری و نهادها برای انطباق با نیازهای عصر کنونی و آینده است و انرژی یکی از بنیادی‌ترین موضوعات آن، و برق چندمنظوره‌ترین حامل انرژی اقتصاد مدرن جهانی است و اصولاً با توسعهٔ انسانی و اقتصادی پیوند دارد (بزمی و زاهدی، ۲۰۱۱). از نظر اندیشمندان و پژوهشگران توسعه، اهمیت دسترس‌پذیری انرژی در رشد اقتصادی، توسعهٔ اجتماعی و سیاسی هر ملتی را نمی‌توان نادیده گرفت. قابل‌تهیه بودن و اتکاپذیری انرژی در دسترس پیش‌شرط توسعهٔ پایدار است. توسعهٔ پایدار خواهان اقتصاد انرژی کارآ، قابل‌اتکا و تمرکززدایی‌شده مبتنی بر منابع محلی و پاک انرژی است، که در آن هزینهٔ پرداختی مصرف‌کنندگان هزینهٔ واقعی تولید انرژی برای اقتصاد را منعکس می‌کند (اویدپو[۲]، ۲۰۱۴).

یکی از مهم‌ترین چالش‌های دنیا در حال حاضر مشکلات زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی و کاهش آسایش و آرامش زندگی انسان‌هاست و یکی از دلایل این بحران، اشتیاق شدید جهان برای انرژی و منابع آن است و چنان‌چه تغییراتی در شیوهٔ مدیریت و تأمین و مصرف انرژی ایجاد نشود، این مسئله در آینده بغرنج‌تر و پیچیده‌تر خواهد شد. در واقع، آیندهٔ سیستم‌های انرژی یکی از چالش‌های اصلی سیاست‌گذاری کشورهای توسعه‌یافته [و در حال توسعه] است. این چالش پیچیده و چندوجهی است و تلاش‌ها برای دگرگونی منابع انرژی تغییرات وسیعی را دربر می‌گیرد، بنابراین، نه‌تنها فناوری‌ها و قیمت‌های انرژی دچار تغییر می‌شوند، بلکه تشکیلات اجتماعی و اقتصادی که حول تولید و مصرف انرژی ایجاد شده‌اند نیز دگرگون می‌شوند. به تعبیر برخی از اندیشمندان، ما در حال گذر از عصر ساخت فناوری‌های بزرگ‌مقیاس به دورهٔ بازسازی سیستم‌های پیچیدهٔ اجتماعی ـ فناورانه هستیم که انرژی را با دامنهٔ وسیعی از سیستم‌های دیگر از قبیل آب، حمل و نقل، محصولات غذایی و خانه‌سازی (مسکن) پیوند می‌دهد. این گذار

۱ *The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)*

۲ *Oyedepo, S. O.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مهندسان، جوامع، سیاست‌گذاران و علوم اجتماعی و سیاست را جهت ارائه و توسعهٔ رویکردهای جدید به نوآوری که ابعاد فناورانه و انسانی را با یکدیگر ادغام کنند به چالش می‌کشد (میلر و همکاران، ۲۰۱۳).

برخلاف باور رایج در سیستم‌های مدیریت انرژی که «سازگاری با تغییرات اقلیمی و تولید و مصرف انرژی‌های جدید یک مسئلهٔ مهندسی است و راه‌حل‌های مهندسی دارد»؛ مهندسی در چنین سطحی همان‌قدر که فناورانه است، ضرورتاً اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز هست. توسعهٔ زیرساخت‌های جدید سیستم‌های انرژی جایگزین فرصت‌هایی برای درک و تأکید این‌که طراحی و تصمیم‌گیری در حوزه انرژی به‌وضوح آگاهی از ابعاد اجتماعی دگرگونی‌های انرژی را ترکیب می‌کند، ایجاد می‌کند (همان). علوم اجتماعی باید در روشن‌کردن این موضوع که چرا جوامع در مصرف انرژی به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که به تغییرات اقلیمی زیانبار ختم شود و برای متوقف کردن آن چه کار باید کرد، ایفای نقش نماید (گالوین، ۲۰۲۰). پژوهشگرانی که تأمین و مصرف انرژی را از دیدگاه علوم اجتماعی بررسی می‌کنند وظیفه دارند تبیین کنند چرا دنیا چنین سراسیمه به سمت این بحران و مصیبت پیش می‌رود و مهم‌تر از آن، کدام مداخلات اجتماعی می‌تواند از آن جلوگیری کند. در پژوهش‌های اجتماعی راجع به استفاده از انرژی مطالب زیادی دربارهٔ تجربیات روزمرهٔ مصرف‌کنندگان، نظریه‌های رفتار فردی، تعیین‌کننده‌های کمبود انرژی، نظام‌های اجتماعی فنی، نظریه‌ها و فلسفه‌های عدالت انرژی و نکات بیشتری که به توضیح و فهم استفادهٔ روزمرهٔ انرژی و تغییرات تدریجی سیاست‌ها کمک می‌کنند، آموخته شده‌اند (همان).

در دنیای واقعی، به دلیل تنوع دیدگاه‌ها و راه‌کارهای توصیه‌شده، فهم موضوعات و مسائل اغلب با مشاجره همراه است. این وضعیت به دو دلیل اصلی رخ می‌دهد: اولی چندپارگی چشم‌اندازها[1] و فهم اجتماعی است، که با اولویت‌های ارزشی متناقض، حرفه‌های متفاوت، نقش‌های اجتماعی، زمینه‌های سازمانی و رشته‌های علمی (دانش) متعدد همراه است. دومین دلیل، پیچیدگی[2] و چندلایه‌بودن سرشت بسیاری از مسائل مهم است که توجهات را به خود جلب می‌کند. بسیاری از این مسائل از علل چندگانه‌ای نشأت می‌گیرند که به هم پیوسته‌اند و ارتباط درونی دارند. برای نمونه، فقر کودکان، تنزل بوم‌شناختی، اعتیاد و ... دلایل ساده و راه‌حل‌های ساده‌ای ندارند. با توجه به این دو عامل ـ چندپارگی و پیچیدگی ـ یک رویکرد جامع و مبتنی بر دانش و اقدام موردنیاز است (هد، ۲۰۱۰). برای دست‌یابی به این رویکرد، شناخت بنیان‌های مختلف دانش درخور و مناسب مفید است.

هِد (۲۰۱۰) چهار قلمرو (رویکرد) دانش را به‌شرح زیر نام برده است: رویکرد علمی ـ فنی به ارائهٔ دانش منظم (با دستورالعمل‌های سخت گردآوری داده‌ها، چگونگی داده‌ها و آزمون توضیحات علّی) که تفسیرها و بینش فوق‌العاده ارزشمندی ارائه می‌دهد. دومین رویکرد، اشتراک دانش، توسط متخصصان و کارشناسانی که برنامه‌ها را مدیریت و به مشتریان ارائه خدمت می‌کنند. این قلمرو دانش کاربردی با آشنایی متخصصان با نمونه‌ها، مراجعین و زمینه‌های بی‌شمار غنی، متمایز و الهام‌بخش است. سومین قلمرو دانش، توسعهٔ سیاست و پیوند آن با پاسخ‌گویی سیاسی ـ قلمرو سیاستمداران و مسئولان ارشد دولتی است. سیاست‌گذاران به‌سادگی یافته‌های پژوهش علمی و تجربیات کارشناسان را دنبال و اتخاذ نمی‌کنند؛ بلکه دامنهٔ وسیعی از اطلاعات و ایده‌ها را برای استدلال در جهت یا خلاف تعدیل سیاست، و انتخاب توازن بین منافع و محاسبات مربوط به پشتیبانی و مشروعیت خود به‌کار می‌گیرند. چهارمین قلمرو دانش مناسب، تجربیات مستقیم شهروندانی است که از خدمات استفاده می‌کنند، برای مثال سهام‌داران در مقام مشتریان، مشاغل و طرفداران در سازمان‌های اجتماع محلی. دیدگاه آن‌ها به‌سادگی می‌تواند موردغفلت و چشم‌پوشی قرار گیرد، مگر این‌که با فرایندهای مشاوره و ارزیابی برنامه‌ها مرور شود و در رسانه‌ها به اطلاع عموم برسد و بار رسمی سنگینی پیدا کند. ملاحظه می‌شود که در هر چهار قلمرو فوق، دانش تک‌رشته‌ای و منحصربه‌فرد نمی‌تواند پاسخگوی همهٔ ابعاد یک مسئله یا موضوع باشد و به دانش بین‌رشته‌ای یا چندرشته‌ای نیاز است.

1 *fragmentation of perspectives*
2 *complexity*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

رشته‌های علمی و پژوهشگران مختلف می‌توانند به شیوه‌های گوناگون «چندرشته‌ای»[1]، «بین‌رشته‌ای»[2] و «فرارشته‌ای»[3] در یک پروژه با یکدیگر همکاری کنند. شیوهٔ چندرشته‌ای دو یا چند دیدگاه رشتهٔ علمی را در کنار هم، اما به‌صورت مجزا دربر می‌گیرد که هر کدام از رشته‌ها به تنهایی کار می‌کنند (بری و همکاران، ۲۰۰۸). دیدگاه بین‌رشته‌ای به تلاش برای ادغام و هم‌افزایی دیدگاه‌های رشته‌های مختلف علمی جهت ارائهٔ فهمی کلی و فراگیر از مسئله اطلاق می‌شود، هر چند در عمل این مفهوم تا حدودی تضعیف شده است (شمید و ویت[4]، ۲۰۱۵). شیوهٔ فرارشته‌ای از ادغام صِرف رشته‌های علمی فراتر می‌رود و ذی‌نفعان و عموم مردم را نیز دربر می‌گیرد (فریمن، ۲۰۰۰ و فالکنر، ۲۰۱۴). در واقعیت این گونه‌های مختلف میان‌رشته‌ای بودن یک پیوستار (طیف) را شکل می‌دهند که تفاوت بین چگونگی ورود همزمان رشته‌های علمی در مراحل مختلف پژوهش، توانایی یک رشتهٔ علمی در تنظیم طرح پژوهش و کنترل آن‌ها بر روش انجام پژوهش را نشان می‌دهد. علوم اجتماعی گزینه‌های بسیار زیادی برای پروژه‌های میان‌رشته‌ای دارد: دیدگاه‌های معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانهٔ خاصی که می‌تواند نقطهٔ تمرکز پژوهش‌های انرژی را نشان دهد؛ نظریه‌ها و ایده‌های منحصربه‌فردی که می‌تواند سؤالات و شیوه‌های پژوهش را هدایت کند؛ و رویکردهای روش‌شناسی و ابزارهای ویژه‌ای که برای گردآوری، تحلیل و ارائهٔ داده‌ها به‌کار می‌برد (مالاباند و همکاران، ۲۰۱۷). سیاست‌های انرژی که تلاش می‌کنند گذار طولانی‌مدت به سیستم‌های انرژی پایدار را مدیریت کنند می‌توانند از دامنه‌ای از راهبردها که از فهم اجتماعی ـ فنی از فرایندهای انتقال انرژی الهام گرفته‌اند استفاده کنند. پژوهش‌های علوم اجتماعی می‌توانند مبنای تحلیلی برای درک بهتر پایداری سیستم‌های جاری انرژی به‌عنوان اجرای مشترک و متقابل مؤلفه‌های اجتماعی و فنی فراهم نمایند و در همین زمینه پویایی‌های اجتماعی ـ فنی فرایندهای دگرگونی را فهم کنند (روهراچر، ۲۰۰۸).

در تعدادی از حوزه‌های توسعه انسانی و خدمات انسانی، متخصصان و ذی‌نفعان آگاه، به این نتیجه رسیده‌اند که موضوعات پیچیدهٔ رفاه[5] با راه‌حل‌های فنی مجموعه‌ای از کارشناسان قابل‌جوابگویی نیستند. بهتر است این موضوعات گسترده با تلاش‌های مشترکی مواجه شوند که در آن نمایندگانی از پژوهش، سیاست و اقدام (عمل)، دانش علمی و عملی خود را دربارهٔ آن‌چه باید انجام داد به اشتراک می‌گذارند (هد، ۲۰۱۰). در این زمینه، بیشتر از هر حوزهٔ علمی دیگری، دانشمندان علوم اجتماعی برای نشان دادن تأثیر پژوهش‌های‌شان تحت فشار فزاینده‌ای قرار دارند (چرنی و مک‌گی، ۲۰۱۰).

وقتی صحبت از جذب پژوهش علوم اجتماعی می‌شود، فرض بر این است که سیاست‌گذاران یا اقدام‌کنندگان به ندرت از آن استفاده می‌کنند. فهم اثر علوم اجتماعی نخست بر کاربست پژوهش دانشگاهی متمرکز بوده است، که از دههٔ ۱۹۷۰ عوامل و شرایطی که از فهم و کاربرد علوم اجتماعی توسط سیاست‌گذاران و متخصصان پشتیبانی یا ممانعت می‌کردند را بررسی می‌کرد (بودیمان، ۲۰۱۸ و قاراخانی، ۱۳۹۳). این حوزه نه‌تنها به رفتار و تصمیمات کسانی که پژوهش اجتماعی را تحلیل می‌کنند بلکه، به چگونگی تأثیر شرایط و فعالیت‌های کسانی که پژوهش اجتماعی را انجام می‌دهند (برای مثال، دانشگاهیان، مؤسسات پژوهشی، یا اتاق‌های فکر خصوصی)، به فرایند انتقال دانش و درک و کاربرد آن متکی است (چرنی و همکاران، ۲۰۱۳).

رَین و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی پیشرفت علمی در اقلیم‌شناسی، علوم اجتماعی، مدیریت عمومی و سیاست‌گذاری طی ۲۵ سال (۲۰۱۴–۱۹۸۹) پرداخته‌اند. نتیجهٔ این پژوهش نشان می‌دهد امروزه با توجه به پژوهش‌ها و بررسی‌های دانشمندان علوم اجتماعی و انسانی نسبت به ربع قرن پیش، امکان وسیع‌تری برای نقش‌آفرینی علوم اجتماعی در فهم ابعاد و تأثیرات تغییرات اقلیمی جهانی و گذارهای انرژی وجود دارد. ایجاد تعادل بین رشته‌های این حوزه، تفسیرهای علمی اجتماعی ظهور علم اقلیم‌شناسی، مشارکت دانشمندان علوم اجتماعی در پژوهش‌های فنی مرتبط با انرژی و اقلیم، تحلیل مخاطرات انسانی و سیاست‌گذاری، درگیر

1 *multidisciplinarity*
2 *interdisciplinarity*
3 *intradisciplinarity*
۴ *Schmidt, S. & Weigt, H.*
5 *Well-being*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

نمودن شهروندان با هدایت دانشمندان اجتماعی و اندیشیدن گسترده‌تر به سیاست‌گذاری جمعی اخلاقی طی یک سلسله دغدغه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی از گام‌ها و اقدامات پیشنهادی این پژوهش‌ها بوده‌اند.

برآورده کردن نیازهای انرژی آیندهٔ جهان به روشی با مسئولیت محیطی اما مقرون‌به‌صرفه یک مشکل فنی بزرگ است. با این وجود، تدوین سیاست‌ها، نهادها، قانون‌گذاری و ابزارهای اقتصادی که انجام این امر به شیوه‌ای مؤثر و از لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی‌قابل قبول را امکان‌پذیر می‌سازد، یک چالش بزرگ‌تر است و پژوهش‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی برای بررسی این موضوعات عمیق‌تر و توسعه ابزارهایی برای مقابله با آنها ضروری است (وست و سمیث، ۲۰۱۳). در این رابطه، وُنگ ـ پارودی و همکاران (۲۰۱۶) رویکردی با عنوان «علم تصمیم‌گیری» ارائه داده‌اند که دارای سه مرحله است: تحلیل رسمی سیاست‌ها، مشخص می‌کند کنش‌گران آگاه و مطّلع چگونه باید سیاست‌ها را ببینند؛ پژوهش توصیفی، نحوهٔ رفتار مردم در چنان شرایطی را بررسی می‌کند؛ و مداخلات، که توسط تحلیل رسمی و پژوهش توصیفی پیشنهاد شده‌اند، و برای ایجاد انتخاب‌های جذاب طراحی شده و به سیاست‌گذاران کمک می‌کنند که از بین آن‌ها دست به انتخاب بزنند. در هر مرحله‌ای همکاری متخصصان فنی (برای مثال، دانشمندان اقلیم‌شناسی، مهندسان برق و تحلیل‌گران برنامه‌ها و قوانین) و همین‌طور ادامهٔ درگیری (مشغولیت) و همراهی سیاست‌گذاران ضروری است.

یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها، «استفادهٔ بهتر از انرژی» و «تلاش برای کاهش و مدیریت تقاضای انرژی» است. تحقق و به حداکثر رساندن این سود بالقوه بزرگ در بهره‌وری، نیاز به علوم اجتماعی و علوم انسانی دارد تا در فهم و درک مسائل سیستمی اقتصادی، روان‌شناختی و فرهنگی که بازار و رفتارهای فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به ما کمک کنند. بازارهای انرژی با فرضیات افزایش مداوم تقاضا برای انرژی ساخت یافته‌اند و منابع کمابیش بی‌حد و مرز را به خود اختصاص می‌دهند، درحالی‌که دولت‌ها همچنان مشوق‌های سرمایه‌گذاری بیشتری در تأمین انرژی جدید (از جمله یارانه قابل توجه سوخت فسیلی) برای بهره‌وری انرژی/ صرفه‌جویی در انرژی اختصاص می‌دهند (وست و سمیث، ۲۰۱۳). علوم اجتماعی و علوم انسانی درک بهتری از نحوه رفتار مصرف‌کنندگان و تغییر رفتار آنها ارائه می‌دهند. ارزیابی و درک اثر «بازگشت مجدد» (که پس انداز ناشی از افزایش راندمان انرژی می‌تواند منجر به افزایش مصرف و یا استفاده از پس انداز برای اهداف دیگری شود که به استفاده از انرژی بستگی دارد)، و ایجاد انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی برای مصرف کنندگان خصوصی و عمومی مصرف انرژی‌شان را مدیریت و متعادل کنند و تقویت مقررات، به‌عنوان مثال در مورد عملکرد خودروها و ساختمان‌ها، همگی حوزه‌هایی هستند که نیاز به تخصص علوم اجتماعی و علوم انسانی دارند (همان).

علوم طبیعی به‌طور تاریخی تمایل دارند تنها یا برترین منبع اطلاعاتی مورداستفاده در کنش‌های مرتبط با محیط زیست باشند. با این‌حال بسیاری از دانشمندان از جمله؛ لئوپولد[1]، ۱۹۶۶؛ سَول[2]، ۱۹۸۵؛ کاریوا و مارویه[3]، ۲۰۱۲ (به نقل از بنت و همکاران، ۲۰۱۳) اهمیت ملاحظات اجتماعی و طبیعی جهت حفاظت محیط زیست را درک کرده‌اند. فهم بهتر ابعاد انسانی و اجتماعی موضوعات مرتبط با محیط زیست باعث ارتقای حفاظت از آن می‌شود. علوم اجتماعی یکی از ابزارهای مهمی است که به‌واسطهٔ آن پژوهشگران و متخصصان می‌توانند به درک بهتری از حفاظت و مدیریت منابع طبیعی و انرژی برسند؛ و بهترین شیوه برای استفاده از پتانسیل‌ها و توانایی‌های علوم اجتماعی در کنار علوم طبیعی و فیزیکی، همکاری و هم‌افزایی علوم مختلف است.

علوم اجتماعی و رفتاری در آگاهی‌دادن راجع به سیاست‌های مرتبط با انرژی به‌طور انتقادی عمل می‌کنند و کاربست آن‌ها با موانع و چالش‌هایی روبه‌رو است. پژوهش‌ها و پژوهشگران انرژی عموماً ارزش اکتشافات علوم اجتماعی را کمتر از حد واقعی تخمین می‌زنند، امکان آگاهی بین‌رشته‌ای را نادیده می‌گیرند، و به دیدگاه‌های مختلف آن بی‌توجهی می‌کنند. درحالی‌که برای امنیت انرژی در آینده لازم است این الگو تغییر کند. جهت دست‌یابی به یک سیستم انرژی در آینده که بهزیستی انسان‌ها را ارتقا دهد و پایدار

1 *Leopold*
2 *Soule*
3 *Kareiva and Marvier*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

و عادلانه باشد، باید زیرساخت‌ها و فناوری‌ها دگرگون و از تغییرات اجتماعی حمایت شود. چنین آینده‌ای فقط با ادغام بینش‌های علوم فیزیکی و اجتماعی محقق می‌شود (سواکول و همکاران، ۲۰۱۵). استفاده از علوم اجتماعی، راه‌های اطمینان از استفاده پایدار از منابع انرژی از طریق مشارکت مردم را تقویت می‌کند. مهارت، تخصص و دانش دانشمندان علوم اجتماعی با پیگیری سؤالات مهم، به بهبود درک عمومی از سیاست و عملکرد توسعه پایدار و حفاظت منابع کمک می‌کند. به‌علاوه، علوم اجتماعی شواهدی را برای حکمرانی مناسب ایجاد می‌کند که اصول معمول توسعه را دگرگون می‌سازد (ثاپا و تامپسون[۱]، ۲۰۱۷). بنابراین، کاربست علوم اجتماعی با محوریت تفسیرهای اجتماعی از توسعه، نیازهای جامعه را با اولویت بخشیدن به توسعه پایدار مردم‌محور طراحی می‌شود. ممکن است دانشمندان علوم طبیعی استدلال کنند که کاربست علوم اجتماعی نمی‌تواند برای همهٔ موضوعات طبیعی و فنی راه‌حل ارائه دهد. به همین دلیل، لازم است دانشمندان علوم اجتماعی و دانشمندان علوم فیزیکی و طبیعی در یک تیم بین‌رشته‌ای با یکدیگر کار کنند و چرخهٔ پژوهش را از مرحلهٔ طراحی اولیه تا نتیجه‌گیری و کاربست باهم پیش ببرند (بنت و همکاران، ۲۰۱۶).

با درنظر داشتن چالش‌های مرتبط با انرژی در دورهٔ کنونی، اهمیت علوم اجتماعی در مطالعهٔ انرژی روشن می‌شود. سه چالش مهم مرتبط با انرژی که ماندگاری طولانی‌مدت و گسترده‌ای دارند و از روابط درونی بین توسعهٔ جهانی و محیط زیست تأثیر می‌پذیرند، عبارت‌اند از: دسترسی و امنیت؛ تغییرات اقلیمی و سایر تأثیرات زیست‌محیطی؛ توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی (گولدبلت و دیگران، ۲۰۱۲). ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این چالش‌ها نقش مرکزی و اصلی علوم اجتماعی در تقابل با این مسائل را نشان می‌دهد.

هدف پژوهش علوم اجتماعی انرژی[۲] این است که در تغییر نظام‌های انرژی مورد مطالعه‌شان مشارکت داشته باشند، به این معنا که با تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و تصمیمات نهادهای دولتی، و گاهی بر سایر جریان‌ها مانند آگاه‌کردن یا اثرگذاری بر تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های زیست‌محیطی و سایر حاضران در نظام انرژی ایفای نقش می‌کنند (مالاباند و همکاران، ۲۰۱۷). دغدغهٔ اصلی این است که سیاست انرژی تحت سلطهٔ رویکرد فنی/ فیزیکی قرار داشته و این به معنی نادیده‌گرفتن و سوءتعبیر زمینهٔ انسانی و اجتماعی تقاضای انرژی در سیاست‌گذاری انرژی است. این استدلال بر اهمیت علوم اجتماعی در ایجاد تغییرات اجتماعی استوار است و اگر آن‌ها در سیاست‌گذاری‌ها دخالت داده نشوند ما در آینده کمتر می‌توانیم «به سیستم انرژی دسترسی داشته باشیم که بهزیستی انسان‌ها را ارتقا دهد» (سواکول و همکاران، ۲۰۱۵). علوم اجتماعی هم‌چنین می‌تواند به سؤالات مربوط به طیف وسیعی از الگوهای حکمرانی برای سیستم‌های انرژی پایدار، با محوریت تنظیمات متنوع بازارها، مناطق و جامعه مدنی که در تأمین انرژی کاربرد دارند، بپردازد. علوم اجتماعی تجربی مدتهاست که نشان داده است که هیچ‌گونه دوگانگی ساده بین «برنامه‌ریزی» و «بازار» در مدیریت منابع وجود ندارد. لازم است دیدگاه‌های علوم اجتماعی در مباحثی با هدف جلوگیری از تسخیر حکمرانی توسط منافع فعلی و ایدئولوژی‌های سیاسی بیان شوند (وست و سمیث، ۲۰۱۳).

تاکنون نشان دادیم که توسعه همه‌جانبه و مبتنی بر ایده پایداری در برق و انرژی نیاز به مطالعات بین‌رشته‌ای دارد که با توجه به تأکید بر بعد اجتماعی تبیین شد که باید رویکرد اجتماعی اتخاذ شود. بر همین اساس نیز تلاش شد اهمیت مطالعات ابعاد اجتماعی و علوم اجتماعی انرژی تبیین گردد. در قسمت بعدی این فصل برای آنکه نقش‌آفرینی دستاوردهای علوم اجتماعی برجسته شود، کارکردهای علوم را که بیانگر اتخاذ و اعمال رویکرد اجتماعی در فرایندها، ساختارها و سیاست‌های حکمرانی برق و انرژی باشند، تشریح خواهیم کرد.

۱-۳-۲. کارکردهای علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی

۱ *Thapa, K. & Thompson, S.*

2 *Social Science Energy Research (SSER)*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

همان‌گونه که در بخش قبلی اشاره شد، به‌کارگیری علوم اجتماعی در پژوهش، سیاست‌گذاری، مدیریت اقدامات و اجرای برنامه‌های حوزه صنعت برق و انرژی ابعاد و دامنهٔ بسیار گسترده‌ای دارد. ازاین‌رو، برای استفادهٔ مناسب و مؤثرتر از این علوم، کارکردهای آن‌ها در یک الگوی فرایندی ارائه می‌شود. بدین صورت که دستاوردهای علوم اجتماعی در ابتدا می‌تواند به بررسی و شناخت زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر حکمرانی و مدیریت برق و انرژی بپردازد (ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در حکمرانی و مدیریت)، سپس به‌منظور ایفای بهتر مسئولیت اجتماعی صنعت برق و انرژی، دامنهٔ مسئولیت اجتماعی حکمرانان و مشترکان را مشخص و توصیف کند، در ادامه زمینهٔ متقاعدسازی مردم و سپس پذیرش اجتماعی سیاست‌ها و نوآوری‌ها را بررسی و فراهم سازد و در نهایت به جلب حمایت و مشارکت عمومی مشترکان کمک نماید.

این موضوع نه تنها در جامعه مشترکین و سطح عمومی جامعه قابل‌طرح است بلکه در جامعه صنعت نیز به همین صورت علوم اجتماعی می‌تواند نقش‌آفرینی کند. زیرا در هر دو سطح اجتماع موردبحث مهم است که زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی را شناخت، به ایفای بهتر مسئولیت اجتماعی کمک نمود، در هر اقدامی، به گونه‌ای عمل شود که افراد را متقاعد و پذیرش آنها را اخذ کرد و در نهایت آنها را در فرایندهای گوناگون و به طرق مقتضی مشارکت داد. به‌طورکلی کارکردهای پنج‌گانه علوم اجتماعی را می‌توان در فرایندی به شکل شماره ۱-۴ نشان داد. در ادامه به تشریح فضای مفهومی و مبانی نظری هر یک از این کارکردها پرداخته خواهد شد. این نگاه به بهره‌بردای از دستاوردهای علوم اجتماعی را می‌توان تحت عنوان رویکرد اجتماعی در حکمرانی و مدیریت نیز نام برد. زیرا رویکرد اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق، مدنظر قرار دادن و اعمال این سازوکارها در فرایندهای کاری است. رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری انرژی، بیانگر سازوکارهایی است که نشان می‌دهد چگونه باید بین جامعه و سیاست‌های انرژی تعامل برقرار کرد که برآیند آن، سیاستی باشد که مبتنی بر ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، ایفای مسئولیت اجتماعی جامعه و حکمرانی، متقاعدسازی مردم، پذیرش اجتماعی و جلب مشارکت عمومی باشد. در واقع سیاست‌گذاری در چارچوبی از رعایت الزامات اجتماعی و پیامدهای آن انجام می‌گیرد به گونه‌ای که در راستای اهداف جامعه است. حاصل این نوع سیاست‌گذاری در انرژی، تضمین استقرار یک نوع سیستم انرژی است که مبتنی بر رویکرد اجتماعی–فنی خواهد بود. سیاست‌گذاری انرژی جامعه‌محور، باید زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی را در هر سازوکاری که در نظر دارد، لحاظ کند و با در نظر گرفتن این زمینه‌ها، اقدامات بعدی را به جای آورد. ایفای مسئولیت اجتماعی، متقاعدسازی مردم، پذیرش اجتماعی و جلب مشارکت عمومی به‌عنوان اقدامات بعدی که هر کدام مبتنی بر فهم شرایط و زمینه‌های اجتماعی فرهنگی بوده و بر همدیگر اثر هم‌افزا دارند، سازوکارهای تضمین رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری است. منظور از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، شرایط اجتماعی و یا فرهنگی نسبتاً پایداری است که قبل از تولد افراد در جامعه وجود داشته و کنش اجتماعی اعضای جامعه را مشروط می‌سازند. یعنی شرایطی که حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی را در کشور، در قالب عوامل محدودکننده و یا تشویق‌کننده، محدود یا تسهیل می‌کنند. ایفای مسئولیت اجتماعی، به‌معنای پاسخگوبودن در برابر تأثیرات اجتماعی مستقیم و غیرمستقیم فعالیت‌های سازمان یا مؤسسه بر مردم است که شامل افراد داخل سازمان و مردمِ اجتماعی می‌شود که سازمان در آن فعالیت می‌کند، (ستیپچویچ و سیکسنلایت، ۲۰۱۷). به باور باکلی و دیگران (۲۰۰۱) امروزه در شرایط جهانی شدن و شبکه‌های گستردهٔ اطلاعاتی از سازمان‌ها انتظار می‌رود در برابر مسائل محیط زیست، رعایت منافع جامعه، حقوق اقلیت‌ها و ... حساسیت داشته، واکنش نشان دهند. بنابراین سازمان‌ها ناچار به انجام اقدامات وسیع و گسترده برای جلب افکار عمومی هستند که وجه غالب آن‌ها نشان دادن وجههٔ اخلاقی اقدامات سازمان است. متقاعدسازی مردم، فرایند اقناع و مجاب کردن مردم بر مبنای روش‌ها و تکنیک‌هایی است که برای پذیرش و یا مقبولیت و مشارکت در یک اقدام و یا تغییر در کنش صورت می‌گیرد. بنابراین سیاست‌های انرژی که در پی اتخاذ رویکرد اجتماعی هستند نیاز است تا جهت پذیرش خود و جلب همراهی اجتماعی، مردم را بر مبنای روش‌های مقتضی متقاعد و توجیه نمایند. «پذیرش اجتماعی به زبان ساده عبارت از میزان تصدیق یک پدیده یا رویداد در جامعه که برانسون آن را چنین تعریف می‌کند: روش‌های به‌هم‌پیوسته ابراز رضایت عمومی که به‌وسیله آن قضاوت‌ها، الگوهای قابل‌شناسایی و سیاسی قشرهای مختلف شهروندان، بسط داده می‌شود» (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۳). به باور لوک و دیگران (۱۹۹۸)، به لحاظ گونه‌شناسی پذیرش، باید

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

گفت که شکل خاصی از تأیید را تعریف می‌کند که از «رضایت آگاهانه» تا «تطبیق اجباری» را شامل می‌شود (لست و دیگران، ۲۰۱۰). مشارکت عمومی، دربرگیرندهٔ انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری دربارهٔ امور عمومی است (طوسی، ۱۳۷۰). مشارکت اجتماعی نیازمند پذیرش، حمایت و نوآوری اجتماعی مصرف‌کنندگان (مشترکان) است که در نتیجهٔ آن افراد راه‌حل‌ها و پاسخ‌های مؤثرتری برای مسائلی چون تغییرات اقلیمی، انرژی، سلامت و فقر پیدا می‌کنند (بودیمان، ۲۰۱۸).

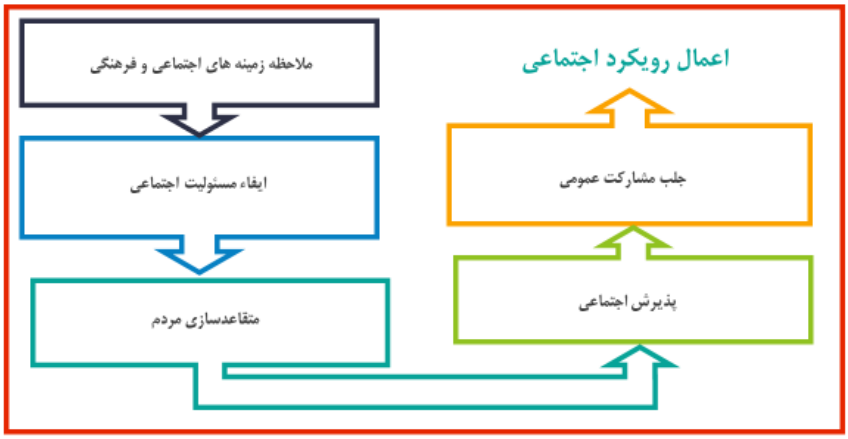

شکل ۱-۴: کارکردهای علوم اجتماعی (اعمال رویکرد اجتماعی) در حکمرانی صنعت برق و انرژی (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

۱-۳-۲-۱. ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی

شیوه‌های تولید و مصرف انرژی در هر جامعه‌ای انعکاسی از روابطی است که آن جامعه بین عوامل انسانی و غیر انسانی خویش برقرار می‌سازد که در مجموع شرایط یا زمینه‌های مادی و غیرمادی را شکل می‌دهند (هورتا و همکاران، ۲۰۱۴).

زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی که از آنها می‌توان تحت عنوان ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیز یاد کرد از یک سو، تعیین‌کننده قواعد کنش و از سوی دیگر در اختیار گذارنده منابع کنش‌اند. ازاین‌رو حکمرانی و مدیریت صنعت برق، به‌مثابه یک کلان‌کنش، برای پیشبرد اهداف خویش به ناچار از شناخت این زمینه‌ها یا ساختارها است. این شناخت باعث می‌شود تا با شناخت نقاط ضعف و چالش‌های پیش رو اقدام به طراحی سازوکارهای مناسب برای عبور از مشکلات برآمده از این چالش‌ها بکند و با شناسایی نقاط قوت قادر به استفاده از آنها برای پیشبرد امور خویش شود. حکمرانی و مدیریت صنعت برق کشور تنها زمانی در پیشبرد اهداف خود موفق خواهد شد که سیاست‌ها و برنامه‌های در دستور کارش باعث تخریب و یا به‌هم ریختگی در سنت‌ها و نظم‌های جاافتاده و کارکردی جوامع محلی و جمعیت‌های هدف نشوند، با منافع آنها در تعارض و تضاد نباشند و چشم‌اندازی مثبت را برای توسعه آن جوامع ترسیم کنند.

در رابطه با انرژی ویژگی‌هایی چون پیشینهٔ اجتماعی ـ اقتصادی، گروه‌های سنی، عقاید سیاسی، دانش و آگاهی، ادراک، شرایط تسهیل‌کننده، اعتماد، شرایط مکانی، برخی عوامل شخصی، روان‌شناختی و زمینه‌ای، موقعیت مشترکان، نگرش‌ها و رفتارهای مشترکان اهمیت ویژه‌ای دارند (دیوین رایت، ۲۰۱۱). در زمینهٔ انرژی‌های نو، شاخص‌های اجتماعی دیگری چون زمان، نگرانی و تشویش، تطابق‌پذیری، برخورداری، جامعه‌پذیری، تأثیر اجتماعی، فرهنگ، اعتمادپذیری سیستم و نمونه‌های موردی و خاص کاربرد انرژی را نیز باید در نظر داشت (مولا و همکاران، ۲۰۱۳). به باور این پژوهشگران (دیوین رایت، ۲۰۱۱ و مولا و همکاران، ۲۰۱۳)، هر یک از این زمینه‌ها در مواردی مانند پذیرش اجتماعی و مشارکت در سیاست‌گذاری انرژی و مواردی از این قبیل در عرصه انرژی، محدودکننده و یا تسهیل‌کننده بوده ضمن اینکه در فناوری‌ها و انرژی‌های نو، نقشی اساسی در پذیرش یا عدم پذیرش

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

اجتماعی و همراهی یا عدم همراهی با دولت یا مؤسسات متولی انرژی دارند. به‌طورکلی می‌توان در اینجا سعی بر آن است که الگویی ارائه شود که بایستی در سیاست‌گذاری انرژی آنها را ملاحظه کرد. هدف این است که باید واقعیت‌های امر را از طریق این شاخص‌ها شناخت و بر اساس آنها اقدام به سیاست‌گذاری کرد. بر این اساس مهم است که جامعه در چه موقعیتی از لحاظ زمینه‌های توسعه‌ای قرار دارد که بر اساس آن به پذیرش فناوری اقدام نمود.

از میان زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متعدد و متکثری که در این زمینه مؤثرند چند زمینه عمده که به نظر می‌رسد تأثیرگذاری بیشتر و یا آشکارتری بر حکمرانی و مدیریت صنعت برق کشور دارند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. از جمله؛ ارزش‌ها (معیارهایی که بر مبنای آنها گروه یا جامعه، الگوهای رفتاری، هدف‌ها و دیگر اشیاء فرهنگی- اجتماعی را ارزیابی می‌کند)؛ نگرش‌ها (رویکردی که افراد نسبت به موضوعی دارند یا با توجه به آن از خود رفتاری نشان می‌دهند)؛ زمینه‌های هویتی (هویت‌های مبتنی بر نژاد، قومیت، جنسیت، ملیت، جغرافیا و ... به‌مثابه هویت‌های نخستین، و هویت‌های مبتنی بر دوگانه‌هایی چون مدرن- سنتی، دینی-سکولار، شهری- روستایی و گرایش سیاسی، سبک زندگی و ... به‌مثابه هویت‌های ثانویه)؛ زمینه‌های جمعیتی (حرکات جمعیت یا دگرگونی‌های حاصل در جمعیت نظیر میزان زاد و ولد، مرگ و میر کودکان، بارداری، رشد جمعیت، مهاجرت، ازدواج و ...)؛ زمینه‌های نهادی (شامل پنج نهاد اجتماعی اصلی سیاست، اقتصاد، خانواده، آموزش و پرورش و دین)؛ زمینه‌های ارتباطی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری (از جمله سرمایه اجتماعی، شبکه‌های محلی و ...)، زمینه‌های توسعه امکانی (تسهیلات رفاهی و خدمات اجتماعی) و توسعه سبکی (ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، حفظ هویت و ایجاد پایداری)[1] و سایر مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی که به نوعی بر رفتارهای فردی و جمعی شهروندان (مشترکان) نسبت به صنعت برق و انرژی تأثیرگذار باشند. بنابراین در ادامه سعی می‌شود با شناسایی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مذکور در جوامع هدف حکمرانی و مدیریت صنعت برق کشور، توضیح داده شود که چگونه این زمینه‌ها می‌توانند در نقش تسهیل‌کننده یا تحدیدکننده شرایط توفیق یا شکست حکمرانی و مدیریت صنعت برق کشور در اجرای سیاست‌ها برنامه‌های این حوزه ظاهر شوند. از میان زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متعدد و متکثری که در این زمینه مؤثرند چند زمینه عمده‌ای را که برگزیده‌ایم به نظر می‌رسد تأثیرگذاری بیشتر و یا آشکارتری بر حکمرانی و مدیریت صنعت برق کشور دارند. در مجموع دستاوردهای این بخش می‌تواند زمینه‌ساز تدوین اطلسی اجتماعی و فرهنگی از جوامع هدف و ذی‌نفعان باشد که به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی و اجرای بهینه آنها کمک کند.

۱-۳-۲-۱-۱. زمینه‌های ارزشی و نگرشی

ارزش‌ها و نگرش‌ها و به عبارتی انگاره‌های ذهنی جوامع هدف یکی از مهم‌ترین عوامل تسهیل‌کننده یا تحدیدکنندهٔ حکمرانی و مدیریت صنعت برق است. بر اساس یک تعریف ارائه‌شده از این مفهوم (نیک‌گهر، ۱۳۷۳)، ارزش‌ها را به بیان خیلی ساده می‌توان «معیارهایی تعریف کرد که بر مبنای آنها گروه یا جامعه، الگوهای رفتاری، هدف‌ها و دیگر اشیاء فرهنگی-اجتماعی را ارزیابی می‌کند». این عامل اگر چه عاملی مؤثر در تمامی‌حوزه‌های حکمرانی و مدیریت است اما هرچه حجم جامعه هدف بیشتر باشد اهمیت و میزان تأثیرگذاری آن بیشتر می‌شود. بر این اساس در حوزه‌ای چون صنعت برق که حجم جامعه هدف نزدیک به کل جمعیت کشور می‌شود، ارزش‌ها و نگرش‌های این جامعه نیز از اهمیت بسیار زیاد و غیرقابل‌انکاری برخوردار می‌شود.

---

۱ مفهوم توسعه امکانی و توسعه سبکی برگرفته از دکتر موسی عنبری دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در کلاس‌های درس نظریات توسعه و توسعه روستائی دوره دکتری می‌باشد (به نقل از عبداله پور، جمال (۱۳۹۶)، رساله دکتری جامعه شناسی با عنوان واکاوی نقش نخبگان سنتی روستایی در راهبری توسعه اجتماعات محلی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان سردشت) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران).

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ارزش‌ها، معمولاً به‌عنوان اهداف مهم زندگی یا استانداردهای هنجاری مفهوم‌سازی می‌شوند که به‌مثابه یک اصل راهنما در زندگی به کاربرده می‌شوند (روکیچ[1]، ۱۹۷۳ به نقل از پورتینگا و همکاران[2]، ۲۰۰۴: ۷۳). ارزش‌ها متمایز از نگرش‌ها یا باورها بوده به دلیل اینکه آنها به‌مثابه یک نظام سازمان‌یافته عمل می‌کنند و معمولاً تعیین‌کننده‌های نگرش‌ها و رفتارها هستند (اولسون و زانا[3]، ۱۹۹۴ به نقل از شولتز و زلنی[4]، ۱۹۹۹: ۲۵۶). به‌طور مثال ممکن است کنش افراد در صرفه‌جویی و حفاظت از انرژی بر مبنای ارزش‌های طبیعت‌گرایانه شکل گیرد و یا اینکه در توسعه نیروگاه‌ها آنچه مبنای تصمیم‌گیری قرار بگیرد نه ارزش‌های حفاظت از تنوع بلکه منفعتی باشد که از این پروژه حاصل می‌گردد یعنی ارزش‌های منفعت‌گرایانه موردتوجه قرار گیرد. به‌طورکلی ارزش‌های مربوط به حوزه انرژی معیارهایی هستند که شهروندان نحوه مصرف خود را توسط آن توجیه می‌کنند که برخی از آنها عبارت‌اند از؛ ارزش‌های اقتصادی، توجیه راحتی شخصی، ارزش‌های زیستی محیطی، ارزش‌های نوع‌دوستی، ارزش‌های مذهبی، منافع ملی و حفظ منابع برای نسل‌های آینده» (رفعت‌جاه، ۱۳۸۱: ۲۱).

نگرش قبل از هر چیز به معنای جهت‌گیری کلی و ارزش‌گذاری نسبت به موضوع معینی بوده است (کلود، ۱۳۷۹). نگرش رویکردی است که فرد نسبت به موضوعی دارد یا با توجه به آن از خود رفتاری نشان می‌دهد. گری (۱۹۸۵) معتقد است ارزش‌ها، راه دیدن جهان و ارتباط با آن هستند و به همین دلیل در رفتاری که انسان در قبال طبیعت به‌عنوان بخشی از جهان زیستی‌اش دارد مؤثرند (به نقل از جعفرصالحی، ۱۳۸۸: ۴۷). اما نگرش عبارت است از واکنش‌ها یا مواضع ارزیابی‌کننده موافق یا مخالف نسبت به یک موقعیت، یک فرد یا گروه، که به شکل احساسات، باورها و حتی رفتار فرد نشان داده می‌شود. نگرش با باورهای فرد در مورد پیامدهای آن رفتار مرتبط است. به عبارت دیگر وقتی فردی باور دارد که رفتاری پیامدهای ارزشمندی برای او خواهد داشت، نگرش مثبتی نسبت به آن رفتار خواهد داشت و برعکس. نگرش نسبت یک رفتار به‌وسیله اعتقاد شخص به نتیجه حاصل از رفتار و ارزیابی آن مشخص می‌شود. به عبارت دیگر بر طبق این نظریه نگرش فرد درباره یک موضوع نتیجه عملکرد عاید فرد درباره آن و ارزیابی پاسخها در ارتباط با این عقاید می‌باشد (فیشبین و آجزن، ۱۹۷۵؛ رحیمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۸). به‌طورکلی روانشناسان اجتماعی نگرش را به سه مؤلفه شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم می‌کنند: مؤلفه شناختی نگرش شامل افکار، حقایق، باورها، دانش و اعتقاداتی که شخص در مورد موضوع نگرش دارد و با ارزیابی خوب و بد همراه است. باورهای مبتنی بر اهمیت صرفه‌جویی و داشتن اندیشه و باور به نقش فرد در بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌تواند مثال‌هایی در این زمینه باشد. مؤلفه عاطفی نگرش دربردارنده احساسات و عواطف، به‌ویژه ارزش‌گذاری مثبت یا منفی فرد نسبت به موضوع نگرش است و معمولاً به صورت خوش‌آیند و یا ناخوش‌آیند ظاهر می‌شود. برای مثال داشتن تصور مثبت از تعرفه و اینکه نرخ‌ها یارانه‌ای و در راستای کمک به مردم است. مؤلفه رفتاری نگرش بیانگر آمادگی فرد برای پاسخ دادن و تمایل به عمل کردن به روش و شیوه خاص نسبت به موضوع نگرش است، یعنی اگر فرد نسبت به موضوع دارای نگرش مثبت باشد ممکن است آماده همکاری شود اما اگر نگرش منفی باشد نمی‌توان انتظار همکاری داشت. تمایل به همکاری در یک برنامه فرهنگ‌سازی می‌تواند مثالی در این زمینه باشد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵).

بر اساس آمار تفصیلی توزیع برق (سال ۱۳۹۷ شرکت مادرتخصصی توانیر[5])، تعداد کل مشترکین برق، ۳۵۶۸۸۰۰۰ مشترک بوده که ۸۱ درصد آن مشترکین خانگی و مابقی بخش عمومی پنج درصد، کشاورزی یک درصد، صنعت یک درصد و ۱۳ درصد سایر مصارف هستند. اما آنچه که در واقعیت مشاهده می‌شود می‌توان گفت شبکه صنعت برق کشور شبکه‌ای با بیش از هشتاد میلیون نفر بزرگ‌ترین شبکه انسانی ممکن در کشور را درگیر خود کرده و هر گونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه صنعت برق کشور دارای تأثیرات مستقیم و یا غیرمستقیم بر زندگی و کنش فردی و اجتماعی کل جمعیت کشور خواهد بود. کمترین نتیجه حاصل از

1 *Rokeach, M.*
2 *Poortinga, W., L. Steg & C. Velek*
3 *Olson, J. & Zanna, M.*
4 *Schult P. Wesley & Lynnette Zelezny*
۵ شرکت مادرتخصصی توانیر–معاونت تحقیقات و منابع انسانی (۱۳۹۸)، آمار تفصیلی صنعت برق ایران ویژه توزیع نیروی برق در سال ۱۳۹۷، قابل دسترسی بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی شرکت مادرتخصصی توانیر https://www.tavanir.org.ir/.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تأمل در این ارقام این است که صنعت برق بزرگ‌ترین شبکه اجتماعی کشور است. هیچ شبکه دیگری، از قبیل آموزش و پرورش کشور و حتی شبکه ارتباطات موبایلی نیز از این نظر با شبکه برق کشور قابل‌مقایسه نیست.

بر این اساس صنعت برق کشور، هم ازاین‌رو که در حکمرانی و مدیریت خود در عرصه‌های تولید، انتقال و عرضه نیازمند لحاظ ارزش‌ها، نگرش‌ها و منافع تمامی‌مشترکین خود است و هم ازاین‌رو که برای رسیدن به اهداف خود در عرصه مصرف نیز نیازمند همکاری تمامی این جمعیت حدوداً هشتاد میلیونی است، صنعتی کاملاً اجتماعی و متکی به ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که شاید بتوان با تساهل از آن تحت عنوان فرهنگ جامعه یاد کرد.

اگر فرهنگ را عمدتاً امری ذهنی و متشکل از ارزش‌ها، نگرش‌ها، معانی و مفاهیمی بدانیم که راهنمای رفتارهای اعضای جامعه است، آنگاه شاید پر بیراه نباشد که مدعی شویم شناخت ارزش‌ها و نگرش‌های مشترکین و به‌طورکلی جامعه مصرف‌کننده انرژی (به‌ویژه انرژی الکتریکی) مهم‌ترین ضرورت در حکمرانی و مدیریت شایسته صنعت برق است. گذشته از اهمیت ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی در مقوله‌هایی مثل اصلاح رفتار مصرفی مشترکین برق، صنعت برق فقط زمانی از پس انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود برخواهد آمد که با شناخت ارزش‌ها و نگرش‌های بومی و محلی جوامع هدف خود ضمن این که کمترین اختلال را در جریان زندگی روزمره آنها ایجاد می‌کند با ارائه خدماتی که موافق با ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی این جوامع است رفاه متناسب با این ارزش‌ها را برای آنها به ارمغان آورد.

اگرچه بعد اجتماعی صنعت برق بعدی فراگیر است که تولید، انتقال، توزیع و مصرف را دربر می‌گیرد ولی این مصرف بوده است که بیش و پیش از دیگر حوزه‌ها توجه جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. صاحب‌نظران علوم اجتماعی با تمرکز بر این ایده که کمیت و کیفیت مصرف برق امری بیشتر اجتماعی و فرهنگی است تا اقتصادی و تکنولوژیک، مبادرت به انجام پژوهش‌های گسترده در ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی مصرف‌کنندگان برق کرده‌اند.

بررسی این دو مفهوم نشان می‌دهد که با همدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند به گونه‌ای که نگرش‌های مثبت یا منفی در حوزه انرژی تا حدود زیادی تابعی از ارزش‌هائی هستند که افراد بر مبنای آن رفتار را در این حوزه توجیه می‌کنند. از طرفی دیگر هر دو نیز مستقیماً بر رفتارهای مصرفی تأثیرگذار هستند. اما موضوع دیگری که در این خصوص باید مدنظر داشت این است که زمینه‌های ارزشی و نگرشی خود از سطح سواد انرژی تأثیر پذیرفته ضمن آنکه سواد انرژی نیز تا حدود زیادی بازتاب ارزش‌ها و نگرش‌های همگرا با وضعیت مطلوب در این حوزه است. دی واترز (۲۰۰۷) با به‌کارگیری مفهومی‌به نام سواد انرژی، آن را داشتن دانشی صرف ندانسته و معتقد است، سواد راهی برای کنجکاو بودن، عینی بودن و توانایی ارزیابی و به‌کارگیری اطلاعات و مهارت تصمیم‌گیری و عملکرد است. سواد نه فقط به درک ویژه و دانش مرتبط و مجموعه روابط اشاره دارد بلکه به توانایی و رضایت و اشتیاق برای کاربرد این دانش در رفتار عملی–به خواندن و نوشتن، به ارتباطات، به مشارکت در جامعه– دلالت دارد. دی واترز و پاورز (۲۰۱۲: ۴۷)، سه بعد شناختی، اثربخشی و رفتاری را برای سواد انرژی قائل هستند. به زعم آنها بعد شناختی می‌تواند دربردارنده شناخت و آگاهی نسبت به مفاهیم اساسی، منابع و ذخایر و تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی انرژی باشد. اثربخشی مواردی مانند حساسیت و آگاهی نسبت به مسائل انرژی جهانی، نگرش‌های مثبت در ارتباط با انرژی و باورهای مؤثر و کارآمد است. مسئولیت اقتصادی برای مصرف منابع تجدیدپذیر و پتانسیل پذیرش سبک‌های زندگی که مشکلات انرژی را کم می‌کند بخشی از اثربخشی است که حاصل داشتن سواد انرژی است. بعد رفتاری سواد انرژی به عادت‌های صرفه‌جویی انرژی، تصمیمات خردمندانه در حوزه انرژی و حامی و طرفدار تغییرات در این حوزه اشاره دارد. بنابراین سواد انرژی آن‌طورکه شین چنگ یه و همکاران (۲۰۱۷: ۳) اذعان داشته‌اند، فقط بر دانش علمی تمرکز ندارد بلکه مشارکت شهروندان و حمایت‌های سیاسی در یک زمینه اجتماعی را شامل می‌شود. در این خصوص دی واترز (۲۰۰۷) معتقد است سواد و آگاهی عمومی در مورد انرژی احتمالاً بیشتر ما را با فرایند تصمیم‌گیری و مهارت بهتر جهت اندیشیدن، مسئولیت تصمیمات در مورد انرژی، انتخاب‌ها و عملکردمان درگیر خواهد کرد. وی کسی را دارای سواد انرژی می‌داند که از شش ویژگی ذیل در رابطه با انرژی برخوردار باشد:

۱. درک پایه‌ای از اینکه در زندگی روزمره، انرژی چگونه استفاده می‌شود دارد،

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲. درک و فهمی از تأثیر تولید انرژی و مصرف آن بر محیط زیست و جامعه دارد،
۳. نسبت به اهمیت صرفه‌جویی در مصرف انرژی و توسعه راه‌های جایگزین برای منابع پایه‌ای مثل سوخت‌های فسیلی حساس است،
۴. درباره تأثیرگذاری تصمیم‌های شخصی و عملکرد انسان در حوزه انرژی، بر محیط زیست و جامعه جهانی آگاهی دارد و
۵. برای انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری متناسب با توسعه منابع انرژی و مصرف انرژی که بازتاب‌دهنده این نگرش‌هاست، تلاش می‌کند.

بنابراین با توجه به ماهیت سواد انرژی، این مفهوم سازوکار مهمی در انتخاب ارزش‌های همسو با صرفه‌جویی و مصرف بهینه و همین‌طور حکمرانی و مدیریت بهنیه، تشخیص موارد ناسازگار و اصلاح، تغییر و تحول نگرش‌های منفی و تقویت نگرش‌های مثبت است. ازاین‌رو حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی ضرورت دارد در کنار رصد و پایش ارزش‌ها و نگرش‌ها به‌منظور مدیریت بهینه امور، به عامل سواد انرژی و ارتقای آن نیز توجه ویژه‌ای داشته باشد.

توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی اگر چه ادبیات نسبتاً گسترده‌ای در دنیا پیدا کرده است اما این امر همچنان نقطه کور حکمرانی و مدیریت صنعت برق در کشور است و چندان موردتوجه صاحب‌نظران و پژوهشگران اجتماعی و هم‌چنین مدیران و سیاست‌گذاران حوزه برق کشور قرار نگرفته است. این در حالی است پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان سابقه‌ای نزدیک به نیم‌قرن در کشور دارد و از همه مهم‌تر پیمایش ملّی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان است که تا کنون سه موج از آن انجام شده و متأسفانه ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی حوزه برق و یا حتی انرژی جایی در میان حوزه‌های مختلف ارزشی و نگرشی که در این پیمایش مدنظر قرار گرفته‌اند، به خود اختصاص نداده‌اند.

مطالعات متعددی که در دهه‌های هفتاد و هشتاد شمسی به‌ویژه در این حوزه در وزارت نیرو انجام شده (مساوات، ۱۳۷۶؛ رفعت‌جاه، ۱۳۸۱ و کلاهی، ۱۳۸۵)، بیانگر آن است که شناخت این ابعاد در جهت مصرف بهینه و صرفه‌جویی و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای وضعیت مطلوب آتی و نیز تغییر و اصلاح ابعاد نامطلوب آنها ضرورت دارد. در واقع برای دست‌یابی به وضعیتی بهتر در مصرف انرژی در ایران باید بسیاری از رویه‌ها و الگوهای رفتاری مصرف برق در کشور را تغییر داد، آگاهی‌های مردم درباره آن را افزود، اعتماد مصرف‌کننده به تولیدکنندهٔ آن را زیاد کرد، سازوکارهای مؤثرتری برای تشویق مصرف‌کنندگان به صرفه‌جویی یافت و به طریقی ذهنیت و نگرش‌های مردم را درباره مصرف انرژی و بحران‌های آن را تغییر داد و با ارزش‌های اجتماعی انسان‌دوستانه و مبتنی بر حفاظت از محیط زیست همسو کرد. ضمن آنکه ارزش‌ها و نگرش‌های از این دست را تقویت نمود تا بتوان در راستای حفاظت از انرژی، صرفه‌جویی و حفظ تنوع زیستی مورد بهره‌برداری قرار داد.

اهمیت سنجش ارزش‌ها و نگرش‌ها در کشورهای مختلف بیانگر آن است که برخی از آنها تاکنون چندین موج پیمایش ملی را در این خصوص اجرا کرده‌اند. ازاین‌رو می‌توان گفت اطلاع از وضعیت این ابعاد فرهنگی نقش مهمی در حکمرانی و مدیریت بهینه حوزه‌های انرژی به‌ویژه برق دارد. پیمایش انرژی و تغییرات آب و هوایی و بررسی نگرش عمومی در انگلستان از جمله این موارد است که در قالب پیمایشی ملی در ۲۵ موج از سال ۲۰۱۲ صورت گرفته و موج ۲۵ ام آن در سال ۲۰۱۸ با نمونه‌ای ۲۱۰۲ نفری توسط دپارتمان تجارت، انرژی و استراتژی صنعتی انگلستان انجام شده است. در این پژوهش متغیرهای متعددی که نشانگر نگرش و رفتار شهروندان انگلیسی در حوزه مسائل مرتبط به انرژی است، بررسی شده است. کمیسیون اروپا نیز در میان ۳۲ کشور اروپایی پیمایش نگرش‌ها نسبت به انرژی را اجرا می‌کند. موج دوم آن سال ۲۰۰۵ با شرکت ۲۹۴۳۰ نفر صورت پذیرفته است. متغیرهای موردبررسی این پیمایش نقش نهادهای عمومی، نقش مصرف‌کننده‌ها و نحوه استفاده از اتومبیل بوده که در هر بخش سؤالاتی در حوزه انرژی از پاسخگویان پرسیده شده که مرتبط با تصمیم‌گیری‌ها، اولویت‌ها، رفتارها، چالش‌ها در این حوزه هستند. به‌عنوان مثال در بخش رفتار مصرفی، بیشترین میزان توجه به استفاده از لامپ‌های کم‌مصرف مربوط به کشورهای لهستان (۵۷ درصد) و مالتا (۵۸ درصد) بوده و کمترین توجه را پاسخگویان ایرلندی (۲۳ درصد) و اسپانیایی (۲۷ درصد) از خود نشان داده‌اند. پیمایش ملی سواد انرژی و شهروند انرژی سال ۲۰۱۴ در کانادا به‌منظور درک شهروندان از مسائل انرژی در کانادا با نمونه‌ای ۳۰۰۰ نفری توسط

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

دپارتمان منابع اقتصادی و جامعه‌شناسی محیط زیست دانشگاه آلبرتا با همکاری لوییزای کامه او[۱]، جان آر پارکین[۲]، ریچارد سی استدمن[۳]و توماس ام به‌کلی صورت پذیرفته است. این پیمایش در سطحی ملّی به دنبال بررسی سواد انرژی و شناخت ابعاد آن یعنی یعنی نگرش‌ها، ارزش‌ها و آگاهی و دانش شهروندان کانادایی بوده است. ازاین‌رو مؤلفه‌هایی مانند ارزش‌های طبیعت‌دوستانه، آگاهی از راه‌های صرفه‌جویی، رضایت و توافق در تغییر رفتارهای مصرفی و ... را در استان‌های مختلف کانادا موردسنجش قرار داده و نتایج تحقیق را هم به تفکیک استان‌ها گزارش داده است.

به‌طورکلی ملاحظه زمینه‌های ارزشی و نگرشی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی بنا به دلایل مختلفی مهم بوده و ضوروت دارد که موردتوجه ویژه قرار گیرند. وضعیت موجود اجتماعی و فرهنگی کشور در مدیریت توأمان عرضه و تقاضا/مصرف انرژی از جمله الزامات آن بوده که در این راستا داشتن اطلسی از ارزش‌ها و نگرش‌های شهروندان مبتنی بر پایش و رصد در ادوار مختلف دارای اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای است. چنین اطلسی، آمار و اطلاعات متقنی را از شهروندان مصرف‌کننده فراهم می‌کند که می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری انرژی قرار گیرد. در واقع داشتن تصویری از نیمرخ اجتماعی و فرهنگی کشور در این زمینه، به تصمیمات و برنامه‌های مبتنی بر واقعیت‌های جامعه می‌انجامد که تبعات ناگوار ناشی از عدم درک چنین واقعیت‌هایی را کاهش و تعدیل و یا از بین خواهد برد.

در مباحث فرهنگ‌سازی و ارتباط و تعامل با مخاطبان که یکدست نبوده و نیز ایجاد بسترهای گفتگو، نیازمند شناخت سواد انرژی و دیگر ویژگی‌های آنها بوده که بر اساس آن می‌توان محتوای دیالوگ را مشخص و در مباحث رسانه‌ای و روابط عمومی، محتوای اطلاع‌رسانی را طراحی کرد. به لحاظ اقتصادی نیز تغییر نگرش از یک کالای عمومی به کالای اقتصادی می‌طلبد که در این زمینه شناخت فراهم شود. موضوعاتی دیگر از جمله میزان استقبال عموم از سیاست‌های صرفه‌جویانه و جایگاه برق در نظام فکری مردم را نیز می‌توان در زمره اهمیت این موضوع برشمرد.

ایجاد پایگاه داده‌ای از ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در حوزه انرژی؛ زمینه‌ای را برای پژوهشگران فراهم کرده تا با انجام تحلیل‌های ثانویه روی آن، شناخت و درک بیشتری را در جهت برنامه‌ریزی و اجرای بهتر اقدامات توسعه‌ای و مدیریت توأمان فراهم نمود. این پیشنهاد را می‌توان به حوزه مستندسازی نیز تسری بخشید که با توجه به ادراکات مردم در حوزه آب و انرژی آثار هنری را تدوین و ارائه کرد.

در مجموع می‌توان چند دسته کلی از مسائل و یا متغیرهای اجتماعی مرتبط با ارزش‌ها و نگرش‌ها را شناسایی کرد که در جاهای مختلف و توسط پژوهشگران اجتماعی مختلف موردتوجه قرار گرفته و پژوهش‌هایی حول آنها سامان یافته است. همین محورها نیز می‌تواند در دستور کار حکمرانی و مدیریت صنعت غرب برق کشور برای سیاست‌گذاری متعهدانه به مسئولیت اجتماعی این صنعت و هم‌چنین استفاده از این دانش برای حل مسائلی چون مصرف انرژی در دستور کار موردتوجه قرار گیرد. اهم این محورها عبارت‌اند از؛

۱. آگاهی‌ها، اطلاعات و دانش مردم در خصوص برق و صنعت برق
۲. نحوه ادراک مردم از مفاهیم مربوط به برق و صنعت برق
۳. ارزش‌های اجتماعی حول مفاهیم مربوط به برق و صنعت برق از قبیل مصرف انرژی
۴. نگرش‌های زیست محیطی مرتبط با برق و صنعت برق
۵. میزان اعتماد مردم به سازوکارها و رویه‌های حکمرانی و مدیریت صنعت برق در کشور و یا به عبارتی سرمایه اجتماعی صنعت برق کشور

۱ *Louise A Comean*
۲ *John R Parkin*
۳*Richard C Stedman*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۶. درک مردم از مسائل و مشکلات صنعت برق کشور

۱-۳-۲-۱-۲. زمینه‌های هویتی

«هویت» مجموعه از ویژگی‌هایی است که فرد، خود را با آن می‌شناسد و تعریف می‌کند. به عبارت دیگر هویت همان چیزی است که فرد در پاسخ به سؤال من کیستم بیان می‌کند. احمد اشرف نیز در این زمینه می‌نویسد؛ هویت به معنی هستی و وجود است، چیزی که موجب شناسایی فرد باشد، یعنی مجموعهٔ خصایل فردی و خصوصیات رفتاری که از روی آن فرد به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی شناخته شود و از دیگران متمایز شود (به نقل از میرساردو و همکاران، ۱۳۸۷). در اشاره به زمینه‌های هویتی می‌توان به عوامل هویتی بسیاری اشاره کرد که ممکن است در هر جامعه نسبت به جامعه دیگر متفاوت باشد. هویت‌های مبتنی بر نژاد، قومیت، جنسیت، ملیت، جغرافیا و ... به‌مثابه هویت‌های نخستین، و هویت‌های مبتنی بر دوگانه‌هایی چون مدرن- سنتی، دینی- سکولار، شهری- روستایی و گرایش سیاسی، سبک زندگی و ... به‌مثابه هویت‌های ثانویه از مهم‌ترین ابعاد هویت اجتماعی به‌شمار می‌آیند. باید اضافه کرد که هویت علاوه بر ابعاد اجتماعی دارای ابعاد دیگری، چون ابعاد روانشناختی، نیز هست که به دلیل عدم ارتباط آن با این مبحث از اشاره به آن درمی‌گذریم.

هویت نیز، همچون سایر زمینه‌های اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حکمرانی و مدیریت صنعت برق است. در این زمینه با کلیدواژه‌های «هویت» و «صنعت برق» و حتی انرژی نتایج چندانی دربر نداشت. به نظر می‌رسد در این حوزه تحقیقات چندانی انجام نشده و ازاین‌رو این موضوع از فقر ادبیاتی شدید رنج می‌برد. با این حال می‌توان طرح بحث در این زمینه را باز گذاشت و با معرفی زمینه‌های اصلی بحث راه را برای پژوهش‌های آینده هموار ساخت.

در پژوهشی، تحت عنوان «ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حادثه قطعی برق خوزستان در سال ۱۳۹۵» پژوهشگر به بررسی تفاوت‌های ادراکی قومیت‌های مختلف از حادثه قطعی برق خوزستان در سال ۱۳۹۵ پرداخته است. در مقدمه این پژوهش و در بیان مسئله آمده است که؛ در اثر همزمانی افزایش رطوبت هوا و پدیده گرد و غبار، حادثه قطعی برق گسترده‌ای در بهمن سال ۱۳۹۵ در خوزستان رخ داد. این حادثه، به جهت اینکه با اختلال در شبکه‌های مخابراتی، سیستم‌های آبرسانی، شبکه بانکی و از کار افتادن دستگاه‌های خودپرداز و مختل شدن شبکه حمل و نقل و برنامه پروازها به مدت نسبتاً طولانی دو هفته همراه بوده، بر بخش‌های مختلف زندگی مردم منطقه تأثیرگذار بوده و موجب ایجاد نارضایتی‌های جدی در مردم، تخریب افکار عمومی و حتی ایجاد تجمعات اعتراضی شده و منجر به نوعی واکنش و پاسخگویی توسط مسئولان دولتی شده است (پسندیده، ۱۳۹۸: ۱). در این پژوهش ضمن اشاره به زمینه‌های قومیتی ناشی از زندگی سه قوم لر، عرب و فارس در استان خوزستان بیان می‌شود که؛ این چند قومیتی بودن از چند جنبه بر زمینه فرهنگی اجتماعی خوزستان اثرگذار است: آزاد ارمکی و جهرمی (۱۳۹۲) نشان داده‌اند که تفاوت‌های ارزشی میان قوم‌های مختلف و درنتیجه زمینه مساعد برای کاهش سرمایه اجتماعی میان قومیت‌های مختلف ارزش‌های اجتماعی مردم شهر اهواز با نوع قومیتشان رابطه دارد یکی از آنهاست. به‌عنوان مثال میزان غرور ملی در عرب‌ها و لرها کمتر از فارس‌هاست. عرب‌ها و بختیاری‌ها بیش از فارس‌ها احساس می‌کنند ناعدالتی در جامعه وجود دارد و همین طور آنها معتقدند که حکومت به قومیت‌ها به یک چشم نگاه نمی‌کند (آزاد ارمکی و جهرمی، ۱۳۹۲؛ به نقل از (پسندیده، ۱۳۹۸). چنین تفاوتی احتمال وجود دسترسی‌های نابرابر گروه‌های قومیتی به منابع قدرت و نهادهای تصمیم‌گیر و تبدیل شدن به گروه‌های حاشیه‌ای را افزایش داده و در نتیجه زمینه مساعدی برای وجود احساس نابرابری اجتماعی و سیاسی و در نتیجه برای نارضایتی سیاسی و کاهش اعتماد به نهادهای حاکمیتی اعم از نهادهای محلی و استانی و نهادهای ملی را فراهم می‌کند. وجود چنین زمینه‌های مساعد نارضایتی در هنگام بروز حوادث، امکان هویدا شدن تأثیرات اجتماعی دیگر از قبیل تجمعات اعتراضی، کاهش سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد.

به‌طور مثال قومیت یکی از زمینه‌های هویت اجتماعی در جامعه گذشته تا امروز ایران بوده است. تاریخ نشان می‌دهد که اولین تنش‌های ناشی ورود امواج مدرنیته به کشور ناشی از برخورد ارزش‌های مدرن با ارزش‌های قومی مردم ایران بوده است. ایجاد

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

دولت مرکزی مدرن توسط رضاخان فقط زمانی ممکن شد که او توانست حکومت‌های محلی ملوک‌الطوایفی و مبتنی بر قومیت‌های مختلف را به کمک ارتش خود در گوشه وکنار ایران از میان بردارد. از این دست شواهد تاریخی در بیان اهمیت تأثیر زمینه‌های قومی بر حکمرانی و یا حکومت‌های ملی و محلی بسیار است و اگر بخواهیم به بررسی تأثیرات این عامل از طریق عواملی چون سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی و دیگر عوامل اجتماعی همبسته با زمینه‌های قومی بر حکمرانی و مدیریت جامعه بپردازیم شمار آنها از حوصله این نوشته خارج خواهد شد.

در پژوهش پسندیده (۱۳۹۸) یکی از مؤلفه‌های زمینه‌ای دیگر که باید در توصیف استان خوزستان به آن توجه داشت، احساس تبعیض بالا در بین شهروندان این استان است. با تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، چه در فاز اول تهران و چه در فاز دوم در اهواز سه نوع احساس تبعیض را می‌توان در این استان از هم تمیز و تفکیک داد؛ احساس تبعیض بین قومیت‌ها، احساس تبعیض بین محله‌ها و احساس تبعیض استان خوزستان با دیگر استان‌ها (پسندیده، ۱۳۹۸: ۷۴). در بخش دیگری از این پژوهش که تحت عنوان «بین قومیت‌ها» مشخص شده آمده است که؛ در مصاحبه‌های انجام‌شده در این پژوهش، در راستای احساس تبعیضی که به آن اشاره شد، به احساس تبعیض بین عرب و غیرعرب فراوان اشاره می‌شد. البته وجود یا عدم وجود تبعیض قومیتی در استان محل مناقشه بود. تمامی مصاحبه‌شوندگان عرب و برخی مصاحبه‌شوندگان غیرعرب وجود این تبعیض را که بیشتر برای‌شان در عدم امکان دست‌یابی به پست‌های مدیریتی نمود پیدا می‌کرد تأیید می‌کردند. به‌عنوان مثال به اینکه از بعد از انقلاب تاکنون در این استان، فرد عربی به سمت فرمانداری یا استانداری منصوب نشده است، اشاره شد. حتی برخی معتقد بودند که به صورت سیستماتیک و در عین حال غیررسمی از ورود عرب‌ها به پست‌های مدیریتی جلوگیری می‌شود. در مصاحبه با نخبگان استانی به عدم تناسب بین جمعیت عرب‌های استان با پست‌های مدیریتی که در اختیار عرب‌ها هست اشاره شد (همان: ۷۵). پژوهش‌هایی از این دست نشان می‌دهند که یک مسئله به ظاهر فنی می‌تواند ریشه در زمینه‌های اجتماعی جامعه هدف از جمله زمینه هویتی این جامعه داشته باشد و مهم‌تر از چنین پژوهش‌هایی نشان می‌دهند که استراتژی‌های حکمرانی و مدیریت چنین مسائلی باید مبتنی بر دانش زمینه‌های اجتماعی مسئله باشد.

علاوه بر قومیت ابعاد هویتی دیگری چون جنسیت نیز می‌تواند در پیشبرد حکمرانی و مدیریت حوزه‌هایی چون صنعت برق مؤثر باشد. به‌عنوان مثال آمارها نشان می‌دهند که حدود یک سوم کل مصرف برق در کشور، در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، مربوط به مصرف خانگی است و این بدان معناست که هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای کاهش مصرف و افزایش بهره‌وری در این بخش منوط به شناخت ویژگی‌های کنشگران کلیدی این بخش، یعنی زنان، است. این آمارها به خوبی نشان می‌دهند که هویت جنسیتی مصرف‌کنندگان برق عاملی تأثیرگذار بر مصرف و هرگونه برنامه تحت عنوان اصلاح الگوها و فرهنگ مصرف برق است. افزون بر این، ویژگی‌های هویتی دیگری چون شهری- روستایی که ارتباط تنگاتنگی با ویژگی هویتی دیگری چون سنتی مدرن دارد نیز از تفاوت‌های معناداری در میزان مصرف و الگوهای آن دارند. درحالی‌که به نظر می‌رسد مصرف‌کننده شهری که با خرده‌هویت‌های تکمیلی دیگری چون مدرنیت و سطح تحصیلات بالاتر، نسبت به مصرف‌کننده روستایی، شناخته می‌شود، و ازاین‌رو انتظار می‌رود با برخورداری از دانش بیشتر و ادراک مناسب‌تری از انرژی الگوهای بهتری از مصرف را در رفتار مصرفی خود رعایت کند، در عمل شاهد آن هستیم سبک زندگی روستایی باعث شده تا عملاً مصرف روستایی بهنجارتر از شهری باشد.

۱-۳-۲-۱-۳. زمینه‌های جمعیت‌شناختی

اگر چه به هر جمعیت انسانی جامعه گفته نمی‌شود اما جامعه بدون جمعیت ناممکن است. ازاین‌رو به نظر می‌رسد که هرجا سخن از حکمرانی باشد پرداختن به جمعیت گریزناپذیر است. در این بخش تلاش می‌شود تا به طرح مسئله جمعیت در حکمرانی صنعت برق پرداخته شود. برای این منظور ابتدا با ارائه تعریفی اجمالی از مفهوم و دامنه جمعیت سعی در توضیح فضای مفهومی این اصطلاح می‌شود و در ادامه به بحث درباره رابطه حکمرانی و مدیریت صنعت برق با ابعاد جمعیتی جوامع هدف پرداخته می‌شود. برای رسیدن به درکی از مفهوم جمعیت و ابعادی از آن که باید مدنظر حکمرانی و مدیریت صنعت برق باشد، به یک تعریف مقدماتی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

اکتفا می‌کنیم. واژه جمعیت در لغت به معنی تمام افرادی است که در یک ناحیه جغرافیایی اعم از شهر یا روستا زندگی می‌کنند (وهمبِر، ۲۰۰۵: ۱۱۷۱). در جمعیت‌شناسی، تمام یا بخشی از ساکنان یک ناحیه را «جمعیت» می‌گویند (تقوی، ۱۳۷۸: ۳) و در اصطلاح به همه کسانی که به‌طور مستمر در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به‌صورت خانوار و خانواده زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۳). آلن بیرو بر این باور است که کانون توجه جمعیت‌شناسی بررسی دوساحت اصلی جمعیت‌ها است (بیرو، ۱۳۶۶: ۸۶):

۱. مطالعه ساخت‌های جمعیتی در یک برهه خاص از زمان، نظیر ترکیب جمعیت بر حسب سن، جنس، شغل وضع زناشویی، محل اقامت و یا محل تولد و ....
۲. مطالعه حرکات جمعیت یا دگرگونی‌های حاصل در جمعیت مانند میزان زاد و ولد، مرگ و میر کودکان، بارداری، رشد جمعیت، حرکات مربوط به جمعیت، حرکات مربوط به مهاجرت، تغییراتی که در هویت افراد پدید می‌آید (ناشی از ازدواج و ...)

در چارچوب چنین درکی از جمعیت، توجه به وجوه ایستا و پویای جمعیت از الزامات جمعیت‌شناسانه حکمرانی و مدیریت صنعت برق به‌شمار می‌رود. توجه توأمان به ویژگی‌های ایستای جمعیت از قبیل سنی، جنسیتی، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، محل سکونت، محل تولد و ... ویژگی‌های پویای جمعیت همچون زاد و ولد، مرگ و میر، نرخ‌های بارداری، رشد جمعیت، مهاجرت و ... از عمده‌ترین مصادیق این الزامات به‌شمار می‌روند.

جمعیت به‌مثابه یک عامل تأثیرگذار توجهات بسیاری را در پژوهش‌های حوزه انرژی بر انگیخته است. با وجود این به نظر می‌رسد که این پژوهش‌ها از تنوعات موضوعی چندانی برخوردار نیستند و عمدتاً حول محور مصرف انرژی شکل گرفته و به سرانجام رسیده‌اند. در این حوزه نیز عمده پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه اقتصاد انرژی انجام شده و مسئله اصلی عمده آنها بررسی عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر کاهش مصرف انرژی و کاهش هزینه‌های مصرف بوده است. برای نمونه به چند مورد از پژوهش‌های اقتصادی انجام‌گرفته در این زمینه اشاره می‌شود که عبارت‌اند از؛ نقش عوامل اقتصادی و جمعیتی بر مصرف انرژی برق خانگی (علی‌نژاد و سلمان‌پور، ۱۳۹۵)، بررسی تقاضای برق خانگی در کوتاه‌مدت با استفاده از داده‌های خانوارها (تیواری، ۲۰۰۰)، بررسی مخارج سالیانه خانوارهای مصرف‌کننده به‌منظور برآورد کشش قیمتی برق در کوتاه‌مدت و بلندمدت (هالورسن و لارسن، ۲۰۰۱)، بررسی تقاضای خانگی در تایوان به‌مثابه تابعی از درآمد در دسترس خانوار، رشد جمعیت، قیمت برق و نرخ شهرنشینی (هولتدال و جوتز، ۲۰۰۴)، بررسی رابطه مصرف انرژی و ساختار جمعیت (مطالعه موردی کشورهای آسیای جنوب غربی) (یاوری و احمدی‌زاده، ۱۳۸۹). مطالعات اجتماعی حوزه جمعیت‌شناسی برق اگر چه به لحاظ فراوانی کمتر از مطالعات اقتصادی این حوزه هستند اما از این نظر که آنها نیز عمدتاً حول محور موضوعی مصرف متمرکز شده‌اند، به همان درد تقلیل مسئله انرژی و برق به مصرف مبتلا هستند.

بر اساس یک گزارش منتشرشده مصرف انرژی در اقشار گوناگون اجتماعی متفاوت و این امر به‌ویژه در شهرها محسوس است. خانوارهای کم‌درآمد مصرف انرژی بسیار کمتری نسبت به خانوارهای پردرآمد دارند، درحالی‌که خانوارهای ثروتمند انرژی بسیار زیادی مصرف می‌کنند و ازآنجاکه دولت یارانه زیادی برای بهای انرژی می‌پردازد، این امر باعث مصرف بی‌رویه و غیر منطقی انرژی در اقشار ثروتمند جامعه شده است. نتایج تحقیقات نیز نشان داده انگیزه صرفه‌جویی انرژی در خانواده‌های مرفه کمتر از خانواده‌های متوسط و پایین است. خانوارهای شهری و خانوارهای روستایی از لحاظ مصرف انرژی با یکدیگر متفاوت هستند. مصرف برق خانوارهای شهری بیشتر است زیرا در شهر امکان برخورداری از وسایل گوناگون خانگی بیشتر است. همچنین نحوه زندگی در شهر (ساعات بیشتری از شب را بیدار بودن و...) نیاز به انرژی به‌ویژه روشنایی را افزایش می‌دهد. روشنایی معابر شهری نیز که برای حفظ امنیت و آرامش محیط زندگی لازم است، خود هزینه سنگینی دارد. از این گذشته میزان رفت و آمد در شهر بیشتر است و این خود مصرف انرژی را افزایش می‌دهد. مصرف انرژی در روستاهای کشور ما نسبت به شهرها کمتر است. خانوارهای

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

روستایی از وسایل برقی کمتری استفاده می‌کنند و زندگی آنها بیشتر با طبیعت هماهنگ است و ازاین‌رو نیاز کمتری به انرژی دارند (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۵).

برخی جامعه‌شناسان نیز با انگشت نهادن بر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی همچون شهرنشینی استدلال می‌کنند که بین این ویژگی‌ها و کم و کیف مصرف رابطه وجود دارد. مصرف می‌تواند پیامد شهرنشینی باشد که در اندیشه‌ورزی‌های گئورگ زیمل مطرح است. در نظر زیمل فرد آزادشده از تمامی قید و بندهای جامعه سنتی خود را در حصار جامعه‌ای می‌بیند که دائماً به عرصه‌های خودمختاری وی تعرض می‌کند. در چنین وضعیتی شیوه خاص مصرف کردن، راهی برای خود، در رابطه با دیگران و انبوه جمعیت حاضر در کلان شهر است. او دریافته بود که بورژوازی برلین در مواجهه با گمنامی‌حاصل از زندگی در شهر، برای حفظ هویت خویش از مصرف بهره می‌گیرد (فاضلی، ۱۳۸۲).

بحث در مورد زمینه‌های جمعیت‌شناختی حکمرانی و مدیریت صنعت برق، بحثی دراز دامنه است و می‌تواند تمامی ابعاد پویا و ایستای جمعیت را دربر گیرد که نه در حوصله این گفتار می‌گنجد و نه بیان همه آنها ضرورتی برای این پژوهش دارد. به این نکته باید افزود فقر ادبیات جمعیت‌شناختی صنعت برق کشور نیز امکان چندانی برای بسط بیشتر این بحث باقی نمی‌گذارد. نکته مهم در این زمینه درک ضرورت توجه به زمینه‌های جمعیت‌شناختی جامعه هدف در حکمرانی و مدیریت حوزه‌ای است که جامعه کاربران کل جامعه ایران را دربر می‌گیرد و با لحاظ شهروندانی که همزمان در حوزه‌های مختلفی کاربر خدمات وزارت نیرو به‌شمار می‌آیند و هم‌چنین کاربرانی که با صادرات برق امکان استفاده از برق تولیدی ایران را یافته‌اند، تعداد کل این کاربران از تعداد کل جمعیت کشور نیز فراتر می‌رود. در ادامه به بحث درباره زمینه نهادی حکمرانی صنعت برق می‌پردازیم.

۱-۳-۲-۱-۴. زمینه‌های نهادی

مفهوم «نهاد[۱]»، برقرار کردن و ثابت کردن بوده و به معنای مؤسسه یا سازمان نیز ترجمه شده است. واژه «نهاد» معمولاً برای اشاره به آداب و رسوم و الگوهای رفتاری که برای جامعه و هم‌چنین سازمان‌های رسمی خاص دولتی و خدمات عمومی اهمیت دارد، به‌کار می‌رود. در تعریفی دیگر نهاد نظام سازمان‌یافته و پایداری از الگوی اجتماعی است که برخی رفتارهای تأییدشده و یکنواختی را در جهت برآورده ساختن نیازهای بنیادی جامعه ایجاب می‌کند. مثال: در هر جامعه پنج نهاد اجتماعی بنیادی وجود دارد این نهادها عبارت‌اند از: نهاد خانواده، نهاد آموزشی، نهاد مذهبی، نهاد اقتصادی و نهاد حکومتی. هر نهادی کارکردها و مسئولیت معینی دارد که به افراد جامعه واگذار می‌شوند (کوئن، ۱۳۸۴: ۱۹).

جامعه‌شناسان تعاریف بسیاری از نهاد ارائه کرده‌اند اما یکی از رایج‌ترین تعاریف در این زمینه تعریفی است که جاناتان ترنر ارائه داده است. از نظر وی نهاد اشاره به موقعیت‌ها، نقش‌ها، هنجارها و ارزش‌های مستقر در انواع خاصی از ساختارهای اجتماعی و سازماندهی الگوهای نسبتاً پایدار از فعالیت‌های انسانی با توجه به مشکلات اساسی در تولید منابع پایدار زندگی، در بازتولید افراد، و حفظ ساختارهای پایدار اجتماعی در یک محیط معین دارد (ترنر، ۱۹۹۷: ۶). بر اساس نظر آنتونی گیدنز (۱۹۸۴) هم، نهادها اشاره به جنبه‌های پایدارتر حیات اجتماعی دارند. به نظر وی نظم‌های نهادی، سبک‌های گفتمانی، نهادهای سیاسی، نهادهای اقتصادی و نهادهای قانونی از مصادیق این مفهوم به‌شمار می‌روند. به تعبیری دیگر، نهاد اجتماعی مجموعه‌ای پیچیده و به‌هم‌پیوسته از هنجارهای اجتماعی است که حول محافظت از یک ارزش بنیادی جامعه سازمان یافته‌اند. جامعه‌شناسان اغلب از واژه نهاد برای توصیف نظام‌های هنجاری مستقر در پنج حوزه اصلی زندگی، که از آنها تحت عنوان نهادهای اولیه هم نام برده می‌شود، استفاده می‌کنند. از نظر آنها این پنج نهاد اجتماعی اولیه و اصلی عبارت‌اند از:

۱. نهاد خانواده برای تعیین روابط خویشاوندی
۲. نهاد سیاست برای برقراری امکان استفاده مشروع از قدرت

۱ *institution*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۳. نهاد اقتصاد برای قاعده‌مندسازی توزیع کالاها و خدمات
۴. نهاد آموزش و پرورش برای انتقال دانش به نسل‌های بعدی
۵. نهاد دین برای تنظیم رابطه انسان با ماوراء

در جمع‌بندی تعاریف ارائه‌شده از نهاد و برای عبور از آن به‌طور خلاصه می‌توان گفت نهاد در معنای عام خود اشاره به روابط پایدار و تکرارشونده‌ای دارد که به‌منظور محافظت از ارزش‌های اساسی یا رفع یکی از نیازهای اساسی انجام می‌شوند و در معنای خاص خود اشاره به پنج نهاد اجتماعی اصلی یعنی؛ سیاست، اقتصاد، خانواده، آموزش و پرورش و دین دارد. علاوه بر این می‌توان دسته‌بندی دیگری نیز از نهاد ارائه داد که به نظر با واقعیات جوامعی همچون جامعه ما که در میانه راه سنتی و مدرن قرار گرفته‌اند سازگارتر است. در این تقسیم‌بندی می‌توان نهادها را به دو دسته سنتی و مدرن تقسیم کرد که البته ممکن است تفاوت این دو بیشتر شکلی باشد تا محتوایی. در چارچوب چنین درکی از نهاد اجتماعی، زمینه‌های نهادی حکمرانی و مدیریت صنعت برق به ملاحظات و الزاماتی اشاره دارد که این حوزه از حکمرانی و مدیریت در انجام برنامه‌ها و فعالیت‌های سازمانی خود می‌بایست مدنظر داشته باشد. این زمینه‌ها می‌تواند به‌مثابه فرصت و یا تهدیدی برای اهداف حکمرانی صنعت برق به‌شمار آیند اما نکته مهم این است که فقط شناخت واقع‌گرایانه و علمی است که امکان مواجهه درست با این زمینه‌ها را برای حکمرانی و مدیریت صنعت برق کشور فراهم می‌آورد و ای بسا مواجهه نادرست باعث شود زمینه‌ای که در حالت عادی می‌تواند به‌مثابه یک فرصت مورداستفاده قرار گیرد در عمل تبدیل به تهدیدی شود؛ فرا روی تحقق اهداف حکمرانی و مدیریت در این حوزه. در سطور بعدی سعی می‌شود حتی‌المقدور به بررسی زمینه‌های نهادی حکمرانی و مدیریت صنعت برق پرداخته شود.

نهاد خانواده: با وجود تغییر و تحولات رخداده در دهه‌های اخیر در شکل و محتوای خانواده، هنوز هم خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی در جوامع بشری امروز است. ازاین‌رو به نظر می‌رسد که سازمان‌هایی همچون صنعت برق که در سطح وسیعی در جامعه گسترده شده‌اند، به ناگزیر از توجه به چنین نهادی در رویه‌های حکمرانی و مدیریت خود هستند. اگر چه نهاد خانواده از ابعاد بسیاری می‌تواند موردتوجه حکمرانی و مدیریت صنعت برق باشد اما در عمل و آنچه اتفاق افتاده، پژوهش اجتماعی در صنعت برق تاکنون عمدتاً متمرکز بر مصرف و رفتارهای مصرف جامعه هدف این صنعت بوده است و ازاین‌رو پر بیراه نیست که ذهنیت این صنعت در مورد نهاد خانواده نیز عمدتاً متمرکز بر همین بعد بوده و خانواده در برنامه‌ها و سیاست‌های صنعت برق به مصرف‌کننده برق تقلیل یافته باشد. با وجود این اگر خانواده را فقط و فقط محدود به مصرف بدانیم باز هم باید جایگاه مهمی در سیاست‌ها و برنامه‌های صنعت برق داشته باشد. نهاد خانواده از دو منظر می‌تواند مد نظر حکمرانی صنعت برق باشد؛ نقش و وظیفه‌ای که صنعت برق در تحکیم ارزش‌ها و بنیاد خانواده می‌تواند داشته باشد و اهمیت و نقشی که نهاد خانواده می‌تواند در پیشبرد اهداف صنعت برق کشور داشته باشد.

صنعت برق نیز همچون دیگر اجزای نظام اجتماعی در بده‌وبستانی تعاملی با دیگر اجزای نظام اجتماعی از جمله خانواده است. این بدین‌معنا است که این سازمان صنعتی وظایف و تعهداتی در مقابل کلیت نظام اجتماعی، اجزای آن و ارزش‌های نظام اجتماعی دارد. در مورد نظام خانواده نیز این بده‌وبستان تعاملی و تعهد نسبت به ارزش‌های نظام اجتماعی در مورد خانواده برقرار است. حکمرانی و مدیریت صنعت برق به‌مثابه یک خرده‌نظام اجتماعی و در راستای حمایت از ارزش‌های اجتماعی باید در کلیت خود حافظ نظام خانواده، ارزش‌های خانوادگی و بقای این نهاد اجتماعی باشد. در چنین چارچوبی صنعت برق می‌بایست سازوکارهایی حمایتی را برای تقویت نظام خانواده در کشور طراحی و اجرا کند و از هرگونه کارکرد و تأثیری که دارای نقشی منفی در این حوزه است برحذر باشد. برقراری تعرفه‌های ترجیحی در مورد مصرف خانگی و ارائه تخفیف‌های جدی در مصرف خانواده‌های تازه پاگرفته می‌تواند بخشی از سیاست‌های حمایتی حکمرانی و مدیریت صنعت برق باشد.

اما بعد دوم رابطه نهاد خانواده با حکمرانی و مدیریت صنعت برق کشور، ظرفیت‌ها و امکانات بالقوه و بالفعلی است که نهاد خانواده از آن برخوردار است و صنعت برق می‌تواند با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کارا در جهت پیشبرد اهداف خود از آنها استفاده کند. ازآنجاکه مصرف خانگی بزرگ‌ترین نسبت مصرف برق را در کشور به خود اختصاص داده است، به نظر می‌رسد که هرگونه

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تلاش برای کاهش مصرف برق در کشور و اصلاح الگوهای مصرف برق تا حدود زیادی متکی بر میزان درک و همراهی نهاد خانواده با صنعت برق کشور است. رفتار صرفه‌جویانه خانوارها و نگرش آنان درباره صرفه‌جویی در مصرف برق و دلایل خاموشی و کمبود برق در کشور، افزایش قیمت برق تا قیمت تمام‌شده آن، چندتعرفه‌ای کردن کنتور برق، اخذ مالیات از کالاهای برقی پرمصرف، نصب کنتور برق در معرض دید مشترکان پرمصرف، تشویق مصرف‌کنندگان به بازسازی و عایق‌کاری ساختمان برای کاهش مصرف برق، تأثیر آموزش راه‌های صرفه‌جویی در مصرف برق، جریمه و قطع برق مشترکان پرمصرف و هرگونه سیاست و برنامه‌ای از این دست به‌طور تام بستگی به همراهی خانواده با مدیریت صنعت برق کشور دارد. مدیریت صنعت برق باید ضمن استفاده از تکنولوژی‌های مؤثر در پیشبرد اهداف خود بخشی از منابع خود را صرف ایجاد یک رابطه همدلانه با خانواده‌ها کرده و با اعتمادسازی مؤثر به افزایش آگاهی‌های خانوادها از صنعت برق سرعت و عمق بیشتر بخشد.

بر اساس یک پژوهش انجام‌شده تحت عنوان «الگوهای رفتار فرهنگی و اجتماعی مصرف‌کنندگان خانگی و تجاری در تهران بزرگ» به نظر می‌رسد که هنوز بسیاری از خانواده‌های ایرانی اطلاعاتی درستی از کم‌وکیف تولید، توزیع، انتقال و مصرف برق در کشور ندارند. این پژوهش نشان می‌دهد که ۱۱/۸ درصد منبع عمده تولید برق را نیروگاه‌های سوخت گازی، نفت گاز و مازوت دانسته‌اند. ۶۲/۳ درصد نیروگاه‌های برق‌آبی را منبع اصلی تولید برق کشور می‌دانند که در آن موقع ۴ درصد بوده است. ۸۷/۵ درصد از ساعات اوج مصرف برق یعنی ۱۷ تا ۲۳ به خوبی آگاهی داشته‌اند و روی هم رفته حدود ۱۲ درصد هنوز نمی‌دانند که فصل اوج مصرف برق در کشور ما تابستان است (رفعت‌جاه، ۱۳۸۱).

نهاد آموزش و پرورش: آموزش و پرورش چه در بعد رسمی و چه در بعد غیررسمی آن یکی از مهم‌ترین زمینه‌های نهادی حکمرانی در تمامی‌حوزه‌های حکمرانی خصوصاً صنعت برق است. وجود پاره‌ای خرده‌فرهنگ‌های مزاحم و عدم وجود خرده‌فرهنگ‌های مناسب از آشکارترین نقطه ضعف‌های نظام آموزش و پرورش مستقر در رابطه با حکمرانی و مدیریت صنعت برق در کشور است. مفاهیم بسیاری را می‌توان بهانه بحث درباره زمینه‌های آموزش و پرورشی حکمرانی و مدیریت صنعت برق قرار داد اما به نظر می‌رسد سواد انرژی یکی از آشکارترین و گسترده‌ترین زمینه‌های مفهومی برای بحث در این زمینه باشد. این اصطلاح از یکسو مفهومی مرتبط با آموزش و آگاهی است و از سوی دیگر دربرگیرنده تمامی‌حوزه‌های مرتبط با بحث انرژی و صنعت برق است. «سواد انرژی» به احتمال زیاد مهم‌ترین مسئله و هدف مشترک حکمرانی و مدیریت صنعت برق و آموزش و پرورش است و به نظر می‌رسد تحقق اهداف توسعه پایدار صنعت برق اتکای زیادی به کم و کیف وضعیت سواد انرژی در جامعه و خصوصا اقشار جوان آن داشته باشد. این مفهوم در بین عموم از موضوعاتی است که در فرایند تصمیم‌سازی‌ها وارد می‌شود و افراد را در گرفتن تصمیمات مؤثر و انجام دادن اقدامات کارآمد در حوزهٔ مصرف انرژی توانمند می‌سازد (دی‌واترز، ۲۰۰۱). آگاهی‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مربوط به انرژی عموماً در طول دوران کودکی و جوانی شکل می‌گیرد، بنابراین انجام اقداماتی جهت توسعه سواد انرژی دانش‌آموزان در غلبه به مشکلات کمک‌کننده خواهد بود (تساگاراکیس و همکاران، ۲۰۰۸). به نظر می‌رسد یکی از مسائل مهمی که در بحث آموزش سواد انرژی باید به آن توجه نمود، تلفیق مسائل مربوط به انرژی در برنامه‌های درسی و آموزش باشد. توجه به زمینه‌های آموزش و پرورشی حکمرانی و مدیریت صنعت برق ازاین‌رو از اهمیت خاصی برخوردار است که بنابر آمارهای منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران میانگین سنی کشور به ۳۱,۱ و میانه سنی جمعیت از ۲۷ سال به ۳۰ رسیده و ۵۰ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال قرار دارند[۱]. این آمارها بیش از هر چیزی بیانگر این است که با شمول این افراد واقع در سنین کودکی، نوجوانی و جوانی در برنامه‌های نهادهای رسمی آموزش و پرورش کشور هرگونه سرمایه‌گذاری صنعت برق برای ارتقای کمی و کیفی سواد انرژی در بین این گروه‌های سنی، هم عملی و هم بسیار کارا و مفید است.

با وجود این ازآنجاکه، با توجه به روند شتابان و گسترده تغییر و تحولات، در دنیای امروز آموزش و پرورش و فراتر از آن جامعه‌پذیری، فعالیت و برنامه‌ای عمرانه است و افراد در همه سنین و در هر لحظه نیازمند جامعه‌پذیری‌های جدیدتر هستند، حکمرانی صنعت

۱ https://www.amar.org.ir/news/ID/2566/۵۰-درصد-جمعیت-کشور-زیر-۳۰-سال-سن-دارند

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

برق باید ذیل مفهوم انتقال جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌های جدید ارتباط خود را، در حوزه آموزش و پروش، منحصر به سازمان آموزش و پرورش نکند و به فرصت‌های و تهدیدهای فراروی خود در گروه‌های سنی بالاتر نیز التفاتی داشته باشد. در میان اقشار سنی بالاتر اگرچه مسئله آموزش همچنان می‌تواند و باید در دستور کار قرار گیرد اما به نظر می‌رسد کانون توجه حکمرانی و مدیریت صنعت برق بیشتر باید شناسایی ظرفیت‌ها و چالش‌هایی باشد که نظام‌های ارزشی و دانشی درونی شده در این افراد ممکن است فراروی اهداف حکمرانی و مدیریت صنعت برق قرار دهند. افزون بر این راه‌کارهای سنتی پاسخ به چالش‌های محلی نیز بخشی می‌تواند به‌مثابه بخشی از یک نهاد تاریخی آموزش و پرورش موردتوجه حکمرانی و مدیریت صنعت برق در حل پاره‌ای از مشکلات باشد. توجه به این ظرفیت‌ها از این نظر برای صنعت برق مهم است که این صنعت توانسته دامنه خدمات خود را تا دورافتاده‌ترین مناطق روستایی کشور بگستراند. در همه فرهنگ‌های بومی، بخشی از سنت مربوط به راه‌کارهایی است که مردمان یک منطقه در مواجهه با چالش‌های پایدار زیست‌محیطی همچون سرما و گرما، که رهایی از گزند آنها مستلزم ایجاد راه‌کارهایی مبتنی بر امکانات و شرایط بومی و محلی است، به مرور زمان آن را کشف و ابداع و سرانجام پس از موفق در آمدن از بوته زمان تبدیل به سنت و نهاد می‌شوند.

ظرفیت‌ها و چالش‌های «دانش بومی»[1] یکی از مثال‌های بارز در این زمینه است. منظور از دانش بومی مجموعه‌ای از دانش و تجربه‌های هر جامعه است که اساس چاره‌جویی‌های یک قوم را در برابر چالش‌های ناآشنا و آشنا تشکیل می‌دهد. دانش بومی ریشه در تجربه‌های قرن‌های گذشته دارد و تا وقتی جامعه پابرجا است به‌عنوان پایه فرهنگی و فنی آن به تکامل ادامه می‌دهد (عربیون، ۱۳۷۸: ۳۹-۳۸). دانش‌های بومی را باید بیشتر فرصتی برای حکمرانی و مدیریت صنعت برق تلقی کرد تا تهدیدی علیه آن. در پژوهشی تحت عنوان «دانش بومی در معماری سنتی کیش» پژوهشگران در جای جای پژوهش با اشاره به دانش بومی به‌کاررفته در معماری سنتی کیش نشان می‌دهند که این معماری چگونه با قرار دادن مشکلات اقلیمی مثل گرما در دستور خویش راه‌حل‌های متناسبی را نیز به مرور زمان خلق کرده است تا ساکنان آن اقلیم بتوانند گرمای جان‌فرسای آن مرز و بوم را تاب آورند. این گزارش نشان می‌دهد که توجه به دانش بومی در مسئله‌ای مثل مصرف برق می‌تواند بخشی مهم از سیاست‌های حکمرانی مصرف برق در اقلیم‌های متفاوت باشد. مثلاً در همین پژوهش آمده است «در فصول گرم سال، پشت بام به خاطر ارتفاع از سطح زمین، باز بودن از چهار طرف و در نتیجه برخورداری از باد فضایی مناسب و دلپذیر برای خواب شبانه به‌حساب می‌آمد. علاوه بر این، نوع مصالح به‌کار رفته در پشت بام، آن جا را به فضای موردتوجه برای استراحت شبانه تبدیل کرده بود. پشت بام کاهگلی بعد از غروب آفتاب به سرعت خنک می‌شد، مخصوصاً با یکی دو بار آب پاشی، زودتر برای استراحت شبانه آماده می‌شد (مختارپور و عبداله‌پور، ۱۳۸۸: ۲۸۳).

ظرفیت‌های نهادی آموزش و پرورش، چه از نوع سنتی و چه از نوع مدرن، در همه جوامع و به‌ویژه در جامعه ما بسیارند که حکمرانی و مدیریت صنعت برق به هیچ وجه نباید از آن غافل باشد. استفاده از ظرفیت‌های مدرن و سنتی آموزش و پرورش به حکمرانی صنعت برق امکان می‌دهد تا ضمن کاهش هزینه‌های مدیریت و حل مسائلی چون مصرف برق، راه را برای توسعه پایدار انرژی در جامعه‌ای که هزاران سال است از طریق ابداع روش‌هایی کار آمد با خشکسالی و ناملایمات طبیعی کنار آمده، هموار خواهد کرد.

نهاد دین: دین نیز به‌مثابه نهادی اجتماعی زمینه‌ای را برای کنش اجتماعی خرد و کلان فراهم می‌آورد. ازاین‌رو می‌توان از چیزی به نام زمینه دینی نام برد که به نحوی متفاوت از سایر نهادهای اجتماعی مشروط‌کننده کنش است. از نهاد دین نیز، همچون سایر نهادهای اجتماعی، تعاریف بسیاری ارائه شده اما یکی از پذیرفته‌شده‌ترین تعاریف، تعریفی است که امیل دورکیم ارائه داده است. از نظر دورکیم دین دستگاهی است همبسته از باورها و مناسک مربوط به امور لاهوتی (مقدس) که این باورها و مناسک، پیروان آن دین را در اجتماع اخلاقی واحدی به نام امت (کلیسا) متحد می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۶: ۶۳). بر اساس نظر برگر می‌توان تعریف دورکیم

[1] *indigenous knowledge*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

از دین را به دو بخش تقسیم کرد. او در بخش نخست، تعریفی جوهری از دین ارائه می‌کند و در بخش دوم کارکرد اجتماعی آن را بیان می‌دارد (برگر، ۱۹۷۳: ۱۷۸).

از میان دین‌شناسان متأخر نیز تعریف گیرتز از دین از استقبال بسیار گسترده‌ای در بین جامعه‌شناسان برخوردار شده است. گیرتز در چارچوب علایق خود به بررسی بعد فرهنگی دین، ابتدا به تعریف اجمالی فرهنگ و سپس به تعریف موردنظر خود از دین پرداخته است. فرهنگ از دید وی، الگوی معانی و ایده‌هایی است که در قالب نمادها تجلی یافته‌اند و در حقیقت، فرهنگ همان چیزی است که مردم به‌وسیله آن معرفت خود از زندگی را منتقل کرده و نگرش خود را درباره آن بیان می‌کنند. در درون هر فرهنگ، صور گوناگون معرفت و نظام‌های فرهنگی متعددی همچون هنر، عرف، ایدئولوژی سیاسی و غیر آن وجود دارند. دین نیز طبق تفسیر وی از جمله این نظام‌های فرهنگی است. ازاین‌رو، دین از نظر وی، مجموعه‌ای از ایده‌ها و باورهای معطوف به خدایان و امور واقعی (جهان بینی) و مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، عواطف، روحیات و رفتارها (خلقیات) است. گیرتز تعریف نظری خود از دین را در قالب پنج گزاره به‌هم‌پیوسته این‌گونه بیان می‌کند: «(۱) نظامی از نمادها که عمل می‌کند تا به‌وسیله (۲) فرموله کردن مفاهیم مربوط به نظم عام هستی و (۳) پوشاندن این مفاهیم با چنان هاله‌ای از واقعیت‌مندی که (۴) روحیات و انگیزه‌های انسان به‌طور منحصربه‌فردی واقعی به نظر رسد (۵) در انسان روحیات و انگیزه‌های قدرتمند، فراگیر و پایداری را به وجود می‌آورد» (پالس، ۱۳۸۲: ۳۴۳). از نظر گیرتز، دین عبارت از نظامی از نمادها است که سبب ایجاد خلقیات و انگیزه‌های قدرتمند و فراگیر و پایدار در انسان می‌شود و این عمل را با شکل بخشیدن به مفاهیم نظم عمومی انجام می‌دهد و این مفاهیم را با چنان هاله‌ای از واقعیت می‌پوشاند که این روحیات و انگیزه‌های مزبور، تنها واقعیت ممکن به نظر برسند (گیرتز، ۱۹۷۳: ۹۰). جوهر تعریف گیرتز این است که دین دربرگیرندهٔ مجموعه‌ای از نمادهای به‌هم‌پیوسته است که خلقیات را با جهان‌بینی- مفاهیم نظم عمومی هستی- هماهنگ می‌سازد. نمادهای دینی در جریان مناسک به مثابهٔ «الگویی از» و «الگویی برای» به‌کار می‌روند. یعنی هم الگویی از نظم کیهانی (جهان‌بینی) ارائه می‌دهند و هم الگویی برای چگونه زیستن انسان‌ها فراهم می‌آورند (شاه‌محمدی و پاسالاری بهجانی، ۱۳۹۱: ۵۹). به‌طور خلاصه اگر نهاد دین را نظام و سازوکار معناسازی برای زندگی در نظر بگیریم آنگاه متوجه خواهیم شد که درک ارزش‌های دینی یکی از مهم‌ترین منابع فهم کنش‌های انسانی در تمامی حوزه‌های جهان اجتماعی و از جمله تولید، توزیع، انتقال و به‌ویژه مصرف برق است و اصولاً بدون مراجعه به این ارزش‌ها توسعه، حکمرانی و مدیریت در حوزه‌ای مثل صنعت برق، که در یک شبکه اجتماعی- فنی بسیار گسترده عمل می‌کند، ناممکن است.

زمینه دینی صنعت برق در حلقه‌های تولید و انتقال و توزیع بیشتر در سطحی ساختاری و کلان و در حلقه مصرف بیشتر در سطح کنشگر و خرد عمل می‌کند و ازاین‌رو سازوکارهای تأثیرگذاری آن نیز در سطوح مختلف حکمرانی و مدیریت صنعت برق متفاوت است. در سطح تولید و انتقال و توزیع زمینه‌های دینی بیشتر سطح ارزش‌های حاکم بر برنامه‌های کلان و تدوین چشم‌اندازها، اهداف و رسالت‌های برنامه‌ها عمل می‌کند اما به نظر می‌رسد که وقتی سخن از مصرف برق به میان می‌آید این زمینه‌ها با تأثیرگذاری بر کنش تک تک اعضای جامعه می‌تواند بر کم و کیف مصرف کلی برق در جامعه تأثیرگذار باشد. زمینه‌های دینی نیز می‌تواند هم به‌مثابه فرصت و هم به‌مثابه تهدیدی فرا روی حکمرانی و مدیریت صنعت برق باشد. صنعت برق کشور باید قبل از هر چیز این زمینه را که در قالب ارزش‌ها و مناسک دینی مرتبط با چشم‌انداز، هدف و مأموریت‌های در زندگی روزمره افراد جامعه ظهور و بروز می‌یابند شناسایی کرده و سپس با بررسی نسبت این ارزش‌ها و مناسک با اهداف خود فرصت یا تهدید بودن آنها را مشخص کند. در چارچوب چنین درکی از زمینه دینی است که صنعت برق باید سیاست‌ها و برنامه‌های خود را به گونه‌ای تدوین نماید که در وهله اول تضاد و تعارض‌های احتمالی را برطرف یا کم نموده و در وهله دوم از انرژی زمینه‌های مساعد دینی برای پیشبرد اهداف خود به خوبی استفاده کند. به‌عنوان مثال در جایی مدیران وقت صنعت برق کشور با مساعد تشخیص دادن دیدگاه‌های امام خمینی و برای استفاده از زمینه دینی موجود در جامعه به سراغ ایشان می‌روند. در میان فقهای معاصر امام خمینی معتقد به حرمت و ضمان است. از وی استفتا می‌شود؛ «زیاده‌روی در مصرف آب و برق به خصوص در زمینه‌ای که موجب کمبودهایی در سطح عموم شود، گرچه بهای آن را پرداخت کند از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ ایشان در پاسخ می‌نویسند؛ «بسمه‌تعالی، زیاده‌روی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

در مصرف آب و برق برخلاف قانون دولت و حرام است و موجب ضمان نیز می‌گردد». چنانکه مشاهد می‌شود این فتوا در کنار این واقعیت که نظر مرجع تقلید برای شیعیان می‌تواند به حل مسئله مصرف برق در جامعه کمک کند. اسلام خواستار اســتفاده مطلوب از منابع طبیعی و تخریب حداقلی است. خداوند در قرآن فرموده اســت: «بخورید و بیاشــامید، اما اسراف نکنید؛ خداوند اسرافکاران را دوست ندارد» (سوره اعراف، آیه ۳۱) و «پیروی نکنید از فرمان زیاده‌خواهان، که باعث تباهی در زمین هســتند و عمل نیکو انجام نمی‌دهند» (سوره شورا، آیات ۱۵۲–۱۵۱) (به نقل از رحیمی، ۱۳۹۴: ۲۵۶).

زمینه‌هایی این چنینی در دین فراوان هستند که می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر حکمرانی و مدیریت صنعت برق تأثیرگذار باشند که ذکر همه آنها از حوصله این نوشته خارج است که از این میان فقط به ذکر عدالت بسنده می‌کنیم. عدالت اجتماعی از نخستین و والاترین آرمان‌ها و اهدافی است که بشر در طول زندگی خود در پی آن بوده و برای استقرارش تلاش کرده است و همواره در زمره ارزش‌های ثابت و دیرین آدمی قرار داشته است. این مفهوم به خصوص در اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که مسئله عدل و عدالت به‌عنوان مبنای اعتقادی و یکی از اصول دین و پس از اصل توحید به‌عنوان یکی از صفات اصلی پروردگار و مبنا و اساس وجود عالم خلقت قرار گرفته است (کاظمی، ۱۳۹۰: ۲).

این اشاره مختصر به برخی زمینه‌های دینی حکمرانی به خوبی بیانگر ضرورت توجه حکمرانی صنعت برق به نهاد دین به‌عنوان زمینه‌ای اجتماعی برای هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این حوزه است. از یک سو بیانگر وظایف جامعه در استفاده از منبعی چون برق است و از سوی دیگر بیانگر وظیفه حاکمیت در توزیع عادلانه این موهبت در بین تمامی اقشار اجتماعی است. التفات نظام حکمرانی و مدیریت صنعت برق در کشور در عرصه‌های بسیاری می‌تواند این صنعت را در نیل به اهدافش یاری رساند. به‌عنوان مثال و برای ختم کلام باید گفت که اطلاع‌رسانی بر مبنای مذهب و ارزش‌های فرهنگی بومی، اطلاع‌رسانی بر مبنای اسطوره‌های حاکم بر فرهنگ ایرانی؛ مفاهیمی مانند مذموم بودن اسراف و لزوم اجتناب از آن، و برق و به‌طورکلی انرژی را نعمت خدا دانستن و رعایت کردن آداب و اخلاق رفتار با انرژی چهارچوب‌هائی هستند که می‌تواند در قالب آنها تبلیغاتی مبتنی بر فرهنگ بومی درباره مصرف برق صورت پذیرد.

نهاد سیاست: سیاست همچون سایر مفاهیم مورداستفاده در علم انسانی، دارای معانی متعدد است و تعاریف بسیار متنوعی از آن ارائه شده است که اشاره به همه آنها در اینجا نه ممکن است و نه مفید. از این میان به دو تعریف که از اقبال بیشتری برخوردار بوده‌اند اکتفا می‌شود. دو ورژه می‌گوید: «سیاست علم قدرت است که توسط دولت به‌کار می‌رود تا نظم اجتماعی را تأمین کند» (جاسمی و جاسمی، ۱۳۵۸: ۲۵۴). ورنون فون دایک، در کتاب خود با نام «علم سیاست: یک تجزیه و تحلیل فلسفی» سیاست را «تلاش مدعیان در تعقیب خواسته‌های متضاد در موضوعات عمومی» تعریف می‌کند. چنانچه در این دو تعریف نمایان است و در سایر تعاریف ارائه‌شده نیز مستقیم یا غیر مستقیم به آن اشاره شده، به نظر می‌رسد که دال مرکزی سیاست مفهوم ***قدرت*** باشد و سیاست به روش‌هایی اشاره دارد که در جوامع مختلف از قدرت استفاده می‌شود. به عبارت ساده‌تر سیاست چیزی است که از آن تحت عنوان *روابط قدرت* نام می‌بریم.

حکمرانی و مدیریت صنعت برق اگر چه خود بخشی از ساختار کلی قدرت در جامعه است اما در معنای مصطلح و تخصصی ساختاری سیاسی به‌شمار نمی‌آید و ازاین‌رو به نظر می‌رسد که سیاست، و به‌طور مشخص‌تر قدرت، از خرده نظام‌های پیرامونی آن به‌شمار آمده و به‌مثابه زمینه‌ای اجتماعی کنش آن را مشروط می‌سازد.

زمینه‌های سیاسی به روش‌های مختلفی حکمرانی و مدیریت صنعت برق را در کشور تحت تأثیر خود قرار می‌دهند؛ *برق به‌مثابه کالا یی دولتی*، *روابط بین‌الملل* و صنعت برق، *سیاست داخلی* و ارتباط صنعت برق با مراجع و نهادهای سیاسی داخل کشور و در نهایت *نهادهای محلی قدرت* مهم‌ترین زمینه‌های تأثیرگذار بر کنش صنعت برق در کشور هستند که در ادامه به توضیح آنها از منظر روابط قدرت می‌پردازیم.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

اگرچه برق به‌مثابه کالا می‌تواند کالایی باشد همچون سایر کالاها که توسط بخش خصوصی تولید، منتقل، توزیع و مصرف می‌شود اما در عمل، و آنچه که در طول تاریخ این صنعت در کشور شاهد آن بوده‌ایم، با دولتی شدن آن وجهی حاکمیتی نیز پیدا کرده است و به جز چند صباحی در سال‌های آغازین استقرار این صنعت در کشور، همیشه صنعتی دولتی بوده است. دولتی بودن صنعت برق توجیهی صرفاً اقتصادی و ناشی از ضعف و کم‌مایه بودن بخش خصوصی ندارد. این صنعت به لحاظ شبکه بسیار گسترده‌ای که دارد به سادگی می‌تواند بخشی از سازوکارهای تنظیمی کلان‌دامنه‌ای باشد که از طریق آن حکومت‌ها می‌توانند استیلای خود را بر جامعه تثبیت کنند. به عبارتی ساده‌تر صنعت برق در جهان امروز بخشی از گفتمانی است که مدرنیته نامیده شده و به‌مثابه ابزاری عمل می‌کند که کارکرد نهایی آن تحکیم نظام سلطه است که دولت‌ها در پی آنند. بررسی تاریخ صنعت برق نشان می‌دهد زمانی که نظام نوین دولت در ایران شکل گرفت، صنعت برق نیز در حاکمیت دولت قرار گرفت و رفته‌رفته برق، دولتی شد. گفتمانی بودن صنعت برق و زیرساختی بودن که مستلزم سرمایه‌گذاری در اندازه‌های بسیار بالا است باعث شده تا کم‌کم این باور بر ذهن دولت و مردم مستولی شود که برق صنعتی ذاتاً دولتی است درحالی‌که تجربه بسیاری از کشورها بیانگر چیزی غیر از این است. یکی از فعالان و منتقدان این حوزه معتقد است که «مردم در ذهن خود، هنوز برق را یک کالای اقتصادی نمی‌دانند و یک کالای مصرفی می‌دانند که حاکمیت باید آن را عرضه کند و این‌طور جا افتاده که آب و برق باید به قیمت نازل به مصرف‌کنندگان داده شود، این موضوع در بحث‌های کشاورزی نیز مشاهده می‌شود و این مشکل را ایجاد کرده است؛ چراکه برق چاه‌های کشاورزی بسیار ارزان است و بسیاری از چاه‌های کشور اکنون برقی شده‌اند؛ پس این موضوعی که اقتصاد سیاسی در برق، مشکلاتی ایجاد کرده و به این صنعت لطمه زده است؛ کاملاً مستند و قابل‌طرح است؛ این در حالی است که چاه‌های کشاورزی که با برق دولتی کار می‌کردند»[1].

ساختار متمرکز تولید، انتقال و توزیع برق در کشور از این صنعت، صنعتی کاملاً سیاسی ساخته و کارکردهای سیاسی آن چنان به مذاق سیاستمداران خوش آمده که با حاکمیتی کردن آن راه را بر خصوصی‌سازی و نامتمرکز کردن آن بسته‌اند. به نظر می‌رسد صنعت برق و متولیان حرفه‌ای آن اگر هم بخواهند این صنعت را به سوی خصوصی‌سازی سوق دهند در عمل با کارشکنی‌ها و دست‌اندازی‌های اصحاب قدرت و سیاست روبه‌رو خواهند بود. سیاسی‌سازی صنعت برق اگر چه واقعیتی انکارناپذیر است اما باید توجه داشت که در حضور چنین واقعیتی منطق حکمرانی و توسعه صنعت برق کشور منطقی صرفاً تکنولوژیک و اقتصادی و کنش‌های آن صرفاً محدود و مقید به قانون عرضه و تقاضا نخواهد بود.

وجه گفتمانی صنعت برق واقعیتی است که حکمرانی صنعت برق باید با التفات به آن کار خویش را پیش ببرد. چنین خصوصیتی ویژه صنعت برق هم نیست زیرا به باور اندیشمندانی چون میشل فوکو مدرنیته پدیده‌ای اساساً و کلاً گفتمانی و محصول روابط دانش و قدرت در دنیای جدید است. در چنین جهانی همه پدیده‌ها اموری گفتمانی هستند. از این منظر خصوصیت سیاسی صنعت برق خصوصیتی طبیعی و بهنجار است حکمرانی صنعت برق باید به نسبت آن آگاه باشد تا ضمن لحاظ آن در برنامه‌ها و فعالیت‌های خود بتواند از ظرفیت‌های آن برای تحقق اهدافش استفاده کند. علاوه بر این گفتمانی بودن، صنعت برق بیانگر این نیز هست که با تغییر گفتمان است که پدیده‌های گفتمانی به لحاظ شکل و محتوا تغییر می‌یابند. ازاین‌رو تغییر از اشکال متمرکز فعلی به اشکال پراکنده‌تر مستلزم تغییر در گفتمان پشتیبانی است که خالق این شکل تولید بوده است. گذشته از خصوصیات سیاسی طبیعی و بهنجار صنعت برق، سیاست در اشکال دیگری نیز بر حکمرانی و مدیریت صنعت برق تأثیرگذار است که در ادامه به آنها می‌پردازیم. خصوصیت شبکه‌ای صنعت برق، انتقال سریع و آسان آن، در مقایسه با سایر اشکال انرژی، و هم‌چنین نیاز جهانی به آن از برق را به کالایی استراتژیک در روابط بین الملل تبدیل کرده است. این وضعیت در روابط کشور ما با همسایگانی چون افغانستان، عراق، ارمنستان و ... کاملاً مشهود است. هر ساله مقدار قابل‌توجهی برق از کشور ما به این کشورها صادر می‌شود.

در تأیید این مدعا مدیر عامل شرکت مادر تخصصی توانیر، با بیان این‌که سیاست صنعت برق، توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی و از جمله توسعه صادرات برق به کشورهای همسایه است، اظهار کرد: با توجه به نیازهای که در منطقه وجود دارد و

---

۱ https://donya-e-eqtesad.com/بخش-ویژه-نامه-۳۴۹۷۵۴۳/۶۳-سایه-سنگین-سیاست-بر-صنعت-برق

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

نیازمندی کشورهای همسایه، زیرساخت‌های لازم را برای توسعه انرژی فراهم می‌کنیم و بر اساس ظرفیت‌های موجود صادرات برق را پیش می‌بریم. وی با اشاره به کشورهایی که ایران با آن‌ها تبادلات الکتریکی دارد، گفت: با تمام کشورهایی که مرز خاکی داریم، ارتباط الکتریکی برقرار کرده‌ایم، به‌گونه‌ای که به تعدادی از این کشورها برق صادر می‌کنیم و با تعدادی ترانزیت یا به عبارتی خرید و فروش برق داریم[۱]. ازاین‌رو به نظر می‌رسد گذشته از اینکه صادرات برق به کشورهای دیگر در وضعیت طبیعی می‌تواند به تعمیق روابط کشورها و تعمیق حسن هم‌جواری تبدیل شود و از این نظر هیچ انتقادی هم بر آن وارد نیست ولی تبدیل برق به ابزاری سیاسی می‌تواند حکمرانی این صنعت را تحت فشار قرار داده و لطمات جبران‌ناپذیری را متوجه این صنعت کند. به‌عنوان مثال صادرات صنعت برق به کشورهای همسایه در تابستان ۱۳۹۷ درحالی‌که وزارت نیرو به دلیل عدم توانایی تأمین برق موردنیاز کشور مجبور به اجرای یک برنامه زمان‌بندی‌شده برای قطع برق در کشور شد، به گمان بسیاری مصداق استفاده سیاسی از برق بود. در همین باره عضو هیئت‌مدیره سندیکای صنعت برق بر این باور است که «رفتارهای وزارت نیرو و وعده‌های ارائه‌شده به همسایگان برای تأمین نیازهای برقی آنها، بیشتر ناشی از فشارهای سیاسی است که به این وزارتخانه وارد می‌شود. او احتمال می‌دهد که پشت تصمیم‌گیری‌ها برای صنعت برق، مباحث سیاسی وجود داشته باشد زیرا رفتارهای کنونی وزارت نیرو با منطق اقتصادی هم‌خوانی ندارد. این عضو هیئت‌مدیره سندیکای صنعت برق کاهش اقتدار وزارت نیرو را عاملی می‌داند که این وزارتخانه نمی‌تواند برای نقدینگی خود تصمیم بگیرد و آن را به آخرین مهره در تصمیم‌سازی‌های صنعت برق تبدیل کرده است»[۲].

صنعت برق علاوه بر زمینه‌های گفتمانی و روابط بین‌الملل، باید در حکمرانی خود منابع محلی قدرت را در گوشه و کنار کشور موردتوجه قرار دهد. قومیت‌ها، ادیان و فرق مذهبی هنوز از منابع قدرت در کشور به‌شمار می‌آیند. این منابع می‌توانند به‌مثابه فرصت یا به‌مثابه تهدید و چالشی برای حکمرانی صنعت برق در کشور باشند و صنعت برق باید به هر حال در معادلات رفتاری خود جایی را نیز به این عوامل اختصاص دهد.

ارزش‌های قومی ممکن است عاملی مهم در این زمینه به‌شمار آیند اما بیشتر از آن رقابت‌های قومی است که ممکن است بر سیاست‌ها برنامه‌های صنعت برق تأثیرگذار باشد. نمود این رقابت‌ها در رقابت فراکسیون‌های رسمی و یا غیر رسمی اقوام بر سر بردن طرح‌های توسعه‌ای وزارت نیرو به استان‌های خود بسیار بارز است. ازاین‌رو به نظر می‌رسد که در طرح‌های منطقه‌ای توسعه صنعت برق کشور حکمرانی این حوزه باید با لحاظ این عامل به گونه‌ای عمل کند که کمترین میزان تنش و نارضایتی قومی ایجاد شود. نارضایتی‌های قومی ممکن است باعث شکل‌گیری جبهه‌های متحد قومی در برابر طرح‌ها و لوایح برنامه‌ای صنعت برق در کشور شود. افزون بر این منابع محلی و خردتر قدرت، همچون شوراهای اسلامی شهرها و روستاهای کشور، نیز ممکن است مانع یا تسهیل‌کننده برنامه‌های محلی این صنعت باشند. نتایج پژوهش عبداله‌پور (۱۳۹۶) در روستاهای سردشت نشان می‌دهد که نهادهای محلی مانند شوراهای اسلامی، دهیارها و نهادهای سنتی مثل روحانیت، ریش‌سفیدان راهبران توسعه در متقاعدسازی و جلب مشارکت مردم در طرح‌های برق‌رسانی، الگوهای صرفه‌جویی بوده‌اند. این پژوهشگر در جایی دیگر (۱۳۹۸) می‌نویسد از نهادها و منابع قدرت محلی می‌توان در راهبری اقدامات مهمی نظیر هوشمندسازی سیستم‌های برق، اصلاح الگوی مصرف، حذف قبوض کاغذی، مشارکت مردم در تولید و استفاده از منابع تجدیدپذیر انرژی و حفاظت و نگهداری از تأسیسات برقی استفاده کرد.

مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌عنوان یک عنصر مهم دیگر نهاد سیاست، در حکمرانی انرژی در سطح دنیا مطرح است. در این زمینه ذکر تجربه‌ای از حضور این عنصر در حکمرانی انرژی کشور استرالیا مفید است. در سال ۲۰۰۸ از سوی شورای وزیران آموزش فنی و حرفه‌ای[۳] بیانیه‌ای در مورد آموزش جامعه و بزرگسالان صادر شد که در آن دولت استرالیا نسبت به اجرای سیاست‌گذاری مرکز آموزش جامعه و بزرگسالان[۴] متعهد شد. اداره آموزش و پرورش، مسئول برگزاری سیاست موسوم به ای سی ای شد. بنا به

---

۱ *http://iraneconomist.com/fa/news/ 334180/*سیاست-صنعت-برق-توسعه-صادرات-به-کشورهای-همسایه-است

۲ *https://www.eghtesadonline.com/*بخش-انرژی-۲۸۶۹۳۲/۹-تأمین-سیاسی-برق-همسایه

3 *Ministerial Council for Vocational and Technical Education*

4 *Adult and community education (ACE)*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تشخیص این اداره یکی از ارکان اساسی این طرح مرکز آموزش بزرگسالان[1] استرالیا تشخیص داده شد. این مرکز بزرگ‌ترین مرکز آموزش به جوانان و اجتماعات است. این سازمان، سازمانی غیرانتقاعی است که از سراسر استان‌های کشور عضو دارد که همین امر منعکس‌کنندهٔ تنوع آموزش در این مرکز است. هدف اساسی این مرکز این است که اطمینان حاصل کند همه استرالیایی‌ها می‌توانند از مزایای یادگیری مادام‌العمر استفاده کنند[2]. در این راستا یکی از برنامه‌های این مرکز، تهیه اپیزودهایی است تحت عنوان «خانه سبز همین جاست»[3]، که طیف بسیار متنوعی از برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های اجتماعی موجود در منازل را در سراسر استرالیا نشان می‌داد.

با توجه به تجاربی که در بالا آمد، پیشنهادات زیر برای مداخلات سیاستی در حوزه حکمرانی انرژی در داخل کشور ارائه می‌شود:

- برگزاری کارگاه‌ها و طراحی دوره‌های آموزشی برای کارکان حوزه برق به‌منظور حضور و آموزش داخل منزل.
- طراحی برنامه‌های موسوم به برنامه اجتماع‌محور بهینه‌سازی: طراحی برنامه‌ها و بسته‌های آموزشی مرتبط با بهینه‌سازی انرژی در بخش‌های مختلف صنعت، مسکن، حمل و نقل و... هم‌چنین در میان گروه‌های مختلف ساکن در اجتماعات محلی به خصوص افراد آسیب‌پذیر یا افرادی که امکان دسترسی کمتری به اطلاعات داشته‌اند. این آموزش‌ها می‌تواند سطح مسئولیت‌پذیری، توانمندسازی و مهارت آنها برای پس‌انداز بیشتر ناشی از صرفه‌جویی در مصرف برق را ارتقا دهد.
- افزایش مداخلات کم‌هزینه در رفتارهای گروه‌های پرمصرف با افزایش آگاهی، تغییر در باورها و نگرش‌ها و توانمندسازی بیشتر آنها با هدف بهینه‌سازی انرژی (این مداخلات می‌تواند موارد زیر را دربر گیرد: استفاده از درزگیر؛ مدیریت پرده‌ها، تنظیم حرارت یخچال و فریزرها؛ وسایل گرمایشی و سرمایشی و...)
- شفاف‌سازی مسائل اجتماعی و فرهنگی مربوط به حوزه برق در میان سازمان‌های مردم نهاد به‌منظور اشتراک اطلاعات و استفاده از توان و پتانسیل سازمان‌های مردمی برای حل مشکلات.

نکته قابل‌توجه این است که همه این اقدامات مستلزم این است که باید نظرات ذی‌نفعان (شهروندان، اجتماعات و سازمان‌های مردم نهاد) دریافت شود، مشکلات آنها شناسایی شود، مشوق‌های جدید مشارکتی مشخص شوند، نحوه همکاری و برنامه‌های تعامل با آنها و سیستم نظارت نیز مشخص شود.

نهاد اقتصاد: نسبتی روشن بین توسعه اقتصادی و صنعت برق وجود دارد. اگر «کار» را مهم‌ترین فعالیت انسان در دنیای مدرن تلقی کنیم و مهم‌ترین ویژگی کار را در چنین دنیایی صنعتی شدن آن بدانیم به سادگی در خواهیم یافت که قریب به اتفاق کارها در دنیای به شدت صنعتی‌شده امروز بدون استفاده از نیروی برق ناممکن است. به نظر می‌رسد کلید روشن و خاموش دنیای صنعتی همان کلیدی است که با روشن شدن آن جریان برق در شبکه برقرار با خاموش شدن آن قطع می‌شود. البته واضح است که در دنیای امروز برق دامنه نفوذ خود را نه تنها به حوزه کار که به تمامی ابعاد زندگی گسترانده و زندگی بدون برق را تبدیل به چیزی تقریباً ناممکن کرده است.

رابطه صنعت برق و توسعه چنان درهم تنیده و محکم است که نمی‌توان آن را در یک رابطه خطی علت و معلولی و یا مستقل و وابسته قرار داد. تنها چیزی که در این میان واضح است این است که این دو ارتباط متقابلی با هم دارند و هر دو بر همدیگر تأثیرگذارند. ازاین‌رو در بحث حکمرانی و مدیریت صنعت برق و نهاد اقتصاد نمی‌توان به سادگی توضیح داد که تأثیر خالص اقتصاد بر این صنعت چه مقدار است و یا بالعکس زیرا در همان حال که برق زمینه‌های توسعه اقتصادی را فراهم می‌کند توسعه اقتصادی نیز بر کم و کیف این صنعت تأثیرگذار است. بااین‌حال و در یک بحث تحلیلی می‌توان بیان کرد که اقتصاد و توسعه اقتصادی چه تأثیرات محتملی بر حکمرانی و صنعت برق کشور دارند و به عبارتی دیگر چگونه وضعیت اقتصادی می‌تواند حکمرانی صنعت برق را درجامعه، به‌عنوان یک عامل محدودکننده یا تسهیل‌گر، مشروط نماید.

1 *Adult Learning Australia (ALA)*
2 *https://ala.asn.au/about-us/*
3 *Greenhouse Around the Corner*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

از این منظر احتمالاً سیاست‌های اقتصادی کلان جامعه شاید مهم‌ترین عاملی باشد که حکمرانی و مدیریت صنعت برق باید در هر کنشی مد نظر داشته باشد. سیاست‌های اقتصادی واگرایانه و مبتنی بر خصوصی‌سازی و استیلای بازار بدون شک دلالت‌های متفاوتی برای صنعت برق، در مقایسه با سیاست‌های هم‌گرایانه و مبتنی بر استیلای دولت بر منابع اقتصادی، دارد. فقط در یک اقتصاد مبتنی بر بازار و برخوردار از یک بخش اقتصادی قوی است که می‌توان به کمک‌های بخش خصوصی در توسعه صنعت برق دلگرم بود و یا فقط در رویکرد کوچک‌سازی دولت است که می‌توان از خصوصی کردن صنعت برق دم زد.

۱-۳-۲-۱-۵. زمینه‌های ارتباطی

زمینه‌های ارتباطی یکی دیگر از داده‌های اجتماعی از پیش موجودی است که کنش حکمرانی و مدیریت را در تمامی حوزه و از جمله صنعت برق مشروط می‌سازد. این زمینه‌ها شامل ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌فزاری است که هر یک به طریقی بر کنش حکمرانی تأثیرگذارند. اما ازآنجاکه این پژوهش دامنه مطالعه خود را محدود به ابعاد اجتماعی و نرم‌فزاری ارتباطات کرده است، با خارج کردن ابعاد سخت‌افزاری، همچون تکنولوژی‌های ارتباطی، با اذعان به اهمیت ابعاد سخت‌افزاری توجه خود را معطوف و محدود به ابعاد نرم‌فزاری ارتباطات اجتماعی می‌کند که در بارزترین شکل خود در مفهوم سرمایه اجتماعی نمود و ظهور یافته است.

سرمایه اجتماعی از مفاهیم پرکاربرد و در عین حال مناقشه‌برانگیز در دهه‌های اخیرِ ایران و جهان در علوم اجتماعی است. این مفهوم از جمله مفاهیم چندوجهی در علوم اجتماعی است که در اوایل قرن بیستم به صورت علمی و آکادمیک مطرح و از سال ۱۹۸۰ وارد متون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی شد و ابتدا توسط جاکوبز، بوردیو، پاسرون و لوری مطرح، اما توسط کسانی چون کلمن، بارت، پانتام و پرتز بسط و گسترش داده شد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴). نظریه سرمایه اجتماعی به‌طور ذاتی بسیار ساده است. ایده محوری آن را می‌توان در عبارت «روابط اجتماعی» خلاصه کرد (فیلا، ۱۳۸۶: ۷ به نقل از (بنایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۰). سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو مبتنی بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی است و خود او آن را چنین تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که مربوط به داشتن شبکه‌ای نسبتاً پایدار کم و بیش نهادی‌شده از آشنایی و شناخت متقابل است یا به عبارت دیگر عضویت در یک گروه برای هر یک از اعضا از طریق حمایت یک سرمایهٔ جنبی، صلاحیت فراهم می‌کند که آنان را مستحق «اعتبار» به معانی مختلف کلمه می‌کند (مردیها، ۱۳۸۰). به‌طور خلاصه می‌توان گفت که منظور از سرمایه اجتماعی میزان اعتباری است که فرد، از رهگذر کم و کیف ارتباطی که با دیگر اعضای جامعه دارد، به‌دست می‌آورد و به ملاحظه این اعتبار است که افراد در تعاملات اجتماعی به گفته و کردار فرد اعتماد می کنند. در چنین حالتی است که سرمایه اجتماعی نیز همچون سرمایه اقتصاد به عاملی تأثیرگذار در پیشبرد اهداف کنشگر کمک می‌کند. با چنین درکی از مفهوم سرمایه می‌توان مدعی شد که در عرصه‌هایی مثل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های سازمانی که معطوف به قشرهای اجتماعی هستند، هم سرمایه اجتماعی سیاستگذار و به عبارتی حکمران در پیشبرد برنامه‌ها مهم است و هم میانگین سرمایه اجتماعی جامعه موردمطالعه. بر این اساس اگر پذیرش اجتماعی و مقبولیت را عاملی مهم در میزان موفقیت سازمان‌ها تلقی کنیم سرمایه اجتماعی نقشی محوری در این زمینه خواهد داشت. آنچنان که پاتنام در کارش نتیجه گرفت، سرمایه اجتماعی هم اجرای سیاست و هم اجرای اقتصاد را تقویت می‌کند (رابرت، ۱۳۷۷). به این نکته باید افزود که اگر، چنان که بسیاری از پژوهشگران میزان مشارکت اجتماعی را از مؤلفه‌های اصلی سازنده سرمایه اجتماعی می‌دانند در جامعه‌ایران این وضعیت را صادق بدانیم، آنگاه میزان سرمایه اجتماعی جامعه هدف نیز تبدیل به عاملی مهمی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های سازمانی می‌شود.

به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی و توسعه مفاهیم همبسته‌ای هستند که تدوین هرگونه چارچوب نظری برای توسعه مشروط به لحاظ این رابطه است. بسیاری از صاحب‌نظران از سرمایه اجتماعی، به‌عنوان زیربنای توسعه اقتصادی هر جامعه یاد می‌کنند. اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی در یک جامعه، تا حدی است که می‌توان آن را در شکوفایی اقتصاد تمام جوامع توسعه‌یافته به‌طور آشکاری مشاهده کرد. سرمایه اجتماعی را در اقتصاد هر کشور می‌توان در اعتمادپذیری و روحیه همکاری میان نیروهای انسانی برای رسیدن به اهداف اقتصادی جامعه تعریف کرد. سرمایه اجتماعی ضمن شکل‌دهی به مجموعه قواعد و قوانین اخلاقی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

و رفتاری هر جامعه، به رفتار افراد نیز شکل می‌دهد و کمک می‌کند تا سرمایه انسانی و سرمایه مادی و اقتصادی بتوانند با هم و در تعامل با یکدیگر، به رشد و پویایی دست یابد (تاجبخش، ۱۳۸۴). تحقیقات تجربی متعددی در کشورهای گوناگون از آمریکای جنوبی گرفته تا آفریقای شمالی و کشورهای جنوب شرق آسیا و خاورمیانه که نشان می‌دهد، توسعه اقتصادی بالا، سیستم کارآمد اقتصادی، برابری و توزیع عادلانه درآمدها و درآمد سرانه بالا ارتباط معناداری با میزان بالای سرمایه اجتماعی داشته است (همان). در چنین چارچوبی به نظر می‌رسد که حکمرانی و مدیریت موفق صنعت برق در گام اول در گرو سرمایه اجتماعی حکمرانان و مدیران این صنعت و در گام دوم در گرو وجود شبکه‌های ارتباطات اجتماعی و مشارکت مردم در آنهاست. یعنی اینکه در اجرای یک برنامه موفق هم حکمرانان و مدیران باید افرادی قابل‌اعتماد و معتبر در چشم مردم باشند و هم اینکه فرهنگ مشارکت در آن جامعه عمیق و گسترده و به عبارتی میزان سرمایه اجتماعی نهادی بالا باشد. سرمایه اجتماعی نهادی که به آن سرمایه اجتماعی در سطح کلان نیز گفته می‌شود سرمایه‌ای است که حاصل اعتماد عمومی و به اصطلاح انتزاعی عموم شهروندان نسبت به اهمیت و موفقیت عملکرد نهادها، در حوزه‌های چهارگانه: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه کل، دارند (غفاری، ۱۳۹۳).

اما نوعی دیگر از سرمایه اجتماعی که می‌تواند مانع و یا تسهیل‌گر حکمرانی و مدیریت صنعت برق در کشور شود سرمایه اجتماعی در سطح خرد است. سرمایه اجتماعی در سطح خرد، با کم و کیف روابط و بده بستان بین کنشگران، اعتماد بین شخصی و تعمیم‌یافته، زندگی انجمنی مبتنی بر مشارکت، در حوزه‌های: اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، پنداشت نسبت به وجود و حضور ارزش‌های اخلاقی و هنجارها در حیات اجتماعی و زندگی روزمره و احساس امنیت و رضایت تعریف می‌شود (همان). به‌طورکلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای نشان‌دهنده میزان اعتماد به یکدیگر است. هم‌چنین وجود میزان قابل‌قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود، به‌طوری‌که در مواقع بحرانی می‌توان برای حل مشکلات از سرمایه اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود سود برد (امام‌قلی، ۱۳۹۰: ۵۹).

در پایان این سخن اشاره به این نکته ضروری است که سرمایه اجتماعی نیز خود امری وابسته به متن است. این بدین‌معناست که سرمایه اجتماعی اگر در متنی تسهیل‌گر و مشوق حکمرانی و مدیریت است در متنی دیگر ممکن است نقشی کاملاً باژگونه ایفا کند. خروجی سیستم سرمایه اجتماعی را دو دسته کارکرد مثبت و مطلوب و کارکردهای نامطلوب و منفی تشکیل می‌دهند. در جوامع پیشرفته معمولاً سرمایه اجتماعی کارکرد مثبت دارد و به ارتقای رفاه مادی و آرامش روانی عموم مردم جامعه می‌انجامد. اما در جوامع در حال توسعه معمولاً سرمایه اجتماعی با کارکردهای منفی خود نظیر پارتی‌بازی و رانت‌خواری و... ظهور می‌یابد (بنایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۸).

۱-۳-۲-۱-۶. زمینه‌های توسعه‌ای

این مفهوم بیانگر آن است که یک جامعه به لحاظ توسعه امکانی و سبکی تا چه حد توسعه‌یافته تلقی می‌شود. توجه به این زمینه اجتماعی در حکمرانی و مدیریت حوزه برق و انرژی از این نظر مهم است که برای مثال برای فرهنگ‌سازی در صرفه‌جویی برق با جامعه‌ای از چه میزان دارای زمینه پیشرفت مواجه هستیم. موضوع توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در این زمینه قابل‌توجه است؛ زیرا امروزه در دورترین روستاهای کشور دسترسی به منابع برق و گاز وجود دارد در این صورت مسیر سختی پیشاروی متولیان توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر وجود دارد که چگونه روستاییان با این میزان برخوردار از منابع انرژی را متقاعد کرد که از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده کنند و یا کسب و کاری را در این زمینه راه بیندازند. همان‌طور امکانات توسعه‌ای راه و خدمات اجتماعی و برق‌رسانی باعث شده تا رفاه عمومی افزایش یابد. در کنار توجه به ابعاد امکانی توسعه، توجه به ابعاد سبکی نیز در برنامه‌ریزی مهم است. اینکه در یک جامعه ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، حفظ هویت و ایجاد پایداری (عنبری، ۱۳۹۰) (عنبری به نقل از عبداله‌پور، ۱۳۹۶) تا چه حد وجود دارد و برای ارتقای آن چه باید کرد و یا مراقب بود که در اثر طرح‌های توسعه برق آسیبی به آنها نرسد متغیر مهمی در تصمیم‌گیری و پایش و ارزیابی آن است. ازاین‌رو باید گفت در ملاحظه زمینه‌های توسعه‌ای توجه هم به ابعاد سبکی توسعه‌یافتگی و هم ابعاد امکانی آن ضروری است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

در جدول ۱-۶، ابعاد و مؤلفه‌های زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی موردملاحظه در حکمرانی برق و انرژی به‌طور خلاصه نشان داده شده است.

جدول ۱-۶: ابعاد و مؤلفه‌های زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی موردملاحظه در حکمرانی برق و انرژی

زمینه	ابعاد	مؤلفه‌ها
آگاهی، ارزشی و نگرشی	آگاهی	آگاهی عمومی، سواد انرژی، مهارت‌ها، دانش بومی، آگاهی فنی و تخصصی (دوین رایت، ۲۰۱۱)؛ (دی‌واتزر، ۲۰۱۱)
	ارزش‌ها	دینی و اخلاقی، ملّی، نوع‌دوستی، زیست‌محیطی، اقتصادی (رفعت‌جاه، ۱۳۸۱)
	نگرش‌ها	شناختی (درک وضعیت، باور، درک محدودیت)؛ عاطفی (احساسات و عواطف، اعتماد، رضایت)؛ رفتاری (تمایل، حمایت، احساس مسئولیت‌پذیری) (دوین رایت، ۲۰۱۱)؛ (مولا و دیگران، ۲۰۱۳)؛ (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵)؛ (دی‌واتزر، ۲۰۱۱)
هویتی	هویت‌های نخستین	هویت‌های مبتنی بر نژاد، قومیت، جنسیت، ملیت، جغرافیا و ... (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۷)
	هویت‌های ثانویه	هویت‌های مبتنی بر دوگانه‌هایی چون مدرن- سنتی، دینی-سکولار، شهری- روستایی وگرایش سیاسی، سبک زندگی و ... (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۷)
جمعیتی	-	میزان زاد و ولد، مرگ و میر کودکان، بارداری، رشد جمعیت، مهاجرت، ازدواج و ... (دوین رایت، ۲۰۱۱)؛ (یاوری و احمدی‌زاده، ۱۳۸۹)؛ (علی‌نژاد و سلمانپور، ۱۳۹۵)؛ (فتاحی و دیگران، ۱۳۹۵)
نهادی	-	سیاست، اقتصاد، خانواده، آموزش و پرورش و دین (کوئن، ۱۳۸۴) (مولا و دیگران، ۲۰۱۳)
ارتباطی	سخت‌افزاری	فناوری‌های ارتباطی جمعی، شبکه‌های اجتماعی، زیرساخت‌های اجتماعی
	نرم‌افزاری	سرمایه اجتماعی (دوین رایت، ۲۰۱۱)؛ (مولا و دیگران، ۲۰۱۳)
توسعه‌ای	امکانی	خدمات اجتماعی، تسهیلات رفاهی، زیرساخت‌های توسعه، تعادل جمعیت و امکانات (آمایش سرزمین) (عنبری، ۱۳۹۰)؛ (عنبری به نقل از عبداله‌پور، ۱۳۹۶)
	سبکی	ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، حفظ هویت، ایجاد پایداری (عنبری، ۱۳۹۰) (عنبری به نقل از عبداله‌پور، ۱۳۹۶)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۱-۳-۲-۲. مسئولیت اجتماعی

سازمان‌ها و مؤسسات انرژی به‌طور روزافزونی با چالش‌های اجتماعی از قبیل کمبود منابع، تغییرات اقلیمی، آلودگی، اشتغال و ... روبه‌رو می‌شوند. شهروندان، سازمان‌های زیست‌محیطی، جامعه مدنی و حتی حکومت‌ها مسئولیت اجتماعی و محیطی بخش انرژی را به‌عنوان وظیفه تعریف می‌کنند. این امر نشان می‌دهد ایفای مسئولیت اجتماعی در سازمان‌های انرژی یک ضرورت است. یک شرکت یا سازمان فعال در حوزهٔ انرژی باید تأثیرات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی فعالیت‌هایش بر همهٔ حوزه‌ها را در نظر بگیرد.

مسئولیت اجتماعی، به معنای پاسخگوبودن در برابر تأثیرات اجتماعی مستقیم و غیرمستقیم فعالیت‌های سازمان یا مؤسسه بر مردم است که شامل افراد داخل سازمان و مردمِ اجتماعی که سازمان در آن فعالیت می‌کند، می‌شود (ستیپسچویچ و سیکسنلایت[1]، ۲۰۱۷). به باور باکلی[2] و همکاران (۲۰۰۱) امروزه در شرایط جهانی شدن و شبکه‌های گستردهٔ اطلاعاتی از سازمان‌ها انتظار می‌رود در برابر مسائل محیط زیست، رعایت منافع جامعه، حقوق اقلیت‌ها و ... حساسیت داشته، واکنش نشان دهند. بنابراین سازمان‌ها ناچار به انجام اقدامات وسیع و گسترده برای جلب افکار عمومی هستند که وجه غالب آن‌ها نشان دادن وجههٔ اخلاقی اقدامات سازمان است.

مسئولیت اجتماعی دو بُعد دارد: «متعهد بودن به جامعه» و «یاری‌رسانی مثبت به اجتماع» (میزو[3]، ۲۰۰۸). این دو بعد مسئولیت هر دو طرف عرضه و تقاضا یا حکمرانی و مردم را شامل می‌شود و در مورد صنعت برق و انرژی یک مسئولیت دوطرفه بین حکمرانی

1 *Stjepcevic, J., Siksnelyte, I*
2 *Buckly*
۳ *Mizuo, J.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

و مشترکان است. هر چند در رابطه با «مسئولیت اجتماعی» مؤسسات بخش خصوصی آرای مخالف و متضادی وجود دارد؛ اما در رابطه با سازمان‌ها و نهادهای دولتی این یک امر پذیرفته شده است. با توجه به دولتی و عمومی بودن بخش اعظم فعالیت‌های حکمرانی صنعت برق و انرژی و نیز گسترهٔ فعالیت و تأثیرگذاری آن بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی مردم، «مسئولیت اجتماعی» سنگین‌تر و وسیع‌تری دارد. توجه به آثار متعدد سیاست‌ها و برنامه‌های کلان و خرد حوزهٔ انرژی و برق و ارزیابی تأثیرات اجتماعی آن‌ها، بررسی و برآورد هزینه‌ها و منافع اجتماعی اقدامات بر گروه‌های مختلف اجتماعی و تلاش جهت ارتقای رفاه و بهزیستی آحاد جامعه بدون آسیب‌زدن به منابع موجود و در دسترس و در نظر داشتن نسل‌های آینده از جمله مسئولیت‌های اجتماعی حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی است. یکی دیگر از مؤلفه‌های اجتماعی و مهم در آسایش و رفاه جامعه، تاب‌آوری اجتماعی است که به‌عنوان «توانایی گروه‌ها یا جوامع در غلبه بر نقص‌ها، ناهمگونی‌ها و نابسامانی‌های بیرونی که در نتیجهٔ تغییرات محیطی، اجتماعی و سیاسی ایجاد می‌شود» (پرومبرگر و همکاران، ۲۰۱۴) تعریف شده است. از نظر مارتینی[1] توانایی بهبود و یا مقاومت در برابر شوک‌ها در یک جامعه به عوامل مختلفی از قبیل؛ زیرساخت‌های یک جامعه؛ سازمان‌ها، سیاست‌ها و رفتارهای دولت؛ و ظرفیت مردم در مواجهه و مقابله با شوک‌ها و تنش‌ها و پاسخ به خطرات و بحران‌ها بستگی دارد (سام‌آرام و منصوری، ۱۳۹۶). ازاین‌رو، حکمرانی صنعت برق و انرژی به‌عنوان یکی از سازمان‌ها و زیرساخت‌های اساسی کشور با تعهد به مسئولیت اجتماعی خویش و حساسیت به فراز و نشیب‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند در افزایش و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی ایفای نقش نماید.

جنبهٔ دیگر «مسئولیت اجتماعی» به طرف مصرف‌کنندگان (مشترکان) بر می‌گردد و این‌که افراد جامعه نسبت به منابع انرژی و دسترسی سایرین به آن احساس مسئولیت نموده و در فرایندهای تولید، انتقال و به‌ویژه، مصرف برق و انرژی مصالح عمومی و اجتماعی را مدنظر قرار داده و صرفاً به منافع فردی خویش توجه نکنند. در هر صورت شناسایی راه‌کارهای ارتقای مسئولیت اجتماعی در حوزهٔ برق و انرژی از جانب هر دو طرف «حکمرانی و مدیریت» و «مشترکان» نیازمند انجام پژوهش‌های اجتماعی و مشارکت اندیشمندان و پژوهشگران اجتماعی در بخش‌های مختلف حکمرانی اعم از سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها و اقدامات است و بی‌توجهی به پژوهش‌های اجتماعی و نادیده گرفتن مؤلفه‌ها و متغیرهای اجتماعی، از یک‌سو، سر باز زدن از مسئولیت اجتماعی حکمرانی برق و انرژی است و از سوی دیگر، از دست دادن امکان مسئولیت‌پذیری اجتماعی مشترکان و مشارکت‌های اجتماعی آنان است.

یکی دیگر از زمینه‌های اصلی پژوهش‌های علوم اجتماعی در حکمرانی انرژی بحث «عدالت انرژی»[2] است که به‌عنوان هدف غایی سیاست‌های توسعه‌ای و رفاه اجتماعی مد نظر قرار دارد. عدالت انرژی به‌عنوان یک سیستم انرژی جهانی تعریف شده است که به‌طور منصفانه‌ای فواید و هزینه‌های خدمات انرژی را پخش می‌کند و نمایانگر تصمیم‌سازی‌های منصفانه است. به دلیل این‌که پیامدهای حیاتی عرصهٔ انرژی می‌توانند از تصمیم‌های شفاف یا مبهم، عمومی یا خصوصی، و آگاهانه یا ناآگاهانه مشتق شوند، یک چارچوب خلاصه‌شده برای سیاست‌گذاری عدالت انرژی ارائه شده است که هشت جنبهٔ مهم را در بر می‌گیرند: در دسترس بودن (توانایی یک اقتصاد، بازار یا نظام برای تضمین منابع انرژی کافی در وقت نیاز)، قابلیت خریداری (نه تنها قیمت پایین‌تر انرژی به گونه‌ای که مردم بتوانند خانه‌های گرم و مسکن مناسب داشته باشند، بلکه قبوض انرژی برای مردم تحمیل‌کننده نباشد)، دادرسی عادلانه (تضمین امکان مشارکت مشترکان و ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری)، حکمرانی خوب (به حداقل رساندن فساد و ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی؛ دسترسی همهٔ مردم به اطلاعات باکیفیت دربارهٔ انرژی و محیط)، پایدار بودن (برآوردن نیازهای نسل کنونی بدون تهدید توانایی نسل‌های بعدی جهت رفع نیازهایشان)، برابری بین نسلی (دسترسی مردم کنونی به خدمات انرژی به‌طور منصفانه و عادلانه)، برابری فرانسلی (عدالت توزیعی انرژی بین نسل کنونی و نسل‌های آینده)، و مسئولیت‌پذیری (مسئولیت ملت‌ها جهت حفاظت از محیط زیست و به‌حداقل رساندن تولید آثار زیانبار و منفی، و یا هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی) (سواکول و

1 *Martini, B.*
2 *Energy Justice*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

دورکین، ۲۰۱۵). هر کدام از جنبه‌های هشت‌گانهٔ فوق، موضوع یک یا چند مورد از شاخه‌ها و حوزه‌های علوم اجتماعی هستند و می‌توانند موضوع مطالعات نظری و تجربی قرار گیرند.

از دیگر جنبه‌های مهم حکمرانی انرژی، «امنیت انرژی»[1] است. به دلیل حضور همه‌جانبهٔ انرژی در زندگی جوامع امروزی منافع امنیت ارتقایافتهٔ انرژی همانند سایر کالاهای عمومی مانند دفاع ملی یا هوای پاک اغلب غیررقابتی و استثناناپذیر است. برخی از ابعاد مهم امنیت انرژی عبارت‌اند از: دسترس‌پذیری (امنیت تأمین و تولید، وابستگی، تنوع)، قابلیت خرید (ثبات قیمت، دسترسی و برابری، تمرکززدایی، توان مالی)، توسعهٔ فناوری و کارایی (نوآوری و تحقیق، ایمنی و اعتمادپذیری، قابلیت جهش و انطباق، کارایی و توان انرژی، سرمایه‌گذاری و اشتغال)، پایداری زیست‌محیطی و اجتماعی (استفاده از زمین، آب، تغییرات اقلیمی، آلودگی)، قانون‌گذاری و حکمرانی (حمکرانی، تجارت و پیوستگی منطقه‌ای، رقابت و بازار، دانش و دسترسی به اطلاعات) (سواکول و موخرجی[2]، ۲۰۱۱). این ابعاد و مؤلفه‌ها پیچیده و چندجانبه هستند و ابعاد اجتماعی و انسانی آن‌ها پررنگ و با اهمیت است و نمی‌توان آن‌ها را به مفاهیم سادهٔ فیزیکی یا پولی تقلیل داد و بررسی و مدیریت آن‌ها یک امر تماماً مهندسی و وابسته به علوم فیزیکی نیست. ازاین‌رو، نیاز به مطالعات علوم اجتماعی در حکمرانی انرژی امری انکارناپذیر و ضروری است.

بر مبنای استاندارد «مسئولیت اجتماعی و خیر همگانی –راهنما» (سازمان استاندارد ملی ایران، ۱۴۰۰)، هدف از مسئولیت اجتماعی، مشارکت در ایجاد توسعه پایدار است. بر اساس این استاندارد هفت موضوع اصلی مسئولیت اجتماعی عبارت‌اند از: حکمرانی سازمانی خوب؛ حقوق بشر مبتنی بر کرامت انسانی فارغ از هرگونه نژاد، قومیت، زبان و دیگر ساختارهای هویتی؛ رویه‌های مرتبط با نیروی کار اعم از رویه‌های انضباطی، روابط کار، ایمنی، توانمندسازی، به رسمیت شناختن تشکل‌ها؛ کاهش اثرات محیط زیستی و کاهش و حذف الگوهای ناپایدار تولید و مصرف و اطمینان از پایداری منابع مصرفی؛ رویه‌های کاری منصفانه مبتنی بر رفتارهای اخلاقی در ارتباط با سایر سازمان‌ها نظیر سازمان‌های دولتی، شرکاء، مشتریان، تأمین‌کنندگان، پیمانکاران، رقبا و انجمن‌ها (مبارزه با فساد، مشارکت سیاسی مسئولانه، رقابت منصفانه، احترام به حقوق مالکیت)؛ مسئولیت در قبال محصولات و خدمات ارائه‌شده به مشتریان و مصرف‌کنندگان (ارائه آموزش و اطلاعات دقیق، دسترسی همگان به محصول، حفاظت از ایمنی و سلامت، حفاظت از اطلاعات و حریم خصوصی، حل اختلافات و جبران خسارت، شنیده شدن صدای مصرف‌کننده)؛ و جلب مشارکت و توسعه جامعه محلی.

وزارت نفت با ابلاغ «سیاست‌ها و نظام‌نامه نحوه ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در صنعت نفت»[3]، سازوکار مشخص و عملیاتی را برای ایفای بهتر مسئولیت اجتماعی خود در سطح ستاد و شرکت‌های مادرتخصصی تدوین کرده است. موضوعات و زمینه‌های عمل مشتمل بر ابعاد رعایت ضوابط حفظ محیط زیست در طراحی و اجرای طرح‌های صنعت نفت؛ نیازسنجی، ارزیابی و اجرای طرح‌های عمرانی در مناطق؛ بررسی و احصای ظرفیت‌های توسعه محلی؛ برقراری ارتباط مؤثر با مردم، جریانات اجتماعی و بزرگان مناطق به‌منظور ایجاد احساس منفعت مشترک، اقناع و تنویر افکار عمومی؛ کمک به هدایت و توانمندسازی ساکنان؛ بهره‌گیری از ظرفیت‌های تولیدی و خدماتی مناطق و نیروی کار انسانی صاحب صلاحیت؛ مشارکت در انجام فعالیت‌های ترویجی و پیشگیرانه به‌منظور کنترل بیماری‌های شایع در میان کودکان و زنان جوامع محلی؛ حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و مساعدت به مردم و جوامع محلی در مواقع بروز حوادث غیرمترقبه؛ است.

1 *Energy Security*

۲ *Sovacool, B. K. & Mukherjee, I.*

۳ نشانی اینترنتی اخذ نظامنامه و آیین‌نامه اجرایی آن (تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰):
https://csr.niqc.ir/index.aspx?siteid=70&&siteid=70&pageid=3674

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۱-۷: ابعاد و مؤلفه‌های ایفای مسئولیت اجتماعی در حکمرانی برق و انرژی

ابعاد	مؤلفه‌ها
ارزیابی تأثیرات اجتماعی	بررسی و برآورد هزینه‌ها و منافع اجتماعی اقدامات بر گروه‌های مختلف اجتماعی و تدوین نظام تعدیل و جبران (فاضلی، ۱۳۸۹)
توانمندسازی اجتماعات متأثر	ارتقاء مهارت‌ها، قابلیت‌ها، دانش، اعتماد به نفس و سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی مردم از طریق بسترسازی نهادی و توسعه زیرساخت‌های سازمانی و اجتماعی، تأمین اجتماعی، ارتقای معیشتی با هدف افزایش قدرت تصمیم‌گیری، انتخاب صحیح و تفویض اختیار در صورت درخواست مشارکت از آنان (رفیعیان و دیگران، ۱۳۹۳) (وزارت نفت، ۱۳۹۸)
فرهنگ‌سازی و ترویج	آگاه‌سازی و ارائه آموزش، نهادسازی، جامعه‌پذیری، سیاست‌های تشویق و تنبیه، الگوسازی و نوآوری رفتاری (کدخدایی و دیگران، ۱۴۰۰) (دهشیری، ۱۳۸۸) (صدفی و محسنی‌تبریزی، ۱۳۹۴: ۸-۴)
رعایت حقوق شهروندی	دسترسی همگان به محصول، حفاظت از ایمنی و سلامت، حفاظت از اطلاعات و حریم خصوصی، حل اختلافات و جبران خسارت، شنیده‌شدن صدای مصرف‌کننده، برابری و انصاف، حفظ هویت محلی، ملی و اقلیتی و سبک زندگی، حفظ حقوق مالکیت (سازمان استاندارد ملی ایران، ۱۴۰۰)
تاب‌آوری اجتماعی	امکان بازتوانی جامعه و بازگشت به حالت تعادل در اثر مخاطرات انرژی (پرومبرگر و دیگران، ۲۰۱۴)
عدالت و امینت انرژی	در دسترس بودن (توانایی یک اقتصاد، بازار یا نظام برای تضمین منابع انرژی کافی در وقت نیاز)، قابلیت خریداری (مقرون‌به‌صرفه و قابل‌تحمل)، تناسب جمعیت و امکانات (برنامه‌ریزی فضایی یا آمایش سرزمین) (سواکول و موخرجی، ۲۰۱۱) (سواکول و دورکین، ۲۰۱۵)
دادرسی عادلانه	تضمین امکان مشارکت مشترکان و ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری و متقاعدسازی و اقناع آنان (سازمان استاندارد ملی ایران، ۱۴۰۰) (سواکول و دورکین ، ۲۰۱۵) (وزارت نفت، ۱۳۹۸)
حکمرانی خوب	به حداقل رساندن فساد و ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی، دسترسی همهٔ مردم به اطلاعات باکیفیت دربارهٔ انرژی و محیط، رویه‌های کاری منصفانه مبتنی بر رفتارهای اخلاقی(سازمان استاندارد ملی ایران، ۱۴۰۰) (سواکول و دورکین ، ۲۰۱۵)
رعایت الگوهای پایداری	برآوردن نیازهای نسل کنونی بدون تهدید توانایی نسل‌های بعدی جهت رفع نیازهایشان (سازمان استاندارد ملی ایران، ۱۴۰۰) (سواکول و دورکین ، ۲۰۱۵)
برابری بین نسلی	دسترسی مردم کنونی به خدمات انرژی به‌طور منصفانه و عادلانه (سواکول و دورکین ، ۲۰۱۵)
برابری فرانسلی	عدالت توزیعی انرژی بین نسل کنونی و نسل‌های آینده (سواکول و دورکین ، ۲۰۱۵)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۱-۳-۲-۳. متقاعدسازی مردم

متقاعدسازی، فرایند اقناع و مجاب کردن مردم بر مبنای روش‌ها و تکنیک‌هایی است که برای پذیرش و یا مقبولیت و مشارکت در یک اقدام و یا تغییر در کنش صورت می‌گیرد. بنابراین سیاست‌های انرژی که در پی اتخاذ رویکرد اجتماعی هستند نیاز است تا جهت پذیرش خود و جلب همراهی اجتماعی، مردم را بر مبنای روش‌های مقتضی متقاعد و توجیه کنند. سازوکار متقاعدسازی و توجیه مردم به‌مثابه مرحله‌ای از رویکرد اجتماعی است که پیش‌نیاز پذیرش و مشارکت اجتماعی می‌باشد. در واقع در این سازوکار، مردم، توجیه و مجاب می‌شوند که اقدام پیش رو امری منطقی و قابل‌قبول است امّا نتیجه این استدلال‌پذیری، خود را در کنش عملی و یا تغییر نگرش‌ها نشان خواهد داد. نباید فراموش کرد که این تکنیک عملی باید بر مبنای شناخت از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی باشد تا کارآمدی خود را در عمل نشان دهد. در بخش‌های آتی به دو موضوع مهم پذیرش اجتماعی و جلب مشارکت عمومی که مستلزم گذر از این مرحله هستند تشریح و تبیین خواهد شد.

متقاعدسازی از طریق تبلیغات رسانه‌ای یکی از روش‌های مرسوم است که بنابر تعریف، فرایندی است که با استفاده از تکنیک‌های خاص، مخاطبان قانع می‌شوند تا در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی نسبت به پذیرش و مصرف کالاهای مورد تبلیغ مجاب شوند. بنابراین طی نظم متقاعدسازی رسانه‌ای، مکانیزم‌های عمده‌ای نظیر اعتبار منبع پیام، فرایند محتوای پیام، ابزار عامل ارتباطی و ویژگی گیرندگان پیام در فرایند مصرف تبلیغات رسانه‌ای شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای تأثیرگذارند (جوویت و اودانل، ۱۹۹۲:

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱۲۲– ۵۴). تبلیغات رسانه‌ای، نوعی اعمال نظریات و اطلاعات خاص مبلغین به‌منظور کسب آراء یا گرایش‌های مطلوب مخاطبان تلقی گردد (شاه‌محمدی، ۱۳۸۵: ۶۷ به نقل از صدفی و محسنی‌تبریزی، ۱۳۹۴: ۳). در واقع تبلیغات رسانه‌ای تلاش مبلغین با بهره‌گیری رسانه‌ای است که در راستای نظم متقاعدسازی مصرف رسانه‌ای برای تغییر نگرش یا کنش مخاطبان انجام می‌شود با این فرض که واکنش مخاطبان در یک موقعیت ویژه به اندازه‌ای که مطلوب مبلغین است، تحت تأثیر قرار گیرد (بینگلر، ۱۳۷۶: ۸۷ به نقل از صدفی و محسنی‌تبریزی، ۱۳۹۴: ۴–۳). تبلیغات رسانه‌ای، بهره‌گیری کم و بیش عمدی و سیستماتیک و طراحی‌شده از سمبل‌ها است که به‌طور عمده توسط روش‌های روان‌شناختی اجتماعی همچون تلقین، القاء، تقلید، یادگیری، اقناع و غیره با هدف تغییر نگرش و کنش مخاطبان به سوی مسیر معین انجام می‌شود (اسدی، ۱۳۷۱: ۱۶۴ به نقل از صدفی و محسنی‌تبریزی، ۱۳۹۴: ۴). لذا از نکات موردتوجه مبلغین در فرایند نظم متقاعدسازی مصرف رسانه‌ای، رعایت وضوح، سادگی پیام و استفاده از عبارات قوی و کارآمد است تا مخاطبان را از راه‌های گوناگون به مصرف بیشتر تشویق و متقاعد کنند (زورق، ۱۳۶۸: ۱۲۳ به نقل از صدفی و محسنی‌تبریزی، ۱۳۹۴: ۴). برخی از تکنیک‌های متقاعدسازی تبلیغات رسانه‌ای که توسط صاحبنظران و پژوهشگران متعددی بیان شده‌اند، به شرح ذیل عبارت‌اند از (صدفی و محسنی‌تبریزی، ۱۳۹۴: ۸–۴):

- از طریق انواع جاذبه‌ها نظیر جاذبه منطقی، احساسی، طنز و خنده، ترس، جنسی، اخلاقی و نوستالژی
- از طریق انواع روش‌ها مانند روش تبلیغات شرطی، طرح ناگهانی، استدلالی، مقایسه‌ای، تشبیه، فریبندگی کمبود، سریالی
- از طریق فرایند به‌کارگیری زبان متقاعد کردن مخاطبان، نظیر تسخیر مخاطبان به‌وسیله توجه آنان به یک تصویر، استفاده از کلمات پیاپی با یک حرف متشابه‌الصوت، استفاده از سرتیتر قوی و رنگ‌های جسورانه، تصرف علاقمندی مخاطبان با به‌کارگیری حروف بزرگ تحت عنوان اینکه به سلیقه خودتان رها شوید، تحریک مخاطبان به سوی تعریف از محصول، تحریک تمایلات و آرزوها در قالب ارائه آدرس مستقیم به مخاطبان، ایجاد جذابیت‌های کالا با تعریف از آن، دعوت مخاطبان به مصرف کالا در نیل به تغییر شکل و آزادی شخصی، اقدام عملی برای برانگیختن مخاطبان به‌وسیله ارائه تصویر، معرفی شعار اصلی کالای تبلیغاتی به معنای مراقبت و مواظبت کردن
- از طریق استراتژی‌های قانع‌کننده همچون استراتژی تأثر و گیرندگی، استراتژی آرم یا عقل کل و استراتژی اخلاق یا عادات و رسوم قومی، تا مخاطبان را به مصرف ترغیب کنند.
- از طریق تکنیک‌هایی مانند ارابه دسته موسیقی سیار، جذبه‌های هیجانی، طعمه و ترکه، شهرت سخنگو، درخشیدن اصول کلی، طنز و شوخی، به نام صدا کردن، شکوهمندی قومی یا محلی، پربار بودن زبان، فردگرایی و منحصربه‌فرد بودن و مقایسه محصول
- برساخت اینکه ما مصرف‌کننده واقعی کالا یا خدمتی خاص هستیم در مقابل فاقدین یعنی آنها که از این کالا یا خدمات خاص استفاده نمی‌کنند.
- به تصویر کشاندن متن‌ها و گفتمان‌هایی که به مخاطبان تلقین می‌کند که به صورت مصرف‌کنندگان ایده‌آل، نه مصرف‌کنندگان فعال و کارا، به شکل رویایی و نشانه‌ای از تداوم مصرف، در حال مصرف برندها و کالاهای تبلیغاتی هستند.
- تأکید بر رویکرد سبک زندگی مرتبط با طبقات بالای جامعه و قرار دادن مخاطبان در موقعیتی که متضمن مصرف بیشتر کالاها و برندهای تبلیغاتی باشند.
- تأکید بر گفتمان جهانی متفاوت و کامل که صرفاً با مصرف کالاها و برندهای تبلیغاتی تحقق می‌یابد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- تأکید بر دیدگاه منجی‌گرایی که در تلاش‌اند در یک فضای رویایی و ایدئالیستی، با ایفای نقش کالاهای تبلیغاتی به‌عنوان منجی، تمامی ساختار ملال‌آور و بهم‌ریخته مسائل پیش‌آمده زندگی روزمره مخاطبان را در تبلیغات رسانه‌ای سروسامان بخشند. بنابراین ساختار کالاهای تبلیغاتی با وجهه نشاط‌آور، هیجان‌انگیز، جوان‌پسند، مدل بالا، طبقه اشراف و اعیان و نظایر آن، به‌عنوان نشانه‌ای از این نوع تبلیغات رسانه‌ای منجی‌گرایانه با تمرکز و تأکید بر زندگی روزمره و سبک زندگی مدرن به‌شمار می‌آیند.

در مسیر نظم متقاعدسازی مصرف رسانه‌ای، تکنیک‌های متقاعدسازی به‌کاررفته در تبلیغات رسانه‌ای انجام هرگونه گفتگوهای صادقانه را نیز در بین مخاطبان دشوار کرده و دسترسی به اجماع را عملاً غیرممکن ساخته است. ظاهراً فقدان مسئولیت و تعهد یکپارچه و منسجم در ارائه تبلیغات رسانه‌ای، پتانسیل واقعی این شبکه‌ها را به‌عنوان یک حوزه عمومی خنثی ساخته و به علت تراکم مکانیزم‌های متقاعدسازی مبلغین، به جای احساس همبستگی، نوعی احساس گمنامی در بین مخاطبان ترویج می‌یابد. ازاین‌رو ارتباطات آنلاین در فضای شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای به جای گفتگوی متمرکز و عقلانی، اغلب نوعی تخلیه احساسات و عواطف و افکار عجولانه مخاطبان تلقی شده و حتی مشارکت گسترده مخاطبان در مباحث سیاسی را نیز منجر نمی‌شود. در واقع شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای در قالب انزوا و بریدگی مخاطبان از گروه‌های اجتماعی به شبکه‌های اجتماعی، سوگیری مخاطبان به سوی آموزش موزاییکی، توده‌وارسازی و قطعه‌قطعه شدن افراطی سلیقه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، در فرایند نظم متقاعدسازی مصرف رسانه‌ای به تقلیل سرمایه اجتماعی منجر شده‌اند (صدفی و محسنی‌تبریزی، ۱۳۹۴: ۲۶-۲۵).

عبداله‌پور (۱۳۹۶)، در یک مطالعه میدانی، نشان داده که نخبگان محلی از طریق سه تکنیک تبیین کارکردها، آموزه‌های دینی و کدخدامنشی، مردم را برای پذیرش اقدامات توسعه‌ای و مشارکت در انجام آنها، متقاعد می‌سازند. کنشگری در اقدامات زیست‌محیطی و نیز معیارهای تصمیم‌گیری در مصرف آب و انرژی بر مبنای ارزش‌های شهروندان نیز یکی دیگر از روش‌های استدلالی است که می‌توان افراد را در جهت تعدیل نگرش‌های زیست‌محیطی و مصرف بهینه، بر مبنای ارزش‌های دینی و اخلاقی، نوع‌دوستی و رعایت انصاف، اهمیت حفاظت از محیط زیست و حفظ سرمایه ملّی متقاعد کرد (کلاهی، ۱۳۸۵).

در کنار استدلال‌های فنی و ابزاری برای برنامه‌ریزی و رسیدن به اهداف، استدلال اخلاقی یکی دیگر از روش‌های متقاعدسازی و رسیدن به توافق است که برخاسته از ارزش‌ها و اخلاقیات است و در فرایند کنش ارتباطی بروز می‌کند. این نوع استدلال از نظریه ارتباطی هابرماس الهام گرفته شده است. از نظر هابرماس، اساس برنامه‌ریزی مؤثر و موفق بر شیوه‌های ارتباطی مبتنی است و پیش‌نیاز تحقق ارتباط سازنده آن است که عقلانیت ابزاری یا رویکرد فنی – ابزاری که به‌عنوان تنها استدلال در برنامه‌ریزی عقلائی‌گرا استفاده می‌شود کنار گذاشته شده و دامنه وسیع‌تری از استدلال‌ها شامل استدلال فنی– ابزاری (همان استدلال علمی و عقلائی است که اهداف را به ابزارها و سیاست‌ها مرتبط کرده مشاهدات را به نتایج پیوند می‌دهد. این نوع استدلال همواره در اختیار برنامه‌ریزان آموزش‌دیده است)، استدلال اخلاقی و استدلال احساسی که همان تجربه حسی مردم از محیط اطراف است موردتوجه قرار گیرد (رکن‌الدین افتخاری و بهزادنسب، ۱۳۸۳ به نقل از هومل، ۲۰۰۰). افراد دخیل در کنش ارتباطی در بند موفقیت شخصی خود نیستند بلکه اهدافشان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنشی خود را بر مبنای تعریف‌هایی از موفقیت مشترک هماهنگ سازند درحالی‌که مقصود نهایی کنش معقولانه و هدف‌دار (کنش‌های ابزاری و استراتژیک) دست‌یابی به هدف است غایت کنش ارتباطی دست‌یابی به تفاهم ارتباطی است (ریتزر، ۱۳۸۰: ۱۹۰-۱۲۰).

لورنزن (۲۰۱۴) در یک مطالعه میدانی، تکنیک‌های متقاعد کردن مردم جهت اتخاذ سبک زندگی مسئولانه نسبت به محیط زیست را دسته‌بندی کرده است. این تکنیک‌ها عبارت‌اند از: ارزیابی مخاطب (شامل دسته‌بندی افراد به گروه‌هایی که ممکن است نسبت به محیط‌زیست‌گرایی دلسوز باشند و افرادی که انتظار می‌رود با آنها مخالف باشند)، بیان جملات «احساس می‌کنم» (استفاده از

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

گفتمان اول شخص در مورد آسیب‌های زیست‌محیطی و تغییر شیوه‌ها برای تقویت همدلی و اجتناب از اتهام)، الگو بودن (الگو بودن و شهرت افراد در یک اقدام زیست‌محیطی و اثرگذاری آن در رفتار دیگران)، برجسته کردن پاداش‌های مالی (جذبه مالی مبتنی بر برد–برد به‌عنوان یک عامل محرک در متقاعدسازی اقدامات زیست‌محیطی) و جذابیت محیط زیستی نادر (مانند توسل به پیشرفت فناوری و حمایت از کودکان).

افزون بر این، سودمندی ادراک‌شده (دوین رایت، ۲۰۱۱)، ارزیابی مثبت از پاداش‌های مشارکتی (علوی‌تبار، ۱۳۷۹) و در مجموع فایده و پاداش داشتن بر اساس نظریه مبادله هومنز (ریتزر، ۱۳۸۳) و نظریه انتخاب منطقی (سعیدی، ۱۳۸۲)، می‌تواند معیاری برای توجیه باشد تا فرد متقاعد و ترغیب شود که موضوعی را بپذیرد و یا در آن مشارکت کند.

سند «نظام مفهومی متقاعدسازی اجتماعی برای اصلاح تعرفه‌های آب و برق» در وزارت نیرو (۱۳۹۹)، به‌عنوان مبنای اطلاع‌رسانی گسترده و مستمر صنعت آب و برق برای رسیدن به شرایط تحقق تعرفه‌های مبتنی بر قیمت واقعی آب و برق تدوین شده است. پس در این سند از روش‌های رسانه‌ای برای متقاعدسازی مشترکین استفاده شده که در چارچوب فضای مفهومی اطلاع‌رسانی در قالب عناصر چهارگانه «آب و برق: کالاهای متفاوت»، «کاستن از فشار ذهنی اصلاح تعرفه»، «ارائه اطلاعات مقایسه‌ای» و «برندسازی تعرفه بازدارنده»؛ اقدامات پیشنهادی برای پیشبرد برنامه تبلیغی، اطلاع‌رسانی و گفتمان‌سازی و نیز ابتکارهای مبتنی بر اقتصاد رفتاری برای اصلاح تعرفه بازدارنده ارائه شده است. در جدول شماره سه، ابعاد و توضیحات سازوکار متقاعدسازی مردم ارائه شده است.

جدول ۱–۷: ابعاد و مؤلفه‌های متقاعدسازی مردم در حکمرانی برق و انرژی

ابعاد	مؤلفه‌ها
نظم متقاعدسازی رسانه‌ای	تکنیک‌های جاذبه‌ها؛ فرایند به‌کارگیری زبان متقاعد کردن مخاطبان؛ استراتژی‌های قانع‌کننده؛ تکنیک‌های جذبه‌های هیجانی، طعمه و ترکه، شهرت سخنگو، درخشیدن اصول کلی، طنز و شوخی، به نام صدا کردن، شکوهمندی قومی یا محلی؛ برساخت اینکه ما مصرف‌کننده واقعی کالا یا خدمتی خاص هستیم در مقابل فاقدین یعنی آنها که از این کالا یا خدمات خاص استفاده نمی‌کنند؛ به تصویر کشاندن متن‌ها و گفتمان‌ها؛ تأکید بر رویکرد سبک زندگی؛ تأکید بر گفتمان جهانی متفاوت (صدفی و محسنی‌تبریزی، ۱۳۹۴: ۲۶–۲۵) (وزارت نیرو، ۱۳۹۹).
متقاعد شدن بر مبنای کارکرد	بر مبنای نظریه مبادله هومنز (ریتزر، ۱۳۸۳) و نظریه انتخاب منطقی (سعیدی، ۱۳۸۲): تعقیب منافع (عبداله‌پور، ۱۳۹۶)؛ برجسته کردن پاداش‌های مالی (جذبه مالی مبتنی بر برد–برد به‌عنوان یک عامل محرک در متقاعدسازی اقدامات زیست‌محیطی)؛ جذابیت محیط زیستی نادر (مانند توسل به پیشرفت فناوری و حمایت از کودکان) (لورنزن، ۲۰۱۴)؛ سودمندی ادراک‌شده (دوین رایت، ۲۰۱۱)؛ ارزیابی مثبت از پاداش‌های مشارکتی (علوی‌تبار، ۱۳۷۹)
متقاعدسازی بر مبنای نظام ارزشی	بر مبنای ارزش‌های دینی و اخلاقی، نوع‌دوستی و رعایت انصاف، اهمیت حفاظت از محیط زیست و حفظ سرمایه ملّی (کلاهی، ۱۳۸۵).
استدلال اخلاقی	استدلال مبتنی بر کنش ارتباطی برای رسیدن به تفاهم مشترک فارغ از تعقیب اهداف شخصی (ریتزر، ۱۳۸۰: ۱۹۰–۱۲۰؛ رکن‌الدین افتخاری و بهزادنسب، ۱۳۸۳ به نقل از هومل، ۲۰۰۰)؛ ارزیابی مخاطب (شامل دسته‌بندی افراد به گروه‌هایی که ممکن است نسبت به محیط‌زیست‌گرایی دلسوز باشند و افرادی که انتظار می‌رود با آنها مخالف باشند)؛ بیان جملات «احساس می‌کنم» (استفاده از گفتمان اول شخص در مورد آسیب‌های زیست‌محیطی و تغییر شیوه‌ها برای تقویت همدلی و اجتناب از اتهام) (لورنزن، ۲۰۱۴)
استدلال احساسی	متقاعدسازی بر مبنای همان تجربه حسی مردم از محیط اطراف (رکن‌الدین افتخاری و بهزادنسب، ۱۳۸۳ به نقل از هومل، ۲۰۰۰)
تبعیت از الگوها	کدخدامنشی (عبداله‌پور، ۱۳۹۶)؛ الگو بودن (الگو بودن و شهرت افراد در یک اقدام زیست‌محیطی و اثرگذاری آن در رفتار دیگران) (لورنزن، ۲۰۱۴)

۱–۳–۲–۴. پذیرش اجتماعی

پذیرش اجتماعی به‌عنوان یکی از موضوعات مهم شکل‌دهندهٔ نگرش حکمرانان و مردم نسبت به مسئولیت اجتماعی و نیز نوآوری در فناوری، به‌ویژه، حوزهٔ انرژی موردتوجه اندیشمندان و پژوهشگران قرار گرفته است. در این چارچوب، فرض اساسی بر این است

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

که هر نوع تغییر در مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، فنی و ... لازم است «نگرش‌های اجتماعی» تغییر یابد (چرنی و مک‌گی[1]، ۲۰۱۰ و چرنی و همکاران، ۲۰۱۳). برای تضمین انرژی امن، قابل‌اتکا و کم‌کربن در آینده هم فناوری‌ها و هم رفتارهای انسانی باید تغییر کنند. وزارت انرژی ایالات متحده اعلام کرده است که عرضه و تقاضای انرژی «همان‌قدر که تحت تأثیر عملکردهای فنی قرار دارد، از انتخاب، ترجیحات و رفتارهای افراد تأثیر می‌پذیرد» (سواکول و همکاران، ۲۰۱۵). بنابراین تغییر در عرصهٔ صنعت برق و انرژی دامنهٔ وسیعی از تغییرات در شیوهٔ تولید، انتقال، توزیع و مصرف انرژی را دربر می‌گیرد و جهت بررسی و تقویت پذیرش اجتماعی تغییرات در نظر گرفتن عوامل شخصی، روانشناختی و زمینه‌ای که پذیرش اجتماعی را شکل می‌دهند، لازم است.

در رابطه با انرژی شاخص‌هایی چون پیشینهٔ اجتماعی ـ اقتصادی، گروه‌های سنی، عقاید سیاسی، نگرش‌ها و رفتارهای مشترکان اهمیت ویژه‌ای دارند. افزون بر این، سودمندی ادراک‌شده، هدف از استفاده، شرایط تسهیل‌کننده، هزینه، اعتماد، شرایط مکانی، موقعیت مشترکان در استفاده از انرژی همگی دارای نقشی اساسی در پذیرش اجتماعی هستند (دیوین رایت[2]، ۲۰۱۱). در زمینهٔ انرژی‌های نو، شاخص‌های اجتماعی دیگری چون زمان، نگرانی و تشویش، تطابق‌پذیری، برخورداری، جامعه‌پذیری، تأثیر اجتماعی، فرهنگ، اعتمادپذیری سیستم و نمونه‌های موردی و خاص کاربرد انرژی را نیز باید در نظر داشت (مولا و همکاران، ۲۰۱۳). در سمت مقابل، برخی عوامل شخصی، روان‌شناختی و زمینه‌ای نیز محدودکنندهٔ پذیرش اجتماعی هستند که در پژوهش‌ها نباید آن‌ها را نادیده گرفت. در همین راستا، نتایج بیشتر پژوهش‌های مرتبط با فناوری‌ها و انرژی‌های نو نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی چون دانش و آگاهی، ادراک و ترس از تغییرات نقشی اساسی در پذیرش یا عدم پذیرش اجتماعی و همراهی یا عدم همراهی با دولت یا مؤسسات متولی انرژی دارند. مشارکت دادن مشترکان در سیاست‌گذاری، تدوین برنامه‌ها و اقدامات و اجرای آن‌ها به‌عنوان راهی جهت ارتقای آگاهی و دانش و کاهش ترس و تشویش نسبت به تغییرات و جلب حمایت اجتماعی موردتأکید قرار گرفته است (دیوین رایت، ۲۰۱۳).

در مجموع، مقولهٔ پذیرش اجتماعی را می‌توان از جنبه‌های مختلف موردبررسی قرار داد: الف) متقاعدسازی و پذیرش سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها در رابطه با صنعت برق و انرژی و همراهی با آن‌ها توسط مردم؛ ب) پذیرش فناوری‌ها و نوآوری‌های این حوزه که توسط حاکمیت و یا سایر بخش‌های جامعه اِعمال، توصیه یا حمایت می‌شود. هر دو گونهٔ پذیرش اجتماعی نیازمند شناخت بستر فرهنگی و اجتماعی توسط حکمرانان و همراهی و مشارکت مردم است. جهت نیل به این هدف، یافتن راه‌های تقویت و ارتقای آگاهی و دانش مردم در حوزهٔ انرژی (سواد انرژی)، شناخت ویژگی‌های زمینه‌ای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، ارائهٔ راه‌های تقویت اعتماد اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی مشترکان در پروژه‌ها و اقدامات مرتبط با صنعت برق و انرژی نیازمند به‌کارگیری دانش علوم اجتماعی در همهٔ مراحل پژوهش، سیاست‌گذاری و اجرا است و با کسب پذیرش اجتماعی، زمینه برای جلب مشارکت اجتماعی و همراهی با سیاست‌ها و برنامه‌های کلان عرصهٔ برق و انرژی فراهم می‌شود.

1 *Cherney and McGee*
۲ *Devine-Wright, P.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۱-۸: ابعاد و مؤلفه‌های پذیرش اجتماعی در حکمرانی برق و انرژی

ابعاد	مؤلفه‌ها
موافقت با اقدامات (سیاست‌ها و پروژه‌ها)	پذیرش طرح‌ها و پروژه‌های مرتبط با مردم (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۴)؛ مشروعیت طرح؛ درک و باور؛ نظر مستقیم در مورد ویژگی‌های موجود ابعاد/مناطق اشیاء پذیرش؛ موافقت با اجرای اقدام (لست[۱] و دیگران، ۲۰۱۰)؛ مقاومت فرهنگی یا عدم مقاومت (فاضلی، ۱۳۸۶)، حمایت مردم از پروژه‌ها (میستور، ۲۰۱۷؛ لنون، ۲۰۱۹؛ الیس و دیگران، ۲۰۰۷)؛ اعتراض به پروژه‌ها (الیس و دیگران، ۲۰۰۷)؛ به چالش کشیدن زمینه‌های کلان سیاست‌گذاری و شیوه‌های نهادی (باتل، ۲۰۱۷)؛ مقبولیت عمومی پروژه‌ها؛ مقاومت در برابر پروژه‌ها (موراکامی، ۲۰۱۷؛ لیو و دیگران، ۲۰۱۹)؛ تصویر مطلوب پروژه در افکار عمومی (میستور، ۲۰۱۷؛ فورنیس و فورتین، ۲۰۱۷)؛ مقاومت در برابر پروژه؛ ادراک عمومی پروژه (فورنیس و فورتین، ۲۰۱۷)
مشارکت در اقدامات (سیاست‌ها و پروژه‌ها)	اقدام به انجام رویه‌ها (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۰)؛ مشارکت در زمینه‌های کلان سیاست‌گذاری و شیوه‌های نهادی (باتل، ۲۰۱۷)؛ مشارکت اجتماع در پروژه (لنون، ۲۰۱۹)؛ سطوح بالای مشارکت اجتماعی نشان‌دهندهٔ پذیرش اجتماعی نوآوری (وشتنهاگن و دیگران، ۲۰۱۸)
رضایت و نگرش نسبت به اقدامات و اجرای آنها	رضایت افراد از اجرای طرح‌ها (عسکری، ۱۳۸۵: ۴ به نقل از طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۹)؛ رضایت از نحوه اطلاع‌رسانی طرح (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۹)؛ نگرش مثبت یا منفی به طرح (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۹)؛ اعتقاد به لزوم محدودیت، مناسب دانستن طرح (همان)؛ اعتماد به طرح (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۳)؛ رضایت آگاهانه؛ ارزش اجتماعی داده شده به هدف پذیرش (خوب، بد) (لست و دیگران، ۲۰۱۰)؛ نگرش عمومی (موراکامی، ۲۰۱۷؛ الیس و دیگران، ۲۰۰۷ به نقل از دیواین رایت، ۲۰۰۵)؛ مطلوب یا نامطلوب ارزیابی کردن پروژه (لیو و دیگران، ۲۰۱۹)؛ برداشت‌های منفی از انصاف و عدالت در جوامع تحت تأثیر (لنون، ۲۰۱۹)
سازگاری با شرایط و محدودیت‌ها	پتانسیل‌های سازگاری (لست و دیگران، ۲۰۱۰)؛ آمادگی (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۴)
مقبولیت فناوری و محصولات	پذیرش تکنولوژی (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۴)؛ مقبولیت فناوری (لست و دیگران، ۲۰۱۰؛ فورنیس و فورتین، ۲۰۱۷)؛ تصاحب کم و بیش مؤثر یک فناوری معین (توربین‌های بادی) توسط یک بدنه اجتماعی (فورنیس و فورتین، ۲۰۱۷)؛ جنبش‌های محلی مخالف استقرار فناوری‌ها (لنون، ۲۰۱۹؛ موراکامی، ۲۰۱۷).

۱-۳-۲-۵. جلب مشارکت عمومی

امروزه به دلیل اهمیت مفهوم مشارکت و سنت‌های مدنی مردمی در امر توسعه، برخی از محققان، توسعه را مترادف مشارکت می‌دانند. در گفتارها و نوشته‌ها دیده می‌شود که واژه‌های توسعه، مشارکت و سرمایه اجتماعی در ارتباط مستقیم با یکدیگر هستند یا حتی به جای یکدیگر به‌کار می‌روند. برخی این مفاهیم را با یکدیگر ترکیب کرده‌اند و اصطلاح پارادایم توسعه مشارکتی را به کار می‌برند (عنبری، ۱۳۹۰). آنچه تحت عنوان رویکرد توسعه مشارکتی تشریح می‌گردد تأکید بر ارتباط مشارکت اجتماع هدف با تکیه بر سازوکار سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در پیشبرد اهداف توسعه‌ای است.

مشارکت اجتماعی دربرگیرندهٔ انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری دربارهٔ امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در سه سطح ذهنی، عینی و روحیهٔ مشارکتی مطرح باشد: بعد ذهنی مشارکت، همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در نتیجهٔ اعتماد و سایر عوامل زمینه‌ساز در فرد ایجاد می‌شود. بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند، همان پیوند عینی افراد است و روحیهٔ مشارکت با توجه به تعریف آن، عبارتست از متقاعد شدن به درگیر شدن همگان در مشارکت (گلابی و اخشی، ۱۳۹۴).

۱ *Leucht*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی[1] (۲۰۱۴)، طیف مشارکت عمومی را به‌منظور تعریف نقش مردم در مراحل مختلف اقدامات توسعه‌ای بسط داده است که بر اساس این طیف، مشارکت عمومی از وضعیت اطلاع دادن[2] شروع شده و به توانمندسازی[3] شهروندان منتهی می‌گردد که هر چه جلوتر می‌رود نقش آن در اثرگذاری بر تصمیمات افزایش می‌یابد. دیگر نقاط طیف به ترتیب شامل مشورت کردن[4]، درگیر کردن مردم[5] و تشریک مساعی[6] با آنهاست. هدف از مشارکت عمومی در مرحله اطلاع دادن، یاری رساندن به مردم جهت فهم مسئله، جایگزین‌ها، فرصت‌ها و ارائه راه‌حل‌ها و راه‌کارها است. توانمندسازی نقطه آخر بر روی طیف مشارکت عمومی است که در آن تصمیم‌گیری نهایی در دستان مردم قرار دارد به این معنا که آنچه اجرا خواهد شد، چیزی جز تصمیمی نیست که توسط مردم گرفته شده است. آرنشتاین[7] (۱۹۶۹) در نظریه نردبان مشارکتی[8] مشتمل بر هشت پله که طیف مشارکت عمومی برگرفته از آن است، بر این باور است در دو مرحله اطلاع دادن و مشورت کردن با آگاه‌سازی مردم و گرفتن مشاوره‌هایی از آنان، گرچه مردم مشارکت واقعی ندارند و به نوعی تسکین‌بخش است اما به صورت نمایشی تلاش شده تا مساوات‌طلبی احساس شود درحالی‌که تصمیم‌گیری با صاحبان قدرت است. وی مشارکت واقعی و قدرت بخشیدن به شهروندان را در مرحله تشریک مساعی و به بعد از آن جستجو می‌کند که در نردبان مشارکت، مشتمل بر سه پله –پله ششم تا هشتم– شراکت یا همکاری[9]، قدرت تفویض‌شده[10] و نظارت[11] است. در سطح شراکت، شهروندان و صاحبان قدرت به این توافق دست می‌یابند تا برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را از طریق ساختارهائی که در نظر می‌گیرند به‌طور مشترک به انجام برسانند. در اینجا آرنشتاین به رهبران و گروه‌هایی سازمان‌یافته در داخل اجتماع محلی اشاره می‌کند که به‌طور مؤثری می‌توانند شراکت و همکاری را تسهیل کنند. در قدرت تفویض‌شده، شهروندان می‌توانند مطمئن باشند که از اقتدار لازم در تصمیم‌گیری طرح‌ها و پروژه‌ها برخوردار هستند. در بالاترین پله قدرت شهروندی، آن‌طورکه آرنشتاین تصریح نموده، مردم به سادگی می‌توانند متقاضی درجه‌ای از قدرت (یا نظارت) باشند که مشارکت‌کنندگانی را تضمین نماید که می‌توانند برنامه یا مؤسسه‌ای را مدیریت کنند، مسئول کامل سیاست یا جنبه‌های مدیریتی هستند و یا اینکه برای مذاکره تحت شرایطی که افراد خارجی ممکن است بر آن تأثیرگذار باشند. آن‌طورکه از محتوای طیف مشارکت عمومی و نردبان مشارکتی استنباط می‌شود، مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت، مشارکت در تأمین مالی هزینه انجام طرح‌ها و مشارکت در تأمین نیروی انسانی مستلزم ایجاد بستر تشریک مساعی و شراکت می‌باشد (عبداله‌پور، ۱۳۹۸).

مشارکت اجتماعی نیازمند پذیرش، حمایت و نوآوری اجتماعی مصرف‌کنندگان (مشترکان) است که در نتیجهٔ آن افراد راه‌حل‌ها و پاسخ‌های مؤثرتری برای مسائلی چون تغییرات اقلیمی، انرژی، سلامت و فقر پیدا می‌کنند (بودیمان، ۲۰۱۸). به نظر وشتن‌هاگن[12] و همکاران (۲۰۰۷) سطوح بالای مشارکت اجتماعی نشان‌دهندهٔ پذیرش اجتماعی نوآوری در جامعه است. به‌علاوه، همکاری جامعه مدنی و بخش خصوصی با دولت می‌تواند در جلب پذیرش و مشارکت اجتماعی نقشی مؤثر ایفا کند (بودیمان، ۲۰۱۸). در واقع، مشارکت مردمی در فرایند توسعهٔ صنعت برق و انرژی که ممکن است مبتنی بر مشارکت در سیاست‌گذاری، مدیریت، تأمین مالی و تأمین نیروی بدنی و فنی کار باشد، زمانی شکل واقعی به خود می‌گیرد که قدرت لازم را به شهروندان تفویض کند و از مشارکت آنها در طی فرایند صرفاً در جهت تسهیل امور از آن استفاده نشود، بلکه بتواند رضایت و پذیرش مشارکت‌کنندگان و توانمندسازی آنها را در پی داشته باشد. بررسی و تحقیق، مشاوره، مشارکت و نقش‌آفرینی رشته‌های مختلف علوم اجتماعی لازمهٔ تسهیل و

1 *International Association for Public Participation (IAP2)*
2 *Inform*
3 *Empowerment*
4 *Consult*
5 *Involve*
6 *Collaboration*
7 *Arnstein*
8 *Ladder of Citizen Participation*
9 *partnership*
10 *delegated power*
11 *citizen control*
12 *Wüstenhagen*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

پیش‌بردِ همهٔ اقدامات فوق در تمامی مراحل آن است. طیف مشارکت عمومی و مهم‌ترین هدف هر مرحله از هدف در شکل ۱-۵ نشان داده شده است.



شکل ۱-۵: طیف مشارکت عمومی و مهم‌ترین هدف هر مرحله (مأخذ: انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی، ۲۰۱۴)

جدول ۱-۹: ابعاد و مؤلفه‌های مشارکت عمومی در حکمرانی برق و انرژی

معیار	ابعاد	مؤلفه‌ها
نوع مشارکت (علوی‌تبار، ۱۳۷۹)	مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت	تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، نظارت، اداره امور محلی
	مشارکت در تأمین مالی هزینه طرح‌ها	پرداخت عوارض، خودیاری، تأمین مالی، اوراق مشارکتی عمومی
	مشارکت در تأمین نیروی انسانی	فعالیت‌های یدی و غیریدی
نوع مشارکت (انجمن بن‌المللی مشارکت عمومی، ۲۰۱۴)	اطلاع دادن و آگاهی‌رسانی به مردم[۱]	یاری رساندن به مردم جهت فهم مسئله، جایگزین‌ها، فرصت‌ها و راه‌حل‌ها
	مشورت کردن با مردم[۲]	اخذ بازخورد مردم در رابطه با تحلیل‌ها، جایگزین‌ها و تصمیمات
	درگیر کردن مردم[۳]	درک دغدغه‌ها و آرزوهای مردم و انعکاس آنها در اتخاذ بدیل‌ها
	تشریک مساعی[۴] با مردم	شریک شدن با مردم و ایجاد و بسط بدیل‌ها و شناسائی راه‌حل‌های ارجح
	توانمندسازی[۵] مردم	تفویض اختیار به شهروندان و اجرا بر مبنای تصمیم آنها
زمینه مشارکت	زمینه فعالیت مشارکتی (علوی‌تبار، ۱۳۷۹)	فعالیت‌های عمرانی، امور محیط زیست، امور تأمین ایمنی، فعالیت‌های نظارتی، خدمات و امور رفاه اجتماعی
سازماندهی مشارکت	-	تشکل‌های خودجوش و خودانگیخته (تشکل‌های محلی، فعالیت‌های داوطلبانه خودجوش متناسب با شرایط)؛ تشکل‌های رسمی یا نسبتاً رسمی و برانگیخته (انجمن‌های مردم‌نهاد، انجمن‌های صنفی و علمی) (علوی‌تبار، ۱۳۷۹)

جمع‌بندی

در این فصل نسبت بین علوم اجتماعی و حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی موردبحث قرار گرفت. مسئلهٔ انرژی به‌عنوان موتور محرکهٔ توسعه و یکی از چالش‌های پیشِ روی توسعهٔ پایدار مطرح شد و این‌که مدیریت انرژی صرفاً امری «فنی و مهندسی» نیست و با توجه به تأثیرات پیچیده و چندبعدی بر زندگی انسان‌ها، ضرورتاً اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز هست. ازاین‌رو لازم است علوم اجتماعی در این حوزه به‌طور وسیع و مبنایی مورداستفاده قرار گیرد. درک مسائل سیستمی اقتصادی، روانشناختی و

۱ *Inform*
۲ *Consult*
۳ *Involve*
۴ *Collaboration*
۵ *Empowerment*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

فرهنگی که بازار و رفتارهای فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ شناسایی و تشریح الگوهای حکمرانی سیستم‌های انرژی پایدار؛ تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و تصمیمات نهادهای دولتی، و گاهی بر سایر جریان‌ها مانند آگاه‌کردن یا اثرگذاری بر تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های زیست‌محیطی و ...؛ عدالت انرژی، امنیت انرژی و ... همگی از موضوعات و حوزه‌هایی هستند که علوم اجتماعی باید در آن‌ها ایفای نقش کنند. هم‌چنین کارکردهای علوم تحت چهار عنوان ملاحظهٔ زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، مسئولیت اجتماعی، متقاعدسازی و پذیرش اجتماعی و مشارکت اجتماعی موردبحث قرار گرفت.

با توجه به مبحث کارکردها و نیز ادبیات مرتبط با حکمرانی از منظر اهداف، ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها، کارکردها و پیامدهای آن نیز اشاره شد که تحلیل‌های مرتبط با حکمرانی بر ظرفیت، کارکرد و یا عملکرد مؤلفه‌های نهادی، ساختاری و رویه‌ای حکمرانی متمرکز هستند و اهداف و ویژگی‌های حکمرانی خوب در قالب چهار خصیصهٔ «مؤثر»، «عادلانه»، «پاسخگو» و «مستحکم» مطرح می‌شوند. در این رابطه، با در نظر گرفتن هدف مرکزی هر یک از ابعاد حکمرانی و ویژگی‌های مرتبط با آن‌ها، نقش و کارکرد علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی را می‌توان به صورت مصداقی‌تری تبیین نمود. بر این اساس می‌توان گفت هدف مرکزی حکمرانی مؤثر برق و انرژی حفظ و بهبود توانایی و کارکرد سیستم تأمین برق و انرژی پایدار جهت دست‌یابی به اهداف سیستم و تأمین آسایش و رفاه عمومی است؛ دست‌یابی به هدف حکمرانی عادلانه نیازمند به‌کارگیری فرایندهای جامع و فراگیر و ارائهٔ نتایج منصفانه در حوزهٔ برق و انرژی است؛ حکمرانی پاسخگو اطمینان می‌دهد که با شرایط متغیر محیطی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف حوزهٔ برق و انرژی سازگار است؛ و نهایتاً، هدف حکمرانی مستحکم تضمین پایداری نهادهای کارکردی، حفظ عملکردها و مقابله با آشفتگی‌ها و بحران‌ها در حوزهٔ برق و انرژی است. ابعاد حکمرانی، ویژگی‌های هر بُعد و نقش و کارکرد پژوهش‌های علوم اجتماعی با توجه به هر ویژگی در جدول ۱-۱۰ ارائه شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۱-۱۰: نقش پژوهش‌های علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی

ابعاد حکمرانی	ویژگی‌ها	نقش پژوهش‌های علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی
حکمرانی مؤثر هدف: پشتیبانی مؤثر از حفظ تمامیت و کارایی سیستم‌ها در حوزهٔ صنعت برق و انرژی	هدایت	معرفی و تدوین اهداف اجتماعی و گنجاندن آن‌ها در سیاست‌های حوزه برق و انرژی
	هماهنگی	فراهم کردن بستر گفت‌وگو و بحث در مورد منازعات و حل تعارض بین بخش‌های درگیر و ذینفع
	ظرفیت	ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌ها در مراحل تدوین، ابلاغ و اجرا با توجه به ملاحظات اجتماعی
	مطلع (آگاه)	تدوین و طراحی سازوکارهای اطلاع‌رسانی و انتشار برنامه‌ها و تصمیمات با در نظر گرفتن ویژگی‌های جامعهٔ هدف
	مسئول	بررسی شیوه‌های پاسخگویی دولت و تعامل با بخش خصوصی و جامعه مدنی
	کارآمد	تحلیل هزینه ـ فایدهٔ اجتماعی برنامه‌ها و اقدامات با هدف افزایش منافع و کاهش آسیب‌ها و کژکارکردهای اجتماعی
حکمرانی عادلانه هدف: به‌کارگیری فرایندهای جامع و فراگیر و ارائهٔ نتایج منصفانه در حوزهٔ صنعت برق و انرژی	تصدیق	بررسی دیدگاه‌ها و ارزش‌های گروه‌های مختلف اجتماعی با تمرکز بر گروه‌های حاشیه‌ای و آسیب‌پذیر
	مشارکت	بررسی و تعیین راه‌کارهای مشارکت افراد و گروه‌های اجتماعی در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها و دیگر اقدامات توسعه‌ای (طرح‌ها و پروژه‌های حوزهٔ صنعت برق و انرژی)
	انصاف	راه‌کارهای کاهش نابرابری و ارتقای عدالت در هزینه و فواید استفاده از منابع انرژی (برق)
	عدالت	بررسی عدالت انرژی و ابعاد آن و ارائهٔ راه‌کارهای تحقق و ارتقای آن، برآورد یا پیش‌بینی خسارت‌های احتمالی اقدامات توسعه‌ای بر محیط اجتماعی و فرهنگی و راه‌کارهای جبران و تعدیل آن
حکمرانی پاسخگو هدف: فعال‌سازی سازگاری با زمینه‌های متنوع و شرایط متغیر در حوزهٔ صنعت برق و انرژی	یادگیری	کمک به ارتقای سواد انرژی و افزایش آگاهی مشترکان و ذی‌نفعان نسبت به سیاست‌ها و برنامه‌ها–تجهیز مدیران و کارشناسان فنی به دانش اجتماعی
	آینده‌نگری	آینده‌پژوهی در حوزهٔ امکانات و شرایط اجتماعی تولید، انتقال، توزیع و مصرف انرژی و شناسایی چالش‌ها و مخاطرات پیشِ رو؛ ارتقای تاب‌آوری اجتماعی؛ شناسایی پتانسیل‌های بحران در جامعه ناشی از سوء مدیریت و اتفاقات احتمالی
	سازگار	انعکاس و انتقال دیدگاه‌ها و نگرش‌های مشترکان و ذی‌نفعان به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان
	خلاق	فراهم نمودن بستر ظهور ایده‌ها و اقدامات اجتماعی جدید با توجه به تغییرات اجتماعی و نتایج سیاست‌های اجراشده
	انعطاف‌پذیر	شناسایی راه‌کارهای سازگاری سیاست‌ها و برنامه‌های حوزه برق و انرژی با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و محیطی محلی
حکمرانی مستحکم (قوی) هدف: تضمین پایداری نهادهای کارکردی، حفظ عملکردها و مقابله با آشفتگی‌ها و بحران‌ها در حوزهٔ صنعت برق و انرژی	مشروع	تعیین و تدوین سازوکارهای شفافیت و اطلاع‌رسانی برنامه‌ها و اقدامات نهادهای درگیر در حکمرانی و مدیریت برق و انرژی و به‌طورکلی تدوین سازوکارهای متقاعدسازی و پذیرش اجتماعی و جلب مشارکت عمومی
	متصل	مطالعه و بررسی سرمایهٔ اجتماعی و مؤلفه‌های آن از جمله شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی، ارائهٔ راه‌کارهایی جهت تقویت سرمایهٔ اجتماعی با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی محلی، ملی و جهانی
	تودرتو	بررسی و تقویت راه‌کارهای تفویض اختیار و مسئولیت به سطوح پایین‌تر منطقه‌ای و محلی با تأکید بر نهادهای مردمی دارای اقتدار و مشروعیت محلی
	چندمرکز	بررسی و ارائه راه‌کارهای حمایت از تمرکززدایی در تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های مرتبط با برق و انرژی با تأکید بر آمایش سرزمین

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱-۴. الزامات کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی

مقدمه

با توجه به گستردگی دامنهٔ کاربرد و نقش علوم اجتماعی، ضروری است الزامات به‌کارگیری علوم اجتماعی شناسایی شده و با رفع موانع و محدودیت‌ها و تقویت شرایط امکان و پتانسیل‌ها، بستر پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را در فرایند حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی فراهم نمود. در این فصل، نخست دلایل محدودکننده (امتناع) و تسهیل‌کننده (امکان) کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی به صورت نظری مرور می‌شود، سپس الگوها و دیدگاه‌های بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی با تأکید بر حوزهٔ صنعت برق و انرژی موردبحث قرار می‌گیرد. در واقع بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی به لحاظ نظری بیانگر تدوین چارچوبی است که نشان می‌دهد چگونه باید گفتمانی را ایجاد کرد که پذیرای علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی برق و انرژی باشد.

۱-۴-۱. عوامل امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی صنعت برق و انرژی

علیرغم خواست طولانی‌مدت برای ورود علوم اجتماعی در سیاست‌گذاری انرژی و وجود درهای باز و همراهی در مؤسساتی که باید وارد عمل شوند، هنوز تأثیر علوم اجتماعی در این حوزه بسیار محدود است (سواکول و همکاران، ۲۰۱۲). فرض اصلی این است که عدم توجه واقعی به ویژگی‌های فیزیکی این بخش در حجم وسیعی از مطالعات اجتماعی انرژی، مانع از تأثیرگذاری عمیق بر سیاست انرژی می‌شود. این امر، تصویر آینه‌ای اظهارات دانشمندان علوم اجتماعی است که مطالعات فنی راجع به انرژی توجه واقعی به ویژگی‌های اجتماعی این بخش ندارند (تاسدوون[۱] و همکاران، ۲۰۱۲). در کنار عوامل امتناع کاربست دانش، شرایط و موقعیت‌هایی وجود دارند که شناسایی، فعال‌سازی و تقویت آن‌ها می‌تواند تسهیل‌کنندهٔ کاربست دانش باشد. این عوامل را می‌توان تحت عنوان شرایط امکان علوم اجتماعی و کاربست آن بررسی کرد.

در این‌که علوم اجتماعی بینش و آگاهی بااهمیتی در رابطه با تحلیل ریسک، پذیرش اجتماعی و نگرش‌ها در این حوزه فراهم کرده‌اند، تردیدی نیست؛ اما نکته مهم اینجاست که این آورده‌ها در تأثیرگذاری روزمره بر تحلیل سیاست‌ها در سطح ملی و نیز، در گسترش افق انتخاب‌های سیاست‌گذاری و تقویت فرایندهای استاندارد موجود ناموفق بوده‌اند (کوپر، ۲۰۱۷). دلایل بی‌توجهی به یک رشتهٔ علمی (علوم اجتماعی) هم می‌تواند درون‌زا و ناشی از ماهیت آن باشد و هم برون‌زا و مرتبط با شرایط اجتماعی پیدایش و توسعهٔ یک رشتهٔ علمی. گاه ترکیبی از هر دو دسته از دلایل، شرایط را برای عدم شکل‌گیری و توسعهٔ یک رشتهٔ علمی فراهم می‌کند (قاراخانی، ۱۳۹۳).

با وجود اهمیت علوم اجتماعی در فهم و مقابله با چالش‌های مرتبط با انرژی، «دانشمندان علوم اجتماعی» در حاشیه قرار گرفته و در بیشتر موارد دانش اجتماعی نادیده گرفته شده است. یکی از نشانه‌های در حاشیه بودن علوم اجتماعی در پژوهش‌های انرژی این است که در مطالعاتی که با موضوع تکنولوژی «خانهٔ هوشمند»[۲] انجام شده است ۶۱ ٪ از مقالات مرورشده توسط دانشمندان

۱ *Tasdoven, H.*

۲ *Smart Home*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

علوم فنی و مهندسی و کمتر از ۲۰ ٪ آن‌ها توسط دانشمندان علوم اجتماعی هدایت شده‌اند و عدم تعادل بین رشته‌های علمی در این عرصه مشهود است (مالاباند و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، دانشمندان علوم اجتماعی باید ورود بیشتری به عرصهٔ پژوهش‌های انرژی داشته باشند و از موقعیت «کنارگذاری اجتماعی»[1] خارج شوند و با گردآوری داده‌های اجتماعی بیشتر، پژوهش‌های «مسئله‌محور» و وارد کردن دیدگاه‌های مختلف در این حوزه نقش بیشتری ایفا کنند.

طی یک دههٔ گذشته در دیدگاه‌های علوم اجتماعی و رویکردهای پژوهشی آن‌ها به مسائل انرژی به‌طور فزاینده‌ای توجه شده است. مجلات جدید، همایش‌های جدید، شبکه‌های پژوهشی جدید و افزایش فرصت‌های تأمین بودجه همگی نشانهٔ پیشرفت و تنوع اجتماعات دانشگاهی است (اینگبورگرود[2]، ۲۰۲۰). با توجه به این‌که مسائل مرتبط با برق و انرژی اغلب دارای ابعاد فنی، مدیریتی، اجتماعی یا رفتاری هستند توجه به حکمرانی برق و انرژی به‌عنوان ابزاری بالادستی برای نشان دادن و هدف‌گیری این پیچیدگی در حال افزایش است. در واقع، نیاز به ارتقای حکمرانی برق و انرژی به افزایش انجام پژوهش در همهٔ سطوح محلی تا جهانی و تمرکز بر موضوعاتی از قبیل (کمبود منابع انرژی، تضاد منافع، عدالت انرژی، تخصیص و دست‌یابی انرژی، مصرف و ...) منجر شده است.

علوم اجتماعی و سیاست‌گذاری عمومی همیشه رابطهٔ نزدیک و صمیمانه‌ای نداشته‌اند؛ درواقع، طی دو قرن اخیر سابقهٔ بی‌اعتمادی دوطرفه‌ای بین این بخش‌ها وجود داشته است. اگرچه، در ابتدا به دلیل ارتباط با رشد اقتصادی و دفاع ملی، و بعدها برای نشان دادن اشتیاق شهروندان به پیشرفت اجتماعی، در ارزیابی دولت مدرن دانش علمی و فنی جایگاه ممتازی پیدا کرد؛ علوم اجتماعی به‌خاطر مشارکت در فهم و تأثیرگذاری بر توسعه و بهزیستی اجتماعی ارزشمند شده‌اند. سیاست‌گذاران مردم‌سالار به‌طور فزاینده‌ای مشتاق هستند که برنامه‌های اصلاح اجتماعی خود را با دانش «مرتبط» و «قابل‌استفاده»‌ای که توسط دانشمندان علوم اجتماعی ارائه شده است، استحکام بخشند (پرومبرگر و همکاران، ۲۰۱۴)؛ اما هنوز هم علوم اجتماعی، جایگاه مشخص و تأثیرگذاری که باید داشته باشد را در بسیاری از حوزه‌ها، از جمله صنعت برق و انرژی، پیدا نکرده است.

در واقع، دانشمندان علوم اجتماعی سالیان متمادی خواهان درگیرشدن در سیاست انرژی بوده‌اند (سُواکول[3] و همکاران، ۲۰۱۵؛ ماکسوِل[4]، ۲۰۱۴؛ شاو[5] و همکاران، ۱۹۹۸؛ لاتزنهایزر[6]، ۱۹۹۳؛ اِستِرن و همکاران، ۱۹۸۵؛ و ...)، اما پژوهش‌های علوم اجتماعی مرتبط با انرژی بسیار کمتر از پتانسیل و توانایی خود، روی سیاست‌گذاری انرژی تأثیرگذار بوده‌اند (کوپر، ۲۰۱۷). در رابطه با هدف این حوزه، کوپر روی یک هدف پژوهش تأکید می‌کند: «تأثیر سیاسی»؛ که به نظر می‌رسد منظور وی اثرگذاری روی تصمیمات حکومت‌ها و روی تحلیل‌هایی است که آن‌ها برای توجیه این تصمیمات به‌کار می‌گیرند این تأکید ارزشمند است، اما باید بدانیم تأثیر سیاسی تنها شکل اثرگذاری نیست. تشخیص این نکته ضرورت دارد که هرگونه تلاش در این حوزه ذاتاً بین‌رشته‌ای است ـ هم در بین رشته‌های علوم اجتماعی و هم بین علوم اجتماعی و فیزیکی (و در برخی موارد، مهندسی، ارتباطات و سایر زمینه‌های علمی) (سترن[7]، ۲۰۱۷).

در پاسخ به این سؤال که «چرا بیشتر شاخه‌های علوم اجتماعی در مطالعات انرژی و مسائل مرتبط با آن نادیده گرفته شده‌اند؟» (گولدبلت و همکاران، ۲۰۱۲) عوامل متعددی برشمرده شده‌اند. در اینجا، به پیروی از بِنِت و همکاران (۲۰۱۶) عوامل امتناع و امکان تبدیل شدن علوم اجتماعی به جریان اصلی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی را در چهار دسته طبقه‌بندی

1 *Social Outcast*
۲ *Ingeborgrud, L.*
3 *Sovacool*
4 *Maxwell*
5 *Shove*
6 *Lutzenhiser*
۷ *Stern, P. C.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

می‌کنیم: عوامل ایدئولوژیک، عوامل نهادی، عوامل معرفتی و عوامل ظرفیتی (بنت و همکاران، ۲۰۱۶). جریان‌سازی موفقیت‌آمیز و کاربست دانش در یک حوزه، نیازمند پرداختن مستقیم و همزمان به همهٔ این عوامل است.

۱-۴-۱-۱. عوامل ایدئولوژیک

منظور از عوامل ایدئولوژیک جهان‌بینی، معرفت‌شناسی و شیوهٔ نگریستن به مسائل و پدیده‌ها در یک حوزهٔ علمی است. غالباً علوم اجتماعی و علوم طبیعی (فیزیکی) دربارهٔ این‌که دنیا چگونه عمل می‌کند و دانشمندان به چه شکلی با آن روبه‌رو شوند به‌گونه‌ای متفاوت می‌اندیشند. این مانع ایدئولوژیکی شامل فلسفه‌ها، جهان‌بینی‌ها و معرفت‌شناسی‌های متفاوتی می‌شود (بنت و همکاران، ۲۰۱۶). هم‌چنین، در رابطه با پژوهش‌های انرژی، این واقعیت که دو گروه پژوهشگر انرژی وجود دارند ـ آن‌ها که عمدتاً مطالعات فنی انجام می‌دهند و آن‌ها که اساساً به مطالعات اجتماعی می‌پردازند ـ ما را در وضعیت کنونی قرار داده که پژوهش‌های فنی بر شواهد و مدارک سیاست انرژی سلطه دارند و مشارکت علوم اجتماعی رها شده و یا مورد چشم‌پوشی قرار گرفته است. بنابراین به مطالعاتی نیاز است که هر دو رویکرد فنی و اجتماعی را مدنظر قرار دهد، اما پژوهش‌های بسیار کمی وجود دارند که به‌طور معناداری بتوانند پیوستگی «اجتماعی ـ فنی» را تبیین کنند (کوپر، ۲۰۱۷).

اساساً پژوهش‌هایی که بتوانند فیزیکِ سیستم انرژی را در بطن طرح‌هایشان در نظر بگیرند، کم هستند. این امر جایگاه اساسی برای درک انرژی را برای محققان فنی باقی می‌گذارد که درنهایت بر گفتمان سیاست انرژی تسلط دارند. درحالی‌که محققان در تلاش هستند تا تعداد بیشتری واحد علوم فیزیکی را در مطالعات اجتماعی انرژی بگنجانند، برای اطمینان از ویژگی‌های اجتماعی فیزیکی، مقدمات بیشتری لازم است. تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که دانشمندان علوم اجتماعی نه تنها نیاز به همکاری با دانشمندان فیزیکی دارند، بلکه لازم است مطالعات بیشتری انجام شود که می‌توانند واحدهای فیزیکی انرژی را به گونه‌ای بازسازی کنند که به صورت اجتماعی بازگردد. دغدغه‌های انجام این کار، با این استدلال ارائه می‌شود که علوم اجتماعی می‌تواند تأثیر بسیار بیشتری در سیاست‌گذاری انرژی و بهبود جامعه بگذارد (کوپر، ۲۰۱۷).

پژوهش‌هایی نیز وجود دارند که از روش‌های علوم اجتماعی در کنار یا به‌عنوان بخشی از مطالعات فنی انرژی استفاده می‌کنند و کوپر آن را پژوهش‌های «اجتماعی و فنی» می‌نامد و در مقابل پژوهش «اجتماعی ـ فنی» قرار می‌گیرند. پژوهش‌های «اجتماعی و فنی» معمولاً در ترکیب رویکردهای علوم اجتماعی و فنی به‌گونه‌ای مناسب و معتبر که از سلطهٔ دومی بر اولی و یا وابستگی اولی به دومی جلوگیری کند، ناموفق بوده‌اند. اگر سیاست‌گذاری انرژی برای مردم و جامعه کار می‌کند، پژوهشی که آن را نشان می‌دهد باید با فهمیدن نقشی که انرژی در جامعه و زندگی مردم ایفا می‌کند شروع شود. در نتیجه، مجلات تحت هدایت علوم اجتماعی مانند پژوهش انرژی و علوم اجتماعی جایگاه خوبی برای ارتقای «پارادایم پژوهش اجتماعی ـ فنی ـ محور» به همراه سایر مجلات فنی ـ محور قرار دارند (همان).

در مقابل مانع ایدئولوژیکی فوق، دلایلی وجود دارند که امکان کاربست علوم اجتماعی در پژوهش، سیاست‌گذاری و اقدام در حوزهٔ صنعت برق و انرژی را ضروری می‌نمایند. از یک‌سو، علوم اجتماعی بر گونه‌های متنوعی از پدیده‌های اجتماعی (بازارها، حکمرانی، سیاست، فرهنگ، جمعیت، ایده‌ها، روایت‌ها، توسعه، اقتصاد اجتماعی، بهزیستی و ...)، فرایندهای اجتماعی (سازمان‌های اجتماعی، سیاست‌گذاری، آموزش، بازاریابی، توسعه محلی، و ...) یا ویژگی‌های فردی (ارزش‌ها، باورها، دانش، انگیزه‌ها، ترجیحات، ادراکات و رفتارها) تمرکز می‌کنند و از سوی دیگر، سیاست‌ها، اقدامات و خدمات صنعت برق و انرژی پدیده‌های اجتماعی به‌شمار می‌آیند که طی فرایندهای اجتماعی متعدد با توجه به ویژگی‌های فردی و جمعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارند؛ ازاین‌رو وظیفهٔ ذاتی علوم اجتماعی ایجاب می‌کند که در عرصهٔ صنعت برق و انرژی ورود پیدا کند.

۱-۴-۱-۲. عوامل معرفتی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

همهٔ رشته‌های علمی از مفروضات، نظریه‌ها و روش‌ها متأثر هستند و موانع ناشی از دانش شامل آموزش، تجربه و دانش نظریه‌ها و روش‌ها است. دانشمندان علوم اجتماعی برای درک مباحث موردمطالعه، با زبان ویژهٔ علمی خود و نظریه‌های متفاوتی مشغول هستند، که برای افراد غیرمتخصص می‌تواند غیرقابل فهم باشد، همان‌گونه که زبان علوم طبیعی و فیزیکی می‌تواند برای افراد ناآشنا به آن غیر قابل‌درک باشد. استفاده از علوم اجتماعی نیاز به آموزش نظریه‌ها و روش‌های علوم اجتماعی و تجربه در استفاده از روش و تجزیه و تحلیل نتایج یا به همان اندازه مهم آموزش رویکردهای تلفیقی دارد که می‌تواند بستری را برای دانشمندان طبیعی و اجتماعی فراهم کند تا بدون چشم‌پوشی از تخصص علمی در رشتهٔ خود در آن مشارکت کنند (هد، ۲۰۱۰ و نیومان و همکاران، ۲۰۱۶). ارزش طیف روش‌های علوم اجتماعی (به‌عنوان مثال، کیفی، کمی، مکانی، برنامه‌ریزی، ارزیابی، تاریخی، فراتحلیل، روش‌های مبتنی بر هنر و مشارکتی) و روش‌های تحلیلی مرتبط ممکن است بلافاصله برای دانشمندان علوم طبیعی (فیزیکی)، متخصصان یا سیاست‌گذاران قابل‌درک نباشد.

از نظر سُواکول و همکاران (۲۰۱۵) یکی از نقاط ضعف پژوهش‌های مرتبط با انرژی این است که ابعاد اجتماعی انرژی آزموده نشده‌اند. مؤلفه‌های انسانی سیستم‌های انرژی و پیامدهای آن‌ها به‌طور گسترده‌ای نادیده گرفته شده‌اند. یعنی بیشتر به سخت‌افزارهای سیستم توجه شده است تا مؤلفه‌های نرم‌افزاری پشت این عوامل. پدیده‌های اجتماعی که می‌توانند موردبحث و تحقیق قرار گیرند شامل تقاضا برای خدمات انرژی و دسترسی و استفاده از تکنولوژی، تصورات و قضاوت‌ها نسبت به مخاطرات انرژی، نگرش‌های انرژی، مذاکره و ارتباط دربارهٔ انتخاب‌های انرژی، فرایندهای سیاست‌گذاری انرژی در افراد، سازمان‌ها و جوامع؛ و اخلاق انرژی می‌شود.

برخی از موانع معرفتی کاربست دانش علوم اجتماعی در خود این علوم نهفته است و دانشمندان علوم اجتماعی بابت ناتوانی در کاربرد گسترده‌تر این علوم باید خود را سرزنش کنند: بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی که در مؤسسات دانشگاهی استخدام می‌شوند فعالیت‌های غیردانشگاهی خود را به انجام پژوهش برای همان دانشگاه اختصاص می‌دهند. پژوهش‌هایی که با هدف ساخت و تقویت ساختارهای نظری پایهٔ این علوم انجام می‌گیرد و دانشمندانی که روی مسائل کاربردی پژوهش می‌کنند اغلب در جایگاه پایین‌تری نسبت به دستهٔ اول قرار می‌گیرند و به چشم دانشمندان درجه دوم نگریسته می‌شوند.

پژوهش‌های تجربی به جای حل مسائل، اغلب به دنبال اکتشاف هستند یا با هدف آزمودن گزاره‌های نظری انجام می‌شوند. حتی زمانی‌که علوم اجتماعی با هدف کاربرد مستقیم انجام می‌شوند، اغلب قطعه‌هایی از دانش را به‌دست می‌دهند که لازم است با سایر قطعه‌ها پیوند داده شود تا بتواند برنامه‌ای برای اقدام ارائه دهند. افزون بر این، وقتی از دانشمندان علوم اجتماعی خواسته می‌شود به‌عنوان مشاور در موقعیت‌های عملی وارد شوند، بسیاری از آن‌ها در ارائه مشورت ناموفق عمل می‌کنند. دو علت عمده برای این وضعیت وجود دارد: اول، برخی از دانشمندان علوم اجتماعی به شیوه‌ای صحبت می‌کنند که برای افراد ناآشنا به این علوم قابل‌فهم نیست؛ ازاین‌رو، دانشمندان علوم اجتماعی باید تلاش کنند یافته‌های‌شان را با زبانی ساده و قابل‌فهم برای دیگران بیان کنند؛ البته بخشی از مشکل هم به مخاطبان برمی‌گردد که تمایلی به یادگیری مفاهیم و زبان فنی این مشاوران ندارند. دوم، برخی از دانشمندان علوم اجتماعی در برآوردن تقاضاهایی که از آنها می‌شود در می‌مانند. آن‌ها وقتی که با مسئلهٔ خاصی روبه‌رو می‌شوند که پاسخ مفهومی آماده‌ای برای آن وجود ندارد، برای یافتن پژوهش‌ها و حقایق بیشتر بارها به کتابخانه‌ها مراجعت می‌کنند، درحالی‌که مشتری معمولاً به‌دنبال پاسخ‌های کمتر قانع‌کنندهٔ علمی است و از مشاور می‌خواهد جهت حل مشکل فهم و هوش خود را بر اساس اطلاعات در دسترس به‌کار گیرد (بنیاد ملی علوم امریکا[۱]، ۱۹۶۹).

علاوه بر موارد فوق، فشار فزاینده‌ای روی پژوهشگران وجود دارد که تضمین کنند اثر کاربردی آن‌ها با چشم‌اندازهای سایر بخش‌ها سازگارتر و پاسخگوتر است. پژوهش‌های اجتماعی وقتی که دیدگاه‌های کارشناسان و سیاست‌گذاران را در نظر می‌گیرند از استاندارد بالاتری برخوردار هستند. مثلاً اگر پروژه‌های پژوهش اجتماعی دیدگاه‌های کارشناسان و ارائه‌دهندگان خدمات را نادیده بگیرد،

۱ *National Science Fundaiton*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تحلیل‌های آن‌ها احتمالاً کارآمد نخواهد بود؛ زیرا بعید است نسبت به عوامل موفقیت که اثرگذاری مداخلات را تضمین می‌کنند هوشیار باشند. هنوز هم، ساختارهای تشویق و پاداش برای پژوهش‌ها، اولویت را به انتشارات بااعتبار و موفق در کمک‌هزینه‌های رقابتی می‌دهند. این معیارهای موفقیت مانع از اولویت بخشی به موضوعات اجتماعی می‌شود؛ درحالی‌که در علوم پزشکی و فنی که بینش جدید می‌تواند به دستاوردهای مالی بینجامد، استثناء جزئی وجود دارد (هد، ۲۰۱۰).

علاوه بر موارد فوق، مجموعه‌ای از ضعف‌ها در خلاقیت، طرح تحقیق، و کیفیت نگارش گزارش تحقیقات مانع از قدرت‌گرفتن علوم اجتماعی انرژی هستند. بسیاری از مطالعات سؤالات خسته‌کننده و غیرجالب می‌پرسند، همکاری حاشیه‌ای و اندک دارند و در ابتکار روش‌شناختی و کاربست نظریه‌ها نقص دارند. از نظر سُواکول و همکاران (۲۰۱۸) پرسیدن سؤالات پژوهشی وابسته به عوامل اجتماعی (و فشرده و مؤثر)؛ درگیری و مشغولیت با چارچوب‌های نظری و مفهومی؛ توضیح اهداف تحقیق؛ و تفسیر طرح تحقیق می‌توانند به رفع این نواقص و ضعف‌ها کمک کنند.

با وجود موانع معرفتی فوق، تلاش اندیشمندان علوم اجتماعی در رفع یا کاهش این موانع با امکانات معرفتی متعددی همراه است که چشم‌انداز روشنی برای کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی نشان می‌دهد. با توجه به گستردگی دامنهٔ موضوعات و مفاهیم علوم اجتماعی و پیچیده و چندبعدی بودن انرژی و حکمرانی و مدیریت آن تلاش‌های زیادی در جهت کاربست و جاانداختن علوم اجتماعی در مطالعات و سیاست‌گذاری انرژی انجام شده است و تجارب نظری و پژوهشی ارزشمندی در این حوزه وجود دارد. امروزه، شناخت گسترده‌ای از نیاز به فهم ابعاد اجتماعی برق و انرژی و حمایت از ورود علوم اجتماعی به این عرصه وجود دارد. هم‌چنین نیاز به افزایش آگاهانه و دقیق دانش تنوع علوم اجتماعی و ایجاد ظرفیت علوم اجتماعی در حوزه‌های علمی، عملی و سیاست‌گذاری برق و انرژی وجود دارد (بنت و همکاران، ۲۰۱۶).

از سوی دیگر، حوزهٔ مطالعات انرژی این پتانسیل را دارد که به لحاظ روش‌شناختی (کاربست مصاحبه‌های پژوهشی بیشتر، پژوهش میدانی، گروه کانونی و سایر روش‌های جمع‌آوری داده‌های انسان محور) و موضوعی (پوشش دادن کشورهای در حال توسعه و مباحث فقر انرژی، روان‌شناسی و رفتار مصرف‌کننده، انسان‌شناسی و مفهوم اجتماعی استفاده از انرژی، برساخت اجتماعی نظام‌های فناورانه، اشکال و شیوه‌های ارتباطات که پذیرش اطلاعات انرژی را ارتقا می‌دهند، و غیره) گسترش یابد (سواکول، ۲۰۱۴). وجود رشتهٔ جامعه‌شناسی انرژی در کشورهای دیگر و امکان گنجاندن واحدهای درسی انرژی در برنامهٔ درسی رشته‌های علوم اجتماعی از دیگر شرایط امکان کاربست علوم اجتماعی در حوزه‌های مختلف انرژی و صنعت برق است.

۱-۴-۱-۳. عوامل نهادی

نهادهای مرتبط با برق و انرژی اغلب متناسب با علوم فیزیکی و مهندسی شکل گرفته‌اند، نه متناسب با علوم اجتماعی. این مانع نهادی فرهنگ‌ها، منافع و تاریخ سازمانی و همین‌طور ساختارهای سیاست‌گذاری مانند حقوق و قانون‌گذاری را دربر می‌گیرد (بنت و همکاران، ۲۰۱۶). فرهنگ سازمانی نهادهای مرتبط با برق و انرژی ایجاب می‌کند که در درجهٔ اول علوم فیزیکی به‌کار گرفته شود، فهمیده شود یا به آن بها داده شود. به لحاظ تاریخی نیز، بسیاری از سازمان‌های مرتبط با انرژی منحصراً و در درجه اول بر علوم فیزیکی تمرکز دارند و اغلب در مقابل تغییر این رویکرد به سمت چشم‌اندازهای علوم اجتماعی، مقاومت وجود دارد. برخی افراد یا گروه‌ها نیز ممکن است از جانب بینش ایجادشده توسط علوم اجتماعی احساس تهدید کنند، به‌ویژه زمانی که بینش ایجادشده اقدامات و روایت‌های غیرقابل تغییر آن‌ها را به چالش بکشد. علاوه بر سازمان‌های منفرد و جداگانه، نهادهای ساختاری مانند قانون، که چگونگی حکمرانی انرژی و برق را شکل می‌دهند مانع ورود و اقدام علوم اجتماعی هستند.

یکی از دلایل این وضعیت، ساختارهای تأمین بودجهٔ پژوهش‌ها است که در بیشتر کشورها تضمین می‌کند که برنامه‌های پژوهش انرژی با رویکرد فنی ـ اقتصادی ایجاد می‌شود که تمایل دارند دامنهٔ وسیعی از علوم اجتماعی را طرد کنند (فریمن، ۲۰۰۰ و دوناهو، ۲۰۰۴). حتی در کشورهای ثروتمند منابع در دسترس محدود است و رقابت بر سر دست‌یابی به منابع مالی در سطح ملی، محلی و

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

بین شخصی وجود دارد. در این بین، بخش زیادی از دانش علوم اجتماعی با توصیه به ایجاد تغییرات موردنیاز در جامعه، باید با سایر مطالبات برای دارایی‌های ملی از قبیل جنگ، حمل و نقل سریع‌تر، امنیت و ... در یک جامعهٔ ناهمگن رقابت کند (بنیاد ملی علوم آمریکا، ۱۹۶۹). به‌عنوان نمونه، در ایالات متحده به ازای هر یک دلار هزینه در عرصهٔ پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری، ۳۵ دلار در حوزهٔ عرضه انرژی و ساختارهای کلان هزینه می‌شود. علوم اجتماعی، رفتاری و هنر در پژوهش‌های انرژی در حاشیه قرار گرفته‌اند و بیشتر مؤسسات آماری داده‌های کیفی راجع به تأمین و مصرف انرژی گردآوری نمی‌کنند (سواکول، ۲۰۱۴). دانشمندان علوم اجتماعی نیز به سهم خویش، در واکنش به فرصت‌های همکاری و مشارکت در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای انرژی سریع و پیگیر نبوده‌اند. دلیل دیگر آن، منازعه با پارادایم غالب فنی ـ اقتصادی است که رویکرد اجتماعی با آن‌ها تفاوت زیادی دارد. عدم مطلوبیت سیاسی علوم اجتماعی که در برخی موارد با ساختارهای قدرت موجود تطابق ندارد، نیز از دلایل نادیده گرفتن و بهاندادن به این علوم است.

الگوی منفی دیگر، تبعیض بین‌رشته‌ای[1] است که در بیشتر موارد علوم اجتماعی همانند یک رشتهٔ درجه دوم و پایین‌دستی در نظر گرفته می‌شود. مرور نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد علوم فیزیکی، مهندسی، اقتصاد (یک نمونهٔ خاص که واسطهٔ بین علوم اجتماعی و علوم فنی است)، و آمار در حدود ۶۷ ٪ از مقالات به‌کار گرفته شده‌اند؛ در سمت مقابل، رشته‌های نظری علوم اجتماعی، هنر و علوم انسانی در کل، در کمتر از ۱۰ ٪ موارد کاربرد داشته‌اند و بیشتر ارجاعات آن‌ها و زمینه‌های علمی‌شان در حقوق، تجارت و سیاست‌گذاری عمومی بوده است. جامعه‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، روان‌شناسی، ارتباطات و فلسفه با هم در کمتر از ۰/۷٪ پژوهش‌ها به‌کار برده شده‌اند. ارجاع به مجلات علوم اجتماعی و انسانی غیراقتصادی که حاوی مقالاتی راجع به موضوعات رفتار مصرف‌کننده و اِعمال اجتماعی سیاست‌ها کمتر از ۴/۳ ٪ از ۹۰،۰۰۰ ارجاع موجود در مقالات مرور شده بوده است (سواکول و همکاران، ۲۰۱۵). هم‌چنین، بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران بر یکی از جنبه‌های مسئلهٔ انرژی تأکید می‌ورزند. یکی از مهم‌ترین موانع، مشکل‌بودن پیونددادن رشته‌های علوم اجتماعی و علوم فنی و مهندسی در ارائهٔ نتایج و کاربست یافته‌ها (مالاباند و همکاران، ۲۰۱۷) و ادعای بی‌ربط بودن و بلااستفاده بودن علوم اجتماعی در حوزهٔ انرژی است که برآمده از رویکرد مسلط فناورانه به موضوعات انرژی است (سواکول، ۲۰۱۴).

در مقابل عوامل امتناع فوق، تجربیاتی چون وجود گروه‌های تخصصی علوم اجتماعی در وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی یا پژوهشگاه‌های مرتبط با محیط زیست، انرژی یا نیرو و ... در بسیاری از کشورهای توسعه یافته از جمله بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایالات متحده و ژاپن به تسهیل کاربست علوم اجتماعی در عرصهٔ صنعت برق و انرژی کمک نموده است. هم‌چنین تجربهٔ عملی کاربست علوم اجتماعی در زمینه‌های تخصصی و بین‌رشته‌ای مانند بهداشت (سلامت) و مدیریت شهری نشان‌دهندهٔ اهمیت و تأثیرگذاری این علوم در دست‌یابی به اهداف انسانی و اجتماعی آن‌ها است.

یکی دیگر از عوامل نهادی که می‌تواند امکان کاربست علوم اجتماعی و گفتمان‌سازی آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی را تسهیل کند، تأسیس مجلات علمی بین‌رشته‌ای و انتشار نتایج پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای با تمرکز بر ابعاد اجتماعی انرژی است. انتشار مجلاتی چون «پژوهش انرژی و علوم اجتماعی»[2] و «سیاست‌گذاری انرژی»[3]، که به بررسی و پژوهش روی جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، برنامه‌ریزی، زیست‌محیطی و اجتماعی انرژی می‌پردازند، تجربیات موفق و تأثیرگذاری هستند که می‌توانند به رفع موانع و عوامل محدودکنندهٔ کاربست علوم اجتماعی کمک کنند.

۱-۴-۱-۴. عوامل ظرفیتی

1 *disciplinary chauvinism*
2 *Energy Research & Social Science (ERSS)*
۳ *Energy Policy*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

عوامل ظرفیتی برای ادغام عمیق‌تر علوم اجتماعی در سایر حوزه‌ها (از جمله برق و انرژی) می‌تواند شامل سرمایه انسانی، مهارت‌ها و منابع باشد (بنت و همکاران، ۲۰۱۶). ظرفیت محدود علوم اجتماعی در سازمان‌های مرتبط با مدیریت انرژی به این معناست که متخصصان و دست‌اندرکارانی که به دنبال تأمین بودجه علوم اجتماعی هستند نمی‌دانند از کجا یا چگونه می‌توانند مشغولیت و درگیرشدن با علوم اجتماعی را آغاز کنند. بدون درک صحیح از وسعت علوم اجتماعی و انواع سؤالاتی که در هر زمینه از علوم اجتماعی مطرح می‌شود و روش‌های مورداستفاده متخصصین این رشته، سازمان‌های برق و انرژی و سرمایه‌گذاران نمی‌توانند مشارکت و توانایی بالقوه هر زمینه از علوم اجتماعی در بهبود عملکرد و نتایج را برآورد کنند. این امر هم‌چنین به معنای مهارت‌های لازم برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی علوم اجتماعی و یا برقراری ارتباطات لازم با متخصصین علوم اجتماعی در سازمان‌های دیگر باشد که غالباً در سازمان‌ها وجود ندارد. سرانجام، منابع مالی تقریباً همیشه محدود است و هنگامی که علم در اولویت قرار می‌گیرد، اغلب برای تحقیقات علوم طبیعی و فیزیکی اختصاص می‌یابد.

تقریباً نهاد یا مؤسسه‌ای وجود ندارد که بخواهد دانش جدید را دست بگیرد و یا بر اساس آن عمل کند. در چنین موقعیتی، دانش و حقایق ارائه‌شده توسط دانشمندان علوم اجتماعی جایی در بین کسانی که به نیازهای آن‌ها مربوط است پیدا نمی‌کند. شاید این دانش معنادار به نظر نمی‌رسد و یا سازوکارهای مؤثری جهت برگرداندن و تفسیر نیازهای عمومی جهت اقدام وجود ندارد (اینگربورگرود و همکاران، ۲۰۲۰).

در بسیاری از کشورها، خدمات عمومی (بخش دولتی) آمادگی درگیرشدن با اشکال متنوع شواهد، از جمله شواهد پژوهشی دانشگاهی را ندارند. یکی از دلایل بالقوهٔ این امر این است که افراد و سازمان‌های درون بخش دولتی ظرفیت کافی برای دسترسی، تفسیر و کاربرد اشکال مختلف دانش پژوهش‌محور را ندارند. این ویژگی تحت عنوان «ظرفیت سیاست‌گذاری» مطرح شده و اگرچه هنوز تعریف جامع و روشنی از آن ارائه نشده است، اما به شیوه‌های مختلفی مفهوم‌سازی شده است. از یک‌سو، برخی از نویسندگان این اصطلاح را برای اشاره به استقلال و توانایی دولت‌ها برای طراحی اهداف سیاسی مطلوب خویش و سپس اجرای یک‌سری اقدامات جهت نیل به آن اهداف به‌کار می‌برند. در این معنا، ظرفیت سیاست‌گذاری راهی برای سنجش میزان آزادی دولت در کنترل قانون‌گذاری و اجرای سیاست عمومی، از قبیل تنظیم دستورجلسات سیاسی، انتخاب بین گزینه‌های ابزاری مختلف و حصول نتایج سیاسی مطلوب است. در متون دیگر، این مفهوم تحت عنوان «ظرفیت دولت» یا «ظرفیت حکمرانی» نیز نامیده شده است. در سوی دیگر، شمار قابل‌ملاحظه‌ای از اندیشمندان اساساً ظرفیت سیاست‌گذاری را در ارتباط با توانایی‌های فنی دولت در مراحل قاعده‌سازی در چرخهٔ سیاست‌گذاری می‌بینند. در این معنا، ظرفیت سیاست‌گذاری، توانایی دولت جهت دست‌یابی، پردازش و انتقال داده‌ها با هدف سیاست‌گذاری را می‌سنجد (نیومان و همکاران، ۲۰۱۶).

یک سؤال کلیدی و ساده در این رابطه این است که «آیا سیاست‌گذاران به پژوهش‌های اجتماعی علاقه‌مند هستند؟» (هد و همکاران، ۲۰۱۴). سیاست‌گذاران، متخصصان و حتی دانش‌پژوهان می‌انگارند که کاربران به‌ندرت دانش علوم اجتماعی را به‌کار می‌گیرند (بودیمان، ۲۰۱۸؛ نیومان و همکاران، ۲۰۱۶ و هد، ۲۰۱۵). این تصور ناامیدکننده با دو عامل قابل‌توضیح است: اول، اگرچه مشارکت نظری و تجربی جهت کاربست دانش با هم جمع شده‌اند، اما گمان می‌رود که در مقایسه با تحلیل‌های تجربی، تأکید بیشتری روی مطالعات بازتابی و نظری بوده است؛ هرچند نمونه‌های بسیار خوبی در مطالعات تجربی نیز وجود دارد. اما به دلیل پراکنده بودن این مطالعات در مجلات رشته‌های مختلف علمی امکان همگرایی و سنجش میزان به‌کارگیری آن‌ها ضعیف است. دلیل دوم عدم موفقیت در انتقال دانش به مسئلهٔ «اجتماع دوگانه» نسبت داده شده است که تفاوت‌های فرهنگی بین پژوهشگران و کاربران (سیاست‌گذاران) را به‌عنوان یک مانع در جهت کاربست دانش نشان داده است (کاپلان، ۱۹۷۹). در انتقاد به نظریهٔ «اجتماع دوگانه» اندیشمند دیگری (وینگِن[1]، ۱۹۹۰) مفهوم‌سازی مجدد این موانع را پیشنهاد داده است که به «تمایزات کارکردی

1 *Wingen*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

نظام‌های اجتماعی» پژوهشگران و کاربران و شیوه‌هایی که چنین نظام‌هایی «شرایط و محدودیت‌هایی فراتر از پذیرش، تحقق و مذاکرات فردی بر پژوهشگران و کاربران اِعمال می‌کنند» توجه می‌کنند (ژاکوبسون و همکاران، ۲۰۰۴).

تأثیر حداقلی شواهد پژوهشی بر سیاست‌گذاری به سه عامل نسبت داده شده است: دستکاری سیاسی شواهد، از قبیل تمایل به استفاده از بخش‌هایی از نتایج پژوهش که از سیاست‌های انتخابی قبلی پشتیبانی می‌کنند؛ مشکل بودن پذیرش نتایج پژوهشی وقتی که این نتایج مورد چندین تفسیر رقیب قرار می‌گیرند؛ و تفاوت‌های فرهنگی ذاتی که ممکن است بین تولیدکنندگان پژوهش (مانند دانشگاهیان) و مشتریان پژوهش (مسئولان بخش خدمات عمومی) وجود داشته باشد و می‌تواند ارتباط شواهد پژوهشی را محدود کند (نیومان و همکاران، ۲۰۱۶).

به نظر می‌رسد ظرفیت ایجاد رابطهٔ نزدیک بین اطلاعات خوب و «سیاست‌گذاری خوب» با دو سازوکار مهم «سیاسی» و «سازمانی» تضعیف شده است. اول، فرایند سیاست‌گذاری به‌طور اجتناب‌ناپذیری به ارزش‌ها، ترغیب و مذاکرهٔ سیاسی متکی است و در چنین فضای سیاسی‌شده‌ای برخی از انواع شواهد برای تقویت زیربنای موقعیت‌های سیاسی مناسب‌تر دانسته می‌شوند. دوم، در بسیاری از سازمان‌های مختلف دولتی، نیازهای اطلاعاتی و روش‌های مقامات ارشد به‌طور چشمگیری متفاوت است. با وجود این‌که دسترسی به اطلاعات صحیح در همهٔ ادارات بسیار مهم است، برخی شیوه‌های مدیریتی و قواعد کاری خاص که انتخاب و کاربست اطلاعات را مدیریت می‌کنند جهت راه‌های شناسایی و کاربست شواهد ضروری هستند. بنابراین، الگوهای کاربست شواهد و مدیریت اطلاعات در حوزه‌های سیاسی گوناگون (سیاست اجتماعی، توسعه اقتصادی، مقررات زیست‌محیطی) و انواع سازمان‌های مرتبط با خدمات بخش عمومی بسیار متفاوت است (هد، ۲۰۱۵).

یکی دیگر از موانع ظرفیتی این است که مردم و مؤسسات ممکن است اطلاعات و دانش اجتماعی را به دلیل تهدید کردن نظراتشان نپذیرند. الزام اجرای یافته‌های علوم اجتماعی باید در عرصهٔ سیاسی تکمیل شود. بنابراین، بخشی از دانش علوم اجتماعی که قدرت سیاسی فرد یا گروه ذینفع را تهدید کند یا کاهش دهد نادیده گرفته می‌شود و توصیه‌های آن در عمل اجرا نخواهد شد. بنابراین، استفاده از دانش اجتماعی به پیامدهای آن در رقابت سیاسی بین ذی‌نفعان علیرغم موافقت یا عدم موافقت آنان با کل یا بخشی از آن بستگی دارد (بنیاد ملی علوم آمریکا، ۱۹۶۹).

یافته‌های یک پیمایش در سال ۱۹۸۸ در ادارات دولتی ایالات متحده در حوزه‌هایی مانند توسعه اقتصادی، رفاه و آموزش نشان می‌دهد که مسئولان این ادارات به نسبت بسیار کمی از نتایج تحلیل سیاست‌ها توسط سازمان‌های پژوهشی و دانشگاه‌ها استفاده می‌کنند. در عوض، آن‌ها اطلاعات خود را عمدتاً از منابع دیگر از قبیل توصیه‌های همکاران خود در ادارات دولتی محلی، همتایان خود در ادارات دولتی ایالتی، گروه‌های ذینفع، قانون‌گذاران، روزنامه‌ها و نزدیکان خویش می‌گیرند. هم‌چنین، نتایج این پژوهش نشان داد که مدیران دارای تحصیلات و تجربهٔ بالاتر نسبت به مدیران دارای تحصیلات و تجربهٔ پایین‌تر احتمال کمتری دارد که از تحلیل سیاست‌ها و نتایج پژوهشی استفاده کنند (لستر، ۱۹۹۳). نتایج پژوهش نیومن در استرالیا برخلاف این یافته است. طبق این پژوهش سیاست‌گذارانی که از یافته‌های پژوهش در تصمیمات و فعالیت‌های سیاسی‌شان استفاده می‌کنند کسانی هستند که نسبت به کسانی که از نتایج پژوهشی استفاده نمی‌کنند دارای درجات تحصیلات بالاتری هستند، سابقهٔ کار پژوهشی در دانشگاه یا بخش غیرانتفاعی دارند و یا در بخش آموزش و سیاست‌گذاری اجتماعی کار کرده‌اند (نیومان، ۲۰۱۴).

با وجود افزایش توجه به اهمیت دانش و اطلاعات در فرایند سیاست‌گذاری، پژوهش‌ها نشان می‌دهند سیاست‌گذاران دولتی استفادهٔ کمی از یافته‌ها و اطلاعات پژوهشی می‌کنند. در بهترین حالت، یافته‌های پژوهشی علوم اجتماعی فهم و تعریف سیاست‌گذاران از مسائل اجتماعی را اصلاح می‌کنند اما دانش اجتماعی آن‌چنان که باید در سیاست‌گذاری مورداستفاده قرار نمی‌گیرد. دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که می‌توانند در پیگیری رفاه اجتماعی سهم و مشارکت گسترده‌ای داشته باشند، اما دانش اجتماعی در تصمیمات سیاسی مهم به‌کار گرفته نمی‌شود. در سمت مقابل، سیاست‌گذاران احساس می‌کنند اطلاعات دریافتی آنان غیرصریح و

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

نامفهوم است و با مسائل فوری حوزهٔ کاری آن‌ها هماهنگ نیست و به فشار بسیار زیاد برای اقداماتی که باید انجام شود حساس نیست (اوه[۱]، ۱۹۹۷).

جهت غلبه بر موانع ظرفیتی فوق، ظرفیت‌هایی در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان وجود دارند که می‌توانند کاربست علوم اجتماعی در سازمان‌های مرتبط با حکمرانی برق و انرژی را تسهیل کنند. تأکید بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی برنامه‌های راهبردی و تدوین اهداف اجتماعی می‌تواند بستر مناسبی جهت به‌کارگیری علوم اجتماعی باشد.

برنامه‌های راهبردی انرژی اغلب طولانی‌مدت و دارای پیامدهای دوردست هستند و بازه عمر طولانی زیرساخت‌های آن الگوهای تقاضا و مصرف انرژی را برای دهه‌های پیشِ رو شکل می‌دهند. از این دیدگاه، تقاضا نسبتاً ثابت به‌نظر می‌رسد؛ هرچند، تغییرات عمدهٔ جاری در آب‌وهوا، جامعه و فناوری یک محیط پویا با تأثیرات چندجانبه بر آن‌ها ایجاد می‌کنند که مصرف را به‌شیوه‌های مختلفی هدایت می‌کنند. این دگرگونی به‌خصوص وابسته به منابع انرژی است که در آن تقاضای آینده باید تحت شرایط تغییرات سریع و تردید عمیق کاوش و بررسی شود. این پارادایم به گونه‌های جدید سؤالات پژوهشی و متناسب با آن، شیوه‌های جدید پاسخ‌گویی به این سؤالات نیاز دارد (شارمینا و همکاران، ۲۰۱۹). به‌علاوه، تغییرات سریع فرهنگی و ارتباطی و دگرگونی سبک زندگی نیاز به پژوهش‌های جامع و مستمر در رابطه با الگوهای تقاضا و مصرف انرژی، امنیت انرژی، پذیرش نوآوری در عرصهٔ تولید و مصرف انرژی و ... ظرفیت بالقوه گسترده‌ای را برای پژوهش و اقدام علوم اجتماعی در عرصهٔ انرژی فراهم می‌آورد.

علاوه بر محتوای سیاست‌ها، بافت سازمانی مؤسسات مربوط به انرژی می‌تواند تسهیل‌کنندهٔ کاربست علوم اجتماعی باشد. این عوامل را می‌توان به دو دستهٔ عوامل فردی و سازمانی تقسیم کرد: نگرش مثبت نسبت به پژوهش، آزادی عمل[۲]، آگاهی از سیاست اداره (سازمان) و سطح آموزش، مشاورهٔ همراهان، همکاری و خودکارآمدی، رضایت شغلی، مشارکت در فعالیت‌های پژوهشی مرتبط و زمان صرف‌شده برای مطالعهٔ مجلات تخصصی (استابروکس، ۱۹۹۹) از جمله عوامل فردی و عوامل دیگری از جمله؛ حمایت آشکار از نوآوری توسط رهبران، وجود پشتیبانی جهت ارتقاء نوآوری، داشتن تجربه و آشنایی با نوآوری مشابه آنچه موردتحقیق است، وجود بخش یا واحدی که به‌طور ویژه به حوزهٔ نوآوری موردتحقیق مربوط باشد، نیز عوامل سازمانی هستند که می‌توانند بر کاربست پژوهش و دانش اجتماعی تأثیر مثبت بگذارند (الیوت و همکاران، ۲۰۰۳).

با توجه به سرشت بسیاری از اقدامات پژوهش‌محور و میزان درگیرشدن آن‌ها در فرایند تغییر، این‌که افراد رفتار خود را جهت پذیرفتن و به‌کار بستن دانش در اقداماتشان تغییر دهند، کافی نیست. بلکه، لازم است که سازمان‌ها نوآوری‌ها و نتایج پژوهشی را بپذیرند و به شیوه‌ای برنامه‌ریزی‌شده و سازمان‌یافته طبق آن عمل کنند. البته ویژگی‌های متفاوت سازمان‌ها ممکن است تأثیر مثبت یا منفی بر مراحل مختلف کاربست نوآوری داشته باشند. برای مثال، راجرز[۳] نشان داد که تمرکزگرایی پایین، پیچیدگی زیاد و رسمیت پایین مرحلهٔ آشنایی با نوآوری را تسهیل می‌کنند، اما همین خصیصه‌ها ممکن است اجرا و کاربست واقعی نوآوری را مشکل کنند (کتفیان[۴]، ۲۰۰۱).

تعدادی از مطالعات، عوامل مختلفی که کاربست پژوهش را تسهیل می‌کنند یا از آن ممانعت می‌نمایند را به‌گونه‌ای دیگر تقسیم‌بندی کرده‌اند: این عوامل شامل عوامل فردی، سازمانی و سیاسی هستند و با موضوعاتی از قبیل مهارت و توانایی مقامات رسمی دولتی جهت کسب و فهم مطالعات پژوهشی، وجود عرصه‌ای که کارکنان را در معرض داده‌های پژوهشی می‌گذارد، یا محدودیت‌های بودجه‌ریزی و محدودیت زمان که بر تصمیمات سیاسی اثر مخرب می‌گذارند، ارتباط دارند (اوه، ۱۹۹۷ و شارمینا و همکاران، ۲۰۱۹).

---

۱ *Oh, C. H.*

2 *autonomy*

3 *Rogers*

۴ *Ketefian, S.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

عوامل امکان و امتناع علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی در جدول ۱-۱۱ به‌طور خلاصه نشان داده شده است.

جدول ۱-۱۱: عوامل امکان و امتناع مطالعات میان‌رشته‌ای (با تأکید بر ادغام علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی) بر اساس نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی

عوامل	عوامل امکان	عوامل امتناع
ایدئولوژیک	وجه اجتماعی سیاست‌ها، اقدامات و خدمات صنعت برق و انرژی (نیومن و دیگران، ۲۰۱۶؛ هد، ۲۰۱۰؛ سُواکول و دیگران، ۲۰۱۵؛ بنت و دیگران، ۲۰۱۶؛ سواکول، ۲۰۱۴*a*)، تغییر موضع گفتمانی، اتخاذ رویکرد علمی، تحمیل گفتمان سیاست اجتماعی به سیاست‌گذار (قاراخانی، ۱۳۹۳)	عدم تبیین پیوستگی «اجتماعی ـ فنی» در پژوهش‌ها (کوپر، ۲۰۱۷)، تفاوت معرفت‌شناختی علوم اجتماعی و علوم فنی و مهندسی (بنت و دیگران، ۲۰۱۶)، غلبهٔ تفکر فنی بر حکمرانی برق و انرژی (بنت و دیگران، ۲۰۱۶)، وجود تعارض در تیم‌های کاری ناشی از دیدگاه‌های متفاوت، پایداری انتظارات رشته‌ای (کامفیروزی و بنیادی نایینی، ۱۴۰۰)، فقدان گفتمان روشنفکری، فقدان کنش متقابل روشنفکری با اندیشورزان دانشگاهی بی‌اعتنایی سیاست‌گذار به چارچوب علمی، ضعف حمایت روشنفکری (قاراخانی، ۱۳۹۳)، مسئله «اجتماع دوگانه» و تفاوت‌های فرهنگی بین پژوهشگران و کاربران (سیاست‌گذاران) (کاپلان، ۱۹۷۹)، تأکید محققان و سیاست‌گذاران بر یکی از جنبه‌های مسئله انرژی (مالاباند و دیگران، ۲۰۱۷)
معرفتی	وظیفهٔ ذاتی علوم اجتماعی جهت بررسی و تحلیل پدیده‌های تأثیرگذار بر زندگی اجتماعی، ظرفیت‌های معرفتی علوم اجتماعی در فهم و تبیین مسائل اجتماعی حوزه انرژی (نیومن و دیگران، ۲۰۱۶؛ هد، ۲۰۱۰؛ سُواکول و دیگران، ۲۰۱۵؛ بنت و دیگران، ۲۰۱۶؛ سواکول، ۲۰۱۴*a*)، ظرفیت‌های معرفتی علوم اجتماعی در رفع ایرادات طرح‌های تحقیقی جهت ادغام بهتر در علوم فنی و انرژی (سواکول و دیگران، ۲۰۱۸)، تأثیر مثبت آموزش رویکردهای تلفیقی در ایجاد بستر مشارکت دانشمندان علوم طبیعی و اجتماعی (نیومن و دیگران، ۲۰۱۶ و هد، ۲۰۱۰)	پایین‌بودن کنش‌گری پژوهشگران و صاحبنظران علوم اجتماعی، نبود تجربهٔ عملی در زمینهٔ علوم اجتماعی انرژی کاربردی و مشکل در ایجاد پیوند بین رشته‌ها (مالاباند و دیگران، ۲۰۱۷)، ماهیت، محدوده موضوعات و تنوع موضوعات (قاراخانی، ۱۳۹۳)، عدم درک چالش‌های روش‌شناسی، بی‌تجربگی حرفه‌ای، خودبرتر بینی روشی، ارزیابی غیرعلمی (کامفیروزی و بنیادی نایینی، ۱۴۰۰؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸)، آموزش نادرست علوم اجتماعی به لحاظ ابعاد معرفتی آن، ضعف در آموزش‌های میان‌رشته‌ای (نیومن و دیگران، ۲۰۱۶ و هد، ۲۰۱۰)، بی‌توجهی به ابعاد نرم‌فزاری حوزه انرژی و توجه بیشتر به ابعاد سخت‌افزاری (سُواکول و همکاران، ۲۰۱۵)، آشنایی اندک با مطالعات میان‌رشته‌ای (قاراخانی، ۱۳۹۳)، فقدان درک و زبان مشترک بین‌رشته‌ای (نیومن و دیگران، ۲۰۱۶؛ هد، ۲۰۱۰؛ کوپر، ۲۰۱۷؛ مهدوی‌زاهد، ۱۳۹۹؛ کامفیروزی و بنیادی نایینی، ۱۴۰۰؛ خورشیدی و پیشگامی، ۱۳۹۱)،
نهادی	انتشار مجلات بین‌رشته‌ای و تخصصی با محوریت علوم اجتماعی انرژی و نقش آنها در ارتقای «پارادایم پژوهش اجتماعی ـ فنی محور» به همراه سایر مجلات فنی ـ محور (کوپر، ۲۰۱۷)، توجه به نیازهای اجتماعی در توسعه آموزش عالی، توجه به ارتقای کیفیت و دانش کاربردی، تربیت متخصصان کارآمد با جهت‌گیری کاربست دانش (قاراخانی، ۱۳۹۳)، تأثیر مثبت بافت سازمانی مؤسسات (نگرش مثبت نسبت به پژوهش، آزادی عمل، آگاهی از سیاست اداره (سازمان) و سطح آموزش، مشاورهٔ همراهان، همکاری و خودکارآمدی، رضایت شغلی، مشارکت در فعالیت‌های پژوهشی مرتبط و زمان صرف‌شده برای مطالعهٔ مجلات تخصصی) مربوط به انرژی در تسهیل‌گری کاربست علوم اجتماعی (استابروکس، ۱۹۹۹)، تأثیر مثبت حمایت آشکار از نوآوری توسط رهبران، وجود پشتیبانی جهت ارتقاء نوآوری، داشتن	بروکراسی اداری (سواکول، ۲۰۱۴*b*؛ بلاغت، ۱۳۹۰؛ کامفیروزی و بنیادی نایینی، ۱۴۰۰؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸)، شکل‌گیری نهادهای مرتبط با برق و انرژی متناسب با علوم فیزیکی و مهندسی (بنت و دیگران، ۲۰۱۶)، نیاز به ساختارهای حمایتی، عدم استفاده از میان‌رشته‌ای‌ها در هیئت‌های تصمیم‌گیری، عدم وجود ضمانت شغلی، تأثیر محدود و احساس نیاز کمتر در جامعه، بومی نبودن، مشکلات پیشرفت و ارتقا شغلی در دانشگاه‌ها، تحت فشار قرار گرفتن محققان توسط سایر همکاران در مجموعه، مانع استقلال علمی، تسلط فرهنگ رشته‌ای، نهادینه شدن باورهای آکادمیک دانشگاهی درون‌رشته‌ای، مشارکت‌گریزی دانشجویان و اعضای هیئت علمی، توجه کمتر (کامفیروزی و بنیادی نایینی، ۱۴۰۰؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸)، ساختار آموزش عالی شامل بی‌توجهی به کیفیت آموزش، شکاف عرصه نظر و عمل، تأسیس تقلیدی رشته‌ها، شکاف میان ضرورت تأسیس رشته با مسائل اجتماعی، شکاف میان اولویت‌های پژوهشی با مسائل اجتماعی، مرزبندی غیرقابل انعطاف حوزه‌های علم ساختار دانشکده‌ها شامل تداخل قلمروهای موضوعی در رشته‌های علوم اجتماعی، رقابت درون‌دانشکده‌های علوم

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

	تجربه و آشنایی با نوآوری مشابه آنچه موردتحقیق است، وجود بخش یا واحدی که به‌طور ویژه به حوزهٔ نوآوری موردتحقیق مربوط باشد در تسهیل‌گری کاربست علوم اجتماعی (الیوت و دیگران، ۲۰۰۳)،	اجتماعی، فقدان مشارکت میان‌رشته‌ای در دانشکده‌ها، به‌کارگیری سلیقه‌ای و ناقص دانش نظری (قاراخانی، ۱۳۹۳)، ساختار تأمین بودجه پژوهش مبتنی بر رویکرد فنی–اقتصادی (فریمن، ۲۰۰۰؛ دوناهو، ۲۰۰۴)، تبعیض بین‌رشته‌ای و نگاه به علوم اجتماعی به‌عنوان رشته درجه دوم در مطالعات بین‌رشته‌ای (سواکول و دیگران، ۲۰۱۵)، رویکرد مسلط فناورانه در بلااستفاده بودن علوم اجتماعی (سواکول، ۲۰۱۴*b*)،

ادامه جدول ۱-۱۱: عوامل امکان و امتناع مطالعات میان‌رشته‌ای (با تأکید بر ادغام علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی) بر اساس نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی

عوامل	عوامل امکان	عوامل امتناع
ظرفیتی	انعطاف‌پذیری و امکان تغییر فرهنگ سازمانی دانش‌محور، ظرفیت سیاست‌های کلان و برنامه‌های توسعه‌ای یا راهبردی جهت ادغام علوم اجتماعی در سیاست‌ها و برنامه‌ها و اقدامات در عرصهٔ صنعت برق و انرژی (بنت و دیگران، ۲۰۱۶)، تحریک تقاضای اجتماعی برای جلب توجه به سیاست اجتماعی در سیاست‌گذاری، تقویت آگاهی جمعی نسبت به تورم مسائل اجتماعی ساختار دانشکده‌ها شامل تقویت علوم اجتماعی انتقادی، تأسیس رشته سیاست اجتماعی و انجام فعالیت‌های علمی (قاراخانی، ۱۳۹۳)، درجات تحصیلی سیاست‌گذاران و سابقهٔ کار پژوهشی در دانشگاه یا بخش غیرانتفاعی یا در بخش آموزش و سیاست‌گذاری اجتماعی (نیومن، ۲۰۱۴)،	وجود فرصت‌های محدود اقتصادی، آشنایی محدود مسئولان و متخصصان اقتصادی و فرهنگی، عدم آمادگی بستر اقتصادی، توجه کم به رشته در برنامه‌ریزی اقتصادی، تلاش محدود در معرفی رشته‌ها، یافتن مجلات برای انتشار نتایج، کمبود فضا و امکانات و شرایط رشد علمی برنامه‌های درسی مصوب، کمبود استاد و پژوهشگر، کمبود امکانات رشد و ارتقا علمی (بلاغت، ۱۳۹۰؛ کامفیروزی و بنیادی نایینی، ۱۴۰۰)، زمان‌بر بودن کارهای میان‌رشته‌ای، هزینه‌بر بودن مطالعات، ریسک شکست بالاتر نسبت به مطالعات رشته‌ای (کامفیروزی و بنیادی نایینی، ۱۴۰۰؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸)، قلّت نیروی مجرب و اندیش‌ورزان علاقمند برای آموزش رشته، ضعف فعالیت‌های علمی مرتبط با رشته (قاراخانی، ۱۳۹۳)، پایین بودن ظرفیت سیاست‌گذاری علوم‌اجتماعی در حوزه برق و انرژی، پایین‌بودن ظرفیت و مهارت پژوهش اجتماعی انرژی (سواکول و دیگران، ۲۰۱۸)، کم‌بودن منابع و بودجه جهت انجام پژوهش‌های اجتماعی (فریمن، ۲۰۰۰؛ دوناهو،۲۰۰۴؛ سواکول، ۲۰۱۴*a*)، ظرفیت محدود علوم اجتماعی در سازمان‌ها (اینگبورگرود، ۲۰۲۰)، فقدان ظرفیت سیاست‌گذاری اجتماعی و نبود ظرفیت کافی برای دسترسی، تفسیر و کاربرد اشکال مختلف دانش پژوهش‌محور (نیومن و دیگران، ۲۰۱۶)، غیرصریح و نامفهوم بودن اطلاعات دریافتی توسط سیاست‌گذاران از پژوهشگران اجتماعی و ناهماهنگی آن با مسائل فوری آنان (اوه، ۱۹۹۷)

مأخذ: بر مبنای الگوی بنت و دیگران (۲۰۱۶)

۱-۴-۲. الگوهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی

الگوها و دیدگاه‌های نظری متعددی وجود دارند که با عناوین جریان‌سازی، گفتمان‌سازی، فرهنگ‌سازی و ... در تلاش هستند تا بسترهای پذیرش و جا انداختن موضوعی همچون اندیشه، رفتار، نگرش، ارزش و یا پدیده و سیاستی را فراهم نمایند. ایده توسعه به‌ویژه در مفهوم نوسازی آن، از جمله مفاهیمی است که پژوهشگران و صاحبنظران را نسبت به تشخیص ریشه‌ها و روندهای آن حساس کرده است تا نشان دهند که چگونه جهان غربی با اتخاذ استراتژی‌های مقتضی، بستر پذیرش گفتمان آن را در جهان سوم فراهم کند. جریان‌سازی نیز مانند گفتمان‌سازی از جمله مفاهیمی است که در متون مدیریتی و سیاسی به‌ویژه رسانه‌ای در جهت بسترسازی پذیرش اهداف افراد و سازمان‌ها مطرح و نظریه‌پردازی شده است. فرهنگ‌سازی نیز با زمینه‌سازی تلاش دارد تا موضوعی را به گونه‌ای جا بیندازد که به بخشی از فرهنگ مردم و جامعه هدف تبدیل شود. با این اوصاف در راستای تبیین فرایند بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی در این قسمت تلاش شده تا الگوها و دیدگاه‌های مرتبط در این زمینه تشریح شوند. در این راستا تلاش خواهد شد تا در جهت تشریح فضای مفهومی و تبیین تئوریک بسترسازی برای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در صنعت برق و انرژی با اتکا به دو دیدگاه گفتمان‌سازی اسکوبار با عنوان «شیوه‌های تثبیت و استقرار

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

گفتمان» و «تبدیل به جریان اصلی[1]» الگوی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی را تدوین نمود که از قابلیت عملیاتی کردن در این عرصه برخوردار باشد. اگرچه این دو دیدگاه به‌طور خاص مرتبط با پذیرش علوم اجتماعی و حکمرانی برق و انرژی نیستند امّا می‌توان با استفاده از منطق و ماهیت آنها از نظر سازوکارهایی که ارائه می‌دهند در بسترسازی برای پذیرش علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی بهره گرفت.

با وجود تشخیص و تأکید بر اهمیت علوم اجتماعی در مدیریت و حکمرانی برق و انرژی، در مقایسه با علوم طبیعی و فنی هنوز سهم اندک و نابرابری در پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌گذاری در این عرصه دارد و برای تحقق مشارکت بیشتر و مؤثرتر لازم است که علوم اجتماعی در سیاست‌گذاری و اقدام گفتمان‌سازی شود. در همین راستا، به‌کارگیری فرایند گفتمان‌سازی توسعه به‌عنوان یک تجربهٔ جهانی و گنجاندن دغدغه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی در اقدامات بانک جهانی را می‌توان به‌عنوان الگو و سرمشق بسترسازی علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی مد نظر قرار داد. در واقع، بسترسازی برای جا انداختن علوم اجتماعی در کنار رویکرد فنی و بوروکراتیک به نوعی گام نهادن در مسیر گفتمان‌سازی و جریان‌سازی آن بوده که مبتنی بر فرایندی تدریجی است به گونه‌ای که با رفع موانع و ارتقای توانمندی‌های علوم اجتماعی و کاربست آن، زمینه پذیرش آن را در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی فراهم می‌نماید.

از منظر دیدگاه‌های مبتنی بر توسعه عناصر گفتمانی و یا گفتمان‌سازی، دیدگاه‌های نظری و تحقیقات اسکوبار در مورد تجربه جهانی «گفتمان‌سازی توسعه» از جانب کشورهای توسعه‌یافته حائز اهمیت است. از نظر او کشورهای قدرتمند یا صاحب گفتمان توسعه توانسته‌اند با سه استراتژی مسئله‌مند کردن فقر[2] و یکسان‌سازی رو به رشد مسائل[3]؛ حرفه‌ای شدن توسعه[4] و نهادی‌شدن توسعه[5]، توسعه را در جهان سوم تثبیت و استقرار بخشند. البته توسعه‌ای که اسکوبار در این زمینه کالبدشکافی می‌کند بیشتر دنبال ساختن جهان سوم و مدیریت کردن آن است نه توسعه‌ای که در جهت شکوفایی این بخش از جهان باشد. آنچه در این دیدگاه اسکوبار مدنظر ماست جنبه روش‌شناسانه ایشان در بسترسازی برای توسعه است که تحت عنوان نحوه تثبیت و استقرار گفتمان توسعه می‌توان از آن یاد کرد. حال با استفاده از این روش می‌توان فرایند گفتمان‌سازی علوم اجتماعی را در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی را تبیین کرد؛ اینکه چگونه با این روش می‌توان بستر پذیرش علوم را فراهم نمود تا به گفتمان پذیرفته‌شده‌ای در صنعت برق تبدیل گردد و موردکاربست واقع شود. در توضیح این سه استراتژی به‌طور خلاصه می‌توان گفت «مسئله‌مندکردن فقر» راهبردی برای شناسایی و تشخیص بعضی کشورها به‌عنوان فقیر و متعاقب آن مداخله در آن کشورها در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم بود؛ «حرفه‌ای شدن توسعه» به‌عنوان مجموعه‌ای از تکنیک‌ها، راهبردها و فرایندهایی که تولید، اعتباریابی و اشاعه دانش توسعه را سازمان‌دهی می‌کند، تعریف شده و تحقق یافته است؛ و «نهادی‌شدن توسعه» نیز دربرگیرندهٔ شبکهٔ گسترده‌ای از سازمان‌هایی (اعم از سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های برنامه‌ریزی ملی و ...) است که مسیر را برای استقرار و تثبیت توسعه فراهم می‌کنند. سرانجام، اسکوبار توسعه را به‌مثابه گفتمانی می‌بیند که هدفش آفرینش جهان سوم و کنترل و نظارت بر آن و حتی تداوم توسعه‌نیافتگی آن است و در مقابل، استراتژی‌های مقاومت جهان سوم از جمله «جنبش‌های مردمی و جایگزین توسعه»؛ «تحقیق عملی مشارکتی» و «بازگشت به دانش‌های محلی و بومی» در برابر این گفتمان را می‌ستاید. آرتور اسکوبار از جمله مردم‌شناسان برجسته مکتب پساتوسعه است که با رویکردی مردم‌شناختی و انتقادی و گفتمانی به توسعه، به تشریح و تبیین توسعه پرداخته است. وی (۱۹۸۴، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷) با این رویکرد همصدا با دیگر متفکران پساتوسعه‌گرا که انتقاد به الگوهای توسعه غربی کانون نظریه آنها را تشکیل می‌دهد، توسعه را به‌مثابه

1*Mainstreaming*
2 *The problematization of poverty*
3 *The progressive incorporation of problems*
4 *The professionalization of development*
5 *The institutionalization of development*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

گفتمانی که در پی «خلق و مدیریت جهان سوم»[1] بوده، مطرح کرده است. وی در آثار اولیه خود و بسط آن در آثار بعدی به دنبال درک چگونگی ساخت و خلق ملت‌های آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین به‌عنوان جهان سوم یا توسعه‌نیافته و نحوه رفتار با آنها در این شرایط است. در واقع وی با تحلیل گفتمان توسعه، نحوه گفتمان‌سازی توسعه را از جانب کشورهای توسعه‌یافته در جهان سوم را با رویکردی انتقادی کالبدشکافی نموده است. وی (۱۹۹۵: ۱۵) بر این باور است که بازنمایی جهان سوم از طریق توسعه فراگیرتر و مؤثرتر از همتایان استعمارگر آنها است اسکوبار با رویکرد نظری تحلیل گفتمان انتقادی برگرفته از آراء فوکو، روش‌های گفتمان‌سازی توسعه، اهداف و محتوای این ایده را نشان می‌دهد. در واقع ایده توسعه غربی به‌مثابه گفتمانی که در پی خلق و مدیریت جهان سوم است، تجربه‌ای است که به‌منظور دست‌یابی به این رسالت، با روش‌های خاصی سازماندهی و گفتمان‌سازی شده است. شناخت نحوه گفتمان‌سازی آن با اتخاذ رویکردی انتقادی، گام مهمی در شناخت تجارب جهانی گفتمان‌سازی برنامه‌های توسعه و پرده‌برداری از اهداف غیرانسانی ایده توسعه در جهان سوم و آگاهی به روش‌های تجربه‌شده است. به نظر اسکوبار، به‌منظور درک توسعه به‌مثابه یک گفتمان، نباید در خود عناصر آن نگریسته شود بلکه باید سیستم روابط استقراریافته و به عبارتی دیگر، ساختار بین آنها را ملاحظه کرد. این نظام است که خلق منظم و سیستماتیک ابژه‌ها، مفاهیم و استراتژی‌ها را اجازه می‌دهد و نیز آنچه می‌تواند فکر شود و گفته شود را تعیین می‌کند. این روابط استقراریافته مابین نهادها، فرایندهای اقتصادی اجتماعی، اشکال دانش، عوامل تکنولوژیکی و غیره؛ شرایطی را که در آن هرکدام از این ابژه‌ها، مفاهیم، نظریه‌ها و استراتژی‌ها می‌توانند با گفتمان یکی شوند، تعریف می‌کند. خلاصه اینکه، این نظام روابط، عمل گفتمانی[2] را مستقر می‌کند که قواعد بازی را تنظیم می‌کند: چه کسی می‌تواند صحبت کند، از چه نقطه نظری، با چه اقتداری و بر اساس چه معیاری از تخصص؛ این نظام، قواعدی را تنظیم می‌کند که برای این یا آن مشکل و مسئله، نظریه یا ابژه‌ای پدیدار شود و نامیده شود، تحلیل شود و سرانجام به یک سیاست یا برنامه تغییر یابد؛ باید دنبال شود (۱۹۹۵: ۴۱-۴۰). توسعه، پاسخی به مسئله‌مند کردن فقر بوده که در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاده و فرایند طبیعی دانشی که به صورت تدریجی مسائل را کشف و با آنها برخورد کرده باشد، نیست. ازاین‌رو باید به‌مثابه سازه تاریخی نگریسته شود که فضایی را فراهم می‌کند که در آن کشورهای فقیر شناخته می‌شوند، تشخیص داده می‌شوند و بر اساس آن در آنها مداخله می‌شود (اسکوبار، ۱۹۹۵: ۴۵). مسئله‌مندکردن فقر در جهان سوم، استراتژیی بود که ظهور و تثبیت گفتمان و استراتژی توسعه در دوره پس از جنگ جهانی دوم، به‌عنوان نتیجه آن تلقی می‌شود و طی همین دوره بود که این موضوع مطرح شد. در ادامه این روند، توسعه توانست با دو مکانیزم اصلی خود؛ حرفه‌ای شدن دانش توسعه و نهادی شدن اعمال آن، خود را مستقر کند (همان: ۱۷). این مکانیسم‌ها به‌وسیله اَشکالی از دانش و قدرت ساخت یافته‌اند (همان: ۴۵). در بخش بعدی درباره این دو مکانیسم با تفصیل بیشتری بحث خواهد شد. مفهوم حرفه‌ای شدن به‌طور عمده به فرایندی اشاره دارد که جهان سوم را به سیاست‌های دانش تخصصی و به‌طورکلی به علم غربی وارد می‌کند. حرفه‌ای شدن توسعه از طریق مجموعه‌ای از تکنیک‌ها، استراتژی‌ها و اعمال رشته‌ای که تولید، اعتباریابی و اشاعه دانش توسعه را سازماندهی می‌کند، تحقق یافته است. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: رشته‌های دانشگاهی، روش‌های تحقیق و آموزش، معیارهای تخصصی و اعمال حرفه‌ای چندجانبه به عبارتی دیگر مکانیزم‌هایی که از طریق آن، سیاست‌های حقیقت، خلق شده و حفظ می‌شود ضمن آنکه از طریق آن، شکل‌های خاص دانش به جایگاه حقیقت می‌رسند (اسکوبار، ۱۹۹۵: ۴۵). به نظر اسکوبار، حرفه‌ای شدن مسائل توسعه

1 *Invention and Management of the Third World*
2 *Discursive practice*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

یکی از دو مکانیسم اصلی است[1] که می‌توان گفت گفتمان توسعه از طریق آن عمل کرده است. حرفه‌ای شدن، به منصه ظهور رسیدن دانش‌های تخصصی و زمینه‌هایی برای رویارویی با هر جنبه از توسعه نیافتگی است (۲۰۰۷: ۱۹). به باور اسکوبار، حرفه‌ای شدن در باب توسعه به‌وسیله کاربرد رشته‌های موجود درزمینه مسائل جهان سوم به‌دست آمده است یا به‌وسیله ابداع زیررشته‌های جدید (اقتصاد توسعه، حوزه سلامت، جمعیت‌شناسی، برنامه‌ریزی شهری، آموزش، انسان‌شناسی تغذیه‌ای و غیره) (۱۹۸۷؛ ۱۹۸۸: ۴۳۱).

اسکوبار، حرفه‌ای شدن توسعه را به‌عنوان یکی از استراتژی‌های استقرار و تثبیت گفتمان توسعه تلقی می‌کند که از طریق انتشار انضباط‌ها و خرده‌انضباط‌های توسعه به اجرا درمی‌آید. استراتژی حرفه‌ای‌شدن یا به تعبیری بهتر، «تکنیکی‌شدن»[2]، که به متخصصین اجازه داد که از مشکلات قلمرو سیاسی که در غیر اینصورت می‌توانستند سیاسی قلمداد شوند؛ برکنار مانده و در قلمرو علمی به ظاهر بی‌طرفانه‌ای شکلی تازه پیدا کنند. این موضوع به تثبیت و تحکیم رشته مطالعات توسعه در فاصله چند سال در بیشتر دانشگاه‌های بزرگ کشورهای توسعه‌یافته انجامید. سیاست‌ها و برنامه‌هایی که از جایی خارج از این عرصه وسیع دانش نشأت گرفته بودند، به‌طور اجتناب‌ناپذیری عناصر قوی غایت-شناسانه و هنجارمند را با خود به درون این عرصه وارد کردند. بر این اساس آنچه در معرض خطر قرار می‌گرفت، نوعی از دانش بود که درصدد استقرار ماهیت کشورهای جهان سوم، طبقه‌بندی مشکلات و شکل بخشیدن به سیاست آنها بود تا اینکه بدین وسیله درباره آنها قضاوت کرده و آینده آنها را ترسیم نماید. استراتژی حرفه‌ای‌کردن توسعه در جستجوی شکل‌گیری زمینه‌ای برای کنترل دانش بود که از طریق آن، «حقیقت» (و همینطور قدرت) تولید می‌شد. در چارچوب این استراتژی باید توجه ویژه‌ای به شیوه‌هایی شود که در آن اقتصادهای توسعه بتوانند توسعه را اقتصادی[3] یا به عبارتی دیگر، مقرون‌به‌صرفه کنند که از رهگذر آن همه واقعیات و خرده‌انضباط‌های توسعه، تابع عقلانیت موردتأیید اقتصاددانان قرار می‌گرفتند. به هر حال ویژگی آن باید در بستر و زمینه استقرار اقتصاد به‌مثابه علمی «ایجابی» و «عینی» موردتجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت؛ علمی که بخشی از آن مرهون توسعه فرهنگی در طول دویست سال گذشته بود که در آن یک عقلانیت اقتصادی ویژه (بر پایه نهادهای ویژه‌ای نظیر پول، بازارها، بانک‌ها و غیره) سلطه یافت. چنین فرایندی که شاید بتوان آن را «اقتصادی شدن زندگی»عنوان کرد، به‌طور نزدیکی با توسعه سرمایه‌داری در ارتباط بود (۱۹۸۴: ۳۸۸-۳۸۷). به باور اسکوبار، نهادی شدن به‌مثابه یک فرایند و نیز استراتژی استقرار و تثبیت گفتمان توسعه در سطوح مختلفی از سازمان‌های بین‌المللی گرفته تا هیئت‌های برنامه‌ریزی ملی و سازمان‌های توسعه در سطح محلی به وقوع پیوسته است (۱۹۸۴: ۳۸۸). اسکوبار، نهادی شدن را در کنار حرفه‌ای شدن همان‌طورکه در بخش قبلی اشاره شد، به‌عنوان دو مکانیسم اصلی عملکرد توسعه در جهت تثبیت و استقرار خود می‌داند (۲۰۰۷: ۲۰). نهادی شدن دربرگیرندۀ شبکه گسترده‌ای از سازمان‌هایی است که مسیر را برای استقرار و تثبیت توسعه فراهم می‌کنند (همان). خلق توسعه ضرورتاً ساخت زمینه نهادی را دربر می‌گیرد که از آن، گفتمان‌ها تولید، ضبط، پایدار و تعدیل شده و در گردش قرار می‌گیرد. این زمینه به‌طور تنگاتنگی با فرایندهای حرفه‌ای شدن در ارتباط قرار می‌گیرد. نهادی شدن توسعه در همه سطوح اعم از سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های برنامه‌ریزی ملی در جهان سوم تا آژانس‌های توسعه محلی، کمیته‌های توسعه اجتماع، آژانس‌های داوطلبانه خصوصی و سازمان‌های غیرانتفاعی اتفاق می‌افتد. از زمان شروع استراتژی توسعه در دهه ۱۹۴۰ با ساخت سازمان‌های بزرگ بین‌الملل، فرایند نهادی شدن؛ گسترش خود

---

۱ دیگر سازوکار اصلی مدنظر اسکوبار نهادی شدن توسعه است که در جای خود توضیح داده خواهد شد.

2*technification*

3 *economize*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

را متوقف نکرده است. دانش تولیدشده در باب جهان سوم، به‌وسیله این نهادها از طریق برنامه‌های کاربردی، کنفرانس‌ها، خدمات مشاوره‌ای بین‌المللی و غیره استفاده و جریان می‌یابد (اسکوبار، ۱۹۹۵: ۴۷؛ ۱۹۸۷: ۱۹۸۸: ۴۳۱). این نهادها به کارگزار استقرار توسعه تبدیل و نیز شبکه‌ای از مکان‌های نوین قدرت را به‌وجود آوردند که روی‌هم‌رفته دستگاه‌های توسعه را تشکیل داده‌اند. از رهگذر همین شبکه‌ها و نظام‌های کنترل تنظیمی بود که مردم و اجتماعات مختلف به چرخه‌های ویژه‌ای از تولید، عقلانیت‌ها و رفتارهایی خاص وابسته شدند. این استراتژی به پراکندگی مراکز محلی قدرت-دانش منجر شد، به‌عنوان مثال استقرار مکان‌های چندگانه قدرت که نظام انضباطی توسعه را امکان‌پذیر ساخت (اسکوبار، ۱۹۸۴: ۳۸۸). اسکوبار برای دو فرایند حرفه‌ای شدن و نهادی شدن در عملکرد توسعه اهمیت زیادی قائل است و همان‌طورکه اشاره شد آنها را دو مکانیسم اصلی در عملکرد گفتمان توسعه در جهان سوم برمی‌شمرد به این معنا که چگونه این جهان را با توسعه روبرو کردند و انگ جهان سوم و توسعه‌نیافتگی را بر پیشانی آنها زدند. وی در این زمینه بر این باور است که این دو فرایند، به‌طور سیستماتیکی پیوند دانش و عمل را از طریق پروژه‌ها و مداخلات ویژه امکانپذیر ساختند. برای مثال استراتژی‌هایی نظیر توسعه روستایی می‌تواند از این چشم‌انداز نگریسته شود که به منزله مکانیسم منظمی در جهت پیوند دادن دانش متخصصین درباره کشاورزی، غذا و مواردی مانند آن با مداخلات خاصی (اعتبارات، زیرساخت‌ها و غیره) است به شیوه‌ای که به دگرگونی عمیقی در جوامع روستایی و دهقانی بخش‌های زیادی از جهان سوم در امتداد خطوط مفاهیم سرمایه‌داری مدرن زمین، کشاورزی، مزرعه‌داری و غیره منجر شده است (۲۰۰۷: ۲۰). در مجموع، روشی که وی بازشناسی کرده، روشی سه‌مرحله‌ای در باب گفتمان‌سازی ایده توسعه غربی است که این روش هم به صورت سلسله‌مراتبی بوده اما می‌توان به صورت جدا از هم از تکنیک‌های آن در گفتمان‌سازی برای علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی نیز بهره‌برداری کرد. مسئله‌مندی، حرفه‌ای کردن و نهادسازی شیوه گفتمان‌سازی ایده توسعه غربی بوده که با توجه به سازوکارهای این سه تکنیک می‌توان علوم اجتماعی را در این عرصه گفتمان‌سازی کرد. ایده پادگفتمان اسکوبار نیز می‌تواند در نظام مشارکت مردمی که تکیه بر تحقیق عملی مشارکتی و بازگشت به دانش‌های بومی و محلی است مورداستفاده قرار گیرد (عبداله‌پور، ۱۳۹۵).

لزوم بازگشت به طراحی الگوی توسعه بر محور فرهنگ و دانش بومی به‌عنوان یکی از دستاوردهای مهم مطالعات اسکوبار را می‌توان در گفتمان‌سازی و جریان‌سازی در عرصه‌های دیگر مد نظر قرار داد. از این منظر سند الگوی پیشرفت اسلامی ـ ایرانی را می‌توان یک استراتژی مقاومت در برابر گفتمان توسعه دانست که نیاز به طی فرایندهای روشن و مشخصی دارد. بنابراین، مراحلی شبیه آنچه اسکوبار «مسئله‌مندی، حرفه‌ای شدن و نهادی شدن» نامیده است، البته با محتوا و اهداف هماهنگ با چشم‌اندازهای الگوی پیشرفت اسلامی ـ ایرانی، را می‌توان موردبهره‌برداری قرار داد. هم‌چنین تأکید بر تحقیق عملی مشارکتی و بازگشت به دانش‌های بومی و محلی پتانسیل مناسبی جهت گفتمان‌سازی پیشرفت بومی و اسلامی ـ ایرانی دارد.

دیدگاه دیگری که در رابطه با بسترسازی برای ایجاد گفتمان‌ها وجود دارد که در سازمان‌های توسعه‌ای بین‌المللی نیز به‌کار گرفته شده است، «تبدیل به جریان اصلی»[1] یا به عبارتی ساده‌تر «جریان‌سازی» است که به قدری در چرخه‌های سیاست‌گذاری عمومی متداول شده است که در اثر تکرار زیاد اهمیت خود را از دست داده است. فرهنگ واژگان هم به تعریف واژۀ «جریان غالب»[2] پرداخته است و نه فعل «جریان‌سازی». جریان غالب عبارتست از «جریان عمدۀ فعالیت» یا «جریان عمدۀ اندیشه». بخش اول این اصطلاح (جریان) به مفاهیم نرم و آرامی چون سیالیت، هماهنگی و طبیعی بودن دلالت دارد و بخش دوم آن (غالب) سلطه و ثبات

۱ *mainstreaming*

2 *mainstream*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

را می‌رساند (پیکیوتو[1]، ۲۰۰۲). فعل «جریان‌سازی» یک مفهوم پویا است و به ایجاد اختلال عمدی در سیر طبیعی پدیده‌ها اشاره می‌کند. این مفهوم برخی منافع جاافتاده و واگذارشده را به چالش می‌کشد و در برخی اتحادها و توافقات تغییر ایجاد می‌کند. بدون ایجاد بی‌نظمی و هرج و مرج یا تغییرات آسیب‌زا وضعیت موجود را دگرگون می‌سازد. در نتیجه، «جریان‌سازی» بیشتر یک فرایند اصلاح تدریجی است تا انقلاب ناگهانی و شدید؛ که در زمینهٔ سیاست، نوعاً از طریق تغییرات فزاینده در اهداف برنامه‌ها، دستورالعمل‌های اقدامات و فرهنگ‌های سازمانی به انجام می‌رسد.

به‌عنوان نمونه، تبدیل شدن ملاحظات زیست‌محیطی به «جریان اصلی» در اقدامات بانک جهانی در ابتدا توسط گروه‌های مدافع محیط زیست بیرونی اظهار شد. آن‌ها به‌طور ماهرانه‌ای، با استفاده از رسانه‌های جمعی، بر افکار عمومی تأثیر گذاشتند، فشارهای سیاسی را هماهنگ کردند و در داخل این نهاد متحدانی برای ترویج و حمایت از درخواست‌شان جست‌وجو کردند. ایجاد تغییرات راهبردی سالیان زیادی طول کشید و سرانجام به تغییرات وسیعی در سازمان، صلاحیت‌های اصلی، رویه‌های وام‌دهی و همکاری‌های تجاری منتهی شد. با وجود موفقیت‌ها و آثار مثبت این تغییرات، تبدیل شدن پایداری زیست‌محیطی به جریان اصلی در اقدامات بانک جهانی هنوز به‌عنوان یک چالش دیده می‌شود (همان).

«جریان‌سازی» آشفتگی و به‌هم‌ریختگی اعماق را به سطح می‌آورد. درحالی‌که «جریان غالب» همان نظم پیشین است، «جریان‌سازی» به دنبال ایجاد نظم نوین است. نشان دادن تغییرات در مسیر برنامه‌ها، چگونگی اجرا و انتقال منابع از به‌انجام رساندن آن‌ها آسان‌تر است. حمایت اجتماعی از مسیرهای جدید به‌طور خودکار اتفاق نمی‌افتد. ذی‌نفعانی که به‌طور منفی تحت تأثیر یک ابتکار جدید قرار گرفته‌اند، ضرورتاً با آن مخالفت خواهند کرد. درحالی‌که اصطلاح «جریان‌سازی» سادگی و طبیعی‌بودن را به ذهن متبادر می‌کند، فرایند واقعی آن پر از مشکل است. وابستگی به جریان اصلی فقط به وفاداری شدید نیازمند است. اما برخلاف آن، رساندن «جریان اصلی» به ثمربخشی و باروری، نیازمند نوآوری و سازگاری ترکیب‌شده با توافق بر سر اهداف و توانایی متحد کردن حمایت‌ها برای تغییر است. بر اساس نظر تریلینگ[2] (۱۹۷۴) «جریان‌سازی» ... با مجموعه‌ای از انفصال‌ها (انتزاع‌ها) از فرهنگ غالب سر و کار دارد. اما با مجموعه‌ای از درونیات (درون‌نگری‌های) فرهنگ غالب نیز سروکار دارد. هیچ آزمون آماری نمی‌تواند تأثیر این انفصال و اتصال‌ها را بسنجد اما تأثیر آن به‌وضوح قابل‌توجه است (پیکیوتو، ۲۰۰۲). به‌صورت کلی، «جریان‌سازی» با توانایی تحمل اختلافات و مباحث سازمانی و اجتماعی تسهیل می‌شود؛ اما محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. همانند یک رودخانه که ممکن است بستر آن توسط تلاطم و شدت امواج تخریب شود، پیوستگی‌های سازمانی و اجتماعی با اختلاف‌های شدید در اصول اجتماعی، ارزش‌های سازمانی و هنجارهای رفتاری تحلیل می‌روند. هنگام روبه‌رو شدن با مخالفت‌های سخت، «جریان سازی» به جای اصرار به ایجاد تغییرات عمده، غالباً عقب‌نشینی می‌کند و یا به کنش‌های نمادین جهت آرام کردن باورهای متضاد اکتفا می‌کند. بنابراین، ممکن است یک سیاستگذار اعلام کند که یک برنامه بدون نیاز به اتخاذ تصمیمات سخت جهت اجرای آن پذیرفته شده است. چنین تاکتیکی را می‌توان با یک ارزیابی مستقل زیر سؤال برد؛ اما خود ارزیابی مستقل نیز ممکن است تسخیر و یا دست‌کاری شود. نتیجه این‌که یک برآورد دقیق از آمادگی تغییر یک بحران برای طراحی هوشمندانه، یک مداخلهٔ جریان‌سازی است.

در رابطه با جریان‌سازی سه پارادایم نظری وجود دارد: (۱) *پارادایم سلسله‌مراتبی:* جامعه‌شناسان که انسان را به‌عنوان موجودی می‌بینند که اغلب به اقتدار و اعتبار نظرات دیگران پاسخ می‌دهد از این پارادایم دفاع می‌کنند و معتقدند افراد طبق دستورالعمل‌های مقدر و معتبر اجتماعی عمل می‌کنند. بنابراین، جریان‌سازی به‌طور گسترده‌ای به تصمیمات رهبران (مدیران) در درون بافت رسوم، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی وابسته است. (۲) *پارادایم فردگرایانه:* توسط اقتصاددانان حمایت شده و جامعه را به شکل ذره‌ای و متشکل از افرادی می‌بینند که با منافع خود برانگیخته می‌شوند. این پارادایم اولویت را به صیانت نفس، منافع شخصی و انگیزه

۱ *Picciotto*

۲ *Trailling*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

برای مزایای اقتصادی می‌دهد و خود ـ محوری و انتخاب عقلانی مبتنی بر ارزیابی‌های شخصی از هزینه‌ها و فواید کنش‌ها را بدیهی می‌شمارد. طبق این مفروضات، جریان‌سازی فقط نیاز به این دارد که اطلاعات مناسب فراهم شده و مشوق‌های عادلانه برای تضمین این‌که افراد به شیوهٔ مطلوب عمل کنند، تنظیم شده‌اند. در درون شرکت‌ها، ارزیابی‌های شخصی، کارت‌های امتیازی و سایر ابزارهای مدیریت نتیجه‌محور با این دیدگاه تغییرات رفتاری همسو هستند. (۳) *پارادایم ارتباطی:* این پارادایم ترکیبی برتر از دو پارادایم دیگر است و بر روابط رسمی و غیررسمی تمرکز می‌کند. در واقع، این پارادایم بر ترکیب دوگانهٔ همکاری و رقابت تأکید دارد. پارادایم ارتباطی به نقش ساختارهای اجتماعی رسمی و به همین‌مقدار به پیوندهای شخصی و شبکه‌های غیررسمی اهمیت می‌دهد. موفقیت‌ها و ناکامی‌های عمدهٔ اجتماعی به کنش‌های فردی نسبت داده نمی‌شود، بلکه به‌عنوان نتیجهٔ شبکهٔ درهم‌پیچیده‌ای از نفوذ، ائتلاف و گسترهٔ وسیعی از نهادهای رسمی و غیررسمی به‌هم پیوسته دیده می‌شود. این پارادایم، مذاکرات بین گروه‌ها (به‌جای سلسله‌مراتب یا انتخاب شخصی) را یک عامل کلیدی برای تغییرات اجتماعی می‌داند. جریان‌سازی نیز به‌عنوان فرایند مداوم و درحال‌پیشرفت وساطت بین منافع متضاد دیده می‌شود (همان).

این سه پارادایم یک پیوستار (طیف) را شکل می‌دهند و مکمل یکدیگرند و هر کدام چیزی برای مشارکت در جریان‌سازی و ارزیابی دارند. یک جریان‌سازی موفق به جای استفاده از یک پارادایم، نیاز به ترکیبی از ابزارها و شیوه‌ها دارد که این سه پارادایم را با هم ادغام می‌کند. در رابطه با توسعه، جریان‌سازی به‌معنای اقتباس گستردهٔ یک سیاست جدید، یک پارادایم جدید به ارائهٔ خدمات عمومی و یا یک روش جدید مدیریت برنامه‌هاست. بنابراین، گسترش تدریجی برنامه‌های توسعه، خود نوعی جریان‌سازی است.

همان‌طور که در شکل ۴-۱ ملاحظه می‌شود گسترش تدریجی برنامه‌های توسعه و جریان‌سازی آن مستلزم ترکیب هر سه سطح (پارادایم) جریان‌سازی است. در سطح کلان و بالادستی وجود حکمرانی شایسته (خوب) و سیستم قضایی سالم و توانایی مدیریت اقتصاد کلان که برگرفته از پارادایم سلسله‌مراتبی است، امری مبنایی و ضروری برای توسعه است. در سطح فردگرایانه، توسعهٔ بخش خصوصی و تسهیل فعالیت‌های بازار می‌تواند به پیشبرد راهبردها و برنامه‌های توسعه کمک کند و سرانجام بر اساس پارادایم ارتباطی منابع ملی را با مشارکت شهروندان و بخش عمومی و خصوصی مدیریت کرد و توسعه را در ابعاد مختلف آن محقق کرد.



شکل ۱-۶: چارچوب فراگیر توسعه بر اساس پارادایم‌های جریان‌سازی (مأخذ: پیکیوتو، ۲۰۰۲)

پیکیوتو (۲۰۰۲) دو نوع جریان‌سازی را از هم تفکیک می‌کند: جریان‌سازی افقی که به‌کارگیری یک سیاست یا برنامهٔ جدید در عرصهٔ جغرافیایی یا کارکردی را دربر می‌گیرد؛ و جریان‌سازی عمودی که هدف آن ایجاد و دخالت دادن یک یا چند هدف سیاسی جدید در سازمان یا برنامهٔ موجود است. نمونه‌ای از جریان‌سازی افقی را می‌توان در توسعهٔ جنبش تعاونی‌های لبنیاتی در هندوستان با ابتکار بانک جهانی دید که در ابتدا در یک ناحیهٔ کوچک انجام شد، سپس با حمایت‌های خارجی به‌تدریج به یک برنامهٔ سودمند

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

سراسری تبدیل شد و ترکیب نظم بازار و سرمایهٔ اجتماعی حاصل از مشارکت هزاران انجمن محلی در هند و هم‌افزایی آن‌ها منجر به ظهور توسعه در مناطق روستایی شد. نمونهٔ جریان‌سازی عمودی را نیز می‌توان در گنجاندن دغدغه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی در اقدامات بانک جهانی دید و وقتی کشوری با این مراقبت‌ها موافقت نمی‌کرد، مشمول دریافت وام بانک نمی‌شد. در واقع، جریان‌سازی افقی به‌نوعی تلفیق الگوی ارتباطی و فردگرایانه و جریان‌سازی عمودی معادل الگوی سلسله‌مراتبی است. باید توجه داشت که جریان‌سازی بدون تهدید کردن موقعیت برخی از کسانی که از وضعیت کنونی پشتیبانی می‌کنند، نمی‌تواند بر «وابستگی به مسیر»[1] در سازمان غلبه کند و کل یک جامعه را درنوردد. حتی ممکن است لازم باشد ارزش‌ها، رسوم و رویه‌های ریشه‌دار را زیر سؤال ببرد. به نظر بِنِت[2] و همکاران (۲۰۱۶) لازمهٔ جریان‌سازی توجه هماهنگ و سنجیده به همهٔ ابعاد اجتماعی یک پدیده یا فرایند است. بنابراین، جریان‌سازی علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی نیازمند توجه به تمام ابعاد اجتماعی برق در همهٔ زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی در تمام سطوح سازمانی جهت اقدام و دست‌یابی وسیع‌تر، مؤثرتر و منصفانه‌تر به اهداف تعیین‌شده است.

جمع‌بندی

علیرغم این‌که متخصصان و اندیشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که موضوعات عمومی و مرتبط با حکمرانی و رفاه جامعه با راه‌حل‌های صرفاً فنی و مهندسی قابل‌بررسی و حل نیستند و علوم اجتماعی به‌خاطر مشارکت در فهم و تأثیرگذاری بر توسعه و بهزیستی اجتماعی ارزشمند شده‌اند؛ هنوز هم علوم اجتماعی، جایگاه مشخص و تأثیرگذاری که باید داشته باشد را در بسیاری از حوزه‌ها، از جمله صنعت برق و انرژی، پیدا نکرده است. برآورده شدن نیاز به علوم اجتماعی بیشتر و بهتر در حوزهٔ برق و انرژی نیازمند بازخوانی و ترجمهٔ همهٔ رویکردها، دستورالعمل‌ها، فرهنگ و راه و رسم جاافتادهٔ علوم اجتماعی است. بنابراین، برای اینکه بسترهای پذیرش علوم اجتماعی در حکمرانی برق و انرژی فراهم شود و یا این علوم در این عرصه جریان یافته و به گفتمان تبدیل شوند، لازم است موانع واقعی متحد شدن علوم اجتماعی و بین‌رشته‌ای به‌عنوان راهی برای توضیح دلیل عدم مشارکت قابل‌قبول علوم اجتماعی شناسایی شوند و شرایط امکان کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت انرژی تقویت گردند.

در این فصل، چهار دسته عوامل و شرایط امکان و امتناع تبدیل شدن علوم اجتماعی به جریان اصلی و کاربست آن تحت عنوان عوامل ایدئولوژیک، عوامل نهادی، عوامل دانشی و عوامل ظرفیتی بررسی و مرور شدند. در ادامه روش‌های گفتمان‌سازی و پارادایم‌های جریان‌سازی (سلسله‌مراتبی، فردگرایانه و ارتباطی) مطرح شدند و این‌که برای بسترسازی علوم اجتماعی و کاربست آن لازم است از دانش و تجربهٔ موجود در الگوها و دیدگاه‌ها استفاده شود. نتیجه این‌که، با گسترش علوم اجتماعی و نهادینه کردن آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی زمینه برای اشکال متنوع و گستردهٔ کاربست آن در همهٔ مراحل پژوهش، سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی اقدامات حوزهٔ برق و انرژی فراهم می‌شود.

ازاین‌رو صرفاً انجام پژوهش‌های اجتماعی در حوزهٔ انرژی لزوماً به معنای به‌کاربستن آن‌ها و بهتر شدن شرایط نیست. بلکه سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌ها و افراد فعال در این حوزه باید با آگاهی و روی باز علوم اجتماعی و اهمیت و نقش آن را بپذیرند و آمادگی هماهنگی و تطابق با بینش‌های متفاوت و حتی متعارض نشأت گرفته از آن را داشته باشند. در عمل ممکن است علوم اجتماعی همانند بارانی باشند که بر زمین می‌بارد و پس از مدتی بینش‌های بالقوهٔ آن در فرایند سیاست‌گذاری تبخیر می‌شود، بدین‌معنا که با وجود حمایت بسیار زیاد در سطح بالا در مقدار اندکی از آن درزمینهٔ موردنظر پیاده و اجرا می‌شود. به همین دلیل پژوهش‌های زیادی روی کاربست علوم اجتماعی متمرکز شده‌اند؛ اما پیش‌شرط رواج کاربست این علوم، جریان یافتن آنها در فرایند حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی است که می‌توان در قالب الگوی نظری دیدگاه جریان‌سازی و گفتمان‌سازی بدان دست

---

۱ *path dependency*

۲ *Bennett*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

یافت. برای مثال همان‌طورکه در شکل (۱-۷) نشان داده شده است بر اساس پارادایم‌های سه‌گانهٔ جریان‌سازی، سهم هر کدام از پارادایم‌ها و نقش کنشگران عرصهٔ حکمرانی و مدیریت برق و انرژی جهت جا انداختن علوم اجتماعی مشخص شده است. بر اساس پارادایم سلسله‌مراتبی، می‌توان گفت سطوح رده‌بالای حاکمیت اعم از مجلس (کمیسیون انرژی) و دولت (وزارت نیرو) می‌توانند بر اساس اسناد بالادستی و جایگاه قانون‌گذاری و اجرایی که دارند، همان‌گونه که اسکوبار در تحلیل گفتمان‌سازی توسعه برشمرده است، مسائل مبتلابه این حوزه را مشخص کرده، نهادهای مرتبط و مقتضی را تشکیل دهند و زمینهٔ جریان‌سازی علوم اجتماعی را فراهم نمایند. بر اساس پارادایم فردگرایانه، سپردن بخشی از فعالیت‌های پژوهشی و اجرایی به بخش خصوصی و یا تفویض اختیار به نهادها و مقامات رسمی و متخصصان و کارکنان می‌تواند به جریان‌سازی علوم اجتماعی به‌صورت افقی منجر شده و سرانجام، طبق پارادایم ارتباطی، الگوهای مشارکتی و بومی‌را مد نظر قرار داد، که در هر صورت این امر نیازمند کاربست وسیع علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی است. نتیجه این‌که تلفیق ظرفیت‌ها و توانایی‌های هر سه پارادایم می‌تواند به جریان‌سازی جامع، مشارکتی و فراگیر علوم اجتماعی در سطوح مختلف حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی بینجامد و در واقع بستر پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را در این عرصه فراهم کند.



شکل ۱-۷: الگوی نظری جریان‌سازی علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی (مأخذ: بر اساس الگوی پیکیوتو، ۲۰۰۲)

همین‌طور می‌توان از عناصر سه‌گانه اسکوبار در گفتمان‌سازی بهره برد تا بستر توسعه عناصر گفتمان و یا ایجاد گفتمان علوم اجتماعی در برق و انرژی را فراهم کرد. در واقع نخست باید نیاز به علوم اجتماعی و رویکرد اجتماعی در این عرصه را به‌عنوان مسئله تبیین کرد و سپس با استفاده از استراتژی‌های حرفه‌ای نمودن و نهادی شدن، این علوم را به‌منظور استفاده از آن جا انداخت. آنچه در این پژوهش از منظر الگوهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن با استفاده از دیدگاه‌هایی که مرور شد مدنظر است این است که بتوان الگویی عملیاتی را برای بسترسازی استخراج کرد به‌گونه‌ای که بتوان با استفاده از آن علوم اجتماعی را جریان‌سازی و یا آن را گفتمان‌سازی کرد تا از دستاوردهای آن در پیشبرد بهتر حکمرانی و مدیریت بهره‌برداری کرد. بنابراین آنچه به‌عنوان یک الگوی عملیاتی مدنظر ماست الگویی تلفیقی-کاربردی از عناصر و فرایندهای هر دو دیدگاه است که تلاش می‌کند تا نشان دهد که سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن چگونه به‌دست می‌آیند. درواقع با تلفیق این دو دیدگاه و با توجه به هدفی که مدنظر است می‌توان سازوکارهای موردنیاز را استخراج کرد. از مزایای این الگوی تلفیقی تأکید بر

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جامعیت است ضمن اینکه تلاش برای بسترسازی، خود گامی در کاربست نیز به‌شمار می‌آید. در فصل بعدی به‌طور تفصیلی به الگوها و مدل‌ها کاربست پرداخته خواهد.

الگوی تلفیقی سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن مبتنی بر ماتریسی است که حاصل تجزیه و تحلیل عناصر جریان‌سازی مبتنی بر الزام، تشویق و ترغیب و ارتباطی و از طرفی دیگر راهبردهای گفتمان‌سازی مبتنی بر مسئله‌مندی، حرفه‌ای شدن و نهادی‌شدن است. ازاین‌رو با ارائه این ماتریس متناسب با هدف و مسئله‌هایی که در رابطه با امکان و امتناع علوم اجتماعی وجود دارد سازوکارهای مرتبط با بسترسازی و کاربست آن پیشنهاد می‌شود. برای مثال فرض کنید بررسی اسناد بالادستی حوزه انرژی حاکی از رویکرد قابل‌توجهی به لحاظ اجتماعی در توسعه صنعت برق نیست و یا اینکه نظام آموزش کارکنان بیانگر آن است که در حد ضرورت به سرفصل‌های اجتماعی بها نداده است. در این صورت و با توجه به این دو مسئله و نیز شرایط امکان و امتناع مربوطه که باید بررسی کرد، می‌توان سازوکارهای رفع و یا بهبود و اصلاح این دو مسئله به صورتی که در جدول (۱-۱۲) آمده را تدوین نمود. سپس برای عملیاتی کردن آن سازوکار اقدامات اجرایی و پژوهشی را تدوین کرد. این اقدامات می‌تواند در قالب برنامه‌های آتی تعریف و اجرا شود. در مجموع آنچه در اینجا مدنظر است بهره‌گیری از الگوهای این دیدگاه‌ها به‌منظور ارائه سازوکارهای متقن و عملیاتی است.

جدول ۱-۱۲: ماتریس تدوین سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی با اتکا به فرایندها و عناصر دیدگاه جریان‌سازی و گفتمان‌سازی

عرصه مدنظر	اقدامات بسترسازی موجود و امکان و امتناع توسعه و ارتقاء آنها	راهبردهای گفتمان‌سازی / روش‌های جریان‌سازی	مسئله‌مند کردن	حرفه‌ای شدن	نهادی شدن	سازوکار مربوطه
سیاست‌گذاری کلان انرژی	-وجود رویکرد اجتماعی هر چند نامنسجم اما ضعف در ارائه برنامه‌ها و اقدامات عملی اسناد بالادستی -امکان پیشنهاد و ارائه رویکرد اجتماعی در تدوین اسناد آتی و بازنگری اسناد و نیز رویه‌های اجرایی مترتب بر آنها	الزام (سلسله‌مراتبی)				
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)				
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)				تدوین سازوکاری که مبتنی بر توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت اعمال و تقویت رویکرد اجتماعی باشد. زیرا در اینجا صرفاً امکان امکان تعامل و ارتباطات مبتنی بر طرح مسئله وجود دارد و بنابراین سازوکار پیشنهادی باید در همین چارچوب تدوین شود و راهکارهای عملیاتی برای آن طراحی گردد.
آموزش‌های تخصصی کارکنان	-کمبود بسیار شدید در ارائه محتواهای آموزشی اجتماعی بر خلاف محتواهای فنی و مدیریتی وزارت نیرو -امکان پیشنهاد و ارائه محتواهای	الزام (سلسله‌مراتبی)				تدوین سازوکاری مبتنی بر تأکید بر الزام و ایجاد بسترهای حرفه‌ای و نهادی برای آن. در این چارچوب می‌توان این سازوکار را پیشنهاد داد زیرا امکان ارائه هم‌چنین پیشنهادی در داخل وزارت نیرو وجود دارد.
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)				تدوین سازوکاری مبتنی بر بسترسازی نهادی و نظام ترغیب به‌منظور مشارکت کارکنان با تأکید بر مسئله‌مند کردن رویکرد فنی و تکنوکراتیک. امکان این پیشنهاد در داخل وزارت نیرو ممکن با مشکلی مواجه نباشد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

	اجتماعی برحسب تجربیات خارجی و شرایط مقتضی صنعت برق	تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)				تدوین سازوکاری مبتنی بر توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت آن.

۱-۵. نحوه کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی در چارچوب مدل‌های کاربست دانش

مقدمه

بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی مبتنی بر الگوهای مقتضی گام مهمی در نهادینه‌شدن علوم اجتماعی و تلاش برای استفاده از دستاوردهای آن است. فرایند بسترسازی مبتنی بر تلفیق منطقی روش‌های ناشی از پارادایم‌های جریان‌سازی که خود بیانگر سیاست‌های الزام، تشویق و تنبیه و مشارکت و تعامل می‌باشد و راهبردهای مسئله‌مند کردن، حرفه‌ای شدن و نهادی شدن جهت گفتمان‌سازی در یک حوزه؛ بیانگر سازوکارهایی است که ضمن ایجاد زمینه‌های پذیرش برای علوم اجتماعی، کاربست آن را تسهیل و به نوعی عملی می‌کند. زیرا هر اقدامی در بسترسازی، به نوعی بیانگر ورود به وادی کاربست نیز است. ازاین‌رو باید گفت کاربست دستاوردهای یک عرصه دانشی به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی ممکن است مانند عرصه علوم طبیعی و فنی ملموس و قابل‌سنجش نباشد بلکه فراتر از کاربست فناورانه، بیانگر جهت‌گیری مبتنی بر نوعی رویکرد اقناعی و یا تغییر در نگرش‌ها و به بیانی دیگر کاربست مفهومی باشد. با این مقدمه لازم است مروری بر چگونگی کاربست دانش و رویکردهای نظری و تجربی آن با تأکید بر علوم اجتماعی داشته باشیم تا با اتکا به آن، الگوهای کاربست دانش و یافته‌های پژوهشی را شناخت و با به‌کارگیری فرایندهای آن بتوان تمایز کاربست علوم اجتماعی را با دانش‌های دیگر در عرصه حکمرانی و صنعت برق نشان داد. با توجه به الگوهای بسترسازی و اینکه آنها به نوعی بیانگر کاربست علوم اجتماعی نیز هستند در این قسمت از گزارش توضیح خواهیم داد که باید با شناخت از الگوهای کاربست دانش، سازوکارهای بسترسازی آن را تدوین کرد. در واقع در این قسمت از گزارش بر آن هستیم تا نشان دهیم که اگر تلاش می‌کنیم تا بستر پذیرش فراهم شود، خیلی از این سازوکارهای بسترسازی را می‌توان در مقام کاربست تعریف کرد و کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی، به‌مثابه طیفی است که هم جنبه‌های مفهومی و ذهنی دارد و هم عینی و ملموس.

از دهۀ ۱۹۷۰ کاربست پژوهش موردتوجه زیادی قرار گرفته و موضوع تعداد زیادی از برنامه‌های پژوهشی خرد و کلان بوده است (کتفیان، ۲۰۰۱) و پژوهش‌های متعددی که در رابطه با کاربست دانش انجام شده، به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بوده‌اند که «کدام خصوصیات پژوهش‌های علوم اجتماعی بیشترین «سودمندی» را برای سیاست‌گذاری دارد؟» به نظر وایس و بوکووالاس[۱]

۱ *Weiss and Bucuvalas*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

(۱۹۷۷) سودمندی مستلزم این است که (۱) محتوای پژوهش در کارکرد ادارات و سازمان‌ها نقش واقعی ایفا کند؛ و (۲) مدیران دولتی پژوهش‌ها را در سیاست‌گذاری به حساب بیاورند. بَکر (۱۹۹۱) با مرور جامع حوزهٔ کاربست دانش، چهار فرایند پیچیدهٔ زیر به‌عنوان مقدمات و الزامات کاربست خلاصه کرده است:

۱. کاربست دانش به تغییر افراد و سازمان‌ها نیاز دارد، که با توجه به اعمال برخی برنامه‌ها و روندهای جدید، برای هر دو از لحاظ مکانیکی سخت و به‌لحاظ روانشناختی تهدیدآمیز است.
۲. کاربست دانش نیاز به منابع دارد. برای ایجاد هرگونه تغییر معناداری، به‌ویژه در سازمان‌های پیچیده یا محیط اجتماعی، به پول، مصالح (مواد اولیه) و کارکنان نیاز است.
۳. گیرندگان نوآوری‌ها (ابداعات) باید متقاعد شوند که این ابداعات در موقعیت خاص مربوط به خودشان عمل می‌کنند، و بدون تأثیرات جانبی بیش از اندازه یا هزینه‌های بی‌دلیل نیازهای مشخصی را برآورده می‌کنند.
۴. گیرندگان نوآووری باید از ماهیت برنامه و عمل آگاه باشند. نوآوری‌های بسیار ارزنده به سادگی منتقل نمی‌شوند زیرا کاربران بالقوه دربارهٔ برنامه و عمل جدید چیزی نمی‌دانند.

در پیشینهٔ نظری «کاربست دانش» تعاریف متعدد و متنوعی ارائه شده است. لستر (۱۹۹۳)، مطالعهٔ کاربست دانش را «فهمیدن و بهبود استفاده از دانش علمی و تخصصی در سیاست‌گذاری عمومی و اقدامات حرفه‌ای» می‌داند. «کاربست دانش» فعالیت‌های مداخلاتی پژوهشی، عالمانه و برنامه‌ریزی‌شده با هدف افزایش استفاده از دانش جهت حل مسائل انسانی است (بکر، ۱۹۹۱). این حوزه تعدادی زیرموضوع را دربر می‌گیرد که هرکدام از آن‌ها بدنهٔ کاری و سنت‌های حرفه‌ای خاص خودشان را دارند. برخی از این زیرموضوع‌ها عبارت‌اند از: انتقال فناوری (سخت و نرم)؛ اشاعه و کاربرد دانش، کاربست دانش، انتشار نوآوری، جامعه‌شناسی دانش، تغییرات سازمانی، پژوهش‌های سیاسی و ارتباطات بین شخصی و عمومی (بکر، ۱۹۹۱).

کاربست دانش به‌عنوان «تبادل، ترکیب و کاربرد اخلاقی دانش، درون نظام پیچیده‌ای از روابط میان پژوهشگران و کاربران» تعریف شده است که در آن «کاربران» سایر پژوهشگران، سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان (برنامه‌ریزان و مدیران)، ارائه‌دهندگان خدمات، عامهٔ مردم و نمایندگان آن‌ها یا بخش خصوصی را شامل می‌شود (کتفیان، ۲۰۰۱). بنابراین، انتقال (کاربست) دانش فعالیت‌های متعددی از قبیل ترویج استفاده از یافته‌های پژوهش در سازمان‌های دولتی (اندرسون[۱] و همکاران، ۱۹۹۹)، تولید و ارائهٔ پژوهش‌های ترکیبی در تلاش جهت اطلاع‌رسانی کار سیاست‌گذاران (بوگن‌اشنایدر و همکاران، ۲۰۰۰)، و به همان نسبت دامنهٔ وسیعی از اقدامات خاص، از قبیل نوشتن خلاصهٔ پژوهش‌ها به زبان ساده، گسترش ارائه دانش به مخاطبان ویژهٔ پژوهش‌ها، آموزش مهارت‌های موردنیاز جهت فهمیدن و ارزیابی انتقادی پژوهش‌ها به کاربران، گذراندن وقت با کاربران بالقوه جهت فهمیدن زمینه‌ها و نیازهای آن‌ها و کارکردن با کاربران جهت پیشرفت فرایند پژوهش که برای آن‌ها معنی‌دار باشد، را نیز دربر می‌گیرد (آمارا، ۲۰۰۴ و البیک، ۱۹۹۵).

در بررسی این مفهوم، مفاهیم دیگری همچون انتشار[۲]، اشاعه[۳] و کاربرد (اجرا)[۴] قابل‌تشخیص است. اشاعه، فرایند فعالی برای گسترانیدن پیام است که شامل هدف‌گذاری و سازمان‌دهی شواهد و پیام‌ها به مخاطب موردنظر است و برخی از پژوهشگران معتقدند که اشاعه می‌تواند هم به‌عنوان فرایند و هم به‌عنوان پیامد در نظر گرفته شود (الیوت و همکاران، ۲۰۰۳). کاربرد، فرایند فعال‌تری است که شامل تلاش‌های منظم برای تشویق دریافت‌کنندگان شواهد پژوهشی از طریق مشخص‌کردن و غلبه‌کردن بر موانع است.

۱ *Anderson*
۲ *Diffusion*
۳ *Dissemination*
۴ *Implementation*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

به‌طورکلی می‌توان گفت در فرایند انتقال دانش و کاربست پژوهش، باید از چارچوب مفهومی برای نظم‌دهی به فعالیت‌ها و سازمان‌دهی به راهبردهای توصیه‌شده استفاده کرد و چنین چارچوبی را می‌توان «مدل کاربست»[1] نامید. از نظر بی‌آ و نیکول[2] (۱۹۹۷) مدل‌های کاربست از یک‌سو، انتزاعی هستند؛ یعنی به فعالیت‌هایی ارجاع داده می‌شوند که در بسیاری از مکان‌ها اتفاق می‌افتند و از سوی دیگر، در سامان‌دهی چارچوب‌ها و فرایندها بر حسب جمعیت‌های هدف، ساختارها یا فرایندها و نتایج ویژه متفاوت هستند؛ در نتیجه به محدودهٔ وسیعی از عاملان شامل متخصصان، پژوهشگران، سیاست‌گذاران و حمایت‌کنندگان از پژوهش وابسته هستند (کبیری، ۱۳۸۸).

مدل‌های کاربست سعی می‌کنند نقش سایر عوامل تأثیرگذار به‌ویژه عوامل زمینه‌ای (بافتی) را در جریان استفاده از دانش پژوهشی برجسته کنند و سپس نسبت به ایجاد زمینه‌ای برای استفادهٔ مؤثرتر از دانش به‌دست‌آمده ایفای نقش کنند؛ با این‌حال، تنوع مدل‌های کاربست به پیش‌فرض‌های متفاوت آن‌ها در مورد نظام منابع (مواردی که دانش را به‌وجود می‌آورند) و نظام کاربر (مواردی که دانش را به کار می‌برند) مربوط می‌شود.

یکی از سؤالات اصلی نویسندگان حوزه کاربرد و انتقال دانش این است که دانش پژوهشی چگونه و با چه اهدافی در سازمان‌های عمومی و خصوصی مورداستفاده قرار می‌گیرند. پیشینهٔ این بحث به اواخر جنگ جهانی دوم برمی‌گردد، که تعدادی از ارزیابانِ برنامه از این واقعیت که توصیه‌های آنان تأثیر مشخصی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ندارد، شاکی بودند. همان‌طورکه وایس (۱۹۸۶) اشاره کرده است، «برنامه‌هایی که از نظر ارزیاب‌ها نسبتاً بی‌اثر بوده‌اند ... ادامه یافته و حتی گسترش پیدا می‌کردند؛ [و] برنامه‌هایی که ارزیابان مؤثر تشخیص داده بودند ... قطع می‌شدند» (آمارا و همکاران، ۲۰۰۴). در آن زمان انتظار ارزیابان برنامه‌ها و پژوهشگران دانشگاهی این بود که تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران به‌طور مستقیم از نتایج پژوهش‌های آن‌ها استفاده کنند و تصمیمات سیاسی همیشه بر مبنای شواهد پژوهشی اتخاذ شوند. به عبارت دیگر، پژوهشگران توقع داشتند که یافته‌های آن‌ها به‌طور ابزاری توسط سیاست‌گذاران مورداستفاده قرار گیرد. در سال‌های دههٔ ۷۰ و ۸۰ میلادی، برخی پژوهشگران دیدگاه ابزاری به کاربست پژوهش را به چالش کشیدند و اظهار داشتند که در واقع، پژوهش‌های دانشگاهی [علمی] ممکن است برای اهداف دیگر از قبیل روشنگری عمومی و/یا مشروعیت‌بخشی و حفظ مواضع از پیش تعیین‌شده مفید باشند (آمارا و همکاران، ۲۰۰۴). در این رابطه مدل‌های نظری و تجربی متعددی ارائه شده‌اند، که در ادامه موردبررسی قرار می‌گیرند. هر چند با توجه به آنچه در مرور دیدگاه‌ها در ادامه خواهد آمد، کاربست مفهومی فقط مختص حوزه علوم انسانی و اجتماعی نبوده و هر عرصه دانشی را دربرمی‌گیرد. امّا تصور غالب بر کاربست ابزاری بوده و همین امر، انتظار از کاربردی بودن دستاوردهای علوم اجتماعی را نیز مشابه با کاربرد دستاوردهای فناورانه می‌داند. این در حالی است که همانطور که در بخش کارکردهای علوم اجتماعی دیدیم، کاربست این عرصه دانشی، کمک آن به روشنگری در مسیر حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی است که می‌تواند توسعه صنعت برق را به مثابه یک امر اجتماعی تلقی نماید و چالش‌های آن را نه تنها در حیطه علوم فنی مهندسی حل کند بلکه در موارد زیادی برای آن راهکارهای غیرفنی نیز فراهم کند که برآمده از شرایط اجتماعی و دستاوردهای علوم مرتبط با آن باشد.

با این مقدمه لازم است مروری بر چگونگی کاربست دانش و رویکردهای نظری و تجربی آن داشته باشیم تا با اتکا به آن، الگوهای کاربست دانش و یافته‌های پژوهشی را شناخت و با بکارگیری فرایندهای آن بتوان تمایز کاربست علوم اجتماعی را با دانش‌های دیگر در عرصه حکمرانی صنعت برق و انرژی نشان داد. در واقع با اتکا به مدل‌های کاربست دانش تلاش می‌شود تا چارچوبی را برای استفاده از آنها به منظور کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی تدوین نماییم. جستجوی چنین چارچوبی مستلزم مرور و بررسی دقیق دیدگاه‌های نظری و مدل‌های عملیاتی است که بر همین مبنا، در ادامه ابتدا رویکردهای کاربست دانش را تشریح و تبیین نموده و در پایان، چارچوبی برای کاربست علوم اجتماعی پیشنهاد خواهد شد. در مجموع کوشش می‌کنیم

---

۱ *Utilization Model*

۲ *Beyea and Nicoll*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تا با اتکا به مدل‌های متعدد این حوزه، چگونگی استفاده از دستاوردهای علوم اجتماعی را در حکمرانی صنعت برق و انرژی نشان دهیم؛ زیرا بر این باور هستیم که اشاره به کارکردهای علوم اجتماعی و تلاش برای بسترسازی پذیرش و کاربست آن، نیاز به حلقه دیگری به نام الگوهای کاربست دارد که مکمل فرایند کاربردی کردن دانش علوم اجتماعی در عرصه حکمرانی صنعت برق و انرژی می‌باشد. به عبارتی دیگر باید نشان داد که کاربست علوم اجتماعی با کاربست دستاوردهای علوم فنی مهندسی متفاوت بوده هر چند بخشی از روش‌های کاربست آنها را نیز شامل می‌شود. چالش‌ها و مسائلی که صنعت برق و انرژی در جامعه با آن مواجه است که نیازمند استفاده از علوم اجتماعی برای حل آن می‌باشد فراتر از امری عینی است. بنابراین علاوه بر کاربست ابزاری و عینی، آنچه ظرفیت این علوم را برجسته‌تر می‌کند توانایی آنها در روشنگری جامعه و تجهیز این حکمرانان به این ابزار برگرفته از این عرصه دانشی است.

از دهۀ ۱۹۷۰ کاربست پژوهش مورد توجه زیادی قرار گرفته و موضوع تعداد زیادی از برنامه‌های پژوهشی خرد و کلان بوده است (کتفیان، ۲۰۰۱). پژوهش‌های متعددی که در رابطه با کاربست دانش انجام شده، به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بوده‌اند که «کدام خصوصیات پژوهش‌های علوم اجتماعی بیشترین «سودمندی» را برای سیاستگذاری دارد؟» به نظر ویس و بوکووالاس[۱] (۱۹۷۷) سودمندی مستلزم این است که (۱) محتوای پژوهش در کارکرد ادارات و سازمان‌ها نقش واقعی ایفا کند؛ و (۲) مدیران دولتی پژوهش‌ها را در سیاستگذاری به حساب بیاورند. بَکر (۱۹۹۱) با مرور جامع حوزۀ کاربست دانش، چهار فرایند پیچیدۀ زیر را به عنوان مقدمات و الزامات کاربست خلاصه نموده است:

۱. کاربست دانش به تغییر افراد و سازمان‌ها نیاز دارد، که با توجه به اعمال برخی برنامه‌ها و روندهای جدید، برای هردو از لحاظ مکانیکی سخت و به‌لحاظ روانشناختی تهدیدآمیز است.
۲. کاربست دانش نیاز به منابع دارد. برای ایجاد هرگونه تغییر معناداری، به‌ویژه در سازمان‌های پیچیده یا محیط اجتماعی، به پول، مصالح (مواد اولیه) و کارکنان نیاز است.
۳. گیرندگان نوآوری‌ها (ابداعات) باید متقاعد شوند که این ابداعات در موقعیت خاص مربوط به خودشان عمل می‌کنند، و بدون تأثیرات جانبی بیش از اندازه یا هزینه‌های بی‌دلیل نیازهای مشخصی را برآورده می‌کنند.
۴. گیرندگان نوآوری باید از ماهیت برنامه و عمل آگاه باشند. نوآوری‌های بسیار ارزنده به سادگی منتقل نمی‌شوند زیرا کاربران بالقوه دربارۀ برنامه و عمل جدید چیزی نمی‌دانند.

در ادامه به تشریح مدل‌های کاربست دانش بر مبنای دسته‌بندی سه‌گانه مدل‌های مبتنی بر ارتباط بین پژوهشگر/کاربر، مدل‌های مبتنی بر ماهیت کاربست دانش و مدل مبتنی بر فرایند کاربست دانش که برگرفته از دیدگاه‌های صاحبنظران و تجارب پژوهشی حوزه کاربست دانش است می‌پردازیم. پس از تشریح این مدل‌ها در بخش پایانی این فصل تلاش خواهیم کرد تا چارچوبی را برای استفاده از این مدل‌ها در کاربست دانش علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی ارائه دهیم.

۱-۵-۱. مدل‌های مبتنی بر ارتباط پژوهشگر/کاربر

این مدل‌ها بیانگر دیدگاه‌هایی هستند که در پی تبیین این موضوع بوده که نسبت بین دانش، پژوهشگر یا صاحب دانش و کاربر دانش در عرصه حکمرانی چیست و چگونه می‌توان بین دو حوزه دانشی و عرصه حکمرانی، پیوند برقرار کرد. در چنین مدل‌هایی، چارچوب کاربست دانش در عمل ارائه نمی‌شود بلکه شکل‌گیری جریان کاربست دانش را بین پژوهشگر و کاربر ترسیم می‌کند که مبتنی بر گزاره‌های عاملیت یکی از این دو تا یا تلفیقی از آنهاست. مدل‌های کاربست دانش که در ادبیات موضوع موردبحث قرار

[۱] *Weiss and Bucuvalas*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

گرفته‌اند، بر چهار گونه (نوع) تأکید کرده‌اند: مدل فشار علم[۱]، مدل کشش تقاضا[۲]، مدل اشاعه[۳] و مدل تعاملی[۴]. (۱) متغیرهای فشار علم با توجه به انواع خروجی‌های پژوهش و زمینهٔ پژوهشگران؛ (۲) متغیرهای کشش تقاضا با توجه به نیازهای کاربران و زمینهٔ کاربران؛ (۳) متغیرهای اشاعه با توجه به انطباق تولیدات و تلاش‌ها در فرایند اشاعه؛ و (۴) متغیرهای تعاملی با توجه به پیوندهای بین پژوهشگران و کاربران (سواکول و همکاران، ۲۰۱۸؛ لستر، ۱۹۹۳ و بنت و همکاران، ۲۰۱۷). با وجود این‌که هریک از این مدل‌ها از اهمیت نتایج پژوهشی در سیاست‌گذاری حمایت می‌کنند، بین آن‌ها از نظر عوامل اصلی تعیین‌کنندهٔ کاربست دانش تفاوت‌هایی وجود دارد.

۱-۵-۱-۱. مدل فشار علم

مدل فشار علم بر عرضهٔ پیشرفت در نتایج پژوهشی به‌عنوان مهم‌ترین عامل کاربست دانش تأکید می‌کند. در این مدل، محققان منبع ایده برای هدایت پژوهش هستند و کاربران پذیرندگان نتایج پژوهشی‌اند. بنابراین، کاربست دانش یک توالی خطی از عرضه‌کنندگان پیشرفت پژوهشی به کاربست توسط سیاست‌گذاران و کارشناسان است. مطالعات پیشین بسیاری از ابعاد تأثیرگذاری کاربست نتایج پژوهشی را نشان داده‌اند: (۱) ویژگی‌های محتوا: برجسته‌بودن، کارایی، سازگاری، پیچیدگی، مشاهده‌پذیری، آزمون‌پذیری، اعتبار، اعتمادپذیری، تجزیه‌پذیری و قابلیت اجرا؛ (۲) نوع پژوهش: بنیادی/کاربردی، جامع/خلاصه؛ کمّی/کیفی؛ ویژه/کلی؛ و حوزه‌ها و رشته‌های پژوهشی (لندری و همکاران، ۲۰۰۱).

در این مدل از کاربست دانش، استفاده از دانش با پیشرفت دانش به‌دست‌آمده با محصولات پژوهشی توضیح داده می‌شود. مطالعات کمّی پرچم‌دار پیشرفت دانش در علوم اجتماعی هستند. بنابراین، ممکن است پیش‌بینی شود که مطالعات کمّی بیشتر از مطالعات کیفی استفاده از دانش علوم اجتماعی را توضیح می‌دهند. بر اساس این مدل، هرچه مطالعه و فهمیدن گزارش‌های پژوهش‌های کمّی مشکل‌تر باشد کاربران هزینهٔ بیشتری متحمّل می‌شوند، در نتیجه، احتمال استفاده از پژوهش کمتر می‌شود. بنابراین، تأثیر نوع تولیدات پژوهشی بر کاربست آن‌ها نامشخص است. شناسایی عوامل زمینه‌ای دربرگیرندهٔ پژوهشگران که احتمالاً بر کاربست دانش تأثیر می‌گذارند، آسان نیست. نظریه‌ای وجود ندارد که در انجام این وظیفه کمک نماید (لندری و همکاران، ۲۰۰۱).

لَندری و همکاران (۲۰۰۱) پنج فرضیه راجع به عوامل زمینه‌ای مطرح کردند: هرچه تعداد نشریه‌ها افزایش می‌یابد، نتایج پژوهشی بیشتری در اختیار کارشناسان و متخصصان خواهد بود. وقتی پژوهشگران، به‌جای تمرکز بر توسعه دانش علمی در دانشگاه، پروژه‌های خود را بر نیازهای کاربران متمرکز می‌کنند، استفاده از دانش افزایش می‌یابد. هم‌چنین، منبع تأمین مالی بر استفاده از دانش تأثیرگذار است. با وضوح بیشتر، احتمال کاربست پروژه‌های پژوهشی مبتنی بر منابع داخلی دانشگاه کمتر از پروژه‌هایی است که از خارج از دانشگاه تأمین می‌شوند. دو انتقادی که ممکن است بر این مدل وارد شود عبارت‌اند از: (۱) انتقال دانش به کاربران به‌صورت خودکار در زمینه‌ای که کسی مسئول انتقال آن نیست، رخ نمی‌دهد، (۲) اطلاعات پژوهشی خام دانش قابل‌استفاده‌ای نیست و تغییر آن به اطلاعات قابل‌استفاده در سیاست‌گذاری طی یک فرایند اتفاق می‌افتد.

۱-۵-۱-۲. مدل کشش ـ تقاضا

در این مدل، ابتکار عمل از پژوهشگران به کاربران تغییر می‌کند و کاربران به منبع اصلی ایده‌های هدایت پژوهش تبدیل می‌شوند (ژوهانسون، ۱۹۹۸). این رویکرد یک رابطهٔ مشتری ـ پیمانکار ایجاد می‌کند که متخصصان و سیاست‌گذاران به‌عنوان مشتریانی

۱ *Science push model*

۲ *Demand pull model*

۳ *Dissemination model*

4 *Interaction model*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

هستند تعیین می‌کنند چه نوع پژوهشی را می‌خواهند و پژوهشگران شبیه پیمانکارانی رفتار می‌کنند که در مقابل حق‌الزحمه قراردادی را اجرا می‌کنند. این مدل نیز یک توالی خطی را دنبال می‌کند که از تعیین موضوع پژوهش توسط مشتریان شروع می‌شود. در این مدل، کاربست دانش تنها بر اساس نیاز کاربران مشخص می‌شود. البته، شناسایی عوامل زمینه‌ای کاربران که بر کاربست دانش تأثیر دارند، کار بزرگی است. به‌هرحال، مطالعات تجربی پیشین، به نتایج زیر اشاره کرده‌اند: کاربست پژوهش زمانی افزیش می‌یابد که کاربران پژوهش را مناسب و مرتبط می‌دانند، پژوهش با نیازهای آن‌ها انطباق دارد، نگرش کاربران پژوهش را باورپذیر می‌کند و نتایج پژوهش در زمان مناسب به کاربران می‌رسد. اگرچه این عوامل کاملاً تحت کنترل پژوهشگران نیستند، اما پژوهشگران می‌توانند منابعی ارائه دهند که درزمینهٔ کاربران نسبت به پژوهش پذیرش بیشتری ایجاد کنند. به‌علاوه، این سرمایه‌گذاری هزینه‌ای که پژوهشگران در معامله با کاربران متحمل می‌شوند را افزایش می‌دهد (لندری و همکاران، ۲۰۰۱). با این وجود، برخی ادعا کرده‌اند که ممکن است پژوهش‌هایی که با هدف حل مسائل انجام می‌گیرند، کنار گذاشته شوند زیرا با منافع سازمانی کاربران در تضاد هستند. بنابراین، منافع سیاسی کاربران یک عامل اصلی تأثیرگذار بر کاربست است، زیرا ممکن است با یافته‌های پژوهشی در تضاد باشد (قاراخانی، ۱۳۹۳ و کبیری، ۱۳۸۸). انتقادات وارد بر این مدل عبارت‌اند از: (۱) تمرکز گسترده بر استفادهٔ ابزاری از دانش و درنتیجه، نادیده گرفتن شیوه‌های مختلف کاربرد دانش، (۲) تأکید زیاد بر منافع خودخواهانه کاربران، و (۳) از قلم‌انداختن تعامل بین تولیدکنندگان و کاربران یافته‌های پژوهشی.

۱-۵-۱-۳. مدل اشاعه

این مدل در پاسخ به این واقعیت رشد کرد که تا زمانی که نمونه‌هایی از انتقال دانش بدون برنامه‌ریزی وجود دارد، انتقال دانش به‌طور خودکار انجام نمی‌شود. طبق این مدل باید یک مرحله به فعالیت‌های پژوهشی اضافه شود که در آن سازوکارهای اشاعه‌ای جهت شناسایی دانش مفید و انتقال آن به کاربران بالقوه گسترش یابند. در این مدل، فرض بر این است که اشاعه زمانی اتفاق می‌افتد که کاربر بالقوه از نتایج پژوهش باخبر می‌شود. این مدل، کاربست دانش را با ارجاع به دو عامل تعیین‌کننده توضیح می‌دهد: «انواع نتایج پژوهشی» و «تلاش برای اشاعه». در بسیاری از موارد محصولات پژوهشی هرگز در مقیاس وسیع منتشر نمی‌شوند، و در نتیجه، تأثیر معنادار بسیار کمی دارند. تجربه ثابت کرده است که جریان یک‌طرفهٔ اطلاعات و رویکردهای «سنتی» اشاعه در تشویق کاربران به اتخاذ و کاربست نتایج پژوهشی جدید چندان مؤثر نبوده‌اند. هم‌چنین، پذیرش محض دانش توسط کاربران بالقوه دلیل و نشانهٔ «کاربست» آن نیست. فقدان تعامل بین پژوهشگران و مخاطبان بالقوهٔ آن‌ها به‌عنوان مشکل اصلی کاربست ناقص یافته‌های پژوهشی شناخته شده است. نقص اصلی مدل اشاعه این است که کاربران بالقوه نه در انتخاب اطلاعات قابل‌انتقال نقش دارند، و نه در تولید نتایج پژوهشی درگیر هستند (لندری و همکاران، ۲۰۰۱).

هابرمن و تِرلر (۱۹۹۱) شاخص‌های معتبر و جالبی برای سازگار نمودن تولیدات پژوهشی برای کاربران گسترش داده‌اند. سازگاری عواملی از قبیل تلاش برای آسان‌تر کردن خوانش و فهم گزارش‌ها، تلاش برای مشخص‌تر و عملیاتی‌تر نمودن نتایج و توصیه‌ها، تلاش برای تمرکز بر متغیرهایی که کاربران به مداخله در آن تمایل دارند و تلاش برای جذاب‌تر کردن گزارش‌ها را دربر می‌گیرد. وقتی پژوهشگران منابع‌شان را طوری سازگار می‌کنند تا تخصیص بودجه توسط کاربران را تسهیل کنند، استفاده از دانش علوم اجتماعی افزایش می‌یابد. تلاش برای اشاعه هم‌چنین از متغیرهای تشریحی مدل اشاعه نشأت می‌گیرد. پژوهشگران زمانی منابع را در تلاش برای اشاعه وارد می‌کنند که برای بحث روی موضوع و قلمرو پروژه، بحث در مورد نتایج و اشاعه نتایج به کاربران نشست‌هایی را با آن‌ها برگزار کرده باشند (لندری و همکاران، ۲۰۰۱).

مرور منظم متون مربوط به اشاعه علوم اجتماعی در حوزه انرژی، به‌ویژه برق، نسبتاً کم (اما در حال رشد) است. این متون، مبنای نظری برای توسعهٔ مقیاس‌ها و ابزارهای بررسی و فهم مدل‌ها، فرایندها، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر اشاعه را فراهم می‌کنند. موضوع اشاعه ممکن است مفاهیم، مهارت‌ها، ابزارها و اقدامات یا برنامه‌های نوآورانه که یا جدید هستند و یا توسط کاربران بالقوه چنین

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

پیش‌بینی شده‌اند. اشاعه می‌تواند موضوعاتی از قبیل نتایج ملموس مانند مداخلات مدرسه ـ محور تا مفاهیم انتزاعی‌تر را دربر بگیرد (الیوت و همکاران، ۲۰۰۳). به‌طور مثال، مفهوم‌سازی موضوعات مربوط به برق (چارچوب مسئولیت‌پذیری عمومی) و راه‌حل‌های آن‌ها خود ابداعاتی را شکل‌دهند و به‌این ترتیب اشاعه رخ دهد. در بیشتر موارد، چارچوب‌ها یا نظریه‌های اشاعه با «انتشار نوآوری‌ها»[۱]ی راجرز[۲] (۱۹۸۳) شروع می‌شود، که نشان داده است فرایند منظمی وجود دارد که از طریق آن ایده‌ها، اقدامات، یا موضوعات جدید در طول زمان از کانال‌های مختلفی در میان و بین نظام‌های اجتماعی گسترش می‌یابند (همان). درحالی‌که برخی فرایندهای انتشار به‌عنوان فرایندهایی منفعل و طبیعی توصیف شده‌اند، سایر فرایندها انتشار دستوری یا اشاعه را دربر می‌گیرند، که یک فرایند فعال، تعمدی و با برنامه جهت گسترش نوآوری است. پیشرفت‌های اخیر در نظریهٔ اشاعه تمرکز بر افراد را به تمرکز بر سازمان‌ها توسعه داده‌اند. یکی از این نظریه‌ها، نظام منبع ـ پیوند ـ کاربر اُرلاندی (۱۹۹۰) است که بر روابط متقابل بین تولیدکنندگان و استفاده‌کنندگان نوآوری یا دانش تمرکز می‌کند که به موازات یک نظام ارتباط و انتقال بین پژوهشگر و کاربر عمل می‌کنند.

متونی که عوامل مؤثر بر اشاعه را توصیف می‌کنند به درک ما از ویژگی‌ها، شرایط، تسهیل‌کننده‌ها و محدودیت‌های اشاعه ارتباط دارند. اساساً چهار دسته از عوامل بر موفقیت تلاش‌های اشاعه‌ای اثر دارند: (الف) ویژگی‌های موضوع اشاعه، (ب) عوامل محیطی، (پ) عوامل مرتبط با کاربر، (ت) روابط بین تولیدکنندگان و کاربران (الیوت و همکاران، ۲۰۰۳). اشاعهٔ نوآوری با عوامل زیر تسهیل می‌شود: (۱) سازگاری با فعالیت‌ها، اهداف و ارزش‌های سازمان پذیرنده؛ (۲) سادگی نوآوری؛ (۳) مشاهده‌پذیری (توانایی مشاهدهٔ نتایج نوآوری)؛ (۴) مزیت نسبی طی عملکرد جاری؛ و (۵) آزمون‌پذیری (فرصت تجربهٔ نوآوری در یک زمینهٔ محدود). چندین عامل محیطی مؤثر بر فرایند اشاعه نیز شناسایی شده‌اند: (۱) گرفتن تأثیر و اطلاعات از شبکهٔ بین سازمانی، (۲) وضعیت کلی اقتصاد حوزهٔ موردتحقیق؛ و (۳) موضوعات و اولویت‌های اجتماعی که خود را در عقاید عمومی همانند رسانه‌های عمومی نشان می‌دهند (الیوت و همکاران، ۲۰۰۳).

۱-۵-۱-۴. مدل تعاملی

این مدل جهت غلبه بر انتقادات وارد بر مدل‌های پیشین ارائه شده است. طبق این مدل، کاربست دانش به‌جای این‌که به توالی‌های خطی که از نیازهای پژوهشگران یا کاربران آغاز می‌شود بستگی داشته باشد، به تعامل‌های نامنظم مختلفی وابسته است که بین پژوهشگران و کاربران رخ می‌دهد. حامیان این مدل به دو جبهه تقسیم می‌شوند: (۱) حامیان نظریه‌های وابسته به ارتباط که بر «استعارهٔ دو اجتماع[۳]» تأکید می‌کنند. آن‌ها فرض می‌کنند که تفاوت بین فرهنگ علم (پژوهشگران) و فرهنگ کاربران به فقدان ارتباط بین آن‌ها و در نتیجه سطوح پایین کاربست دانش منجر می‌شود (بودیمان، ۲۰۱۸ و قاراخانی، ۱۳۹۳). در دههٔ ۱۹۷۰، کاپلان اظهار نمود که شاید دانشمندان (دانشگاهیان یا پژوهشگران) و سیاست‌گذاران در دو اجتماع مختلف قرار دارند، که «در دو دنیای جداگانه با ارزش‌های متفاوت و اغلب متعارض، نظام‌های پاداش متفاوت و زبان‌های متفاوت» زندگی می‌کنند (کاپلان، ۱۹۷۹). یکی از تفاوت‌های اساسی بین این دو اجتماع، این است که دانشگاهیان می‌توانند زمان و منابع زیادی را وقف اندیشیدن و استدلال برای پیشرفت‌های مفهومی نمایند، درحالی‌که سیاست‌گذاران در ضرورت و فوریت تصمیمات و تقاضاهای سیاسی برآمده از چرخه‌های سیاسی کوتاه‌مدت غرق شده‌اند. این تعارض بین افق‌های زمانی باعث می‌شود که کاربست ابزاری یا مفهومی دانش توسط سیاست‌گذاران بدون داشتن تلاش‌های واسطه‌ای بین دو اجتماع غیرمحتمل است (نیومان، ۲۰۱۴).

نتایج برخی پژوهش‌ها دقت و اعتبار «استعارهٔ دو اجتماع»، مبنی بر نبود ارتباط بین پژوهشگران و سیاست‌گذاران، را تأیید نمی‌کنند، زیرا در مقابل سیاست‌گذارانی که از یافته‌های علمی و دانش علوم اجتماعی استفاده نمی‌کنند، برخی نیز هستند که این دانش را در

۱ *Diffusion of innovations*

۲ *Rogers*

۳ *Two-Communities metaphor*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تصمیماتشان به‌کار می‌گیرند. بنابراین محققان دیگری چون کانینگهام و وِشلر (۲۰۰۲) فرض کردند که «دو اجتماع» واقعی در خود عالَم سیاست وجود دارد، یعنی این تقسیم‌بندی به جای سیاست‌گذاران و پژوهشگران، در بین سیاست‌گذاران استفاده‌کننده از پژوهش و سیاست‌گذاران پرهیزکننده از پژوهش وجود دارد (نیومان، ۲۰۱۴). حامیان مدل تعاملی که پیش‌بینی می‌کنند هرچه تعامل بین پژوهشگران و کاربران پایدارتر و قوی‌تر باشد، احتمال کاربست دانش بیشتر خواهد بود. برخلاف مدل‌های پیشین، این مدل توجه بیشتری به روابط بین پژوهشگران و کاربران در مراحل مختلف تولید دانش، اشاعه و کاربست آن می‌کند.

مدل تعاملی، عوامل تبیینی شناسایی‌شده در مدل‌های قبلی را در یک مدل خاص جمع کرده است؛ ازاین‌رو، فرایند کاربست را با ارجاع به چهار دسته از عوامل توضیح می‌دهد: انواع رشته‌های پژوهشی و علمی، نیازها و منافع سازمانی کاربران، اشاعه و سازوکارهای پیوند[۱].

هابرمن و تِرلر[۲] (۱۹۹۱) یکی از جالب‌ترین شاخص‌های سازوکارهای پیوند بین پژوهشگران و کاربران را ابداع کرده‌اند. این سازوکارها شامل تماس‌های شخصی غیررسمی، عضویت در کمیسیون‌ها، و اشاعه دانش به سازمان‌های غیردانشگاهی می‌شود. در این سازوکارهای پیوند هر اندازه پژوهشگران منابع بیشتری ارائه بدهند، کاربست پژوهش‌های علوم اجتماعی افزایش می‌یابد. همانند مدل اشاعه، ممکن است چنین نتیجه‌گیری شود که کاربست دانش زمانی افزایش می‌یابد که هزینه‌های متحمل‌شدهٔ پژوهشگران افزایش و برای کاربران کاهش یابد (لندری و همکاران، ۲۰۰۱).

۱-۵-۲. مدل‌های مبتنی بر ماهیت کاربست دانش

کاربست، به لحاظ مفهومی بسیار گسترده است و در رابطه با معنای واقعی کاربست دانش مورداستفاده قرار می‌گیرد. از لحاظ عملی نیز مقیاس کاربست تقریباً به کاربرد ابزاری دانش، یعنی مشارکت دانش در تصمیمات متخصصان و سیاست‌گذاران، منحصر شده است (لندری و همکاران، ۲۰۰۱). جست‌وجو برای جنبه‌های غیرابزاری کاربست دانش ما را به کاربردهای مفهومی و نمادین رهنمون می‌سازد. در واقع، پژوهش روی کاربست یافته‌های پژوهشی سه نوع استفاده از دانش را نشان داده است: ابزاری[۳]، مفهومی[۴] و نمادین[۵] (ژاکوبسون و همکاران، ۲۰۰۴؛ آمارا و همکاران، ۲۰۰۴ و بیر، ۱۹۹۷). ژوهانسون[۶] (۱۹۹۸)، نوع چهارم کاربست را تحت عنوان استفادهٔ فرایند علاوه بر سه مدل فوق افزوده است.

بَیِر[۷](۱۹۹۷) سه نوع کاربست پژوهش را به‌طور خلاصه این چنین تعریف کرده است: استفادهٔ ابزاری کاربرد نتایج به شیوه‌های مشخص و مستقیم را دربر می‌گیرد. استفادهٔ مفهومی، کاربرد نتایج برای روشنگری عمومی را شامل می‌شود؛ نتایج، کنش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند اما غیرمستقیم‌تر و نامشخص‌تر از استفادهٔ ابزاری. استفادهٔ نمادین برای مشروعیت‌بخشی و حفظ مواضع از پیش‌تعیین‌شده را دربر می‌گیرد.

۱-۵-۲-۱. استفاده ابزاری

استفادهٔ ابزاری از پژوهش، که اغلب «حل مسئله» خوانده می‌شود (ویس، ۱۹۷۹)، به کاربرد شواهد پژوهشی برای حل یک مسئلهٔ معین و قابل‌شناسایی اشاره دارد. در اینجا شواهد پژوهشی به‌طور مستقیم بر طراحی سیاست یا اشخاص سیاستگذار تأثیر می‌گذارد

۱ *Linkage mechanisms*
۲ *Huberman and Terler*
۳ *Instrumental*
۴ *Conceptual*
۵ *Symbolic*
۶ *Johnson*
۷ *Beyer*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

(ناتلی و همکاران، ۲۰۰۷). به عبارت بهتر، دانش به‌دست‌آمده از یک مطالعهٔ خاص، سیاست‌گذاران را مجاب می‌کند تا تصمیماتی اتخاذ کنند که در غیر این‌صورت، به آن نمی‌پرداختند (لندری و همکاران، ۲۰۰۱). نمونه‌هایی از کاربست ابزاری عبارت‌اند از: رفع‌کردن بی‌نتیجه‌بودن یک برنامه، اصلاح یک برنامه بر اساس ارزیابی، جهت‌گیری یک برنامه به مخاطبان جدید، اختصاص دادن بودجه جدید برای یک برنامه و ایجاد تغییر ساختاری در سازمان برای عمل کردن برنامه (ژوهانسون، ۱۹۹۸).

دیدگاه ابزاری به کاربست پژوهش، به دلیل عدم واقع‌گرایی موردانتقاد قرار گرفته است. کاپلان، موریسون و اشتانباخ[1] (۱۹۷۵) در پژوهش روی کاربست علوم اجتماعی در تصمیمات سیاسی در ایالات متحده پی بردند که ۴۰ درصد از کاربست‌ها ابزاری بوده‌اند. چنین یافته‌هایی نشان می‌دهند که شواهد پژوهشی ممکن است به هر حال بر تصمیمات سیاسی اثرگذار باشند. در واقع، استدلال اصلی که توسط منتقدین دیدگاه ابزاریِ کاربست مطرح می‌شود این است که پژوهش‌های علمی و دانشگاهی ممکن است کارکردهای دیگری نیز در فرایند تصمیم‌سازی داشته باشند (آمارا و همکاران، ۲۰۰۴).

۱-۵-۲-۲. استفادهٔ مفهومی

استفادهٔ مفهومی، که «روشنگری» نیز نامیده می‌شود، از پژوهش به ارائهٔ شیوه‌های جدید فهمیدن (به‌عنوان مثال، نظریه‌ها یا فرضیه‌ها) اطلاق می‌شود که به مؤسسات کمک می‌کند بدون نیاز به ایجاد تغییر مستقیم در سیاست‌هایشان، مسائل مبتلابه خود را بازتعریف کنند (ناتلی و همکاران، ۲۰۰۷). در اینجا، دانش به‌دست‌آمده عقاید جدید، نظریه‌های جدید و فرضیه‌های جدیدی ارائه می‌کند که بدون ضرورت ایجاد تغییر در تصمیمات، [سیاست‌گذاران] را به تفسیرهای جدیدی نسبت به موضوع و حقایق احاطه‌کنندهٔ زمینهٔ سیاست‌گذاری هدایت می‌کنند (لندری و همکاران، ۲۰۰۱). در واقع، استفاده مفهومی فرایند شناخت (تفکّر) سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان را نسبت به برنامه تغییر می‌دهد. آگاه‌شدن از نتایج پژوهش‌ها و ارزیابی‌ها، آگاه شدن از ویژگی‌های برنامه از طریق ارزیابی، شکل‌دادن نگرش‌ها نسبت به برنامه‌ای خاص به دلیل نگرش توسعه‌ای یا ارزیابانه، آگاه شدن از فرایند پژوهش و ارزیابی به‌طور عام برخی از نمونه‌های استفادهٔ مفهومی هستند (ژوهانسون، ۱۹۹۸).

یک روش جایگزین برای مفهوم‌سازی فرایند تصمیم‌گیری و نقشی که پژوهش‌ها در آن ایفا می‌کنند ارجاع به مدل «زباله ـ قوطی»[2] تصمیم‌گیری است. فرض این مدل بر این است که فرایند تصمیم‌گیری اغلب بی‌نظم‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر از چیزی است که در مدل عقلانی تصمیم‌گیری به‌عنوان یک فرایند مرتب و قابل‌پیش‌بینی در نظر گرفته می‌شود. برخلاف مدل عقلانی، مدل زباله – قوطی فرض می‌کند که «مسائل، راه‌حل‌ها و فرصت‌های انتخاب از نظر مفهومی جدا از کنشگران درون یک سازمان هستند و می‌توانند مستقل از آن‌ها تحلیل شوند» (البیک، ۱۹۹۵). در نتیجه، کنشگرانی که در فرایند تصمیم‌گیری درگیر هستند همیشه نمی‌توانند فرایند به شیوه‌ای که می‌خواهند هدایت کنند. طبق مدل زباله ـ قوطی، تصمیم‌گیران بیشتر از آن‌که به صورت ابزاری و مستقیم از پژوهش‌های دانشگاهی استفاده کنند، آن‌ها را به‌صورت پراکنده و غیرمستقیم به‌کار می‌گیرند. اکنون به‌طور گسترده‌ای فرض می‌شود که پژوهش‌های علوم اجتماعی در سازمان‌های دولتی بیشتر به‌صورت مفهومی مورداستفاده قرار می‌گیرند تا ابزاری. به‌عنوان مثال، کاپلان، موریسون اشتانباخ (۱۹۷۵) پی‌بردند که ۶۰ درصد تصمیم‌گیران شواهد پژوهشی را به‌صورت مفهومی به‌کار می‌گیرند (آمارا و همکاران، ۲۰۰۴).

۱-۵-۲-۳. استفادهٔ نمادین

علاوه بر استفادهٔ ابزاری و مفهومی، برخی نویسندگان بر این واقعیت تأکید می‌کنند که سیاست‌گذاران می‌توانند پژوهش‌های علوم اجتماعی را به‌صورت نمادین به‌کار گیرند. در این شیوه، کاربست شواهد پژوهشی برای مشروعیت‌بخشی به دیدگاه‌های کارشناسان

1 *Caplan, Morrison and Stambaugh*
۲ *Garbage-can model*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

و سیاست‌گذاران (لندری و همکاران، ۲۰۰۱) و تأیید برنامه‌هایی است که آن‌ها می‌خواهند ارائه دهند؛ یا این‌که پژوهش برای حمایت از منافع سیاسی خویشتن (ژوهانسون، ۱۹۹۸)، تأیید وضعیت سیاسی موجود و در نتیجه ترویج یک سیاست یا اقدام خاص مورداستفاده قرار می‌گیرد (ناتلی و همکاران، ۲۰۰۷).

همانند استفادهٔ ابزاری و مفهومی، استفادهٔ نمادین از پژوهش را نیز می‌توان به نظریهٔ تصمیم‌گیری پیوند داد. در این مورد، مدل چانه‌زنی ـ تعارض[۱] تصمیم‌گیری یا مدل سیاسی، که موقعیت‌هایی را توصیف می‌کند که در آن‌ها پژوهش به‌عنوان مهمات سیاسی[۲] مورداستفاده قرار می‌گیرد، ترجیح داده می‌شود.

برخی از نویسندگان کاربست نمادین را «متقاعدکننده»[۳] (استابروکس[۴]، ۱۹۹۹) و حتی «توطئه‌آمیز»[۵] (هابرمن[۶]، ۱۹۸۷) می‌دانند و برخی دیگر از این ایده حمایت می‌کنند که استفادهٔ نمادین از اطلاعات «استفادهٔ بد (منفی) از دانش را منعکس می‌کند، درحالی‌که استفادهٔ ابزاری و مفهومی، کاربرد واضح اما خوب از اطلاعات را نشان می‌دهد». در هر صورت، می‌توان اذعان کرد که استفادهٔ نمادین از یافته‌های پژوهشی با استفادهٔ ابزاری و مفهومی همزیستی دارد و این سه شیوهٔ استفاده، بیشتر ابعاد مکمل کاربست پژوهش هستند تا متناقض (آمارا و همکاران، ۲۰۰۴).

۱-۵-۲-۴. استفادهٔ فرایند

استفاده فرایند زمانی اتفاق می‌افتد که افراد درگیر در فرایند پژوهش و ارزیابی در نتیجهٔ مشارکت در پژوهش، دچار تغییرات رفتاری و شناختی می‌شوند. در واقع، این تغییرات از یادگیری و واکنش تجربی منتج می‌شود. پاتون[۷] (۱۹۹۷) استفادهٔ فرایند را «استفاده از منطق، به‌کارگیری استدلال و راهنمایی گرفتن بر اساس ارزش‌هایی که پژوهش را تقویت می‌کنند» تعریف کرده است. استفاده فرایند، یادگیری اندیشیدن همانند یک ارزیاب یا پژوهشگر است و ممکن است به کمک مهارت‌های بهبودیافته، ارتباطات ارتقایافته، تصمیم‌سازی‌های اصلاح‌شده، افزایش استفاده از رویه‌های ارزیابی، تغییرات در سازمان و افزایش اعتقاد و احساس به مالکیت محصولات پژوهش و ارزیابی، نتایج آن در درازمدت آشکار شود (ژوهانسون، ۱۹۹۸). استفادهٔ فرایند تا حدودی با استفادهٔ ابزاری و مفهومی هم‌پوشانی دارد.

بحث در مورد فراوانی استفاده از این سه نوع کاربست تحت تأثیر شیوهٔ پژوهشگران برای مفهوم‌سازی فرایند تصمیم‌سازی قرار دارد. در وهلهٔ اول، «استفاده مستقیم، قابل‌نمایش و ابزاری از تحقیق برای حل مسائل کاملاً واضح از پیش‌تعیین‌شده بر اساس وجود واقعی یک فرایند عقلانیِ تصمیم‌سازی پیش‌بینی شده است» (البیک، ۱۹۹۵). به نظر وایس استفادهٔ ابزاری از پژوهش کمتر اتفاق می‌افتد و وقتی انجام می‌گیرد در سازمان‌های خصوصی بیشتر از ارگان‌های دولتی و عمومی‌رواج دارد (وییس، ۱۹۸۰). همین‌طور کاپلان (۱۹۷۵)، پلز (۱۹۷۸) و وییس (۱۹۸۰) ادعا کرده‌اند که استفادهٔ نمادین بسیار شایع‌تر از دو نوع دیگر است (ووشتنهاگن و همکاران، ۲۰۰۷ و بنت و همکاران، ۲۰۱۷).

۱-۵-۳. مدل‌های مبتنی بر فرایند کاربست دانش

۱ *bargaining-conflict model*

۲ *political ammunition*

۳ *Convincing*

۴ *Estabrooks*

۵ *conspiratorial*

۶ *Huberman*

۷ *Patton*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مدل‌ها و پارادایم‌های بسیار کمی برای تحلیل رابطهٔ بین تولید دانش و اشاعه و کاربرد آن ارائه شده است. سنجش میزان کاربست دانش یک رویداد لحظه‌ای و مجرد نیست، بلکه فرایندی متشکل از چندین رویداد است. این فرایند با توجه به افراد و سازمان‌های مختلف ممکن است در یک دورهٔ طولانی اتفاق بیفتد و یا چند دقیقه طول بکشد. درون هر مرحله نیز تغییرات متعددی وجود دارند که چگونگی فرایند کاربست را تحت تأثیر قرار می‌دهند (ریچ[1]، ۱۹۹۱). در این قسمت به مدل‌هایی اشاره خواهد شد که فارغ از ارتباط بین پژوهشگر و کاربر و نیز ماهیت کاربست دانش، ناظر بر این امر هستند که کاربست دانش طی یک فرایند اتفاق می‌افتد که مشتمل بر مراحلی است که اثر انباشتی و هم‌افزائی در بیشتر موارد بر همدیگر دارند.

۱-۵-۳-۱. مدل چهارمرحله‌ای ریچ

از نظر ریچ (۱۹۹۱) فرایند کاربست شامل چهار مرحله است: (۱) انتقال دانش: این مرحله شامل تولید دانش و/یا اشاعهٔ دانش موجود است؛ (۲) جذب دانش: تحصیل و دریافت دانش توسط کاربران معین بر اساس نیازها و ضرورت موقعیتی از طریق شیوه‌های مختلف مانند مشاوره، گفت‌وگوی رودررو، تلفن و ...؛ (۳) پردازش اطلاعات: شامل چندین فرایند مجزا از جمله فهمیدن اطلاعات دریافتی، آزمودن آن بدون توجه به بینش‌ها و پیش‌فرض‌های خود، آزمودن روایی و پایایی و ترجمهٔ دانش به شکلی که قابل‌استفاده باشد (در رابطه با این مرحله باید توجه داشت که «آزمودن» لزوماً به معنای آزمایش‌های تجربی مرسوم نیست و ممکن است رویه‌های شناختی را شامل شود و «ترجمه به شکل قابل‌استفاده» به ترجیحات کاربران ارتباط دارد)؛ و (۴) به کاربردن دانش: پس از جذب و پردازش اطلاعات، ممکن است دانش به‌وسیلهٔ «کاربر»[2] مورداستفاده قرار بگیرد و یا قرار نگیرد. در واقع، به‌کار بردن دانش تصمیم به استفاده و یا عدم استفاده از دانش را دربر می‌گیرد. در این مرحله، کاربست و یا عدم کاربست دانش به یک اندازه معنی دارند. همهٔ این مراحل برای درک کاربست دانش ضروری‌اند و ممکن است در ذهن یک فرد، در یک سازمان خاص، در یک شبکه و یا در چندین سازمان و فرد رخ دهند.

فرایند کاربست مستقیماً تحت تأثیر (الف) نوع اطلاعات در دسترس و اهداف کاربست (مثلاً داده‌های آماری، نظر یک متخصص، و پژوهش ارزیابی) و (ب) حوزهٔ حل مسئله‌ای که در آن دانش به‌کار گرفته می‌شود (مثلاً سیاست‌گذاری آموزشی، موضوعات سرمایه‌گذاری، و سیاست‌گذاری سلامت). انواع گوناگون دانش ممکن است در حوزه‌های سیاست‌گذاری مجزا به‌گونهٔ متفاوتی به کار بسته شوند. بنابراین، نیازهای کاربران در حوزه‌های معین در درک کاربست دانش اهمیت بالایی دارد.

استفاده از دانش پدیده‌ای پیچیده است که مؤلفه‌های محیطی، سازمانی و نگرشی را دربر می‌گیرد و به همین میزان به ویژگی‌های خاص اطلاعات (دانش/ پژوهش) از قبیل منابع، محتوا و مقدار دانش دریافتی توسط سیاست‌گذاران وابسته است (اوه، ۱۹۹۷).

۱-۵-۳-۲. مقیاس شش‌مرحله‌ای نات و وایلداوسکی

لندری و همکاران، (۲۰۰۱) اشاره کرده‌اند که پژوهشگران مختلف، مقیاس‌ها و شاخص‌های متعددی برای فرایندهای کاربست دانش و سنجش آن طراحی کرده و آزموده‌اند (کرسبرگن و واردن، ۲۰۰۴ و رودس، ۱۹۹۶). رایج‌ترین و مستندترین آن‌ها عبارت‌اند از: مقیاس سطوح کاربست (هال و همکاران، ۱۹۷۵)، مقیاس درجهٔ مربوط بودن (هال و همکاران، ۱۹۷۹)، مقیاس کاربست ارزیابی (جانسون، ۱۹۸۰)، شاخص کاربست پژوهش (پِلز و هورسلی، ۱۹۸۱)، مقیاس کلی تأثیر سیاست (فان‌دِ وال و بَولز، ۱۹۸۲) و مقیاس کاربست اطلاعات (لارسِن، ۱۹۸۲). اگرچه این مقیاس‌ها یک گام در مسیر درست ارائه می‌دهند، اما بسیار بر استفاده ابزاری متمرکز

1 *Rich*

۲ اصطلاح «کاربر» در ترجمهٔ واژهٔ (*user*) به‌کار رفته است و منظور از آن استفاده‌کنندگان از پژوهش‌ها و نتایج آن‌هاست که مخاطبان غیردانشگاهی از قبیل سیاستگذاران، مقامات سیاسی، مدیران و متخصصان بخش‌های عمومی، خصوصی و انجمن‌های اجتماعی را شامل می‌شود. اصطلاحات «کاربر بالقوه» و «کاربر نهایی» نیز چنین دامنه‌ای از افراد را دربر می‌گیرند. معمولاً در بحث کاربست دو طرف یا دو اجتماع در نظر گرفته می‌شود، که در تعامل با یکدیگر هستند: پژوهشگران (دانشمندان) و کاربران (استفاده‌کنندگان).

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

شده‌اند، بر یک نوع خاص از پژوهش تأکید زیادی دارند (ارزیابی) و بیش از حد در سطح ادراکی تعریف شده‌اند (لندری و همکاران، ۲۰۰۱). از نظر لَندری و همکاران (۲۰۱۱)، مقیاس نات و وایلداوسکی[۱] (۱۹۸۰) این کاستی‌ها را ندارد و نقطه قوت آن در این است که کاربست پژوهش را به‌عنوان یک فرایند پیچیده و انباشتی (تجمعی) عملیاتی کرده است که چندین مرحله را طی می‌کند: «انتقال»[۲]، «شناخت»[۳]، «ارجاع»[۴]، «تلاش»[۵]، «تأثیر»[۶] و «اِعمال»[۷]. این مدل از این جهت انباشتی است که طبق آن، شناخت براساس انتقال شکل می‌گیرد، ارجاع بر اساس شناخت، تلاش بر اساس ارجاع، تأثیر بر اساس تلاش و اعمال بر اساس تأثیر (لندری و همکاران، ۲۰۰۱). این مراحل به یک نردبان شبیه هستند که گام گذاشتن در مرحلهٔ بعدی نیازمند گذشتن از مرحلهٔ قبل است. با استفاده از این نردبان می‌توان نشان داد که کاربست دانش باید به‌عنوان یک فرایند درک شود، که جزء به جزء آن متکی بر تصمیمات کسانی است که در فعالیت‌های ارتباطی و مبادله‌ای خاصی محصول پژوهش را ارائه می‌دهند (چرنی و مک‌گی، ۲۰۱۰). البته، نردبان کاربست به علت فهم خطی از فرایند کاربست موردانتقاد قرار گرفته است. به‌نظر دیویس و ناتلی[۸] (۲۰۰۸) این مدل مرتب و مرحله‌ای چنین القا می‌کند که همهٔ مراحل باید به ترتیب طی شوند و همهٔ آن‌ها به یک اندازه مهم و انباشتی هستند و تلاش‌های یکسانی برای عبور از هر «پله از نردبان» لازم است.

جدول ۱-۱۳: مراحل کاربست دانش

مرحله ۱	انتقال	دانش به متخصصان و کارشناسان مرتبط با مسئله انتقال یافته است.
مرحله ۲	شناخت	متخصصان و کارشناسان مربوطه گزارش پژوهش را مطالعه کرده و فهمیده‌اند.
مرحله ۳	ارجاع	اثر پژوهشی در گزارش‌ها، مطالعات و راهبردهای عملی که توسط متخصصان و کارشناسان مربوطه تهیه شده، به‌عنوان مرجع مورداستناد قرار گرفته است.
مرحله ۴	تلاش	متخصصان و کارشناسان مربوطه برای پذیرش و اقتباس نتایج پژوهش تلاش‌هایی کرده‌اند.
مرحله ۵	تأثیر	نتایج پژوهش بر انتخاب و تصمیم متخصصان و کارشناسان اثرگذار بوده است.
مرحله ۶	اِعمال	متخصصان و کارشناسان مربوطه نتایج پژوهش را به کار برده و توسعه داده‌اند.

مأخذ: لَندری و همکاران (۲۰۰۱) (تعدیل‌شدهٔ مدل نات و وایلداوسکی، ۱۹۸۰)

چرنی و مک‌گی این انتقاد را رد می‌کنند؛ زیرا بالارفتن از نردبان کاربست تحت تأثیر سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های گوناگونی است که استفاده از پژوهش را ارتقا می‌دهند. درحالی‌که مطالعات نشان می‌دهند کاربست پژوهش به روش غیرخطی رخ می‌دهد، مزایای تحلیلی استفاده از نردبان کاربست این است که افراد را قادر می‌سازد عواملی را شناسایی کنند که چرایی موفقیت برخی پژوهشگران در بالا رفتن از مراحل مختلف نردبان دانش و ویژگی‌های تمیزدهندهٔ آن‌ها را شرح می‌دهند. در یک سطح وسیع‌تر این امر درس‌های نظری و تجربی برای دانش‌پژوهان و مدیران دانشگاه‌های علاقه‌مند به بحث کاربست دانش دارد و این‌که کدام فعالیت‌ها کاربست پژوهش را تسهیل می‌کنند یا به‌عنوان مانع و محدودیتی در مقابل آن عمل می‌کنند (چرنی و مک‌گی، ۲۰۱۰).

۱-۵-۳-۳. چارچوب جامع و یکپارچه علم و عمل

بنت و همکارانش (۲۰۱۶) در ارتباط با کاربست علوم اجتماعی و تبدیل علوم اجتماعی به جریان اصلی در علوم حفاظت از محیط زیست این مدل را توسعه داده‌اند. مدل آنها مبتنی بر فرایندی از کاربست است که تلاش می‌کند تا علم و عمل را با هم ترکیب

۱ *Knott and Wildavski*

۲ *Transmission*

3 *Cognition*
4 *Referrnce*
5 *Effort*
6 *Influence*
7 *Application*
8 *Davies and Nutley*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

نماید. در واقع با استفاده از چاچوبی جامع و یکپارچه، تلاش بر طی فرایندی است که علم را در عرصه عمل بکار گیرد. به باور این پژوهشگران، علم حفاظت باید فراگیر، یکپارچه و مشارکتی باشد تا بتواند چالش‌های حفاظتی قرن بیست و یکم را درک کرده و به آنها رسیدگی کند. آنها استدلال می‌کنند که علوم اجتماعی نقش مهمی در بهبود حفاظت از دریا و خشکی و به طور گسترده‌تر در تئوری و عمل مدیریت محیط زیست ایفا می‌کند. از این رو آنها پیشنهاد نمی‌کنند که علوم اجتماعی حفاظت به تنهایی می‌تواند مشکلات حفاظت را حل کند یا اینکه دانشمندان علوم اجتماعی و طبیعی با ابزارها و روش‌های خود بهتر است در کنار هم بنشینند و تحقیق را برای حل مسائل حفاظت محیط زیست بکار بگیرند. با این اوصاف آنها، حفاظت را به عنوان یک عمل لزوماً چند رشته‌ای و بین رشته‌ای می‌دانند. یعنی نیاز به درک هر دو سامانه طبیعی و اجتماعی و همکاری بین دانشمندان علوم طبیعی و اجتماعی دارد. همچنین فرا رشته‌ای می‌دانند، به این معنی که نیازمند همکاری بین پژوهشگران، متخصصان (کارشناسان)، سیاست‌گذاران و ذینفعان است (شکل ۱–۸). بنابراین بنت و همکاران (۲۰۱۶)، در چارچوب جامع و یکپارچه علم و عمل مدعی هستند که حوزه‌ای بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای خوب برای حفاظت نیازمند درک کامل و توجه به تفاوت‌ها و مشارکت‌های رشته‌ای است. بحث‌ها در طول مرزهای رشته‌ای و علم به کنش، چالش‌برانگیز اما ارزشمند هستند زیرا این تلاش‌ها، حداقل، زمینه را برای درک متقابل بهتر فراهم می‌کنند و در بهترین حالت، به نتایج بهتر حفاظت کمک خواهند کرد. این ادغام رشته‌ای و دنیای واقعی باید در تمام مراحل چرخه تحقیق تا اقدام حفاظت انجام شود و در عین حال برای نیاز به تعادل امکان‌سنجی، کارایی و اثربخشی در نظر گرفته شود.

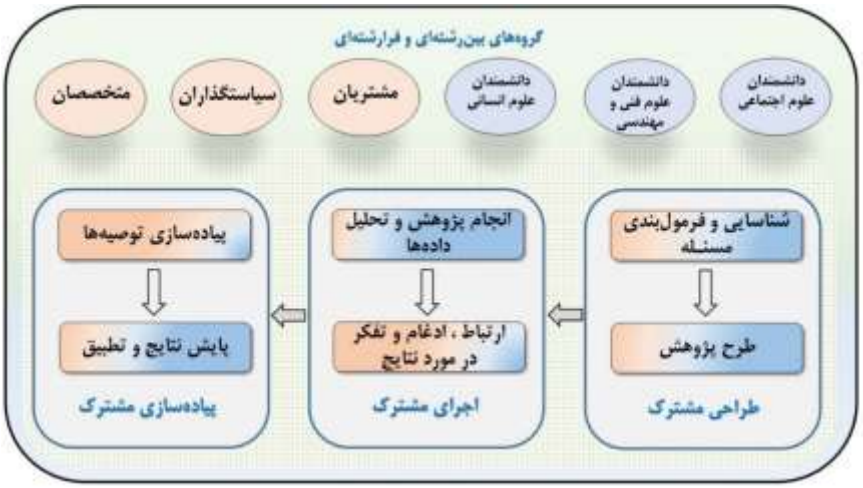

شکل ۱–۸: چارچوب جامع و یکپارچهٔ دانش و کنش در حکمرانی (مأخذ: بنت و همکاران، ۲۰۱۶)

جمع‌بندی

شناخت صحیح از مفهوم کاربست، نظریه‌ها و مدل‌های آن گامی اساسی در جهت تسهیل کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی تلقی می‌شود. در این فصل مفهوم کاربست و مدل‌های آن مورد بحث قرار گرفت. مطالعهٔ کاربست دانش و پژوهش که از دههٔ ۱۹۷۰ شروع شده است، به عنوان «فعالیت‌های مداخلاتی پژوهشی، عالمانه و برنامه‌ریزی‌شده با هدف افزایش استفاده از دانش جهت حل مسائل انسانی» تعریف شده و برای آن مدل‌های نظری و تجربی متعددی ارائه شده است. مدل‌های مبتنی بر ارتباط پژوهشگر/کاربر («فشار علم»، «کشش تقاضا»، «اشاعه» و «تعاملی»)، مدل‌های مبتنی بر ماهیت («ابزاری»، «مفهومی»، «نمادین» و «فرایند») و مدل‌های مبتنی بر فرایند کاربست (مدل چهار مرحله‌ای ریچ، مقیاس شش‌مرحله‌ای نات و وایلداوسکی و چارچوب جامع و یکپارچه علم و عمل) از جمله مدل‌های کاربست دانش هستند که در این فصل مرور و معرفی شدند.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

بر اساس نتیجهٔ پژوهش لَندری و همکاران (۲۰۰۱)؛ در مجموع، حدود نیمی از دانش علوم اجتماعی که در اولین گام کاربست عبور می‌کند به کارشناسان، متخصصان و سیاستگذاران اشاعه می‌یابد، در حالی‌که ۲۰ درصد نتایج پژوهش علوم اجتماعی حتی وارد اولین گام کاربست نمی‌شود. این نتیجهٔ توصیفی ساده نشان می‌دهد که نتایج پژوهش‌های علوم اجتماعی بیشتر از آن‌چه که تصور می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌علاوه، مقایسهٔ میانگین کاربست یافته‌های پژوهشی بین رشته‌های مختلف علوم اجتماعی نشان داد نتایج رشته‌هایی چون اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی نسبت به رشته‌های تخصصی مانند روابط صنعتی و مددکاری اجتماعی کاربست کمتری دارند. نتایج این پژوهش هم‌چنین نشان داد که عوامل تعیین‌کنندهٔ کاربست در مدل‌های فشار علم، کشش تقاضا و اشاعه پیش‌بین‌های مناسبی برای کاربست دانش شکل نمی‌دهند. هم‌چنین یافته‌ها حاکی از این است که تئوری «دو اجتماع» نیز نمی‌تواند رفتار واقعی دانش‌پژوهان علوم اجتماعی را توصیف کند. طبق نتایج این تحقیق، عوامل تعیین‌کننده در مدل تعاملی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های کاربست دانش در علوم اجتماعی را ارائه می‌دهند. مهم‌ترین یافتهٔ این پژوهش این است که کاربست دانش، بسیار بیشتر از آن‌چه که به ویژگی‌های محصول پژوهشی وابسته باشد، به عوامل مرتبط با زمینهٔ رفتار پژوهشگران و کاربران بستگی دارد. کاربست دانش اجتماعی بسیار پیچیده‌تر از چیزی است که توسط نظریه‌های موجود، از جمله نظریهٔ تعاملی ارائه شده است. در عوض، یافته‌ها نشان دادند که کاربست دانش تحت تأثیر فعالیت‌های اشاعه‌ای و سازوکارهای پیوند قرار دارد، اما تحت تأثیر عوامل تصادفی نیز قرار دارند که ادغام آن‌ها با توسعه نظریهٔ جامع‌تر تعاملی کاربست دانش مشکل است.

نتایج پژوهش چرنی و مک‌گی (۲۰۱۱) بیانگر آن است که سیاستگذاران و متخصصان اغلب به‌صورت مفهومی از پژوهش‌های علوم اجتماعی استفاده می‌کنند. هم‌چنین، بررسی جزئی‌تر کاربست دانش در نردبان سطوح کاربست حاکی از این است که تأثیرات گزارش‌شده سیر نزولی دارد. در حالی‌که بسیاری از پژوهشگران در سطح انتقال دانش (سطح ۱ کاربست دانش) فعالیت تأثیرگذاری داشته‌اند، در سطح فهم و سازگاری کارشناسان و متخصصان کاهش چشمگیری دیده می‌شود. هرچند تعدادی از پژوهشگران اعلام کرده‌اند پژوهش آن‌ها بر تصمیمات کاربران غیردانشگاهی تأثیر داشته و به کاربست آن توسط متخصصان و کارشناسان منجر شده است... البته برتری استفاده از پژوهش‌های علوم اجتماعی به‌صورت مفهومی، نباید این‌گونه تفسیر شود که پژوهش‌های دانشگاهی علوم اجتماعی کاربست مستقیم اندکی دارند یا کاربران نهایی بالقوه در حوزه سیاست و اقدام آن‌ها را بی‌ربط بدانند. همان‌طور که ویبس اشاره کرده است، تأثیر پژوهش علوم اجتماعی را باید به‌صورت فرایند «خزیدن دانش»[۱] فهمید که تأثیر تجمعی و نفوذکنندهٔ زیادی روی سیاست و کنش به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم دارد (ویبس، ۱۹۸۰).

بر اساس آنچه تشریح شد باید گفت تأثیر پژوهش علوم اجتماعی در حوزهٔ حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی را باید به‌صورت فرایند «خزیدن دانش» درک کرد که تأثیر تجمعی و نفوذکنندهٔ زیادی روی سیاست و کنش به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم دارد. اهمیت تشریح ابعاد و ماهیت کاربست دانش با تأکید بر علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی در این است که صرفاً جنبه ابزاری کاربست دانش را لحاظ نکنیم بلکه در تدوین سازوکارهای کاربست علوم اجتماعی به جنبه‌های مفهومی آن نیز توجه نمود. بنابراین با الهام مدل‌هایی که مرور شدند، می‌توان این مدل‌ها را برای کاربست حوزه دانشی علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی مورد بهره‌برداری قرار داد. اگر دستاوردهای علوم اجتماعی را در فرایندهای حکمرانی، ناظر بر تجهیز حکمرانی به دانش اجتماعی برای راهبری ایجاد توسعه پایدار در صنعت برق و تأمین انرژی پایدار و مطمئن بدانیم و از آن در مسیر تحقق حکمرانی خوب استفاده کنیم، ناگزیریم که از همه الگوهای موجود در کاربست دانش استفاده کنیم. زیرا علوم اجتماعی، دانشی است که در روشنگری، خودانتقادی، متقاعدسازی، توسعه ارتباطات و بسترسازی مشارکت و ایجاد زمینه‌های توسعه مردم‌گرایانه به بهترین نحو ایفای نقش می‌کند. بنابراین کاربست آن در وهله اوّل مستلزم اتخاذ چارچوبی تعاملی بین پژوهشگران و صاحبنظران

۱ *knowledge creep*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

حوزه علوم اجتماعی انرژی و کاربران در عرصه حکمرانی صنعت برق و انرژی است. در چنین فضائی، حوزه دانش به ارائه دستاوردهای خود با استفاده از روش‌های مختلف اشاعه پرداخته تا به عرصه حکمرانی کمک نماید. بدون تردید، در نظر گرفتن هر دو طرف تولیدکننده دانش و کاربر دانش در یک فضای مجزا و یا دو اجتماع بدون تعامل با یکدیگر به اثربخشی دانش اجتماعی انرژی نخواهد انجامید. تجربه‌های اجرای پژوهش‌های علوم اجتماعی از اواخر دهه هفتاد در وزارت نیرو و زیرمجموعه حسب نیاز حوزه نیرو و عدم ورود پژوهش‌های دانشگاهی در قالب پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویی و یا عدم شکل‌گیری حوزه دانشی بین‌رشته‌ای علوم اجتماعی انرژی از طرف دانشگاه و یا مراکز پژوهشی بیانگر ناکارآمد بودن اتکا به روش‌های کاربست دانش در قالب ارتباط پژوهشگر/کاربر بر مبنای الگوهای فشار علم و کشش تقاضا است. از این رو آنچه منطبق با شرایط کنونی حکمرانی صنعت برق و انرژی برای استفاده از دانش علوم اجتماعی باشد، فراهم نمودن فضایی برای تعامل این دو اجتماع است. به این معنا که اجتماع علمی حوزه علوم اجتماعی در پیوندی تنگاتنگ با عرصه حکمرانی باشد. در یک دهه اخیر وزارت نیرو از طریق گروه‌های پژوهشی علوم انسانی در پژوهشگاه نیرو، تلاش نموده تا این بستر ایجاد گردد. این گروه‌ها ضمن اینکه در قلب صنعت برق به پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی صنعت برق و انرژی می‌پردازند، به مثابه حلقه واسطی نیز بین دانشگاه و صنعت عمل می‌کنند هر چند در ابتدای راه هستند. مدل تعاملی اگرچه در کاربست همه عرصه‌های دانشی مثمر ثمر است امّا برای کاربست علوم اجتماعی، کارامدترین مدل است. زیرا دستاوردهای علوم اجتماعی و ماهیت این رشته دانشی، در صورتی که بخواهیم آنها را به کار ببندیم، با منطق تعامل، نسبت بیشتری دارند تا مدلی که یکطرفه باشد. درواقع عرضه دانش علوم اجتماعی به حکمرانی صنعت برق و انرژی توسط پژوهشگران و یا درخواست پژوهش توسط کاربران در این صنعت، در صورتی کارآمدتر و یا اثرگذار خواهد بود که در تعاملی بین این دو طرف و با استفاده از سازوکار اشاعه باشد. محصولات فناورانه و یا برخی دیگر از دانش‌های کاربردی در این صنعت، ممکن است با مدل‌های دیگر ارتباط پژوهشگر/کاربر نیز، کاربست قابل قبولی داشته باشند. با توجه به آنچه در فصل پیشین اشاره شد، شکل‌گیری تعامل در کاربست دانش علوم اجتماعی، مستلزم بسترسازی با استفاده از الگوهای مبتنی بر جریان‌سازی و گفتمان‌سازی است. برای همین نیز سعی شد تا ابتدا به مباحث نظری و عملی بسترسازی اشاره شود و سپس وارد الگوهای کاربست شویم. به عبارتی دیگر، بسترسازی گامی در جهت ایجاد فضای مناسب مبتنی بر رفع و اصلاح عوامل امتناع و ارتقاء عوامل امکان برای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن می‌باشد.

بر اساس مدل‌های مبتنی بر ماهیت کاربست، باید گفت که ماهیت کاربست دستاوردهای علوم اجتماعی، بیشتر با کاربست مفهومی، قرابت دارد. زیرا همانطور که اشاره شد، علوم اجتماعی مبتنی بر گزاره‌هایی از جنس نرم‌افزاری بوده که در ابتدای امر بر روشنگری، درک و فهم فرایندهای توسعه، بسترسازی برای توسعه مردم‌گرایانه، خودانتقادی و انتقاد از دیگران و متقاعدسازی و مواردی از این قبیل در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی تأکید دارد. در واقع اگر کارکردهای دانش علوم اجتماعی در این عرصه را ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در فرایندهای سیاستگذاری تا اجرای اقدامات توسعه‌ای و مدیریتی بدانیم که بر اساس آن برای ارتقاء مسئولیت اجتماعی حکمرانی و شهروندان، مشترکین و دیگر ذینفعان تلاش کنیم؛ شهروندان، مشترکین و دیگر ذینفعان و حتی متولیان حکمرانی و مدیریت را برای این اقدامات متقاعد کنیم تا پذیرای آنها باشند و در نهایت مشارکت آنها جلب شود؛ خود فرایندی مفهومی است تا اینکه بهره‌برداری مستقیم و ابزاری از این دانش باشد. هر چند ناگفته نماند می‌توان از این دانش استفاده ابزاری نیز کرد بویژه زمانی که در ارتقاء مسئولیت اجتماعی، پذیرش اجتماعی و جلب مشارکت عمومی، روش‌های متواتری را که در اثر زمان در جامعه و نظام حکمرانی جامی‌افتند به کار ببریم و در بازه زمانی و مکانی مشخصی بتوانیم بهره‌برداری کنیم. امّا آنچه در واقعیت دیده می‌شود، مواجهه با فرایندی بطئی و زمانبر است که بتوانیم با استفاده از الگوهای اجتماعی در جامعه اثرگذار باشیم. برای مثال، فرهنگ‌سازی برای صرفه‌جویی شهروندان در مصرف برق، مستلزم یک نظام متقاعدسازی از طریق روش‌ها و فنون مختلف است که دوره زمانی مشخصی را نمی‌توان برای آن متصور شد. از این رو در میان مدل‌های مبتنی بر ماهیت، باید گفت کاربست مفهومی، سازگاری بیشتری با کاربرد دانش علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی دارد. دو مدل دیگر یعنی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

کاربست فرایند و نمایشی نیز مثل کاربست ابزاری قابل بهره‌برداری هستند امّا بحث ما در رابطه با این دو موضوع متفاوت است. کاربست نمایشی، صرفاً کاربست علوم اجتماعی برای نمایش مشروعیت و مقبولیت نظام حکمرانی است که نسبتی با اخلاق حکمرانی خوب ندارد و بیشتر در حیطه حکمرانی آمرانه قرار می‌گیرد که نشان دهد این حوزه دانشی را در عرصه حکمرانی پیاده نموده است. برای مثال در پژوهشی تأکید شود که اثرات اجتماعی یک سد برق‌آبی برآورد شده امّا در واقع اقدامی نسبت به اینکه اگر اثرات منفی داشته باشد، انجام ندهد و صرفاً در جهت کسب رضایت عمومی اعلام نماید که مطالعات اجتماعی را انجام داده و به تعبیر، این اقدام توسعه‌ای، دارای پیوست اجتماعی است. کاربست فرایند، اگر اتفاق بیفتد بیانگر، کاربست در حین استفاده از دانش در عرصه عمل است. به نظر می‌رسد اتکا به الگوهای تعاملی به سبک مفهومی در کاربست دانش علوم اجتماعی، ممکن است اتفاقات خوشایندی را در طی فرایند کاربست رقم بزند. در واقع دو طرف پژوهشگر و کاربر بر هم تأثیرگذار بوده و طی فرایند یک اقدام توسعه‌ای یا مدیریتی، در بهبود امر، نقش داشته باشند.

با توجه به مباحثی که اشاره شد، برای کاربست دستاوردهای علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی، نیازمند اتخاذ رویکردی تعاملی مبتنی بر مدل مفهومی هستیم اگرچه مدل کاربست فرایند نیز می‌تواند الگویی ایده‌آل باشد. دسته سوم مدل‌های کاربست که کاربست را مرحله‌ای و فرایندی تلقی می‌کنند، قرابت بیشتری با کاربست علوم اجتماعی در مقایسه با دیگر مدل‌های بررسی‌شده دارند. زیرا بر طبق اصولی که در این نوع کاربست اشاره شد، آنچه می‌تواند دستاوردهای علوم اجتماعی را به بهترین نحو به مرحله استفاده برساند، پیروی از یک سلسله اقدامات است. اگر فرض بر این باشد که کاربست مفهومی در یک الگوی تعاملی، بستر کاربست دانش علوم اجتماعی را بهتر فراهم می‌کند، پیروی از الگوهای فرایندی در این دو مدل، به طور مستدل‌تری می‌تواند، کاربرد دانش را عملی نماید. وقتی ما بر این باوریم که باید تعامل بین پژوهشگر/کاربر برقرار شود تا بتوان به طور مفهومی، بستر کاربست دانش را فراهم نمود، پس چنین امری نیازمند طی مراحلی است که در مدل‌های مبتنی بر فرایند، ارائه شده است. به این معنا که پژوهشگران و صاحبنظران باید در یک بستر تعاملی و به صورتی مفهومی، ابتدا دانش را با الگوهای مقتضی به کاربران انتقال (اشاعه) داده و زمینه شناخت این حوزه را در آنها تقویت نمایند. سپس پس از طی دیگر مراحل، اثرگذاری دانش را تقویت نمایند. همینطور در طراحی پژوهش‌ها می‌توان در چنین بستری که مبتنی بر چارچوب جامع و یکپارچه علم و عمل است، دانش علوم اجتماعی را مورد بهره‌برداری قرار داد. در نهایت باید گفت، واقعیت کاربست دانش علوم اجتماعی مستلزم بستری تعاملی بین پژوهشگران و صاحبنظران حوزه علوم اجتماعی بوده و باید پذیرفت جنبه‌های کاربست مفهومی این دانش به کاربست ابزاری آن در مقایسه با دیگر علوم فنی و مهندسی و حتی علوم کاربردی حوزه علوم انسانی می‌چربد. همینطور کاربست مفهومی نیز در چنین بستری، ناگزیر از اتخاذ الگوهای مبتنی بر فرایند است و بدون طی مراحل مربوطه، دانش علوم اجتماعی، اثرگذاری مورد نظر را بر حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی نخواهد داشت. پس الگوی پیشنهادی ما در نهایت ترکیبی از سه مدل کاربست دانش بوده و به نظر می‌رسد این الگو کارامدی و اثرگذاری بیشتری داشته باشد و با واقعیت‌های این حوزه دانشی و عرصه حکمرانی نیز سازگاری بیشتری دارد. د رچارچوب این الگوی ترکیبی، اصل بر پذیرفتن دانش علوم اجتماعی به مثابه سازوکاری است که در مسیر حکمرانی و مدیریت اقدامات توسعه‌ای و مدیریتی، به گونه‌ای مفهومی کاربرد دارد و به عبارتی دیگر، کاربست آن بیشتر مفهومی است تا ابزاری و مستقیم. حال ما چه بر کاربست مفهومی و چه ابزاری، اتکا کنیم، ماهیت این دانش به گونه‌ای است که جا دارد در یک فرایند چند مرحله‌ای بتوان بستر عملیاتی کاربردی بودن آن را فراهم کرد. همه این اقدامات نیز باز نیازمند ایجاد یک فضای تعامل است به این معنا که پژوهشگران و کاربران در تعامل بوده و با استفاده از طی فرایندهایی به برداشت و ادراک ذهنی مشترک از دانش مرتبط با حوزه کاری خود برسند. برای مثال ما در حوزه علوم اجتماعی اگر بخواهیم بحث ارزیابی تأثیرات اجتماعی را در راه‌اندازی یک نیروگاه به عرصه عملیاتی برسانیم باید در یک فرایند تعاملی، با استفاده از روش‌های مدل‌های مبتنی بر فرایند، عمل کنیم تا در نهایت، متولیان تأسیس نیروگاه برای رفع اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی نیروگاه و یا جبران و تعدیل آن اقدام نمایند.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

در مجموع همه مدل‌ها در مسیر کاربست دانش در عرصه عمل مثمرثمر هستند امّا کاربست دستاوردهای علوم اجتماعی در عرصه عمل حکمرانی صنعت برق و انرژی بیشتر تعاملی، مفهومی و فرایندی است.

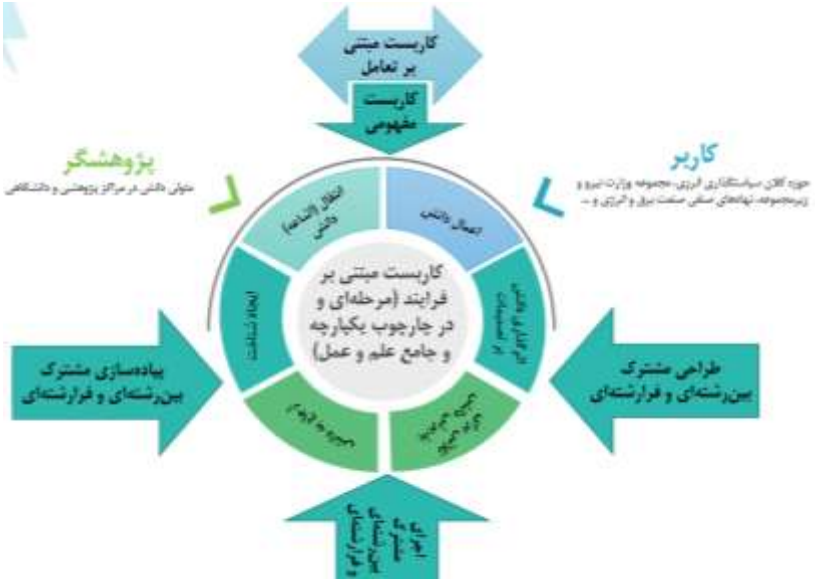

شکل ۱-۹: چارچوب پیشنهادی الگوی کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی

نتیجه‌گیری بخش اول

کاربست علوم اجتماعی یک مکمل اختیاری نیست بلکه یک مؤلفه حیاتی به همراه علوم طبیعی و مهندسی برای تصمیم‌گیری مؤثر در زمینهٔ صنعت برق و انرژی در هنگام برنامه‌ریزی، اجرا و مدیریت است. ادغام علوم اجتماعی و فیزیکی این اطمینان را به دست می‌دهد که این فرایندها واقعاً با بهترین اطلاعات موجود هدایت می‌شوند. در این کتاب، هدف ما روشن ساختن نقش و استدلال محکم برای تعامل حکمرانی صنعت برق و انرژی با علوم اجتماعی بود. ما به دنبال افزایش دانش و الهام بخشیدن به جذب علوم اجتماعی به‌منظور افزایش تأثیر آنها در سیاست و عملکرد حکمرانی و مدیریت انرژی هستیم. بااین‌حال، باید در نظر داشت که طراحی و اجرای پروژه‌های علوم اجتماعی انرژی و استراتژی‌های ارتباطی که پیشرفت‌های واقعی در شیوه‌ها یا نتایج حکمرانی را ممکن می‌سازد، کار ساده‌ای نیست.

قلمرو و وسعت علوم اجتماعی ـ از جمله رشته‌ها، نظریه‌ها و مباحث مختلف مطالعه، مقیاس‌ها و واحدهای تحلیل و ملاحظات طراحی تحقیق (از جمله؛ سطح همکاری، روش‌های تحقیق، رویکرد تحلیلی، معنی نتایج ارتباطی) در بین جوامع علمی نیاز به دانش و تأیید بیشتری دارد. به‌ویژه، مشارکت بیشتر رشته‌ها و تئوری‌های علوم اجتماعی نسبت به مواردی که معمولاً در پژوهش‌های انرژی موردتوجه هستند، ضروری است. هم‌چنین بر لزوم به‌رسمیت شناختن مزایای ارائه‌شدهٔ روش‌ها و رویکردهای متنوع تجزیه و تحلیل تأکید می‌شود. به‌عنوان مثال، همه ملاحظات ابعاد انسانی با روش‌های کمی، تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ یا ادغام در مدل‌های پیش‌بینی قابل‌قبول نیست. رویکردهای کیفی برای تحقیق می‌تواند بینش‌های متفاوتی ارائه دهد و درک ما از چگونگی بهبود و ارتقای حکمرانی و مدیریت انرژی را افزایش دهد.

بر اساس مطالعهٔ ادبیات موضوع برای تسهیل کاربست علوم اجتماعی (دانش نظری و یافته‌های پژوهشی) باید دلایل امتناع و شرایط امکان آن بررسی و شناسایی شوند. سپس عوامل محدودکننده و موانع تعدیل و یا حذف شوند و شرایط امکان کاربست

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تقویت و یا ایجاد شوند. در واقع با استفاده از الگوهای بسترسازی که مبتنی بر روش‌های جریان‌سازی و گفتمان‌سازی هستند زمینه پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را فراهم کرد. در این صورت به مرور، علوم اجتماعی در فرایند سیاست‌گذاری، تدوین برنامه‌ها و قوانین و اجرای آن‌ها اثرگذار می‌شود. در این راستا باید به گونه‌ای سازوکارهای بسترسازی را تدوین نمود که علوم اجتماعی در مدل‌های ابزاری، نمادین، مفهومی و فرایند به‌کار گرفته شوند و صرفاً یک جنبه از کاربست را لحاظ نکرد. زمانی که صحبت از تدوین سازوکارهای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن می‌شود اتخاذ رویکردی مدنظر است که مبتنی بر استفاده از کارکردهای مختلف علوم اجتماعی است. انواع و سطوح مختلف کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی را می‌توان «ملاحظهٔ زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی»، «ایفای مسئولیت اجتماعی»، «متقاعدسازی مردم»، «پذیرش اجتماعی اقدامات توسعه‌ای و مدیریتی» و «جلب مشارکت عمومی» دانست که در نتیجهٔ آن علوم اجتماعی در دست‌یابی به اهداف توسعهٔ پایدار در زمینهٔ برق و انرژی نقش‌آفرینی می‌کند.

بنابراین به لحاظ مفهومی و نظری وقتی که به دنبال اتخاذ رویکرد اجتماعی در حکمرانی و مدیریت برق و انرژی هستیم و در تلاش هستیم که آن را اعمال کنیم این ایده در وهله اول مستلزم شناسایی رویکرد اجتماعی است که دانش مربوط به آن بخش مهمی از دستاوردهای علوم اجتماعی است. قاعدتاً این حوزه علمی با موانع و محدودیت‌های متعددی مواجه بوده و رفع و یا تسهیل‌گری در این زمینه نیاز به بسترسازی دارد تا آن را در صنعت برق و انرژی به جریان اندازد و نهادینه کند. ضرورت این کار اتکا به روش‌های علمی جهت تدوین سازوکارهای متقن و کاربردی است. لاجرم وقتی صحبت از ایجاد گفتمان علوم اجتماعی در توسعه پایدار صنعت برق و انرژی می‌شود باید عناصر متعدد آن را در نظر گرفت. این عناصر دربرگیرندهٔ ابعاد رویکرد اجتماعی یا کارکردهای علوم اجتماعی و نحوه نقش‌آفرینی آن، الزامات کاربست مبتنی بر عوامل امکان و امتناع و الگوهای بسترسازی و نیز الگوهای کاربردی آن است. بنابراین هر نوع سازوکاری که برای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن تدوین می‌شوند لازم است ضمن توجه به واقعیت‌ها در چنین چارچوبی حرکت کند.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

بخش دوم: بررسی و تحلیل امکان و امتناع کاربست علوم اجتماعی

مقدمه

در بخش اول در پاسخ به سؤال اول تحقیق با این عنوان که «چه نسبتی بین علوم اجتماعی و حکمرانی صنعت برق و انرژی وجود داشته و الزامات و الگوهای مفهومی و نظری بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در این عرصه کدام‌اند؟» نشان دادیم که ادبیات مفهومی، نظری و مطالعات تجربی علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی، بیانگر کارکردی بودن و نقش‌آفرینی جدی این حوزه از علوم انسانی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی است. اما این شرط لازم بوده و شرط کافی، نهادینه‌کردن آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی در کنار دیگر علوم فنی و مهندسی و کاربست آن به‌منظور پیشبرد و بهبود فرایندها و گام برداشتن در مسیر توسعه پایدار است. از همین روی در بخش اول پژوهش، تلاش بر این شد تا با تبیین نسبت بین علوم اجتماعی و حکمرانی صنعت برق و انرژی و بررسی الزامات و الگوهای کاربست علوم اجتماعی؛ بتوان بستر تحقق شرط کافی را فراهم کرد. بر این اساس نخست باید بستر پذیرش علوم اجتماعی که مبتنی بر رفع موانع و ارتقاء عوامل و شرایط تقویت‌کننده و توانمندساز با تکیه بر مدل‌های تجربه‌شده‌ای که در عرصه‌های مختلف وجود دارد؛ فراهم گردد به گونه‌ای که علوم اجتماعی از پذیرش برخوردار شده و در بهبود فرایندها از ظرفیت‌های آن استفاده کرد.

بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن، نیازمند شناخت وضعیت امکان و امتناع آن در ایران و بررسی تطبیقی دیگر کشورها است. این موضوع که در سؤال دوم و سوم پژوهش آمده، بیانگر تلاش برای توصیف و تبیین واقعیت امکان و امتناع بوده

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تا سازوکارهای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در صنعت برق و انرژی در کنار اتکاء به استدلال نظری و کفایت ذهنی از وجهی انضمامی و کفایت عینی نیز برخوردار باشد.

بسترسازی برای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن، گامی هر چند کوچک در جهت جریان‌سازی علوم اجتماعی و یا ایجاد گفتمانی است که رویکرد اجتماعی را در صنعت برق و انرژی نهادینه کند. ازاین‌رو در گزارش پیش رو هدف شناخت و بررسی اقداماتی است که در خارج از کشور و ایران برای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن صورت گرفته و نیز واکاوی این موضوع که چه عواملی در امکان و امتناع پذیرش و کاربست آن نقش دارند. پس منظور از بسترسازی، مجموعه اقداماتی است که به‌منظور هموار سازی مسیر و ریل‌گذاری ورود علوم اجتماعی و رویکرد اجتماعی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و دیگر اقدامات حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی است. اتخاذ رویکرد اجتماعی در سیاست‌ها و برنامه‌ها به‌عنوان یک اقدام نهادی و ایجاد ساختارهای مطالعه و رصد و پایش رویکرد اجتماعی باعث خواهد شد تا بستر پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را فراهم کند. رویکرد اجتماعی مبتنی بر ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در فرایند حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی و نیز بهره‌گیری از سازوکارهای اجتماعی ایفای مسئولیت اجتماعی، متقاعدسازی و کسب پذیرش و جلب مشارکت عمومی در این عرصه است. ملاحظه و رصد و پایش زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، گام مهمی در شناخت و نیز تقویت بهره‌گیری از سازوکارهای اجتماعی به‌منظور پیشبرد توسعه و بهگشت اجتماعی است.

در فصل اول گزارش، روش‌شناسی پژوهش، فصل دوم اقدامات بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در کشورهای خارجی، فصل سوم بررسی رویکرد اجتماعی در عرصه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا، فصل چهارم و پنجم، بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه آموزش، پژوهش و توسعه فناوری و در فصل ششم عوامل امکان و امتناع از منظر خبرگان دو حوزه صنعت برق و علوم اجتماعی واکاوی و در پایان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی ارائه خواهد شد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲-۱. روش‌شناسی پژوهش

مقدمه

در این فصل بر اساس اهداف پژوهش، نحوه گردآوری و تحلیل داده‌های مرتبط با اقدامات بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن و نیز واکاوی عوامل امکان و امتناع آن تشریح شده است.

۲-۱-۱. نحوه گردآوری داده‌ها

به‌منظور شناسایی و تشریح اقدامات و یا تجارب بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حوزه حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی در خارج از کشور و ایران، ابتدا تلاش شده تا سه عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا؛ عرصه آموزش و عرصه پژوهش و توسعه فناوری صنعت برق و انرژی در نظر گرفته شود. سپس بر اساس آنچه در جدول شماره ۲-۱ آمده، در هر عرصه بررسی خواهد شد که چه اقداماتی انجام گرفته تا بستر پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را فراهم کند.

استدلال انتخاب این سه عرصه، انطباق آن با فرایند حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی به لحاظ تلفیق حوزه‌های علوم اجتماعی و صنعت برق جهت زمینه‌سازی ترویج علوم اجتماعی و نیز بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون ارتباطی، نهادی، تشویق و ترغیب و پژوهش است. پس هدف اصلی ترویج علوم اجتماعی و کاربست آن بوده تا کنشگری اجتماعی اگرچه کنشگری اجتماعی ممکن است تقاضا برای علوم اجتماعی را تحریک کند امّا آنچه پژوهش بر آن متمرکز است استفاده از ظرفیت کنونی این سه عرصه با توجه به الگوهایی است که بستر را برای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن فراهم می‌سازد. برای آنکه عرصه‌هایی مانند نهادهای مدنی و رسانه فضای مناسبی را در کنشگری اجتماعی فراهم می‌کنند تلاش شده در انتخاب ابزارهای ترویج از این ظرفیت‌ها در بخش تدوین سازوکارها استفاده شود امّا به‌عنوان عرصه گفتمان‌سازی انتخاب نشده‌اند. عرصه‌های حکمرانی بخش عمومی و نیز اجتماعات علمی و اصناف بستر مناسبی برای تقویت عناصر گفتمانی و شکل‌گیری گفتمان و جریان علوم اجتماعی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی خواهند بود. تجارب خارجی آن‌طورکه در این بخش از گزارش و بخش اوّل نیز به آن اشاره شد، بیانگر اثربخشی انتخاب چنین عرصه‌هایی است. بنابراین در این مرحله از پژوهش وضعیت امکان و امتناع علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه‌های مذکور بر اساس توضیحات روشی که در ادامه خواهد آمد، توصیف و تبیین شده است. لازم به یادآوری است در مرحله پایانی پژوهش بر اساس این وضعیت و بهره‌گیری از تجارب داخلی و خارجی، سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در چارچوب رویکردهای نظری اتخاذشده تدوین خواهد شد. در انتخاب زیرعرصه‌ها و نیز نمونه‌های انتخابی جهت مطالعه موردی، در نهایت آن دسته از نمونه‌ها شناسایی و موردتحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند که در نمونه‌های داخلی در سطح ملّی و در گستره وسیع‌تری نقش‌آفرینی می‌کنند و در موارد خارجی، در سطح بین‌اللملی مؤثر بوده‌اند.

داده‌های موردنیاز این بخش مبتنی بر اطلاعات موجود در وب‌سایت‌های اینترنتی سازمان‌ها، مراجعه به اسناد و مدارک و گزارش‌های موجود در آرشیو فیزیکی سازمان‌ها و در مواقعی کسب اطلاعات از طریق مصاحبه نیز بوده است. مطالعه تجربیات خارجی با هدف بررسی تطبیقی به‌منظور شناخت الگوها و بهره‌گیری از آنهاست. داده‌های مربوط به این بخش از وب‌سایت‌های عرصه‌های موردمطالعه اخذ شده است. همان‌طور که در جدول ۲-۱ نشان داده شده، نخست با مطالعه‌ای اکتشافی، نمونه‌های مرتبط با عرصه‌های سه‌گانه در داخل و خارج از کشور شناسایی و سپس با توجه به هدف پژوهش چند نمونه برای مطالعه موردی انتخاب شدند. روشی که شناخت هر یک از این موارد و در واقع گردآوری داده‌ها و اطلاعات را دنبال می‌کند متناسب با هر عرصه متفاوت است. در بررسی اسناد و مدارک از تحلیل محتوا و در بررسی پژوهش‌ها از فراتحلیل بهره گرفته‌ایم.

روش تحلیل محتوای به‌کارگرفته شده، کیفی بوده که می‌توان آن را «رو شی تحقیقی برای تف سیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دان ست» (ایمان و نو شادی، ۱۳۹۰: ۲۰). رویکرد کیفی تحلیل محتوا، توصیف و تفسیر از موضوع موردمطالعه ارائه می‌کند و اغلب در پی اظهارات بازتابی است از آنچه در جهان اجتماعی نظاره می‌شود درحالی‌که در رویکرد کمّی تحلیل محتوا، ارقام و اعدادی تولید می‌شوند که به‌وسیله روش‌های آماری گوناگون ساخته می‌شوند (همان: ۲۲). فرایند تحلیل محتوای کیفی در این پژوهش (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰؛ محمّدپور، ۱۳۹۲) به این صورت است که پس از تنظیم کردن پرسش‌های تحقیق، نمونه موردنظر که باید تحلیل کنیم تا به پر سش‌ها پاسخ داده شود، انتخاب شد. نمونه انتخاب شده مشتمل بر اسناد بالادستی حوزه انرژی کشور و اهداف و مأموریت‌های سازمان‌ها و د ستگاه‌های اجرایی و ا صناف و مراکز پژوهشی و تو سعه فناوری بوده که در واقع حوزه حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی را در بخش عمومی به عهده دارند. ازاین‌رو نوع نمونه‌گیری ما، نمونه‌گیری هدفمند بوده به این معنا که انتخاب بر ا ساس مرتبط بودن به م سئله و اهداف پژوهش بوده ا ست (مؤمنی‌راد و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۲). برای پا سخ به پر سش‌های تحقیق، تلاش شد که نخست واحدهای تحلیل و معنایی در اسناد بالادستی مشخص شود. بر اساس تعریف ایمان و نوشادی (۱۳۹۰: ۲۹)، مقداری از فضایی را که به یک موضوع یا یک عمل تحت مطالعه اختصاص می‌دهند، واحد تحلیل گفته می‌شود. هم‌چنین بخش‌هایی از متن که جدا کدگذاری می شود یا هر عبارتی که در ن سخه موردمطالعه ما وجود دارد، می‌تواند به منزله واحد تحلیل درنظر گرفته شود. باید در نظر دا شت که واحد تحلیل لازم ا ست به اندازه‌ای با شد که به منزله زمینه‌ای برای واحد معنا در فرایند تحلیل در نظر گرفته شود. واحد معنا «عبارت از مجموعه ای از واژگان یا جمله‌ها که بتوان ارتباطی از معانی م شابه و یک سان در آنها یافت و بر اساس این معنای مشابه آنها را تقسیم‌بندی کرد» (همان)، گفته می‌شود.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

فراتحلیل پژوهش‌ها نیز با استفاده از رویکرد کیفی بوده که تلاش شده تا با دسته‌بندی و سنخ شناسی و رویکرد انتقادی بتوان نشان داد که حوزه برق و انرژی چه جایگاهی در مجلات علوم اجتماعی دارد و آیا انباشت علمی در این حوزه شکل گرفته یا نه و مطالعات موجود دارای چه خلأهایی به لحاظ روشی و نظری هستند.

پس از بررسی و توصیف اقداماتی که برای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن انجام شده، کارکردهای علوم اجتماعی در مواجهه با چالش‌های حکمرانی صنعت برق و عوامل امکان و امتناع پذیرش و کاربست آن از منظر خبرگان حوزه علوم اجتماعی (استادان و پژوهشگران مطالعات علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی و دارای تحصیلات علوم اجتماعی خاص) و صنعت برق و انرژی (مدیران و کارشناسان ستادی وزارت نیرو و سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه و پژوهشگران پژوهشگاه نیرو (مرتبط با مطالعات فنی و اجتماعی[1])) بررسی شد. اخذ دیدگاه‌های خبرگان در این زمینه می‌تواند به درکی عمیق‌تر از موضوع امکان و امتناع در شرایط و بستر ایران منجر شود؛ زیرا عوامل متعددی وجود دارند که شناخت آنها جز از طریق مراجعه به این خبرگان به‌عنوان مطلعین کلیدی این حوزه امکان‌پذیر نیست.

اخذ دیدگاه‌های خبرگان از طریق روش تحقیق کیفی مطالعه موردی مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته (جدول شماره ۲-۲) انجام شد که هدف واکاوی این موضوع بود که ۱. حکمرانی صنعت برق در ایران با چه چالش‌هایی مواجه است که نیازمند مداخله اجتماعی بوده؛ ۲. علوم اجتماعی دارای چه دستاوردهایی برای رویارویی با این چالش‌ها می‌باشد و ۳. چه عواملی بستر پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را فراهم ساخته (امکان) و یا محدودیت و موانع را بر سر راه آن ایجاد می‌کنند (امتناع). منظور از چالش‌ها، آن دسته از مسائل و مشکلات حیطه مأموریتی است که صنعت با آن دست و پنجه نرم می‌کند و در واقع نشان می‌دهد که وضعیتی نامطلوب برقرار است امّا امکان بهبود آن و رسیدن به جایگاهی مطلوب برای آن وجود دارد. کارکردها بیانگر ظرفیت‌هایی است که استفاده از آن منجر به بهبود وضعیت موجود می‌گردد. به بیانی دیگر، علوم اجتماعی مبتنی بر ظرفیت‌هایی برای پاسخگویی و مواجهه با چالش‌های حکمرانی است. عوامل امکان؛ شرایط و اقداماتی است که بستر پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را در صنعت برق و انرژی فراهم سازد. امّا امتناع، ناظر بر فقدان و یا کمبود اقدامات و نیز شرایطی است که علوم اجتماعی و کاربست آن را با موانع و چالش‌ها مواجه سازد.

سؤالات خبرگان دو حوزه مبتنی بر مصاحبه‌نامه‌هایی متناسب با سطح دانش، تجربه و جایگاه علمی و سازمانی هر یک از خبرگانی که با آنها مصاحبه می‌شد، تهیه و تدوین گردید.

۱ پژوهشگرانی که دارای تحصیلات غیرعلوم اجتماعی خاص بوده اما در حوزه تحقیقات اجتماعی برق و انرژی، ناظر، مجری و یا مدیر پروژه بوده‌اند.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۱: نحوه شناسایی اقدامات بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی (ایران و خارج)

عرصه	زیرعرصه	محورها و نمونه‌های مورد بررسی
سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا	اسناد بالادستی	ایران: تحلیل محتوای اسناد بالادستی حوزه صنعت برق و انرژی (مشتمل بر برنامه‌های توسعه/ سیاست‌های کلّی نظام در بخش انرژی/سند ملی راهبردی انرژی کشور/سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف/قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی/سند ملّی آمایش سرزمین) به لحاظ ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
	حوزه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی وزارت نیرو	ایران: تحلیل محتوای وظایف و مأموریت‌ها و برنامه‌های راهبردی وزارت نیرو (حوزه ستادی و زیرمجموعه شرکت برق حرارتی، توانیر و ساتبا) به لحاظ ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن کشورهای دیگر: تحلیل محتوای رویکرد اجتماعی در برنامه‌های راهبردی حوزه متولی حکمرانی انرژی؛ انگلستان (دستورالعمل کمک به مصرف‌کنندگان با انرژی)، مالزی (برنامه راهبردی وزارت انرژی و منابع طبیعی)، ترکیه (برنامه راهبردی وزارت انرژی و منابع طبیعی) و استرالیا (اهداف بخش انرژی وزارت صنعت، علوم، انرژی و منابع)
	نهادهای صنفی	ایران: تحلیل محتوای رویکرد اجتماعی در اهداف و مأموریت‌های نهادهای صنفی صنعت برق و انرژی (انجمن بهینه سازی مصرف انرژی ایران، سندیکای صنعت برق ایران، انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های توزیع برق، سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق، انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های خدمات انرژی ایران، انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران و بورس انرژی ایران)
آموزش	آموزش‌های تخصصی و کاربردی	ایران: بررسی دوره‌های آموزشی تخصصی و کاربردی علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در مرکز آموزش‌های تخصصی و صلاحیت حرفه‌ای – وزارت نیرو
	رشته‌های تحصیلی دانشگاهی	ایران: بررسی سرفصل‌های دروس رشته‌های علوم اجتماعی (دوره کارشناسی (رشته‌های برنامه‌ریزی اجتماعی و تعاون و جامعه‌شناسی)، دوره کارشناسی ارشد (رشته‌های برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، جامعه‌شناسی، پژوهش علوم اجتماعی و توسعه محلی) و دکتری تخصّصی (جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، فرهنگی، مسائل اجتماعی، سیاسی، گروه‌های اجتماعی)) به لحاظ طرح مباحث علوم اجتماعی انرژی و دیگر رشته‌های مرتبط با صنعت برق و انرژی (دوره کارشناسی (مهندسی انرژی)، دوره کارشناسی ارشد (حقوق انرژی، علوم اقتصادی-اقتصاد انرژی، مدیریت کسب و کار-انرژی، معماری و انرژی، مهندسی انرژی‌های تجدیدپذیر، مهندسی برق – برنامه‌ریزی و مدیریت سیستم‌های انرژی الکتریکی، مهندسی سیستم‌های انرژی – سیستم‌های انرژی، مهندسی سیستم‌های انرژی –تکنولوژی انرژی و مهندسی سیستم‌های انرژی –انرژی و محیط زیست) و دوره دکتری تخصصی (مهندسی انرژی‌های تجدیدپذیر، مهندسی سیستم‌های انرژی – مدل‌سازی، مهندسی سیستم‌های انرژی – فناوری انرژی و مهندسی سیستم‌های انرژی – انرژی و محیط زیست)) به لحاظ طرح مباحث علوم اجتماعی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

		کشورهای دیگر: بررسی سرفصل‌های دوره‌های علوم اجتماعی مرتبط با «انرژی»، «توسعه پایدار» و «محیط زیست» (دوره کارشناسی ارشد و دکتری «جامعه‌شناسی سیاره: فرهنگ، نهادها و روابط اجتماعی به دنبال پایداری» دانشگاه استکهلم سوئد، کارشناسی «جامعه‌شناسی محیط زیست» در دانشگاه وَندربیلت ایالات متحده آمریکا، دوره‌های تخصصی جامعه‌شناسی (برای مقطع کارشناسی) دانشگاه کِنتیکت ایالات متحده آمریکا، دوره کارشناسی ارشد «انرژی، محیط زیست و جامعه» در دانشگاه استاوانگر نروژ، دوره کارشناسی ارشد «انرژی، محیط زیست و جامعه» در دانشگاه بریتیش کلمبیا ایالات متحده آمریکا، دوره کارشناسی ارشد «توسعه پایدار» دانشگاه ادینبورگ بریتانیا، دوره «انرژی و جامعه» دانشگاه گوئلف کانادا و دوره «انرژی و جامعه» دانشگاه استرالیای جنوبی)

ادامه جدول ۲-۱: نحوه شناسایی اقدامات بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی (ایران و خارج)

عرصه	زیرعرصه	محورها و نمونه‌های مورد بررسی
پژوهش و توسعه فناوری	مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی	ایران: بررسی جایگاه علوم اجتماعی در ساختار پژوهش و توسعه فناوری وزارت نیرو
		ایران: بررسی جایگاه مطالعات علوم اجتماعی در ساختار مراکز پژوهشی و توسعه فناوری مرتبط با صنعت برق و انرژی (پژوهشگاه مواد و انرژی، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، پژوهشگاه استاندارد، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و پژوهشکده مطالعات فناوری)، بررسی جایگاه علوم و رویکرد اجتماعی در ساختار انجمن‌های علمی صنعت برق و انرژی (انجمن انرژی ایران، انجمن مهندسی بهره‌وری در صنعت برق ایران، انجمن علمی فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر ایران و انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی ایران)، بررسی جایگاه مطالعات صنعت برق و انرژی در ساختار مراکز پژوهشی علوم اجتماعی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار سازمان حفاظت محیط زیست و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری) و بررسی جایگاه صنعت برق و انرژی در ساختار انجمن‌های علمی حوزه علوم اجتماعی (انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن انسان‌شناسی ایران و انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات) کشورهای دیگر: بررسی جایگاه مطالعات علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی (انجمن مراکز پژوهشی آلمانی هلم‌هولتز (آلمان)، مؤسسه انرژی کالج سلطنتی لندن (انگلیس)، مرکز سیاست جهانی انرژی دانشگاه کلمبیا (آمریکا)، مرکز مطالعات انرژی پایدار دانشگاه علوم و تکنولوژی (نروژ)، مؤسسه منابع، محیط و پایداری در دانشگاه بریتیش کلمبیا (کانادا)، مهندسی انرژی پایدار دانشگاه سایمون فریزر (کانادا)، انستیتوی انرژی و محیط‌زیست (برزیل)، انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی، انجمن جامعه‌شناسی آمریکا و انجمن جامعه‌شناسی اروپا) کشورهای دیگر: بررسی و معرفی حوزه‌های پژوهشی ۲۰ اندیشمند و پژوهشگر برجسته مطالعات علوم اجتماعی انرژی در سطح بین‌الملل
	نشریات علمی و پژوهشی	ایران: فراتحلیل مجلات علمی و پژوهشی حوزه علوم اجتماعی به لحاظ مطالعات اجتماعی صنعت برق و انرژی کشورهای دیگر: بررسی اهداف و رویکرد مطالعات علوم اجتماعی انرژی در مجلات علمی ـــــ پژوهشی بین‌المللی (مجلهٔ تحقیقات انرژی و علوم اجتماعی، مجله سیاست‌گذاری انرژی، مجله انرژی برای توسعه پایدار و مجله بین‌المللی تحقیقات انرژی)

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

نحوه انتخاب خبرگان از هر دو حوزه علوم اجتماعی و صنعت برق و انرژی، بر اساس معیارهایی مانند داشتن تجربه پژوهشی، کارشناسی و اجرایی مرتبط با علوم اجتماعی و مباحث اجتماعی بوده است. بنابراین نوع نمونه‌گیری انتخاب افراد خبره برای مصاحبه، نمونه‌گیری نظری بوده که با مطلعانی مصاحبه خواهد شد که بتوانند در تکوین زمینه نظری چیستی، چرایی و چگونگی چالش‌های اجتماعی، نحوه مواجهه علوم اجتماعی و عوامل مرتبط با امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن کمک نمایند. نحوه نمونه‌یابی افراد بر اساس روش گلوله برفی بوده؛ به این معنا که افراد از طریق تجارب انتشاریافته، آگاهی قبلی و معرفی از طریق مراجع مرتبط شناسایی شده که در جداول ۱-۳ و ۱-۴، فهرست خبرگان دو حوزه و اطلاعات آنها ارائه شده است. لازم به ذکر است تعداد معدودی از افراد شناسایی‌شده حاضر به انجام مصاحبه نشدند. در مجموع با ۱۵ نفر خبره حوزه علوم اجتماعی (شامل شش عضو هیأت علمی علوم اجتماعی دارای تجربه نظارت و یا مشاوره پروژه‌های پژوهشی حوزه صنعت برق و نه نفر پژوهشگر این حوزه (هفت نفر دارای دکتری و دو نفر کارشناس ارشد علوم اجتماعی) در مدت زمان ۱۶ ساعت و ۱۷ نفر خبره حوزه صنعت برق و انرژی (یک نفر وزیر سابق، چهار نفر معاونان فعلی و سابق وزارت نیرو، هفت نفر مدیران زیرمجموعه وزارت نیرو و انجمن‌های صنفی و علمی و پنج نفر اعضاء هیأت علمی پژوهشگاه نیرو) در مدت زمان ۱۸ ساعت مصاحبه شد[1].

۲-۱-۲. نحوه تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها

نحوه تحلیل داده‌های گردآوری‌شده و گزارش‌دهی آنها به این صورت است که نخست تمام اقدامات و تجارب بر مبنای عرصه‌ها دسته‌بندی و سپس مطالبی در رابطه با وضعیت موجود آنها حسب روش‌شناسی انتخاب‌شده تشریح خواهد شد. در واقع با توجه به اهدافی که در واکاوی عرصه‌ها مدنظر بوده، نشان داده خواهد شد که علوم اجتماعی و رویکرد برگرفته از این دانش در چه وضعیتی قرار دارد. در تحلیل محتوای کیفی از هر دو استراتژی استقرایی و قیاسی استفاده شد. رویکرد استقرایی یا تحلیل محتوای عرفی، معمولاً در مطالعاتی به‌کار برده می‌شود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده موردمطالعه محدود باشد. پژوهشگران اغلب از مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این حالت، محققان خودشان را بر داده‌ها شناور می‌کنند تا شناختی بدیع برایشان حاصل شود. بنابراین از طریق استقرا، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور می‌یابند. این عمل اغلب موجب می‌شود که طرح‌ریزی کدها از متن ظهور یابد و سپس براساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مقوله‌بندی شوند. این مقوله‌بندی از سازمان‌دهی و گروه‌بندی کردن کدها به صورت خوشه‌های معنادار دسته‌بندی می‌شود. بسته به کیفیت ارتباط بین زیرمقوله‌ها، محقق می‌تواند با ترکیب و سازماندهی این زیرمقوله‌ها، آنها را به شمار کمتری از دسته‌بندی (مقوله) تبدیل کند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۲). در رویکرد تحلیل محتوای کیفی قیاسی یا جهت‌دار که نسبت به رویکردهای دیگر از فرایند ساختارمندتری برخوردار است، پژوهشگر با به کاربردن نظریه‌های موجود یا پژوهش‌های پیشین، مقولاتی را تعیین نموده و بر اساس سؤالات خود، کدهای مرتبط با مقولات را از واحدهای معنایی استخراج می‌کند (همان: ۲۵). در این رویکرد از تحلیل محتوای کیفی، بر عکس رویکرد استقرایی، «مقولات در آخر پژوهش به دست نمی‌آیند بلکه محقق با مفروض گرفتن برخی تعاریف و تعمیم‌ها به‌عنوان طبقات، متن مورد نظر را به صورت کیفی تحلیل می‌کند و به دنبال مصادیقی از تعاریف و تعمیم‌ها در کل متن می‌گردد» (مؤمنی‌راد و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱۲). «ابزار اصلی و محوری تحلیل محتوا، نظام مقوله‌های آن است. هر واحدی در تحلیل باید کدبندی شود، یعنی در قالب یک یا چند مقوله قرار بگیرد. مقوله به تعریف کمابیش عملیاتی‌شده عناصر متن اطلاق می‌شوند» (محمّدپور،

[1] مصاحبه‌ها به صورت حضوری، تلفنی و سه فقره نیز به صورت ارسال ایمیل انجام گرفته است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱۳۹۲: ۱۰۴). فرایند کدگذاری که پس از تعیین نظام مقوله‌ها آغاز می‌گردد، مبنی بر شناسایی واحدهای معنایی مرتبط و اختصاص آن به مقوله‌هاست (همان: ۱۰۵). فراتحلیل نیز بر اساس روش‌های تحلیل مضمونی و نیز تفسیر نتایج انجام گرفته است.

تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد تحلیل تماتیک (مضمونی) (محمدپور، ۱۳۹۲: ۷۴) بوده است. در این راستا، پس از گردآوری داده‌ها، آنها را بر اساس اهداف و سوالات (شناسایی چالش‌ها، کارکردها و عوامل امکان و امتناع) پالایش کردیم. در مرحله بعدی به مفهوم‌یابی و کدبندی پرداخته شد که طی آن، بر اساس شیوه کدبندی، مقوله‌ها و مضمون‌ها (تم‌ها) را استخراج کردیم و سپس الگوهای ارتباطی و سنخ‌های نهایی داده‌ها بررسی شد. در نهایت بر اساس سنخ‌شناسی‌های انجام‌شده و ارتباط بین آنها تلاش شد تا تحلیل‌های مورد نیاز در رابطه با پاسخ هر یک از سوالات اصلی پژوهش ارائه گردد. در مرحله کدبندی جهت استخراج مقوله‌ها و تم‌ها تلاش شد تا با استفاده از شیوه‌ی استربرگ (۲۰۰۲) (به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲: ۷۴)، به کدگذاری باز (مفاهیم)، توسعه‌ی مضمون‌ها (مجموعه‌ای از کدهای تکراری که در خلال کدگذاری باز ظهور می‌یابند) و کدگذاری متمرکز (تمرکز بر مضمون‌هایی که در کدگذاری باز یافته شده‌اند) اقدام گردد. بر اساس این فرایند چالش‌ها، کارکردها و عامل امکان یا امتناع (به عنوان مضمون اصلی)، دارای چند مؤلفه (مقوله عمده) بوده که هر مؤلفه نیز از مفاهیم متعددی تشکیل شده که در نهایت به توصیف واقعیت چالش‌ها، کارکردها، امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در صنعت برق می‌پردازند. به منظور درک بیشتر هر یک از عوامل و مؤلفه‌های آنها، به بررسی ارتباط بین مؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها نیز بر اساس مشاهدات تحقیق پرداخته شد.

به‌منظور ارزیابی اعتبار کدگذاری‌ها تلاش شـــده تا با اســـتفاده از معیارهای ارزیابی پژوهش کیفی؛ باورپذیری[۱] (اینکه نتایج از چه داده‌ها، مقوله‌ها و کدهایی به‌دســـت آمده)، انتقال‌پذیری[۲] (اقناع دیگران به انتقال‌پذیر بودن آن در زمینه‌های دیگر)، وابســـتگی[۳] (برخورداری نتایج باید از ثبات ن سبی در طول زمان) و تأییدپذیربودن[۴] (تأیید داده‌های موردبرر سی پژوه شگر تو سط خوانندگان) نتایج تأمین شـــود. مثل هر پژوهش دیگری بعد از به‌دســـت آوردن نتایج حاصـــل از این روش، بروندادهای آن می‌تواند در مظان داوری هم خود پژوهشگر و هم دیگران قرار گیرد (مؤمنی‌راد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۱۷–۲۱۶). به این منظور سعی شده، مقوله‌بندی، جامع و مانع بوده و کدگذاری توسط چند پژوهشگر انجام شده و توسط متخصصان ارزیابی مجدد گردد. با این اقدامات، سوگیری را به حداقل رسانده و زمینه پذیرش نتایج فراهم شده است.

۱ *Credibility*

۲ *Transferability*

۳ *Dependability*

۴ *Conformability*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۲: فهرست سؤالات راهنمای مصاحبه با خبرگان حوزه علوم اجتماعی (استادان و پژوهشگران مطالعات علوم اجتماعی حوزه صنعت برق و انرژی) و خبرگان صنعت برق و انرژی (مدیران و کارشناسان ستادی و زیرمجموعه وزارت نیرو)

سؤالات مصاحبه خبرگان حوزه علوم اجتماعی	سؤالات مصاحبه خبرگان حوزه صنعت برق و انرژی
➢ چه عواملی سبب شده است در متون پژوهشی و آموزشی علوم اجتماعی و نیز اجتماعات علمی آن بر خلاف دیگر مطالعات حوزه‌ها به صنعت برق و انرژی به اندازه کافی پرداخته نشود؟ این در حالی است که در تجارب خارج از کشور می‌توان گفت گفتمان علوم اجتماعی در این حوزه به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بسط و ترویج داده شده است؟ ➢ در حال حاضر تعامل و ارتباطات پژوهشگران، استادان و صاحبنظران علوم اجتماعی با حوزه حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی در مقایسه با دیگر نهادها و سازمان‌ها دارای چه ماهیتی بوده و چه عواملی را در توسعه ارتباطات این دو حوزه مؤثر می‌دانید؟ ➢ به‌طورکلی اینکه تحولّی در رابطه با تعامل علوم اجتماعی و صنعت برق و انرژی رخ بدهد و جریان یا پارادایمی در این زمینه شکل بگیرد، تا چه حد قابل‌تصور و عملیاتی می‌دانید؟ وظیفه دولت به‌عنوان متولی صنعت برق و انرژی و اجتماعات علمی در این زمینه چیست؟ عوامل محدودیت‌کننده و تسهیلگر در این زمینه کدامند؟ ➢ دستاوردهای علوم اجتماعی در شناخت و نحوه مواجهه با پدیده‌های اجتماعی مختلف زندگی توانسته نقش‌آفرینی کند. به نظر شما در عرصه صنعت برق و انرژی در ایران چگونه می‌تواند راهگشا باشد با توجه به اینکه در این حوزه نیز مسائل و چالش‌های متعددی وجود دارد که دیگر عرصه کار فنی نیست و مستلزم ورود علوم انسانی به‌طور عام و علوم اجتماعی به‌طور خاص است؟	➢ همان‌طورکه استحضار دارید اقداماتی برای بستر سازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در وزارت نیرو انجام شده‌اند، به نظر شما تا چه اندازه این اقدامات توانسته به تقویت جریان علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی و یا پذیرش آن بینجامد؟ تا چه حد این اقدامات در کاربست دستاوردهای این علوم موفق و اثربخش بوده است؟ چه عواملی را در موفقیت و یا ناکامی این حوزه مؤثر می‌دانید؟ ➢ همین‌طور در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه صنعت برق و انرژی و به‌طورکلی اسناد بالادستی این حوزه، در مواردی، ملاحظه زمینه‌ها و اعمال سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شده است. به نظر شما آیا لحاظنمودن این ظرفیت‌ها و سازوکارها عملیاتی هم شده و اگر شده تا چه حد مثمر ثمر بوده است؟ چه موانع و عوامل تسهیل‌گری در این راستا زمینه امکان و امتناع را فراهم می‌نماید؟ ➢ به نظر شما در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی تا چه حد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی همراهی وجود دارد و یا به بیانی دیگر آیا سیاست‌گذاران و مجریان علاقمند به مداخلات اجتماعی و فرهنگی هستند؟ در صورت مقاومت یا همراهی، از چه سازوکاری برخوردار است و چه عواملی را در این زمینه مؤثر می‌دانید؟ ➢ جایگاه کنونی علوم اجتماعی و کاربست دستاوردهای آن را در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی در مقایسه با یک یا دو دهه پیش چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ➢ به نظر شما چه مسائل سیاستی حل‌نشده و چالش‌هایی در صنعت برق و انرژی وجود دارند که با استفاده از ظرفیت‌ها و سازوکارهای اجتماعی می‌توان به حل و یا ارائه راه کاری برای آن رسید؟ چگونه؟ یا دست‌اندرکاران صنعت برق در حوزه‌های اجرایی با چه سنخ از مشکلات اجتماعی (ارتباطی، انگیزشی، آموزشی، نگرشی یا رفتاری) مواجه هستند که ضرورت ورود علوم اجتماعی و کاربست آن را فراهم می‌نماید؟ آیا کاربست علوم اجتماعی یا ملاحظه زمینه‌ها و اعمال سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی فقط ناشی از نیازها و چالش‌هایی است که صنعت

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

	برق با آن مواجه است یا این موضوع ریشه در نوعی مأموریت و رسالت اجتماعی وزارت نیرو نیز دارد؟

جدول ۲-۳: فهرست خبرگان مصاحبه‌شونده حوزه علوم اجتماعی (استادان و پژوهشگران مطالعات علوم اجتماعی حوزه صنعت برق و انرژی)

ردیف	نام و نام خانوادگی	مدرک و رشته تحصیلی	سمت	توضیحات
۱	حسین سراج‌زاده	دکتری جامعه‌شناسی	دانشیار دانشگاه خوارزمی تهران، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران	سخنران کلیدی سی‌وچهارمین کنفرانس بین‌المللی برق (۱۳۹۸) با موضوع رویکردی فرهنگی- اجتماعی به توسعه صنعت برق
۲	سبحان یحیایی	دکتری ارتباطات اجتماعی	استاد یار دانشگاه علامه طباطبایی	مشاور در پروژه پژوهشی گفتمان صنعت برق پژوهشگاه نیرو
۳	حسین ایمانی جاجرمی	دکتری جامعه‌شناسی	دانشیار دانشگاه تهران	ناظر پروژه پژوهشی کاربست علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو
۴	محمد فاضلی	دکتری جامعه‌شناسی	عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران	مطالعات آب و انرژی، سرپرست مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی، ناظر پروژه پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان د رحوزه آب و انرژی
۵	نعمت‌الله فاضلی	دکتری مردم‌شناسی	عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و علوم انسانی	مشارکت در هم‌اندیشی نقشه راه گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی و ناظر و مشاور در پروژه‌های پژوهشی گروه مذکور
۶	صدیقه پیری	دکتری جامعه‌شناسی	استاد یار دانشگاه علامه طباطبایی	پژوهشگر پروژه پژوهشی کاربست علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو
۷	صادق پیوسته	دکتری جامعه‌شناسی	پژوهشگر	پژوهشگر پروژه پژوهشی تصمیم‌سازی پژوهشگاه نیرو
۸	مریم محمودی	دکتری جامعه‌شناسی	پژوهشگر	پژوهشگر پروژه پژوهشی ابعاد اجتماعی قطعی برق بهمن ۱۳۹۶ خوزستان پژوهشگاه نیرو
۹	الهه‌سادات اکبرنیا	دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی	پژوهشگر	پژوهشگر پروژه پژوهشی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها و الگوی مصرف مشترکین صنعت برق در پژوهشگاه نیرو
۱۰	بهمن سبحانی	دکتری سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	پژوهشگر	پژوهشگر پروژه پژوهشی کاربست علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو
۱۱	علیرضا کرمانی	دکتری جامعه‌شناسی	پژوهشگر	سابقه پژوهشگری در پژوهشگاه نیرو
۱۲	الهام اظهری	کارشناسی ارشد ارتباطات اجتماعی	پژوهشگر	پژوهشگر پروژه پژوهشی سرمایه اجتماعی پژوهشگاه نیرو
۱۳	معصومه اشتیاقی	دکتری جامعه‌شناسی	پژوهشگر	پژوهشگر پروژه پژوهشی پیمایش ارزش ها و نگرش ها پژوهشگاه نیرو

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱۴	طلا رستمی	کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	پژوهشگر	پژوهشگر پروژه پژوهشی اتاق فکر و الگوی مصرف مشترکین صنعت برق
۱۵	علی چاپرک	دکتری آینده‌پژوهی	پژوهشگر گروه پژوهشی آینده‌نگاری پژوهشگاه نیرو	مطالعات علم و فناوری و آینده‌پژوهی صنعت برق و انرژی

جدول ۲-۴: فهرست خبرگان مصاحبه‌شونده حوزه صنعت برق و انرژی (مدیران و کارشناسان وزارت نیرو و زیرمجموعه)

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	آخرین مدرک و رشته تحصیلی	توضیحات
۱	حمید چیت‌چیان	عضو هیئت علمی و مشاور عالی پژوهشگاه نیرو	کارشناسی ارشد مهندسی صنایع	وزیر سابق نیرو در دوره اول دولت روحانی (۱۳۹۶-۱۳۹۲) و سابقه معاونت برق و انرژی و بخش‌های دیگر حوزه برق و انرژی در وزارت نیرو- عضو هیئت علمی پژوهشگاه نیرو
۲	محمدصادق قاضی‌زاده	عضو هیئت مدیره توانیر	دکتری مهندسی برق	عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران، رئیس پژوهشگاه نیرو (از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹)، معاونت برنامه‌ریزی وزارت نیرو، معاونت برنامه‌ریزی شرکت مادر تخصصی توانیر، رئیس دانشگاه صنعت آب و برق، مدیر کل دفتر خصوصی‌سازی صنعت برق ایران
۳	علی‌اکبر مهاجری	مشاور پژوهشگاه نیرو	کارشناسی ارشد مدیریت	معاون سابق تحقیقات و منابع انسانی وزارت نیرو
۴	همایون حایری	معاون برق و انرژی وزارت نیرو	کارشناس ارشد مهندسی برق	معاونت توزیع برق شرکت برق منطقه‌ای تهران، مدیرعامل و رییست هیئت مدیره برق منطقه‌ای آذربایجان، معاونت هماهنگی و تولید و عضو اصلی هیئت مدیره شرکت توانیر و مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران
۵	غلامرضا حیدری	استادیار و مدیر گروه مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو	دکتری مدیریت سیاست‌گذاری	معاون سابق وزارت نیرو، عضویت در کمیسیون انرژی مجلس/ریاست دانشگاه آب و برق شهید عباسپور
۶	امیر دودابی‌نژاد	معاون برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت برق حرارتی	دکتری اقتصاد انرژی	معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی شرکت مادرتخصصی تولید نیروی برق حرارتی، مجری طرح های نیروگاهی خصوصی شرکت مادرتخصصی تولید نیروی برق حرارتی/ مدیر دفتر بهره‌وری و معاون آموزش و بهینه‌سازی سازمان بهره‌وری انرژی ایران (سابا)، معاون فنی و استانداردهای سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق(ساتبا)، عضو کمیته اجتماعی اقتصادی کنفرانس برق
۷	عباس خالدنژاد	سندیکای صنعت برق	کارشناس ارشد مدیریت	رئیس سابق روابط عمومی توانیر
۸	کیومرث حیدری	استادیار و مدیر گروه پژوهشی اقتصاد برق و انرژی پژوهشگاه نیرو	دکتری اقتصاد انرژی	مدیر کل دفتر سرمایه‌گذاری و تنظیم مقررات بازار آب و برق معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت نیرو-دبیر کمیته اقتصادی اجتماعی کنفرانس برق

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۹	مهدی رضایی	پژوهشگر گروه پژوهشی انرژی‌های تجدیدپذیر پژوهشگاه نیرو	دکتری مهندسی مکانیک	مطالعات حوزه انرژی زیست‌توده
۱۰	عبدالوهاب مکاری‌زاده	سرپرست گروه پژوهشی مدیریت انرژی پژوهشگاه نیرو	کارشناس ارشد مهندسی مکانیک	عضو هیئت مدیره انجمن مدیریت مصرف ایران
۱۱	پرویز غیاث‌الدین	دبیر اجرایی کنفرانس برق	کارشناسی ارشد مهندسی علوم	دبیر سندیکای صنعت برق
۱۲	بابک اسکندریون	کارشناس اقتصاد وزارت نیرو	دکتری اقتصاد	رئیس گروه در دفتر سرمایه‌گذاری و تنظیم مقررات بازار آب و برق معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت نیرو، عضو کمیته اقتصادی اجتماعی کنفرانس برق

ادامه جدول ۲-۴: فهرست خبرگان مصاحبه‌شونده حوزه صنعت برق و انرژی (مدیران و کارشناسان وزارت نیرو و زیرمجموعه)

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	آخرین مدرک و رشته تحصیلی	توضیحات
۱۳	اشرف‌السادات پسندیده	استادیار گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو	دکتری مدیریت و سیاست‌گذاری فناوری	مدیر پروژه پژوه شی ارزیابی اجتماعی خامو شی برق بهمن‌ماه ۹۶ خوزستان
۱۴	ملیحه خنجری	پژوهشگر گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو	کارشناس ارشد مهندسی صنایع	مدیر پروژه پژوهشی گفتمان صنعت برق، اتاق فکر علوم اجتماعی، سرمایه اجتماعی، نقشه راه علوم اجتماعی
۱۵	هانیه آرزمجو	استادیار گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو	دکتری مدیریت	مدیر در پروژه‌های پژوهشی طراحی و استقرار مدل شایستگی اعتماد در شرکت توزیع برق تهران بزرگ، ارزیابی و ارتقاء آمادگی تغییرات راهبردی در وزارت نیرو، طراحی سازو کار تصمیم‌سازی در صنعت برق
۱۶	حمیدرضا پیرمراد	استادیار گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی	دکتری مدیریت	مدیر، مجری و پژوهشگر در پروژه‌های پژوهشی گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی و معاون توسعه مدیریت و منابع پژوهشگاه نیرو
۱۷	محمد برزگر خسروی	استادیار گروه پژوهشی حقوق انرژی پژوهشگاه نیرو	دکتری حقوق عمومی	مدیر پروژه پژوهشی نقشه راه مطالعات حقوق برق و انرژی

جمع‌بندی

در این فصل مباحث روش‌شناختی نحوه گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌منظور بررسی‌های تجربی در جهت پاسخ به سؤالات اصلی پژوهش ارائه شد. نتایج مطالعات انجام شده بر اساس نوع سؤالات پژوهش در فصل‌های بعدی ارائه می شود. مبنای دسته‌بندی مباحث حسب سه عرصه کلی در نظر گرفته‌شده در داخل و خارج از کشور است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲-۲. تجارب کشورهای خارجی در حوزه بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حوزه صنعت برق و انرژی

مقدمه

در این فصل، در ابتدای امر پژوهشگاه‌ها و انجمن‌های فعال و شناخته‌شدهٔ بین‌المللی که به ابعاد مختلف برق و انرژی پرداخته و کاربست علوم اجتماعی انرژی و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای از ویژگی‌های بارز فعالیت‌های علمی آن‌ها است، معرفی می‌شوند. سپس مجلات علمی و پژوهشی بین‌المللی مرتبط با مباحث علوم اجتماعی انرژی بررسی و اندیشمندان و محققان بین‌رشته‌ای که بیشتر بر پژوهش‌های مرتبط با انرژی، علوم اجتماعی و توسعه پایدار متمرکزند و پیشینهٔ تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی دارند، به همراه تعدادی از آثار پژوهشی آن‌ها معرفی می‌شوند. در ادامه، سیلابوس یا سرفصل‌های چند مورد از دوره‌های تحصیلی و دانشگاهی مرتبط با علوم اجتماعی انرژی مرور می‌شود. در پایان نیز مواردی از قوانین و مقررات برق و انرژی دیگر کشورها به‌منظور فهم رویکرد اجتماعی بررسی و تحلیل خواهد شد.

۲-۲-۱. پژوهشگاه‌ها و انجمن‌های علمی

یکی از مراکز اساسی و مؤثر در مطالعات سیاست‌گذاری انرژی و تصمیم‌سازی، پژوهشگاه‌ها و انجمن‌های علمی هستند که با پشتوانهٔ دانش علمی و پژوهش‌های چندرشته‌ای (میان‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای) مبنای نظری و تجربی تصمیم‌سازی‌ها و اقدامات عرصهٔ انرژی را حمایت می‌کنند و به آن جهت می‌دهند. در این بخش چند مورد از این پژوهشگاه‌ها، مؤسسات و انجمن‌ها معرفی می‌شوند.

۲-۲-۱-۱. انجمن مراکز پژوهشی آلمانی هلم‌هولتز

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

انجمن هلم‌هولتز[۱] مجموعه‌ای از ۱۸ مرکز تحقیقاتی ـ علمی رشته‌های مختلف در آلمان است که از طریق دستاوردهای سطح بالای علمی در شش زمینه تحقیقاتی: انرژی، زمین و محیط‌زیست، بهداشت، فناوری‌های کلیدی، مواد و هوانوردی، فضا و حمل و نقل به حل چالش‌های اساسی جامعه، علوم و اقتصاد کمک می‌کند. این مرکز که در سال ۱۹۹۵ تأسیس شده است با در اختیار داشتن حدود ۴۲۰۰۰ کارمند و بودجهٔ سالانه‌ای بالغ بر ۵ میلیارد یورو بزرگ‌ترین سازمان علمی آلمان است.

مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی انجمن هلم‌هولتز عبارت‌اند از: انرژی؛ زمین و محیط‌زیست؛ سلامت؛ اطلاعات؛ هوانوردی، فضا و حمل و نقل؛ مواد؛ بودجه برنامه محور؛ علم و اطلاعات؛ فناوری‌های کوانتومی؛ ابتکار آب و هوا؛ علوم باز؛ و همکاری‌های بین‌المللی. یکی از حوزه‌های پژوهشی این انجمن، حوزه انرژی است. این بخش با فعالیت به‌عنوان یک معمار علمی که مفاهیم کل‌نگرانه‌ای را شامل می‌شود تمام زنجیره‌های مربوط به تبدیل انرژی و کاوش در فناوری‌های مطمئن و آینده‌نگر را در اختیار دارد و به شکل‌گیری سیستم انرژی آینده کمک می‌کند. نقشه راه انتقال انرژی هلم‌هولتز *(HETR)*[۲] بر روش‌هایی برای بازسازی سیستم انرژی تأکید می‌کند و به شیوه‌ای کارآمد به جامعه، سیاست‌گذاران و مشاغل مشاوره داده و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند.

دانشمندان این حوزه، به دنبال راه‌حل‌هایی برای سیستم بین‌بخشی انرژی هستند که در آن برق، گرما و تحرک در هم تنیده‌اند. این سیستم که «اتصال‌بخش» نامیده می‌شود برق تولیدشده از انرژی خورشیدی یا باد را به سایر اشکال انرژی تبدیل می‌کند به‌گونه‌ای که به شکل انعطاف‌پذیر و کارآمد جهت تأمین گرما، حمل و نقل و فرایندهای صنعتی مورداستفاده قرار بگیرند.

دانشمندان هلم‌هولتز که درزمینه تحقیقات انرژی فعالیت می‌کنند، در تلاش هستند راه‌حل‌هایی برای تأمین انرژی پایدار از نظر اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی تأمین کنند. آنها در حال بررسی تمام زنجیره‌های انرژی مربوطه، از جمله شرایط فنی و اقتصادی و اجتماعی و تأثیرات آن بر آب و هوا و محیط هستند. یک هدف مهم، جایگزینی سوخت‌های فسیلی و هسته‌ای با منابع انرژی پایدار و بدون آلودگی آب و هوا است. دانشمندان هم‌چنین به دنبال تعیین پتانسیل انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی، زیست‌توده و انرژی زمین‌گرمایی هستند. آنها در تلاش‌اند تا بهره‌وری نیروگاه‌های متداول و مصرف انرژی را به‌طورکلی افزایش دهند.

تحقیق در زمینه انرژی: دانشمندان در بخش تحقیقات انرژی، در حال بررسی تأمین انرژی خنثی از نظر اقلیمی هستند که از نظر اقتصادی و اجتماعی پایدار باشد. آنها این هدف را با تحقیق و توسعه فناوری‌های نوآورانه تبدیل، توزیع و ذخیره‌سازی و طراحی راه‌حل‌هایی برای سیستم انرژی بین‌بخشی دنبال می‌کنند. حوزه تحقیقات انرژی، به‌عنوان یک معمار علمی عمل می‌کند و به طراحی سیستم انرژی آینده بر اساس رویکرد جامع، چشم‌انداز سیستمی و همکاری بین‌رشته‌ای کمک می‌کند.

حوزه تحقیقاتی «انرژی» به هفت برنامه تحقیقاتی «بهره‌وری انرژی، مواد و منابع»، «انرژی‌های تجدیدپذیر»، «زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و پیوند متقابل»، «فناوری اطلاعات آینده»، «فناوری، نوآوری و جامعه»، «تحقیقات مدیریت پسماند هسته‌ای»، «ایمنی و تابش»، «همجوشی هسته‌ای» و «سیستم انرژی ۲۰۵۰» تقسیم شده است. همه برنامه‌ها در کارگروه‌های بین‌رشته‌ای و همکاری‌های بین‌المللی اجرا می‌شوند. اهدف و توصیف برخی از برنامه‌های تحقیقاتی به شرح زیر است:

انرژی‌های تجدیدپذیر: این برنامه فناوری‌های نوآورانه‌ای را به پیش می‌برد که یک سیستم انرژی مبتنی بر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر را تکمیل می‌کنند.

زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و پیوند متقابل: این برنامه تازه تأسیس‌شده به تحقیق و توسعه سیستم‌های ذخیره انرژی و زیرساخت‌های کارآمد اختصاص یافته است که برای ایجاد تعادل در عرضه بی‌ثبات انرژی‌های تجدیدپذیر و رفع چالش‌های مختلف ناشی از انتقال و توزیع انرژی طراحی شده است.

---

۱ *The Helmholtz Association of German Research Centers*
https://www.helmholtz.de/en/research/energy/

۲ *Helmholtz Energy Transition Roadmap*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

فناوری اطلاعات آینده (*FIT*) – مبانی، مفاهیم جدید و بهره‌وری انرژی: منطق برنامه تحقیق دو مورد است: اول، این تحقیق اصول فناوری‌های جدید و استراتژی‌های مبتنی بر حالت جامد را برای یک *ICT* سبز در آینده بررسی می‌کند. تمرکز بر توسعه مفاهیم و فرایندهای بسیار کم‌مصرف برای ذخیره و پردازش اطلاعات است. دوم، این برنامه مشکلات اساسی مربوط به مواد و مکانیسم‌های میکروسکوپی را در زمینه‌های برداشت، تبدیل و ذخیره انرژی برطرف می‌کند.

فعالیت‌های انجمن هلم‌هولتز در زمینهٔ «علوم اجتماعی انرژی» بیشتر در دو بخش «فناوری، نوآوری و جامعه» و «انتقال دانش» انجام می‌شود.

فناوری، نوآوری و جامعه: هدف این برنامه میان‌رشته‌ای تحقیق در مورد جنبه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی فناوری‌های جدید به‌منظور پشتیبانی از فرایندهای تصمیم‌گیری در سیاست، اقتصاد و جامعه به‌طورکلی است.

کارگروه انرژی مرکز هلمولتز از جمله کارگروه‌ها و کمیته‌های علمی است که اقداماتی به شرح ذیل در این کارگروه انجام می‌پذیرد:

- توزیع مکانی تولید انرژی و زیرساخت‌های انرژی (نیروگاه‌ها و شبکه‌ها) و درگیری‌های زیست محیطی و اجتماعی مربوطه
- ابزارهای سیاست‌گذاری برای ترویج تولید برق از تجدیدپذیرها (به‌عنوان مثال طرح‌های پشتیبانی از منابع تجدیدپذیر انرژی، طرح تجارت صادرات اتحادیه اروپا و قانون برنامه‌ریزی) و نگرانی‌های مربوط به بازار و سیستم ادغام تجدیدپذیر و درگیری‌های مربوط به استفاده از زمین
- الزامات مربوط به چارچوب نظارتی برای شبکه‌های برق (به‌عنوان مثال قانون زیرساخت و برنامه‌ریزی، تنظیم تشویقی اپراتورهای سیستم انتقال) که باید نیازهای توسعه شبکه شتاب و حفاظت از محیط زیست و محله را همزمان برطرف کند.
- تخصیص و هماهنگی مسئولیت‌های تصمیم‌گیری سیاسی در یک سیستم حاکمیت چندسطحی (اتحادیه اروپا، دولت فدرال، دولت‌های ایالتی، شهرداری‌ها)
- انواع جدید سازمانی برای تولید و تأمین برق، به‌عنوان مثال تعاونی‌های انرژی
- مبانی فرهنگی و اجتماعی ادراک عمومی از منابع انرژی تجدیدپذیر، به‌ویژه زمین گرمایی
- نوآوری و تطبیق فناوری‌های انرژی در عمل
- جنبه‌های حقوقی و جامعه‌شناختی مقابله با عدم اطمینان و جهل
- فقر انرژی و تفکیک اجتماعی و مکانی

انتقال دانش به‌عنوان بخشی از مأموریت هلم‌هولتز: تحقیقات پیشرفته دانش جدیدی ایجاد می‌کند. اما برای این دانش چه اتفاقی می‌افتد؟ چگونه به مناطق مختلف و ذی‌نفعان جامعه می‌رسد که واقعاً به یافته‌های فعلی نیاز دارند؟ این سؤال یکی از مؤلفه‌های اصلی مأموریت هلم‌هولتز است. بنابراین، این انجمن دامنه خاصی از فعالیت‌ها را ترویج می‌کند که در مجموع تحت عنوان «انتقال دانش» شناخته می‌شوند. این از انتقال تکنولوژی، اطلاع‌رسانی عمومی و آموزش استعدادهای جدید علمی فراتر است. بسیاری از این فعالیت‌های انتقال دانش در ابتدا فقط با انگیزه محققان توسعه یافته و سپس با گذشت زمان موردحمایت استراتژیک قرار گرفتند و غالباً نهادینه شدند. این یک گفتگوی نزدیک با ذی‌نفعان مختلف از سیاست، اداره، بازرگانی، جامعه مدنی، آموزش و رسانه ایجاد کرده است. بنابراین در نهایت دانشی که ایجاد می‌شود به جامعه نیز می‌رسد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

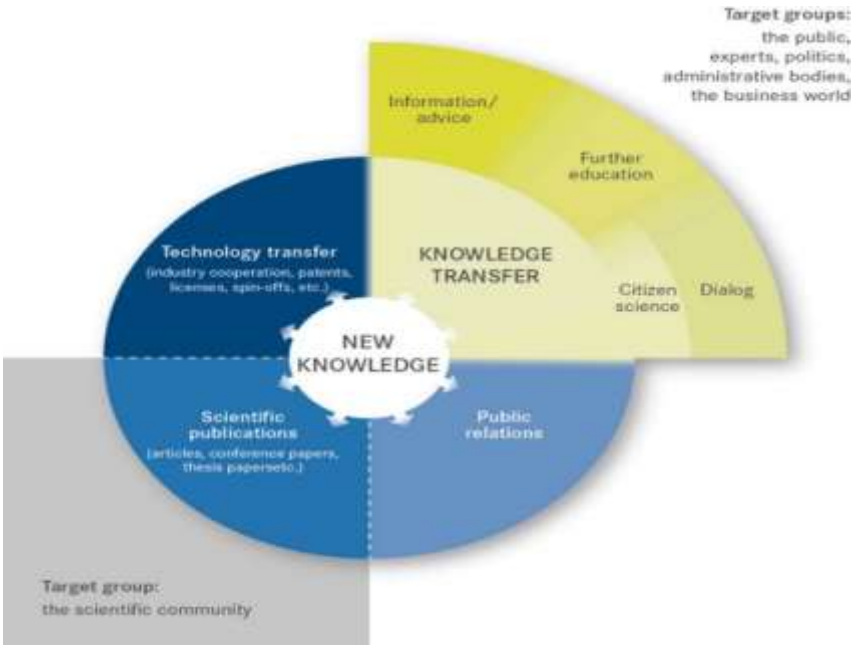

شکل ۲-۱: نمودار انتقال دانش در هلم‌هولتز

(مأخذ: *https://www.helmholtz.de/en/research/energy/?L*)

۲-۲-۱-۲. مؤسسه انرژی کالج سلطنتی لندن

مؤسسه انرژی کالج سلطنتی لندن[۱] بر پژوهش‌های مرتبط با انرژی با رویکرد چندرشته‌ای متمرکز است. دلیل این امر از دید مسئولان و سیاست‌گذاران این مؤسسه این است که بیشتر مشکلات انرژی ماهیتی چندرشته‌ای دارند، که شامل علوم محض، مهندسی و علوم اجتماعی هستند. برای درک و حل این مسائل، رویکردهای مختلفی لازم است و تحقیقات مؤسسه انرژی *UCL* برای توسعه طیف وسیعی از ابزارها، مدل‌ها و روش‌ها برای حل چالش‌های انرژی پیش روی جهان طی دو دهه آینده تلاش می‌کند.

رویکرد اصلی این مؤسسه، تخصص‌هایی را از سراسر *UCL* در هم می‌آمیزد تا سهم واقعاً میان‌رشته‌ای در توسعه سیستم انرژی پایدار جهانی داشته باشد و مؤسسه کیفیت شناخته شده آموزش و تحقیقات خود در تقاضای انرژی و مدل‌سازی سیستم‌های انرژی را مدیون این ترکیب غیرمعمول تخصص‌ها می‌داند.

تحقیقات این مؤسسه، شامل کل سیستم تقاضا، از رفتار مصرف‌کننده و فناوری‌های خانگی گرفته تا سیاست‌گذاری، چهار موضوع اصلی دارد:

- **سیستم‌های انرژی و محیط‌زیست:** موضوع سیستم‌های انرژی و محیط‌زیست یک تیم تحقیقاتی بسیار میان‌رشته‌ای است که بر تعاملات عناصر مختلف سیستم انرژی در طیف گسترده‌ای از مقیاس‌ها و پروژه‌های جغرافیایی متمرکز شده است، از جمله گروه فضا و زمان انرژی، آزمایشگاه تحقیقات جزایر و گروه توسعه و انرژی.

۱ *UCL Energy Institute*
https://www.ucl.ac.uk/bartlett/energy/research/energy-and-buildings

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- **تجزیه و تحلیل انرژی و داده‌ها:** مأموریت «تجزیه و تحلیل انرژی و داده‌ها» استفاده از پیشرفته‌ترین و بهترین الگوریتم‌ها و روش‌های هوش مصنوعی برای حل مشکلات پایداری است. موضوع شامل آزمایشگاه سیستم‌های انرژی و هوش مصنوعی است.
- **انرژی و حمل و نقل:** در گروه‌های تحقیقاتی و آزمایشگاهی زیر در انواع حمل و نقل به‌طور مولد کار می‌کند: آزمایشگاه سیستم‌های حمل و نقل هوایی (*ATS*)، گروه تحقیقات حمل و نقل و خدمات به‌عنوان سرویس (*MaaSLab*).
- **انرژی و ساختمان‌ها:** این بخش ساختمان‌های خانگی و غیرخانگی، انرژی هوشمند و گرمایش سطح منطقه را شامل می‌شود. گروه‌های تحقیقاتی عبارت‌اند از: مردم، صلح، سازگاری، آسایش و انرژی هوشمند، خصوصیات فیزیکی گروه ساختمان‌ها، آزمایشگاه ساختمان و گروه تحقیقاتی انرژی هوشمند (*SERG*). بیشتر تحقیقات این بخش در حوزه علوم اجتماعی انرژی قرار می‌گیرند.

کارهای پژوهشی در این حوزه را می‌توان به چهار موضوع کلی تقسیم کرد:

- ساختمان‌های خانگی (مسکونی)
- ساختمان‌های غیرخانگی
- انرژی هوشمند (معروف به مدیریت سمت تقاضا)
- گرمایش در سطح منطقه

موارد فوق از طیف وسیعی از لنزهای مختلف بررسی می‌شوند: «اپیدمیولوژی انرژی»[۱] به جمع‌آوری مجموعه داده‌ها برای به‌دست آوردن بینش تازه در مورد مصرف انرژی در کل محیطِ ساخته‌شده است. «فیزیک ساختمان»[۲] (یا نظارت فیزیکی) به ما امکان می‌دهد تا اپیدمیولوژی را تفسیر کنیم. «سیستم‌های فنی و اجتماعی»[۳]، که نتایج پایش و داده‌ها را با علوم اجتماعی ترکیب می‌کند، به نحوه تأثیر رفتار بر مصرف انرژی توجه می‌کند. تیم ساختمان در مورد ضرورت وجود یک چارچوب داده جامع برای ساختمان‌ها و استفاده از انرژی، بحثی را بین انجمن‌های سیاست‌گذاری و تحقیقاتی آغاز کرده است.

برخی از پروژه‌های تحقیقاتی این مرکز عبارت‌اند از:

- **توسعه سیستم‌های هوشمند[۴]**

هدف *SMART* توسعه چشم‌اندازی جامع از سیستم‌های انرژی هوشمند است که نیازهای کارکردی آینده را مشخص می‌کند، از جمله: مدیریت داده‌ها، زیرساخت‌ها، برق و سیستم‌های گرمایشی و مشارکت مشتریان.

- **فلَش: تسهیل، یادگیری و به‌اشتراک‌گذاری[۵]**

این برنامه با هدف دسترسی *SME* ها (بنگاه‌های کوچک و متوسط) مستقر در لندن به جدیدترین و معتبرترین تحقیقات در زمینه مقاوم‌سازی با هدف کمک به توسعه آنها در مشاغل کم‌کربن انجام می‌شود.

- **انرژی توزیع‌شده خُرد[۶]**

هدف این پروژه ارتقای درک محققان از تأثیر مردم و تعاملات بر مصرف انرژی و تقاضای برق در حال حاضر و در یک جامعه بدون‌کربن (کربن‌زدایی‌شده) در آینده است.

---

۱ *energy epidemiology*

۲ *bulding physics*

۳ *socio-technical systems*

۴ *SMART systems development*

۵ *FLASH: Facilitation, learning and sharing*

۶ *Micro Distributed Energy*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- **مردم، انرژی و ساختمان‌ها[1]:** توزیع، تنوع و پویایی

این پروژه یک تیم بین‌المللی از محققان را در چارچوب تجزیه و تحلیل، ارزیابی و تفسیر بین‌رشته‌ای گِرد هم می‌آورد تا مدل‌های عرضه و تقاضای پویای جدید را ایجاد کند.

گروه علوم اجتماعی انرژی *UCL*: گروه علوم اجتماعی محققان *UCL* را گرد هم می‌آورد که در کارشان جنبه‌های اجتماعی استفاده و تأمین انرژی را در نظر می‌گیرد. این گروه علاوه بر فراهم کردن یک انجمن برای مشاوره، بحث و همکاری، ادغام علوم اجتماعی با سایر رشته‌ها را در حوزه انرژی ترویج می‌کند. فعالیت‌های آنها عبارت‌اند از: میزبانی یک مخزن اطلاعات نگهداری‌شده توسط اعضا که مواردی مانند فرایند درخواست اخلاق در *UCL*، رویدادها و آموزش‌های مربوطه را پوشش می‌دهد و مطالعه توصیه می‌شود. ایجاد یک لیست ایمیل به‌طوری‌که اعضا بتوانند اطلاعات رویدادها و نشریات را به اشتراک بگذارند یا سؤال بپرسند، برگزاری رویدادها و آموزش با سخنرانان داخلی و خارجی تسهیل همکاری درون و بین بخشی در *UCL*، و هم‌چنین ایجاد پیوند با سایر سازمان‌ها.

۲-۲-۱-۳. مرکز سیاست جهانی انرژی

مرکز سیاست جهانی انرژی[2] یک مرکز تحقیقاتی واقع در دانشکده امور بین‌الملل و عمومی (*SIPA*)[3] در دانشگاه کلمبیا (ایالات متحده آمریکا) است که تلاش دارد از طریق تحقیق، آموزش و گفتگو، راه‌حل‌های هوشمند، عملی و مبتنی بر شواهد برای مسائل مرتبط با انرژی و اقلیمی را توسعه دهد. این مرکز از طریق کمک از منابع مختلف، از جمله بنیادها، شرکت‌ها و اهداکنندگان فردی پشتیبانی می‌شود.

انرژی به‌عنوان سنگ‌بنای تمدن مدرن، بر هر جنبه‌ای از زندگی ما تأثیر می‌گذارد – از نحوه کار و تأمین غذا برای خانواده‌ها، تا اقتصاد جهانی و امنیت جهانی. بنابراین، راه‌حل‌های سیاست جهانی انرژی که توسط پژوهش‌های دقیق و گفت وگو به دست آمده، کلیدی در رسیدگی به تغییرات آب و هوایی، افزایش دسترسی به انرژی و ایجاد جرقه نوآوری برای اقتصاد جهانی پر رونق انرژی است.

برای درک وضعیت انرژی جهانی، ما به راه‌حل‌های سیاست‌محور و مبتنی بر داده نیاز داریم که در زمان واقعی به چالش‌های امروز پاسخ دهند. تصمیم‌گیرندگان در تلاشند تا تجزیه و تحلیل مستقل و مبتنی بر واقعیت و اطلاعات خاصی را که برای حل چالش‌های عظیم بخش انرژی نیاز دارند، پیدا کنند. به همین منظور مرکز سیاست انرژی جهانی *(CGEP)*[4] تأسیس شد. *CGEP* پلی است که بین تحقیقات و سیاست‌های دانشگاهی وجود دارد. دانشمندان و همکاران این مرکز – کارشناسان ارشد انرژی از دولت، دانشگاه، صنعت و سازمان‌های غیردولتی – به‌طور مکرر فراخوانده می‌شوند تا سیاست‌گذاران و رهبران تجارت جهانی را با اطلاعات، تجزیه و تحلیل و بینش مورد نیاز خود تقویت کنند.

یکی دیگر از مسائل کنونی جهانی، قطبی شدن گفتگوها پیرامون انرژی و آب و هوا است. برای به اشتراک گذاشتن ایده‌ها، ایجاد راه‌حل‌ها و تقویت همکاری به گفتگوی جهانی، چندرشته‌ای و بین‌بخشی نیاز است. *CGEP* مرکز اصلی و آزمایشگاه سیاست‌گذاری برای رهبری فکر جهانی انرژی است. در این مرکز سیاست‌گذاران، رهبران مشاغل و جامعه مدنی، کارآفرینان، مبتکران و روزنامه

۱ *People, Energy and Buildings (PEB)*

۲ *Center on Global Energy Policy*

https://www.energypolicy.columbia.edu/

۳ *School of International and Public Affairs (SIPA)*

۴ *Center on Global Energy Policy (CGEP)*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

نگاران به هم مرتبط می‌شوند، تا یک مجمع جهانی ایجاد شود که بینش و آگاهی لازم را برای تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران جهت حل چالش‌های انرژی جهانی فراهم کند.

برای گشودن راه‌حل‌های انرژی و اقلیم، به پیشرفت در سیاست، فناوری و امور مالی نیاز است. دستیابی به این پیشرفت‌ها مستلزم سیاست‌هایی است که توسط تحقیقات بسیار دقیق و هدفمند و رهبران متنوع و نوآور انرژی ارائه شده باشد. *CGEP* در حال آموزش اندیشمندان، رهبران و ارتباط‌دهندگان فردا است. برنامه‌هایی مانند «تمرکز بر انرژی و محیط‌زیست» و ابتکارات زنان در انرژی و روزنامه‌نگاری انرژی در *CGEP*، فرصت‌های آموزشی، شغلی و راهنمایی را برای نسل بعدی رهبران انرژی و آب و هوا فراهم می‌کنند.

برخی از مباحث و حوزه‌های کاری این مرکز به قرار زیر است:

تغییرات اقلیمی و محیط‌زیست: تغییر اقلیمی یکی از چالش‌های اصلی قرن ۲۱ است. ایجاد و پیوند دادن سیاست‌ها، فناوری‌ها، سیستم‌های مالی و بازارهای مورد نیاز برای دستیابی به اهداف آب و هوایی، کلیدی در رفع این چالش است.

انرژی برای توسعه: دسترسی به انرژی در کاهش فقر نقش اساسی دارد. انرژی هم‌چنین برای تلاش‌های در حال توسعه کشور برای حرکت به سمت رفاه گسترده‌تر، که به‌طور قابل‌توجهی تقاضای آنها برای انرژی را افزایش می‌دهد، حیاتی است. درک بهتر چگونگی بهبود استقرار و استفاده از انرژی برای توسعه می‌تواند علاوه بر تقویت رشد داخلی، از پایداری جهانی نیز پشتیبانی کند.

از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- انرژی و توسعه در جهان در حال تغییر: چارچوبی برای قرن ۲۱
- بهره‌وری انرژی به‌عنوان محرک کالاها و خدمات بیشتر و بهتر

بازارهای انرژی: عملکرد خوب بازارهای انرژی برای توزیع منابع انرژی حیاتی است. درک نحوه کارکرد آنها، چگونه می‌توان آنها را بهبود بخشید و چگونه تحت تأثیر تغییرات بعدی در بخش انرژی قرار می‌گیرند، برای دستیابی به اهداف انرژی و زیست محیطی کلیدی است.

امنیت انرژی: امنیت انرژی مدتها است که هدف اصلی سیاست‌های انرژی است، اما هنوز درک و تعریف چندانی ندارد. ارزیابی خطرات امنیت انرژی و چگونگی تکامل آنها برای کل بخش خصوصی و عمومی کلیدی است.

ژئوپلیتیک: انرژی از مدت‌ها قبل با ژئوپلیتیک جهانی، قدرت و سیاست‌های خارجی گره خورده است. سرعت سریع تغییر در بخش انرژی در حال ایجاد منابع جدید عدم اطمینان و خطر است که نیاز به مطالعه و درک دقیق دارد.

انرژی هسته‌ای: اگرچه این منبع در واقع انرژی بدون کربن است، اما انرژی هسته‌ای همچنان یکی از تقسیم‌کننده‌ترین اجزای مخلوط انرژی اولیه در جهان است. آینده آن عمدتاً به سؤالات مربوط به هزینه، ایمنی، مدیریت پسماند و فناوری مقاوم در برابر تکثیر بستگی دارد.

بخش برق: زیرساخت‌های فرسوده، تولید توزیع‌شده، ذخیره‌سازی و فناوری‌های جدید مصرف‌کننده، پیکربندی مجدد بخش برق را تسریع می‌کند.

انرژی تجدیدپذیر: افزایش منابع انرژی تجدیدپذیر بازارهای سنتی انرژی، جریان تجارت است و مجموعه‌ای جدید از چالش‌ها را برای سیاست‌گذاران و هم‌چنین فرصت‌های جدید برای رسیدگی به چالش تغییرات آب و هوایی در سراسر جهان ارائه می‌دهد.

زنان در انرژی[1]: برنامه زنان در انرژی با پیشرفت برابری و فرصت، جایگاه زنان را در انرژی بالا می‌برد. *WIE* به دنبال رفع موانع نهادی در ورود، کمک به سازمان‌ها و شرکت‌ها برای بهبود نگهداری و توانمندسازی زنان برای رسیدن به رشد شغلی از طریق برنامه‌ریزی‌های آموزشی، افزایش دید و شبکه‌های گسترده‌تر است.

---

۱ *The Women in Energy (WIE)*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲-۲-۱-۴. مرکز راهبردهای گذار انرژی نروژ

مرکز راهبردهای گذار انرژی نروژ (*NTRANS*)[۱] که در دانشگاه علوم و تکنولوژی نروژ (*NTNU*)[۲] قرار دارد برای ارائه تحقیقات پیشرو در جهان در مورد سیستم انرژی در حال گذار به جامعه با انتشار صفر تأسیس شده است. این مرکز بر نقش سیستم انرژی در کربن‌زدایی بخش‌هایی مانند انرژی، حمل و نقل، صنعت و ساختمان‌ها و هم‌چنین زندگی روزمره ما تمرکز دارد. شیوه‌های جدید، افزایش مشارکت شهروندان و تغییرات در رفتار به‌منظور تحریک تقاضا برای راه‌حل‌های کم‌کربن، ایجاد مشروعیت سیاسی و بسیج منابع، برای گذار حیاتی موردنیاز هستند.

در این مرکز بر این سؤالات تأکید شده است که:

- چگونه می‌توان دامنه گذار را به شهروندان و تعامل آنها با فناوری‌ها و سیستم‌ها گسترش داد؟
- چگونه می‌توان دامنه گذار را عمیق‌تر کرد (یعنی چگونه می‌توان یک تغییر اساسی در سطح جامعه را از طریق منطق تولید، توزیع، مصرف و پیوند بخش های اقتصادی اجرا کرد)؟ و
- چگونه می‌توان گذار را برای دستیابی به کاهش انتشار در تقاطع انرژی، آب و هوا و پایداری تسریع کرد؟

این مرکز پنج حوزه تحقیقاتی دارد که در ادامه به توضیحات بیشتر آن می‌پردازیم.

حوزه تحقیق ۱: کربن‌زدایی عمیق و تغییرات گسترده اجتماعی[۳]

دستیابی به کربن‌زدایی عمیق و تغییرات گسترده در جامعه بیش از اجرای فناوری‌های فردی برای بخش‌های فردی است. علاوه بر فناوری‌های قدیمی و جدید برای دستیابی به جامعه‌ای پایدارتر، آنها بر موارد زیر تمرکز می‌کنند:

فعالیت روزمره، فرهنگ انرژی، نهادها، روابط اجتماعی، رفتار مصرف‌کننده و فرایندهای سیاسی.

توسعه و پیاده‌سازی فناوری‌های جدید را نمی‌توان به صورت مجزا بررسی کرد، بلکه به‌عنوان بخشی از تغییرات عمده در جامعه است. گذار پایداری به‌طورکلی، و گذار انرژی به‌طور خاص، فرایندهای اجتماعی– فنی[۴] هستند.

گذار فرصتی را برای ایجاد سیستم ها، نهادها و شیوه‌های جدید و منصفانه فراهم می‌کند. دستیابی به این امر مستلزم فرایندهای فراگیر و دموکراتیک و توسعه اشکال جدید مشارکت اجتماعی است.

حوزه تحقیق ۲: تسریع گذار انرژی

راه‌اندازی، شتاب و تثبیت سه‌مرحله‌ای هستند که اغلب تغییر در آنها اتفاق می‌افتد. مرکز فاز اول، ایجاد و آماده‌سازی فناوری‌های جدید است. فاز دوم با افزایش مقیاس و انتشار گسترده این فناوری‌های اصلی مشخص می‌شود. به‌عنوان مثال، پیرامون انتقال انرژی و فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر که به دستیابی به اهداف مهم زیست محیطی مانند کربن‌زدایی کمک می‌کند. در مرحله سوم، یک پیکربندی جدید، اجتماعی و فنی تثبیت می‌شود. بیشتر کشورها و بخش‌ها هنوز در مراحل اولیه هستند. تحقیقات آکادمیک بین‌المللی تاکنون نیز بر این مراحل اولیه متمرکز بوده است.

حوزه تحقیق ۳: بازارهای انرژی آینده

سازمان‌دهی مجدد بخش انرژی یکی از سنگ بنای گذار به یک جامعه کم‌کربن است که توسط توافقنامه پاریس و برنامه آب و هوایی اتحادیه اروپا هدایت می شود. آنها بر توسعه، طراحی و اجرای بازار انرژی آینده در نروژ و اروپا تمرکز می‌کنند. محققان این مرکز طراحی آینده بازار اروپا و ادغام بازارهای انرژی و انعطاف‌پذیری را با تأکید ویژه بر بازارهای غیرمتمرکز که بر مصرف‌کنندگان

---

۱ *Norwegian Centre for Energy Transition Strategies*

https://www.ntnu.edu/ntrans/ntrans

۲ *Norwegian University of Science and Technology*

۳ *Deep decarbonization and wide societal change*

۴ *socio-technical processes*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تمرکز دارند، ارزیابی خواهند کرد. آنها هم‌چنین به ارزیابی منافع نروژی کمک خواهند نمود، جایی که منابع انرژی کم‌انتشار می‌تواند در چنین چارچوب بازاری، ارزش‌گذاری و استفاده شود. آنها نقش بازار انرژی و پتانسیل را در بازار انرژی آینده تعیین خواهند نمود – در گذار به یک سیستم انرژی با آلایندگی صفر، و برای تسهیل جامعه کم‌کربن در آینده.

حوزه تحقیق ۴: مسیرهایی به سوی آینده‌ای پایدار

در این مرکز در حال تجزیه و تحلیل مسیرهای گذار مختلف هستند که به سمت یک جامعه کم‌انتشار، با تمرکز ویژه بر توسعه نروژی حرکت می‌کنند و هم‌چنین در مورد چگونگی تعامل با اروپا در گزینه‌های مختلف. محققان *NTRANS* از رشته‌های مختلف هستند و مهم‌ترین سؤال پژوهشی این است: چگونه می‌توان پلی بین مطالعات گذاری که شامل علوم سیاسی، نوآوری، فناوری و تجزیه و تحلیل سیستم‌های انرژی فنی–اقتصادی است، ایجاد کرد تا درک مشترکی از جهت‌های تغییر ایجاد شود؟

حوزه تحقیق ۵: موارد استفاده و نوآوری

محققان و شرکای کاربر برای یادگیری از یکدیگر – و ایجاد دانش جدید با یکدیگر همکاری خواهند کرد. آنها پایگاه دانش موجود و نتایج تحقیقات اولیه را ارائه و بحث خواهند کرد. این همکاری مشارکت شرکای کاربر را تضمین می‌کند و فعالیت‌های نوآوری مرتبط را تسهیل می‌کند. به گفته آنچه در سایت آمده موارد مورداستفاده حدود ده مورد هستند که به‌طور مشترک توسط شرکای کاربر و محققین تعریف شده است. هر مورد یک تا دو سال طول می‌کشد و توسط یک یا دو محقق هدایت می‌شود. شرکای کاربر پایلوت‌هایی را ارائه می‌دهند که در مورد فعالیت‌های در حال انجام و برنامه‌ریزی‌شده در بخش انرژی فکر می کنند و علاقه عمومی برای افراد درگیر دارند. اهداف مدنظر در این زمینه می‌تواند موارد ذیل باشد:

- برنامه‌ریزی و اجرای حدود ده مورد
- تسهیل هم‌افزایی بین حوزه‌های تحقیقاتی و در هر مورد کاربر
- حصول اطمینان از مشارکت کاربر در تحقیق
- تسهیل فعالیت‌های نوآوری مرتبط با تحقیق

لازم به یادآوری است محققان مرکز راهبردهای گذار انرژی نروژ، قبلاً در مرکز مطالعات انرژی پایدار[۱]، مشغول به پژوهش بودند که یک مرکز تحقیقاتی ملی برای انرژی سازگار با محیط‌زیست بود که در همین دانشگاه علوم و تکنولوژی نروژ[۲] (*NTNU*) در سال ۲۰۱۱ تأسیس شد و فعالیت آن تا سال ۲۰۱۹ ادامه داشت. هدف مرکز مطالعات انرژی پایدار انجام تحقیقاتی بود که از تصمیم‌گیرندگان دولتی و خصوصی در تصمیمات و سیاست‌های استراتژیک پشتیبانی کند که می‌توانست فناوری‌های انرژی دوستدار محیط‌زیست را ارتقا دهد و منجر به یک سیستم انرژی پایدار شود. هدف اصلی تقویت درک درستی از جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توسعه و معرفی انرژی‌های تجدید پذیر و فناوری محیط‌زیست بود.

۲–۲–۱–۵. مؤسسه منابع، محیط زیست و پایداری

مؤسسه منابع، محیط و پایداری[۳] در دانشگاه بریتیش کلمبیا[۴] (*UBC*) در کشور کانادا یک مؤسسه تحقیقاتی میان‌رشته‌ای مسئله محور است که با علاقه و تخصص در طیف گسترده‌ای از موضوعات تحت قلمرو محیط زیست و پایداری به پژوهش می‌پردازد. برخی از مهم‌ترین مضامین تحقیق این مؤسسه عبارت‌اند از:

۱ *Center for Sustainable Energy Studies (CenSES)*

۲ *Norwegian University of Science and Technology*

۳ *Institute for Resources, Environment and Sustainability (IRES)*

http://ires.ubc.ca/research/

۴ *The University of British Columbia*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

زیست‌بوم، مردم و بقا: در میان بحران آب و هوایی کنونی، ما هم‌چنین با یک بحران زیست‌محیطی مداوم و شدید روبرو هستیم. یک میلیون گونه به دلیل فعالیت‌های انسانی در معرض خطر انقراض قرار دارند و این امر بهزیستی طبیعی و انسانی را به خطر می‌اندازد. تأمین حقوق مردم برای زندگی در یک محیط سالم و پایدار هرگز از اهمیت بیشتری برخوردار نبوده است. هم‌چنین کاری برای ارتقای مقاومت مردم و اکوسیستم در برابر تغییرات اقلیمی و سایر مخاطرات انجام نشده است. محققان *IRES* برای درک چگونگی تعامل مردم با اکوسیستم‌ها، اینکه چگونه طبیعت به رفاه انسان کمک می‌کند و چگونه افراد، فعالیت‌های انسانی و محیط‌های ساخته‌شده می‌توانند طبیعت را تخریب یا پایدار کنند، تلاش می‌کنند. آن‌ها با مشارکت با جوامع، دولت‌ها و سایر ذی‌نفعان در تلاش‌اند تا انعطاف‌پذیری سیستم‌های اجتماعی ـ زیست محیطی را بهبود بخشند.

ادراک، فرهنگ، ارزش‌ها و رفتار: انسان چگونه طبیعت را درک می‌کند؟ چگونه ارزش‌ها و دانش‌های فرهنگی برای تصمیم‌گیری‌های مهم مربوط به آینده اجتماعی– زیست محیطی بسیج می‌شوند؟ موانع و توانمندی‌های اجتماعی ـ فرهنگی، ادراکی و روانی برای رفتار پایدار، به‌عنوان افراد و به‌عنوان یک مجموعه، چیست؟ درک دقیق این عوامل، اقدام مؤثر در جهت پایداری را امکان‌پذیر می‌کند. محققان *IRES* برای درک اینکه چگونه می‌توان از مفاهیم اصلی طبیعت و روابط انسان و طبیعت برای طراحی مداخلات رفتاری، شکل‌دادن سیاست، تغییر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و مدیریت بهتر زمین، آب، هوا، اکوسیستم‌ها و فناوری‌ها استفاده کرد، تلاش می‌کنند.

انرژی، آلودگی و تغییر اقلیم: تغییرات آب و هوایی تهدیدی جدی برای رفاه انسان و اکوسیستم است. به همین ترتیب، موضوعات متنوع مربوط به نیازها و فناوری‌های انرژی و هم‌چنین طیف گسترده‌ای از فرایندهای تغییر اقلیم و چالش‌های تصمیم‌گیری، نیاز به بررسی دارد. هم‌چنین، آلودگی مانند آلودگی هوا – عمدتاً ناشی از احتراق سوخت‌های فسیلی، اجاق گازهای ناکارآمد و سوخت‌های آلوده‌کننده – سالانه میلیون‌ها انسان را از بین می‌برد. بنابراین یک ضرورت چندوجهی برای تسریع در گذار به انرژی پاک به‌منظور محافظت از سلامت انسان و سیاره وجود دارد درحالی‌که از تأثیرات سوء ناشی از انرژی‌های تجدیدپذیر و نحوه توزیع خطرات و مزایای منابع انرژی پاک نباید غافل شد. محققان *IRES* قصد دارند از تصمیم‌گیری‌ها حمایت کنند و گذار به آینده‌ای پایدارتر، سالم و عادلانه را امکان‌پذیر سازند. آن‌ها برای درک تأثیرات طیف گسترده‌ای از انرژی، حمل و نقل و سیستم‌های صنعتی، شناسایی و ارزیابی مسیرهای رسیدن به انرژی و سایر تحولات اجتماعی – فنی و هم‌چنین هم‌افزایی و تجارت بین اقلیم و سایر اهداف تلاش می‌کنند.

برخی از پروژه‌های تحقیقاتی در این عرصه عبارت‌اند از:

- کیفیت هوا و تأثیرات آب و هوایی در کشورهای در حال توسعه
- حق زندگی در آب و هوای امن
- مزایای بهداشتی و اقلیمی گزینه‌های جایگزینی اجاق گاز آشپزخانه

دولت، سیاست، قانون و عدالت: ما در بحران‌های بی‌سابقه زیست محیطی جهانی قرار داریم – اختلال در آب و هوا، از دست دادن تنوع زیستی، بیماری‌های همه‌گیر در حال ظهور و آلودگی فراگیر – که باید سریعاً مرتفع شوند. با شناخت چالش‌های همزمان فقر و نابرابری، روشن است که برای مقابله با این بحران‌ها به روشی عادلانه و منصفانه، نیاز به تغییرات تحول‌آفرین است. محققان *IRES* در حال شناسایی قوانین، سیاست‌ها، روش‌های تصمیم‌گیری و مؤسساتی هستند که پیشرفت را به سمت آینده‌ای عادلانه و پایدارتر تسهیل یا تسریع می‌کنند. این می‌تواند شامل مواردی از مقررات یا سیاست‌های جدید در سطوح مختلف حکمرانی، تا طراحی مؤسسات مؤثرتر و فراگیر، تا هنجارها و عملکردهای غیررسمی باشد که ممکن است ضمن کاهش آسیب‌های اجتماعی – زیست محیطی، رفاه انسان را افزایش دهد.

۲–۲–۱–۶. مدرسهٔ مهندسی انرژی پایدار

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مهندسی انرژی پایدار (*SEE*) [۱] یک مدرسه جدید در دانشکدهٔ علوم کاربردی دانشگاه سایمون فریزر [۲] کشور کانادا است. این حوزه مهندسی شامل توسعه راه‌حل‌هایی برای برداشت، ذخیره‌سازی، انتقال و استفاده از انرژی، با در نظر گرفتن دقیق پیامدهای اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی است. *SEE* دوره‌هایی از سایر رشته‌ها از جمله دانشکده علوم، دانشکده محیط‌زیست و دانشکده تجارت را با هم ترکیب می‌کند تا به دانشجویان یک آموزش منحصربه‌فرد و خاص درزمینه اصول مهندسی پایه، شیوه‌های طراحی، فناوری‌های فعلی، اقتصاد و سیاست‌های مرتبط با تکنولوژی پاک جهانی ارائه دهد. از طریق درگیر کردن محیط‌های یادگیری، دانش آموزان یک رویکرد چندرشته‌ای برای حل مشکلات ایجاد می‌کنند، مهارتی که در صنعت موردنیاز است.

روز به روز آشکار می‌شود که راه‌حل‌هایی که ما برای سیستم‌های انرژی ایجاد می‌کنیم و به‌کار می‌بریم تنها در صورتی می‌توانند در طولانی‌مدت قابل‌اجرا باشند که به روشی کاملاً بین‌رشته‌ای طراحی شده باشند. فرایند طراحی باید نه تنها فناوری‌های درگیر، بلکه هم‌چنین راه‌هایی را که آنها در متن گسترده‌تر زیرساخت‌های موجود، چارچوب‌های سیاست‌گذاری و نظارتی، سیستم‌های زیست‌محیطی و واقعیت‌های فرهنگی قرار می‌گیرند، در نظر بگیرد. ما به‌عنوان یک جامعه در حال فهمیدن نیاز فوری به راه‌حل‌های پایدار انرژی هستیم و این تنها درصورتی محقق می‌شود که ما به افراد آموزش و تجربه دهیم تا در این زمینه راهبر شوند.

اعضای چندین دانشکده در حال حاضر مشغول انجام تحقیقاتی در سطح جهانی درزمینه تبدیل انرژی جایگزین، الکترونیک و برق، سیستم‌های هیدروژنی و مواد، مدل‌سازی سیستم‌های انرژی، اقتصاد، سیاست و زیرساخت‌ها هستند. علاوه بر این، *SFU* دارای منظره‌ای پر جنب و جوش از ابتکارات و سازمان‌های پایدار است که در حال تفکر و عملکردهای پایدار در ذهنیت جامعه هستند. این دانشگاه دارای سابقه قوی درزمینه برنامه‌های نوآورانه و فرهنگی است که تغییر و همکاری را شامل می‌شود. با توجه به تمرکز اصلی *SFU* بر روی مشارکت جامعه، همه فرصت‌ها برای تأثیرگذاری واقعی و معنی‌دار این برنامه وجود دارد. محققان *SFU* به‌طور گسترده با دانشگاه، جامعه، دولت و صنعت در سراسر کانادا و در سطح بین المللی درگیر می‌شوند تا اطمینان حاصل کنند که کار ما چشم‌اندازهای اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی موردنیاز برای توسعه راه‌حل‌های واقعی پایدار را در نظر می‌گیرد.

یکی از فعالیت‌های پژوهشی این مؤسسه در حوزه مطالعات اجتماعی و بین‌رشته‌ای پروژه **دلتا ای پلاس** [۳] است. این پروژه برای حمایت از توسعه سیاست‌های مؤثر، به دنبال هم‌افزایی و موازنه در پیوند انرژی است. انرژی پلاس نشان‌دهنده تقاطع همه جنبه‌های طبیعت و جامعه از جمله انرژی، زمین، آب، اقلیم، سلامت و سایر عوامل مؤثر بر رفاه انسان و محیط‌زیست است. با الگوبرداری از این هم‌افزایی‌ها و جبران‌ها، این تحقیقات به جامعه کمک می‌کند تا تأثیرات انسان بر محیط‌زیست را بهتر بشناسد و به سیاست‌گذاران در هدایت مسیرهای رفاه انسان و محیط زیست در آینده کمک می کند.

۲-۲-۱-۷. مؤسسهٔ انرژی و محیط زیست

مؤسسه انرژی و محیط‌زیست [۴] *(IEMA)* یک سازمان غیرانتفاعی برزیلی است که در سال ۲۰۰۶ تأسیس و مقر اصلی آن در سائوپائولو است. این مؤسسه، مجموعه‌ای از پژوهشگران و علاقه‌مندان به حوزه‌های طراحی سیستم‌های انرژی، سیاست‌گذاری محیط‌زیست، مدیریت بازرگانی، مدیریت سازمان‌های اجتماعی، ارتباطات علمی و مطالعات بین‌رشته‌ای را گرد هم آورده تا از طریق تولید و سیستم‌سازی دانش فنی و علمی، با پشتیبانی از تدوین و ارزیابی سیاست‌های عمومی در زمینه‌های برق و حمل و نقل، به بهبود عادلانه و پایدار کیفیت محیط‌زیست کمک کنند.

---

۱ *School of Sustainable Energy Engineering (SEE)*
https://www.sfu.ca/see/about.html

۲ *Simon Fraser University*

۳ *∠E+*

۴ *The Institute of Energy and Environment (IEMA)*
http://energiaeambiente.org.br/home-page

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

هدف این مؤسسه ارتقای کیفیت فرایندهای تصمیم‌گیری به‌نحوی‌که سیستم‌های حمل و نقل و انرژی در برزیل استفاده پایدار از منابع طبیعی را با توسعه اجتماعی و اقتصادی تضمین کنند، عنوان شده است. ارزش‌های سخاوت، برتری، شفافیت و تأثیر به‌عنوان اصول راهنمای کار در این مؤسسه بیان شده‌اند:

- سخاوت: همکاری و اشتراک دانش با جامعه.
- برتری: قدردانی از سختگیری علمی و تفکر مستقل.
- شفافیت: گشودگی و گوش دادن واقعی.
- تأثیر: تمرکز بر تحولات پایدار و منافع عمومی.

مهم‌ترین اهداف و موضوعات این مؤسسه در چهار گروه «تحرک شهری»، «کیفیت هوا»، «حمل و نقل شارژی» و «برق» طبقه‌بندی شده است. در اینجا به موضوع «برق» پراخته می‌شود. هدف اصلی انستیتو در حوزهٔ برق تحت عنوان «ماتریس برق پاک و فراگیر»، همگانی شدن دسترسی به برق و کاهش تأثیرات منفی محیطزیست ـ اجتماعی ناشی از گسترش سیستم برق اعلام شده است.

دسترسی به برق با تأمین خنک‌سازی واکسن‌ها، داروها و غذا، روشنایی برای مطالعه شبانه، استفاده از رایانه در مدارس، پمپاژ آب آشامیدنی تأثیر قابل‌توجهی در کیفیت زندگی افراد دارد. طبق برآورد سال ۲۰۱۹ موسسه انرژی و محیطزیست *(IEMA)*، فقط در منطقه آمازون در حدود یک میلیون نفر هنوز بدون برق هستند. شایان ذکر است که دسترسی به برق به‌عنوان یک حق اساسی در قانون اساسی فدرال پیش‌بینی شده است. افزون بر این مشکل، اخیراً ظرفیت ذخیره انرژی در مخازن نیروگاه برق آبی کاهش یافته است، درحالی‌که تقاضا برای سیستم الکتریکی افزایش یافته یا برآورده نشده است. در همان زمان، در ماتریس الکتریکی سهم منابع تجدیدپذیر، مانند انرژی خورشیدی و باد، رشد کرده است. این سناریو تنوع در سیستم را افزایش می‌دهد، زیرا این منابع تجدیدپذیر کمتر قابل‌کنترل هستند، بنابراین ایجاد گزینه‌های دستکاری برای تضمین تأمین تقاضا ضروری است. فناوری‌های ذخیره انرژی مانند باتری‌ها می‌توانند این نیاز را تأمین کنند. بااین‌حال، دوام اقتصادی آن می‌تواند یک عامل محدودکننده باشد. بنابراین، نیروگاه‌های حرارتی با عملکرد قابل‌کنترل و با سهم تلفیقی در ماتریس الکتریکی، یک گزینه بالقوه رقابتی فناوری هستند. علاوه بر این، اکتشاف ذخایر گاز طبیعی و روند اجرای چارچوب نظارتی جدید برای بخش گاز، حرکتی به سمت زنده ماندن پروژه‌هایی است که محصولات نفتی را مصرف می‌کنند. یک مشکل مشاهده‌شده این است که اجرای این برنامه‌ها می‌تواند تأثیرات اجتماعی ـ زیست محیطی قابل‌توجهی را در ارتباط با انتشارات جوی و مصرف آب به همراه داشته باشد و اتخاذ سازوکارها و روش‌هایی را به‌منظور جلوگیری و کاهش آنها ضروری می‌کند.

یکی از اقدامات اساسی این مؤسسه تهیه و انتشار گزارش‌های سالانه است. این گزارش‌ها نخست خلاصه‌ای از اهداف راهبردی و خط‌مشی‌ها را ارائه می‌دهد و متعاقباً فعالیت‌های توسعه‌یافته و دستاوردهای اصلی هر سال را شرح می‌دهد. هم‌چنین حامیان، ترازنامه و تخصیص بودجه را ارائه می‌دهد. به‌عنوان نمونه در گزارش سال ۲۰۱۹ به صورت شماتیک «اهداف راهبردی» و «خط مشی‌ها» این چنین نشان داده شده است. این مدل می‌تواند به‌عنوان راهنمای عمل پژوهشگران، مؤسسات و انجمن‌هایی که در زمینهٔ بررسی و ارتقای ابعاد اجتماعی انرژی و برق فعال‌اند، مورداستفاده قرار گیرد.

در این مدل، اهداف راهبردی و خط‌مشی‌های تعیین‌شده برای دستیابی به آن اهداف به صورت زیر تعیین شده است:

اهداف راهبردی: ۱) هوای پاک؛ ۲) تحرک شهری کم‌انتشار؛ ۳) حمل و نقل منطقه‌ای پایدار ؛ و ۴) ماتریس انرژی پاک و فراگیر.

خط مشی‌ها: آگاه‌سازی جامعه درباره کیفیت هوا؛ حمایت از تقویت و تدوین سیاست‌های مربوط به کیفیت هوا؛ تهیه فهرست انتشار آلاینده‌های هوا و گازهای گلخانه‌ای؛ ارزیابی و پیشنهاد سیاست‌های عمومی برای گذار انرژی در حمل و نقل؛ بهبود

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

فرایندهای تصمیم‌گیری مربوط به زیرساختهای لجستیک حمل و نقل؛ بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری برای توسعه سیستم نیروی برق؛ و پشتیبانی از اجرای دسترسی همگانی به برق.

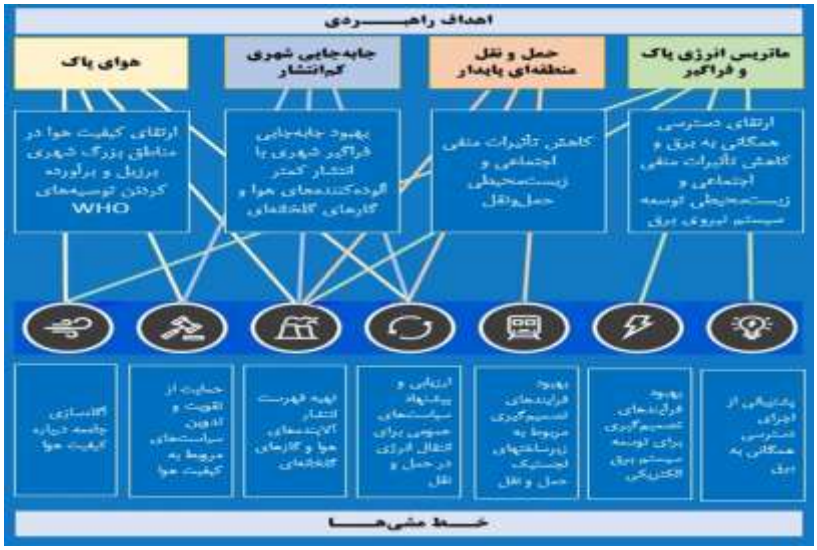

شکل ۲-۲: اهداف راهبردی و خط مشی‌های مؤسسه محیط زیست و انرژی برزیل

(مأخذ: *http://energiaeambiente.org.br/produto/annual-report-2019*)

۲-۲-۱-۸. انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی

انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی[۱] از سال ۱۹۴۹ تأسیس شده و تلاش‌های علمی، آموزشی و پژوهشی جامعه‌شناسی و حوزه‌های تخصصی آن را رصد، ارزیابی و هدایت می‌کند. فعالیت‌های علمی در حال انجام *ISA* در سه بخش کمیته‌های پژوهشی[۲]، کارگروه‌ها[۳] و گروه‌های موضوعی[۴] متمرکز است که هر کدام با یک تخصص شناخته‌شده در جامعه‌شناسی سر و کار دارند. این گروه‌ها محققانی را که مایل به پیگیری تحقیقات تطبیقی بر مبنای فراملی هستند گرد هم می‌آورند و شبکه‌های اساسی تحقیقات علمی، بحث‌های فکری و تبادل حرفه‌ای را تشکیل می‌دهند.

این انجمن دارای ۵۷ کمیته پژوهشی است که کمیته شماره ۲۴ آن با نام «کمیته پژوهشی محیط زیست و جامعه»[۵] بر موضوعات مرتبط با محیط زیست و تأثیرات متقابل آن با جامعه متمرکز است که می‌توان گفت نزدیک‌ترین حوزه به جامعه و انرژی است. این گروه در سال ۱۹۷۱ تأسیس شده و اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- ایمن‌سازی و توسعه ارتباطات شخصی و انجمنی/حرفه‌ای بین دانشمندان و یکسان‌سازی ویژگی‌های حرفه‌ای؛
- آگاه‌سازی اجتماعی و ارتقای تجربه اعضای خود برای کار بر روی مشکلات محیط زیست و جامعه در سراسر جهان؛
- تشویق به انتشار بین المللی و تبادل اطلاعات در مورد پیشرفت‌های مهم و ترویج توسعه فعالیت‌های علمی درزمینه محیط زیست و جامعه؛

۱ *International Sociological Association*
https://www.isa-sociology.org/en/research-networks/research-committees
۲ *Research Committees*
۳ *Working Groups*
۴ *Thematic Groups*
۵ *RC24: Environment and Society*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- تسهیل و ترویج جلسات، ارتباطات و پروژه‌های تحقیقاتی در تمام سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.

این کمیته مجله‌ای با نام «جامعه‌شناسی محیط زیست»[۱] با کد *RC24 ISA* منتشر می‌کند که در آن آخرین پژوهش‌ها و یافته‌های نظری و تجربی در موضوع محیط زیست و جامعه و عناوین مرتبط با آن به اشتراک گذاشته می‌شود.

۲-۲-۱-۹. انجمن جامعه‌شناسی اروپا

انجمن جامعه‌شناسی اروپا[۲] یک انجمن دانشگاهی از جامعه‌شناسان و یک انجمن غیرانتفاعی در سراسر اروپا است که از ۲۸۰۰ عضو تشکیل شده است. این سازمان در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۴، پس از بحث و مشورت میان جامعه‌شناسان از طیف متنوعی از کشورها تأسیس شد. هدف انجمن تسهیل تحقیقات جامعه‌شناختی، آموزش و ارتباط بین جامعه‌شناسان، متخصصان علوم اجتماعی و سایر دانشمندان و اهمیت دادن به جامعه‌شناسی در امور اروپا است، تمرکز آن توسعه دانش جامعه‌شناختی است. یکی از مهم‌ترین بخش‌های انجمن، شبکه‌های تحقیقاتی است که به پژوهش بر روی موضوعات تخصصی می‌پردازند. تعداد شبکه‌های تحقیقاتی انجمن، ۳۷ مورد است که فعالیت دو مورد از آن‌ها با بحث «انرژی و جامعه» ارتباط می‌یابد: «شبکه تحقیقاتی محیط زیست و جامعه»[۳] و «شبکه تحقیقاتی جامعه‌شناسی مصرف»[۴]

- شبکه تحقیقاتی محیط زیست و جامعه *(RN12)* بستر اروپایی برای تبادل تحقیقات در جامعه‌شناسی محیط زیست است که به‌طور گسترده و فراگیر تعریف شده است. ازآنجایی‌که مسائل زیست محیطی تا حدی با چندین موضوع جامعه‌شناختی دیگر همپوشانی دارند – که حداقل در ستون‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی توسعه پایدار منعکس شده است – این شبکه هم‌چنین از جامعه‌شناسان بسیاری از حوزه‌هایی که تا حدی با مسائل زیست‌محیطی همپوشانی دارند استقبال می‌کند. تمرکز جامعه‌شناختی این شبکه بر حوزه‌های متنوعی مانند بهداشت محیط، مدیریت آب، روابط بازار با محیط زیست، جنبش‌های اجتماعی، انرژی‌های تجدیدپذیر، روابط انسان و حیوان، آلودگی هوا و خاک، خطرات زیست‌محیطی، تحرک، نقش علم و فناوری در محیط‌زیست، نوآوری و آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی و فناوری است. هدف *RN12*بررسی مسائل محیطی و جامعه از دیدگاه‌های نظری، روش‌شناختی و تجربی مختلف با توجه به جهت‌گیری عملی تحقیقات جامعه‌شناختی است. بحث‌های کنونی در مورد تغییرات اقلیمی و آینده انرژی‌های جایگزین در سال‌های اخیر تا حدودی در خط مقدم بوده است، اما موضوعات جدید و کلاسیک‌تر که اهمیت پیدا کرده‌اند، نظریه‌های جامعه‌شناختی، آسیب‌پذیری محیط‌زیست، رویدادهای شدید و بلایای طبیعی، اقتصاد سبز، مصرف پایدار نیز به‌عنوان مباحث علم، فناوری زیست‌محیطی و نوآوری هستند.
- شبکه تحقیقاتی جامعه‌شناسی مصرف *(RN05)* به مصرف در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، نمادین، اقتصادی، سیاسی و مادی می‌پردازد. از مشارکت‌های نظری، روش‌شناختی و تجربی برای مطالعه مصرف در طیف وسیعی از زمینه‌ها استقبال می‌کند: پایداری، مصرف سیاسی، مد، غذا، انرژی، گردشگری، فرهنگ، فناوری و غیره. بدین ترتیب شبکه تحقیقاتی به بحث‌های اجتماعی در مورد جنبه‌های موردمناقشه و چالش برانگیز مصرف کمک می‌کند و به پیشبرد اقدامات سیاستی مرتبط و تحولات اجتماعی کمک می‌کند.

---

۱ *Environmental Sociology*

۲ *European Sociological Association*
https://www.europeansociology.org/

۳ *The research network Environment and Society (RN12)*

۴ *The research network Sociology of Consumption (RN05)*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲-۲-۱-۱۰. انجمن جامعه‌شناسی آمریکا

انجمن جامعه‌شناسی آمریکا[۱]، که در سال ۱۹۰۵ تأسیس شد، انجمن ملی عضویت حرفه‌ای برای جامعه‌شناسان و سایر علاقمندان به جامعه‌شناسی است. اعضای *ASA* شامل دانشجویان، اساتید شاغل در طیف کاملی از مؤسسات، و افرادی که در سازمان‌های دولتی و سازمان‌های غیرانتفاعی و بخش خصوصی کار می‌کنند، هستند. مأموریت *ASA* خدمت به جامعه‌شناسان در کارشان، پیشبرد جامعه‌شناسی به‌عنوان یک علم و حرفه، و ترویج مشارکت و استفاده از جامعه‌شناسی در جامعه است.

در حال حاضر، فعالیت‌های انجمن در ۵۳ بخش تخصصی انجام می‌گیرد که سه بخش آن مطالب مرتبط با محیط‌زیست، انرژی و جامعه را پوشش می‌دهند: «بخش جامعه‌شناسی محیط زیست»[۲]، «بخش جامعه‌شناسی مصرف‌کنندگان و مصرف»[۳] و «بخش جامعه‌شناسی توسعه»[۴]

- بخش جامعه‌شناسی محیط زیست فعالیت‌های تحقیقاتی و حرفه‌ای را ترویج می‌کند که روابط بین سیستم‌های اجتماعی و اکوسفر را بررسی می‌کند، از جمله کارهای بین‌رشته‌ای که تعاملات درون و بین نهادها، گروه‌های اجتماعی، و محیط‌های طبیعی و مصنوعی را بررسی می‌کند. جامعه‌شناسی محیطی هم‌چنین شامل مطالعه منشاء و تأثیرات فناوری، علل اجتماعی تغییرات محیطی، علل محیطی تغییرات اجتماعی، و پیامدهای نابرابری‌های اجتماعی و روابط قدرت برای پویایی‌های اجتماعی ـ محیطی است.
- بخش جامعه‌شناسی مصرف‌کنندگان و مصرف به دنبال ترویج تحقیق، گفت‌وگو و آموزش در مورد روش‌های چندوجهی است که مصرف‌کنندگان، کالاها، مصرف و منطق بازار تقریباً به همه جنبه‌های زندگی اجتماعی و تعامل اجتماعی اطلاع‌رسانی کرده‌اند. از جمله جنبه‌های مصرف، می‌توان به مصرف انرژی و برق اشاره کرد، که سویه‌ای جامعه‌شناختی و چندبعدی دارند.
- بخش جامعه‌شناسی توسعه تحقیق جامعه‌شناختی در مورد علل و آثار توسعه را ترویج می‌کند. یکی از دغدغه‌ها و موضوعات اصلی این بخش، توسعه‌پایدار و بررسی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن است.

۲-۲-۲. مجلات علمی پژوهشی

در این قسمت، بخشی از تلاش پژوهشگران و مراکز علمی و تحقیقاتی برای انتشار و اشاعه دانش اجتماعی برق و انرژی در قالب ۴ مجله علمی ـ پژوهشی بین‌المللی معرفی می‌شود.

۲-۲-۲-۱. مجلهٔ تحقیقات انرژی و علوم اجتماعی

مجلهٔ تحقیقات انرژی و علوم اجتماعی (*ERSS*)[۵]، یک مجله بین‌المللی موردارزیابی همزمان است که مقالات پژوهشی و مروری اصیل را در رابطه با بررسی رابطه بین سیستم‌های انرژی و جامعه منتشر می‌کند. سردبیر این مجله بنیامین سوواکول[۶] است که در

۱ *American Sociological Association*

https://www.asanet.org/asa-communities/sections

۲ *Invironmental Sociology Section*

۳ *Sociology of Consumer and Consumption*

۴ *Sociology of Development*

۵ *Energy Research & Social Science (ERSS)*

https://www.sciencedirect.com/journal/energy-research-and-social-science

۶ *Benjamin Sovacool*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

بخش پژوهشگران حوزه انرژی معرفی شده‌اند. هم‌چنین ۶۲ پژوهشگر از ۱۶ کشور مختلف به‌عنوان همکار و دستیار مجله به فعالیت مشغول‌اند. از جمله این افراد می‌توان به ماریلین براون[۱]، توماس دایتز[۲]، آدام کوپر[۳] و ... اشاره کرد.

این مجله طیف وسیعی از موضوعات را حول تعامل فناوری‌های انرژی، سوخت‌ها و منابع از یک طرف و فرایندها و تأثیرات اجتماعی ـ از جمله جوامع مصرف‌کنندگان انرژی، افرادی که تحت تأثیر تولید انرژی، نهادهای اجتماعی، آداب و رسوم، سنت‌ها، رفتارها و سیاست‌ها قرار دارند ـ از سوی دیگر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، سیستم اجتماعی پیرامون فناوری و سخت‌افزار انرژی را بررسی می‌کند. این مجله برای متخصصان انرژی، محققانی که به جنبه‌های اجتماعی تولید یا استفاده از انرژی علاقه‌مند هستند و سیاست‌گذاران از اهمیت برخوردار است.

مجله تحقیقات انرژی و علوم اجتماعی، یک مجمع بین‌رشته‌ای است برای بحث در مورد چگونگی تعامل موضوعات اجتماعی و فنی تولید و مصرف انرژی. تولید، توزیع و مصرف انرژی هر دو دارای مؤلفه‌های فنی و انسانی هستند و موارد دوم شامل علل و عواقب انسانی ناشی از فعالیت‌ها و فرایندهای مرتبط با انرژی و هم‌چنین ساختارهای اجتماعی است که نحوه تعامل افراد با سیستم‌های انرژی را شکل می‌دهد. بنابراین، تجزیه و تحلیل انرژی باید فراتر از ابعاد فناوری و اقتصاد باشد تا شامل این عناصر اجتماعی و انسانی باشد. این مجله همچنان به اصول جامعیت و تنوع متعهد است. نویسندگی مجله محدود به هیچ رشته‌ای نیست. بااین‌حال، مجله از نظر کیفیت و موضوعات گزینشی عمل می‌کند و مقالات بر اساس شایستگی و تمرکز آنها بر تلاقی فعالیت انسان (در هر سطح از تجزیه و تحلیل) و سیستم های انرژی (در هر سطح از تجزیه و تحلیل) پذیرفته می‌شوند.

سردبیران تأکید می‌کنند که تحقیقات بین‌فرهنگی، تطبیقی، روش‌های تلفیقی به‌طور ویژه موردتشویق قرار می‌گیرند و ارائه مطالعات موردی و/یا مطالعاتی که تنها به یک روش جداگانه متکی هستند، چندان موردتوجه قرار نمی‌گیرند. افزون بر این، مطالعاتی که در درجه اول از روش‌های مهندسی و مدل‌های اقتصادسنجی استفاده می‌کنند، در درجه اول باید به جنبه «اجتماعی» استفاده از انرژی متمرکز شوند و به وضوح اهداف و چشم‌انداز مجله را برآورده کنند. برخی از مقالات پربازدید این مجله عبارت‌اند از:

- آیندهٔ قدرت سیاسی و انرژی‌های تجدیدپذیر: مرور انتقادی
- افکار عمومی در مورد انرژی هسته‌ای و سلاح‌های هسته‌ای: رابطه نگرشی در ایالات متحده
- از خانه شروع می‌شود؟ سیاست‌های اقلیمی، مصرف خانوار و تصمیمات رفتاری برای آیندهٔ کم‌کربن کلیدی‌اند.
- هزینه‌های پنهان انرژی و جابه‌جایی: یک فراتحلیل جهانی و تحقیق میدانی در مورد برق و حمل‌ونقل خارجی
- ترویج ابداع، سخت‌گیری و سبک در علوم اجتماعی انرژی: به سوی کدهای عملی برای روش‌های مناسب و طراحی تحقیق

۲-۲-۲-۲. مجله سیاست‌گذاری انرژی

سیاست‌گذاری انرژی[۴] یک مجله بین‌المللی است که از سال ۱۹۷۳ تاکنون توسط انتشارات الزویر[۵] منتشر می‌شود و خط‌مشی آن بررسی «جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، برنامه‌ریزی، زیست‌محیطی و اجتماعی انرژی» است. سردبیر ارشد مجله، پروفسور استفان دی. توماس[۶] استاد سیاست‌گذاری انرژی در دانشگاه گرینویچ لندن است که با همکاری ۴۲ دستیار علمی از ۲۱ کشور جهان نظارت

۱ *Marilyn Brown*

۲ *Thomas Dietz*

۳ *Adam Cooper*

۴ *Energy Policy*

https://www.sciencedirect.com/journal/energy-policy

۵ *Elsevier*

۶ *Stephen D. Thomas*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

بر کیفیت علمی و ارزیابی مقالات ارسالی را برعهده دارند. ماریلین براون، دبرا جی. دیویدسون[۱]، دیوید ویکتور[۲] و ... از جمله این دستیاران هستند.

مقالات این مجله ممکن است مباحث مهم و متعدد جهانی، منطقه‌ای، ملی، یا حتی محلی را که دارای اهمیت سیاسی گسترده‌تری هستند، پوشش دهند؛ و موردعلاقه آژانس‌های بین‌المللی، دولت‌ها، نهادهای دولتی و خصوصی، جوامع محلی و سازمان‌های غیردولتی باشند. در این طیف گسترده، مباحث خاص‌تری شامل انرژی و تنظیمات زیست‌محیطی، امنیت تأمین انرژی، کیفیت و کارایی خدمات انرژی، اثربخشی رویکردهای مبتنی بر بازار و/یا مداخلات دولت، نوآوری و اشاعه فناوری و ابتکارات داوطلبانه نیز چاپ و منتشر می‌شود. برای هر یک از این مقالات وجود نسخه‌های سیاستی که مسائل را به صورت دقیقی تجزیه و تحلیل دقیق کرده به‌طوری‌که قابلیت پشتیبانی و اجرایی داشته باشد، الزامی است. با توجه به اهداف و دامنهٔ مجلهٔ سیاست‌گذاری انرژی، کلیه مقالات ارسالی باید به صراحت مسائل مربوط به تأمین یا استفاده از انرژی را بررسی کنند. برخی از مقالات پربازدید این مجله عبارت‌اند از:

- مزایا و مخاطرات فناوری‌های خانه هوشمند
- سیستم‌های انرژی پایدار شهری: حاکمیت و مشارکت شهروندان
- سیاست‌گذاری بهره‌وری انرژی
- مفهوم امنیت انرژی: فراتر از چهار *As*
- بعد مکانی سیاست‌ها، شیوه‌ها و فناوری‌های گذار انرژی

۲-۲-۲-۳. مجله انرژی برای توسعه پایدار

مجله انرژی برای توسعه پایدار[۳] که توسط الزویر به نمایندگی از «ابتکار بین‌المللی انرژی»[۴] منتشر می‌شود، مجله‌ای برای تصمیم‌گیرندگان، مدیران، مشاوران، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و محققان در هر دو سازمان دولتی و غیردولتی است. سردبیر مجله در حال حاضر پروفسور سوبِز سی. بهاتاچاریا[۵] استاد دانشگاه دِ مونفورت در لیسِستر بریتانیا [۶] است که با همکاری ۱۵ اندیشمند و محقق از ۱۱ کشور مختلف به بررسی و ارزیابی مقالات و انتشار یافته‌های علمی در حوزه انرژی و توسعه پایدار می‌پردازند.

این مجله تحقیق و بررسی‌های اصیل درباره انرژی در کشورهای در حال توسعه، توسعه پایدار، منابع انرژی، فناوری‌ها، سیاست‌ها و تعاملات منتشر می‌کند. هیئت مدیره مجله هم‌چنین قصد دارد انتشار مقالاتی را در رابطه با مسائل مربوط به انرژی در کشورهای در حال توسعه و یا در زمینه همکاری‌های شمال ـ جنوب و جنوب ـ جنوب در زمینه توسعه و کاربرد فناوری انرژی ارتقا دهد. معیارهای پذیرش مقالات در زمینه انرژی برای توسعه پایدار کیفیت کار و نحوه ارائه و وسعت علاقه آن است، صرف‌نظر از اینکه مقاله تحقیق میدانی یا پژوهش کتابخانه‌ای، تئوری یا آزمایش، کار اصلی یا بررسی موردی را گزارش می‌کند.

برخی از مقالات پربازدید این مجله عبارت‌اند از:

- نیازهای انرژی برای یک جهان پیشرفته
- موانع دسترسی به برق خورشیدی کلان‌مقیاس در تانزانیا

---

۱ *Debra J. Davidson*

۲ *David Victor*

۳ *Energy for Sustainable Development*

https://www.journals.elsevier.com/energy-for-sustainable-development

۴ *International Energy Initiative*

۵ *Subhes C. Bhattacharyya*

۶ *De Montfort University, Leicester, United Kingdom*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- اقتصاد سیاسی فقر انرژی: مروری بر چالش‌های اساسی
- تأثیرات اقتصادی ـ اجتماعی و زیست‌محیطی برق‌رسانی به مناطق روستایی با سیستم‌های فتوولتائیک خورشیدی: شواهدی از جنوب اتیوپی
- برق‌رسانی غیرمتمرکز به مناطق روستایی در کنیا: سرعت بخشیدن به دسترسی جهانی به انرژی
- سیاست‌گذاری دولت، دسترسی به سوخت پاک و انباشته شدن سوخت مداوم در اکوادور
- زنان کجا هستند؟ یک چارچوب مروری و مفهومی برای پرداختن به عدالت جنسیتی در زنجیره‌های ارزش ذغالی در جنوب صحرای آفریقا
- سیاست اجتماعی یا سیاست انرژی؟ زمان بررسی مجدد سیاست‌های فقر انرژی است.

۲-۲-۲-۴. مجله بین‌المللی تحقیقات انرژی

مجله بین‌المللی تحقیقات انرژی (*IJER*)[۱] همان‌طورکه از اسمش پیداست به ارزیابی و انتشار مقالات حوزه انرژی در سطح بین‌المللی می‌پردازد. سردبیر این مجله پروفسور ابراهیم دینسِر[۲] از دانشکده علوم مهندسی و کاربردی، انستیتو فناوری دانشگاه اونتاریو[۳] کانادا است که با همراهی ۳۷ نفر از اندیشمندان و پژوهشگران در کشورهای مختلف کار هدایت علمی، نظارت و داوری مقالات رسیده را به انجام می‌رسانند.

این مجله یک بستر چندرشته‌ای و منحصربه‌فرد برای محققان، دانشمندان، مهندسان، توسعه‌دهندگان فناوری، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اختصاص داده تا نتایج تحقیقات و یافته‌های خود را به روشی جذاب در سیستم‌ها و برنامه‌های انرژی جدید ارائه دهند. *IJER* کل طیف انرژی از تولید تا تبدیل، حفاظت، مدیریت، سیستم‌ها، فناوری‌ها و غیره را پوشش می‌دهد. در این مجله، مقالات ارسالی با هدف بهره‌وری بهتر، بهبود هزینه‌ها، استفاده مؤثرتر از منابع، طراحی و تجزیه و تحلیل بهتر، کاهش اثرات زیست‌محیطی و منجرشدن به پایداری بهتر مورد تشویق و حمایت قرار می‌گیرند. *IJER* به فکر توسعه و بهره‌برداری از هر دو دسته منابع، سیستم‌ها، فناوری‌ها و برنامه‌های کاربردی پیشرفتهٔ سنتی و جدید است. موضوعات بین‌رشته‌ای درزمینه سیستم‌های انرژی جدید و برنامه‌های کاربردی نیز تشویق می‌شوند. در این مجله مقالات تحقیقی با کیفیت بالا در زمینه‌های مختلفی با مطالب بدیع و نوآورانه پذیرش می‌شود، که برخی از آن‌ها به حوزه علوم انسانی و اجتماعی مربوط می‌شوند؛ از جمله:

- تبدیل، صرفه‌جویی و مدیریت انرژی
- ذخیره انرژی
- سیستم‌های انرژی
- سیستم‌ها و فناوری‌های انرژی خرد و نانو انرژی هسته‌ای
- انرژی‌های تجدیدپذیر (به‌عنوان مثال زمین‌گرمایی، خورشیدی، باد، آبی، جزر و مد، موج، زیست‌توده)
- سیستم انرژی هوشمند

IJER مقالات اصلی با کیفیت بالا، مقالات مروری و ارتباطات کوتاه را درزمینه سیستم‌ها و برنامه‌های انرژی جدید منتشر می‌کند. مقالات ارسالی باید در مورد کارهای اصلی درزمینه سیستم‌های انرژی جدید و برنامه‌های کاربردی گزارش شود که انتظار می‌رود برای رسیدگی به مشکلات فنی، فناوری، اقتصادی، زیست‌محیطی، عملکرد، مسائل سیستم، مشکلات پایداری و ارائه راه‌حل‌های بالقوه از طریق بهبود در کارایی، مقرون‌به‌صرفه بودن، استفاده از منابع و پایداری و هم‌چنین بهبود امنیت انرژی و بهبود محیط‌زیست

---

۱ *International Journal of Energy Research*
https://onlinelibrary.wiley.com/journal/1099114x
۲ *Ibrahim Dincer*
۳ *Faculty of Engineering and Applied Science, University of Ontario Institute of Technology (UOIT)*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

نوشته شده باشند. مخاطبان این مجله شامل دانشمندان، محققان، اقتصاددانان، برنامه‌ریزان انرژی، سیاست‌گذاران، فناوران و مهندسانی که درزمینه سیستم‌ها و برنامه‌های انرژی جدید، در رشته‌های مختلف از مهندسی مکانیک تا مهندسی برق و از مهندسی شیمی تا مهندسی محیط کار و ... باشند. برخی از مقالات پربازدید این مجله عبارت‌اند از:

- سازمان اجتماعی: مبنای ترمودینامیکی
- توزیع هوشمند برای اینترنت انرژی با سیستم‌های پیچیده سایبری- فیزیکی- اجتماعی: دیدگاه توزیع موازی
- طبقه‌بندی فاصله اجتماعی در طول همه‌گیری *COVID-19* از روی مصرف برق با استفاده از هوش مصنوعی
- چارچوب مقایسه مسیر واردات هیدروژن شامل هزینه و اولویت اجتماعی: مطالعات موردی از استرالیا به ژاپن
- ارزیابی پایداری چرخه زندگی ذخیره انرژی آبی پمپ‌شده
- سیاست انرژی در ایالات متحده: ابعاد اجتماعی و رفتاری

۲-۲-۳. اندیشمندان و پژوهشگران بین‌المللی علوم انسانی و اجتماعی فعال در حوزه انرژی

در این بخش، اندیشمندان و محققان بین‌رشته‌ای که بیشتر بر پژوهش‌های مرتبط با انرژی، علوم اجتماعی و توسعه پایدار متمرکزند و پیشینهٔ تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های مختلف علوم طبیعی، علوم انسانی و اجتماعی دارند، به همراه تعدادی از آثار پژوهشی آن‌ها معرفی می‌شوند. پژوهشگران بر اساس انتشار مقالات علمی ـ پژوهشی با موضوع انرژی، محیط زیست و اقلیم و با رویکرد بین‌رشته‌ای، به‌ویژه علوم اجتماعی انتخاب شده‌اند و قطعاً پژوهشگران بیشتری هستند که در این فهرست می‌گنجند، که در این‌جا از قلم افتاده‌اند. در واقع، هدف این بخش، نشان‌دادن امکان کاربست علوم اجتماعی در عرصه‌های پژوهشی مختلف مرتبط با انرژی و کسب تجربه از تلاش‌ها و فعالیت‌های علمی این محققان است. شایان ذکر است که برخی از این پژوهشگران در انجمن‌های علمی و پژوهشکده‌هایی که در بخش ۲-۲-۱ معرفی شدند، مشغول به کار پژوهشی و آموزشی هستند. در جدول شماره ۲-۵، مشخصات پژوهشگران (شامل اسم، ایمیل، مؤسسه و کشور محل فعالیت و حوزه‌های تخصصی آموزشی و پژوهشی) ذکر می‌شود، سپس برخی از مقالات پژوهشی (و کتاب‌های) آن‌ها که با علوم اجتماعی انرژی، محیط زیست و موضوعات مرتبط با آن قرابت بیشتری دارند، معرفی می‌شود.

جدول ۲-۵: مشخصات، بیوگرافی و برخی از آثار پژوهشی اندیشمندان و پژوهشگران بین‌المللی علوم انسانی و اجتماعی برق و انرژی

1. *Benjamin Sovacool* *B.Sovacool@sussex.ac.uk* **بنجامین سوواکول** (دانشگاه ساسکس/ بریتانیا و دانشگاه آرهاس/ دانمارک) انرژی، امنیت انرژی، سیاست انرژی، مطالعات اقلیمی
پروفسور سوواکول به‌عنوان یک محقق و مشاور درزمینه مسائل مربوط به سیاست و سیاست جهانی انرژی، امنیت انرژی، عدالت انرژی، کاهش تغییرات اقلیمی و سازگاری با تغییرات آب و هوایی کار می‌کند. به‌طور خاص، تحقیقات او در مورد انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی، سیاست زیرساخت‌های انرژی در مقیاس بزرگ، طراحی سیاست‌های عمومی برای بهبود امنیت انرژی و دسترسی به برق، اخلاقیات انرژی و ایجاد ظرفیت سازگار با پیامدهای تغییر اقلیم متمرکز است. برخی از مقالات وی درزمینهٔ انرژی به شرح زیر است: - مطالعات انرژی به علوم اجتماعی نیاز دارد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- ادغام علوم اجتماعی در تحقیقات انرژی
- اهمیت جامعیت در برق تجدیدپذیر و سیاست بهره‌وری انرژی
- دستور کارهای اجتماعی – فنی: مرور مسیرهای آینده برای تحقیقات انرژی و اقلیم
- ادغام دیدگاه‌های فنی – اقتصادی ، اجتماعی – فنی و سیاسی در انتقال انرژی ملی: یک چارچوب فرانظریه‌ای
- مقایسه بین المللی چهار رویکرد چند مرکزی در حکمرانی اقلیمی و انرژی
- اقتصاد سیاسی فقر انرژی: مروری بر چالش‌های اساسی
- ارزیابی عملکرد امنیت انرژی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ برای هجده کشور

2. *Sarah E. Ryan*
sryan@wesleyan.edu

سارا رایان (دانشگاه وِسلیان / ایالات متحده آمریکا)

مشاوره عمومی، مشارکت مدنی، اصلاح عدالت کیفری، مطالعات دیاسپورا (اقلیت‌ها)

سارا رایان یک محقق و وکیل بین‌رشته‌ای است که تحقیقاتش مشارکت مدنی، اصلاح عدالت کیفری و مشورت عمومی را بررسی می‌کند. وی عضو هیئت مؤسس مجله بین‌المللی *Energy Research & Social Science* است. او در دانشکده حقوق ییل، طراحی و روش تحقیق را تدریس کرد و در هیئت بررسی نهادی و اجتماعی رفتاری دانشگاه (*I.R.B*) خدمت کرد. وی در دانشگاه سیتی نیویورک (کالج باروچ) مدیر موقت مطالعات زنان، استادیار دانشکده امور عمومی و مشاور جوامع یادگیرنده بود.

برخی از مقالات رایان در عرصه تحقیقات انرژی:

- ادغام علوم اجتماعی در تحقیقات انرژی
- بازاندیشی جنسیت و هویت در مطالعات انرژی
- تحقیقات انرژی و سهم علوم اجتماعی: یک واکاوی معاصر
- جغرافیای انرژی و آموزش: رهبران، تعلل‌ها و درس‌هایی برای دستیابی به برق مدارس

3. *Adam C. G. Cooper*
adam.cooper@ucl.ac.uk

آدام کوپر (کالج سلطنتی لندن / بریتانیا)

سیاست‌های اجتماعی، علوم، مهندسی، انرژی

دکتر آدام سی. کوپر یک دانشمند اجتماعی بین‌رشته‌ای کاربردی با بیش از ۱۰ سال تجربه مستقیم خدمات مدنی انگلستان است. تمرکز وی بر استفاده از مشاوره فنی برای سیاست (عمدتاً انرژی) و توسعه روش‌های میدانی جدید برای تحقیقات اجتماعی – فنی است. او از سپتامبر ۲۰۱۳ مدرس علوم اجتماعی و سیاست‌های عمومی در *UCL* بوده است. قبل از پیوستن به *UCL* وی از سال ۲۰۱۱ رئیس تعامل علوم اجتماعی در وزارت انرژی و تغییرات اقلیمی دولت انگلیس بود.

برخی از مقالات ایشان در زمینهٔ تحقیقات انرژی عبارت‌اند از:

- کاوش در مورد معنای «تحقیقات اجتماعی–فنی» برای انجام تحقیقات انرژی: به سوی طراحی‌های یکپارچه
- مشاوره مهندسی در سیاست‌گذاری: یک دامنه جدید تحقیق در شواهد و سیاست‌ها
- آزمایشگاه انرژی انگلستان: یک مطالعه امکان‌سنجی برای یک بررسی طولی، فنی و ملی در استفاده از انرژی
- بررسی دامنه توصیه‌های علمی: علوم اجتماعی در دولت انگلیس
- از اجتماعی و فنی تا اجتماعی–فنی: طراحی تحقیقات یکپارچه در مورد استفاده از انرژی داخلی
- ارزیابی سیاست بهره‌وری انرژی: تلاش‌های آزمایشی پاسخ صحیح به سؤال خطای سیاست است
- چشم‌اندازهای حاکمیت اجتماعی انرژی و مسائل اقلیمی
- مزایای یک بررسی طولی انرژی: انگلیس در تحقیقات و سیاست‌ها

4. *Daniel Spreng*
dspreng@ethz.ch

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

دانیل اسپرنگ (مرکز سیاست و اقتصاد انرژی، زوریخ / سوئیس)

اقتصاد و تحلیل انرژی، انرژی

دانیل اسپرنگ تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی فیزیک در *ETH Zurich* (دیپلم) و تحصیلات تکمیلی خود را در رشته علوم مواد در دانشگاه *Northwester* انجام داد. تحقیقات اساسی در مورد فلزات، مطالعات انرژی، رئیس گروه بوم شناسی. در سال ۱۹۷۵ وی یک عضو مهمان در انستیتوی تجزیه و تحلیل انرژی، *Oak Ridge* بود. همچنین ۱۹۸۵ – ۱۹۹۹ او ریاست گروه تحقیقات تجزیه و تحلیل انرژی را بر عهده داشت. دانیل اسپرنگ یکی از مدیران *CEPE*، مرکز سیاست انرژی و اقتصاد بود و در سال ۱۹۹۲ به وی لقب استادی اعطا شد و هم‌اکنون مشغول پژوهش در این مؤسسه است.

برخی از مقالات وی در زمینهٔ انرژی به شرح زیر است:

- استفاده از انرژی و دسترسی به انرژی در رابطه با فقر
- شاخص‌های انرژی برای ردیابی پایداری در کشورهای در حال توسعه
- ادغام علوم اجتماعی در تحقیقات انرژی
- تحقیقات انرژی فرا رشته ای – منعکس‌کننده زمینه امکان جایگزینی بین انرژی، زمان و اطلاعات
- مقابله با مشکلات طولانی‌مدت انرژی جهانی: سهم علوم اجتماعی
- نقش ضروری علوم اجتماعی در تحقیقات انرژی
- تعاملات بین انرژی ، اطلاعات و رشد در مورد فیزیک و اجتماعی در سیاست انرژی
- درس‌هایی برای تحقیقات انرژی درمورد حل مسئله در علوم اجتماعی
- چالش‌های مربوط به انرژی

5. ***Marilyn A. Brown***
marilyn.brown@pubpolicy.gatech.edu

ماریلین براون (انستیتو تکنولوژی جورجیا / ایالات متحده آمریکا)

سیاستِ انرژی و اقلیم

مریلین براون استاد ممتاز سیستم‌های پایدار در دانشکده سیاست‌های عمومی جورجیا است. وی در سال ۲۰۰۶ پس از یک فعالیت برجسته در آزمایشگاه ملی *Oak Ridge* وزارت انرژی ایالات متحده، به جورجیا تِک پیوست، جایی که وی چندین مطالعه ملی برای کاهش تغییرات آب‌وهوا را هدایت کرد و در تحلیل و تفسیر آینده انرژی در ایالات متحده به یک پیش‌رو تبدیل شد. تحقیقات وی بر طراحی و تأثیر سیاست‌هایی با هدف تسریع در توسعه و به‌کارگیری فناوری‌های انرژی پایدار، با تأکید بر صنعت برق، ادغام بهره‌وری انرژی، پاسخ به تقاضا و منابع خورشیدی و روش‌های بهبود انعطاف‌پذیری در مقابله با اختلالات متمرکز شده است.

برخی از مقالات ایشان در زمینهٔ انرژی عبارت‌اند از:

- ابعاد رقابتی امنیت انرژی: دیدگاه بین‌المللی
- تغییرات اقلیمی و امنیت جهانی انرژی: فناوری و گزینه‌های سیاست
- سناریوها برای آینده انرژی پاک
- درک نگرش نسبت به امنیت انرژی: نتایج یک نظرسنجی بین ملی
- درک سیاست اتخاذ انرژی تجدیدپذیر و تکامل در اروپا: تأثیر اجبار، تقلید هنجاری، رقابت و یادگیری
- تهیه شاخص پایداری انرژی برای ارزیابی سیاست‌های انرژی
- درک صرفه‌جویی در انرژی مسکونی از طریق نگرش‌ها و باورها

6. ***Sarah C. Klain***
sarah.klain@usu.edu

سارا کلاین (دانشگاه ایالتی یوتا / ایالات متحده آمریکا)

اقتصاد اکولوژیکی، درک ریسک، تصمیم‌گیری، سیاست محیط زیست

سارا کلاین مدرک دکترای خود را در رشته دکترای منابع، محیط و پایداری در دانشگاه بریتیش کلمبیا دریافت کرده است. تحقیقات وی روش‌های پیشرفته‌ای را برای ادغام ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در ارزیابی خدمات اکوسیستم جهت اطلاع مدیریت محیط زیست ارائه داده است. تحقیقات فعلی وی بر روی روش‌هایی جهت

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

پذیرفتن منظرهای انرژی تجدیدپذیر از نظر اجتماعی و بهتر برای تنوع زیستی متمرکز است. وی در حال حاضر در کمیته اجرایی انجمن زیست‌شناسی حفاظت، آمریکای شمالی فعالیت می‌کند.

برخی از مقالات ایشان در زمینهٔ محیط زیست و پایداری به شرح زیر هستند:

- عوامل فرهنگی و اجتماعی در خدمات اکوسیستم کجاست؟ چارچوبی برای مداخله سازنده
- علوم اجتماعی حفاظت: درک و تلفیق ابعاد انسانی برای بهبود حفاظت
- فرهنگ، نامشهودها و معیارها در مدیریت محیط زیست
- موانع و مشوق‌های مشارکت در سیاست‌های عمومی و حمایت از علوم
- تجدیدنظر در مورد انرژی‌های تجدیدپذیر: تمایل زیاد برای پرداخت هزینه‌های مزارع بادی از نظر زیست‌محیطی

7. *Thomas Dietz*
tdietz@msu.edu

توماس دایتز (دانشگاه ایالتی میشیگان / ایالات متحده آمریکا)

تغییر اقلیم، بوم شناسی انسان، جامعه‌شناسی محیطی، سیستم‌های انرژی کلان

توماس دایتز یک بوم‌شناس انسانی و جامعه‌شناس محیطی است. تحقیقات وی بر عوامل محرکه تغییر محیط و بهزیستی انسان، روانشناسی اجتماعی سیاست‌گذاری محیط زیست و تعامل بین علم و ارزش‌ها در سیاست‌گذاری متمرکز است. وی مدیر مؤسس برنامه علوم و سیاست‌های زیست‌محیطی در *MSU* بود و در آنجا، در برنامه مطالعات حیوانات و مرکز ادغام و پایداری سیستم ها، همچنان فعال است. دایتز به‌عنوان رئیس کمیته شورای ملی تحقیقات ابعاد انسانی تغییرات جهانی و به‌عنوان نائب رئیس کمیته پیشرفت علم تغییرات آب و هوایی فعالیت کرده است. وی یکی از اعضای انجمن پیشرفت آمریکایی آمریکا است، جایزه علوم پایداری را از انجمن بوم‌شناسی آمریکا دریافت کرده است و جوایز تحقیقاتی انجمن انجمن جامعه‌شناسی آمریکا در زمینه محیط زیست و جامعه را از آن خود کرده است.

برخی از مقالات دایتز در زمینهٔ محیط زیست و انرژی عبارت‌اند از:

- پیچیدگی سیستم‌های انسانی و طبیعی همراه
- علم مدیریت خدمات اکوسیستم: فراتر از ارزیابی اکوسیستم هزاره
- الگوی زیست‌محیطی جدید در زمینه اجتماعی–روانشناختی
- مشارکت عمومی در ارزیابی محیط زیست و تصمیم‌گیری
- حمایت از سیاست تغییر اقلیم: تأثیرات روانی اجتماعی و ساختاری اجتماعی
- تغییرات اقلیمی و جامعه: حدس و گمان، ساخت و ساز و تحقیقات علمی
- عوامل تعیین‌کننده اجتماعی و مهندسی و پیامدهای عدالت آنها در استفاده از برق مسکونی
- انرژی و تغییرات آب و هوایی: درس‌های اصلی برای اجرای تغییرات رفتاری
- ارزش‌ها در تحقیقات محیطی: دیدگاه شهروندان درباره دانشمندانی که ارزش‌ها را تصدیق می‌کنند.
- عوامل تعیین‌کننده ساختاری– رفتاری استفاده از انرژی مسکونی: استفاده از برق در تابستان در دیویس
- اندازه‌گیری رفتارهای بهره‌وری انرژی خانگی با توجه به انعطاف‌پذیری رفتاری در ایالات متحده
- بوم‌شناسی ساختاری بشر: مقاله‌های جدید درزمینه خطر، انرژی و پایداری
- سیاست اقلیمی ایالات متحده به علوم رفتاری نیاز دارد.

8. *Paul C. Stern*
pstern@seri-us.org

پل استرن (مؤسسه تحقیقات اجتماعی و زیست محیطی/ ایالات متحده آمریکا)

توسعه پایدار، تغییرات آب و هوایی، سازگاری با انرژی

پل استرن رئیس و پژوهشگر ارشد مؤسسه تحقیقات اجتماعی و زیست‌محیطی (*SERI*) در ایالات متحده است. پیش از این، او به‌عنوان عضو اصلی ستاد در آکادمی ملی علوم، مهندسی و پزشکی ایالات متحده با کمیته مشورتی در برنامه تحقیقات تغییر جهانی ایالات متحده و هیئت مدیره تغییر محیط و جامعه کار می‌کرد. علاقه تحقیقاتی وی در مورد عوامل تعیین‌کننده رفتارهای زیست‌محیطی به تألیف کتاب درسی مسائل زیست‌محیطی و رفتار انسان (چاپ دوم، ۲۰۰۲) و نظارت بر

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

گزارش‌های متعدد آکادمی‌های ملی کمک کرده است. مقاله‌ای با عنوان «فرصت‌ها و بینش‌های مربوط به کاهش مصرف سوخت فسیلی توسط خانوارها و سازمان‌ها» که در سال ۲۰۱۶ نوشته شده، در *Nature Energy* منتشر شده است.

برخی از آثار وی درزمینهٔ تحقیقات اجتماعی و سیاست انرژی عبارت‌اند از:

- انرژی و تغییرات آب و هوایی: درس‌های اصلی برای اجرای گوه رفتاری
- چگونه تحقیقات علوم اجتماعی می‌تواند تأثیر بیشتری در گذار انرژی داشته باشد؟
- عدم اطمینان در برنامه‌ریزی انرژی: برآورد تأثیرات بهداشتی ناشی از آلودگی هوا از تولید برق سوخت‌های فسیلی
- ابعاد روانشناختی تغییر محیط زیست جهانی سهم روانشناسی در درک و پرداختن به تغییرات جهانی آب و هوا.
- آب و هوا و استرس اجتماعی: پیامدهای تجزیه و تحلیل امنیت
- سیاست اقلیمی ایالات متحده به علوم رفتاری نیاز دارد
- چگونه مداخلات رفتاری می‌تواند اقدامات خانگی را برای محدود کردن تغییرات آب و هوایی تقویت کند؟

کتاب: بهره‌وری انرژی در ساختمان‌ها: مسائل رفتاری، ۱۹۹۲

9. *Matthias Gross*

matthias.gross@ufz.de

ماتیاس گروس (دانشگاه ینا و مرکز تحقیقات محیطی هلمهولتز، لایپزیگ/ آلمان)

سیستم‌های انرژی جایگزین، نظریه و تحلیل اجتماعی

ماتیاس گروس جامعه‌شناس آلمانی و محقق علوم است و در حال حاضر استاد کامل جامعه‌شناسی محیط زیست در دانشگاه ینا است، و با انتصاب مشترک، در مرکز تحقیقات محیطی هلم‌هولتز *UFZ* در لایپزیگ، آلمان فعالیت می‌کند. وی بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ به‌عنوان مدیر گروه تحقیقاتی «آزمایشات دنیای واقعی» در انستیتوی مطالعات علوم و فناوری در دانشگاه بیلفلد همکاری کرد و از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ وی دانشمند تحقیق ارشد بود. هم‌چنین وی سردبیر مجله بین‌رشته‌ای *Nature + Culture* است. وی بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۸ رئیس انجمن جامعه‌شناسی آلمان بخش جامعه‌شناسی زیست‌محیطی بود.

برخی از آثار گروس در زمینهٔ انرژی به شرح زیر است:

- سیاست آینده و پایداری
- آزمایش‌های دنیای واقعی: چه نقشی برای نوآوری و نوآوری در گذار انرژی آلمان وجود دارد؟
- انگیزه کاربر، مصرف‌کنندگان انرژی و تنوع منطقه‌ای: یادداشت‌های جامعه‌شناسی در مورد استفاده از انرژی زمین‌گرمایی

کتاب: دیویدسون ، دبرا جی و ماتیاس گروس (۲۰۱۸)، **انرژی و جامعه**، انگلستان: انتشارات دانشگاه آکسفورد.

10. *Elizabeth Shove*

e.shove@lancaster.ac.uk

الیزابت شاو (دانشگاه لنکستر / انگلیس)

رویه اجتماعی، تقاضای انرژی، مصرف، زندگی روزمره

الیزابت شوو یک جامعه‌شناس است که در مورد نظریه عمل اجتماعی، مصرف، زندگی روزمره و تقاضای انرژی پژوهش می‌کند. وی مدیر مرکز پویایی انرژی، تحرک و تقاضا (*DEMAND*) در دانشگاه لنکستر است. مرکز *DEMAND* یکی از شش مرکز پژوهشی مصرف نهایی تقاضای انرژی است. تحقیقات شاو در مورد انرژی ۲۵ سال طول کشیده و در این مدت او جوایز تحقیقاتی را از مؤسسه تحقیقات ساختمان، اتحادیه اروپا، شورای تحقیقات مهندسی و علوم فیزیکی و ... دریافت کرده است.

برخی از آثار خانم شاو وی درزمینهٔ انرژی به شرح زیر است:

- انرژی برای چیست؟ کنش اجتماعی و تقاضای انرژی
- سیاست تغییر آب و هوا و تئوری‌های تغییر اجتماعی
- مصرف کنندگان، تولیدکنندگان و روش‌ها: فهمیدن نوآوری اختراع و اختراع مجدد راهپیمایی نوردیک

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- پویایی کنش اجتماعی: زندگی روزمره و چگونگی تغییر آن
- جامعه‌شناسی انرژی، ساختمان‌ها و محیط زیست: ساخت دانش، طراحی عمل
- زمان، مصرف و زندگی روزمره: تمرین، مادی‌گرایی و فرهنگ
- مفهوم‌سازی پیوندها: تقاضای انرژی، زیرساخت‌ها و کنش‌های اجتماعی
- نظریه اجتماعی و تغییرات اقلیمی
- جای‌دادن کنش در سیاست: پیکربندی مجدد سؤالات مربوط به مصرف و تغییر اقلیم

کتاب: شاو، الیزابت و سیمون گای (۲۰۰۰)، **جامعه‌شناسی انرژی، ساختمان‌ها و محیط زیست**، انگلستان: انتشارات راتلج.

11. *Debra Davidson*
debra.davidson@ualberta.ca

دبرا جی. دیویدسون (دانشکده علوم کشاورزی، زندگی و محیط زیست – دانشگاه آلبرتا / کانادا)

جامعه‌شناسی محیطی، واکنش‌های شخصی و جمعی به آب و هوا، انتقال انرژی و غذا، سیاست منابع طبیعی و حاکمیت

دبرا جی دیویدسون استاد جامعه‌شناسی محیطی در گروه اقتصاد منابع و جامعه‌شناسی محیطی در دانشگاه آلبرتا است، و دکترای خود را از دانشگاه ویسکانسین دریافت کرده است (۱۹۹۸). حوزه‌های کلیدی آموزشی و پژوهشی وی عبارت‌اند از: اثرات و سازگاری با تغییرات اقلیمی، بحران‌ها و انتقال در سیستم‌های مواد غذایی و انرژی و ... . کارهای وی در چندین مجله شامل علوم، تغییرات جهانی محیط زیست، مجله جامعه‌شناسی انگلیس، جامعه و منابع طبیعی، جامعه‌شناسی بین‌المللی و تحقیق جامعه‌شناسی و سایر مجلات به چاپ رسیده است.

برخی از مقالات وی درزمینهٔ محیط زیست و انرژی به شرح زیر است:

- درک حاکمیت محیطی: یک بررسی انتقادی
- به چالش کشیدن مشروعیت در پرتگاه فاجعه انرژی
- رابطه انرژی غذایی و آب و پیچیدگی شهری
- جنسیت، ایدئولوژی سیاسی و باورهای تغییر اقلیم در یک جامعه صنعتی
- محیط و جامعه: مفاهیم و چالش‌ها
- مقدمه: مفهوم‌سازی روابط زیست‌محیطی ـ اجتماعی
- تغییرات اقلیمی و جامعه: چشم‌اندازهای جامعه‌شناسی

کتاب: دیویدسون، دبرا جی و ماتیاس گروس *(2018)*، **انرژی و جامعه**، انگلستان: انتشارات دانشگاه آکسفورد.

12. *Ishani Mukherjee*
ishanim@smu.edu.sg

ایشانی موکرجی (دانشگاه مدیریت سنگاپور / سنگاپور)

سیاست‌های عمومی، محیط زیست انرژی و سیاست تغییر آب و هوا، ابزار طراحی و سیاست برای پایداری

ایشانی موکرجی استادیار سیاست‌گذاری عمومی در دانشگاه مدیریت سنگاپور و عضو پژوهشی کمکی در انستیتوی سیاست گذاری آب است. وی دکترای سیاست‌های عمومی خود را با گرایش سیاست‌های زیست‌محیطی دریافت کرد و دریافت‌کننده جایزه دکترای بنیاد آینده جهان برای تحقیقات زیست‌محیطی و پایداری در سال ۲۰۱۴ بود. وی هم‌چنین جایزه بهترین مقاله برای مجله آسیا و اقیانوسیه را برای سال ۲۰۱۶ و جایزه بهترین مقاله برای سیاست و سیاست کن یانگ برای سال ۲۰۱۵، همراه با نویسندگان همکارش دریافت کرد. علایق تحقیقاتی ایشانی طراحی سیاست و تدوین سیاست را با تمرکز موضوعی بر روی ابزارهای سیاستی برای پایداری محیط زیست، انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی ترکیب می‌کند.

برخی از مقالات وی درزمینهٔ انرژی به شرح زیر است:

- مفهوم‌سازی و سنجش امنیت انرژی: یک رویکرد تلفیقی
- ارزیابی عملکرد امنیت انرژی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ برای هجده کشور
- مؤلفه‌های طراحی برنامه مؤثر: تجزیه و تحلیل دو سطحی
- ابزارهای رفتاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و نقش داده‌های کلان: چشم‌انداز سیاست‌گذاری

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- چالش‌های مرتبط با اجرای سیاست سازگاری با آب و هوا

13. Kathryn Janda
kbjanda@ucl.ac.uk

کاترین یاندا (انستیتوی انرژی، کالج سلطنتی لندن / بریتانیا)

تصمیم‌گیری سازمانی، تغییر در میانه، تقاضا و توسعه انرژی، پتانسیل اجتماعی، متخصصین ساختمان

کاترین یاندا یک محقق بین‌رشته‌ای و دانشمند فنی و اجتماعی است که به بررسی رابطه چندجانبه مردم، انرژی و ساختمان علاقه‌مند است. وی از سال ۱۹۹۰ نوآوری‌های انرژی، انتقال‌ها و محرک‌های آنها، به‌ویژه نقش دوگانه سازمان‌ها به‌عنوان پذیرنده و ارائه‌دهنده نوآوری‌های پایدار را مطالعه کرده است. او هم اکنون پژوهشگر ارشد مؤسسهٔ انرژی در کالج دانشگاهی لندن است.

برخی از مقالات وی درزمینهٔ انرژی به شرح زیر است:

- ساختمان‌ها از انرژی استفاده نمی‌کنند: مردم استفاده می‌کنند
- ادغام علوم اجتماعی در تحقیقات انرژی
- مصرف نهایی انرژی: ساختمان‌ها
- یک رویکرد میانه برای بهبود عملکرد انرژی در ساختمان‌ها
- قصه‌گویی: استفاده از داستان برای بازسازی سیاست انرژی
- یادگیری از «داده ضعیف»: مدیریت انرژی در سازمان‌های کم مطالعه
- هدایت تحقیقات درباره انرژی و افراد: از «اگر فقط» به «پتانسیل اجتماعی» باشد.
- بررسی ابعاد اجتماعی استفاده از انرژی: مروری بر ابتکارات تحقیقاتی اخیر
- انرژی و رفتار: چالش‌های آینده کم‌کربن
- دیدگاه‌های فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مورد تقاضای انرژی

14. Naghmeh Nasiritousi
naghmeh.nasiritousi@statsvet.su.se

نغمه نصیری طوسی (گروه علوم سیاسی، دانشگاه استکهلم / سوئد)

حاکمیت جهانی محیط زیست، مشروعیت، اثربخشی، حاکمیت انرژی، بازیگران غیر دولتی، تغییر اقلیم

نغمه نصیری‌توسی سابقه تحصیلات دانشگاهی در حقوق بین‌الملل، اقتصاد و مطالعات جهانی‌سازی دارد و در حال حاضر در گروه علوم سیاسی دانشگاه استکهلم کار می‌کند. تحقیقات وی بر پیچیدگی نهادی حاکم بر آب و هوا و انرژی جهانی، مسائل مربوط به اثربخشی و مشروعیت و هم‌چنین نقش بازیگران غیر دولتی در حکمرانی محیط زیست متمرکز است. پروژه فعلی وی «مشروعیت و اثربخشی در یک فضای پراکنده اقلیمی و چشم‌انداز حکمرانی انرژی» است.

برخی از مقالات وی درزمینهٔ انرژی به شرح زیر است:

- حکمرانی روابط اقلیم– انرژی: چالش‌های انسجام، مشروعیت و اثربخشی
- بررسی سیاست اقتصادی نوردیک ۲۰۱۹: سیاست‌های اقلیمی در مناطق شمال اروپا
- عملکرد رابطه اقلیم – انرژی
- نقش بازیگران غیردولتی در حاکمیت تغییر اقلیم: درک نمایندگی از طریق نمایه‌های حکمرانی
- مقاومت در برابر شفافیت: فساد، قانونی بودن و کیفیت سیاست‌های جهانی زیست‌محیطی
- آیا سازمان‌های بین‌المللی کیفیت دولت را ارتقا می‌دهند؟ سیاست بین‌المللی اقلیمی در دوران پس از (پیمان) پاریس

15. Luísa Schmidt
schmidt@ics.ul.pt

لوئیزا اشمیت (انستیتوی علوم اجتماعی، دانشگاه لیسبون / پرتغال)

مشورت عمومی، مشارکت مدنی، اصلاح عدالت کیفری، مطالعات دیاسپورا

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

لوئیزا اشمیت جامعه‌شناس و پژوهشگر ارشد در انستیتوی علوم اجتماعی دانشگاه لیسبون (*ICS-ULisboa*) است. او بخشی از تیمی است که جامعه‌شناسی محیط زیست را در پرتغال، در تحقیقات، آموزش و ارتباط بین دانشگاه و جامعه معرفی کرد. او هم‌چنین در میان محققانی بود که رصدخانه محیط زیست، سرزمین و جامعه (۱۹۹۶) را راه‌اندازی کرد و در آنجا پروژه‌های تحقیقاتی متعددی را ارائه می‌دهد که علوم اجتماعی و مسائل زیست‌محیطی را ترکیب می‌کند. در *ICS-ULisboa*، لوئیزا عضو گروه تحقیقاتی «محیط زیست، سرزمین و جامعه» و کمیته علمی برنامه دکترای تغییر اقلیم و سیاست‌های توسعه پایدار است.

برخی از مقالات وی در زمینهٔ انرژی به شرح زیر است:

- فقر انرژی در پرتغال: ترکیب نقشه‌برداری از آسیب‌پذیری با مصاحبه‌های خانگی
- تحقیق و سیاست تغییر اقلیمی در پرتغال
- (در) کشور پایدار: محیط زیست و کیفیت زندگی در پرتغال
- تغییرات آب و هوایی، اجتماعی و سیاسی در پرتغال: فرایندهای حاکمیت در ساحل پر خطر
- از محیط زیست به توسعه پایدار: زمینه‌ها و قهرمانان آموزش محیط زیست در پرتغال
- درک سیاست و عملکرد تغییر اقلیمی در شهرداری‌های پرتغال: یک نظرسنجی
- انتشار اجتماعی کنش‌ها و بازنمایی‌های مربوط به انرژی: الگوها و سیاست‌ها در پرتغال و بلژیک

16. *Juerg Minsch*

Juerg.minsch@zhaw.ch

یورگ مینش (دانشگاه علمی کاربردی زوریخ / سوئیس)

توسعه پایدار، جامعه و محیط زیست، انرژی، مشارکت شهروندان

یورگ مینش پژوهشگر ارشد مؤسسهٔ علوم کاربردی دانشگاه زوریخ است و درزمینهٔ مطالعات منابع طبیعی و علوم اجتماعی مطالعه می‌کند. علایق پژوهشی او شامل توسعه پایدار، جامعه و محیط زیست، مدیریت منابع طبیعی و انرژی، مشارکت شهروندی و مدیریت پایداری است.

برخی از آثار مینش در زمینهٔ علوم اجتماعی و انرژی عبارت‌اند از:

- چالش‌های مرتبط با انرژی
- درس‌هایی برای تحقیق درمورد حل مسئله در علوم اجتماعی
- نقش ضروری علوم اجتماعی در تحقیقات انرژی، محیط زیست و سیاست
- کدام تحقیق منجر به نوآوری‌هایی برای توسعه پایدار می شود؟
- دانش فرارشته‌ای چگونه امکان‌پذیر است؟
- اصلاحات نهادی برای سیاست پایداری توسعه پایدار آینده‌محور: هدف یا مسیر؟

کتاب: مقابله با مشکلات دراز مدت انرژی جهانی، سهم علوم اجتماعی، انتشارات سپرینگر

17. *Bregje van Veelen*

bregje.vanveelen@geo.uu.se

برژی فن ویلن (محقق، دانشگاه اوپسالا / سوئد)

حاکمیت انرژی، تمرکززدایی، دموکراتیزه سازی، پویایی اقتصادی تغییرات آب و هوایی، سیاست‌های زیست‌محیطی

برژی فن ویلن یک دانشمند اجتماعی است که تحقیقات وی بر حکمرانی انتقال‌های کم‌کربن انرژی متمرکز است و به‌ویژه پویایی اجتماعی برای کمک به تحولات سیاسی و اجتماعی و دموکراتیک علاقه‌مند است. وی در حال حاضر به‌عنوان یک همیار تحقیقات دکترا در گروه جغرافیا در دانشگاه دورهام در پروژه *REINVENT* کار می‌کند. پیش از این او دکترای خود را در دانشگاه ادینبورگ با تحقیق روی مدیریت پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر جامعه به پایان رسانده است. وی همچنین علاقه‌مند است که چگونه این پروژه‌ها در دستور کار جامعه محلی / بومی‌گرایی قرار می‌گیرند و پیامدهای دموکراتیک این ترتیبات حکومتی در حال ظهور چیست.

برخی از مقالات وی درزمینهٔ انرژی به شرح زیر است:

- زمینه غیرمعمول: نقش پیوست‌های مکان‌های مختلف در توضیح پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر جامعه

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- دموکراسی انرژی چیست؟ اتصال تحقیقات انرژی علوم اجتماعی و نظریه سیاسی.
- مذاکره در مورد دموکراسی انرژی در عمل: فرایندهای حاکمیت در پروژه‌های انرژی جامعه
- انرژی تجدیدپذیر جامعه: درگیری‌های جامعه، دولت و بخش خصوصی
- انرژی‌های تجدیدپذیر جامعه: چه کاری انجام می‌دهد؟
- تحقیقات انرژی چه چیزی می‌تواند برای علوم اجتماعی به ارمغان بیاورد؟

18. Loren Lutzenhiser
llutz@pdx.edu

لورن لوتزن‌هایزر (دانشگاه ایالتی پورتلند / ایالات متحده آمریکا)

آب و هوا، انرژی، فناوری

لورن لوتزن‌هایزر استاد مطالعات و برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه ایالتی پورتلند و عضو مؤسسه راه‌حل‌های پایدار است. علایق تدریس وی شامل سیاست و روش زیست‌محیطی، رفتار انرژی و آب و هوا، تغییرات تکنولوژیکی، پایداری محیط زیست شهری و روش‌های تحقیق اجتماعی است. تحقیقات وی نیز بر تأثیرات زیست محیطی سیستم‌های اجتماعی – فنی، به‌ویژه چگونگی ارتباط انرژی و انرژی شهری با تغییر محیط زیست جهانی متمرکز است. مدرک تحصیلی وی دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه کالیفرنیا است و مقالات او به‌طور گسترده‌ای در مجلات علوم اجتماعی، سیاست‌گذاری و انرژی منتشر شده است. وی هم‌چنین رئیس سابق انجمن جامعه‌شناسی آمریکا در بخش محیط زیست و فناوری است. برخی از مقالات وی درزمینهٔ انرژی به شرح زیر است:

- میراث بیست سال مدیریت تقاضای انرژی: ما درباره رفتار فردی بیشتر می‌دانیم اما در مورد تقاضا چیزی نداریم
- ادغام علوم اجتماعی در تحقیقات انرژی
- بارگذاری اجتماعی و مصرف پایدار
- جامعه‌شناسی اقتصادی و مسئله اجتماعی ناکارآمدی انرژی
- ساختارهای اجتماعی و رفتار اقتصادی: تفسیر تغییرات در مصرف انرژی خانگی از طریق بهره‌وری
- محدودیت‌های سازمانی تحقیق و توسعه بین‌رشته‌ای بهره‌وری انرژی در ایالات متحده و انگلیس
- تأثیرات اجتماعی و سیاسی انرژی‌های تجدیدپذیر: مرور ادبیات سبک زندگی، وضعیت و مصرف انرژی
- دستورالعمل‌های جدید برای سیاست‌های انرژی بخش مسکونی
- چشم‌اندازهای رفتاری در مورد حسابرسی انرژی در منزل: نقش حسابرسان، برچسب‌ها، گزارش‌ها و ابزارهای حسابرسی در تصمیم‌گیری صاحب‌خانه

19. Farid Karimi
farid.karimi@uni-greifswald.de

فرید کریمی (مرکز تحقیقات بین‌رشته‌ای مطالعات منطقه دریای بالتیک، دانشگاه گریفسوالد/ آلمان)

سیاست زیست‌محیطی، درک خطر، تغییرات آب و هوا، سیاست انرژی، علوم اجتماعی انرژی

فرید کریمی، دکترای علوم اجتماعی محیط زیست است. وی کارشناسی ارشد فناوری انرژی پایدار (گرایش انرژی و جامعه) از دانشگاه صنعتی دلفت هلند و دکترای علوم اجتماعی محیط زیست را از دانشگاه هلسینکی فنلاند دریافت کرده است. علایق پژوهشی وی بیشتر درزمینه علوم اجتماعی سیستم‌های انرژی پایدار، تغییرات اقلیمی و سیاست‌های انرژی است. وی دوره‌های دیگری را درزمینه چالش‌های زیست‌محیطی جهانی، محیط زیست و فرهنگ و حاکمیت ریسک بین فرهنگی تدریس کرده است. کریمی در دانشگاه آلتو، دانشگاه هلسینکی، انستیتوی بین‌المللی تجزیه و تحلیل سیستم‌های کاربردی و اداره ثبت اختراعات اروپا و غیره کار کرده است. وی هم‌اکنون پژوهشگر دانشگاه گریفت‌والد آلمان است. برخی از مقالات وی درزمینهٔ انرژی به شرح زیر است:

- واکنش‌های عمومی نسبت به جذب و ذخیره کربن: آیا فرهنگ مهم است؟
- تحلیل مقایسه‌ای فرهنگی اجتماعی از درک ریسک جذب و ذخیره کربن در اتحادیه اروپا
- سیاست‌های بهتر انتقال انرژی پاک را تسریع می‌کنند– بر انعطاف‌پذیری سیستم انرژی تمرکز کنید.
- چالش‌های انتقال انرژی در منطقه دریای بالتیک: مروری بر شکاف‌های سیاسی اجتماعی و حقوقی
- چگونه فرهنگ بر درک فناوری مربوط به تغییرات آب و هوایی تأثیر می‌گذارد؟

20. Nathan J. Bennett
nathan.bennett@ubc.ca

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ناتان جی. بِنِت (انستیتو اقیانوس‌شناسی و شیلات، دانشگاه بریتیش کلمبیا / کانادا)

تعاملات انسان و محیط زیست، حفاظت از علوم اجتماعی توسعه پایدار تاب آوری حاکمیت محیط زیست

ناتان بنت در حال حاضر به‌عنوان همکار تحقیقاتی با مشارکت *Ocean Canada* در دانشگاه بریتیش کلمبیا (کانادا) و دانشگاه ساحلی آزور (فرانسه) مشغول کار است. او به‌عنوان یک دانشمند اجتماعی که به‌طور گسترده آموزش دیده است، تصمیم دارد در درجه اول بر روی پروژه‌های تحقیقاتی متمرکز شود که جنبه‌های مختلف رابطه پیچیده بین محیط دریا و جامعه بشری را موردبررسی قرار می‌دهد. وی در زمینه‌های مختلف مانند برابری اجتماعی و حاکمیت در مناطق حفاظت‌شده دریایی، پاسخ جوامع ماهی‌گیری در مقیاس کوچک به تغییرات محیطی و اجتماعی ترکیبی، چشم‌اندازهای بومی و رویکردهای حفاظت، ابعاد سیاسی برنامه‌ریزی دریایی و حاکمیت اقیانوس‌ها، تحقیق و انتشار می‌کند. دسترسی جامعه ساحلی به منابع دریایی و شیلات، ابعاد انسانی مناطق حفاظت‌شده دریایی در مقیاس بزرگ و نقش علوم اجتماعی در حفاظت. تمرکز کارهای وی کانادا، تایلند، مکزیک، اروپا و اقیانوس‌های جهانی است. برخی از مقالات بِنِت در عرصه محیط زیست و انرژی:

- چرا مردم محلی از حفاظت حمایت نمی‌کنند: برداشت جامعه از تأثیرات معیشتی مناطق حفاظت شده دریایی، حاکمیت و مدیریت
- علوم اجتماعی حفاظت: درک و تلفیق ابعاد انسانی برای بهبود حفاظت
- استفاده از ادراک به‌عنوان شاهدی برای بهبود حفاظت و مدیریت محیط زیست
- جریان اصلی علوم اجتماعی در زمینه حفاظت
- مدیریت تأثیر اجتماعی سازگار برای حفاظت و مدیریت محیط زیست
- علوم اجتماعی حفاظت: چه؟ چگونه؟ و چرا؟
- حاکمیت محیطی: یک چارچوب عملی برای هدایت طراحی، ارزیابی و تجزیه و تحلیل

۲-۲-۴. سرفصل‌های درسی دوره‌های علوم اجتماعی مرتبط با «انرژی»، «توسعه پایدار» و «محیط زیست»

در برخی از دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌های معتبر در کشورهای مختلف، دوره‌های بین‌رشته‌ای به محوریت توسعه پایدار و انرژی با تمرکز بر وجوه اجتماعی، فرهنگی و سیاست‌گذاری در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد یا دکتری برگزار می‌شود که نشان‌دهندهٔ اهمیت رویکرد اجتماعی نسبت به مسائل فنی و توسعه‌ای و توجه به این امر است. در این بخش سرفصل‌ها و چگونگی برگزاری تعدادی از این دوره‌ها ارائه می‌شوند.

۲-۲-۴-۱. دوره جامعه‌شناسی سیاره: فرهنگ، نهادها و روابط اجتماعی به دنبال پایداری

دوره جامعه‌شناسی سیاره: فرهنگ، نهادها و روابط اجتماعی به دنبال پایداری[۱] در مرکز پایداری دانشگاه استکهلم[۲] سوئد به‌صورت بین‌رشته‌ای و به سرپرستی مارکوس کارسون[۳] (پژوهشگر ارشد انستیتوی محیط زیست، اقلیم، انرژی و جامعه استکهلم) برگزار می‌شود. این دوره که در سطح دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا طراحی شده است مروری جامع بر دیدگاه‌های جامعه‌شناختی ارائه می‌دهد که می‌توانند ابزار تحلیلی قوی جهت فهم روابط پیچیدهٔ بین جوامع و محیط طبیعی فراهم کنند. محتوای دوره سه حوزه کلیدی زیر را دربر می‌گیرد:

- آثار کلاسیک جامعه‌شناسی که از پیوندهای انتقادی بین بوم‌شناسی و جامعه صحبت می‌کنند؛
- آثار تأثیرگذار در جامعه‌شناسی که به صراحت آن روابط را بررسی می‌کنند؛

۱ *Sociology of the Planet: Culture, institutions and social relations in the pursuit of sustainability*
https://www.su.se/english/search#?cludoquery=resilience
۲ *Stockholm University*
۳ *Marcus Carson*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- متونی که به توصیف یکی از سه بعد تحلیلی که عوامل کلیدی مؤثر در ثبات و تغییر در جامعه (عوامل نهادی، فرهنگی و ارتباطی) می‌پردازند.

هم‌چنین نظریه و روش مورداستفاده در این دوره عبارت‌اند از:

نظریه: این دوره مفاهیم جامعه‌شناختی مربوط به تأثیر ساختار ـ کنشگر بر ثبات و تغییر را پوشش می‌دهد: ترتیبات سازمانی، فرهنگ، شبکه‌های اجتماع. مباحث دوره هم‌چنین نظریه‌های جامعه‌شناختی را بررسی می‌کند که با تعاملات بین جامعه و محیط زیست مرتبط هستند، از جمله «فرایند تولید»، «مدرن‌سازی بوم‌شناختی» و «نظریه‌های نو نهادی».

روش‌ها: مقایسه موارد بین‌رشته‌ای، کاربرد مفاهیم نظری جهت تحلیل و درک بهتر فرایندهای تغییر.

دانشجویانی که این دوره را با موفقیت پشت سر می‌گذارند باید بتوانند:

۱. نظریه‌های کلیدی جامعه‌شناختی مربوط به پایداری اجتماعی/ زیست‌محیطی را خلاصه و موردبحث قرار دهند.
۲. نقش عوامل فرهنگی، نهادی و ارتباطی در فرایندهای تغییر اجتماعی را شناسایی و تحلیل کنند؛ و ماهیت این عوامل را در ارتباط با مفاهیم تاب‌آوری و پایداری توصیف کنند؛
۳. نظریه‌ها و مدل‌های مفهومی مرتبط را جهت توضیح تحولات سیاست در دامنهٔ مشخصی از مقررات برای بهبود پایداری به‌کار گیرند.

۲-۲-۴-۲. کارشناسی «جامعه‌شناسی محیط زیست» در دانشگاه وَندربیلت

رشتهٔ تخصصی جامعه‌شناسی محیط زیست[۱] که در دانشکده هنرها و علوم[۲] دانشگاه وندربیلت[۳] کشور ایالات متحده در مقطع کارشناسی ارائه می‌شود به مطالعه رابطه بین جوامع مدرن و محیط زیست در مقیاس‌های مختلف، از خانواده تا روابط جهانی می‌پردازد و موضوعاتی مانند درک عمومی از مسائل زیست‌محیطی، محیط زیست و نابرابری، جنبش های اجتماعی زیست محیطی و تغییرات اجتماعی، و تجزیه و تحلیل اصلاحات و سازگاری محیطی را دربر می‌گیرد. جامعه‌شناسی محیط زیست با علوم محیطی که مبتنی بر علوم طبیعی است و مطالعات محیطی که شامل دوره‌هایی از طیف وسیعی از رشته‌ها از جمله مهندسی و علوم انسانی است، متفاوت است.

در این مقطع، چندین دوره در جامعه‌شناسی محیط زیست و دوره‌هایی که موضوعات زیست‌محیطی را پوشش می‌دهند، ارائه می‌شود. برخی از عناوین دروس و سرفصل‌های آموزشی به شرح زیر است:

- محیط زیست و جامعه: درآمدی کلی بر جامعه شناسی محیط زیست و رابطه محیط و جامعه
- تغییر اقلیم و جامعه: واکنش جوامع به تغییرات اقلیمی چگونه است؟ چه عوامل اجتماعی بر اینکه آیا دولت‌ها سیاست‌های قوی برای کاهش گازهای گلخانه‌ای دارند یا نه، تأثیر می‌گذارد؟ کسب‌وکارها و دولت‌ها چگونه برنامه‌های سازگاری را توسعه می‌دهند؟
- محیط زیست و توسعه: چه پیامدهایی برای محیط زیست جهان وجود دارد زیرا مردم بیشتر و بیشتر با اتومبیل رانندگی می‌کنند، از برق استفاده می‌کنند و وارد دنیای «توسعه‌یافته» می‌شوند؟ چگونه توسعه می‌تواند به گونه‌ای اتفاق بیفتد که هم عادلانه و هم پایدار باشد؟
- اکولوژی انسانی: بررسی گسترده و بین‌المللی از رابطه بین جوامع انسانی و مسائل زیست محیطی و اکولوژیکی

۱ *Environmental Sociology*
https://as.vanderbilt.edu/sociology/undergraduate/environmental-sociology-major/
۲ *College of Arts and Science*
۳ *Vanderbilt University*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- تجارت، جامعه مدنی، و محیط زیست: نحوه تعامل سازمان‌های زیست‌محیطی، سازمان‌های مصرف‌کننده و سایر سازمان‌های جامعه مدنی با بخش خصوصی در درگیری‌ها و مشارکت‌ها برای مسائل زیست‌محیطی
- گذار انرژی و جامعه: تور جهانی سیاست برق، که وسیله‌ای حیاتی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای است. مطالعات اروپا، آسیا، خاورمیانه، آفریقا، استرالیا، آمریکای لاتین و ایالات متحده و کانادا.
- جامعه‌شناسی مشاغل سبز: بررسی سبز شدن اقتصاد به تفکیک بخش با توجه به تفکر و بررسی مشاغل مرتبط با محیط زیست. مواد غذایی، ساختمان‌ها، حمل و نقل، برق، تولید، بازیافت، امور مالی و سایر بخش‌ها.

۲-۲-۴-۳. دوره‌های تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه کِنِتیکت

دانشگاه کنتیکت (کانکتیکت) [۱] یکی از دانشگاه‌های معتبر ایالات متحده است که در نیمسال‌های پاییز و بهار اقدام به اجرای دوره‌های تخصصی در رشته‌های مختلف می‌کند. از جمله در رشته جامعه‌شناسی بیش از ۸۰ عنوان دوره برای دانشجویان مقطع کارشناسی طراحی و معرفی شده است؛ که از این میان می‌توان به دوره‌های «مبانی جامعه‌شناسی»، «مسائل اجتماعی»، «جامعه در چشم‌انداز جهانی»، «ورزش و جامعه»، «جوامع پایدار»، «جامعه و تغییرات اقلیمی»، «زندگی شهری»، «انرژی، محیط زیست و جامعه»، «جامعه‌شناسی سلامت» و ... اشاره کرد. سه مورد از این دوره‌ها تناسب موضوعی بیشتری با بحث «علوم اجتماعی انرژی و توسعه پایدار» دارند، که به اختصار معرفی می‌شوند:

۱. *انرژی، محیط زیست و جامعه*[۲]: در این دوره، دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در مورد تولید، توزیع و مصرف انرژی، محیط زیست و سازمان اجتماعی و کاربرد آن‌ها در بررسی و حل مسائل مرتبط با انرژی و محیط زیست ارائه می‌شود.
۲. *جامعه و تغییرات اقلیمی*[۳]: دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در مورد علل و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی تغییرات آب و هوایی جهانی موضوعات اصلی این دوره است.
۳. *جوامع پایدار*[۴]: در این دوره، دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در مورد مفاهیم پایداری، با تمرکز بر موضوعات کاهش و سازگاری تغییرات آب و هوایی، از جمله مسائل گذار اجتماعی بر اساس مفاهیم عدالت اجتماعی، فرهنگ مداوم و آینده زندگی روی زمین موردبحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۴-۴. دوره «انرژی، محیط زیست و جامعه» در دانشگاه استاوانگر نروژ

دوره «انرژی، محیط زیست و جامعه»[۵] در سطح کارشناسی ارشد و به صورت بین‌رشته‌ای و با در نظر گرفتن موافقتنامه پاریس (تغییرات آب و هوایی) و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد *(SDGs)*[۶] در دانشگاه استاوانگر[۷] نروژ برگزار می‌شود. این برنامه بر چالش‌های مرتبط با تحقق این اهداف با تأکید ویژه بر انرژی تمرکز می‌کند و به دانشجویان یک بینش کلی در مورد چالش‌های

۱ *University of Connecticut (UCONN)*
https://catalog.uconn.edu/directory-of-courses/course/SOCI/3407W/
۲ *Energy, Environment, and Society*
۳ *Society and Climate Change*
۴ *Sustainable Societies*
۵ *Master in Energy, Environment and Society*
https://www.uis.no/en/studies/master-energy-environment-and-society
۶ *the UN Sustainable Development Goals*
۷ *Stavanger University*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مربوط به انرژی و چالش‌های زیست‌محیطی می‌دهد. فارغ‌التحصیلان کارشناسی در رشته‌هایی مانند علوم اجتماعی، تاریخ، مدیریت گردشگری، جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی، حقوق، مدیریت و اقتصاد می‌توانند متقاضی شرکت در این دوره باشند.

انرژی و چالش‌های زیست‌محیطی مرتبط با آن چالش‌های بزرگی را برای ملت‌ها و جامعه بین‌المللی به‌وجود می‌آورد. سیستم‌های انرژی در سراسر جهان در حال گذار – یا در شرف گذار – به سمت کربن کمتر و پیکربندی انرژی پایدارتر هستند. در عین حال، مباحث مربوط به آنچه که سیاست انرژی پایدار را تشکیل می‌دهد، در اکثر کشورها تشدید شده است، درگیری‌های سیاسی بر سر معنای واقعی مفاهیمی مانند انرژی پایدار، گذار کم‌کربن و دیدگاه‌های متفاوت و رقابتی در مورد ترکیب و سیستم انرژی آینده است. این اختلافات سیاسی هستهٔ اصلی این دوره کارشناسی ارشد را تشکیل می‌دهد. این سؤال اساسی را مطرح می‌کند که انرژی پایدار چه می‌تواند باشد و انتقال کم‌کربن از دیدگاه‌های مختلف چگونه می‌تواند باشد. این برنامه دانشجویان را با چالش‌های خاص انرژی، چالش‌های زیست‌محیطی مرتبط با انرژی (به‌عنوان مثال تغییرات آب و هوا، وخامت منابع آب، رقابت برای زمین و غیره) آشنا می‌کند و عوامل مختلف، علایق، ادراکات و محرک‌های احتمالی گذار به سمت جامعه کم‌کربن در زمینه‌های مختلف ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی توسعه پایدار را دربر می‌گیرد. این دوره در دو سال (چهار نیمسال) ارائه می‌شود. رئوس برنامه‌های هر نیمسال به شرح جدول شماره ۲-۶ است:

جدول ۲-۶: رئوس برنامه‌های نیمسال دوره کارشناسی ارشد انرژی، محیط زیست و جامعه در دانشگاه استاوانگر نروژ

نیمسال	عنوان	سرفصل و محتوای دوره
اول	گذار و تحول اجتماعی – انرژی و تغییرات آب و هوایی	این دوره موافقتنامه پاریس (تغییرات آب و هوایی) و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل *(SDGs)* را به‌عنوان نقطه عزیمت خود در نظر گرفته و به گذار به جامعه کم‌کربن و تغییر پیش‌بینی‌شده سیستم انرژی در آن می‌پردازد. این امر به مناقشات سیاسی مرتبط با کاهش و سازگاری تغییرات آب و هوایی و استراتژی های مختلف و گاه رقابتی پیش‌بینی‌شده برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای *(GHGs)* توجه می‌کند. هم‌چنین، در مورد سناریوها و چشم‌اندازهای مختلف انرژی در مورد سیستم انرژی آینده و راه‌هایی که می‌تواند گذار و دگرگونی را انجام دهد بحث می‌شود.
دوم	فلسفه علم و روش‌های تحقیق	علوم اجتماعی طیف وسیعی از مسائل موضوعی، هستی‌شناختی، معرفتی و روش‌شناختی را ایجاد می‌کند. هدف کلی فلسفه علوم اجتماعی پرداختن به این مسائل به گونه‌ای است که تحقیقات اجتماعی را ارتقا می‌بخشد. با توجه به این هدف، این دوره مقدماتی را برای سؤالات اصلی فلسفه علم ارائه می‌دهد که بر نشان دادن ارتباط آنها با طراحی و عملکرد تحقیق متمرکز است.
سوم	انرژی، فناوری‌های انرژی و ادغام سیستم‌های انرژی	این دوره به دانشجویان بینش اساسی درباره اینکه انرژی چیست، چگونه اندازه‌گیری می‌شود، انواع مختلف انرژی موجود و فناوری‌های مختلف تبدیل انرژی را ارائه می‌دهد. سپس به ارائه فناوری‌های مختلف انرژی و نقص فناوری‌های مختلف انرژی (مبتنی بر فسیلی و غیر فسیلی) و چالش‌های موجود برای کاستی برای انتقال به جامعه کم‌کربن

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

		می‌پردازد. در ادامه در مورد نقش فناوری‌های مختلف انرژی در انتقال به جامعه کم‌کربن، چالش‌ها و فرصت‌های ارائه‌شده توسط دیجیتالی شدن و فناوری اطلاعات و ارتباطات مربوط به یکپارچه‌سازی سیستم انرژی و پیکربندی‌های مختلف راه حل‌های ممکن برای ادغام سیستم انرژی بحث می‌شود.
چهارم	روشهای تحقیق علوم اجتماعی	این دوره زمینه‌ای برای یادگیری مادام العمر شرکت‌کنندگان فراهم می‌کند. از طریق آموزش عملی در برنامه‌ریزی و انجام پروژه‌های تحقیقاتی، به مهارت‌های تحقیقاتی دانشجویان کمک می‌کند. روش‌ها از رشته‌های اصلی علوم اجتماعی مانند روانشناسی، جامعه شناسی، علوم سیاسی و مطالعات سازمان‌ها گرفته شده است.

مأخذ: https://www.uis.no/en/studies/master-energy-environment-and-society

۲-۲-۴-۵. دوره «انرژی، محیط زیست و جامعه» در دانشگاه بریتیش کلمبیا

دوره «انرژی، محیط زیست و جامعه»[۱] در سطح کارشناسی ارشد در گروه آموزشی «زمین، اقیانوس و علوم جوی» دانشکده علوم دانشگاه بریتیش کلمبیا برگزار می‌شود، بر فهم و درک سیستم‌های انرژی (شامل ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی آن‌ها)؛ توسعه ابزارهای تحلیلی و مفهومی (از علوم اجتماعی و زیست‌محیطی) که می‌تواند در ارزیابی سیاست‌های انتخابی راجع به سیستم‌های انرژی کمک کنند؛ و استفاده از این ابزارها برای تفکر انتقادی راجع به چگونگی گذار این سیستم‌ها برای دستیابی به اهداف پایداری جمعی تمرکز دارد. جهت نیل به این اهداف، مجموعه‌ای از مطالعات موردی معاصر و تاریخی راجع به مباحث انرژی در آمریکای شمالی و هر نقطه‌ای از جهان جستجو و ارائه می‌شود.

در انتهای این دوره دانشجویان قادر خواهند بود:

- به درک کمی و کیفی عمیق‌تری از ابعاد فنی، اجتماعی و زیست‌محیطی سیستم‌های انرژی و رابطه متقابل بین آن‌ها در موضوعات خاص انرژی برسند.
- رویکردهای مفهومی و تحلیلی را از علوم طبیعی و اجتماعی جهت درک بهتر بحث و جدل‌های سیاست‌گذاری انرژی در مقیاس محلی تا جهانی کسب کنند.
- نقاط قوت، محدودیت‌ها و مفروضات اساسیِ رویکردهای تحلیلی و مفهومی مختلف را بشناسند.
- راهبردهای گذار به سیستم‌های پایدارتر انرژی (زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی) را ارزیابی کنند.
- نقش واقعیت‌ها و ارزش‌ها را در فرایند ارزیابی درک کنند.
- برای انجام تحلیل سیستم‌های انرژی در گروه‌های بین‌رشته‌ای همکاری کنند.

این دوره در سه بخش سازمان‌دهی شده است:

۱. *یک سیستم انرژی چیست؟* در این بخش، بر فهم انرژی از چشم‌انداز سیستمی و مقوله‌های فنی، اجتماعی و طبیعی مرتبط به آن تمرکز می‌شود. اصول علمی و مهندسی تولید انرژی مورد کنکاش قرار می‌گیرد، ایده‌هایی از سیاست‌گذاری و سیاست‌های انرژی معرفی می‌شود، و این‌که سیستم‌های طبیعی چگونه منبع تولید و کاربرد انرژی‌اند و نیز تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند، تحلیل می‌شود.

۲. *چگونه انتخاب‌های سیاسی راجع به سیستم‌های انرژی را ارزیابی کنیم؟* سیستم‌های انرژی پیچیده و چندبعدی هستند. در این بخش، مجموعه‌ای از ابزارهای تحلیلی که می‌توان برای ارزیابی انتخاب‌های سیاسی راجع به سیستم‌های انرژی به‌کار گرفت و ابعاد فنی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در نظر می‌گیرند، ارائه می‌شود. هم‌چنین نقاط قوت و محدودیت‌های این ابزارها بررسی می‌شود.

۳. *چگونه سیستم‌های انرژی را متحول کنیم؟* هدف ما در اینجا فقط فهمیدن سیستم‌های انرژی نیست، بلکه تغییر آن‌ها به شکلی است که پایدارتر، عادلانه‌تر و کارآمدتر باشند. در بخش آخر، ما یاد می‌گیریم دربارهٔ اینکه برای دستیابی به

۱ *Energy, Environment and Society*
https://courses.students.ubc.ca/cs/courseschedule

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

سیستم‌های انرژی پایدار چه چیزهایی موردنیاز است، به صورت انتقادی بیندیشیم. ما چالش‌ها و فرصت‌های طرف عرضه ـ و تقاضا ـ و اهرم‌هایی که در اختیار داریم (به‌طور مثال، قانون و سیاست، فناوری، افکار عمومی) را در نظر می‌گیریم. محتوای موضوعات این دوره به شرح جدول شماره ۲-۷ است:

جدول ۲-۷: موضوع و محتوای دوره کارشناسی ارشد انرژی، محیط زیست و جامعه در دانشگاه بریتیش کلمبیا

موضوع	سؤالات
یک سیستم انرژی چیست؟	
معرفی	این دوره راجع به چیست؟ یک سیستم انرژی چیست؟ مردم و سیاره چگونه در آن‌ها قرار می‌گیرند؟
مبانی علوم و مهندسی انرژی	انرژی از کجا و به چه شکل‌هایی می‌آید؟ چه مقدار از آن استخراج و تبدیل شده است؟ ما چقدر انرژی نیاز داریم؟
سیاست‌گذاری و سیاست انرژی	کدام سیاست‌ها توسعه انرژی در کانادا را شکل می‌دهند؟ چه فعالیت‌های فرارسمی‌ای برای آن انجام شده است؟ (به‌عنوان مثال؛ فعال‌گرایی، *Ngo*ها، و ...)
تأثیرات زیست‌محیطی، تأثیرات اجتماعی و تأثیرات ترکیبی	پیوندهای بین سیستم‌های انرژی با زمین، هوا، آب، اقلیم و زندگی کدامند؟ برخی از پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مرتبط با توسعه انرژی در کانادا کدامند؟
چگونه انتخاب‌های سیاسی راجع به سیستم‌های انرژی را ارزیابی کنیم؟	

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تحلیل هزینه فایده	چگونه هزینه‌ها و فواید گزینه‌های مختلف انرژی را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم؟ این امر چگونه به کفایت درآمد ارتباط پیدا می‌کند؟ انتقادات اولیه به *CBA*[1] چه بود و چرا مردم بر سر چیزهایی مانند طرح برق پاک[2] توافق نداشتند؟
تشخیص و تعیین مشخصات مخاطره	چگونه مخاطرات زیست‌محیطی، سلامتی و امنیتی مرتبط با فناوری انرژی را تشخیص می‌دهیم؟ [مثال‌هایی از انرژی هسته‌ای، باد]
ادراک مخاطره و عدالت انرژی	مردم چگونه و چرا به صورت شهودی سیستم‌های انرژی با با عنوان «خوب یا بد» ارزیابی می‌کنند؟ این امر چه چالشی را مطرح می‌کند؟ آیا مخاطرات ادراک‌شده تنها و اولین دغدغه‌هایی هستند که سیستم‌های انرژی با آن مواجه شده‌اند یا سایر پیامدهای سیستم‌های انرژی الگوهای خاصی از مخاطرات ادراک‌شده را نادیده می‌گیرند؟ آیا این یک مسئلهٔ «دنیای توسعه‌یافته» در مقابل «دنیای در حال توسعه» است؟
برآورد چرخه زندگی	چگونه تأثیرات زیست‌محیطی فناوری‌های انرژی را از ابتدا تا انتها (از گهواره تا گور) ارزیابی می‌کنیم؟
ارزش‌ها، تصمیم‌سازی و تحلیل ذی‌نفعان	ارزش‌ها در برابر ارزش‌گذاری در سیاست انرژی ـ تفاوت این دو مفهوم از یکدیگر چگونه است و چگونه می‌توانند؟
چگونه سیستم‌های انرژی را متحول کنیم؟	
ارزیابی پیشنهادهایی برای کربن‌زدایی از سیستم‌های انرژی ـ با ملاحظهٔ طرف عرضه ـ تقاضا	چالش‌ها و فرصت‌های رشد و گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر کدام‌اند؟ آیا باید به جای تغییر سیستم بر افراد تمرکز کنیم؟

مأخذ: https://courses.students.ubc.ca/cs/courseschedule

۲-۲-۴-۶. دوره کارشناسی ارشد «توسعه پایدار» دانشگاه ادینبورگ بریتانیا

دوره کارشناسی ارشد «توسعه پایدار»[3] در مدرسه علوم اجتماعی و سیاسی دانشگاه ادینبورگ[4] برگزار می‌شود و به مشکلات اصلی انسان‌ها در قرن بیست‌ویکم در رابطه با دسترسی به آب، غذا، انرژی، سرپناه و هم‌چنین عدالت در زمینه آب و هوای بی‌ثبات‌کننده و تخریب منابع زیست‌محیطی می‌پردازد. این دوره اصول، مفاهیم، زمینه‌ها، مسائل و کاربردهای توسعه پایدار را از دیدگاه رشته‌های مختلف موردبحث قرار می‌دهد و به دانشجویان کمک می‌کند تا خود را در این بحث‌ها قرار دهند و هم‌چنین در مورد موضع خود تأمل کنند.

در این دوره مسائل جهانی در درجه اول از طریق آموزش علوم اجتماعی چندرشته‌ای، با تمرکز بر پیامدهای اجتماعی شیوه‌های کنونی زندگی، الگوهای توسعه و فرصت‌های تغییر موردبررسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین گزینه‌هایی برای دانشجویانی که مایل به دنبال کردن دیدگاه‌های علمی در مورد توسعه پایدار هستند وجود دارد، اما اینها اجباری نیستند و دانشجویان در کنار دوره‌های اصلی توسعه پایدار، یک یا دو رشته موضوعی اصلی را انتخاب خواهند کرد. در حال حاضر، این گزینه‌ها عبارت‌اند از: جغرافیا، سیاست و روابط بین‌الملل، مردم‌شناسی اجتماعی و جامعه شناسی. مطالب این دوره در دو بخش دسته‌بندی می‌شود:

دوره اول ـ معرفی توسعه پایدار: این دوره که برای همه دانشجویان در دسترس است، با یک تاریخچه کوتاه از اصول و زمینه مفهوم «توسعه پایدار» شروع می‌شود و به دانشجویان کمک می‌کند با استفاده از بینش‌هایی از تاریخ اقتصادی و جامعه‌شناسی، سیاست و روابط بین‌الملل، مردم‌شناسی اجتماعی و جغرافیای انسانی، مسائل و تفسیرهای متعدد پایداری، سیاست و ارتباط آن‌ها را کشف کنند. دانشجویان یاد می‌گیرند که در مورد معنای پایداری و نحوه کاربرد آن به‌طور انتقادی فکر کنند. دانشجویان تشویق خواهند شد تا چالش‌هایی را که جوامع معاصر در سطح جهانی تا محلی با آن روبرو هستند از دریچه پایداری بررسی کنند. آنها

۱ *Cost-Benefit Analysis*

۲ *Clean Power Plan*

۳ *MA Sustainable Development*

https://www.ed.ac.uk/studying/undergraduate/degrees/index.php?action=view&code=HL23

۴ *the University of Edinburgh*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

هم‌چنین می‌توانند تغییراتی را که توسعه سرمایه‌داری و صنعتی و پیشرفت فناوری در الگوهای زندگی و محیط ایجاد کرده است، ارزیابی کنند.

دوره دوم ـ علم، طبیعت و محیط زیست: این دوره روش‌هایی را که علم و فناوری رابطه بین انسان و محیط را شکل می‌دهد موردبررسی قرار می‌دهد. در این دوره، دانشجویان با نظریه‌ها و ابزارهایی آشنا می‌شوند که به آنها امکان می‌دهد علل و ویژگی‌های مباحث حول طبیعت و محیط زیست را ترسیم و درک کنند. این دوره دیدگاه‌هایی از تاریخ و جامعه‌شناسی علم ارائه می‌دهد که دانش علمی را به‌عنوان یک ساختار اجتماعی موردبررسی قرار می‌دهد. با استفاده از این نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، دانشجویان به درک عمیق‌تری از نحوه ایجاد دانش علمی در مورد محیط زیست و چگونگی کمک این دانش به فرایندهای سیاسی و نظارتی دست خواهند یافت.

۲-۲-۴-۷. دوره «انرژی و جامعه» دانشگاه گوئلف کانادا

دوره «انرژی و جامعه» در دانشکده «علوم اجتماعی و انسانی کاربردی» دانشگاه گوئلف[۱] در پاییز هر سال برگزار می‌شود. در این دوره راه‌های درک و فهم رابطه بین انرژی و جامعه انسانی موردبررسی قرار می‌گیرند و بر تأثیرات و پیامدهای استفاده از منبع اولیه انرژی (غذا) و منابع بیرونی انرژی در حال تغییر (از قبیل آب، حیوانات، چوب، باد، تولیدات گیاهی و حیوانی، زغال سنگ، گاز طبیعی، نفت و منابع تجدیدپذیر انرژی مانند آبی، خورشیدی، باد، زمین‌گرمایی، جزر و مد، سوخت زیستی و ...) تمرکز می‌شود. افزون بر این، زمینه انتخاب‌های انرژی و نظریه‌های جامعه‌شناسی در مورد چگونگی تأثیر انرژی بر روابط سیاسی و اقتصادی مردم از طریق دیدگاه جامعه‌شناسی محیط‌زیست به دقت موردملاحظه قرار می‌گیرند.

در آینده با جهانی شدن مصرف‌گرایی صنعتی و «اقتصاد در حال رشد» در بافت آب و هوای جهانی «نامتعارف»، کاهش مواد تجدیدناپذیر و بی‌ثباتی اقتصادی دست و پنجه نرم خواهیم کرد. بنابراین، از نظریه‌های جامعه‌شناسی برای بررسی استفاده از انرژی، شرکت‌ها، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و ایدئولوژی رایج، محیط زیست، ابتکارات و جنبش‌های حفاظتی محیط زیست استفاده خواهیم کرد. موضوعات مهم شامل تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی استفادهٔ انسان از انرژی، تخریب‌ها و محافظت خواهند بود.

۲-۲-۴-۸. دوره «انرژی و جامعه» دانشگاه استرالیای جنوبی

دوره «انرژی و جامعه»[۲] معمولاً به‌طور سالانه در سطح کارشناسی ارشد در گروه مهندسی و فناوری مکانیک و صنایع[۳] دانشگاه استرالیای جنوبی برگزار می‌شود. هدف این دوره «قرار دادن دانشجویان در معرض فناوری‌ها، روش‌ها و شیوه‌های کنونی ارزیابی انرژی درزمینه وسیع‌تر جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و بسیاری از آثار زیست‌محیطی مرتبط با استفاده از اشکال مختلف منابع انرژی متداول و تجدیدپذیر» عنوان شده است. محتوای دوره به شرح زیر است:

- تغییرات انرژی، جامعه، محیط زیست و فناوری
- انرژی کجا، چرا و چگونه استفاده می‌شود؟
- مطالعات موردی: واکنش‌های اجتماعی به بحران‌های انرژی – چارچوب سیاست‌های انرژی گذشته، حال و آیندهٔ استرالیا و بین‌المللی
- منابع فعلی و آینده انرژی و پیامدهای بین‌المللی چنین انتخاب‌هایی، سوخت‌های فسیلی و بعد اقتصادی آنها

۱ *The Course of Energy and Society*
https://socioanthro.uoguelph.ca/course-outlines/energy-and-society
۲ *The Course of Energy and Society*
https://study.unisa.edu.au/courses/100944
۳ *Mechanical & Industrial Engineering & Technology*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

- انرژی پایدار: فناوری، کاربرد، شیوه‌ها و سیاست‌ها
- گازهای گلخانه‌ای و انتشار آنها: چرا، چقدر، کی، کجا
- پیامدهای زیست‌محیطی ملی و بین‌المللی الگوهای مصرف انرژی ما
- ادغام انرژی پایدار در سناریوهای موجود و آینده انرژی
- بازارهای انرژی: درک نقش، عملکرد و پیامدهای آنها برای شرکت‌کنندگان
- ابزارهای معاصر در تأمین مالی انرژی: حفاظها، گزینه‌ها، آینده
- تعرفه‌های انرژی: نقش و تأثیر دولت، قانون‌گذاران، تولیدکنندگان، فرستنده‌ها، خرده فروشان و مصرف‌کنندگان، ملاحظات اخلاقی
- چشم اندازهای ملی و بین المللی از آینده انرژی پایدار: منابع، بازارها، سیاست‌ها و شیوه‌ها

جمع‌بندی

مطالعه و بررسی تجربیات خارج از کشور در رابطه با بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حوزه صنعت برق و انرژی نشان داد که در عرصه‌های گوناگونی و در کشورهای مختلف، سازوکارهایی برای گفتمان‌سازی علوم اجتماعی در کنار بخش فنی – بوروکراتیک انرژی صورت می‌گیرد. در ادامه با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مباحثی که در عرصه‌های پژوهشی و آموزشی مرتبط با این دسته از اقدامات بوده خواهیم پرداخت.

بررسی فعالیت انجمن‌ها و پژوهشگاه‌ها و پیشینه و فعالیت علمی و پژوهشی اندیشمندان و محققانی که به مطالعات بین‌رشته‌ای مرتبط با «برق و انرژی» پرداخته‌اند و مقالات علمی متعددی در این راستا منتشر نموده و یا در پژوهشکده‌ها و انجمن‌های علمی به آموزش و پژوهش بر روی ابعاد مختلف انرژی مشغول‌اند، حاکی از شکل‌گیری و قوت رویکردی مثبت به کاربست علوم انسانی و علوم اجتماعی در مطالعات مربوط به «توسعه پایدار، انرژی، برق، تغییرات اقلیمی و موضوعات ذیل آن» است. بررسی سال انتشار مقالات و برخی از کتاب‌ها نشان می‌دهد که شکل‌گیری این رویکرد در محافل علمی و دانشگاهی و پژوهشگاه‌های مختلف بیش از سه‌دهه سابقه دارد. پراکندگی دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌های مختلف در کشورهای متعددی از جمله انگلستان (کالج سلطنتی لندن، ساسکس، لنکستر)، آلمان (هلم‌هولتز، گریفسؤالد)، کانادا (آلبرتا، بریتیش کلمبیا، سایمون فریزر)، ایالات متحده آمریکا (میشیگان، پورتلند، کلمبیا، وسلیان، جورجیا، یوتا)، سوئد (استکهلم، اوپسالا)، سوئیس (زوریخ)، نروژ، سنگاپور، پرتغال و برزیل نشان می‌دهد که این رویکرد منحصر به کشور یا قاره‌ای خاص نبوده و در بیشتر کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته موردتوجه دانشگاه‌ها و محققان قرار گرفته است. به لحاظ تنوع و گسترهٔ رشتهٔ تخصصی، ملاحظه می‌شود که پژوهشگران مورد بررسی در طیف وسیعی از رشته‌های علمی از جمله جامعه‌شناسی، سیاست اجتماعی، سیاست‌گذاری عمومی، برنامه‌ریزی شهری، علوم اجتماعی محیط زیست، روان‌شناسی اجتماعی، سیاست، فیزیک و مهندسی مواد، منابع طبیعی، محیط زیست و پایداری، انسان‌شناسی، مدیریت، حقوق (بین‌الملل) و اقتصاد تخصّص دارند و در زمینه‌های بین‌رشته‌ای با تمرکز بر انرژی و محیط زیست به تحقیق می‌پردازند. به‌طور خلاصه، رویکرد به کاربست علوم اجتماعی و انسانی در پژوهش، سیاست‌گذاری، ارزیابی سیاست و آینده‌پژوهی مرتبط با انرژی امری مقبول، جاافتاده و قابل توجه بوده و لازم است در پژوهش‌ها و سیاست‌گذاری‌های انرژی و برق کشور تجارب این کشورها و پژوهشگران آن‌ها موردتوجه و استفاده قرار گیرد.

مرور چهار مجلهٔ علمی پژوهشی نشان می‌دهد که رویکرد بین رشته‌ای (به‌ویژه علوم اجتماعی)، جایگاه ارزنده و قابل‌توجهی در مطالعات انرژی و محیط زیست پیدا کرده است. توجه به موضوعاتی چون مصرف‌کنندگان انرژی، نهادهای اجتماعی، آداب و رسوم، سنت‌ها، رفتارها و سیاست‌ها، امنیت انرژی، کیفیت و کارایی خدمات انرژی، اثربخشی رویکردهای مبتنی بر بازار، مداخلات دولت، نوآوری، تأثیرات اقتصادی ـ اجتماعی و زیست‌محیطی انرژی حاکی از اهمیت یافتن جنبه‌ها و ابعاد غیرفنی انرژی است و مطالعه و

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مرور عناوین مقالات و پژوهش‌های منتشرشده در این مجلات عمق و گستردگی رویکرد اجتماعی و بین‌رشته‌ای به انرژی و محیط زیست دارد. بنابراین لازم است جهت کاربست رویکرد بین‌رشته‌ای و اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی اقدامات علمی و پژوهشی انجام گیرد و در صورت تصمیم به گام نهادن در این راه، تدوین و انتشار مجله‌ای بین‌رشته‌ای با محوریت «انرژی و محیط زیست» با درجه علمی ـ پژوهشی می‌تواند در نظم‌بخشی و جهت‌دهی به فعالیت‌های پژوهشی و علمی بسیار مؤثر خواهد بود.

بررسی رشته‌های تخصصی جامعه‌شناسی در دانشگاه‌های مختلف حاکی از این است که در مقطع کارشناسی، رشتهٔ مستقلی با عنوان «جامعه‌شناسی انرژی» یا «جامعه و انرژی» تعریف نشده؛ اما در رشته‌هایی مانند «جامعه‌شناسی محیط زیست» و «جامعه‌شناسی توسعه» یا «توسعه پایدار» واحدهای درسی مختلفی با این مضمون و عنوان تعریف و ارائه شده است. از سوی دیگر، دانشگاه‌های متعددی در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری دوره‌هایی با ماهیت بین‌رشته‌ای و متمرکز بر ابعاد اجتماعی و جامعه‌شناختی «انرژی»، «محیط زیست» و «توسعه پایدار» برگزار کرده و یا در حال برگزار کردن هستند. در نتیجه، شاید بتوان گفت هنوز زمان تأسیس رشته تحصیلی مستقلی با عنوان «جامعه‌شناسی انرژی» یا «علوم اجتماعی انرژی» در مقطع کارشناسی فرا نرسیده است؛ هر چند در سیلابوس خیلی از رشته‌ها و دوره‌های مرتبط با انرژی و محیط زیست و توسعه پایدار، عنوان درسی «جامعه‌شناسی انرژی» دیده می‌شود. هم‌چنین، برگزاری دوره‌های متعدد و پرشمار با عناوین «جامعه و انرژی» یا «انرژی، محیط زیست و جامعه» نشان می‌دهد علاوه بر حوزه تحقیق و پژوهش، در عرصهٔ آموزش نیز رویکرد مثبتی به مطالعات بین‌رشته‌ای با تمرکز بر ابعاد اجتماعی انرژی دیده می‌شود. بنابراین، در کشورهای در حال توسعه، نیاز است در گام اول نسبت به تدوین و جاگذاری واحدهای درسی با عنوان «جامعه‌شناسی انرژی» در دانشکده‌های علوم اجتماعی و نیز دانشکده‌های فنی که با موضوعات مرتبط با «انرژی» و «برق» سروکار دارند اقدام شود.

۲-۳. تحلیل رویکرد اجتماعی در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای صنعت برق و انرژی ایران

مقدمه

در این فصل تلاش شده تا سه عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا صنعت برق و انرژی از منظر اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن تحلیل گردد. این عرصه به سه زیرعرصه سیاست‌گذاری کلان؛ سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی وزارت نیرو و زیرمجموعه و حوزه برنامه‌ریزی و اجرایی در سطح نهادهای صنفی و کسب و کار تقسیم‌بندی شده است. به‌منظور توصیف و تحلیل

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

این عرصه تلاش شده است تا با مبنا قرار دادن اسناد بالادستی و مأموریت‌ها، وظایف و برنامه راهبردی هر زیرعرصه، به تحلیل ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن پرداخت. ازاین‌رو نخست به تحلیل محتوای اسناد بالادستی، سپس مأموریت‌ها، وظایف و برنامه راهبردی وزارت نیرو (ستاد و زیرمجموعه) پرداخته و در پایان نیز اهداف و مأموریت‌های نهادهای صنفی صنعت برق و انرژی تحلیل خواهد شد.

روشی که در تحلیل رویکرد اجتماعی دنبال می‌کنیم این است که بنا بر ماهیت اهداف، راهبردها و وظایف آیا امکان اعمال رویکرد اجتماعی وجود دارد که در صورت ضرورت اعمال رویکرد، این موضوع بررسی می‌گردد که آیا رویکرد اجتماعی اعمال شده و اگر شده دارای چه کم و کاستی‌هایی بوده و اگر اعمال نشده، چگونه می‌توان پیشنهاد داد و اعمال کرد. اشاره به این نکته ضروری است که در بخش دلایل امکان و امتناع تلاش شده تا عوامل مؤثر بر چرایی و چگونگی وضعیت رویکرد اجتماعی واکاوی گردد. ازاین‌رو در صورت وجود ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی در شرح وظایف و یا راهبردها و اعمال آن، تلاش شده تا این ظرفیت برجسته شود و در صورت نیاز مطابق با تحولات دانشی حوزه علوم اجتماعی و متناسب با تحولات نهادی و سیاستی در چارچوب وظایف آن را تکمیل و اصلاح نمود.

۲-۳-۱. تحلیل رویکرد اجتماعی در اسناد بالادستی صنعت برق و انرژی

در متن قانون اساسی به‌طور مستقیم به موضوع انرژی و مدیریت و حکمرانی آن اشاره نشده است، امّا در اصل «سوم» این قانون جهت نیل به اهداف نظام جمهوری اسلامی، وظایفی بر عهده دولت گذاشته شده که لازم است برخی از آن‌ها به‌عنوان راهنمای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان کشور از بعد اجتماعی در زمینهٔ صنعت برق و انرژی موردتوجه قرار گیرند. از جمله می‌توان به «بند ۲»: بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛ «بند ۸»: مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛ «بند ۹»: رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی؛ و بند «۱۲»: پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه اشاره کرد. ملاحظه می‌شود که مفاهیم اصلی «ارتقای آگاهی‌های عمومی»، «مشارکت عامه مردم»، «برقراری عدالت» و «ایجاد رفاه» به‌طور مستقیم و صریح ذیل وظایف دولت تعریف شده است که یکی از بسترهای اصلی ایفای این وظایف، «عرصهٔ حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی» است که باید در برنامه‌ها و سیاست‌های مرتبط با آن مدنظر قرار گیرند.

علاوه بر قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست‌سالهٔ جمهوری اسلامی ایران (ابلاغی آذرماه ۱۳۸۲) به‌عنوان یکی از اسناد مرجع و کلان کشور درزمینه سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی که دستیابی به اهداف آن در قالب پنج برنامه توسعه (برنامه‌های چهارم تا هفتم توسعه) مابین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴ پیش‌بینی شده است، نیز می‌تواند راهنمای عمل سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان قرار گیرد. در نگاه اول توجه و تأکید بر مفاهیمی چون «عدالت اجتماعی»، «امنیت اجتماعی»، «سرمایه اجتماعی»، «تأمین اجتماعی»، «فرصت‌های برابر»، «توزیع مناسب درآمد»، «نهاد مستحکم خانواده»، «مسئولیت‌پذیری»، «داشتن روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی»، «توجه و عنایت جدی به مشارکت عامه مردم» نشان‌دهندهٔ رویکرد اجتماعی این سند جهت تحقق اهداف توسعه و پیشرفت کشور است. بنابراین لازم است در همهٔ برنامه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و قوانینی که به این سند استناد می‌کنند، رویکرد اجتماعی مد نظر قرار گیرد.

در همین راستا به‌منظور بررسی و تحلیل رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری کلان صنعت برق و انرژی کشور، شش برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پنج‌ساله کشور، سیاست‌های کلی نظام درزمینه انرژی، سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، سند ملی راهبرد انرژی کشور و سند ملی آمایش سرزمین به‌عنوان اسناد بالادستی این عرصه انتخاب شده‌اند (جدول شماره ۲-۸).

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۸: مشخصات اسناد بالادستی موردبررسی رویکرد اجتماعی در عرصه کلان سیاست‌گذاری صنعت برق و انرژی

عنوان سند	تاریخ تصویب	مرجع تصویب	عبارت تلخیصی جهت ارجاع در متن گزارش
برنامه اوّل (۱۳۷۲-۱۳۶۸)	۱۳۶۸/۱۱/۱۱	مجلس شورای اسلامی	۱
برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴)	۱۳۷۳/۰۹/۲۰	مجلس شورای اسلامی	۲
برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)	۱۳۷۹/۰۱/۱۷	مجلس شورای اسلامی	۳
سیاست‌های کلی نظام درزمینه انرژی	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	ابلاغی مقام معظم رهبری	س.ک.ن.د.ز.ا
برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴)	۱۳۸۳/۰۶/۱۱	مجلس شورای اسلامی	۴
سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف	۱۳۸۹/۰۴/۱۴	ابلاغی مقام معظم رهبری	س.ک.ا.ا.م
برنامه پنجم (۱۳۹۴-۱۳۹۰)	۱۳۸۹/۱۰/۱۵	مجلس شورای اسلامی	۵
قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی	۱۳۸۹/۱۲/۰۴	مجلس شورای اسلامی	ق.ا.ا.م.ا
برنامه ششم (۱۴۰۰-۱۳۹۶)	۱۳۹۶/۰۱/۱۶	مجلس شورای اسلامی	۶
سند ملی راهبرد انرژی کشور	۱۳۹۶/۰۴/۲۸	هیئت وزیران	س.م.ر.ا.ک
سند ملّی آمایش سرزمین	۱۳۹۹/۱۲/۱۱	شورای عالی آمایش سرزمین	س.م.آ.س

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تمامی مواد، بند، جزء، تبصره یا هر تقسیم‌بندی دیگری از محتوای اسناد بالادستی که در رابطه با انرژی به‌طور عام و صنعت نفت، گاز و برق به‌طور خاص بوده و به نحوی به لحاظ پیامدها، شرایط اجتماعی را متأثر می‌کند یا مستلزم ملاحظات اجتماعی و فرهنگی بوده، به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده است. واحدهای معنایی نیز، ترکیبی از سیاست‌های مندرج در واحدهای تحلیل (مواد، بند، جزء، تبصره یا هر تقسیم‌بندی دیگری) اسناد بالادستی بوده که می‌توانند به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات توسعه‌ای در پیشبرد و بهبود حکمرانی انرژی تلقی شوند. در اینجا به‌طور پیشینی، چهار حوزه سیاست یا اقدام طرح (پروژه)های توسعه‌ای (اعم از تولید، انتقال و توزیع)، مدیریت مصرف، مدیریت خدمات مشترکین و مدیریت مخاطرات در حوزه‌های انرژی و منابع و حامل‌های آن از فسیلی، تجدیدپذیر و برق به لحاظ ارتباط با پیامدها و ملاحظات اجتماعی در نظر گرفته شده است. به این معنا که در هر یک واحدهای تحلیل تلاش شده تا واحدهای معنایی که در حوزه‌های مذکور هستند، استخراج شود. منظور از طرح (پروژه)، هر نوع اقدامی است که با هدف توسعه تولید، انتقال و توزیع حامل‌های انرژی و بهره‌وری، بهینه‌سازی، کاهش تلفات و ارتقاء راندمان آنها در سطوح سه‌گانه انجام می‌گیرد. درواقع بیشتر بیانگر اقدامات فنی، فیزیکی، عمرانی و کالبدی نظیر نیروگاه‌سازی، ساخت پالایشگاه، سدسازی، شبکه انتقال و توزیع و توسعه فناوری‌های نوین در این حوزه است. مدیریت مصرف نوعی اقدام توسعه‌ای در قالب سیاست‌ها، برنامه‌ها و یا حتی اقدامات کالبدی، فیزیکی، عمرانی و نوآوری و فناوری‌های نوین است که با هدف بهینه‌سازی، بهره‌وری و اصلاح الگوی مصرف انرژی در عرصه‌های خانگی، عمومی، صنعت، تجاری و کشاورزی صورت می‌گیرد. مدیریت خدمات مشترکین مبتنی بر هدف بهبود درخواست خدمت توسط مردم و نیاز به تعامل دوطرفه با شرکت توزیع برق و انرژی و ضرورت خدمت‌رسانی بهینه و پیشگیری از جرائم حوزه خدمات مشترکین است برای مثال می‌توان به هوشمندسازی کنتور برق، سامانه‌های ارتباطی و ضرورت تعامل در برنامه‌ریزی خاموشی‌های برق و قطعی گاز اشاره کرد. مدیریت مخاطره دربردارنده آن دسته از اقداماتی است که با هدف ایجاد ایمنی در زیرساخت‌ها، ارتقای تاب‌آوری و پیشگیری از هرگونه حوادث احتمالی و نیز مدیریت شرایطی است که در آن حادثه، بحران و یا فاجعه‌ای رخ داده باشد. پس در طرح‌های توسعه‌ای هدف بهبود تولید، توزیع و انتقال؛ در مدیریت مصرف، هدف صرفه‌جویی، بهینه‌سازی و اصلاح الگوی مصرف در میان مشترکین؛ در مدیریت خدمات مشترکین، هدف ارتقاء ارائه خدمات بهتر به مشترکین و در مدیریت مخاطره هدف پیشگیری و به حداقل رساندن مخاطرات و ارتقاء تاب‌آوری در زنجیره انرژی است که همه موارد تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری، اجرا، بهره‌برداری و ارزیابی را دربر می‌گیرد. پس از استخراج هر یک از واحدهای معنایی و دسته‌بندی آنها بر اساس مواردی که اشاره شد، این موضوع بررسی خواهد شد که در هر یک از اقدامات، چه سازوکارها و مؤلفه‌های اجتماعی، به لحاظ ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، ایفاء مسئولیت اجتماعی، متقاعدسازی مردم، پذیرش اجتماعی و جلب مشارکت عمومی اعمال شده است. در صورت عدم اعمال آن، پیشنهاد داده خواهد که

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

چه مواردی در جهت تقویت رویکرد اجتماعی آن سیاست و اقدام، لازم است اعمال گردد. پس برای استخراج مقوله‌های مربوط به اقدامات و نیز مؤلفه‌های رویکرد اجتماعی، به دو صورت باید کدگذاری کرد. در کدگذاری بخش اقدامات از رویکرد تحلیل محتوای کیفی استقرایی و در بخش اعمال رویکرد اجتماعی از رویکرد تحلیل محتوای کیفی قیاسی استفاده کرده‌ایم. در بخش اقدامات، چون مقوله‌های مرتبط با اقدامات در موارد چهارگانه که اشاره شد، چندان مشخص نیست پس رویکرد استقرایی مناسب است. امّا در بخش اعمال رویکرد اجتماعی، بر اساس مؤلفه‌های رویکرد اجتماعی، مقولات را استخراج می‌کنیم و در واقع مبنای کار ما قیاسی خواهد بود. بر اساس تحلیل محتوای کیفی استقرایی اسناد بالادستی مورد مطالعه، بیشتر سیاست‌ها و اقدامات حوزه انرژی در دو کلان‌حوزه طرح (پروژه)های توسعه‌ای و مدیریت مصرف قرار می‌گیرند. بنابراین یافته‌های پژوهش بر مبنای دو حوزه طرح‌های توسعه‌ای و مدیریت مصرف ارائه و تحلیل شده است.

۲-۳-۱-۱. رویکرد اجتماعی در طرح‌های توسعه‌ای

طرح‌های توسعه‌ای عرصه تولید، انتقال و توزیع انرژی را می‌توان در چهار حوزه توسعه صنعت نفت و گاز (اقدامات: اکتشاف و افزایش بهره‌برداری، افزایش بهره‌وری در زنجیره)، توسعه صنعت برق (اقدامات: تأمین عرضه برق، ارتقا بهره‌وری و بهینه‌سازی زنجیره، توسعه تولید پراکنده، توسعه برق پاک و تجدیدپذیر)، توسعه حوزه عام انرژی (اقدامات: تأمین عرضه انرژی، ارتقاء بهره‌وری و بهینه‌سازی زنجیره، توسعه خدمات انرژی، توسعه فناوری هسته‌ای در تولید انرژی) و طرح‌های توسعه‌ای خدمات‌رسانی و محرومیت‌زدایی دستگاه‌های متولی انرژی (اقدامات: توسعه مناطق محروم و حمایت اقشار آسیب‌پذیر، توسعه مناطق نفت‌خیز، تسهیلات رفاهی) دسته‌بندی نمود. تکلیف حوزه نفت به طرح‌های توسعه‌ای خدمات‌رسانی و محرومیت و نیز تکلیف حوزه برق به برق‌رسانی به مناطق روستایی و محروم، اقدامات مهمی در حوزه ایفاء مسئولیت اجتماعی این حوزه‌ها به لحاظ توانمندسازی و عدالت و امنیت انرژی تلقی می‌گردد که در مجموع برنامه‌های توسعه بر آن تأکید شده است. سیاست توسعه مناطق نفت‌خیز از برنامه چهارم به بعد و نیز در سند ملّی راهبرد انرژی کشور دنبال می‌شود که به لحاظ اجتماعی، آثار مثبتی بر توانمندسازی، ارتقاء مهارت‌ها، رعایت حقوق شهروندی، حفظ هویت محلی، پیشگیری از مهاجرت و اشتغال بومیان خواهد داشت. اگرچه ارزیابی تأثیرات اجتماعی چنین اقداماتی و جلب مشارکت جامعه هدف در این سیاست موردغفلت قرار گرفته شده است. ارزیابی تأثیرات اجتماعی به‌عنوان ایده‌ای که در پی شناخت آثار مثبت و منفی طرح‌های توسعه‌ای و جبران و تعدیل خسارت‌ها بر اجتماع است در همه طرح‌های توسعه‌ای صنعت نفت، گاز و برق موردبی‌توجهی قرار گرفته است.

اکتشاف و افزایش بهره‌برداری نفت و گاز به‌عنوان سیاستی که در تمامی برنامه‌های توسعه و نیز سیاست‌های کلّی نظام درزمینه انرژی، سند ملّی راهبرد انرژی کشور و قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی موردتأکید بوده، گام مهمی در توانمندسازی به لحاظ توسعه زیرساخت‌ها است. اگرچه مشارکت مالی موردتوجه بوده امّا دیگر ابعاد مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و اجرا نادیده گرفته شده است. در مجموع طرح‌های توسعه انرژی چه در نفت و گاز و چه در برق فاقد هرگونه سیاست مشخص مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و اجرا به لحاظ ابعاد مدیریتی (سیاست‌گذاری و اجرا) می‌باشد. در واقع مشارکت در معنای کلان خود به مشارکت در تأمین مالی و منابع فروکاسته شده که توسط بخش خصوصی و یا تعاونی قابل‌انجام است. بنابراین اگرچه تضمین مشارکت در تأمین برق و حتی احداث پالایشگاه و صنایع پایین‌دستی نفت و گاز موردتأکید است امّا سیاستی مبنی بر تضمین امکان مشارکت مشترکان و ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری و متقاعدسازی و اقناع آنان وجود ندارد و در صورت وجود متقاعدسازی نیز، پاداش‌های مالی موردتوجه بوده است. در سیاست توسعه فناوری هسته‌ای در تولید انرژی، رویکرد اجتماعی به لحاظ ارتقاء سرمایه اجتماعی، فرهنگ‌سازی و ترویج (آگاه‌سازی و آموزش)، رضایت و نگرش نسبت به اقدامات و اجرای آنها (نگرش عمومی)، پذیرش فناوری، تضمین امکان مشارکت، جلب مشارکت عمومی و رعایت حقوق شهروندی (حفاظت از ایمنی و سلامت) در برنامه‌های توسعه اخیر، سیاست‌های کلّی نظام درزمینه انرژی و سند ملّی راهبرد انرژی کشور، موردتوجه جدّی بوده است. صنعت نفت و گاز و برق در

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مقایسه با حوزه هسته‌ای، از سیاست اجتماعی مشخصی برخوردار نیست. این موضوع نه تنها در سیاست توسعه انرژی طرح‌های بزرگ‌مقیاس بلکه در سطوح خردتر و میانی نیز مثل توسعه صنعت برق مبتنی بر تولید پراکنده و تولید تجدیدپذیر به فراموشی سپرده شده است. سیاست توسعه انرژی تجدیدپذیر در سیاست‌های کلّی نظام درزمینه انرژی و سپس سیاست‌های کلّی اصلاح الگوی مصرف و برنامه پنجم و قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و بعداً در برنامه ششم توسعه، سند ملّی راهبرد انرژی کشور و سند ملّی آمایش سرزمین موردتوجه قرار گرفته است. علیرغم این چرخش قابل‌توجه در سیاست‌های تأمین انرژی از نگرش فسیلی‌محور به نگرش تجدیدپذیرمحور و تداوم تأکید بر آن در اسناد بالادستی اخیرتر؛ امّا همچنان رویکرد اجتماعی آن‌گونه که انتظار می‌رفت در این بخش اعمال نشده است. تولید پراکنده نیز که در برنامه پنجم و سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف موردتأکید بوده از همین فقدان رنج می‌برد. اجتماعی شدن سیاست توسعه انرژی تجدیدپذیر مستلزم آگاه‌سازی و آموزش، ایجاد تصویر مطلوب در افکار عمومی، پذیرش فناوری و تضمین مشارکت عمومی در فرایندها فراتر از جنبه‌های مالی آن است. در واقع توسعه تجدیدپذیر در مقایسه با منابع بزرگ‌مقیاس به لحاظ مشارکت مردم در فرایندها و راهبری آن توسط آحاد مردم مستلزم توجه بیشتری به سیاست‌گذاری اجتماع‌محور است.

جدول ۲-۹: طرح‌های توسعه‌ای عرصه تولید، انتقال و توزیع صنعت نفت و گاز در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

نوع اقدام	عنوان سند	اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله/ زیرمقوله)	
		موارد اعمال‌شده	موارد اعمال‌نشده
اکتشاف و افزایش بهره‌برداری: گسترش اکتشاف نفت و گاز، توسعه میدان‌های آن و حداکثر کردن تولید و بهره‌برداری از میدان‌های مشترک و افزایش بازیافت مخازن نفت و گاز و الزام به افزودن سامانه بازیافت انرژی تولید همزمان در پالایشگاه‌ها و صنایع پایین‌دستی و افزایش ظرفیت تولید گاز و جانشینی آن با سوخت‌های انرژی‌زا و الزام دولت به فراهم کردن تمهیدات فعالیت بخش خصوصی و تعاونی در احداث پالایشگاه و تولید سایر محصولات وابسته و واگذاری طرح‌های جمع‌آوری، مهار و... گازهای همراه تولید و مشعل	۳، ۴، ۵، ۶ س.ک.ن.د.ز.ا، س.م.ر.ا.ک، ق.ا.ا.م.ا	توانمندسازی/ توسعه زیرساخت‌ها؛ رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست؛ عدالت و امنیت انرژی/ دسترسی/ آمایش سرزمین؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه؛ متقاعدسازی کارکردی/ پاداش؛ جلب مشارکت مالی؛ دادرسی عادلانه/ تضمین امکان مشارکت مالی	رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست؛ ارزیابی تأثیرات اجتماعی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

افزایش بهره‌وری در زنجیره: از طریق توسعه و توانمندسازی سرمایه انسانی، فناوری و نظام‌های مدیریتی و کاربری تجهیزات روزآمد جهانی	س.م.ر.ا.ک	توانمندسازی/ ارتقاء مهارت‌ها، قابلیت‌ها و دانش/ توسعه زیرساخت‌های سازمانی و نهادی	

جدول ۲-۱۰: طرح‌های توسعه‌ای عرصه تولید، انتقال و توزیع صنعت برق در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

نوع اقدام	عنوان سند	اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله/ زیرمقوله)	
		موارد اعمال‌شده	موارد اعمال‌نشده
تأمین عرضه برق: حداکثر بهره‌گیری از منابع انرژی اولیه تأمین برق، تشویق مؤسسات عمومی داخلی غیردولتی، تعاونی و خصوصی به تولید هرچه بیشتر نیروی برق و احداث نیروگاه و الزام دولت به خرید تضمینی	۲، ۳، ۴، ۵، ۶	توانمندسازی/ توسعه زیرساختی؛ متقاعدسازی کارکردی/ پاداش؛ فرهنگ‌سازی و ترویج /سیاست تشویق و تنبیه؛ جلب مشارکت مالی؛ دادرسی عادلانه/تضمین امکان مشارکت مالی	عدالت و امنیت انرژی/ آمایش سرزمین؛ رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست؛ ارزیابی تأثیرات اجتماعی
ارتقا بهره‌وری و بهینه‌سازی زنجیره: کاهش تلفات توزیع برق، ارتقای سطح امنیت و پایایی در شبکه سراسری،	س.م.ر.ا.ک، ق.ا.ا.م.ا	-	ارز یابی تأثیرات اجتماعی؛ تاب‌آوری اجتماعی؛ رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ارتقا راندمان نیروگاهای حرارتی و الزام نیروگاه‌ها به افزودن سامانه بازیافت انرژی تولید همزمان			
توسعه تولید پراکنده: گسترش تولید پراکنده و کوچک‌مقیاس و پربازده برق و حمایت از توسعه نیروگاه‌های با مقیاس کوچک تولید برق	۵، س.ا.ا.م	متقاعدسازی کارکردی/ پاداش؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه؛ مشارکت مالی؛ عدالت و امنیت در دسترسی به انرژی؛ دادرسی عادلانه/ تضمین امکان مشارکت مالی	متقاعدسازی کارکردی/ ادراک سودمندی؛ مشارکت در اقدامات/ مشارکت در پروژه؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش؛ مقبولیت فناوری/ پذیرش فناوری دادرسی عادلانه/ تضمین مشارکت عمومی در فرایندها؛ جلب مشارکت عمومی
توسعه برق پاک و تجدیدپذیر: کسب فناوری و دانش فنی انرژیهای نو، ایجاد نیروگاه، افزایش سهم انرژی های تجدید پذیر، بهره‌گیری حداکثری از منابع و ظرفیت های انرژی تجدیدپذیر محلی، اعلام به صورت عمومی از کاربرد اقتصادی منابع تجدید شونده در سامانه‌های مجزای از شبکه با هدف ترویج آنها، افزایش سهم منابع انرژی کم کربن در سبد انرژی کشور، حمایت لازم از تجاری سازی فناوری‌های انرژی‌های تجدیدپذیر و دوستدار محیط زیست و حمایت از بخش‌های خصوصی و تعاونی در خرید تضمینی برق و ایجاد زیرساخت‌های تولید تجهیزات و توسعه	۵، ۶، س.ک.ن.د.ز.ا، س.م.آ.س، س.ا.ا.م، ق.ا.ا.م.ا، س.م.ر.ا.ک	فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش/ الگوسازی و نوآوری رفتاری/ سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت الگوهای پایداری/حفاظت از محیط؛ متقاعدسازی کارکردی / پاداش؛ توانمندسازی: ظرفیت‌سازی اقتصادی و زیرساختی/ارتقاء مهارت‌ها؛ دادرسی عادلانه/ تضمین امکان مشارکت مالی؛ عدالت و امنیت/ دسترسی به انرژی/ آمایش سرزمین	فرهنگ‌سازی و ترویج؛ آگاه‌سازی و آموزش؛ موافقت با اقدامات/ ایجاد تصویر مطلوب در افکار عمومی؛ مقبولیت فناوری/ پذیرش فناوری؛ دادرسی عادلانه/ تضمین مشارکت عمومی در فرایندها؛ جلب مشارکت عمومی

جدول ۲-۱۱: طرح‌های توسعه‌ای عرصه تولید، انتقال و توزیع انرژی (حوزه عام انرژی) در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

نوع اقدام	عنوان سند	اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله/ زیرمقوله)	
		موارد اعمال‌شده	موارد اعمال‌نشده
تأمین عرضه انرژی: افزایش ظرفیت‌های جدید، افزایش امنیت عرضه انرژی مطمئن، پایدار و با کیفیت و مشارکت گسترده بخش غیردولتی در عرضه انرژی و افزایش مشارکت عمومی و خصوصی در شبکه انرژی محلی، منطقه‌ای و ملی	س.م.ر.ا.ک، س.م.آ.س، ق.ا.ا.م.ا	توانمندسازی/توسعه زیرساختی؛ رعایت الگوهای پایداری/حفاظت از محیط؛ جلب مشارکت عمومی/مالی؛ عدالت و امنیت/ دسترسی به انرژی/آمایش سرزمین؛ دادرسی عادلانه/ تضمین مشارکت عمومی و مالی	ارزیابی تأثیرات اجتماعی؛ تاب‌آوری اجتماعی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ارتقای بهره‌وری و بهینه‌سازی زنجیره: کاهش ضایعات و تلفات، هدررفت و افزایش بازیافت در زنجیره، بهبود روش‌های انتقال حامل‌های انرژی، ایجاد حداکثر ارزش‌افزوده از منابع انرژی اولیه از طریق تعریف و استقرار زنجیره ارزش با امکان‌سنجی فنی، اقتصادی و ملاحظات زیست‌محیطی، تولید و تبدیل حامل‌های انرژی با ارزش افزوده بالاتر، استفاده بهینه از منابع و ظرفیت‌ها، ارتقای فناوری در تجهیزات و فرایندهای زنجیره، کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلاینده‌ها	س.م.ر.ا.ک، س.م.آ.س، ق.ا.ا.م.ا، ۴	رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست؛ توانمندسازی/ ظرفیت‌سازی اقتصادی؛ عدالت و امنیت/ دسترسی به انرژی	ارزیابی تأثیرات اجتماعی
توسعه خدمات انرژی: ظرفیت سازی گسترش کسب و کار های دانش‌بنیان در حوزه خدمات انرژی و تقویت و سازماندهی بازار رقابتی	س.م.آ.س	توانمندسازی/ظرفیت‌سازی اقتصادی/ آمایش سرزمین؛ جلب مشارکت مالی	فرهنگ‌سازی/آگاه‌سازی و آموزش/سیاست تشویق و تنبیه؛ متقاعدسازی/کارکردی
توسعه فناوری هسته‌ای در تولید انرژی: کسب فناوری و توسعه دانش هسته‌ای، ایجاد و مکان‌یابی نیروگاه‌ها، تربیت نیروهای متخصص، الزام دولت به ارتقای آگاهی‌ها و پذیرش اجتماعی و مشارکت‌افزایی در دستیابی به توسعه پایدار برق هسته‌ای و هماهنگی اجتماعی، حصول اطمینان از ایمنی تأسیسات و فعالیت‌های پرتویی	۵، ۶ س.ک.ن.د.ز.ا، س.م.ر.ا.ک	توانمندسازی/ توسعه زیرساخت‌ها/ارتقاء قابلیت‌ها/ مهارت‌ها و دانش/ ارتقای سرمایه اجتماعی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش؛ رضایت و نگرش نسبت به اقدامات و اجرای آنها/ نگرش عمومی؛ مقبولیت فناوری/پذیرش فناوری؛ دادرسی عادلانه/تضمین امکان مشارکت؛ جلب مشارکت عمومی؛ رعایت حقوق شهروندی/ حفاظت از ایمنی و سلامت	تاب‌آوری اجتماعی؛ رعایت الگوهای پایداری/حفاظت از محیط زیست؛

جدول ۲-۱۲: طرح‌های توسعه‌ای خدمات‌رسانی و محرومیت‌زدایی دستگاه‌های متولی انرژی در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

نوع اقدام	عنوان سند	اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله/ زیرمقوله)	
		موارد اعمال‌شده	موارد اعمال‌نشده
توسعه مناطق محروم و حمایت اقشار آسیب‌پذیر: برق‌رسانی و گازرسانی به مناطق روستایی و محروم، ایجاد تعادل منطقه‌ای و احیاء بخش‌های محروم با تخفیف در برق و گاز، کمک مستقیم و جبرانی از طریق نظام تأمین اجتماعی به اقشار آسیب‌پذیر نا شی از منابع حاصله از قیمت‌گذاری و اختصاص درآمد حاصله به شهرستان‌ها و مناطق کمتر توسعه‌یافته	۱، ۲، ۴، ۵	عدالت و امنیت انرژی/ در دسترس بودن/ آمایش سرزمین؛ توانمندسازی/ ظرفیت‌سازی اقتصادی و رفاهی/ تأمین اجتماعی/ ارتقاء معیشتی؛ برابری بین نسلی/ دسترسی منصفانه و عادلانه؛ زمینه جمعیتی/ اقشار	رعایت الگوهای پایداری/حفاظت از محیط زیست؛ توسعه امکانی/زیرساخت‌های توسعه انرژی‌های پاک

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

توسعه مناطق نفت‌خیز: اختصاص دو درصد از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی به استان‌های نفت‌خیز، گسترش فعالیتهای اقتصادی در مناطق و سواحل جنوبی با از ظرفیت‌های صنعت نفت و گاز، اولویت به‌کارگیری نیروهای بومی استانی در پروژه‌های حوزه انرژی، سازماندهی جدید استقرار جمعیت و فعالیت‌ها در حاشیه جنوبی کشور برمبنای بهره‌گیری از منابع غنی نفت و گاز (بهره‌گیری از قابلیت‌های سرزمین)	۵، ۴، ۶، س.م.ر.ا.ک	توانمندسازی/ ظرفیت‌سازی زیرساختی و رفاهی/ارتقاء مهارت‌ها؛ رعایت حقوق شهروندی/ جبران خسارت/ برابری و انصاف/ حفظ هویت محلی (جغرافیا)؛ زمینه توسعه امکانی/توجه به خدمات اجتماعی/ ملاحظه زیرساخت‌های توسعه؛ زمینه جمعیتی/پیشگیری از مهاجرت/نرخ اشتغال؛ عدالت و امنیت انرژی/ آمایش سرزمین	جلب مشارکت عمومی؛ ارزیابی تأثیرات اجتماعی؛ رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست
تسهیلات رفاهی: الزام وزارت نفت و راه و ترابری به احداث مسجد و نمازخانه و مدیریت و نگهداری آن در پایانه‌های مسافری و پمپ‌بنزین‌های بین شهری، کاهش نقاط حادثه‌خیز جاده‌ای و تجهیز شبکه فوریت‌های پزشکی، ایجاد جایگاه‌های عرضه سوخت در مجتمع‌های خدمات بین راهی	۳، ۴، ق.ا.ا.م.ا	عدالت و امنیت انرژی/دسترسی؛ رعایت حقوق شهروندی/حفظ هویت مذهبی/دسترسی همگان؛ توانمندسازی/توسعه ظرفیت‌های زیرساختی؛ تاب‌آوری اجتماعی؛ ملاحظه زمینه توسعه‌ای سبکی/ توجه به هویت	

۲-۳-۱-۲. رویکرد اجتماعی در مدیریت مصرف

تحلیل محتوای سیاست‌های مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی بیانگر آن است که مدیریت مصرف با هدف بهینه‌سازی مصرف انرژی و اصلاح الگوی مصرف، سیاست‌های مختلفی را مبتنی بر اقدامات متعدد دنبال می‌کند (جداول ۲-۱۳ تا ۲-۱۸). در مجموع می‌توان شش سیاست را با عنوان سیاست‌های قیمتی (اقدامات: افزایش سالانه قیمت برق، افزایش قیمت خارج از الگو و اصلاح تدریجی و واقعی کردن قیمت)، سیاست‌های فناورانه (اقدامات: تولید محصولات و جایگزینی آنها، بهینه‌سازی و ارتقاء فناوری، سامانه‌ها و فرایندهای کاری فناورانه و هوشمندسازی)، سیاست‌های سازمانی و نهادی (اقدامات: تنظیم برنامه کاری، نوآوری مدیریتی، شکل‌گیری نهادهای مردمی، توسعه شرکت‌های خدمات انرژی و توسعه دانش‌بنیان)، سیاست‌های استانداردسازی (اقدامات: استانداردسازی تجهیزات، استانداردسازی ساختمان، استانداردسازی فرایندها، استانداردسازی کیفیت سوخت و تدوین الگوی مصرف استاندارد)، سیاست‌های فرهنگی (اقدامات: آموزش‌های تخصصی و عمومی، اطلاع‌رسانی عمومی اطلاعات، آموزش در دوره‌های تحصیلی و فنی و حرفه‌ای، آموزش عمومی از طریق ظرفیت‌های فرهنگی، هنری، آموزشی و رسانه) و سیاست‌های کالبدی (اقدامات: جانمایی و ایجاد مراکز جمعیتی و خدماتی، ساماندهی حمل و نقل و مقاوم‌سازی مسکن) نام برد. آن‌طورکه پیداست اسناد بالادستی در این حوزه سعی بر تدوین تمامی سیاست‌های ممکن را داشته‌اند. معمولاً سیاست قیمتی در برنامه‌های توسعه اوّل تا چهارم با تأکید بر افزایش قیمت خارج از الگو که به نوعی مبتنی بر تشویق و تنبیه بود دنبال می‌شد که در قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی نیز مورد تأکید جدّی قرار گرفته است. برنامه ششم و سند ملّی راهبرد انرژی کشور که در واقع اخیرترین اسناد بالادستی در این حوزه هستند اصلاح تدریجی و واقعی کردن قیمت را مدنظر داشته‌اند. در این راستا این دو سند در این اقدام سیاستی قیمتی، رویکرد اجتماعی را به لحاظ ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی (زمینه‌های جمعیتی، هویتی (جغرافیایی و نوع اقشار)، نهادی، توسعه امکانی)، عدالت و امنیت انرژی، ارزیابی تأثیرات اجتماعی، توانمندسازی، رعایت حقوق شهروندی و رعایت الگوهای پایداری اعمال کرده‌اند. به نوعی باید گفت سیاست‌های قیمتی با اتخاذ رویکرد اجتماعی در این اسناد، صرفاً نگاه اقتصادی به موضوع ندارد بلکه تلاش دارد تا در بستری اجتماعی آن را عملیاتی کند.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

برخی از سیاست‌های مدیریت مصرف، بیانگر تحولات پارادایمی در عرصه علم و فناوری و نیز حکمرانی انرژی است و بنابراین متأخرتر از سیاست‌های متعارف این حوزه به نظر می‌رسند. سیاست‌های فناورانه که از دهه نود به بعد بروز و ظهور کرده‌اند از جمله این موارد هستند. مشکلی که به لحاظ اتخاذ رویکرد اجتماعی در این نوع از اقدامات وجود دارد نادیده گرفتن آگاه‌سازی و آموزش، پذیرش فناوری و امنیت و عدالت انرژی از نظر امکان خرید برای مردم است.

در کل، آگاه‌سازی و آموزش در تمامی سیاست‌ها حلقه مفقوده به نظر می‌رسد. این موضوع جدا از سیاست‌های فرهنگی است که خود بخشی از سیاست‌های مدیریت مصرف هستند، زیرا به نظر می‌رسد هر اقدامی که با هدف مدیریت مصرف تعریف و تدوین گردد نیازمند آموزش و آگاه‌سازی است. نکته مهمی که در حوزه سیاست‌های فرهنگی مدیریت مصرف وجود دارد تأکید جدّی بر آن در برنامه دوم توسعه بود که در دیگر برنامه‌ها و اسنادبالادستی کنار گذاشته شد. تا اینکه در سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف و قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی موردتوجه دوباره قرار گرفت. سیاست‌های فرهنگی تلاش دارند تا در عرصه‌های مختلف با تأکید بر تشویق و تنبیه، آگاه‌سازی و آموزش، نهادسازی، جامعه‌پذیری، الگوسازی و نوآوری رفتاری و توانمندسازی (ارتقاء دانش و مهارت‌ها) زمینه فرهنگ صرفه‌جویی و بهینه‌سازی را فراهم کنند و مردم را به مقابله با فرهنگ اسراف و تبذیر و پرهیز از تجمل‌گرایی فراخوانی کنند. البته نباید فراموش کرد که تضمین مشارکت مردم در فرایندها و ملاحظه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در این عرصه ضروری است. نکته مهمی که در بخش استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، آموزش، رسانه و هنر وجود دارد و لازم است که در برنامه‌های آتی با جدیت دنبال شود، موضوع ظرفیت‌های فرهنگی به‌ویژه در سطح محلی است. خبرگان محلی و افراد ذی‌نفوذ در این عرصه، نقشی مهمی در راهبری و جلب مشارکت در ترویج فرهنگ صرفه‌جویی خواهند داشت. به نظر می‌رسد اتخاذ رویکرد محلی مبتنی بر دانش بومی و سنت‌های مشارکتی موجود، به مراتب اثرگذارتر از سیاست‌های کلان‌نگرانه در این حوزه باشد.

درزمینه سیاست‌های استانداردسازی، برخی از اقدامات مانند استانداردسازی تجهیزات و ساختمان، به نوعی در تمامی برنامه‌های و دیگر اسناد بالادستی مورد تأکید جدّی بوده امّا استانداردسازی فرایندها، کیفیت سوخت و تدوین الگوی مصرف استاندارد در قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی مصوب شده است. استانداردسازی به لحاظ اثرات اجتماعی، گامی در جهت رعایت الگوهای پایداری و رعایت حقوق شهروندی به لحاظ حفظ ایمنی و سلامت هستند. از منظر بسترسازی برای پذیرش استانداردها سیاست چندان مشخصی تدوین نشده است. نکته مهمی که در این بخش وجود دارد تدوین الگوی استاندارد مصرف حامل‌های انرژی است که بر ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در تدوین آن تأکید شده است.

در حوزه سیاست‌های سازمانی و نهادی برای مدیریت مصرف، در برنامه‌های دوم تا چهارم توسعه بر تنظیم برنامه کاری صنف و صنعت تأکید می‌شد هر چند برای پذیرش آن و نیز متقاعدسازی صاحبان این حوزه حداقل به لحاظ کارکردی و پاداش مالی، قیدی تعریف نشده بود. نوآوری در مدیریت سازمانی مبتنی بر مدیریت سبز گامی دیگر در جهت صرفه‌جویی بوده که از برنامه چهارم توسعه به بعد تدوین شده است. این اقدام علاوه بر رعایت الگوهای پایداری، به لحاظ فرهنگ‌سازی و ترویج در مدیریت مصرف، یک نوع الگوسازی و نوآوری رفتاری تلقی می‌گردد که می‌تواند در میان اصناف و صنایع و نیز آحاد جامعه ترویج و توسعه داده شود. شکل‌گیری نهادهای مردمی برای ارتقاء کارایی انرژی از جمله نوآوری‌های حکمرانی در مدیریت مصرف است که در سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف موردتوجه قرار گرفت. در این زمینه در رویه‌های اجرایی تأکید بر شناسایی نهادهای مردمی به‌ویژه سمن‌های حوزه محیط زیست و انرژی که از ظرفیت در پیشبرد این امر برخوردار هستند، ضرورت دارد. همین‌طور در همین سیاست‌ها و نیز قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و سند ملّی راهبرد انرژی کشور، ترویج و گسترش فرهنگ صرفه‌جویی و بهینه‌سازی مصرف انرژی از طریق تشکیل شرکت‌های خدمات انرژی تصویب شده است. در هر صورت تأکید بر نهادهای مردمی و نیز شرکت‌های خدمات انرژی و در کنار تأکید سند ملّی آمایش سرزمین بر توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در این زمینه، نوعی تحول و اتخاذ رویکرد نو در حکمرانی به‌شمار می‌آید که می‌توان آنها را اقدامات نهادی و سازمانی پیشرو در بهینه‌سازی مصرف دانست.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

علاوه بر سیاست‌هایی که اشاره شد تأکید بر اقدامات کالبدی نیز در دستور کار قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی قرار گرفته است که سعی در فراهم نمودن بسترهای حمل و نقل عمومی، تردد وسایل نقلیه بدون ایجاد آلودگی هوا، ساماندهی ترافیک و جانمایی و ایجاد مراکز جمعیتی و خدماتی دارد تا مصرف انرژی را با این اقدامات بتوان تا حدامکان کاهش داد. این اقدامات گام مهمی در رعایت الگوهای پایداری، رعایت حقوق شهروندی و توانمندسازی به لحاظ فراهم کردن زیرساخت‌های توسعه و رفاه است.

جدول ۲-۱۳: اقدامات قیمتی مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

نوع اقدام	عنوان سند	اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله/ زیرمقوله)	
		موارد اعمال‌شده	موارد اعمال‌نشده
افزایش سالانه قیمت برق: افزایش ۲۰ درصدی سالانه تعرفه برق	۲	فرهنگ سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه	عدالت و امنیت انرژی/قابلیت خریداری
افزایش قیمت خارج از الگو: حمایت از خانوارهای کم‌مصرف در انرژی برق و ثابت یا کم ماندن قیمت مشترکین کم‌مصرف، اعمال نرخ های مختلف و افزایش قیمت متناسب و تصاعدی برای مصرف بالاتر از حداقل مورد نیاز	۱، ۲، ۴، ق.ا.ا.م.ا	فرهنگ سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت حقوق شهروندی/ برابری و انصاف؛ توانمندسازی/ارتقاء سرمایه اقتصادی؛ متقاعدسازی کارکردی/ پاداش	عدالت و امنیت انرژی/قابلیت خریداری؛ رضایت و نگرش نسبت به اقدامات/رضایت عمومی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش/الگوسازی و نوآوری رفتاری
اصلاح تدریجی و واقعی کردن قیمت: اصلاح تدریجی قیمت حامل‌های انرژی و واقعی کردن قیمت نسبی آنها با رعایت ملاحظات اجتماعی و اقتصادی و حفظ مزیت نسبی و رقابتی	۶، س.م.ر.ا.ک	ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی/زمینه‌های جمعیتی/هویتی (جغرافیایی و نوع اقشار)/ نهادی (اقتصاد)/توسعه امکانی (زیرساخت‌های توسعه)؛ عدالت و امنیت انرژی/آمایش سرزمین؛ ارزیابی تأثیرات اجتماعی؛ توانمندسازی/ظرفیت‌سازی اقتصادی و زیرساختی/ تأمین اجتماعی؛ رعایت حقوق شهروندی/ حمایتی/ برابری و انصاف؛ رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست	فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش

جدول ۲-۱۴: اقدامات فناورانه مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

نوع اقدام	عنوان سند	اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله/ زیرمقوله)	
		موارد اعمال‌شده	موارد اعمال‌نشده
تولید محصولات و جایگزینی آنها: تولید محصولات کم‌مصرف و با استاندارد بالا و جایگزینی محصولات کم‌بازده، فرسوده و پرمصرف در عرصه صنعتی و کشاورزی	۵، ۶ ق.ا.ا.م.ا	فرهنگ‌سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه؛ متقاعدسازی کارکردی/پاداش؛ توانمندسازی/ ارتقاء قابلیت‌ها	فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش؛ مقبولیت فناوری/ پذیرش فناوری؛ عدالت و امنیت انرژی/ قابلیت خریداری
بهینه‌سازی و ارتقاء فناوری: بهینه‌سازی و کمک به اصلاح، نوسازی، بازسازی و ارتقای فناوری واحدهای صنعتی، ناوگان حمل و نقل،	۴، ۶ ق.ا.ا.م.ا، س.م.آ.س	توانمندسازی/ توسعه ظرفیت‌های زیرساختی و اقتصادی/ ارتقاء سرمایه اقتصادی/ ارتقاء قابلیت‌ها؛ رعایت الگوهای	مشارکت در اقدامات/ اقدام به انجام رویه‌ها؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش؛ عدالت و امنیت انرژی/ قابلیت خریداری

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

وسایل، ماشین‌آلات، تجهیزات کارخانجات و سامانه‌های مصرف‌کننده انرژی با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید		پایداری/حفاظت از محیط زیست؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه؛ متقاعدسازی کارکردی/ پاداش	
سامانه‌ها و فرایندهای کاری فناورانه: الزام دستگاه‌ها به تعبیه سامانه‌های کنترلی و ممیزی مصرف انرژی و اصلاح فرایندهای کاری مبتنی بر سیستم‌های الکترونیکی، تلفنی و اینترنتی	ق.ا.ا.م.ا	فرهنگ‌سازی/سیاست تشویق و تنبیه/ الگوسازی و نوآوری رفتاری؛ توانمندسازی/ارتقاء قابلیت‌ها/ توسعه زیرساخت‌ها؛ رعایت حقوق شهروندی/ دسترسی همگان به خدمت	فرهنگ‌سازی/آگاه‌سازی و آموزش
هوشمندسازی: تجهیز مشترکین به کنتور هوشمند سیستم قرائت و کنترل بار و امکانات فناوری اطلاعاتی روزآمد	۵، ق.ا.ا.م.ا	فرهنگ‌سازی و ترویج/ الگوسازی و نوآوری رفتاری؛ توانمندسازی/ ارتقای قابلیت‌ها	فرهنگ‌سازی/ سیاست تشویق و ترغیب/ آگاه‌سازی و آموزش؛ متقاعدسازی کارکردی/ پاداش؛ مقبولیت فناوری/ پذیرش تکنولوژی؛ توانمندسازی/ دسترسی

جدول ۲-۱۵: اقدامات سازمانی و نهادی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

نوع اقدام	عنوان سند	اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله/ زیرمقوله)	
		موارد اعمال‌شده	موارد اعمال‌نشده
تنظیم برنامه کاری: تنظیم برنامه فصلی بخش صنعت و ساعت کاری اصناف	۲، ۳، ۴	فرهنگ‌سازی و ترویج/سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت حقوق شهروندی/ جبران خسارت	موافقت با اقدامات/ پذیرش طرح؛ عدالت و امنیت انرژی/ در دسترس بودن انرژی؛ متقاعدسازی/کارکردی
نوآوری مدیریتی: اجرای مدیریت سبز در دستگاه‌ها	۴، ۵، ۶	رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ الگوسازی و نوآوری رفتاری	فرهنگ‌سازی و ترویج/سیاست تشویق و تنبیه (برای دستگاه‌ها)/ آگاه‌سازی و آموزش (جامعه)

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

شـــکل‌گیری نهادهای مردمی: شـــکل‌گیری نهادهای مردمی جهت ارتقاء کارایی انرژی	س.ا.ا.م	دادرسی عادلانه/ تضمین امکان مشارکت مردم؛ جلب مشارکت عمومی، فرهنگ‌سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه؛ توانمندسازی/ بسترسازی نهادی	متقاعدسازی/پاداش/استدلالی؛ ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی/زمینه آگاهی، ارزش‌ها و نگرش‌ها/زمینه ارتباطی/ زمینه توسعه‌ای/ زمینه هویتی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش
تو سعه شرکت‌های خدمات انرژی: ترویج و گســترش فرهنگ صــرفه‌جویی و بهینه‌ســازی مصـــرف انرژی و ایجاد انگیزه کافی برای حمایت از تشکیل شرکت‌های خدمات انرژی	س.ا.ا.م، ق.ا.ا.م.ا، س.م.ر.ا.ک	متقاعدسازی کارکردی/ پاداش، فرهنگ‌سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه؛ توانمندسازی/ بسترسازی نهادی/ ارتقاء اقتصادی	فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش
توســـعه دانش‌بنیان: حـما یت از تحقیقات کاربردی و تأســـیس و تقو یت شـــر کت های دانش‌بنیان درزمینه کســـب فناوری‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف انرژی و کاهش شدت انرژی	س.م.آ.س	متقاعدسازی کارکردی/ پاداش، فرهنگ‌سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه؛ توانمندسازی/ بسترسازی نهادی/ ارتقاء اقتصادی/ ارتقاء قابلیت‌ها و مهارت‌ها؛ عدالت و امنیت انرژی/ آمایش سرزمین	فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش

جدول ۲-۱۶: اقدامات استانداردسازی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

نوع اقدام	عنوان سند	اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله/ زیرمقوله)	
		موارد اعمال‌شده	موارد اعمال‌نشده
ا ستاندارد سازی تجهیزات: استانداردسازی مصـرف انرژی تولیدات داخلی و تعیین معیارها و مشخصات فنی سیستم‌ها و تجهیزات انرژی‌بر و الزام به رعایت آن	۲، ۳، ۴، س.ا.ا.م، ق.ا.ا.م.ا، س.م.آ.س، س.م.ر.ا.ک	ر عا یت الگو های پا یداری/ حـفا ظت از محیط زیســـت؛ فرهنگ‌ســـازی و ترویج/ ســـیاســـت تشـــویق و تنبیه؛ رعایت حقوق شهروندی/ حفاظت از ایمنی و سلامت	متقاعدســـازی کارکردی/ پاداش؛ مقبولیت فناوری و محصـــولات/ پذیرش فناوری؛ توانمندســـازی/ ظرفیت‌ســـازی اقتصـــادی؛ فرهنگ‌سازی/ آگاه‌سازی و آموزش
ا ستاندارد سازی ساختمان: تهیه و تنظیم مقررات رعایت اســـتانداردهای پرهیز از اتلاف انرژی در ساختمان‌ها	۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ق.ا.ا.م.ا	فرهنگ‌سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه؛ متقاعدســـازی کارکردی/ پاداش، ر عا یت الگو های پا یداری/ حـفا ظت از	فرهنگ‌ســـازی و ترویج/ آگاه‌ســـازی و آموزش؛ توانمندســـازی/ظرفیت‌ســـازی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

		محیط زیست؛ رعایت حقوق شهروندی/ حفاظت از ایمنی و سلامت	اقتصادی؛ مقبولیت فناوری و محصولات/ پذیرش فناوری
استاندارد سازی فرایندها: تدوین معیارها و مشخصات فنی و استاندارد اجباری انرژی فرایندهای صنعتی، معدنی و کشاورزی و الزام به رعایت آن	ق.ا.ا.م.ا	رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت حقوق شهروندی/ حفاظت از ایمنی و سلامت	مقبولیت فناوری و محصولات/ پذیرش فناوری؛ توانمندسازی/ ظرفیت‌سازی اقتصادی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش
استاندارد سازی کیفیت سوخت: تدوین استاندارد کیفیت انواع سوخت‌های مصرفی و برق و الزام تولیدکنندگان و واردکنندگان به رعایت آن	ق.ا.ا.م.ا	رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت حقوق شهروندی/ حفاظت از ایمنی و سلامت	مقبولیت فناوری و محصولات/ پذیرش فناوری؛ توانمندسازی/ ظرفیت‌سازی اقتصادی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش
تدوین الگوی مصرف استاندارد: تعیین و تدوین الگوهای مصرف ماهانه حامل‌های انرژی برای بخش خانگی، تجاری، عمومی، صنایع، معادن و کشاورزی با توجه به شرایط اقلیمی، فرهنگ و عادات مصرف و تکنولوژی مورد استفاده	ق.ا.ا.م.ا	ملاحظه زمینه های اجتماعی و فرهنگی؛ رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست؛ رعایت حقوق شهروندی/ حفاظت از ایمنی و سلامت	فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش/ سیاست تشویق و تنبیه؛ متقاعدسازی کارکردی/ پاداش

جدول ۲-۱۷: اقدامات فرهنگی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

نوع اقدام	عنوان سند	اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله/ زیرمقوله)	
		موارد اعمال‌شده	موارد اعمال‌نشده
آموزش‌های تخصصی و عمومی: دوره‌های آموزش و آگاه‌سازی کاربردی مدیریت انرژی عمومی و تخصصی برای مدیران، مهندسان، تکنسین‌ها و فارغ‌التحصیلان این حوزه	ق.ا.ا.م.ا	فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش، الگوسازی و نوآوری رفتاری؛ توانمندسازی/ ارتقاء دانش و مهارت‌ها	متقاعدسازی کارکردی/ پاداش
اطلاع رسانی عمومی اطلاعات: اطلاع‌رسانی اطلاعات بخش انرژی به عموم مردم	ق.ا.ا.م.ا	فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش، توانمندسازی/ ارتقای دانش و	–

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

		مهارت‌ها؛ حکمرانی خوب/ دسترسی همهٔ مردم به اطلاعات باکیفیت انرژی	
آموزش در دوره‌های تحصیلی و فنی و حرفه‌ای: گنجاندن رشته‌ها، واحدهای درسی مدیریت انرژی و آموزش مؤثر روش‌های بهینه‌سازی و مدیریت انرژی در دوره های تحصیلی پیشادانشگاهی و دانشگاهی و دوره‌های فنی و حرفه‌ای	۲، ق.ا.ا.م.ا، س.ا.ا.م	فرهنگ‌سازی و ترویج/ نهادسازی/ جامعه‌پذیری/ آگاه‌سازی و آموزش/ الگوسازی و نوآوری رفتاری؛ توانمندسازی/ ارتقاء دانش و مهارت‌ها	زمینه‌های هویتی/ قومیت/ جغرافیا/ شهر و روستا/ دین
آموزش عمومی از طریق ظرفیت های فرهنگی، هنری، آموزشی و رسانه: فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی، اشاعه و توسعه و ترویج فرهنگ مصرف منطقی، فرهنگ بهره‌وری و اصلاح رفتار با ارائه و تشویق الگو های موفق و با تأکید بر شاخص های کارآمدی، مسئولیت‌پذیری، انضباط و رضایت‌مندی، مقابله با اسراف، تبذیر و فرهنگ مصرف‌گرایی و ترغیب مصرف‌کنندگان به استفاده از تجهیزات، مجموعه‌ها و فرایندهای با مصرف انرژی و آلودگی زیست‌محیطی کمتر با استفاده از مشوق‌های مالی از طریق ظرفیت‌های فرهنگی، آموزشی، هنری و رسانه‌ها و دولت به‌مثابه الگو	۲، ق.ا.ا.م.ا، س.ا.ا.م	فرهنگ‌سازی و ترویج/ سیاست تشویق و تنبیه/ آگاه‌سازی و آموزش/ نهادسازی/ جامعه‌پذیری/ الگوسازی و نوآوری رفتاری؛ توانمندسازی/ ارتقاء دانش و مهارت‌ها؛ رضایت و نگرش نسبت به اقدامات و اجرای آنها/ نگرش مثبت یا منفی به طرح؛ زمینه‌های هویتی؛ رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست؛ متقاعدسازی کارکردی/ پاداش؛ توانمندسازی/ ظرفیت‌سازی اقتصادی	دادرسی عادلانه/ تضمین مشارکت مردم در فرایندها؛ جلب مشارکت عمومی/ مدیریتی/ اجرایی؛ زمینه‌های ارزش، آگاهی و نگرش؛ زمینه‌های ارتباطی؛ زمینه‌های توسعه‌ای؛ مقبولیت فناوری و محصولات/ پذیرش فناوری

جدول ۲-۱۸: اقدامات کالبدی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

نوع اقدام	عنوان سند	اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله/ زیرمقوله)	
		موارد اعمال‌شده	موارد اعمال‌نشده
جانمایی و ایجاد مراکز جمعیتی و خدماتی: جانمایی مراکز عمده جذب جمعیت و انتقال کاربری‌های غیرضروری توسط مسکن و شهرسازی و الزام وزارت کشور به ایجاد مراکز	ق.ا.ا.م.ا	ارزیابی تأثیرات اجتماعی؛ عدالت و امنیت انرژی/ آمایش سرزمین؛ رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست؛ توانمندسازی/ زیرساخت رفاهی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ الگوسازی و	فرهنگ‌سازی/ آگاه‌سازی و آموزش

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

منطقه‌ای خدمات شهری با هدف کاهش سفر، کاهش مصرف سوخت و حفظ محیط زیست		نوآوری رفتاری؛ رعایت حقوق شهروندی/ حفاظت از ایمنی و سلامت	
ساماندهی حمل و نقل: گسترش و بهبود کیفیت حمل و نقل عمومی و تولید خودروهای دوگانه‌سوز و از رده خارج کردن کلیه خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده، الزام دستگاه‌ها به ملاحظات ترافیکی و تقویت ساختار حمل و نقل، ساماندهی معابر و تسهیل عبور و مرور عابران پیاده و دوچرخه‌سواران	۴، ق.ا.ا.م.ا	رعایت الگوهای پایداری/ حفاظت از محیط زیست؛ توانمندسازی/ توسعه ظرفیت‌های زیرساختی و رفاهی؛ رعایت حقوق شهروندی/ حفاظت از ایمنی و سلامت؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/ الگوسازی و نوآوری رفتاری	متقاعدسازی کارکردی/ پاداش؛ فرهنگ‌سازی و ترویج/آگاه‌سازی و آموزش/ سیاست تشویق و تنبیه؛ مقبولیت فناوری و محصولات/ پذیرش تکنولوژی؛ مشارکت در اقدامات/ اقدام به انجام رویه‌ها
مقاوم‌سازی مسکن: مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و مسکن شهری و روستایی در مقابل زلزله و بهینه‌سازی ساخت و سازها در مصرف انرژی	۴	توانمندسازی/ ارتقاء سرمایه کالبدی؛ تاب‌آوری اجتماعی	فرهنگ‌سازی و ترویج/ آگاه‌سازی و آموزش؛ متقاعدسازی کارکردی/ پاداش

۲-۳-۲. تحلیل رویکرد اجتماعی در حوزه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی وزارت نیرو و زیرمجموعه آن

در بررسی حاضر تلاش شده تا ضرورت اعمال رویکرد اجتماعی در وظایف و برنامه راهبردی وزارت نیرو و نیز زیرمجموعه شامل سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، شرکت مادرتخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع برق ایران (توانیر) و شرکت مادرتخصصی تولید برق حرارتی واکاوی شود. در هر بخش، روش تحلیل محتوای کیفی داده‌ها نیز تشریح خواهد شد.

۲-۳-۲-۱. بررسی وظایف و برنامه راهبردی وزارت نیرو

به‌منظور بررسی وظایف و برنامه راهبردی وزارت نیرو تلاش شده تا با تأکید بر وظایف حاکمیتی و تصدی وزارت نیرو[1]، سند چشم‌انداز و برنامه راهبردی بلندمدت وزارت نیرو تا افق ۱۴۰۴[2] در بخش صنعت برق و انرژی؛ ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن را واکاوی کرد. در این راستا تلاش شده تا رویکرد اجتماعی در مأموریت‌ها و نیز وظایف و راهبردهای بخش برق و انرژی به تفکیک در جدول شماره ۲-۱۹، تشریح و تبیین شود. شماره‌گذاری عبارات وظایف و راهبردها بر اساس متن آنها آن‌طورکه در وب‌سایت وزارت نیرو درج شده، ارائه شده است. ضمن اینکه دسته‌بندی و مرتبط کردن وظایف و راهبردها حاصل تحلیل تیم پژوهش بوده و به‌منظور ارائه تحلیل‌های دقیق‌تر در باب ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن است و از مراجع ذیربط وزارت نیرو اتخاذ نشده است. وظایف وزارت نیرو در بخش برق و انرژی در دو حوزه حاکمیتی و تصدی و هر کدام نیز در چند زمینه و بندهای مرتبط قرار گرفته‌اند. وظایف حاکمیتی دربردارندهٔ زمینه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، نظارت، استانداردها و مقررات، قیمت‌گذاری و تعرفه، انجام مطالعات پایه، مدیریت و راهبری شبکه برق، مدیریت مصرف برق و انرژی، تحقیقات و پژوهش، توسعه و بهره‌برداری شبکه برق و انتقال، خصوصی‌سازی، امور مجامع عمومی شرکت‌های تابعه، مدیریت آمار و اطلاع‌رسانی، مدیریت بحران و پشتیبانی صنعت است. وظایف تصدی نیز زمینه‌های تولید برق، توزیع برق، تجارت برق، مهندسی مشاور، پیمانکاری و ساخت و تجهیزات را شامل می‌شود. متناسب با این وظایف نیز ساختار سازمانی موردنیاز در حوزه ستادی و زیرمجموعه و نیز برنامه راهبردی در افق ۱۴۰۴ پیش‌بینی و تدوین شده است. برنامه راهبردی وزارت نیرو دارای پنج راهبرد بخشی

---

۱ ابلاغی طی نامه ۴۶۹۴۱/۱۲/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۰۷ وزیر نیرو – تاریخ آخرین ویرایش: دی‌ماه ۱۳۹۵مندرج در: https://www.moe.gov.ir/ ؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

۲ طرح تدوین سند چشم‌انداز و برنامه راهبردی وزارت نیرو تا افق ۱۴۰۴ – تاریخ آخرین ویرایش: دی‌ماه ۱۳۹۰، مندرج در: https://www.moe.gov.ir/ ؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

شامل بخش آب؛ آب و فاضلاب؛ برق و انرژی؛ آموزش، پژوهش و فناوری و بخش پشتیبانی می‌باشد. هم‌چنین برنامه راهبردی دارای راهبردهایی نیز بوده که تحت عنوان راهبردهای حوزه‌های وظیفه‌ای تقسیم‌بندی شده که حوزه‌های منابع انسانی؛ ساختار و فرایند؛ خصوصی‌سازی؛ فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ مالی؛ مشترکین؛ توسعه صادرات؛ روابط بین‌الملل؛ روابط عمومی و مدیریت بحران و پدافند غیرعامل را شامل می‌شود. اگرچه راهبردهای تدوین‌شده بخش برق و انرژی در راستای شرح وظایف و متناسب با ماهیت آن بخش بوده به این معنا که موارد مرتبط با راهبردهای بخشی آموزش، پژوهش و فناوری و پشتیبانی و نیز راهبردهای حوزه‌های وظیفه‌ای را دربر دارد اما ازآنجاکه آن بخش از شرح وظایف متناسب با این بخش‌ها و حوزه‌ای توسط ساختار سازمانی غیر از معاونت برق و انرژی و زیرمجموعه‌های ذیربط انجام می‌گیرد؛ درصورتی‌که موارد ذکرشده، نیاز به تشریح رویکرد اجتماعی و ضرورت اعمال آن داشته باشند، در سطر مربوط به شرح وظایف مرتبط توضیحات لازم ارائه شده است[1]. پس واحدهای تحلیل و معنایی برای تشخیص اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن به شرحی که اشاره شد، انتخاب شده‌اند که دسته‌بندی آنها به‌منظور واکاوی رویکرد اجتماعی با استفاده از رویکرد قیاسی است در واقع دسته‌بندی که از قبل مشخص است هرچند سعی شده تغییراتی در آنها اعمال شود. در کدگذاری و تفسیر بیشتر رویکرد اجتماعی نیز از استراتژی قیاسی استفاده شده است به این معنا با توجه به ابعاد و مؤلفه‌های رویکرد اجتماعی تلاش شده تا در هر یک از مأموریت‌ها، وظایف و راهبردها، بررسی کنیم که چه نشانه‌هایی از رویکرد اجتماعی وجود دارد و یا در کجا لازم است که اعمال شود.

وزارت نیرو در بخش برق و انرژی بنابر مأموریتی که در افق ۱۴۰۴ دارد؛ عهده‌دار «سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان انرژی و ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای برق و حفظ کیفیت آن در راستای توسعه پایدار و امنیت عرضه انرژی کشور است. وزارت نیرو در این بخش با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، نظارت، تدوین ضوابط و مقررات و لوایح مرتبط، بسترهای لازم را برای ایجاد هماهنگی بین نقش‌آفرینان، فعالیت بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی را در تمامی عرصه‌ها فراهم کرده و با حمایت از بهینه‌سازی مصرف، رونق‌بخشی به فضای کسب و کار در عرصه ملی و فراملی بخش برق و انرژی، حقوق کلیه ذینفعان خود شامل آحاد جامعه، بخش‌های صنعت، کشاورزی، خدمات، دولت و نهادهای قانونگذار را رعایت می‌کند. وزارت نیرو در این بخش با ارتقاء بهره‌وری و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، سازگار با محیط‌زیست و متناسب با زیرساخت‌های حال و آینده و توسعه مشارکت و بهره‌وری منابع انسانی متخصص و خلاق به‌عنوان ارزشمندترین دارایی، نقشی مؤثر در رفاه اجتماعی و تبادل برق با کشورهای منطقه ایفا نموده و در راستای کاهش شدت انرژی، افزایش خوداتکایی و توسعه کاربرد انرژی‌های تجدیدپذیر اقدام می‌کند». ماهیت مأموریت وزارت نیرو در بخش برق و انرژی، بیانگر آن است که رویکرد وزارت نیرو در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان انرژی و ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای برق و حفظ کیفیت آن، رویکردی جامع بوده و در راستای توسعه پایدار و ایجاد امنیت در عرضه است. توسعه پایدار و امنیت در عرضه به لحاظ مفهومی، دربردارنده ملاحظه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فنی بوده و زمانی این رویکرد محقق خواهد شد که پیشبرد و راهبری توسعه صنعت برق و انرژی در چنین چارچوبی طراحی و اجرا شود. هم‌چنین آن‌طورکه از نحوه حکمرانی و مدیریت این بخش می‌توان دریافت؛ حکمرانی بخش مذکور مبتنی بر نقش‌آفرینی و مشارکت همه بخش‌های اقتصادی جامعه، بخش عمومی و آحاد جامعه و رعایت حقوق کلیه ذی‌نفعان خواهد بود. آنچه به لحاظ رویکرد توسعه پایدار در تبیین مأموریت‌های بخش برق و انرژی مغفول مانده علیرغم اشاره به‌عنوان این رویکرد، آنجاست که در ارتقاء بهره‌وری و بهره‌گیری از فناوری، شاخص‌های فنی و زیست‌محیطی به صراحت قید شده اما اشاره مشخص و صریحی به شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی نشده است. ازآنجاکه «رفاه اجتماعی» از اهداف اصلی و جزء مسئولیت‌های اجتماعی در تبیین مأموریت‌های این بخش بوده و در مقایسه با اهداف اقتصادی «تبادل برق با کشورهای منطقه»، «کاهش شدت انرژی»، «افزایش خوداتکایی» و «توسعه کاربرد انرژی‌های تجدیدپذیر» در اولویت قرار گرفته و نیز توسعه فناوری به‌طور عام و فناوری نوین به‌طور خاص تأثیرات اجتماعی داشته و نیز مستلزم به‌کارگیری سازوکارهای اجتماعی در جهت راهبری آن هستیم،

۱ توضیحات مربوط با این موضوع با علامت * مشخص شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تأکید بر گزاره «مبتنی بر رعایت عدالت و تأمین رضایت حداکثری جامعه» پس از عبارت «امنیت عرضه انرژی کشور» در ابتدای امر ضروری است. این موضوع از این حیث ضرورت دارد که فعالیت‌ها و اقدامات وزارت نیرو در این عرصه یک رسالت اجتماعی بوده و بنابراین چون اولویت با تأمین رفاه اجتماعی و حداکثر کردن رضایت مردمی بوده، رویکردهای اجتماعی نسبت به رویکردهای اقتصادی و فنی در اولویت خواهد بود. در بخش بهره‌گیری و بهره‌وری فناوری‌های نوین نیز ازآنجاکه به نوعی به دیگر ابعاد توسعه پایدار اشاره شده، لازم است که به ابعاد اجتماعی نیز اشاره گردد. اگر به بخشی از ابعاد توسعه پایدار اشاره نمی‌شد لزومی نداشت که ابعاد اجتماعی درج شود چون خود مفهوم توسعه پایدار که در رویکرد مأموریت‌های بخش برق و انرژی تأکید شده، کفایت می‌کرد. گزاره‌های «متناسب با فرهنگ و شرایط اجتماعی» و «مبتنی بر پذیرش و متقاعدسازی مردم» ابعادی هستند که ضرورت دارد در کنار دیگر شاخص‌های توسعه پایدار به‌کارگیری و بهره‌وری فناوری نوین اضافه شوند. در ادامه با تشریح وظایف و راهبردهای بخش برق و انرژی، بیشتر به ضرورت طرح رویکرد اجتماعی پرداخته خواهد شد.

آنچه به لحاظ اتخاذ رویکرد اجتماعی در حوزه وظایف، ساختار سازمانی و برنامه راهبردی اهمیت دارد، تدوین و تعریف اهداف و مسئولیت اجتماعی (مانند تأمین رفاه اجتماعی، تأمین رضایت حداکثری، امنیت و عدالت در عرضه انرژی)، درج ضرورت ملاحظه زمینه‌های اجتماعی فرهنگی، سازوکارهای اجتماعی در مدیریت و حکمرانی و نیز توجه به اقداماتی است که بستر پذیرش این رویکرد را فراهم ساخته باشد. این موضوع بیشتر از آنکه در حوزه وظایف برجسته شود نیاز است تا در راهبردهای سازمان برای مدیریت و حکمرانی آن بسط داده شده باشد مگر آنکه سازمان در این خصوص وظیفه و مأموریتی اجتماعی را برای خودش تعریف کند. ضمن آنکه به لحاظ ساختار سازمانی، واحدهای مرتبط با این اهداف مشخص شده باشد. مثلاً اگر رویکرد اجتماعی ضرورت دارد پس باید توسط چه واحدی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و رصد و پایش شود. در جدول شماره ۲-۱۷، نشان داده شده که ماهیت وظایف حاکمیتی و تصدی وزارت نیرو و نیز راهبردهای تحقق مأموریت‌های آنها دارای رویکرد اجتماعی بوده و در کجا از آن غفلت شده است. البته همان‌طورکه اشاره شد، ممکن است در وظایف، طرح رویکرد اجتماعی چندان ضروری نباشد مگر آنکه اهدافی اجتماعی دنبال شود و یا نیاز باشد رویکرد خود را نشان داد. آنچه در این حوزه حایز اهمیت بوده راهبردهایی است که وزارت در پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود دنبال می‌کند که تا چه حد و چگونه به رویکرد اجتماعی تعلق خاطر دارد و آن را در حکمرانی و مدیریت دارای اهمیت می‌داند. پرداختن به موضوع رویکرد اجتماعی و درج آن در شکل و محتوای مأموریت‌ها، شرح وظایف و راهبردها از این حیث اهمیت دارد که این موضوع به‌عنوان سندی برای الزام به رویکرد اجتماعی و ارزیابی عملکرد است. چنین اقدامی، گامی در راستای نهادینه کردن رویکرد اجتماعی و نیز توسعه پایدار، در سیاست‌ها و اقدامات حوزه صنعت برق و انرژی می‌باشد.

جدول ۲-۱۹: واکاوی رویکرد اجتماعی در وظایف و راهبردهای بخش برق و انرژی وزارت نیرو

وظایف	راهبردها	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

وظایف	راهبردها	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
وظایف حاکمیتی درزمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ۱. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان ۲. تصویب، ابلاغ و پایش برنامه‌های توسعه ۳. برنامه‌ریزی کلان انرژی کشور به‌منظور حصول اطمینان از تامین و عرضه انرژی موردنیاز بخش‌های گوناگون ۴. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای شناسائی و در اختیار گرفتن انرژی‌های دست‌نیافته (انرژی‌های نو) و حمایت و ترویج کاربرد آن ۵. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درزمینه صیانت و بهره‌برداری بهینه از منابع انرژی کشور ۶. تصویب و ابلاغ سیاست‌ها و شاخص‌های بهره‌برداری توزیع برق ۷. تصویب و ابلاغ راهبردها و سیاست‌ها در بخش توزیع ۸. تدوین و استقرار سیاست‌های توسعه رقابت و حذف انحصار در بازارهای برق ۹. تدوین سیاست‌های راهبری بازار برق	۲. بهبود فرایند سیاست‌گذاری در بخش برق و انرژی: ۲-۱. تهیه و تدوین برنامهٔ جامع انرژی کشور ۲-۲. اعمال حاکمیت و نظارت بر فعالیت‌های بخش ۲-۳. گسترش تعاملات در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ۹. ارتقاء توانمندی در تولید برق از انرژی‌های نو و تجدیدپذیر: ۹-۱. تمرکز بر تحقیق و پژوهش و بومی‌سازی فناوری در فعالیت‌های مربوط به تولید برق از انرژی خورشیدی و بادی در کشور ۹-۲. تخصیص درصد معین و فزاینده‌ای از اعتبارات تحقیقاتی به بومی‌سازی فناوری‌های مرتبط با انرژی‌های نو و تجدیدپذیر ۹-۳. تعریف و اجرای پروژه‌های نمونه در زمینه انرژی‌های‌نو و تجدیدپذیر و تجاری‌سازی آنها ۹-۴. بسترسازی، حمایت و جلب مشارکت بخش غیردولتی برای توسعهٔ انرژی‌های نو و تجدیدپذیر ۹-۵. جلب مشارکت مردم برای حمایت از تولید برق از انرژی‌های نو و تجدیدپذیر ۹-۶. تنظیم قوانین مناسب در بازار برق به‌منظور توسعه استفاده از انرژی‌های نو و تجدیدپذیر	-چه در زمینه وظایف و چه شرح آن به درستی نیازی به درج الزامات اجتماعی خاصی نیست. -در راهبرد ۲-۱ به‌منظور تحقق برنامه جامع انرژی لازم است برنامه به گونه‌ای تدوین و طراحی گردد که منطبق بر اهداف توسعه متوازن و جامعیتی که ذکر شده، باشد. ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود قید «در چارچوب رویکرد توسعه پایدار و منطبق با سند برنامه آمایش سرزمین کشور» به متن راهبرد اضافه گردد. با این نوع برنامه هم ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی لحاظ شده و هم اینکه بر رعایت تناسب جمعیت و ظرفیت‌ها و فعالیت‌ها در سطح کشور تأکید شده است. - در راهبرد ۲-۳ بر مشارکت در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تأکید شده امّا به‌منظور فراگیرشدن و نهادینه‌شدن مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بهتر است به جای مفهوم «گسترش تعاملات» از مفهوم جاافتاده «جلب مشارکت عمومی و ذی‌نفعان» استفاده شود. در راهبردهای کلان وزارت نیرو اشاره مشخص‌تری به مفهوم «مشارکت» شده است. -در راهبرد ۹-۴ بر سازوکار مشارکت بخش غیردولتی برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و در راهبرد ۹-۵ بر جلب مشارکت مردم (عمومی) برای حمایت از تولید برق از این نوع منابع انرژی تأکید شده و این ضرورت داشت. به‌منظور تحقق مشارکت عمومی در راهبرد ۹-۵، لازم است مانند راهبرد قبلی آن بر بسترسازی تأکید شود. بنابراین پیشنهاد می‌گردد به ابتدای این راهبرد عبارت «متقاعدسازی، کسب پذیرش اجتماعی و» اضافه شود. -توضیحات مربوط به راهبرد ۲-۲ در وظایف نظارتی ارائه شده است.
وظایف حاکمیتی در زمینه نظارت ۱۰. نظارت بر اجرای طرح‌های توسعه در حد حصول اطمینان از تامین برق موردنیاز ۱۱. نظارت بر اجرای قوانین و برنامه‌ریزی برای تحقق سیاست‌های مصوب کشور در رابطه با صنعت برق و انرژی و تأمین هزینه اجرای سیاست‌ها و طرح‌های غیر اقتصادی از دید بنگاه برق ۱۲. نظارت بر نحوه استفاده از انواع انرژی به‌منظور رعایت رفاه مردم و حفظ منابع انرژی کشور ۱۳. نظارت دقیق، مستمر و مؤثر بر اجرای برنامه‌ها ۱۴. ارزیابی رضایت مشترکین و سیاست‌های بهبود آن ۱۵. تهیه و تدوین گزارش عملکرد برنامه وزارت نیرو	۲-۲. اعمال حاکمیت و نظارت بر فعالیت‌های بخش	-درزمینه وظایف نظارتی تلاش شده تا رویکرد اجتماعی به‌ویژه در حوزه مسئولیت اجتماعی وزارت نیرو لحاظ گردد. نظارت بر رعایت رفاه مردم و ارزیابی رضایت مشترکین از جمله این موارد است. -نظارت مستلزم مشارکت مردم نیز بوده ازاین‌رو باید علاوه بر تدوین طرح مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، بندی به شرح وظایف به شرح ذیل اضافه گردد: «بسترسازی جلب مشارکت عمومی درزمینه وظایف نظارتی بخش برق و انرژی» -در راهبرد ۲-۲، همانند راهبردهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، ضرورت دارد تا بر جلب مشارکت عمومی در نظارت تأکید کرد. پس بهتر است قید «مبتنی بر جلب مشارکت عمومی و ذی‌نفعان» به آخر متن راهبرد اضافه گردد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

وظایف	راهبردها	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
وظایف حاکمیتی درزمینه استانداردها و مقررات ۱۶. تصویب و ابلاغ استانداردها و دستورالعمل‌های لازم برای تنظیم اثرات خارجی صنعت و رعایت حقوق مشترکین و ذی‌نفعان، مصالح جامعه و نظارت بر اجرای آنها در زمینه‌های فنی، زیست‌محیطی، ایمنی و ارائه خدمات به مشترکین ۱۷. تهیه و تصویب مقررات و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ناظر بر روابط شرکت‌های فعال در بازار و بورس برق و نظارت بر اجرای آنها و حصول اطمینان از رقابت سالم در بازار برق ۱۸. تهیه و تدوین دستورالعمل‌های مربوط به نصب و بازرسی لوازم اندازه‌گیری انشعاب دیماندی و غیردیماندی ۱۹. تدوین استانداردها و مقررات لازم برای تولید، انتقال و مصرف و تبدیل انرژی در کلیه بخش‌های اقتصادی و اجتماعی ۲۰. ایجاد سازوکارهای لازم برای توسعه رقابت در امور فروش برق ۲۱. تصویب و ابلاغ دستورالعمل انشعابات و خدمات بعد از فروش و وصول مطالبات و اصلاح الگوی مصرف ۲۲. تدوین نظام فنی و اجرایی ۲۳. تنظیم مقررات مربوط به بازار برق	۱۲. ارتقاء و توسعه نظام ارتباط و پاسخ‌گویی مناسب به نیازها و انتظارات ذی‌نفعان و بهبود شاخص‌های کیفیت خدمات به‌منظور احقاق حقوق شهروندی، تکریم مردم و ارتقاء رضایت آنان ۱۴. سازگاری زیست محیطی و ارتقاء ایمنی در فعالیت‌های صنعت برق: ۱۴-۱. ارتقاء سطح ایمنی و سلامتی شهروندان در مقابل خطرات و مسائل زیست‌محیطی صنعت برق ۱۴-۲. الزامی‌نمودن نصب سیستم زمین در همه تأسیسات صنعت برق و مشترکین ۱۴-۳. ارتقاء و توسعه نظام بهداشت، ایمنی و محیط زیست (*HSE*) ۱۴-۴. تهیه طرح جامع زیست‌محیطی فعالیت‌های صنعت برق ۱۴-۵. ایجاد سامانه‌های پایش و کنترل آثار زیست محیطی بخش ۱۷. به‌روز کردن قوانین مربوط به صنعت برق به‌ویژه برای مدیریت بهینه حریم تأسیسات و شبکه‌ها	-تدوین و تصویب استانداردها و مقررات در حوزه‌های تأثیرات صنعت و رعایت حقوق مشترکین و ذی‌نفعان یکی از ابعاد مسئولیت اجتماعی است. در این راستا بر ضرورت این موضوع در بند ۱۶ شرح وظایف تأکید شده است. علاوه بر این موضوع به‌منظور اتخاذ رویکرد اجتماعی و ارزیابی تأثیرات اجتماعی صنعت لازم است عنوان «فرهنگ و اجتماع» نیز به زمینه‌های نام‌برده‌شده در این بند اضافه گردد. راهبرد ۱۲، بر مسئولیت اجتماعی وزارت نیرو در ارتباط با ذی‌نفعان تأکید ویژه‌ای کرده است. -در ارتباط با مسئولیت‌های زیست‌محیطی و ایمنی وزارت نیرو که در راهبرد ۱۴ تحت عنوان سازگاری زیست‌محیطی بر آن تأکید شده است، باید گفت به همان میزان نیز باید زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی را به موازات سازگاری زیست‌محیطی موردتوجه قرار داد. زمانی اموری مانند احقاق حقوق شهروندی، تکریم مردم و ارتقاء رضایت آنان به‌عنوان مسئولیت اجتماعی وزارت نیرو محقق خواهد شد که برهم‌کنش فعالیت‌های صنعتی و فرهنگ و اجتماع محلی را برآورد و ارزشیابی کرد. ازاین‌رو درزمینه استانداردها و مقررات همانطور که قبلاً در بند ۱۶ شرح وظایف اشاره شد، لازم است در راهبرد ۱۴ و یا راهبرد پیشنهادی دیگر قید «ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی» به متن آن اضافه گردد. در همین راستا نیز بند ذیل را به این راهبرد اضافه کرد: ۱۴-۶. ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در اجتماعات حریم و بلافصل فعالیت‌های صنعت برق به‌منظور احقاق حقوق شهروندی، تکریم مردم و ارتقاء رضایت آنان و حفاظت از فرهنگ بومی -در متن راهبرد ۱۷ به‌منظور به‌روزآوری قوانین مطابق با تحولات علمی و سیاستی و با هدف تحقق توسعه پایدار پیشنهاد می‌شود قید «در چارچوب رویکرد توسعه پایدار» به متن راهبرد اضافه گردد.
وظایف حاکمیتی درزمینه انجام مطالعات پایه ۲۷. مطالعات و آینده‌نگری همه‌جانبه شرایط محیطی و جهانی ۲۸. مطالعات و بررسی اقتصاد کلان ۲۹. مطالعات و بررسی بازار بین‌المللی مرتبط با وزارت نیرو ۳۰. تنظیم سیاست‌ها و روابط اقتصاد خارجی وزارت نیرو	*راهبردی در این زمینه از شرح وظایف نه در بخش برق و انرژی و نه در راهبردهای بخشی و وظیفه‌ای پیش‌بینی نشده است.	-به نظر می‌رسد در مطالعات پایه، مبنا بر مطالعات اقتصادی کلان گذاشته شده امّا بخشی از مطالعات پایه می‌تواند مطالعه در باب شرایط اجتماعی و فرهنگی و زیست‌محیطی در سطح داخلی و بین‌المللی به‌منظور رصد و پایش وضعیت اجتماعی فرهنگی و زیست‌محیطی که بر صنعت برق و انرژی و بالعکس تأثیر و تأثر خواهد داشت، باشد. اطلاع از اولویت‌های توسعه پایدار در حوزه انرژی با تأکید بر منابع تجدیدپذیر در سیاست‌گذاری کشورها، مطالعات ادواری سواد انرژی، ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای شهروندان در این حوزه و هزینه‌ها و تأثیرات زیست‌محیطی مصادیقی است که می‌توان بیان کرد. باید گفت «مطالعات پایه‌ای ابعاد توسعه پایدار صنعت برق و انرژی در سطح ایران و جهان» می‌تواند در کنار مطالعات اقتصادی، فهم عمیق‌تری را از واقعیت‌های این حوزه به‌دست خواهد داد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

وظایف	راهبردها	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
وظایف حاکمیتی درزمینه تحقیقات و پژوهش ۴۲. تدوین سیاست‌های آموزش و تحقیقات ۴۳. تدوین سیاست‌ها و استراتژی توسعه فناوری ۴۴. حمایت از توسعه تحقیقات بنیادی و کاربردی و فناوری ۴۵. انجام مطالعات لازم برای انتخاب فناوری‌های مناسب تولید و انتقال برق ۴۶. انجام مطالعات، تحقیق، توسعه، آموزش، طراحی و مشاوره در ساخت و اجرای سیستم‌های نمونه در زمینه ارتقاء و توسعه کارایی انرژی ۴۷. ساماندهی ارتباطات با مراکز آموزشی و پژوهشی درون و برون ۴۸. هماهنگی هیئت‌های امناء مراکز آموزشی و پژوهشی ۴۹. مطالعه و بررسی مستمر فناوری‌های نوین اطلاعاتی موردنیاز صنعت	۵. ارتقاء سطح تحقیق و توسعه و فناوری بخش برق و انرژی: ۵-۱. هدایت و حمایت از مراکز تحقیقاتی داخلی و شرکت‌های تحقیقاتی و یا مشاوره‌ای غیردولتی ۵-۲. شناسایی و بررسی فرصت‌ها و مزیت‌های بخش ۵-۳. شناسایی، انتقال و بومی‌سازی فناوری‌های نوین و سازگار با محیط‌زیست ۵-۴. افزایش سطح تعامل بخش برق و انرژی با مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی توانمند و نهادینه‌سازی آن ۵-۵. بازنگری در نظام تعریف و ارجاع پروژه‌های تحقیقات کاربردی بخش ۵-۶. مطالعه و بررسی کاربرد روش‌های نوین انتقال و ذخیره‌سازی برق از جمله: ابررسانا، سیستم‌های انتقال برق با ولتاژ خیلی بالا (*EHV*)، سیستم‌های انتقال برق فشار قوی با جریان مستقیم (*HVDC*)، سیستم‌های انتقال برق متناوب انعطاف‌پذیر (*FACTS*)، باطری‌ها، هوای فشرده، هیدروژن و ...	-در شرح وظایف اشاره‌ای به رویکرد اجتماعی نشده و نیازی هم به درج آن نیست. -ازآنجاکه در راهبرد ۵-۳ به معیار بومی‌سازی در فناوری‌های نوین و نیز سازگاری آن با محیط زیست اشاره شده ازاین‌رو به‌منظور اتخاذ رویکرد جامع توسعه پایدار ضروری است به دیگر ابعاد توسعه پایدار نیز از جمله عبارت «و کسب پذیرش اجتماعی» اشاره و به متن این راهبرد اضافه شود. تأخر فرهنگی یکی از پیامدهای بی‌توجهی به این امر بوده که ضرورت ملاحظه آن احساس می‌شود. -تأکید بر افزایش سطح تعامل با مراکز علمی و تحقیقاتی در راهبرد ۵-۴، امر مهمی در ارتباطات علمی و سازمانی است. ازاین‌رو بهتر است گزاره «افزایش سطح ارتباطات علمی» و «همکاری‌های مشترک علمی» جایگزین عبارت «افزایش سطح تعامل» گردد. مفهوم تعامل بیشتر اشاره به کنش‌های بین فردی دارد تا سازمانی و علمی. ضمن اینکه لازم است در کنار «مراکز»، «اجتماعات» نیز اضافه شود. امروزه در عرصه علمی، اجتماعات علمی مثل انجمن‌های علمی و یا کانون‌های نخبگان از وزن بالایی به‌عنوان پیشران در تحولات علمی برخوردارند. *لازم به ذکر است در راهبردهای بخشی بخش آموزش، پژوهش و فناوری (راهبرد شماره ۷) به سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره شده است. هم‌چنین در راهبرد شماره ۱۱ همین بخش بر «توسعه آموزش، پژوهش و فناوری درزمینه اجتماعی، رعایت استانداردها و ایمنی برق و انرژی» تأکید شده است. ارتقاء آگاهی‌های عمومی مرتبط با حوزه‌های تخصصی صنعت برق به ویژه اصلاح الگوی مصرف در راهبرد شماره ۱۹ آن بخش؛ گام مهمی در عمومی‌سازی دانش تخصصی به‌منظور اصلاح الگوی مصرف و همراهی شهروندان با صنعت ضروری است. علیرغم تأکید بر توسعه آموزش، پژوهش و فناوری در راهبرد ۱۱ بر حوزه اجتماعی، زیست‌محیطی و ...، در راهبرد شماره ۱۰ «ایفای نقش مؤثر در نقشه راه فناوری‌های جدید و انتقال و بومی‌سازی آنها»، به موضوع مهمی چون توسعه پایدار و پذیرش اجتماعی اشاره‌ای نشده است. پس پیشنهاد می‌شود قید «در چارچوب توسعه پایدار» به آن اضافه گردد. -با توجه به اینکه توجه ویژه‌ای به شناسایی دانش و فناوری‌های نوین و انتقال و بومی‌سازی آنها شده است، به لحاظ فرهنگی و توسعه درونزا، موضوع مهمی که در این بخش از راهبردها باید موردملاحظه قرار گیرد، شناسایی دانش‌ها و مهارت‌های بومی است که به صورت تاریخی و تدریجی شکل گرفته و بخشی از دانش ضمنی مردم در تأمین و صرفه‌جویی نیازهای انرژی بوده است. این موضوع نه صرفاً مبتنی بر نگاهی نوستالژیک و گردآوری جهت نمایش موزه‌ای است بلکه گامی مهم در توسعه پایدار مردم‌گرایانه و تلفیق با دانش و فناوری‌های نوین جهت پیشگیری از پیامدهای زیست‌محیطی مصرف انرژی و بهینه‌سازی آن است. پس پیشنهاد می‌شود راهبرد ذیل به راهبردهای شماره ۵ بخش برق و انرژی اضافه گردد: «مطالعه و شناسایی مهارت‌ها و دانش‌های بومی حوزه انرژی و بسترسازی تلفیق آن با دانش نوین»

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

وظایف	راهبردها	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
وظایف حاکمیتی درزمینه مدیریت مصرف برق و انرژی ۳۹. تعیین الگوی مصرف انواع انرژی با رعایت مصالح کشور و حفظ حقوق مردم ۴۰. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به‌منظور مدیریت مصرف برق و انرژی ۴۱. برنامه‌ریزی برای اصلاح ساختار مصرف انرژی	۳. ارتقاء و توسعهٔ نظام مدیریت تقاضا و اصلاح الگوی مصرف انرژی در بخش‌های مختلف با رویکرد کاهش شدت انرژی در کشور: ۳-۱. جلب مشارکت مردم به‌منظور استفاده بهینه از برق ۳-۲. توسعه شرکت‌های خدمات انرژی غیردولتی در جهت بهینه‌سازی مصرف ۳-۳. تغییر در نظام پرداخت یارانه‌های برق، باتوجه به قانون هدفمندکردن یارانه‌ها ۳-۴. حمایت از توسعه حمل و نقل برقی ۳-۵. توسعه و ارتقاء سطح استانداردهای مصرف برق و تولید تجهیزات برقی ۳-۶. حمایت از مراکز پژوهشی و صنایع مرتبط به‌منظور توسعهٔ فناوری‌های جدید در راستای کاهش مصرف انرژی ۳-۷. اصلاح ساختار موجود جهت اعمال مدیریت تقاضا و کاهش شدت انرژی ۳-۸. توسعهٔ سامانهٔ هوشمند شبکهٔ برق ۳-۹. استقرار نظام قیمت‌گذاری برق بر مبنای عرضه و تقاضا و توسعه بازار برق ۳-۱۰. ساده‌سازی تعرفه‌های برق	-تأکید بر رعایت مصالح کشور و حفظ حقوق مردم در بند ۳۹ شرح وظایف، بیانگر مسئولیت اجتماعی وزارت نیرو در این زمینه بوده امّا لازم است به جای مفهوم «رعایت مصالح کشور» از مفهوم «در چارچوب توسعه پایدار» استفاده شده، هم‌چنین به‌منظور تأمین رضایت حداکثری مردم و رفاه و آسایش آنها، عبارت «مبتنی بر عدالت اجتماعی» اضافه شود. درج امر عدالت اجتماعی زمانی مهم است که در تعیین آستانه مصرف ماده‌ای مانند آب رعایت حد بهداشت ضروری است و کمتر از آستانه آسیب وارد می‌کند امّا در مصرف آستانه برق و انرژی تأکید بر رعایت عدالت تأکید به جایی بوده چون پایین‌تر از آستانه مانند آب، آسیب تلقی نخواهد شد. -در سایر بندهای شرح وظایف به لحاظ شکلی نیازی به درج رویکرد اجتماعی نیست. -در راهبرد ۳-۱ بر سازوکار مشارکتی به‌منظور استفاده بهینه از برق به درستی تأکید شده امّا ازآنجاکه به‌منظور مصرف بهینه علاوه بر مشارکت مردمی بر راهبردهای فنی و مدیریتی نیز در دیگر راهبردها تأکید شده، لازم است تا به سازوکار متقاعدسازی و پذیرش اجتماعی نیز در جهت راهبرد به‌کارگیری فناوری‌های نوین و راهبردهای مدیریتی اشاره گردد. ازاین‌رو بهتر است گزاره «مبتنی بر متقاعدسازی مردم در پذیرش فناوری‌ها و رویکردهای نوین مدیریتی و جلب مشارکت عمومی» در راهبرد ۳ به‌عنوان راهبرد کلان این بخش بعد از «اصلاح الگوی مصرف» قرار گیرد. -در راهبرد ۳-۲، ازآنجاکه توسعه شرکت‌های خدمات انرژی مرتبط با تغییر نگرش مردم از «برق به‌عنوان خدمت» به «برق به‌عنوان کالا» می‌باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود قید «با تأکید بر فرهنگ‌سازی برق به‌عنوان کالا» به این راهبرد اضافه شود.
وظایف حاکمیتی درزمینه قیمت‌گذاری و تعرفه ۲۴. قیمت‌گذاری و هدفمند کردن یارانه‌ها ۲۵. تصویب تعرفه‌های فروش برق ۲۶. تعیین نرخ انواع انرژی		
وظایف حاکمیتی درزمینه امور مجامع عمومی شرکت‌های تابعه ۵۶. انجام امور مربوطه به مجامع عمومی شرکتهای تابعه	*راهبردی در این زمینه از شرح وظایف نه در بخش برق و انرژی و نه در راهبردهای بخشی و وظیفه‌ای پیش‌بینی نشده است.	-ضرورتی در اعمال رویکرد اجتماعی وجود ندارد.
وظایف حاکمیتی درزمینه خصوصی سازی ۵۳. حذف انحصار، ایجاد و توسعه رقابت و حمایت از بخش غیردولتی برای مشارکت در فعالیت‌های بخش برق و انرژی با هدف افزایش کارایی و حفظ حقوق مردم ۵۴. برنامه‌ریزی جهت اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی‌سازی ۵۵. تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی	۱. بهبود فضای کسب و کار، توسعه خصوصی‌سازی و گسترش مشارکت و ارتقاء توانمندی بخش‌های خصوصی و تعاونی در حوزه برق و انرژی (بخش برق و انرژی): ۱-۱. ایجاد انگیزه و اطمینان برای سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی و تعاونی ۱-۲. حداقل نمودن فعالیت‌های تصدی بخش دولتی ۱-۳. ارتقاء بهره‌وری در فرایند خصوصی‌سازی ۱-۴. تسهیل در سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی و تعاونی و ایجاد بانک نیرو ۱-۵. حمایت از توسعهٔ صادرات کالا و خدمات فنی- مهندسی برق ۱-۶. استقرار سازوکار اقتصادی- تجاری برای استفاده از قابلیت‌ها و فرصت‌های *ICT* و نظایر آن در صنعت برق	-تأکید بر عدالت اجتماعی و حفظ حقوق مردم در بند ۵۳ شرح وظایف به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی در خصوصی‌سازی -تأکید بر گسترش مشارکت بخش خصوصی و تعاونی در راهبرد به‌عنوان یک سازوکار اجتماعی -ضرورت درج عبارت «متناسب با شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهت رعایت عدالت اجتماعی و حفظ حقوق مردم» در راهبرد ۱-۲

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

وظایف حاکمیتی درزمینه مدیریت و راهبری شبکه برق ۳۱. مدیریت و راهبری شبکه برق ایران ۳۲. برنامه‌ریزی توسعه متوازن شبکه برق کشور ۳۳. حفظ پایایی و امنیت شبکه و تأمین مطمئن برق کشور ۳۴. راهبری و پایش شبکه سراسری برق از طریق شرکت‌های زیرمجموعه ۳۵. صدور مجوز احداث نیروگاه های جدید ۳۶. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اتصال شبکه برق کشور به کشورهای منطقه و فرامنطقه ۳۷. دیسپاچینگ ملی و منطقه‌ای ۳۸. پایش انجام مقررات و استانداردها در شرکت‌های تولید و توزیع	۱۱. کاهش تلفات در شبکه‌های برق در جهت نیل به سطح بهینه: ۱۱-۱. اصلاح مقررات و ضوابط و توسعهٔ سامانه‌های مناسب جهت جلوگیری از استفاده غیرمجاز از برق در شبکه‌های فشار ضعیف ۱۱-۲. استقرار سازوکار اقتصادی- تجاری در فعالیت‌های کاهش تلفات و هوشمندسازی شبکه ۱۱-۳. هماهنگی در طراحی و توسعهٔ شبکه‌های فوق‌توزیع و توزیع برق ۱۱-۴. اصلاح معماری شبکه‌های توزیع ۱۱-۵. مدیریت بهینه سطح روشنایی معابر در طول مدت شبانه‌روز ۱۰. توسعه مبادلات منطقه‌ای برق: ۱۰-۱. برقراری مناسبات قابل‌اتکا و شفاف در هزینه‌های سوخت و محیط‌زیست برای تولید برق صادراتی ۱۰-۲. حمایت از بخش خصوصی برای توسعه تجارت منطقه‌ای برق با توجه به بازارهای هدف و متناسب با ارزش افزوده ملی ۱۰-۳. افزایش ظرفیت تبادل برق با کشورهای منطقه و رفع موانع توسعه ظرفیت‌های تبادل سنکرون، متناسب با استانداردهای جهانی ۱۰-۴. اعطای مجوز صادراتی به تولیدکنندگان برق از منابع انرژی نو و تجدیدپذیر	-در شرح وظایف بند ۳۲ بر برنامه‌ریزی توسعه متوازن و در بند ۵۰ بر امکان دسترسی همگان به شبکه برق کشور تأکید شده است که نشان از امنیت در عرضه انرژی، عدالت در توزیع انرژی برق و تأکید بر توسعه متوازن است. اما به‌منظور تحقق رویکرد توسعه پایدار و نیز امنیت و عدالت در عرضه انرژی ضروری است عبارت «در چارچوب توسعه پایدار و سند آمایش سرزمین کشور» به بند ۳۵ اضافه گردد. -اگرچه بر پیشگیری از تخلفات استفاده غیرمجاز از برق در شبکه‌های ضعیف در راهبرد ۱۱-۱ تأکید شده است امّا ازآنجاکه این نوع تخلفات یک امر اجتماعی و معمولاً در مناطق حاشیه‌ای و کم‌برخوردار رخ می‌دهد و ضرورت دارد توجه به سازوکارهای اجتماعی را در این خصوص برجسته کرد، پیشنهاد می‌گردد قید «با تأکید بر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و ارتقاء مسئولیت اجتماعی شهروندان» به آخر متن این راهبرد اضافه گردد. -در راهبرد ۱۱-۴، نیاز است که قید «با رعایت ملاحظات فرهنگی و ایمنی» به‌منظور توجه به ابعاد فرهنگی مانند ملاحظات زیبایی‌شناختی و مبلمان شهری و نیز پیشگیری از آلودگی بصری و ارتقاء ایمنی و سلامت شهروندان به متن راهبرد اضافه گردد. بدون درج الزامات اجتماعی، ممکن است فقط وزنه جنبه فنی اقدامات مربوطه سنگینی کند. -در راهبرد ۱۱-۵ علاوه بر مدیریت بهینه جنبه‌های فنی، توجه به نقشی که این اقدام در احساس امنیت اجتماعی شهروندان دارد حائز اهمیت است. مدیریت مصرف مبتنی بر خاموشی هر چند به صورت موقت در شرایط کمبود تولید برق و پیک مصرف و یا غفلت در رصد و پایش روشنایی معابر بدون ملاحظه احساس امنیت اجتماعی شهروندان و جایگزینی سازوکارهای دیگر، به گسترش فضاهای بی‌دفاع شهری و ناامنی در محلات خواهد انجامید. مسائل و مشکلات تردد نیز از دیگر پیامدهای این موضوع خواهد بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود عبارت «با هدف ارتقاء امنیت اجتماعی» به آخر راهبرد اضافه گردد.
وظایف حاکمیتی درزمینه توسعه و بهره‌برداری شبکه برق و انتقال ۵۰. فراهم ساختن امکان دسترسی به شبکه برق کشور برای متقاضیان اعم از دولتی یا غیردولتی به‌منظور خرید، فروش و جابه‌جایی برق ۵۱. احداث و توسعه مراکز دیسپاچینگ و شبکه‌های مخابراتی برق ۵۲. توسعه و مدیریت بهره‌برداری تأسیسات اصلی انتقال برق		
وظایف حاکمیتی درزمینه مدیریت آمار و اطلاع‌رسانی ۵۷. تدوین و استقرار نظام آماری و اطلاعاتی ۵۸. ایجاد بانک اطلاعاتی صنعت و بروزرسانی آن ۵۹. تسهیل دسترسی عمومی به آمار و اطلاعات صنعت برق و انرژی ۶۰. تولید آمار و اطلاعات پایه بخش انرژی و تسهیل دسترسی به آنها	۱۳. ارتقاء سطح کارآمدی و امنیت اطلاعات در بخش: ۱۳-۱. استفاده بهینه از دستاوردهای نوین فناوری اطلاعات جهت حفظ امنیت و پایداری منابع اطلاعاتی و سیستم‌های عملیاتی صنعت برق ۱۳-۲. استفاده بهینه از ظرفیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات صنعت برق جهت ارائه خدمات قابل‌دسترس از راه دور ۱۳-۳. ایجاد ارتباط ساختاری مناسب بین مراکز تصمیم‌سازی و بخش فناوری اطلاعات ۱۳-۴. استقرار و توسعه سیستم‌های یکپارچه اطلاعات مدیریت ۱۳-۵. توسعه نرم‌افزارها و بانک‌های اطلاعاتی ۱۳-۶. تقویت و توسعه زیرساخت‌های مخابراتی صنعت برق جهت پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون حیاتی و اختصاصی این صنعت	-ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی در این زمینه از حیث شاخص‌های حکمرانی خوب است. در این راستا باید گفت ایجاد شفافیت و توسعه اعتماد نهادی از طریق تسهیل دسترسی به آمار و اطلاعات یکی از ابعاد مسئولیت اجتماعی وزارت نیرو است. در بند ۵۹ و ۶۰ شرح وظایف بر تسهیل دسترسی عمومی تأکید شده است. ازاین‌رو به‌منظور تحقق ارتقای کارآمدی وزارت نیرو در این بخش و نیز ارتقاء شاخص‌های حکمرانی خوب، راهبردی به شرح ذیل به راهبردهای شماره ۱۳ (با عنوان راهبرد ۱۳-۷) اضافه گردد. «ایجاد سامانه‌های اطلاع‌رسانی عمومی ارتقاء شفافیت و پیشگیری از فساد در چارچوب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» *در راهبردهای حوزه وظیفه‌ای مربوط به وظایف مدیریت آمار و اطلاع‌رسانی (حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات) اقدامی در خصوص موارد بالا صورت نگرفته است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

وظایف	راهبردها	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
وظایف حاکمیتی درزمینه مدیریت بحران ۶۱. مدیریت بحران و پدافند غیرعامل	۱۵. تقویت قدرت بازدارندگی و کاهش آسیب‌پذیری بخش با رویکرد استمرار ارائه خدمات: ۱۵-۱. آگاه‌سازی و توسعه فرهنگ مقابله با بحران ۱۵-۲. طراحی و پیاده‌سازی نظام‌های پدافند غیرعامل و مدیریت بحران و خطرپذیری (ریسک) ۱۵-۳. برقراری تعادل منطقه‌ای بین عرضه و تقاضای برق و ایجاد شبکه‌های حلقوی ۱۵-۴. تنوع‌بخشی به منابع اولیه انرژی و فناوری‌های تولید برق ۱۵-۵. حصول اطمینان از تأمین سوخت نیروگاه‌ها	-در راهبردها اگرچه بر آگاه‌سازی و توسعه فرهنگ مقابله با بحران به‌عنوان بخشی از اتخاذ رویکرد اجتماعی در این حوزه تأکید شده امّا با توجه به توسعه رویکردهای جامعه‌محور در مدیریت بحران و ریسک در این حوزه، لازم است مدیریت بحران و پدافند غیرعامل راهبرد جامعه‌محوری به‌منظور جلب مشارکت عمومی در مواجهه با رویدادها و شناسایی پتانسیل‌های اجتماعی بحران را اتخاذ نماید. ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود قید «و جامعه‌محور» به متن راهبرد ۱۵-۲ اضافه گردد. -به راهبرد ۱۵-۳ قید «با هدف تأمین امنیت انرژی برق» اضافه گردد. -با توجه به اهمیت تاب‌آوری اجتماعی در کنار تاب‌آوری فنی در شرایط بحران، پیشنهاد می‌شود راهبردی با عنوان ۱۵-۶ با محتوای «ارتقاء تاب‌آوری اجتماعی قبل، حین و پس از بحران» اضافه شود.
وظایف حاکمیتی درزمینه پشتیبانی صنعت ۶۲. تلفیق، تدوین و ارائه لایحه بودجه ۶۳. تدوین سیاست‌های توسعه کارآفرینی ۶۴. اتخاذ سیاست‌های لازم جهت حمایت و تقویت ظرفیت‌های پیمانکاری، مشاوره‌ای در ساخت و تولید تجهیزات نیروگاه‌ها و شبکه‌های انتقال ۶۵. ظرفیت‌سازی و مطالعات و بررسی ظرفیت‌های داخلی ۶۶. تدوین سیاست‌های تشویقی و حمایتی از صادرکنندگان ۶۷. تهیه، تدوین، پیشنهاد و تصویب قوانین و مقررات مرتبط ۶۸. اعطای تسهیلات مالی و فنی لازم در بخش انرژی ۶۹. برنامه‌ریزی جامع منابع انسانی ۷۰. تدوین سیاست‌ها و راهبری منابع انسانی ۷۱. مطالعه و بررسی و تنظیم سیاست‌های افزایش انگیزش و کارآمدی منابع انسانی ۷۲. بررسی و تدوین راهکارهای استقرار ارزش‌های انسانی ۷۳. مطالعات، برنامه‌ریزی و ساماندهی امر مدیریت و ارائه الگوی مناسب مدیریتی ۷۴. راهبری تحول اداری صنعت برق و ارتقاء سلامت اداری	۴. اصلاح نظام مالی، تنوع‌بخشی، توسعه و جذب منابع مالی مورد نیاز برای توسعهٔ صنعت برق: ۴-۱. به روزرسانی ضوابط و مقررات به‌منظور تسهیل در تحصیل منابع درآمدی جدید برای صنعت برق به ویژه استفادهٔ چندمنظوره از تأسیسات صنعت ۴-۲. تنوع‌بخشی، مدیریت بهینهٔ منابع مالی و تقویت توان مالی بخش با تأکید بر منابع غیردولتی و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی بخش برق و انرژی متناسب با برنامه‌های توسعه ۸. توسعه مدیریت و منابع انسانی در بخش برق و انرژی: ۸-۱. استقرار نظام پروانه صلاحیت حرفه‌ای ۸-۲. ارتقاء و توسعهٔ نظام تأمین مدیر و جانشین‌پروری در کلیه سطوح صنعت برق ۸-۳. ارتقاء و توسعهٔ نظام یادگیری فردی و سازمانی، با رویکرد مستندسازی و انتقال دانش و تجارب صنعت برق و استقرار و توسعهٔ نظام مدیریت دانش ۸-۴. ارتقاء و توسعهٔ نظام جذب، توانمندسازی و نگه‌داشت منابع انسانی متناسب با اهداف صنعت برق ۱۸. اصلاح و ارتقاء نظام ارزیابی عملکرد کارکنان، مدیران و سازمان با رویکرد توسعهٔ نظام مدیریت عملکرد برمبنای برنامهٔ استراتژیک بخش	-وظایف حاکمیتی در زمینه پشتیبانی را می‌توان در چند زمینه دسته‌بندی کرد: موارد مرتبط با لایحه بودجه و دیگر قوانین و مقررات، توسعه کارآفرینی و نوآوری، ظرفیت‌های پیمانکاری و مشاوره‌ای، توسعه صادرات کالا و خدمات، حوزه مالی، منابع انسانی، تحول اداری، اطلاعات و اسناد، مشترکین، حقوقی و مجلس -در بند ۶۳ شرح وظایف پیشنهاد می‌شود قید «و نوآوری اجتماعی» اضافه شود. -پیشنهاد می‌شود قید «در چارچوب سند آمایش سرزمین» به بند ۶۵ شرح وظایف اضافه گردد. -ازآنجاکه در شرح وظایف حوزه مدیریت منابع انسانی و تحول اداری بر مباحثی نظیر افزایش انگیزش، ارتقاء سلامت اداری و استقرار ارزش‌های انسانی تأکید شده است می‌توان گفت تا حدودی رویکرد اجتماعی به لحاظ ملاحظه اهداف اجتماعی و نیز ملاحظه زمینه‌های اجتماعی وجود دارد. به‌منظور نهادینه کردن مشارکت کارکنان و ارتقاء برنامه‌ریزی مشارکتی در سازمان، نیاز بود تا در شرح وظایف به نوعی این موضوع برجسته گردد. پس پیشنهاد می‌شود قید «مبتنی بر مشارکت کارکنان در فرایندهای مربوطه» به بند ۷۰ و ۷۴ اضافه گردد.*لازم به یادآوری است رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی در مدیریت منابع انسانی و تحول اداری در راهبردهای وظیفه‌ای نیز (حوزه منابع انسانی و حوزه ساختار فرایند یا تحول اداری) مورد غفلت واقع شده است. این درحالی است که به‌طور ویژه‌ای علاوه بر مواردی که قبلاً احصاءشده بر ارتقاء کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی، توسعه فرهنگ کار کارکنان و مواردی از این قبیل تأکید شده است. پس بیشتر به نوعی سعی شده مسئولیت اجتماعی در قبال کارکنان صرفاً در حوزه رفع نیازهای مادی باشد تا اینکه مسئولیت به آنها واگذار گردد. -در دیگر بندهای شرح وظایف چندان ضروری نیست رویکرد اجتماعی اعمال گردد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

وظایف	راهبردها	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
ادامه وظایف حاکمیتی درزمینه پشتیبانی صنعت ۷۵. مطالعات، تدوین، اصلاح و استقرار ساختار سازمانی، سیستم‌ها و روش‌های کارآمد ۷۶. تدوین و ارائه طرح‌های ارتقاء کیفیت و بهبود بهره‌وری ۷۷. تدوین و استقرار نظام راهبری و توسعه آموزش ۷۸. راهبری برنامه‌های آموزش‌های تخصصی موردنیاز صنعت ۷۹. تدوین نظام ارتباطات بهنگام ۸۰. مدیریت و راهبری اطلاعات علمی و اسناد ۸۱. مطالعه و ارائه سیستم‌های مکانیزه جهت ارائه خدمات به مشترکین صنعت برق ۸۲. تدوین و استقرار نظام ارتباط با مجلس شورای اسلامی و رسیدگی به سؤالات و تذکرات نمایندگان ۸۳. تدوین و استقرار نظام حقوقی ۸۴. نظارت بر استقرار نظام ثبت املاک و اراضی ۸۵. مطالعه، بررسی و به روزآوری قوانین و مقررات ۸۶. بررسی و اظهار نظر حقوقی در مورد کلیه طرح‌ها و لوایح قانونی مرتبط با وزارت نیرو		–با توجه به اینکه راهبردهای تدوین‌شده در بخش پشتیبانی برق و انرژی حوزه‌های احصاءشده به جز حوزه مالی و تحول اداری و مدیریت منابع انسانی؛ متناسب با شرح وظایف کفایت نمی‌کند برای تحلیل رویکرد اجتماعی در راهبردهای مربوطه پشتیبانی، به راهبردهای بخشی بخش پشتیبانی آب و برق رجوع شده است. این موارد در ادامه با علامت * مشخص شده است: *در راهبردهای بخشی بخش پشتیبانی صنعت آب و برق؛ بر حمایت، تشویق و ترغیب و نیز افزایش مشارکت بخش خصوصی در تولید کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پشتیبانی و فناوری‌های نوین و پرخطر، توسعه صادارت کالاها و خدمات فنی و مهندسی، خروج دولت از فعالیت‌های تصدیگری، بومی‌سازی فناوری‌های نوین و کمک به تشکل‌یابی بخش خصوصی؛ تأکید شده است. همینطور، راهبردهایی با عنوان توسعه نظام سنجش و پایش رضایت مشتریان و ذی‌نفعان و کمک به ارتقاء فرهنگ مصرف بهینه با افزایش بهره‌وری تجهیزات نشانی دیگر از داشتن رویکرد اجتماعی در بخش پشتیبانی است. ازاین‌رو می‌توان گفت به نوعی رگه‌هایی از رویکرد اجتماعی در این بخش مشاهده می‌شود. مباحثی دیگر در راهبردها نظیر انتقال و بومی‌سازی فناوری‌های نوین و نیز ارتقاء همکاری‌های بخش پشتیبانی و مراکز علمی و تحقیقاتی در حوزه وظایف تحقیقات، آموزش و فناوری تحلیل شده است. البته در اینجا لازم است در خصوص راهبرد «تدوین و اعمال استانداردهای اجباری ارتقاء کیفیت محصول و برقراری نظام کنترل کیفی و تضمین» بیان گردد که این اقدام و یا راهبرد به تنهایی کافی نبوده و ضرورت فرهنگ‌سازی نیز وجود دارد پس پیشنهاد می‌شود قید «با تأکید بر تشویق و ترغیب مردم و پذیرش اجتماعی آن» به آخر این راهبرد اضافه شود. *در راهبردهای وظیفه‌ای حوزه مالی بر «شفاف‌سازی آثار خارجی مثبت (اجتماعی، زیست‌محیطی، امنیتی و ...) پروژه‌ها و جبران هزینه های آن از محل منابع عمومی»، «افزایش جذابیت مالی برای سرمایه گذاری بخش غیردولتی به‌منظور پاسخ‌گویی به تقاضای مؤثر با تأکید بر فناوری‌های سازگار با محیط‌زیستی» و «تقویت و گسترش تعاملات با ذینفعان و مشارکت آنها در سیاست‌گذاری‌های مالی صنعت آب و برق» تأکید شده است که به‌منظور تقویت رویکرد اجتماعی آن پیشنهاد می‌شود به جای سازگاری با محیط زیست از مفهوم «در چارچوب توسعه پایدار» و به جای تعاملات از مفهوم «بسترسازی و جلب مشارکت» استفاده گردد. ضمن اینکه در محاسبات هزینه‌های پیامدهای طرح‌ها و پروژه‌ها به نوعی بر حسابداری هزینه‌های اجتماعی مانند آلودگی‌های زیست‌محیطی تأکید شود. *در راهبردهای وظیفه‌ای حوزه مشترکین آب و برق که به نوعی می‌توان گفت مرتبط با وظایف پشتیبانی در بخش برق و انرژی بوده، به لحاظ رویکرد اجتماعی بر «ارتقاء و توسعهٔ استانداردها و شاخص‌های کیفیت، ایمنی، بهداشتی و زیست‌محیطی خدمات»، «رعایت عدالت و خدمات‌رسانی و افزایش رضایت مشترکین»، «پاسخگویی به مشترکین و جلب مشارکت و پایش رضایت آنان»، «شفاف‌سازی حقوق مشترکین و اصلاح نگرش مدیران و کارکنان»، «توسعه تعامل و ارتباط بین فروشندگان و خریداران» و «بیمه‌کردن مشترکین در مقابل حوادث ناشی از قصور عرضه‌کنندگان» تأکید شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

وظایف	راهبردها	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
وظایف تصدی درزمینه تولید برق ۱. برنامه‌ریزی توسعه بهینه فنی و اقتصادی تولید برق در سطح بنگاه با توجه به سیاست‌های اقتصادی کلان کشور و قابلیت‌های تأسیسات موجود صنعت برق ۲. تهیه و تدوین روش‌ها و دستورالعمل‌های موردنیاز جهت بهبود عملیات بهره‌برداری نیروگاههای مختلف ۳. تهیه و تدوین دستورالعمل‌های تعمیراتی واحدهای تولید نیروگاه‌های مختلف در سطح بنگاه ۴. نظارت بر اجرای درست و به موقع طرح‌ها و بهینه‌سازی تجهیزات در تولید برق ۵. بررسی و مطالعات امکان‌سنجی احداث نیروگاه بر اساس شرایط جغرافیایی و منابع سوخت ۶. احداث و توسعه نیروگاه‌ها و افزایش ظرفیت تولید برق ۷. تدوین و پیشنهاد برنامه‌های توسعه در زمینه تولید برق ۸. سرمایه‌گذاری در تأسیسات تولید صنعت برق ۹. مدیریت و بهره‌برداری از تأسیسات تولید برق	۶. توسعه ظرفیت‌های تولید، انتقال و توزیع برق متناسب با نیازهای مصرف مدیریت شده و نوسازی و بهینه‌سازی آنها ۷. افزایش بهره‌وری تولید برق و ارتقاء بازده نیروگاه‌ها: ۷-۱. توسعهٔ کاربرد نیروگاه‌های با بازده بالاتر و اعمال هزینه‌های واقعی سوخت و هزینه‌های زیست‌محیطی در مناسبات مالی تولید و عرضهٔ برق ۷-۲. به‌کارگیری فناوری مولدهای پراکنده، با تأکید بر تولید همزمان برق و حرارت و برودت ۷-۳. استقرار سازوکار اقتصادی- تجاری در بهینه‌سازی نیروگاه‌ها ۷-۴. استفاده از فناوری نوین و تجهیزات با راندمان بالا ۷-۵. مدیریت بهینه بهره‌برداری از نیروگاه‌های برق‌آبی و افزایش هماهنگی آنها با تولید نیروگاه‌های حرارتی ۷-۶ تنوع‌بخشی در سوخت نیروگاه‌ها و توسعهٔ ظرفیت‌های قانونی برای اولویت‌بخشی به تأمین سوخت نیروگاه‌ها ۷-۷. استفاده از انرژی حرارتی نیروگاه‌های مجاور یا داخل شهرها جهت مصارف منازل و واحدهای صنعتی	-در بند ۵ شرح وظایف، در امکان‌سنجی احداث نیروگاه صرفاً شرایط جغرافیایی و منابع سوخت لحاظ شده است در حالی با توجه به رویکرد توسعه پایدار، برآورد تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث نیروگاه نیز به‌عنوان مسئولیت اجتماعی صنعت برق ضروری است. ازاین‌رو لازم است قید «و مبتنی بر ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی» به متن اضافه گردد. -پیشنهاد می‌شود به بند ۶ شرح وظایف قید «در چارچوب توسعه پایدار و سند آمایش سرزمین کشور» اضافه گردد. -لازم است قید «و در چارچوب رویکرد توسعه پایدار» به متن راهبرد ۶، اضافه گردد. زیرا صرفاً توجه به نیازهای مصرف مدیریت‌شده و نوسازی و بهینه‌سازی آنها کفایت نمی‌کند و لازم است در اقدامات مرتبط با توسعه ظرفیت‌ها سازگار با چارچوب رویکرد توسعه پایدار باشد.
وظایف تصدی درزمینه توزیع برق ۱۰. تدوین و پیشنهاد برنامه‌های توسعه در زمینه توزیع برق ۱۱. تهیه طرح‌های لازم برای توسعه تأسیسات توزیع برق ۱۲. پیشنهاد سیاست‌های لازم جهت بهره برداری از پست‌ها و شبکه‌های انتقال و فوق توزیع ۱۳. مطالعه و پیشنهاد برآورد و پیش‌بینی بلندمدت بار و انرژی موردنیاز مناطق به‌منظور برنامه‌ریزی سیستم قدرت منطقه‌ای و سراسری ۱۴. برآورد تجهیزات و تأسیسات توسعه شبکه ۱۵. ایجاد و توسعه شبکه و تأسیسات توزیع نیروی برق در کلیه نقاط کشور و بهره‌برداری از آنها ۱۶. نظارت بر اجرای درست و به موقع طرح‌ها و بهینه‌سازی تجهیزات در توزیع برق ۱۷. واگذاری اشتراک به کلیه متقاضیان ۱۸. مطالعات پایایی و بررسی قابلیت اطمینان تولید، انتقال و توزیع انرژی الکتریکی ۱۹. ارائه پیشنهاد تعرفه‌های برق به وزارت نیرو ۲۰. سرمایه‌گذاری در تأسیسات توزیع صنعت برق	۶. توسعه ظرفیت‌های تولید، انتقال و توزیع برق متناسب با نیازهای مصرف مدیریت شده و نوسازی و بهینه‌سازی آنها	-توضیحات راهبرد ۶ در بخش تولید برق اشاره شده است. -پیشنهاد می‌شود قید «مبتنی بر جلب مشارکت عمومی» به بند ۱۶ شرح وظیفه اضافه شود.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

یکی از اقدامات مهم وزارت نیرو در راستای ملاحظات اجتماعی و تقویت رویکرد اجتماعی، تدوین و ابلاغ «بیانیه راهبرد مشارکت عمومی» توسط وزیر نیرو است[1]. در ادامه متن بیانیه ارائه می‌شود. این بیانیه در راستای اجرای ماده ۹ تصویب‌نامه ۱۱۲۷۱۲۸ مورخ ۲۸ / ۱۲ / ۹۵ شورای عالی اداری، مبنی بر حق اظهار نظر آزاد و ارائه پیشنهاد در مورد تصمیم‌ها و فرایندهای اداری و حسب مصوبه جلسه ۵۴ کمیته ارتقای سلامت اداری مورخ ۹۷/۱۲/۰۵، است که مقرر شد برخی تصمیم‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری مرتبط با حقوق افراد، پس از تأیید پیش‌نویس و قبل از تصمیم نهایی در پرتال وزارت نیرو درج و طی دو هفته برای اظهار نظر در اختیار عموم قرار گیرد که پس از دریافت نظرات و دیدگاه‌های سازنده مردمی نسبت به اصلاح و ابلاغ آن اقدام خواهد شد.
طبق متن بیانیه‌ای که توسط وزیر نیرو ابلاغ شده است: «وزارت نیرو، به‌عنوان متولی تأمین، انتقال و توزیع آب شرب سالم و بهداشتی و تولید برق مطمئن و پایدار برای مصارف بخش‌های مختلف و آحاد جامعه در سطح کشور؛ خود را موظف می‌داند در جهت تدوین اهداف، برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با صنعت آب و برق، حتی‌المقدور نسبت به اخذ مشارکت عمومی تلاش نموده و در این زمینه خط مشی خود را به شرح زیر ترسیم، و بر عملکرد شرکت‌ها و مؤسسات زیرمجموعه نظارت کند:

- جلب مشارکت و کسب رضایت مردم در بالاترین سطح ممکن و تلاش در جهت رعایت کامل منشور حقوق شهروندی در حیطه وظایف و فعالیت‌های وزارت نیرو
- توسعه اعتماد و سرمایه اجتماعی در نظام حکمرانی و مدیریت منابع آب و انرژی از طریق احترام به حقوق شهروندان و استیفای حقوق اجتماعی آنان و تلاش در جهت فراهم آوردن زمینه سلامت جسمی، روحی و روانی و اجتماعی آحاد جامعه در زمینه‌های مرتبط با صنعت آب و برق
- اطلاع‌رسانی جامع و آموزش و فرهنگ‌سازی مصرف بهینه آب و انرژی؛ با هدف ارتقای آگاهی کارکنان، مشترکان و ذی‌نفعان نسبت به وظایف فردی و مسئولیت‌های اجتماعی خویش در قبال جامعه و جلب و جذب مشارکت‌های مردمی.
- شفاف‌سازی و فراهم کردن بستر مشارکت همه ذینفعان در سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها و طرح‌ها، با به‌کارگیری ابزارهای مناسبِ مشارکت الکترونیک، و بهره‌گیری از ظرفیت مشاوره‌ای مردم و سازمان‌های مردم نهاد
- تسهیل دسترسی آزاد و جامع به اطلاعات آب و انرژی
- بهبود پاسخگویی در برابر تبعات و عواقب تصمیمات و فعالیت‌های وزارت نیرو بر محیط‌زیست و جامعه؛ در راستای مسئولیت اجتماعی سازمانی.
- سنجش میزان رضایتمندی کارکنان و مشترکان از دریافت خدمات در بازه زمانی یکساله، به‌طور مرتب، جهت ارائه خدمت به نحو شایسته‌تر
- در نظر گرفتن تمهیدات لازم به‌منظور جمع‌آوری و بهره‌برداری از نظرات، پیشنهادات و انتقادات کارکنان، مشترکان و ذی‌نفعان در راستای جلب رضایت مشترکین صنعت آب و برق، در چارچوب قوانین و مقررات.

از همه کارکنان، مدیران، مشاوران، پیمانکاران و ذی‌نفعان انتظار می‌رود با التزام عملی به موارد فوق‌الذکر، تلاش نمایند تا زمینه تحقق آن در وزارت نیرو و کلیه شرکت‌های تابعه و وابسته و شرکت‌های فعال در صنعت آب و برق، فراهم آید».
ضرورت اجرای این راهبرد مستلزم تدوین دستورالعمل اجرایی و ارزیابی عملکرد آن توسط دفتر بازرسی و مدیریت عملکرد یا واحد دیگری که به این منظور در نظر گرفته می‌شود. آن‌طورکه از مشخصات شیوه‌های جلب مشارکت در پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو برمی‌آید بر اخذ نظرات مردم در مورد طرح‌ها و لوایح بر بسترهای الکترونیکی مندرج در آن پایگاه تأکید شده است و سازوکار مشخصی در رابطه با جلب مشارکت عمومی بیش از این پیش‌بینی نشده است. ضمن اینکه باید گفت مشارکت عمومی در همان

[1] مأخذ: قابل دسترسی بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو به نشانی: https://moe.gov.ir/

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مرحله اخذ نظرات متوقف شده و مبتنی بر دیگر مراحل جلب مشارکت مطابق با شیوه‌های انجمن مشارکت عمومی بین‌المللی نیست.

روابط عمومی به‌عنوان یکی از حوزه‌های مهم پشتیبانی بخش برق و انرژی بر اساس ماهیت مأموریت‌های خود و آن‌طورکه در «راهبردهای وظیفه‌ای حوزه روابط عمومی» برنامه راهبردی وزارت نیرو آمده، بستر مناسبی برای کاربست علوم اجتماعی است. تأکید بر «تدوین و اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری و آموزشی مناسب، با توجه به سطوح مخاطبان برای ارتقاء سطح فرهنگ عمومی جامعه جهت نیل به مصرف بهینه و ارتقاء آگاهی عمومی نسبت به خدمات ارائه‌شده به جامعه در حوزهٔ آب و برق» در راهبرد شماره ۵ و نیز «انجام پیمایش‌های ملی و منطقه‌ای سالانه و افکارسنجی و اجرای طرح‌های پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی برای اطلاع از جایگاه صنعت آب و برق در افکار عمومی و انتخاب راه‌کارهای مناسب در جهت ارتقاء این جایگاه» در راهبرد شماره ۷؛ به نوعی اتمام حجتی بر اهمیت و ضرورت مطالعات اجتماعی و تدوین سازوکارهای عملیاتی توصیه‌های سیاستی برآمده از آنها است. ضمناً در راهبرد شماره ۹ نیز، «ظرفیت‌سازی و حمایت از تشکل‌های مردم‌نهاد (NGO) و ایجاد تعامل منطقی با آنها برای ارتقاء فرهنگ عمومی جامعه نسبت به صنعت آب و برق و مسائل زیست‌محیطی این صنعت» برجسته و موردتوجه واقع شده است. ازاین‌رو اگرچه ماهیت اقدامات روابط عمومی، ماهیتی ارتباطی و مبتنی بر فرهنگ‌سازی در حوزه مأموریتی وزارت نیرو دارد امّا راهبردهای آن بیانگر نگاه ویژه‌ای به رویکرد اجتماعی در فرهنگ‌سازی و الزامات آن دارد. برنامه ارتباطی مبتنی بر شناخت از جامعه و جلب مشارکت آن، جنبه رویکرد اجتماعی ارتقاء فرهنگ عمومی مصرف بهینه و اطلاع از خدمات وزارت نیرو را در راهبردهای وظیفه‌ای روابط عمومی نشان می‌دهد. به لحاظ عملکردی چنین اقداماتی یا صورت نگرفته یا در سطح ضعیفی بوده است. در جدول شماره ۲-۲۰، ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی در مأموریت‌ها، وظایف و اهداف راهبردی وزارت نیرو که خلاصه‌ای از مباحث مطرح‌شده در جدول ۲-۱۹ می‌باشد، ارائه شده است.

جدول ۲-۲۰: خلاصه واکاوی رویکرد اجتماعی در وظایف و راهبردهای بخش برق و انرژی وزارت نیرو (حوزه ستادی)

وظایف و راهبردها	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	-ضرورت درج چارچوب رویکرد توسعه پایدار و منطبق با سند برنامه آمایش سرزمین کشور -تأکید بر گسترش تعاملات در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی -تاکید بر سازوکار مشارکت بخش غیردولتی برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و جلب مشارکت مردم (عمومی) برای حمایت از تولید برق از این نوع منابع انرژی
نظارت	- تأکید بر نظارت بر رعایت رفاه مردم و ارزیابی رضایت مشترکین درزمینه وظایف نظارتی -ضرورت «بسترسازی جلب مشارکت عمومی و ذی‌نفعان درزمینه وظایف نظارتی بخش برق و انرژی»
استانداردها و مقررات	-تأکید بر تدوین و تصویب استانداردها و مقررات در حوزه‌های تأثیرات صنعت و رعایت حقوق مشترکین و ذی‌نفعان به‌عنوان یکی از ابعاد مسئولیت اجتماعی در شرح وظایف -تأکید بر مسئولیت اجتماعی وزارت نیرو در ارتباط با ذی‌نفعان -ضرورت توجه به «ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی» و «فرهنگ و اجتماع» و «چارچوب رویکرد توسعه پایدار» در رابطه با اجتماعات مستقر در حریم نیروگاه‌ها
انجام مطالعات پایه	-ضرورت توجه به «مطالعات پایه‌ای ابعاد توسعه پایدار (با تأکید بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی) صنعت برق و انرژی در سطح ایران و جهان» در کنار مطالعات اقتصادی
تحقیقات و پژوهش	-تأکید بر افزایش سطح تعامل با مراکز علمی و تحقیقاتی در راهبرد -تأکید بر تعامل با سازمان‌های مردم‌نهاد، «توسعه آموزش، پژوهش و فناوری درزمینه اجتماعی، رعایت استانداردها و ایمنی برق و انرژی»، ارتقاء آگاهی‌های عمومی مرتبط با حوزه‌های تخصصی صنعت برق به ویژه اصلاح الگوی مصرف -ضرورت درج کسب پذیرش اجتماعی در راهبردها به‌منظور اتخاذ رویکرد جامع توسعه پایدار -پیشنهاد انضمام راهبرد «مطالعه و شناسایی مهارت‌ها و دانش‌های بومی حوزه انرژی و بسترسازی تلفیق آن با دانش نوین»

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ادامه جدول ۲-۲۰: خلاصه واکاوی رویکرد اجتماعی در وظایف و راهبردهای بخش برق و انرژی وزارت نیرو (حوزه ستادی)

وظایف و راهبردها	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
مدیریت مصرف برق و انرژی قیمت‌گذاری و تعرفه	-تأکید بر رعایت مصالح کشور و حفظ حقوق مردم در شرح وظایف -تأکید بر سازوکار مشارکتی در متن راهبرد به‌منظور استفاده بهینه از برق -ضرورت متقاعدسازی مردم در پذیرش فناوری‌ها و رویکردهای نوین مدیریتی و جلب مشارکت عمومی و درج مفهوم عدالت اجتماعی به‌منظور تأمین رضایت حداکثری مردم و رفاه و آسایش آنها
خصوصی‌سازی	-تأکید بر عدالت اجتماعی و حفظ حقوق مردم در شرح وظایف به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی در خصوصی‌سازی -تأکید بر گسترش مشارکت بخش خصوصی و تعاونی در راهبرد به‌عنوان یک سازوکار اجتماعی -ضرورت درج عبارت «متناسب با شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهت رعایت عدالت اجتماعی و حفظ حقوق مردم» در راهبرد
مدیریت و راهبری شبکه برق و توسعه و بهره‌برداری شبکه برق و انتقال	-تأکید بر بر برنامه‌ریزی توسعه متوازن و امکان دسترسی همگان به شبکه برق کشور به‌عنوان نماد امنیت در عرضه انرژی، عدالت در توزیع انرژی برق و تأکید بر توسعه متوازن -ضرورت توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و ارتقاء مسئولیت اجتماعی شهروندان -ضرورت توجه به «با رعایت ملاحظات فرهنگی و ایمنی» به‌منظور توجه به ابعاد فرهنگی مانند ملاحظات زیبایی‌شناختی و مبلمان شهری و نیز پیشگیری از آلودگی بصری و ارتقاء ایمنی و سلامت شهروندان
مدیریت آمار و اطلاع‌رسانی	-تأکید بر تسهیل دسترسی عمومی -ضرورت انضمام راهبرد «ایجاد سامانه‌های اطلاع‌رسانی عمومی ارتقاء شفافیت و پیشگیری از فساد در چارچوب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» به‌منظور تحقق ارتقاء کارآمدی وزارت نیرو در این بخش و نیز ارتقاء شاخص‌های حکمرانی خوب
مدیریت بحران	-تأکید بر آگاه‌سازی و توسعه فرهنگ مقابله با بحران -ضرورت درج قید جامعه‌محوردر راهبردها با توجه به توسعه رویکردهای جامعه‌محور در مدیریت بحران و ریسک در این حوزه، -ضرورت انضمام راهبردی با محتوای «ارتقاء تاب‌آوری اجتماعی قبل، حین و پس از بحران» با توجه به اهمیت تاب‌آوری اجتماعی در کنار تاب‌آوری فنی در شرایط بحران
وظایف حاکمیتی در زمینه پشتیبانی صنعت (مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، روابط عمومی، امور مالی، امور مشترکین)	-تأکید بر توسعه نظام سنجش و پایش رضایت مشتریان و ذی‌نفعان و کمک به ارتقاء فرهنگ مصرف بهینه -تأکید راهبردهای وظیفه‌ای حوزه مالی بر «شفاف‌سازی آثار خارجی مثبت (اجتماعی، زیست‌محیطی، امنیتی و ...) پروژه‌ها و جبران هزینه‌های آن از محل منابع عمومی»، «افزایش جذابیت مالی برای سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی به‌منظور پاسخ‌گویی به تقاضای مؤثر با تأکید بر فناوری های سازگار با محیطزیست» و «تقویت و گسترش تعاملات با ذینفعان و مشارکت آنها در سیاست‌گذاری‌های مالی صنعت آب و برق» -تأکید بر «ارتقاء و توسعهٔ استانداردها و شاخص‌های کیفیت، ایمنی، بهداشتی و زیست‌محیطی خدمات»، «رعایت عدالت و خدمات‌رسانی و افزایش رضایت مشترکین»، «پاسخگویی به مشترکین و جلب مشارکت و پایش رضایت آنان»، «شفاف‌سازی حقوق مشترکین و اصلاح نگرش مدیران و کارکنان»، «توسعه تعامل و ارتباط بین فروشندگان و خریداران» و «بیمه‌کردن مشترکین در مقابل حوادث ناشی از قصور عرضه‌کنندگان» در راهبردهای وظیفه‌ای حوزه مشترکین آب و برق -تأکید بر «تدوین و اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری و آموزشی مناسب، با توجه به سطوح مخاطبان برای ارتقاء سطح فرهنگ عمومی جامعه جهت نیل به مصرف بهینه و ارتقاء آگاهی عمومی نسبت به خدمات ارائه شده به جامعه در حوزهٔ آب و برق»، «انجام پیمایش‌های ملی و منطقه‌ای سالانه و افکارسنجی و اجرای طرح‌های پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی برای اطلاع از جایگاه صنعت آب و برق در افکار عمومی و انتخاب راه‌کارهای مناسب در جهت ارتقاء این جایگاه» و «ظرفیت‌سازی و حمایت از تشکل‌های مردم‌نهاد (*NGO*) و ایجاد تعامل منطقی با آنها برای ارتقاء فرهنگ عمومی جامعه نسبت به صنعت آب و برق و مسائل زیست‌محیطی این صنعت» در راهبردهای وظیفه‌ای روابط عمومی

به‌طورکلی باید گفت ماهیت بخش برق و انرژی همان‌طورکه در ادبیات مفهومی و نظری تحقیق و نیز تحلیل محتوای مأموریت‌ها، شرح وظایف و راهبردهای آن نشان داده شد، فارغ از اعمال رویکرد اجتماعی و یا عدم اعمال و نیز کم‌وکاستی‌های مرتبط، ماهیتی اجتماعی دارد. بنابراین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت بر فرایندهای گوناگون زنجیره آن با ابعاد اجتماعی چه از حیث ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و چه اعمال سازوکارهای آن مانند ایفاء مسئولیت اجتماعی، متقاعدسازی و پذیرش اجتماعی و در نهایت جلب مشارکت عمومی مواجه است. ازاین‌رو ضروری است چنین موضوعی هم در اهداف و مأموریت‌ها و راهبردهای بخش برق و انرژی گنجانده شود و هم اینکه سازوکاری فراهم شده باشد تا بتوان به رصد و پایش و نظارت بر اعمال آن پرداخت. ضرورت اتخاذ رویکرد پایدار در توسعه صنعت برق و انرژی، چنین الزاماتی را می‌طلبد. ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی توسعه پایدار

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تا حدودی مورد رصد و پایش بوده که این هم برگرفته از گفتمانی است که به نوعی جلوتر از ابعاد اجتماعی بروز و ظهور یافته است.

لازم به یادآوری است در دوره وزارت آقای رضا اردکانیان، مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی در سال ۱۳۹۷ که مستقیماً زیر نظر حوزه وزیر قرار داشت تأسیس شد که در سال ۱۴۰۰ در آغاز دوره وزارت آقای علی‌اکبر محرابیان منحل شد و واحد جایگزینی نیز برای ادامه فعالیت‌های آن در نظر گرفته نشد. مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی با مأموریت نقش‌آفرینی جدی و اثرگذار علوم اجتماعی در پایدارسازی منابع آب و انرژی تأسیس شده بود. اهداف مهم تأسیس مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی، تسهیل تولید «علوم اجتماعی آب و انرژی» از طریق سه رویکرد کلی «سیاست‌پژوهشی و تولید دانش»، «توسعه ارتباطات و ظرفیت‌های اجتماعی» و «کاربست دانش اجتماعی» در گفتمان، رویکردها، برنامه‌ریزی‌ها، طراحی‌ها، ارزیابی‌ها، عملیات عمرانی، بهره‌برداری، ارزیابی‌ها و سایر فعالیت‌های وزارت نیرو و زیرمجموعه‌های تابعه با هدف بهبود کیفیت تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و اجرای اقدامات برای ارائه خدمات در حوزه آب و انرژی بود. بر اساس افقی که برای مرکز متصور شده بود، مرکز باید بتواند در اجتماعی شدن مسئله آب و انرژی و تغییر آن از مسئله‌ای صرفاً فنی–بوروکراتیک به مسئله‌ای فنی–اجتماعی نقش مؤثر ایفا کند[۱].

بر اساس اهداف راهبردی و اجرایی مرکز (جدول شماره ۲–۲۱)، ساختار گروه‌ها و شرح وظایف آنها (جدول ۲–۲۲) و نیز اقداماتی که تحت عنوان «خدمات و زمینه‌های هم‌افزایی» برای پاسخ به مسائل و چالش‌های سه دسته از ذی‌نفعان خود –ساختار وزارت نیرو و زیرمجموعه‌های آن، نهادهای سیاست‌گذاری و حاکمیتی و در نهایت بخش خصوصی و جامعه مدنی– ذکر شده بود؛ می‌توان گفت مأموریت‌های مرکز بیشتر ماهیتی مطالعاتی و پژوهشی داشت. البته ازآنجاکه پیشوند مرکز را بر خود داشت، لازم بود که مأموریت‌ها، وظایف و اهداف راهبردی آن ماهیتی پژوهشی–مطالعاتی را دربر داشته باشد. اگرچه چنین اقداماتی در عرصه وزارت نیرو ضروری بوده اما چنین حجمی از فعالیت و ماهیت فعالیت‌ها در این قالب با توجه به منابع انسانی موردنیاز و نیز منابع مالی موجود نمی‌تواند عملیاتی شود. در حوزه پژوهش و مطالعات نیز، آنجا که قصد ارائه خدماتی در این حوزه در رابطه با مجموعه ستادی و زیرمجموعه دارد، بیانگر تصدی بودن فعالیت‌ها تا جنبه حاکمیتی آنها است. در اینجا پیشنهاد بر این است که در حوزه انجام پژوهش‌ها، بر راهبری و نظارت بر نیازسنجی و تدوین اولویت‌های پژوهشی تأکید می‌شد تا انجام آنها توسط مرکز. ضمن اینکه با توجه به برخورداری وزارت نیرو از توان تخصصی و پژوهشی پژوهشگاه نیرو در عرصه برق و انرژی و نیز مؤسسه مطالعات آب در حوزه آب به‌عنوان دو بخش تخصصی وزارت نیرو و ساختاری که این مراکز پژوهشی دارند، عمده شرح وظایف پژوهشی می‌تواند در این بخش‌ها قرار بگیرد کمااینکه آنها در ساختار خود چنین موضوعاتی را پیش‌بینی نموده‌اند.

نقدهای دیگری را نیز در جهت بهبود رویکرد اجتماعی می‌توان به ساختار مرکز وارد کرد: یکی اینکه بخش زیادی از خدمات و نیز شرح وظایفی که برای مرکز بیان شده می‌تواند در مأموریت‌ها و شرح وظایف بخش‌های تخصصی و پشتیبانی وزارت گنجانده شود به این معنا که اگر دنبال جاانداختن علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی هستیم و جریان‌سازی و کاربست دستاوردهای آن ضرورت دارد بنابراین باید شرح وظایف واحدهای تخصصی بازبینی شده و همین مواردی که مرکز به‌عنوان شرح وظایف خود قرار داده بود، در آن گنجانده شود. حجم وسیعی از فعالیت‌ها و اقداماتی که مرکز برای خود تعریف نموده، با توجه به ظرفیت‌های آن امکان اجرائی شدن را ندارد. ازاین‌رو تقویت رویکرد اجتماعی مستلزم بازتعریف مأموریت‌ها و شرح وظایف بخش‌های تخصصی و پشتیبانی است. جریان‌سازی علوم اجتماعی و تلاش برای کاربست آن نیز در حیطه مراکز پژوهشی که از ظرفیت‌های لازم نیروی انسانی و علمی و پژوهشی برخوردار هستند می‌گنجد. نقد مهمی دیگری که بر مرکز امور اجتماعی وارد است، سازوکاری برای پیگیری سیاست‌های اجتماعی و نیز رصد و پایش اهداف و وظایف اجتماعی مندرج در شرح وظایف معاونت‌های تخصصی و شرکت‌های زیرمجموعه را مشخص نکرده اگرچه به صورت تلویحی و یا مشخص با تأکید با تحلیل اجتماعی سیاست‌ها و طرح‌ها و نیز ارزیابی تأثیرات اجتماعی آنها می‌توان دریافت که دنبال چنین اهدافی بوده امّا این موضوع نمی‌تواند پاسخگوی یک سازوکار

۱ سند ساختار و کارکردهای مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی (مردادماه ۱۳۹۷)، مندرج در: *https://www.moe.gov.ir/* ؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مشخص برای ارزیابی و رصد و پایش رویکرد اجتماعی در حوزه آب و انرژی باشد. با توجه به نیاز گسترده صنعت برق و انرژی و حوزه آب به مشارکت و همراهی مردم و نیز اهمیت و ضرورت توجه صنعت به رضایت حداکثری جامعه و تحقق عدالت اجتماعی در عرصه مأموریت‌های خود، نیاز است وزارت نیرو جهت تحقق رویکرد اجتماعی در اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های خود، گام‌هایی را فراتر از حوزه مطالعه و پژوهش علوم اجتماعی آب و انرژی بردارد. آنجاکه بر اساس تجارب عملی در خارج از کشور و در وزارت نفت، به ایجاد واحدهایی همت بگمارد که در وهله اوّل ناظر بر اقدامات اجتماعی و پیشبرد آن در سطح سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا بوده و به‌طور مستمر آن را رصد و پایش کند ضمن آنکه در سطوح منطقه‌ای و محلی زمینه توسعه ارتباطات با ذی‌نفعان را با ایجاد سازوکارهایی مشارکتی و اجرایی در شرکت‌های زیرمجموعه که باید به واحد ستادی پاسخگو باشند به صورت برنامه‌های زمانی مشخص تدوین کند. توسعه ارتباطات با ذی‌نفعان به‌ویژه در حوزه مصرف ضروری است. توجه به این نکته ضروری است که ساختار سازمانی مبتنی بر مدیریت این امر توسط واحدی مستقر در شرکت‌های مادرتخصصی و زیرمجموعه اقدام موفقی نخواهد شد بلکه ضرورت دارد اقدامات اجتماعی از این دست در قالب کمیته‌ای متشکل از واحدهای مربوطه در آن شرکت راهبری شود؛ زیرا ماهیت پشتیبانی فعالیت‌های اجتماعی نیاز به اتخاذ چنین رویکردی مشارکتی دارد. وزارت نفت در حوزه توسعه فعالیت‌های اجتماعی چنین رویه‌ای را در پیش گرفته است. این وزارتخانه با ابلاغ «سیاست‌ها و نظام‌نامه نحوه ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در صنعت نفت»[1]، سازوکار مشخص و عملیاتی را برای ایفای بهتر مسئولیت اجتماعی خود در سطح ستاد و شرکت‌های مادرتخصصی تدوین نموده است. آثار محیط اجتماعی بر کارآیی فعالیت‌های صنعت نفت، ارائه تصویر مناسب از صنعت نفت در افکار عمومی، ایجاد فضای لازم برای افزایش اعتماد اجتماعی، بهبود روابط با جوامع محلی و تسهیل شرایط کاری صنعت نفت در این جوامع، بهینه‌سازی هزینه‌کردها درزمینه اقدام‌های مسئولانه سازمان‌ها و شرکت‌های نفتی و نظارت عالیه در این خصوص فلسفه اصلی ابلاغ سیاست‌ها و نظام‌نامه نحوه ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در صنعت نفت بوده که همه شرکت‌های اصلی و فرعی و تابعه وزارت نفت مشمول این نظام‌نامه هستند. موضوعات و زمینه‌های عمل مشتمل بر ابعاد رعایت ضوابط حفظ محیط زیست در طراحی و اجرای طرح‌های صنعت نفت، نیازسنجی، ارزیابی و اجرای طرح‌های عمرانی در مناطق، بررسی و احصای ظرفیت‌های توسعه محلی، برقراری ارتباط مؤثر با مردم، جریانات اجتماعی و بزرگان مناطق به‌منظور ایجاد احساس منفعت مشترک، اقناع و تنویر افکار عمومی، کمک به هدایت و توانمندسازی ساکنان و ارائه خدمات رفاهی، فرهنگی و سلامت عمومی به جوامع محلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تولیدی و خدماتی مناطق و نیروی کار انسانی صاحب صلاحیت، است. بر اساس آیین‌نامه اجرایی نظام‌نامه مذکور[2]، همه شرکت‌ها/سازمان‌های فعال در صنعت نفت باید برای اجرایی کردن مفاد نظام‌نامه، موارد را از طریق کمیته‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و با هماهنگی مشاوران اجتماعی شرکت‌های اصلی به انجام رسانند. تعیین دبیر و تشکیل کمیته مسئولیت اجتماعی (در چهار شرکت اصلی توسط مشاوران اجتماعی و در شرکت/سازمان‌های فرعی توسط مدیران عامل) و نیز تشکیل دبیرخانه کمیته بخشی از این موارد است. مدیران عامل شرکت/سازمان‌ها ریاست کمیته‌های مسئولیت اجتماعی را بر عهده خواهند داشت و کمیته متشکل از واحدهای *HSE*، روابط عمومی، منابع انسانی (مددکاری اجتماعی)، مشاوران امور زنان و سایر واحدها بر حسب صلاحدید مدیر عامل خواهد بود. وظایف کمیته‌ها؛ شناسایی ذی‌نفعان، احصاء و اولویت‌بندی نیازها و چالش‌ها در چارچوب نظامنامه و نیز تدوین برنامه جامع سالانه، راهبری امور، همکاری در اجرا و پایش برنامه‌های مصوب و ارزیابی نتایج آنها است. ازاین‌رو با توجه به مباحثی که مطرح شد، به نظر می‌رسد بازنگری در مأموریت‌ها و وظایف مرکز ضروری باشد. مرکز باید علاوه بر راهبری مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی در رابطه با سیاست‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ها و تحلیل و ارزیابی تأثیرات اجتماعی (نیازسنجی و تعریف اولویت‌های پژوهش‌های اجتماعی واحدهای ستادی و زیرمجموعه در همکاری با واحدهای ذیربط و دفتر تحقیقات و فناوری، تحلیل اجتماعی طرح‌ها و نظارت بر ارزیابی و ارزشیابی تأثیرات اجتماعی)؛ فعالیت‌های مرتبط با ارتقاء ایفای مسئولیت

۱ نشانی اینترنتی اخذ نظامنامه (تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰): https://csr.nigc.ir/index.aspx?siteid=70&&siteid=70&pageid=3674

۲ نشانی اینترنتی اخذ آیین‌نامه (تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰): https://csr.nigc.ir/index.aspx?siteid=70&&siteid=70&pageid=3674

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

اجتماعی وزارت نیرو و جلب مشارکت ذی‌نفعان (جوامع محلی، فرهنگ مصرف مشترکین، نهادهای مدنی، علمی و صنفی، مشارکت‌های اجتماعی و مالی) را با تکیه بر تدوین سازوکارهای مشخص ساماندهی کرده ضمن آنکه فضای بهره‌گیری از نوآورهای اجتماعی را در حل مسائل فنی و اجتماعی حوزه آب و انرژی (استارتاپ‌ها، زیست‌بوم نوآوری نیرو، تحولات فناوری) فراهم و تسهیل کند. برای مثال تجربه مالزی در حوزه نوآوری اجتماعی نشان می‌دهد یکی از بخش‌های سازمانی پورتال وزارت انرژی، علم، تکنولوژی، محیط و تغییرات شیمیایی کشور مالزی، کمک‌های مالی است. برنامه نوآوری اجتماعی مالزی (*MySI*)[1] بخشی از ابتکار عمل وزارت نیرو برای جمع‌آوری درآمدها، استفاده از فناوری موجود برای رفع نیازهای اجتماعی و بهبود جامعه روستایی است. مقصود این سازمان کمک به اجرای پروژه‌های کاربردی فناوری *R&D* مبتکرانه و محلی برای افزایش رفاه جامعه و گروه هدف است. موضوع پیگیری و نهادینه‌سازی رویکرد اجتماعی از طریق دفتری با مأموریت‌های مذکور در حوزه ستادی و ایجاد ساختارهای متناظر آن در سطح زیرمجموعه (البته به صورت کمیته‌ای و مبتنی بر مشارکت همه واحدهای مرتبط با توجه به ماهیت خاص پشتیبانی حوزه اجتماعی) ضرورت دارد و در واقع گام اساسی به‌شمار می‌آید.

جدول ۲-۲۱: اهداف راهبردی و اجرایی مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی (سابق) وزارت نیرو

اهداف راهبردی	اهداف اجرایی
تسهیل گذار به مدیریت توأمان عرضه و مصرف/تقاضای آب و انرژی	انجام پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و سیاست‌پژوهی/ایجاد بانک داده‌های مرتبط با علوم اجتماعی آب و انرژی/تبادل تجارب و دانش روز جهانی /تحلیل الزامات اجتماعی تحقق مدیریت توأمان عرضه و مصرف؛ تقاضا/تحلیل الزامات اجتماعی تحقق حکمرانی و مدیریت مبتنی بر همبسته آب، انرژی، غذا، خاک و پسماند/مستندسازی دانش بومی و تاریخی/تولید و انتشار یافته‌های سیاستی علوم اجتماعی/راه‌اندازی پایگاه اینترنتی توسعه دانش/عمومی ساختن دانش/ارتقای سطح اطلاع‌رسانی و تعامل وزارت نیرو و زیرمجموعه با جامعه بر محور کاربست یافته‌های علوم اجتماعی
توسعه اعتماد و سرمایه اجتماعی در نظام حکمرانی و مدیریت منابع آب و انرژی	ارتباط‌گیری گسترده با ذی‌نفعان در همه سطوح به‌منظور پیشبرد گفت و گوی اجتماعی بر محور پایدارسازی منابع آب و انرژی در گستره ملی/تلاش برای تصویب و پیشبرد دهه همکاری‌های ملی آب در سطح جامعه و تصمیم گیرندگان/راه‌اندازی گفت‌گوهای ملی و محلی از طریق فعال کردن نهادهای مدنی و محلی/ایجاد شبکه‌های ارتباطات علمی و مدیریتی بین وزارت نیرو و وزارتخانه‌های دیگر با محوریت علوم اجتماعی آب و انرژی/تسهیل همکاری وزارتخانه با نهادهای دولتی دیگر و ذی‌نفعان و به‌منظور آماده شدن برای اعمال فرایند تغییر در فرایندها و بیشتر گفتگویی شدن شیوه‌های تصمیم‌گیری/کمک به گشودن درهای تصمیم‌گیری بر روی ذی‌نفعان و تقویت مشارکت از طریق نشست‌های تعاملی و حضور سازمان‌یافته جامعه مدنی در فرایند تصمیم‌گیری/ایجاد شبکه متخصصان علوم اجتماعی آب و انرژی/ارتباط و همکاری با رسانه‌های تخصصی و اثربخش، نهادهای مدنی و شبکه‌های اجتماعی و فعال کردن ظرفیت‌ها بالقوه آنها/تسهیل‌گری در شکل‌گیری همکاری و همبستگی بین نهادهای دولتی با همدیگر و با گروه‌های مختلف اجتماعی در سطح محلی و ملی
نهادینه کردن ملاحظه تأثیر اجتماعی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های آب و انرژی در زندگی گروه‌های انسانی	توسعه استفاده مؤثر از ارزیابی تأثیر اجتماعی در طراحی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های آب و انرژی/تهیه و اجرایی کردن مندرجات پیوست اجتماعی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها
توسعه ظرفیت‌های انسانی استفاده از علوم اجتماعی آب و انرژی در طراحی و کاربست سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های آب و انرژی	آشنا ساختن نیروی انسانی شاغل در وزارت نیرو و زیرمجموعه‌های تابعه با علوم آب و انرژی/ارائه آموزش به‌منظور ظرفیت‌سازی نیروی انسانی متخصص در زمینه علوم اجتماعی آب و انرژی در مدیریت آب و انرژی کشور
افزایش اثربخشی نظام اطلاع‌رسانی و روابط عمومی	استفاده از علوم اجتماعی آب و انرژی برای مؤثر ساختن نظام ارتباطی وزارت نیرو و زیرمجموعه‌ها با عموم مردم/توسعه و تنوع‌بخشی به نظام و ابزارهای ارتباطی وزارت نیرو با ذی‌نفعان/طراحی و اجرای برنامه‌های ارتقای سواد آب و انرژی

مأخذ: سند ساختار و کارکردهای مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی (مردادماه ۱۳۹۷)، مندرج در: https://www.moe.gov.ir/ ؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

1 *Malaysia Social Innovation Fund*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۲۲: وظایف گروه‌های مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی (سابق) وزارت نیرو

عنوان گروه	شرح وظایف گروه
سیاست اجتماعی آب و انرژی	۱. شناسایی و آسیب‌شناسی نظام سیاست اجتماعی حوزه آب و انرژی در ایران ۲. همکاری در ارتقای تولید و انتقال دانش علوم اجتماعی آب و انرژی (عمدتاً مرتبط با حوزه‌های جامعه‌شناسی، تاریخ، جغرافیا و ارتباطات اجتماعی) ۳. انجام مطالعات تحلیل اجتماعی تولید، توزیع و مصرف آب و انرژی ۴. توسعه، ساماندهی و ارتقا نظام ارتباطات وزارت نیرو، با ذی‌نفعان مؤثر و متخصصان علوم اجتماعی آب و انرژی ۵. مطالعه و تحلیل تأثیر سیاست‌ها، برنامه و طرح‌های حوزه آب و انرژی بر نظام اجتماعی ۶. توسعه سیاست‌ها، برنامه‌ها وطرح‌های ارتقای مشارکت و گفتگوی اجتماعی فراگیر با ذی‌نفعان اجتماعی آب و انرژی ۷. مشارکت در اجتماعی و عمومی کردن دانش آب و انرژی و ارتقا کیفیت مدیریت مصرف و تقاضای منابع آب و انرژی ۸. تولید دانش و اجرایی شدن راهبردهای ارتقا الگوهای فرهنگی رفتار پایدار و بهینه‌سازی رفتارهای مصرف آب و انرژی ۹. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی ارتقای علوم اجتماعی آب و انرژی و کاربست آن ۱۰. تولید محتوا و جلب مشارکت جهت پایدارسازی «مسئولیت اجتماعی در سازمان‌های خصوصی»
بررسی‌های اقتصاد اجتماعی آب و انرژی	۱. مشارکت در تولید و انتقال دانش اقتصاد اجتماعی منابع آب و انرژی (عمدتاً مرتبط با حوزه‌های اقتصاد، اقتصاد اجتماعی و اقتصاد سیاسی آب و انرژی) ۲. مطالعه و ارزیابی تأثیرات اجتماعی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی حوزه آب و انرژی ۳. توسعه و مشارکت در طراحی و اجرای سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی مؤثر بر بهینه‌سازی رفتار مصرف آب و انرژی ۴. توسعه تولید و انتشار دانش اقتصاد اجتماعی در حوزه منابع آب و انرژی ۵. تحلیل اقتصاد اجتماعی پایدارسازی حکمرانی و مدیریت منابع آب و انرژی ۶. مشارکت در طراحی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی مؤثر بر پایدارسازی مدیریت منابع آب و انرژی ۷. ارزیابی اقتصاد سیاسی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها در حوزه آب و انرژی ۸. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی اقتصاد اجتماعی آب و انرژی و کاربست آن ۹. توسعه ارتباطات با شبکه متخصصان اقتصاد اجتماعی آب و انرژی ۱۰. مشارکت در اجتماعی و عمومی‌کردن دانش اقتصاد اجتماعی آب و انرژی
بررسی‌های اجتماعی سیاست و حکمرانی آب و انرژی	۱. مشارکت در تولید و ارتقای کاربست علوم حکمرانی و سیاستگذاری عمومی در حوزه آب و انرژی (عمدتاً مرتبط با حوزه‌های سیاست‌گذاری عمومی، علوم سیاسی، حقوق و حکمرانی محیطزیستی) ۲. شناسایی و آسیب‌شناسی نظام‌های حکمرانی آب و انرژی در ایران ۳. مطالعات و کمک به اجرای یافته‌های علوم حکمرانی درزمینه توسعه حکمرانی مشارکتی و ارتقای مشارکت ذی‌نفعان در حکمرانی و مدیریت منابع آب و انرژی به‌منظور پایدارسازی این منابع ۴. بررسی و ارزیابی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های حوزه آب و انرژی به‌منظور ارتقای کیفیت حکمرانی ۵. طراحی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های مناسب برای تسهیل گذار از دوران مدیریت تأمین و عرضه آب و انرژی به دوران مدیریت توأمان عرضه و مصرف/تقاضای آب و انرژی به‌منظور پایدارسازی این منابع ۶. توسعه استفاده از علوم سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی در طراحی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های حوزه آب و انرژی ۷. توسعه ارتباطات با شبکه متخصصان علوم حکمرانی آب و انرژی ۸. مشارکت در اجتماعی و عمومی‌کردن دانش حکمرانی در حوزه آب و انرژی ۹. تولید محتوا و جلب مشارکت برای پایدارسازی مسئولیت اجتماعی در سازمان‌های دولتی ۱۰. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی ارتقای علوم حکمرانی آب و انرژی و کاربست آن

مأخذ: سند ساختار و کارکردهای مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی (مردادماه ۱۳۹۷)، مندرج در: https://www.moe.gov.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

مرکز امور اجتماعی اقداماتی را نیز در جهت تحقق مأموریت‌های خود انجام داده است. یکی از این اقدامات مهم که جای آن در توسعه صنعت برق و انرژی و آب خالی بوده و یا به نحو انسجام‌یافته‌ای شکل نگرفته بود، پیگیری ارزیابی تأثیرات اجتماعی طرح‌های توسعه‌ای بوده است. این مرکز با تدوین «فهرست خدمات مطالعات اجتماعی طرح‌های وزارت نیرو» گام اولیه را در این فرایند برداشته است که در ادامه توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

بر اساس آنچه در سند فهرست خدمات مطالعات اجتماعی طرح‌های وزارت نیرو آمده؛ با وجود اینکه در سطح کشور اقدامات ارزشمندی در خصوص ضرورت ارزیابی اثرات زیست‌محیطی طرح‌ها و پروژه‌ها و لزوم اخذ مجوز محیط زیستی برای همه طرح‌ها

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

و پروژه‌های کشور انجام و طبق مصوبه شماره ۴۵۸۸۰/۱۴۴۴۷۹ مورخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۰ شورای عالی حفاظت محیط زیست، طرح‌ها و پروژه‌هایی که مشمول ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی می‌شوند و در مسئله محیط زیست اهمیت راهبردی دارند مشخص شده اما در خصوص لزوم تهیه پیوست اجتماعی و اخذ تأییدیه اجتماعی در طرح‌های صنعت برق و انرژی اقدام درخوری در کشور انجام نشده است. تاکنون به اتکای این باور که طرح‌ها و پروژه‌های انرژی عمدتاً تخصصی و فنی هستند، شرح خدمات طرح‌ها به‌ویژه در بخش انرژی با توجه اندک به مؤلفه‌های اجتماعی تهیه شده است. اما با بررسی مسائل و مشکلات صنعت انرژی در مشورت با صاحب‌نظران این صنعت مشخص می‌شود که بخش مهمی از مسائل، به‌ویژه در طرح‌های تولید، انتقال و توزیع برق، اجتماعی هستند که بخشی از این مسائل به دلیل در نظر نگرفتن مؤلفه‌ها و چالش‌های اجتماعی، بروز کرده است. ازاین‌رو ضروری است که تمام طرح‌ها و پروژه‌هایی که حداقل طبق مصوبه شورای عالی حفاظت محیط زیست مشمول ارزیابی تأثیرات محیط زیستی می‌شوند، مطالعات اجتماعی برای آنها انجام و مجوزهای لازم در این خصوص اخذ شود. فرایند مطالعات اجتماعی دربرگیرنده تحلیل پروژه، شناسایی و تحلیل ذی‌نفعان، شناسایی عوامل و متغیرهای اجتماعی، تحلیل اطلاعات و ارزیابی اولویت‌ها، مشاوره با ذی‌نفعان و طراحی برنامه‌های کاهش اثرات منفی، اجرای برنامه‌ها و ایجاد مشارکت و پایش و ارزیابی و اصلاح است[۱].

پس از تأسیس مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی در وزارت نیرو (۱۳۹۷)، محمد فاضلی سرپرست محترم این مرکز طی نامه‌ای (شماره ۹۷/۳۶۹۱۷/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۰۷) از وزیر محترم نیرو درخواست کرد تا این مرکز در راستای عمل به مأموریت‌های خود که مبتنی بر نقش‌آفرینی جدی و اثرگذار علوم اجتماعی در پایدارسازی منابع آب و انرژی است؛ علاوه بر مشارکت در ترویج مدیریت مصرف از طریق فرایندهای آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی و جلب مشارکت اجتماعی؛ در ارزیابی تأثیرات اجتماعی طرح‌ها و پروژه‌های حوزه آب و انرژی نیز سهیم باشد. به عبارتی دیگر در مدیریت توأمان عرضه/تقاضا اثرگذار باشد.

مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی با استناد به مصوبه شورای عالی حفاظت محیط زیست مواردی را به‌منظور الزام به مطالعات اجتماعی و نظارت و تأیید آنها را از وزیر نیرو درخواست می‌نماید. سرپرست مرکز در مکاتبه خود با وزیر نیرو با اشاره به این موضوع که در این مصوبه به فهرست طرح‌ها و پروژه‌های مشمول مطالعات ارزیابی زیست‌محیطی اشاره شده و دو بند ۶ (تشریح وضعیت موجود محیط زیست منطقه) و ۷ (پیش‌بینی آثار و پیامدهای مثبت و منفی طرح) مربوط به رئوس و سرفصل گزارشات ارزیابی اجمالی طرح‌ها و پروژه‌های مشمول ارزیابی زیست‌محیطی آن مصوبه؛ شرح خدمات اجتماعی و فرهنگی (تشریح محیط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مشتمل بر جمعیت و ویژگی‌ها و تحولات آن، اشتغال، تسهیلات، آموزش، اعتقادات فرهنگی و مذهبی، میراث فرهنگی (بند ۶) و پیش‌بینی آثار و پیامدهای مثبت و منفی طرح بر این محیط (بند ۷)) را نیز مشخص کرده[۲]؛ بر این باور بوده شرح وظایف مرکز، معنایی بسیار کامل‌تر و مفیدتر از امر اجتماعی برای سیاست‌گذاری مدیریت منابع آب و انرژی به دست می‌دهد. ازاین‌رو تصریح می‌نماید اثرگذار شدن علوم اجتماعی در مدیریت منابع آب و انرژی نیازمند آن است که مطالعات اجتماعی سیاست‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های صنعت آب و برق با دقت و متناسب با معنای تکامل‌یافته مندرج در شرح وظایف مرکز انجام گیرد و همان‌گونه‌که این‌گونه طرح‌ها مشمول ارزیابی زیست‌محیطی می‌شوند، مطالعات ارزیابی اجتماعی نیز در خصوص آنها صورت گیرد.

در همین راستا، مرکز از وزیر نیرو درخواست نموده تا به نحو مقتضی و الزام‌آور، ترتیبی اتخاذ شود که حداقل آن دسته طرح‌ها و پروژه‌های صنعت آب و برق که طبق مصوبه شورای عالی حفاظت محیط زیست ملزم به اخذ مجوزهای زیست‌محیطی هستند،

---

۱ برگرفته (با اعمال تغییراتی) از فهرست خدمات مطالعات اجتماعی طرح‌های وزارت نیرو، مندرج در پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی وزارت نیرو (تاریخ انتشار: خردادماه ۱۳۹۹)- https://csawe.moe.gov.ir/.

۲ لازم به یادآوری است «محیط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی» در کنار محیط فیزیکی (خاک‌شناسی، زمین‌شناسی، منابع آب، هوا و اقلیم، صدا و ارتعاشات)، محیط طبیعی و بیولوژیکی، بهداشت و سلامت جامعه جزو ابعاد محیط زیست منطقه مندرج در «رئوس و سرفصل گزارشات ارزیابی اجمالی طرح‌ها و پروژه‌های مشمول ارزیابی زیست‌محیطی» مصوبه شورای عالی حفاظت از محیط زیست است که ضمن ارائه وضعیت موجود آنها، ضرورت دارد به پیش‌بینی آثار مثبت و منفی طرح نیز بر آنها پرداخت.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ملزم به رعایت دو مورد دیگر نیز، یکی تصویب شرح خدمات مطالعات اجتماعی طرح و پروژه در مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی و دیگری انجام مطالعات اجتماعی طرح و پروژه با نظارت و تأیید آن مرکز باشند.

با توجه به موارد مندرج در این نامه، مرکز بر انجام مطالعات اجتماعی طرح‌ها و پروژه‌های وزارت نیرو به صورت جداگانه و فراتر از شرح خدمات مندرج در مصوبه شورای عالی حفاظت محیط زیست که با نظارت و تأیید آن مرکز نیز باشد، تأکید ویژه داشته است. حسب اهمیت این موضوع، مرکز امور اجتماعی منابع آب و نیرو (خردادماه ۱۳۹۹)، نسبت به تهیه و تدوین «فهرست خدمات مطالعات اجتماعی طرح‌های وزارت نیرو» که مشتمل بر چارچوب کلان و محورهای اصلی فهرست خدمات در دو حوزه آب و نیرو بوده اقدام می‌نماید که وزیر نیرو، طی بخشنامه شماره ۹۹/۲۰۴۹۸/۱۱/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۳۰ آن را به کلیه معاونت‌ها، شرکت‌های مادرتخصصی، ساتبا و شرکت‌های زیرمجموعه ابلاغ می‌نماید.

وزیر نیرو در این بخشنامه، مواردی را در راستای بررسی اثربخش، مشارکتی و جامع طرح‌ها و پروژه‌های وزارت نیرو و مدیریت پیامدهای اجتماعی آنها با هدف افزایش پایداری و رفاه اجتماعی جهت اقدام به کلیه معاونت‌ها، شرکت‌های مادرتخصصی، ساتبا و شرکت‌های زیرمجموعه ابلاغ می‌نماید. ازاین‌رو می‌توان گفت وزارت نیرو با انجام این اقدامات در پی پیاده‌سازی رویکردی جامع در طرح‌ها و پروژه‌های وزارت نیرو مبتنی بر توسعه پایدار از منظر اجتماعی بوده است.

بر مبنای بند یک این بخشنامه، «فهرست خدمات مطالعات اجتماعی طرح‌ها» که به تفکیک طرح‌های آب و آبفا و طرح‌های برق و انرژی بوده، جایگزین فهرست خدمات قبلی شده و مبنای عمل در انجام مطالعات اجتماعی طرح‌ها قرار خواهد گرفت. از همین روی در بند دو بخشنامه، معاونت‌های آب و برق و انرژی موظف شده‌اند با همکاری و هماهنگی مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی، حداکثر ظرف یک سال آینده نسبت به تهیه شرح خدمات اجتماعی متناسب با فهرست خدمات تدوین‌شده توسط مرکز برای طرح‌های مختلف و اخذ تأییدیه از سازمان برنامه و بودجه کشور و قرار دادن آنها در شرح خدمات مطالعات طرح‌ها، اقدام کنند. بر این اساس فهرست خدمات مرکز، چارچوب کار بوده و باید فهرست خدمات تخصصی هر یک از این حوزه‌ها متناسب با آن تهیه و تدوین و موردتأیید آن مرکز نیز قرار گیرد و سپس تأییدیه آن از سازمان برنامه و بودجه کشور اخذ گردد. در بند سه، اقدام بر اساس فهرست مذکور، صرفاً برای طرح‌ها و پروژه‌هایی است که مطابق با مصوبه شورای عالی حفاظت از محیط زیست، مشمول مطالعات ارزیابی زیست‌محیطی هستند (ر. ک.: جدول شماره ۲-۲۳).

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۲۳: طرح‌ها و پروژه‌های صنعت برق و انرژی مشمول مطالعات ارزیابی زیست‌محیطی و مطالعات اجتماعی

نوع منطقه / عنوان طرح و پروژه		منطقه خزری[1]	نوار ساحلی جنوب[2]	عرصه‌های جنگلی[3]	حریم مناطق تحت حفاظت سازمان و تالاب‌های بین‌المللی	حوضه‌های آبریز بلافصل سدها و سایر تالاب‌ها	آبخوان‌ها و سفره‌های آب شرب	دریاها و دریاچه‌ها و جزایر	مناطق کوهستانی[4]	سایر مناطق[5]	ملاحظات
عنوان طرح	عنوان پروژه										
نیروگاه	گازی (در هر مقیاس)	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	به استثنای نیروگاه‌های مولد مقیاس کوچک
	سیکل ترکیبی(در هر مقیاس)	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	زمین‌گرمایی (در هر مقیاس)	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	–	
	بادی و خورشیدی (بیش از صد مگاوات)	–	–	✓	✓	–	–	✓	–	–	
	برق‌آبی و تلمبه ذخیره‌ای (بیش از صد مگاوات)	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	–	
خدماتی	خطوط انتقال نیرو فشار قوی ۲۳۰ کیلوولت به بالا	✓	–	✓	✓	✓	–	✓	✓	–	

مأخذ: (بر اساس بخشنامه شماره ۹۹/۲۰۴۹۸/۱۱/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۳۰ وزیر نیرو)

مطابق با بند چهار بخشنامه تا زمان تحقق مفاد بند دو، لازم است شرح خدمات تهیه‌شده‌ی طرح‌ها و پروژه‌ها، به تأیید شرکت‌های مادرتخصصی برسد. در همین راستا شرکت‌های مادرتخصصی و ساتبا می‌توانند از خدمات تخصصی و مشاوره‌ای مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی استفاده کنند. در بند پنج، شرکت‌های مادرتخصصی و ساتبا موظف شده‌اند پس از تهیه گزارش مطالعات اجتماعی طرح‌ها، یک نسخه از گزارش را به مرکز امور اجتماعی آب و انرژی ارسال کنند. حضور نماینده مرکز در جلسات کمیته فنی شرکت‌های مادرتخصصی که به‌منظور بررسی و تأیید مطالعات اجتماعی طرح‌ها تشکیل می‌شود، الزامی است. در همین راستا، بند شش مرکز را مکلف نموده در خصوص طرح‌های تأییدشده، گزارش سیاستی تهیه و به دفتر وزارتی ارائه کنند. مطابق با آنچه در بند هفت این بخشنامه آمده، رئیس مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی به‌عنوان عضو صاحب رأی در کمیته تصویب نهایی طرح‌ها در حوزه ستادی وزرات نیرو جهت نظارت بر رعایت ملاحظات اجتماعی حضور خواهند داشت. لازم به یادآوری است اگرچه سند فهرست خدمات مطالعات اجتماعی به دو حوزه صنعت آب و انرژی پرداخته اما در این نوشتار صرفاً به تحلیل بخش مرتبط با صنعت برق و انرژی پرداخته شده است.

۱ استان‌های شمالی کشور
۲ کلیه شهرستان‌های نوار ساحلی جنوب
۳ پهن‌برگ، سوزنی برگ، حفاظتی، مانگرو، زاگرسی، پارک‌های جنگلی طبیعی و دست‌کاشت
۴ شمالغرب، غرب و جنوب غرب کشور
۵ بیابانی و دشت‌های حوضه مرکزی، جنوبی و شرقی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

سند فهرست خدمات اجتماعی مطالعات اجتماعی طرح‌های وزارت نیرو در دو بخش کلی چارچوب کلان و فهرست خدمات اجتماعی طرح‌های آب و انرژی تهیه شده است. در واقع در بخش اول ارزش‌ها و اصولی که باید در تصمیم‌گیری درباره طرح‌های آب و انرژی رعایت شود، آورده شده و در بخش دوم نیز فهرست خدمات اجتماعی برای طرح‌ها و پروژه‌ها تشریح شده است. به‌طورکلی بخش اول مبتنی بر چارچوب مفهومی بوده که در بخش دوم، محورهای کلی اجتماعی متناسب با مراحل مختلف نظام فنی و اجرایی کشور و با اتکای به آن چارچوب مشخص می‌شود. این فهرست برای همه انواع طرح‌های آب و انرژی در بخش‌های مختلف تهیه شده و به موضوعات مشترک همه طرح‌ها نظر دارد. این فهرست به‌عنوان چارچوب اصلی خدمات اجتماعی بوده و نیاز است تا به اتکای به آن، ریز شرح خدمات اجتماعی برای هر نوع و دسته از طرح‌ها، توسط واحدهای مربوطه تهیه شود. بر اساس بخشنامه ابلاغی وزیر که پیش از این به آن پرداخته شد، این اقدام لازم است ظرف یکسال تهیه و پس از تأیید مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی جهت تصویب و تأیید نهایی به سازمان برنامه و بودجه ارسال گردد.

یکی از موضوعات مهم بخش اول فهرست، آسیب‌شناسی تجربه ملی طرح‌های آب و انرژی بوده و آن‌طورکه در این بخش تبیین شده، کم‌توجهی به ابعاد غیرسازه‌ای از جمله جنبه‌های اجتماعی باعث شده است که طرح‌های سرمایه‌گذاری کشور در بخش‌های آب و انرژی در دهه‌های گذشته از این نظر دارای کاستی‌های عمده‌ای باشند. از جمله این کاستی‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- کم‌توجهی به تعریف دقیق و طرح درست مسئله و بررسی همه گزینه‌های ممکن برای پاسخگویی به نیازها و انتظارات
- عدم انجام ارزیابی متوازن و جامع از اجرای طرح‌ها، به‌ویژه از بعد اجتماعی، هم‌سطح با ارزیابی فنی در طرح‌ها
- شناخت نادقیق و بررسی ناکافی از نیازهای همه گروداران[1] و درهم‌تنیدگی این نیازها
- شناخت و تحلیل ناکافی نظام انگیزه‌های همه گروه‌های اجتماعی متأثر از طرح
- شناخت ناکافی از گروداران و تحلیل نقش هر یک و شناخت ناکافی از شبکه اجتماعی موجود بین گروداران در فرایند طرح‌ها
- ناروشن بودن انتظارات و نبود هدف‌گذاری‌های دقیق از سطح و عمق مشارکت گروداران در فرایند چرخه زندگی طرح
- نبود سازوکار و هرگونه شاخصی برای سنجش و ارزشیابی میزان تحقق اهداف اجتماعی طرح‌ها
- موفقیت اندک در مشارکت دادن همه گروداران در تصمیم‌گیری، اجرا و بهره‌برداری از طرح
- فقدان توجه ناکافی به ابعاد اجتماعی مرحله بهره‌برداری و نگهداری از طرح‌ها
- نبود سازوکار و هرگونه شاخصی برای سنجش و ازشیابی میزان رضایت گروداران از اجرا و بهره‌برداری از طرح‌ها
- نبود اهداف و شاخص‌های عملیاتی‌شده در طرح‌ها برای سنجش و ارزشیابی اثرات طرح‌ها در تحقق هدف کلان رعایت عدالت در تقسیم منافع و مضار طرح‌ها
- کم‌توجهی به ضرورت ارزیابی میزان پذیرش عمومی طرح‌ها از سوی گروداران و اجماع بر سر گزینه‌های مطلوب قبل از اجرا
- نبود یک سازوکار مناسب برای پایش و ارزشیابی مستمر اثرات اجتماعی طرح‌ها بعد از اجرا و استفاده از این ارزشیابی برای تعریف طرح‌های جدید

۱ آن‌طورکه در بخش تعریف مفاهیم سند آمده، این اصطلاح معادل *stakeholders* در نظر گرفته شده است. معادل‌های دیگری چون ذینفعان، بازیگران، کنشگران، دست‌اندرکاران و ذی‌مدخلان هم برای این مفهوم مورداستفاده قرار می‌گیرد. گروداران به افراد و گروه‌هایی اطلاق می‌شوند که به نحوی در فرایند مدیریت آب یا انرژی باید در نظر گرفته شوند. بر اساس تفکر رایج گروداران را شامل ذی‌مدخلان و ذینفعان می‌دانند.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

طرح ارزش‌ها و اصول اجتماعی طراحی و اجرای طرح‌های آب و انرژی یکی دیگر از موارد قابل‌توجه بخش اول فهرست است. ازاین‌رو ارزش‌های اجتماعی که باید در تمام مراحل طرح و در اصول اساسی تصمیم‌گیری درباره احداث طرح‌ها رعایت شوند عبارت‌اند از:

- رعایت انصاف در تخصیص منابع و منافع: ذیل مفهوم عدالت زیست‌محیطی در تحقق برخورداری عادلانه گروه‌های مرتبط در بهره‌برداری از منابع طبیعی، اجرای عدالت توزیعی، فرایندی و عدالت تعاملی مدنظر است.
- بهره‌وری: بهره‌وری را ترکیب اثربخشی (انتخاب سیاست، رویه و خط‌مشی درست) و کارایی (اجرای سیاست و رویه به بهترین نحو) می‌دانند.
- شفافیت، اجماع‌محوری و مشارکت در تصمیم‌گیری: به‌شمار آوردن تمام گروداران و مشارکت دادن آنها در تصمیم‌گیری از طریق ایجاد بستر بحث و گفتگو و رسیدن به اجماع درباره گزینه‌های مختلف در یک فرایند شفاف محقق می‌شود.
- پایداری: از نظر زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طرح موردنظر برای نسل فعلی و نسل‌های آتی امنیت و پایداری داشته باشد.
- پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری: مجریان طرح با روحیه تعاملی و با نگاه مسئولیت‌پذیرانه در قبال نسل‌های فعلی و آتی باید پاسخگوی تصمیم‌گیری‌های خود بوده و مسئولیت کاهش پیامدهای منفی اجتماعی و زیست‌محیطی طرح را برعهده بگیرند.

هم‌چنین اصول اساسی تصمیم‌گیری یا همان اصول اجتماعی که باعث گسترش پایه‌های تصمیم‌گیری مشارکتی و شناخت و درک کامل فایده‌ها و پیامدهای مثبت و منفی طرح‌ها و زمینه‌سازی ایجاد اجماع در مراحل مختلف فرایند طرح‌ها می‌شوند، نیز به قرار زیر هستند:

۱. تعریف دقیق مسئله، تعریف نیازها و ارزیابی جامع همه گزینه‌ها
۲. ارزشیابی طرح‌های گذشته با نگاه فرابخشی و ارزیابی طرح جدید در کنار دیگر طرح‌های توسعه
۳. حفظ پایداری محیط‌زیستی و اجتماعی مردم
۴. تحلیل گروداران طرح
۵. ایجاد اجماع بین همه گروداران و دستیابی به پذیرش عمومی
۶. ایجاد تعهد برای اجرای دقیق و کامل طرح

به‌طورکلی باید گفت، فهرست خدمات مطالعات اجتماعی در طرح‌ها و پروژه‌های وزارت نیرو که در این نوشتار با تأکید بر حوزه صنعت برق و انرژی بررسی شد، سند جامعی است که چارچوب کلان مطالعات اجتماعی در هر یک از مراحل فنی و اجرایی طرح‌ها و پروژه‌ها می‌باشد به این معنا که تدوین ریز مطالعات اجتماعی در هر یک از طرح‌ها بر اساس چارچوب و فهرست مذکور، صورت خواهد گرفت. این سند، گامی اساسی در نظام‌مند شدن مطالعات اجتماعی در طرح‌ها و الزام به اجرایی شدن آن است. بر خلاف الگوهای پیشین مطالعات اجتماعی در طرح‌ها، ابعاد اجتماعی مندرج در فهرست خدمات مطالعات اجتماعی تکامل‌یافته‌تر بوده و با رویکرد جامع‌تری جهت تحقق پایداری طرح‌ها تدوین گشته است. درصورتی‌که ریز خدمات مطالعات اجتماعی طرح‌های حوزه صنعت برق و انرژی نیز تدوین و به تأیید سازمان برنامه و بودجه برسد و توسط آن سازمان به‌عنوان مبنای کار مطالعات اجتماعی منتشر گردد، ضمن اینکه ضمانت اجرایی مطالعات اجتماعی تأمین شده، روش‌شناسی خاص مطالعات اجتماعی در این حوزه، راهنمای مناسب و متقنی فراروی مجریان، متخصصان و پیمانکاران خواهد بود که ضمن تحقق اهداف پایداری به تقویت و کارآمدی بیشتر حکمرانی صنعت برق و انرژی خواهد انجامید. تأکید این فهرست بر چگونگی انجام مطالعات در هر یک از مراحل فنی و اجرایی طرح‌ها، به استحکام پیوند علوم اجتماعی با حوزه فنی و مهندسی و کاربرد علوم اجتماعی در عرصه عمل خواهد انجامید آنجاکه به شناخت زمینه‌های اجتماعی و ایفای مسئولیت اجتماعی و نهایتاً پذیرش اجتماعی و مشارکت عمومی در طراحی، اجرا، بهره‌برداری و نگهداری و پایش و ارزشیابی طرح‌ها اهمیت ویژه‌ای داده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

چنین فهرستی می‌تواند برای دیگر طرح‌ها و پروژه‌های حوزه صنعت برق و انرژی نظیر هوشمندسازی کنتورهای برق، برق‌دارکردن چاه‌های آبی و ... و نیز سیاست‌ها و برنامه‌های آن حوزه انجام گیرد. پژوهشگاه نیرو نیز که اسناد توسعه فناوری در حوزه صنعت برق و انرژی را تدوین می‌نماید، می‌تواند با تهیه چنین فهرستی و الزام به انجام مطالعات اجتماعی به‌عنوان پیوست این اسناد، رویکرد توسعه پایدار و جامع را در اینگونه اسناد بهبود بخشد.

به‌طورکلی تدوین فهرست خدمات مطالعات اجتماعی در ادبیات گفتمان‌سازی علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی، اقدام عملیاتی مهمی به‌شمار می‌آید. این نوع اقدام در زمره الگوهای الزام بوده که بستری را فراهم می‌سازد تا صنعت ملزم شود از دستاوردهای علوم اجتماعی بهره‌برداری کند. کاربست نتایج چنین اقداماتی اگرچه در اوایل کار به رویه‌ای نمادین و نمایشی بینجامد اما با تقویت جریان می‌توان پیاده‌سازی چنین نتایجی را در عمل مشاهده کرد.

علاوه بر این اقدام مهم مرکز امور اجتماعی که در واقع به نوعی بیانگر نقش مرکز در کاربست علوم اجتماعی بوده، گزارش عملکرد مرکز از زمان تأسیس (مرداد ۱۳۹۷) لغایت سال ۱۴۰۰؛ بیانگر آن است که اقدامات اجتماعی دیگری را نیز در حوزه سیاست‌پژوهی و تولید دانش و نیز حوزه توسعه ارتباطات و ظرفیت‌های اجتماعی انجام داده است.

در حوزه سیاست‌پژوهشی و تولید دانش می‌توان به مواردی مانند تدوین برنامه اجتماعی مدیریت مصرف و تقاضای برق، مدیریت جامع اجتماعی بحران، گزارش سیاستی اکوسیستم‌های استارتاپی در حوزه برق و انرژی و راهبری و نظارت بر پروژه‌های پژوهشی پیمایش ملّی ارزش‌ها و نگرش‌ها، سنجش نگرش شغلی و عدالت سازمانی کارکنان وزارت نیرو و نظرسنجی درباره وضعیت کرونا در وزارت نیرو اشاره کرد. در حوزه توسعه ارتباطات و ظرفیت‌های اجتماعی نیز می‌توان این موارد را ذکر نمود: کمیته ایده‌پردازی و اطلاع‌رسانی به مقامات کشور، طرح حمایت از ایده‌های اجرایی اقتصاد رفتاری در صنعت آب و برق، تدوین و انتشار ویژه‌نامه پای فردا بر شانه‌های امروز، نشست‌های جامعه، آب و انرژی، طرح نظام مفهومی متقاعدسازی اجتماعی برای اصلاح تعرفه‌های آب و برق، طرح گفتگوی اجتماعی فراگیر در باره مدیریت اجتماعی مصرف آب و برق در تابستان سال ۱۴۰۰، دستورالعمل تعامل وزارت نیرو با سمن‌ها، پیشنهاد و تشکیل کمیته شهر حساس به برق و تشکیل کمیته ایده‌پردازی و تولید محتوای اطلاع‌رسانی استانی (پایلوت خراسان رضوی).

در پایان باید گفت که تأکید بر امر اجتماعی نباید توسعه پایدار را به این مقوله تقلیل کند. بهتر است که سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت بر توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) در یک حوزه یا واحد متمرکز انجام پذیرد. نادیده گرفتن هر یک از این ابعاد به عدم تحقق توسعه پایدار در صنعت آب و برق و یا بدقوارگی آن خواهد انجامید.

۲-۳-۲-۲. بررسی رویکرد اجتماعی در اهداف و مأموریت‌های زیرمجموعه وزارت نیرو

در زیرمجموعه بخش سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای صنعت برق و انرژی وزارت نیرو، سازمان ساتبا و شرکت‌های مادرتخصصی توانیر و برق حرارتی که هر کدام دارای شرکت‌های تابعه متعددی بوده قرار گرفته‌اند. در ادامه با تأکید بر اهداف و مأموریت‌های این سه قسمت، رویکرد اجتماعی آنها واکاوی خواهد شد. واحدهای تحلیل و معنایی به‌منظور تحلیل محتوای کیفی جهت شناسایی نحوه اتخاذ رویکرد اجتماعی و اعمال آن، اهداف و مأموریت‌هایی است که در اساسنامه آنها ذکر شده است. زیرمجموعه مادرتخصصی وزارت نیرو و ساتبا و شرکت‌های تابعه آنها در زمره بخش‌هایی از وزارت هستند که در عرصه حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی بیشتر مسئولیت برنامه‌ریزی حوزه تصدی‌گری و اجرا را در زنجیره صنعت برق و انرژی حسب مأموریتی که برایشان تعریف شده برعهده دارند.

۲-۳-۲-۲-۱. سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ساتبا[1] بر اساس ماده ۸ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و در راستای ارتقاء بهره‌وری و استفاده هر چه بیشتر از منابع تجدیدپذیر در سال ۱۳۹۵ و مطابق با مصوبه مجلس از ادغام سازمان انرژی های نوایران (سانا) و سازمان بهره‌وری انرژی ایران (سابا) تشکیل شده است. این سازمان مطابق با ماده ۱ قانون اساسنامه سازمان[2]، به‌منظور ارتقای بهره‌وری انرژی و استفاده هرچه بیشتر از منابع تجدیدپذیر و پاک از طریق فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم در کشور و افزایش بهره‌وری عرضه انرژی و کاهش تلفات انتقال، توزیع و مصرف انرژی در کشور و استفاده از روش‌های تولید برق تجدیدپذیر و پاک، تشکیل شده است. بر اساس تبصره ۱ این ماده، منابع تجدیدپذیر انرژی شامل انرژی بادی، خورشیدی، زمین گرمایی، آبی کوچک (تا ده مگاوات)، دریایی و زیست‌توده (بیومس) (اجزاء قابل تجزیه زیستی از محصولات، پسماندها و زائدات کشاورزی (شامل مواد گیاهی و دامی)، جنگل‌ها و صنایع وابسته و هم‌چنین زائدات صنعتی و شهری قابل‌تجزیه که قابلیت تولید برق، حرارت، سوخت‌های مایع، سوخت‌های گازی و انواع کاربردهای مفید شیمیایی را دارد.)، هیدروژنی، پیل سوختی و سایر منابع حاصل از انرژی‌های تجدیدشونده و پاک است. منظور از ارتقای بهره‌وری انرژی نیز در تبصره ۲، استفاده بهینه و منطقی از انرژی است به گونه‌ای که بدون کاهش رفاه اجتماعی و سطح تولید ملی بتوان از اتلاف آن از نقطه تولید تا پایان مصرف جلوگیری کرد و موجب افزایش کارایی و اثربخشی در مصرف انرژی، استفاده اقتصادی از آن، بهره برداری بهتر، کمک به توسعه پایدار، حفظ بیشتر منابع فسیلی و محیط زیست شود. از منظر رویکرد اجتماعی، مأموریت اصلی این سازمان چه حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و چه حوزه بهره‌وری انرژی با موضوع اجتماع و فرهنگ پیوند خورده است. ترویج و کاربست فناوری‌های انرژی نو و پاک یا تجدیدپذیر مستلزم پذیرش اجتماعی و مشارکت مردمی است. این نوع از منابع انرژی در زنجیره ارزش خود هم در عرصه تولید و هم در عرصه مصرف، به لحاظ مقیاس کارکردی خود بر خلاف انرژی‌های متعارف به‌طور گریزناپذیری وابسته به تعامل با مردم است. در حوزه انرژی‌های فسیلی و صنعت برق مرتبط با آن، دولت به نوعی حکمران بلامنازع است امّا عرصه انرژی‌های تجدیدپذیر عرصه قدرت‌نمایی مردم است. حتی با توجه به قانون تشکیل سازمان باید گفت نیروگاه‌های بزرگ تجدیدپذیر نیز متکی بر مشارکت بخش غیردولتی تعریف شده است. بهره‌وری انرژی نیز به‌ویژه در عرصه مصرف خانگی موضوعی بالتبع اجتماعی و تحقق اهداف آن نیازمند شناخت عوامل و شرایط اجتماعی و مداخله اجتماعی متناسب با آن است. با این اوصاف ساتبا از جمله حوزه‌های حکمرانی صنعت برق و انرژی است که نیازمند واحدی سازمانی به‌منظور رتق و فتق امور اجتماعی است از راهبری پژوهش تا اجرا و نظارت بر رویکرد اجتماعی به‌منظور نیل به توسعه پایدار در استفاده از منابع تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی.

اگرچه دفتر «ارزیابی اقتصادی، فنی و زیست‌محیطی» با هدف ارزیابی توسعه پایدار انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق ذیل معاونت فنی و مهندسی در ساختار سازمانی ساتبا تعریف شده اما ظاهر امر، ابعاد اجتماعی توسعه پایدار هم در عنوان و هم در شرح وظایف و عملکرد این دفتر چندان موردتوجه نبوده است. بهتر بود عنوان این دفتر ارزیابی و نظارت بر توسعه پایدار باشد تا بتواند رویکرد توسعه پایدار را در اقدامات مرتبط با توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق با تأکید بر ابعاد اجتماعی، نظارت، رصد و پایش کند. وظایف اجتماعی این دفتر می‌تواند مواردی از قبیل مدیریت و راهبری ارزیابی تأثیرات اجتماعی نیروگاه‌های کوچک و بزرگ، ترویج انرژی‌های نو و فرهنگ‌سازی توسعه آن، بسترسازی اجتماعی بهره‌وری انرژی برق، بررسی پذیرش اجتماعی و کسب موافقت مردم و جلب مشارکت‌های عمومی و نیز تعریف اولویت‌های پژوهشی اجتماعی باشد. به‌طورکلی باید گفت اگرچه ماهیت سازمان و نیز تأکید ویژه بر اهداف توسعه پایدار بیانگر اتخاذ چنین رویکردی است اما با وجود ضرورت ابعاد اجتماعی در توسعه پایدار، این موضوع در ساختار سازمانی، عملکردی و نیز راهبردهای اجرایی سازمان جایگاه شفاف و مشخصی ندارد. بررسی وظایف و اختیارات سازمان نظیر موارد ذیل به وضوح نشان می‌دهد که در تدوین راهبردهای اجرایی و مطالعاتی لازم

۱اطلاعات مربوط به ساتبا از طریق پایگاه اینترنتی آن به نشانی http://www.satba.gov.ir/fa/aboutorganization/introduction در مورخ (۱۴۰۰/۰۶/۲۳) اخذ شده است.

۲ اطلاعات قانون اساسنامه ساتبا از وب‌سایت اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به نشانی https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1006642 در مورخ (۱۴۰۰/۰۶/۲۳) اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

است رویکرد اجتماعی را اعمال کرد اگرچه در متن این وظایف ذکر رویکرد ضروری نیست. در جدول شماره ۲-۲۴، نشان داده شده است که اعمال رویکرد اجتماعی به چه نحوی می‌تواند مؤثر واقع شود که در جهت تحقق آن لازم است در راهبردها و یا دستورالعمل‌ها لحاظ شود. ضمن آنکه در ساختار سازمانی نیز همانگونه که اشاره شد بخشی از سازمان نقش برنامه‌ریزی، ارزیابی و نظارت رویکرد توسعه پایدار با تأکید بر امور اجتماعی را برعهده داشته باشد.

یکی از اقدامات مهم ساتبا ایده راه‌اندازی پایگاه کودک و انرژی در وب‌سایت اینترنتی سازمان است که البته هنوز مطلبی را به اشتراک نگذاشته اما باید گفت چنین ایده‌ای یکی از اقدامات مناسب در راستای جامعه‌پذیری کودکان برای پذیرش انرژی‌های پاک و نیز تلاش برای ایجاد فرهنگ بهره‌وری در انرژی است. این پایگاه می‌تواند یک اقدام بنیادی و پایه‌ای در نهادینه کردن مصرف بهینه و درست باشد. تقویت این حوزه مستلزم مطالعات اجتماعی و فرهنگی است.

جدول ۲-۲۴: تحلیل رویکرد اجتماعی در وظایف سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (براساس ماده ۶ اساسنامه)

بند	شرح وظایف	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
۲	ارتقاء و توسعه کاربرد انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک	ضرورت توجه به پذیرش اجتماعی و ملاحظه زمینه‌های اجتماعی موافق و یا مخالف توسعه این نوع انرژی‌ها
۲	مدیریت تقاضای انرژی‌های الکتریکی به‌منظور استفاده کارآمد و بهینه از منابع انرژی	جلب مشارکت عمومی و ارتقاء مسئولیت اجتماعی شهروندان در این زمینه، جامعه‌پذیری بهره‌وری در کودکان
۵	تدوین استانداردها و معیارها، جداول تعرفه، قیمت‌های خرید تضمینی در حوزه وظایف سازمان و ارائه آن به مراجع ذی‌صلاح جهت تصویب و نیز تعیین صلاحیت و صدور پروانه فعالیت و بهره‌برداری برای فعالیت بخش غیردولتی در حوزه‌های مربوط در چهارچوب قوانین مربوطه	ضرورت تدوین استانداردها و دستورالعمل‌های اجتماعی و فرهنگی در حوزه پذیرش و نیز جلب مشارکت عمومی از اطلاع‌رسانی تا تفویض اختیار به مردم در این حوزه
۱۱	ظرفیت‌سازی، آموزش، ترویج و توسعه فناوری در حوزه وظایف و اهداف سازمان	ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و نیز تدوین اطلس اجتماعی و فرهنگی در کنار اطلس ظرفیت‌های تجدیدپذیر
۱۲	مطالعه ظرفیت‌های منابع انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک در کشور و تهیه اطلس‌های ملی	اولویت‌بندی بهره‌برداری از ظرفیت‌های تجدیدپذیر در چارچوب آمایش سرزمین و نیز توجه به شاخص‌های توسعه پایدار جهت توسعه و ترویج انرژی متناسب با آن فضای جغرافیایی و اجتماعی. ضمن اینکه تهیه فهرست و نیز پیوست مطالعات اجتماعی انرژی‌های تجدیدپذیر مثل دیگر پروژه‌های توسعه صنعت برق نیروگاهی و انتقال ضروروت دارد.

۲-۳-۲-۲-۲. شرکت مادرتخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)

بر اساس ماده ۲ اساسنامه شرکت توانیر[۱] هدف از تشکیل آن؛ ساماندهی فعالیت‌های تصدی دولت درزمینه بهره‌برداری و توسعه صنعت برق در چارچوب سیاست‌های وزارت نیـرو، راهبـری شرکت‌های زیرمجموعه، افزایش بازدهی و بهره‌وری و استفـاده مطلوب از امکانـات صنعت برق کشور و در صورت لزوم انجام برخی فعالیت‌های عملیاتـی و همچنین کارگزاری وزارت نیـرو برای انجام نظارت‌ها و تدوین برنامه‌ها است. توانیر در زیرمجموعه خود، ۱۶ شرکت برق منطقه‌ای، ۳۹ شرکت توزیع برق و شرکت مدیریت شبکه ایران دارد. در واقع بر اساس آنچه در ماده ۷ اساسنامه مذکور آمده، مدیریت سهام و سرمایه‌های شرکت در صنعت برق، انجام هرگونه فعالیت در راستای تأمین برق مطمئن و اقتصادی برای کلیه مصارف خانگی، عمومی، صنعتی، کشاورزی، تجاری و غیره اعم از سرمایه‌گذاری، مدیریت و نظارت بر ایجاد و بهره‌برداری از تأسیسات و انجام کلیه معاملات مربوط به برق که برای تحقق اهداف شرکت لازم است از طریق شرکت‌های زیرمجموعه و یا درصورت لزوم با تصویب مجمع عمومی توسط خود شرکت؛

۱ اطلاعات شرکت توانیر از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://www.tavanir.org.ir/pages/p122.php مورخ (۱۴۰۰/۰۶/۲۳) اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

موضوع فعالیت این شرکت می‌باشد. با توجه به اینکه تصدی‌گری تأمین برق مطمئن به مشترکان و فرایندهای حکمرانی و مدیریت مرتبط با آن، مستلزم ارتباط با ذی‌نفعان متعدد و به عبارتی یک شبکه ارتباطی انسانی و غیرانسانی زیرمجموعه فعالیت‌های این شرکت بوده، بی‌تردید داشتن رویکرد توسعه پایدار به‌طور عام و رویکرد اجتماعی به‌طور خاص ضروری است. اگرچه ممکن است در شرح وظایف نیازی به درج مفاهیم و رویکردهایی از این دست نباشد اما اتخاذ راهبردهایی با رویکرد اجتماعی و نیز ایجاد ساختار سازمانی به‌منظور تضمین و نظارت و پایش رویکرد اجتماعی از اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار است دو حوزه مهم انتقال و توزیع به‌ویژه مصرف خانگی پیوندی ناگسستنی با ابعاد اجتماعی دارند. در تحلیل برخی از وظایف توانیر نشان داده شده (جدول شماره ۲-۲۶) که این رویکرد لازم است لحاظ و اعمال شود. بر این اساس آن‌طورکه ملاحظه می‌گردد تدوین برنامه راهبردی و ساختار تأمین‌کننده رویکرد اجتماعی برای پیشبرد بهتر مأموریت‌های این شرکت احساس می‌شود. با مروری بر اهداف راهبردی ۱۲گانه صنعت برق در توانیر می‌توان گفت بر خلاف اهداف راهبردی حوزه ستادی، راهبردهای توانیر از شفافیت چندانی به لحاظ اتخاذ و اعمال رویکرد اجتماعی برخوردار نیستند. کارکرد مهم مشخص کردن رویکرد اجتماعی در راهبردها، الزام به اعمال رویکرد اجتماعی در اقدامات مدیریتی و توسعه‌ای است که متناسب با آن نیز باید عملکردها توسط یک متولی مشخص در ساختار سازمانی ارزیابی و آسیب‌شناسی شود.

در میان راهبردها شامل تأمین برق مطمئن و پایدار، مدیریت یکپارچه و هماهنگ عرضه و تقاضای برق، تأمین برق اقتصادی، ارتقاء سطح رضایت‌مندی مشترکان، متقاضیان و سایر ذی‌نفعان، اصلاح، بهینه‌سازی و توسعه زیرساخت‌های شبکه برق، تأمین منابع مالی و تنوع بخشی به سبد سرمایه‌گذاری در برق، اتوماسیون و هوشمندسازی شبکه برق، کاهش تلفات برق، مرکزیت تبادل برق در منطقه، کسب فناوری‌های نوین و کاربردی، تاب‌آوری شبکه و توانمندی صنعت در مدیریت بحران و پدافند غیرعامل و انطباق فعالیت‌ها با ملاحظات زیست‌محیطی، ایمنی و سلامتی؛ باید گفت اشاره به تأمین مطمئن و پایدار به لحاظ توجه به شاخص‌های توسعه پایدار و ارتقاء سطح رضایتمندی به نوعی دربردارنده رویکرد اجتماعی است اما در دیگر راهبردها وضعیت چنین نیست. این در حالی است که ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی به‌منظور تحقق توسعه پایدار لازم است در راهبردها اعمال شود. برای مثال در مدیریت یکپارچه و هماهنگ بدون شک لازم است اشاره گردد مبتنی بر جلب مشارکت عمومی و یا در چارچوب شاخص‌های حکمرانی خوب باشد. لازمه مدیریت یکپارچه و هماهنگ اتخاذ چارچوب‌های مفهومی حکمرانی خوب است. علاوه بر تاب‌آوری شبکه الزام به تاب‌آوری اجتماعی نیز به‌ویژه در شرایط بحرانی و نیز مدیریت بحران جامعه‌محور ضرورت دارد. نکته مهم‌تر تأکید هدف راهبردی انطباق فعالیت‌ها با شاخص‌های توسعه پایدار است که به‌طور مشخصی بعد اجتماعی نادیده گرفته شده است.

راهبرد مشارکت در شرکت با ارائه سرویس بهینه به ذی‌نفعان، افزایش رضایتمندی مشتریان، تکریم ارباب رجوع و رعایت مفاد منشور حقوق شهروندی بوده، اتخاذ شده است. در همین راستا، این وظیفه برای شرکت متصور است که نسبت به اخذ نظرات، پیشنهادات، انتقادات و شکایات مردم و صاحبنظران در حوزه صنعت برق، از طرق مختلف اقدام کند. به این صورت که این شرکت خود را موظف می‌داند تا مقررات، بخشنامه‌ها، آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های تدوین‌شده در کمیته‌ها و کارگروه‌های تخصصی خود را طی فراخوان‌هایی به اطلاع شرکت‌های زیرمجموعه برساند و از طریق سامانه نظام پیشنهادهای شرکت توانیر، نظرات و پیشنهادات شرکت‌ها را که خود انعکاسی از نظرات صاحبنظران و مردم است، پیرامون موارد مختلف جمع‌آوری و بررسی می‌کند. پس از دریافت نظرات، نسبت به اصلاح و سپس تصویب و ابلاغ آن‌ها اقدام می‌شود. هم‌چنین، این شرکت از طریق سامانه مدیریت و ارزیابی خدمات برق توانیر (سمات)، اقدام به اخذ نظرات، انتقادات و پیشنهادات و هم‌چنین درخواست‌های مردم در تمامی حوزه‌های مرتبط با خدمات صنعت برق می‌نماید. نکته مهم در این خصوص نباید مشارکت به اطلاع‌رسانی و اخذ نظرات تقلیل یابد اگرچه خود اقدام ارزشمندی است. در این راستا تدوین راهبرد مشارکتی بر مبنای الگوهای نوین به‌ویژه شاخص‌های مشارکتی انجمن جهانی مشارکت عمومی که در گزارش مرحله اول تشریح شد، ضروری است. به این معنا که در مشارکت بر اساس ابزارهای موجود باید به گونه‌ای عمل کرد که حتی زمینه تفویض اختیار نیز فراهم شود. در الگوی مذکور باید مواردی از این دست را در مشارکت در نظر گرفت: یاری رساندن به مردم جهت فهم مسئله، جایگزین‌ها، فرصت‌ها و راه‌حل‌ها؛ اخذ بازخورد مردم در رابطه با تحلیل‌ها،

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جایگزین‌ها و تصمیمات؛ درک دغدغه‌ها و آرزوهای مردم و انعکاس آنها در اتخاذ بدیل‌ها؛ شریک شدن با مردم و ایجاد و بسط بدیل‌ها و شناسایی راه‌حل‌های ارجح؛ تفویض اختیار به شهروندان. به نظر می‌رسد تدوین راهبردهای اجرایی مبتنی بر رویکرد اجتماعی جهت ایفای بهتر نقش توانیر در مدیریت صنعت برق به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه لازم است که در ساختار سازمانی نیز واحدی طراحی شود که در مورد برنامه‌ریزی، ارزیابی و نظارت بر توسعه پایدار حوزه‌های انتقال و توزیع به‌ویژه با تأکید بر مباحث اجتماعی ایفای نقش کند. از جمله این وظایف اجتماعی می‌توان به تعریف اولویت‌های پژوهشی اجتماعی، تدوین راهبردهای اجتماعی، ارزیابی و عملکرد اقدامات مدیریتی و توسعه‌ای از منظر اجتماعی و نیز برنامه‌ریزی و ارزیابی تعاملات اجتماعی در راستای مصرف بهینه و حل تعارضات در حوزه انتقال و توزیع و جلب مشارکت عمومی اشاره کرد. چنین واحدی با توجه به اینکه فراحوزه‌ای است می‌تواند یا در ذیل مدیریت عامل و یا در معاونت برنامه‌ریزی جایابی شود.

جدول ۲-۲۵: تحلیل رویکرد اجتماعی در وظایف شرکت مادرتخصصی توانیر (براساس ماده ۷ اساسنامه)

بند	شرح وظایف	ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن
۲	اجرای سیاست‌ها، برنامه‌ها و مصوبات وزارت نیـرو	اجرای مبتنی بر تدوین راهبردهای تعامل با مردم و جلب مشارکت عمومی در چارچوب ملاحظه شرایط اجتماعی و فرهنگی و پذیرش و اقناع مردم با هدف تقویت مسئولیت اجتماعی شهروندی در حوزه مصرف و نیز نگهداری و حفاظت از تأسیسات صنعت برق
۵	اتخاذ تدابیـر و راهکارهای لازم به‌منظور حصول اطمینـان از اجرای صحیـح و به موقـع طرح‌های توسعه و بهینه‌سازی تأسیسات	تدوین راه‌کارهای مبتنی بر جلب مشارکت مردم به‌منظور تقویت نظارت اجتماعی در رصد و پایش عملکرد نهادهای دولتی و پیمانکاری
۷	تدوین و پیشنهاد تعرفه‌های برق به وزارت نیرو	شناسایی زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در چارچوب سند آمایش سرزمین و تدوین اطلس راهنمای تعرفه‌گذاری با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی
۹	اخذ هرگونه وام و تسهیلات مالی از منابع داخلی و خارجی، عرضه اوراق قرضه و مشارکت داخلـی و پیش فروش انشعاب و انرژی برق و سایـر روش‌های تأمین منابع مالی با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذیربط	سنجش نگرش‌ها و آگاهی مردم در حوزه مشارکت در تأمین مالی از محل فروش اوراق
۱۱	انجام عملیات لازم به‌منظور نظارت در نحوه استفاده از انرژی برق به نمایندگی از طرف وزارت نیـرو و همچنین ترویج فرهنگ مدیریت مصرف به‌منظور بهینه‌سازی مصرف و کاهش مصارف غیرضروری	جلب مشارکت مردم در حوزه نظارت و شناسایی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به‌منظور شناسایی راه‌های بهینه اقناع مردم و جلب همراهی و مشارکت آنها در مدیریت مصرف با تأکید بر ایجاد اطلس اجتماعی و فرهنگی متناسب با شرایط جغرافیایی شرکت‌های توزیع
۱۲	بررسی، مطالعه و سایر اقدامات لازم برای توسعه فناوری، انتـقال دانش فنی و اطلاع‌رسانی تأمین کالا و ساخت تجهیزات موردنیاز صنعت برق کشـور	تأکید بر مطالعات پذیرش اجتماعی در توسعه فناوری‌ها
۱۳	حمایت از توسعه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در زمینه‌های تخصصی مرتبط با صنعت برق و پشتیبانی از برنامه‌های تربیت متخصصان موردنیاز صنعت برق کشـور	ضرورت تجهیز مدیران و متخصصان به تجهیز دانش علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی از طریق آموزش‌های ضمن خدمت مبتنی بر روش‌های ترغیب و الزام متناسب با شرایط و در چارچوب نظام آموزش کارکنان
۱۴	حمایت از تحقیقات و فعالیت‌های علمی و توسعه منابع انسانی و سایر عوامل مؤثر در بهبود مدیریت و بهره‌وری صنعت برق کشـور	تدوین و تعریف اولویت‌های پژوهشی مبتنی بر رویکرد اجتماعی با توجه به ضعف شرکت در مطالعات این حوزه مبتنی بر نظام ترغیب حوزه دانشگاهی و مراکز پژوهشی و نیز الزام شرکت به انجام این نوع مطالعات
۱۷	تدوین مقررات و استانداردها و دستورالعمل‌های لازم برای حسن اجرای امور و استفاده بهینه از امکانات و تأسیسات صنعت برق و ارایه آنها به وزارت نیرو و همچنین انجام عملیات لازم به‌منظور نظارت بر اجرای آنها به نمایندگی وزارت نیـرو	تدوین برنامه‌هایی با هدف تقویت راهبرد مشارکت توانیر و نیز جلب مشارکت عمومی در حفاظت و نگهداری از تأسیسات، دستورالعمل مطالعات اجتماعی طرح‌های انتقال و دیگر تأسیسات به‌منظور ارزیابی تأثیرات و تقویت تعامل با مردم و دیگر نهادها

۲-۳-۲-۲-۳. شرکت مادرتخصصی تولید نیروی برق حرارتی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی[1]، با قریب به ۱۲۹ نیروگاه دولتی و خصوصی در ۲۸ استان با ظرفیت (نامی) تولید برق ۶۸۳۸۸ مگاوات در سراسر کشور، مسئولیت ساماندهی فعالیت‌های تصدی دولت درزمینه تولید نیروی برق حرارتی متصل به شبکه انتقال و فوق توزیع برق کشور، راهبری شرکت‌های زیرمجموعه و برنامه‌ریزی، مدیریت توسعه و بهره‌برداری از نیروگاه‌های یادشده در چارچوب سیاست‌های وزارت نیرو و تسهیل مشارکت بخش غیردولتی در تولید برق حرارتی را برعهده دارد. شرکت در زیرمجموعه خود دارای ۱۶ شرکت تولید نیروی برق حرارتی و ۱۸ شرکت مدیریت تولید نیروی برق حرارتی و نیز شرکت تعمیرات نیروگاهی ایران و شرکت قطعات توربین شهریار است.

در خط‌مشی‌های شرکت بخش توسعه و بهره‌برداری بهینه از نیروگاه‌های برق حرارتی به اهمیت ابعاد توسعه پایدار تحت عنوان الویت‌دهی به مسایل زیست‌محیطی، پدافندی، ایمنی و مسئولیت‌های اجتماعی در حوزه بهره‌برداری و توسعه نیروگاه‌های حرارتی شده است. ازآنجاکه مهم‌ترین فعالیت این شرکت ساماندهی فعالیت‌های تصدی دولت در زمینه تولید نیروی برق حرارتی متصل به شبکه انتقال و فوق توزیع برق کشور است باید گفت ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی نه تنها در راهبردهای آن شرکت بلکه باید در شرح وظایف و مأموریت‌ها نیز تجلی یابد. این موضوع در مورد مسائل زیست‌محیطی با عنوان «انجام اقدامات لازم و اعمال حمایت برای کاهش انتشار آلاینده‌ها و گازهای گلخانه‌ای ناشی از تولید برق حرارتی» و همین‌طور مباحث اقتصادی رعایت شده است اما تأکید بر امکان‌سنجی اجتماعی توسعه نیروگاه‌ها و یا برآورد تأثیرات اجتماعی و دیگری ایفای مسئولیت اجتماعی در قبال اجتماعات محلی عرصه و بلافصل نیروگاه‌ها نادیده گرفته شده است. اهمیت درج چنین رویکردی در شرح وظایف میزان تعهد شرکت را در رابطه با توسعه پایدار ارتقاء خواهد داد. راهبرد مشارکت شرکت نیز در چارچوبی شبیه آنچه در مورد شرکت توانیر اشاره کردیم تعریف شده است بنابراین نیازمند بازنگری و ارتقاء است. نظر به اینکه در مجموعه ساختاری این شرکت، واحدی با هدف ارزیابی توسعه پایدار تعریف نشده است بنابراین ضرورت دارد در زیرمجموعه معاونت برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت، دفتر یا واحدی با این مأموریت که برنامه‌ریزی، ارزیابی و نظارت بر توسعه پایدار در توسعه و بهره‌برداری نیروگاه‌های برق حرارتی را برعهده داشته باشد، تعریف شود. وظایف اجتماعی این دفتر می‌تواند تعریف اولویت‌های پژوهشی اجتماعی، تدوین دستورالعمل‌ها و رصد و پایش مسئولیت اجتماعی شرکت در حوزه اجتماعات محلی، ارزیابی عملکرد اجتماعی شرکت و نیز مطالعات اجتماعی توسعه و بهره‌برداری طرح‌های نیروگاهی باشد.

۲-۳-۳. بررسی رویکرد اجتماعی در اهداف و مأموریت‌های نهادهای صنفی صنعت برق و انرژی

به‌منظور تحلیل رویکرد اجتماعی در اهداف و مأموریت‌های نهادهای صنفی؛ پنج نهاد صنفی انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی ایران، سندیکای صنعت برق ایران، انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های توزیع برق، سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق و انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های خدمات انرژی ایران و انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران موردبررسی قرار گرفته‌اند. هم‌چنین نگاهی نیز به بورس انرژی ایران به‌عنوان یک تشکل خودانتظام در عرصه بازار انرژی پرداخته خواهد شد. واحد تحلیل و معنایی، اهداف و مأموریت‌ها بوده که در هر یک از موارد بررسی خواهد شد که چگونه رویکرد اجتماعی اعمال شده است و بر اساس رویه معمول درصورتی‌که اعمال نشده چگونه باید آن را جاانداخت. در ادامه به تفصیل در مورد هر کدام به بحث و بررسی خواهیم پرداخت.

۲-۳-۳-۱. سندیکای صنعت برق ایران

۱ اطلاعات شرکت برق حرارتی از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://www.tpph.ir/SitePages/MainPage.aspx مورخ (۱۴۰۰/۰۶/۲۴) اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

سندیکای صنعت برق ایران[1]، یک تشکل صنفی فعال در حوزه برق و انرژی کشور است. این تشکل در سال ۱۳۷۹ با هدف برقراری تعاملات و ارتباطات نظام‌مند درون صنفی بین فعالان صنعت برق و برون سازمانی با سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط تأسیس شده است. سندیکا به نمایندگی از بخش خصوصی صنعت برق، ضمن شناخت نیازها و مسائل این صنعت و تلاش در جهت ایفای نقش در سیاستگذاری حوزه‌های مرتبط، برآن است با تکیه بر ظرفیت‌ها و امکانات گسترده موجود در صنعت برق ایران و نیز حمایت و همراهی اعضای خود که بالغ بر ۵۸۵ شرکت سازنده تجهیزات، پیمانکار، مهندسی مشاور و بازرگانی را شامل می‌شود، چالش‌های این صنعت زیرساختی را شناسایی و در راستای رفع آنها و تسهیل کسب و کار اعضا اقدام کند.

اهداف سندیکای صنعت برق ایران به‌طورکلی در چهار بخش اصلی «نمایندگی از اعضا»، «توسعه شبکه‌های ارتباطی داخلی و بیرونی اعضا»، «ارائه خدمات به اعضا» و «تنظیم و توسعه صنعت» جای می‌گیرند. شکل‌گیری یک شبکه ارتباطی نهادی در بخش خصوصی صنعت برق و بهره‌گیری از ظرفیت‌های این بستر در راستای پیگیری مطالبات صنفی اعضاء و توسعه صنعت برق، زمینه مناسبی را برای تحقق رویکرد اجتماعی فراهم کرده است.

در واقع اهدافی مانند «توسعه منظم و همه‌جانبه صنعت برق کشور»، «حمایت از توسعه درونزا و برونگرا»، «عدالت در رقابت»، «مشارکت در بهبود کیفیت تولید و خدمات»، «کارآفرینی مبتنی بر نوآوری»، «مشارکت و همفکری با مراکز تصمیم‌گیری»، «رایزنی و مذاکره و زمینه‌سازی ایفای نقش مؤثر در فرایند سیاست‌گذاری عمومی و پایش تصمیمات» و «ترویج ارتباطات و گسترش تفاهم درون خانواده صنعت»؛ نشان می‌دهد، سندیکا تأکید دارد تا در راستای توسعه صنعت برق و نیز مطالبات اعضاء رویکردی اجتماعی را در پیش بگیرد. عملیاتی کردن ظرفیت‌های اجتماعی این نهاد در اساسنامه آن، مستلزم توسعه ارتباطات این تشکل با حوزه‌های دانشی علوم اجتماعی و انجام تحقیقات اجتماعی به‌منظور ترویج و نهادینه شدن رویکرد است.

سندیکا علیرغم برخورداری از کمیته‌های مختلف کمیته‌ای به نام اجتماعی ندارد. سندیکا دارای نشریه‌ای به نام ستبران بوده که مقالات و اخبار و موضوعات مدیریتی و حکمرانی در آن منعکس می‌شود که ظرفیت مناسبی در جهت ترویج ابعاد اجتماعی حوزه فعالیت‌های انجمن به‌شمار می‌رود.

۲-۳-۳-۲. سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق

سندیکای شرکتهای تولیدکننده برق[2]، با توجه به سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران برای کاهش تصدیگری دولت، در برنامه‌های مختلف توسعه اجتماعی- اقتصادی کشور، به خصوصی‌سازی در صنعت برق تأکید و در برنامه‌ریزی برق کشور نیز سهم نیروگاه‌های خصوصی تا ۸۰ درصد برق موردنیاز کشور تعیین شده است. با حضور سرمایه‌گذاران غیردولتی در این عرصه، سازماندهی و تأسیس تشکلی واحد در دستور کار اعضا مؤسس این سندیکا که متشکل از ۲۴ شرکت بودند، قرار گرفت. سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق با هدف حمایت از منافع مشترک اعضاء و مشارکت گروهی بخش خصوصی تولیدکننده برق در سال ۱۳۸۶ به ثبت رسید.

تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی و غیردولتی در امر احداث نیروگاه، خرید نیروگاه‌های دولتی، تولید برق، افزایش تعداد اعضای سندیکا، مراقبت و حمایت از ارتقاء فناوری، مدیریت و بهره‌وری در امر احداث و بهره‌برداری از نیروگاه‌ها، ایفای نقش اتاق فکر در مباحث مربوط به چالش‌های خصوصی‌سازی تولید برق، ارتباط و هماهنگی با سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای ذیربط اعم از حاکمیت و مشتریان به‌منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در تولید برق، تسهیل‌گری و ایجاد فرصت برای سرمایه‌گذاری اعضا در خارج از کشور، از جمله رسالت‌ها و اهداف این تشکل است. دستیابی به ظرفیت تولید ۵۰۰۰۰ مگاوات برق در شرکت‌های عضو سندیکا تا سال ۱۴۰۴ هدف کلان و همکاری در اصلاح اقتصاد برق؛ واقعی کردن بهای فروش برق شرکت‌های عضو؛ دستیابی به ۵۰

۱ اطلاعات مربوط به سندیکای صنعت برق از پایگاه اطلاع‌رسانی این تشکّل به نشانی http://www.ieis.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۸اخذ شده است.

۲ اطلاعات این سندیکا از پایگاه اطلاع‌رسانی آن به نشانی https://www.pgcsyndicate.ir/Home.aspx در مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۳۰ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

درصد از ظرفیت صادرات برق کشور؛ مشارکت در تدوین مقررات و اصلاح و اثرگذاری در تدوین قوانین و مقررات و فعال کردن بورس انرژی با قیمت‌های واقعی به‌عنوان اهداف اولیه سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق تعریف شده بود. تعداد اعضای سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق تا پایان سال ۱۳۹۸ به ۵۰ شرکت رسیده است که ۵۴ نیروگاه غیردولتی در حال بهره‌برداری و در دست احداث تولید برق را دربر می‌گیرند.

با توجه به اهداف مندرج در اساسنامه این سندیکا، مشارکت گروهی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، جلوگیری از انجام رقابت‌های ناسالم، تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری در تولید، مشارکت در تدوین و اجرای استانداردهای نیروگاهی و تولید برق و کوشش در جهت رفع اختلافات اعضاء از جمله اهدافی است که در راستای ایجاد و بسط رویکرد اجتماعی است. البته این اهداف بیشتر جنبه درون‌سازمانی و هماهنگی بین‌بخشی دارد و با بخش عمومی جامعه چندان در ارتباط نیست. حوزه تولید یکی از عرصه‌های مهم اتخاذ رویکرد اجتماعی است که باید تلاش‌های موردنیاز در این مسیر برای نهادینه‌شدن علوم اجتماعی صورت بگیرد. با وجود اهمیت این موضوع این سندیکا کمیسیون و یا کمیته‌ای به نام توسعه پایدار و یا اجتماعی ندارد. ضمن آنکه اشاره‌ای به ارزیابی تأثیرات اجتماعی و یا نظرات و رصد توسعه پایدار و مسئولیت اجتماعی سندیکا به‌ویژه در قبال اجتماعات محلی نشده است. درج چنین اهدافی در اساسنامه می‌تواند منجر به اهتمام بیشتری نسبت به مباحث اجتماعی مرتبط با فعالیت این سندیکا و شرکت‌های زیرمجموعه شود. این انجمن دارای نشریه نیرو و سرمایه بوده که مباحثی را در مورد ابعاد مدیریتی، اقتصادی، حقوقی و هرازگاهی اجتماعی و فرهنگی منتشر می‌کند که بستر مناسبی در برساخت مسئله تولید برق از منظر اجتماعی به‌شمار می‌آید.

۲-۲-۳-۳. انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های توزیع نیروی برق

انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های توزیع برق[۱]، در اسفندماه ۱۳۸۶ تشکیل شد که بر اساس مفاد اساسنامه خود، علاوه بر وظایفی همچون حمایت، دفاع، پشتیبانی از حقوق و منافع صنفی و حرفه‌ای و فراهم آوردن امکانات لازم و پیگیری مطالبات اعضاء؛ در حوزه توزیع برق نیز وظایفی را برای خود تعریف نموده است. تغییرات ساختاری در شرکت‌های توزیع، اراده و حمایت‌های مدیران ارشد صنعت برق، وجود بسترهای قانونی (مانند اصل ۴۴ قانون اساسی و ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران) و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تشکل‌های صنفی به‌عنوان یک نهاد غیر دولتی برای حل مشکلات و چالش‌های بخش توزیع نیروی برق؛ از جمله زمینه‌های شکل‌گیری این انجمن است. این انجمن صنفی ۳۸ عضو (شرکت توزیع نیروی برق در استان‌های کشور) دارد.

به لحاظ رویکرد اجتماعی، وظایفی نظیر همکاری با سایر تشکل‌های صنفی و کانون‌ها و نظام‌های مهندسی مربوطه و پیوستن به انجمن‌های صنفی همگن، همکاری با سازمان‌های دولتی، نهادهای ملی، تخصصی و مردمی در ایجاد بانک اطلاعاتی و خدمات تخصصی توزیع نیروی برق در رابطه با نیازهای کشور، همکاری با سازمان‌های ذیربط در ایجاد مراکز تحقیقاتی در زمینه‌های توزیع برق، همکاری با سازمان‌های ذیربط به‌منظور انتقال دانش و فناوری پیشرفته، کوشش در شناسایی نیازها و تدوین روش‌های مناسب منطبق با ضروریات اجتماعی در بخش توزیع نیروی برق، ارائه خدمات مشورتی در تهیه الگوی مناسب برای نظام‌های فنی، مدیریتی، بازرگانی برق اعضا انجمن جهت تأمین افزایش بازده فنی–حرفه‌ای با هدف تعالی حرفه توزیع نیروی برق و منظور نمودن اصل مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و مسئولیت‌ها و بهره‌وری از دستاوردها در داخل حرفه، کوشش در جهت بالا بردن آگاهی جامعه در زمینه‌های توزیع نیروی برق مانند مدیریت مصرف و رعایت مسائل ایمنی حرفه‌ای و فردی، محیط زیست و ... با توجه به نقش، مسئولیت‌ها و توانایی‌های اعضا انجمن، زمینه‌سازی رقابت سالم در بین شرکت‌ها و تشویق در کلیه زمینه‌های فعالیت آنها با استفاده از مدل‌ها و نظام‌های مدیریتی است. به‌طورکلی تأکید بر مشارکت و همکاری با نهادهای دولتی و مردمی و اعضا، مشارکت در تصمیم‌گیری، آگاهی‌بخشی، زمینه‌سازی رقابت سالم، توجه به ضرورت‌های اجتماعی در شناسایی نیازها و تدوین روش‌ها از جمله

۱ اطلاعات مربوط به این انجمن از پایگاه اطلاع رسانی آن به نشانی http://www.edca.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۳۰ اخذ گردیده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ظرفیت‌های اجتماعی مستتر در وظایف این نهاد است. اما علاوه بر این با توجه به برخی ظرفیت‌های ساختاری انجمن، امکان ترویج علوم اجتماعی فراهم است که در ادامه به توضیحات آن پرداخته خواهد شد. انجمن به لحاظ ظرفیت‌سازی اجتماعی دارای دو کمیسیون مصرف و کمیسیون خدمات مشترکین است که البته کارگروه و یا کمیته‌ای در عرصه اجتماعی و فرهنگی ندارند.
از طرفی دیگر انجمن در حوزه فعالیت های فرهنگی، انتشاراتی و اطلاع‌رسانی نیز فعال بوده است که این زمینه مناسبی برای ترویج و بسط رویکرد اجتماعی در حوزه توزیع و نیز ترویج علوم اجتماعی است. فصلنامه پیام توزیع برق نشریه این انجمن است. در این فصلنامه‌ها علاوه بر درج آخرین اخبار و رویدادهای مهم صنعت برق و شرکت‌های توزیع، نسبت به تشریح سیاست‌ها و رویکردهای وزارت نیرو در حوزه توزیع، هم‌چنین انعکاس دیدگاه‌های نمایندگان مجلس (خصوصاً اعضای کمیسیون انرژی مجلس) چهره‌های دانشگاهی و مدیران ارشد صنعت برق اقدام می‌شود. علاوه بر این آخرین تحولات صنعت توزیع در صحنه جهانی، نقشه راه صنعت برق کشورهای پیشگام و رویکرد جهانی این صنعت در این نشریه انعکاس می‌یابد.
پس از استقرار کمیته رابط سیرد ایران در انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های توزیع، علاوه بر تقویت حضور کمی و کیفی ایران در کنگره‌های جهانی سیرد و افزایش سهم بخش صنعت (شرکت های توزیع) در ارائه مقالات علمی، امکان برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای سیرد در تهران با کسب موافقت سیرد بین‌الملل میسر شد به‌طوری‌که تاکنون پنج کنفرانس منطقه‌ای در تهران نیز برگزار شده است و برگزاری کنفرانس ششم نیز درحال برنامه‌ریزی است.

۲-۳-۳-۴. انجمن شرکت‌های خدمات انرژی ایران

بنابر تعریفی که در وب‌سایت این انجمن ارائه شده[۱]، خدمات انرژی، محدوده متنوعی از فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد و یک پروژه خدمات انرژی، مشتمل بر ممیزی انرژی، طراحی، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری، اجرا و راه‌اندازی، راهبری و نگهداری، آموزش و پایش و صحه‌گذاری است. به‌عنوان یک تعریف عمومی، «شرکت‌های خدمات انرژی (اسکو)[۲] شرکتی است که تمامی فازهای یک پروژه انرژی را مدیریت و هماهنگ کرده و خدمات متنوعی را فراهم می‌سازد». تعریف دیگری که توسط مرکز تحقیقات مشترک کمیسیون اروپایی ارائه شده است عبارت است از «اسکو شخص حقیقی یا حقوقی است که خدمات انرژی یا راه‌کارهای بهبود بازدهی انرژی را برای متقاضیان انجام داده و بخشی از ریسک مالی انجام کار را می‌پذیرد». همچنین بر اساس یافته‌های شورای جهانی انرژی، تعاریف برای شرکت‌های خدمات انرژی در هر کشور متفاوت است. این شرکت‌ها با شرکت‌هایی مانند شرکت‌های مهندسی مشاور، تأمین‌کننده تجهیزات و پیمانکاران که خدمات انرژی یا اجرای راه‌کارهای بازدهی انرژی ارائه می‌دهند، توسط مفهوم قراردادهای مبتنی بر کارایی انرژی متفاوت می‌شوند. این بدین معنی است که پرداخت حق‌الزحمه اسکوها مستقیماً به میزان انرژی صرفه‌جویی شده ارتباط دارد.
خدمات قابل‌ارائه توسط شرکت‌های مهندسی مشاور انرژی ممکن است شامل ممیزی انرژی، مدیریت انرژی، خرید تجهیزات و تأمین خدماتی مانند گرمایش فضا باشد. اسکوها خدمات متنوع و مشابهی را با مکانیزمی متفاوت به‌عنوان شرکت‌های تأمین‌کننده خدمات انرژی پیشنهاد می‌دهند. این شرکت‌ها:

۱. میزان صرفه‌جویی انرژی را تضمین می‌کنند و پاداش آنها مرتبط و متناسب با کارآیی انرژی پروژه است،
۲. منابع مالی مورد نیاز را تأمین یا هماهنگ می‌نمایند،
۳. خدمات متنوعی ارائه می‌دهند. که عبارت‌اند از: مطالعه و امکان‌سنجی فنی و اقتصادی پروژه‌های بهبود بازدهی انرژی، طراحی پایه و تفضیلی، تأمین مالی، نصب و انجام خدمات تعمیرات و نگهداری تجهیزات با راندمان بالا، تأیید پروژه‌های

۱ اطلاعات مربوط به این انجمن از پایگاه اطلاع رسانی آن به نشانی http://www.escoiran.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۳۰ اخذ گردیده است.
۲ *Energy Services Companies (ESCO)*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

صرفه‌جویی انرژی، پایش و اندازه‌گیری، انجام مطالعات تحلیل ریسک و همچنین تقبل بخشی از ریسک‌های اقتصادی، فنی پروژه.

انجمن شرکت‌های خدمات انرژی ایران در خردادماه ۱۳۹۱ با هدف ساماندهی خدمات انرژی کشور و برقراری ارتباطات مؤثر میان دولت و بخش خصوصی توسط جمعی از فعالان حوزه بهینه‌سازی مصرف انرژی تأسیس شد. شاخه‌های تخصصی یا رشته‌های اصلی فعالیت انجمن که شرکت‌ها و مؤسسات (اشخاص حقوقی) و نیز متخصصین و کارشناسان (اشخاص حقیقی) مربوطه براساس آن می‌توانند به عضویت انجمن درآمده و فعالیت کنند، عبارت‌اند از: رشته خدمات انرژی (اسکو)، رشته آموزش و اطلاع‌رسانی مدیریت مصرف انرژی، رشته مهندسین مشاور انرژی، رشته مطالعات و تحقیقات انرژی، رشته اقتصاد و سرمایه‌گذاری و بیمه انرژی، رشته بازرسی، ممیزی، و اندازه‌گیری و صحه‌گذاری مصرف انرژی، رشته امور زیست محیطی انرژی، رشته مدیریت و کاربرد تکنولوژی اطلاعات در مصرف انرژی، رشته اتوماسیون ساختمان و *BMS*، رشته تولید و عرضه تجهیزات مصرف انرژی، رشته نگهداری و تعمیرات تجهیزات مصرف انرژی و رشته انرژی‌های نو و سوخت‌های جایگزین.

از جمله اهداف مهم انجمن که بیانگر رویکرد اجتماعی آن است، علاوه بر تأکید بر همکاری‌های بین اعضاء و توسعه همکاری با دستگاه‌های دولتی و مجامع سیاست‌گذاری و نهادهای عمومی و تلاش برای مرجعیت در عرصه ملی و بین‌المللی؛ تأکید ویژه آن برای فعالیت در سطح عمومی است. توسعه فرهنگ و آگاهی‌های عمومی و حفاظت از منابع انرژی، توسعه فرهنگ و آگاهی‌های مردم و جامعه در مورد خدمات انرژی، اعتلای مدیریت انرژی به‌منظور حفاظت از منافع ملی و منابع انرژی و توجه به اصول توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست به‌عنوان اهدافی است که بیانگر رویکرد اجتماعی انجمن است.

انجمن به لحاظ ساختار سازمانی که می‌تواند در عرصه بسترسازی علوم اجتماعی مؤثر باشد دارای دو کارگروه فرهنگی و کارگروه قوانین و سیاست‌گذاری بوده و دارای ۳۴ عضو (شرکت) است.

۲-۳-۳-۵. انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی ایران

انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی ایران[۱]، به‌منظور ساماندهی و حمایت کلیه واحدهای فنی، مهندسی، مشاوران، تولیدی، بازرگانی در عرصه فرهنگ‌سازی، ترویج، ممیزی، طراحی، پیاده‌سازی، تولید و تجهیز ادوات و راه‌کارهای مناسب در جهت بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور و انتقال تجربیات علمی و عملی دست‌اندرکاران و به هنگام سازی آن برای نیل به اهداف قانونی توسعه اقتصادی کشور و دفاع از منافع مشروع و قانونی اعضاء، انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی ایران به استناد بند (ک) ماده (۵) قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تشکیل شده است. انجمن در حال حاضر دارای ۲۷ عضو است.

افزون بر مشارکت در برنامه‌ها و تدوین قوانین و مقررات و آموزش اصول بهینه‌سازی در حوزه‌های مختلف، از نظر رویکرد اجتماعی، بر اساس اهداف و برنامه استراتژیک این انجمن، تأکید ویژه‌ای بر حفظ منابع انرژی جهت نسل‌های آینده، ایجاد فرهنگ مناسب مصرف و توزیع عادلانه انرژی و مدیریت تولید، انتقال و توزیع انرژی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها شده است. انجمن اگرچه دارای کمیته‌های متعددی به لحاظ ابعاد فنی است اما کمیته‌ای که به‌طور خاص مباحث اجتماعی و فرهنگی را دنبال کند، ندارد.

۲-۳-۳-۶. انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران

انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران[۲] با مأموریت ترویج فرهنگ استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در حوزه‌های برق، حرارت و سوخت و صرفه‌جویی در مصرف منابع عظیم و پایان‌پذیر فسیلی با استفاده از تأمین منابع مالی، تعرفه‌های خرید برق، اخذ وام و

۱ اطلاعات مربوط به این انجمن از پایگاه اطلاع‌رسانی آن به نشانی http://www.iranecs.com/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۳۰ اخذ شده است.

۲ اطلاعات این انجمن از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی http://irrea.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۱ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ضمانت‌های لازم، پیگیری چالش‌های اساسی بازیگران این حوزه، تعیین سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی کشور، برگزاری نمایشگاه‌ها و همایش‌های بین‌المللی و داخلی، برقراری ارتباط میان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با صنعت، ارتقا جایگاه انرژی‌های تجدیدپذیر در تصمیمات کلان کشوری، دیگر فعالیت‌های ترویجی درزمینه بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر، فرایندهای اخذ مجوز نیروگاه‌های تجدیدپذیر (زمین، اتصال به شبکه و ...)، ایجاد شبکه و بانک اطلاعاتی از متخصصان فعال درزمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، شناسایی مشکلات صنعت‌گران فعال درزمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و ارجاع آن به مراکز دولتی و تعامل با کلیه شرکت‌ها، مؤسسات، متخصصین و تمامی افرادی که می‌توانند در جهت توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر فعالیت کنند.

بر اساس اطلاعات مندرج در وب‌سایت اطلاع‌رسانی این انجمن، ضرورت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر از ابعاد مختلف اقتصادی، کسب و کارهای دانش‌بنیان، امنیت تولید، توزیع و مصرف انرژی، پدافند غیرعامل، ابعاد زیست‌محیطی در ایران قابل‌بررسی است. خوشبختانه در طول سالیان گذشته، فعالیت‌های مختلف و متنوعی در شکوفایی این بخش در کشور و تا حدی موضوع انرژی‌های تجدیدپذیر را از یک «انتخاب» به یک «ضرورت» در اذهان سیاست‌گذاران سوق داده است. با این وجود به نظر می‌رسد ترویج این مهم همچنان نیازمند فرهنگ‌سازی در سطوح مختلف جامعه می‌باشد. افزون بر موارد فوق، تاکنون انجمن‌های علمی و تخصصی مختلفی اعم از انرژی بادی، انرژی خورشیدی، هیدروژن و پیل سوختی تشکیل شده که انصافاً سهم مهمی در توسعه این انرژی‌ها ایفا کرده‌اند. بااین‌حال تشکیل یک تشکل غیردولتی و مستقل که مخاطب آن عموم مردم باشند و درزمینه تمامی حوزه‌های انرژی‌های پاک اعم از بادی، خورشیدی، زیست‌توده، زمین‌گرمایی و هیدروژن فعالیت کند، به دلایل زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- تلاش جهت ایجاد ثبات در روندهای اصلی سیاست‌گذاری انرژی‌های تجدیدپذیر
- هدف‌گذاری مخاطبین عمومی جهت ترویج انواع انرژی‌های پاک به صورت ویژه و هماهنگ
- بسترسازی مشارکت فعالین تمامی حوزه‌های انرژی‌های پاک به صورت یکپارچه با ایجاد شبکه‌سازی میان آنان

از جمله اقدامات فرهنگی و اجتماعی انجمن می‌توان به جایزه ملی انرژی‌های تجدیدپذیر ایران که به‌عنوان «یک همت دسته‌جمعی برای توسعه پایدار» قلمداد می‌شود اشاره کرد. جایزه ملی انرژی‌های تجدیدپذیر اولین جایزه کشور ایران در راستای معرفی و ارج نهادن به فعالیت‌های ارزنده در پیشرفت و توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر است. این جایزه که به ریاست آقای مهندس چیت‌چیان وزیر سابق نیرو در دولت اوّل روحانی و به همت انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر برای اولین بار در ایران اهدا می‌شود، به موفق‌ترین تلاش‌های رسانه‌ها، شرکت‌های صنعتی بزرگ و پروژه‌های تجدیدپذیر، شهرداری‌ها و سازمان‌های دولتی، شرکت‌های برق منطقه‌ای و توزیع و شخصیت تأثیرگذار علمی یا سیاسی سال تعلق خواهد گرفت. یکی دیگر از اقدامات فرهنگ‌سازی این انجمن در راستای ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر، دوره آموزشی مدارس و طبیعت خلاق است. در این دوره مطالبی به منظور آشنایی ابتدایی و مقدماتی و ایجاد علاقه درزمینه انرژی تجدیدپذیر برای دانش‌آموزان تدوین شده است که اهم موضوعات مرتبط با این دوره عبارت‌اند از: مفهوم انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر، مزایای استفاده از انرژی تجدیدپذیر، ارتباط انرژی تجدیدپذیر با محیط زیست، نقش انرژی تجدیدپذیر در آینده.

در این دوره در طی سال تحصیلی به صورت مستمر ساعتی در هفته به‌عنوان زنگ انرژی تعیین می‌شود. هدف از برگزاری این زنگ آگاه‌سازی دانش‌آموزان از کاربردهای علوم پایه (آمار و ریاضیات، فیزیک و شیمی) در دنیای واقعی با استفاده از مثال‌ها و مدل‌های تجدیدپذیر است. لازم به یادآوری است برای ایجاد تأثیرگذاری بیشتر و آشنایی بهتر دانش آموزان این امر می‌تواند با تجهیز مدارس به اتاق انرژی‌های سبز همراه شود در صورت عدم امکان‌پذیری این موضوع این کلاس‌ها به صورت تئوری برگزار می‌گردد. مصرف غیر بهینه سوخت‌های فسیلی علاوه بر زیان اقتصادی، آسیب‌های جبران‌ناپذیر دیگری را نیز ایجاد می‌کند. بحران انتشار گازهای گلخانه‌ای و تغییرات گسترده آب و هوایی در کشورهای مختلف جهان، بسیاری از کشورها را بر آن داشته تا در راستای توسعه پایدار با اعمال قوانین و مقررات محیط‌زیستی و با حرکت به سمت منابع جایگزین و تجدیدپذیر انرژی (که قابلیت بازگشت مجدد به طبیعت را دارند) نظیر انرژی‌های بادی، خورشیدی، زمین‌گرمایی، آبی‌کوچک، دریایی، زیست‌توده و هیدروژن، سبد انرژی خود را متنوع کرده و با اعمال تغییراتی در برنامه‌های کلان و ملی خود، زمینه استفاده هر چه بیشتر از این منابع و

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تجهیزات مرتبط با آن‌ها را فراهم کنند. در ایران نیز توسعه و گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر در تحقق اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی اهمیت بالایی دارد و در دستیابی ایران به توسعه پایدار و تأمین نیازهای حال و آینده نقش اساسی ایفا می‌کند. بنابراین لزوم توجه همه‌جانبه اقشار مختلف جامعه به انرژی‌های تجدیدپذیر امری ضروری به نظر می‌رسد.

در این راستا انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان یک مجموعه مردم‌نهاد و غیردولتی و دارای ارتباطاتی مؤثر با شرکت‌ها، سازمان‌های دولتی و متخصصین حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر با هدف آگاه‌سازی، هماهنگ‌سازی، بسترسازی و تسهیل توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، مجموعه‌ای از خدمات آموزشی، پژوهشی و ترویجی برای دانش‌آموزان فراهم آورده است. هدف از ارائه این خدمات عبارت است از: آشنایی با انرژی‌های تجدیدپذیر و مزایای استفاده از آن، ترویج فرهنگ توجه به محیط‌زیست و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، آشنایی دانش‌آموزان با رشته‌های دانشگاهی مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر و شناخت فرصت‌های شغلی پیش‌رو، آشنایی با روش مناسب پژوهش با محوریت انرژی‌های تجدیدپذیر به صورت عملی، ارتقای توان خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان، زمینه‌سازی برای جهش نسل امروز در میدان رقابت‌های علمی، اقتصادی و فناوری، گسترش فرهنگ فعالیت گروهی و تفکر جمعی. لازم به یادآوری است در انتهای هر سال از مدارس فعال درزمینه انرژی‌های تجدیدپذیر در همایشی قدردانی شده و به مدارس برتر در این حوزه تندیس مدرسه سبز اهدا می‌گردد.

دوره‌های فصلی با هدف ارائه بسته‌ای از فعالیت‌ها به صورت متمرکز در یک بازه زمانی چند ماهه طراحی شده است که در انتهای دوره گواهی انجمن به دانش‌آموزان اهدا می‌گردد. اهم فعالیت‌ها در دوره‌های فصلی عبارت‌اند از: کارگاه‌های عملی ساخت و تست مانند ساخت چراغ قوه‌ی خورشیدی، بازدید از مراکز فعال حوزه‌ی تجدیدپذیر در داخل کشور، نیروگاه‌های بادی خورشیدی، زیست‌توده، زمین‌گرمایی، تعریف پروژه‌ها و کمک به اجرای آن با همکاری انجمن با هدف شرکت در مسابقه‌ها و کنفرانس‌ها و جشنواره‌های دانش‌آموزی داخلی و خارجی مانند کنفرانس فیزیک و جشنواره‌ی خوارزمی، برگزاری مسابقات و جشنواره‌ها درزمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، برگزاری سخنرانی، سمینار و نمایش فیلم توسط اشخاص مطرح در حوزه تجدیدپذیر، تجهیز مدرسه به تجهیزات مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر و تأمین بخشی از برق و حرارت مدرسه از این انرژی‌ها و راه‌اندازی پروژه‌های نصب با همکاری دانش آموزان در مدارس، کارگاه معرفی رشته‌های مهندسی و علوم مرتبط با تجدیدپذیر و تبیین مبحث اشتغال و کارآفرینی در حوزه تجدیدپذیر، امکان عضویت مدارس در انجمن، عضویت دانش‌آموزان در انجمن، انتخاب خبرنگاری افتخاری از میان دانش‌آموزان، ستون اختصاصی دانش‌آموزان در خبرنامه و کانال انجمن و برگزاری نشست‌های دانش‌آموزی.

در هر صورت هدف از اجرای دوره‌های از این دست ترویج و ارتقای آگاهی جامعه انرژی‌های تجدیدپذیر، ایجاد انگیزه و تحرک ذی‌نفعان این حوزه برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، تقدیر از نمونه‌های موفق کشوری در حوزه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، کمک به شکل‌گیری و تکمیل اکوسیستم انرژی‌های تجدیدپذیر با حضور نقش‌آفرینان این حوزه و ایجاد بستری مناسب جهت معرفی الگوهای برتر در بخش‌های مختلف فناورانه، صنعتی، در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر است.

۲-۳-۳-۷. بورس انرژی ایران

شرکت بورس انرژی ایران[۱] با هدف ساماندهی، پذیرش، نظارت و تسهیل انجام معاملات حامل‌های انرژی و اوراق بهادار مبتنی بر حامل‌های انرژی، فراهم آوردن دسترسی غیر تبعیض‌آمیز و منصفانه اعضاء به بسترهای معاملاتی، همکاری و هماهنگی با نهادهای مالی، شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای متولی بازارهای انرژی از جمله وزارتخانه‌های نفت، نیرو و صنعت و معدن و تجارت و شرکت‌های ملی نفت ایران، ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، ملی صنایع پتروشیمی، توانیر، مدیریت شبکه برق ایران، مدیریت منابع آب ایران و سازمان حفاظت محیط زیست و هم‌چنین انجام سایر وظایف محوله در اساسنامه شرکت، در ۱۳۹۱/۴/۱۷

۱ اطلاعات این قسمت از وب‌سایت اینترنتی بورس انرژی ایران به نشانی http://www.irenex.ir/DefaultUser.aspx در مورخ (۱۴۰۰/۰۴/۲۷) اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

با مجوز شورای عالی بورس و اوراق بهادار به‌عنوان چهارمین بورس رسمی کشور به صورت شرکت سهامی عام تأسیس شده و تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار فعالیت می‌کند. بر اساس مجوز صادره توسط شورای عالی بورس در خصوص تأسیس بورس انرژی، ترکیب سهامداری این شرکت به میزان ۶۰ درصد نهادهای مالی، ۲۰ درصد فعالان صنعت برق و نفت و ۲۰ درصد عموم مردم و با قید محدودیت ۲/۵ درصد برای هر متقاضی از طرف سازمان بورس و اوراق بهادار تعیین شد.

بورس انرژی ایران، به‌عنوان یک بورس کالایی، تشکلی خودانتظام است که امکان انجام معاملات حامل‌های انرژی شامل نفت، گاز، برق و سایر حامل‌های انرژی و اوراق بهادار مبتنی بر کالاهای مذکور در آن وجود دارد. در بورس انرژی ایران نیز مشابه سایر بورس‌ها، تعداد زیادی خریدار و فروشنده حضور داشته که با انجام داد و ستد در فضایی رقابتی، دستیابی به قیمت‌های تعادلی حامل‌های انرژی را میسر می‌سازند. این بورس دارای سه بازار فیزیکی، مشتقه و فرعی است. در بازار فیزیکی، کالاهای پذیرفته‌شده در بورس و در بازار مشتقه، اوراق بهادار مبتنی بر کالاهای پذیرفته‌شده در بورس موردمعامله قرار می‌گیرند. کالاهای تک‌محموله‌ای و خارج از گونه نیز در بازار فرعی قابلیت معامله دارند. بازار فیزیکی خود شامل سه تابلوی برق، نفت و گاز و تابلوی سایر حامل‌های انرژی و بازار مشتقه شامل سه تابلوی قرارداد سلف موازی استاندارد، قرارداد آتی و قرارداد اختیار معامله است. هم‌چنین هر یک از تابلوها دارای دو رینگ داخلی و بین‌المللی هستند. در بازار فیزیکی معاملات در قالب قراردادهای نقدی، نسیه، سلف، کشف پریمیوم انجام می‌پذیرند و قراردادهای آتی، اختیار معامله و سلف موازی استاندارد و ... نیز قابلیت معامله در بازار مشتقه را دارند. ۲۲ نیروگاه برق در زمره عرضه‌کنندگان عمده در بورس انرژی ایران هستند.

رویکرد اجتماعی در بورس انرژی ایران به‌عنوان یک نهاد اقتصادی را می‌توان در چند بند از اساسنامه آن جستجو کرد. اینکه نهادی برای انتظام امور بازار انرژی شکل گرفته که مدعی آن است که تشکّلی خودانتظام است باید گفت به‌عنوان یک زمینه اجتماعی نهادی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی ملاحظه شود. تأکید بند ۷ ماده ۳ اساسنامه بر «انجام تحقیقات، آموزش و فرهنگ‌سازی مرتبط با فعالیت بورس انرژی برای تسهیل، بهبود و گسترش دادوستد در بورس انرژی»، بیانگر بخشی از مسئولیت اجتماعی است که این شرکت برای خود مصوب کرده است. بدون شک هموار نمودن مسیر بورس انرژی برای پذیرش آن در سطح حکمرانی، کسب و کار و جامعه با انجام تحقیقات، آموزش و فرهنگ‌سازی تسهیل خواهد شد و به تبع آن زمینه دادوستد، ترویج، بسط و توسعه داده خواهد شد. ازاین‌رو باید گفت زمینه‌های نهادی اقتصاد نیز تقویت می‌شود. «همکاری با بورس‌های دیگر در ایران و خارج از ایران به‌منظور تبادل اطلاعات و تجربیات، یکسان‌سازی مقررات و استانداردها جهت تسهیل انجام مبادلات برون مرزی» نیز که در بند ۸ همین ماده آمده، زمینه مشارکت بین‌بخشی در سطح ملّی و بین‌المللی را برای برخورداری از مقررات و استانداردهای یکسان به‌عنوان نظام هنجاری واحد در پیشبرد اقتصاد انرژی فراهم می‌سازد که در این موضوع انجام مطالعات دیپلماسی عمومی و فرهنگ بورس در کشورهای دیگر را ضروری می‌سازد.

جمع‌بندی

در این فصل، عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای صنعت برق و انرژی به لحاظ اتخاذ رویکرد اجتماعی و ضرورت‌های تأکید بر این رویکرد، از طریق تحلیل محتوای اهداف، وظایف، مأموریت‌ها و برنامه‌های راهبردی چند زیرعرصه «اسناد بالادستی حوزه برق و انرژی»، «وزارت نیرو و زیرمجموعه» و «نهادهای صنفی صنعت برق و انرژی» واکاوی شد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت طی سه دهه اخیر، تکرار واژگان و مفاهیمی که به نوعی صبغهٔ اجتماعی دارند در متن قوانین و اسناد بالادستی حوزه برق و انرژی بیشتر شده و هر چه به امروز نزدیک‌تر می‌شویم، وضوح و صراحت توجه به این مفاهیم بیشتر می‌شود؛ اما نکتهٔ قابل‌تأمل این است که به علت غفلت از برخی مفاهیم و رویکردهای دیگر، در عمل اتّفاق خاصی رخ نداده و رویکرد اجتماعی در تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی و نیز در عمل اتخاذ و اعمال نشده است. در اوّلین گام لازم است در متن قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی اسنادی که هنوز قابلیت اجرایی دارند و یا منبع تدوین قوانین و مقررات جدید در حوزه برق و انرژی هستند، موردبررسی دقیق‌تر قرار گرفته و مفاهیم و رویکردهای اجتماعی مورد غفلت واقع‌شده را به صراحت و با داشتن پشتوانهٔ اجرایی در متن آن‌ها گنجاند.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

در رابطه با تحلیل سیاست‌های کلان در اسناد بالادستی می‌توان به شرح ذیل نتیجه گرفت:

بند «۷» بخش «الف» سیاست‌های کلی نظام درزمینه انرژی که سند بالادستی قانون برنامه چهارم بوده؛ بر سیاست بهینه‌سازی مصرف و کاهش شدت انرژی تأکید داشته که این موضوع در برنامه به لحاظ فرهنگ‌سازی در حوزه عمومی موردغفلت واقع شده است. ضمن اینکه با توجه به ماده ۱۲۲، در این برنامه نیز، ارزیابی تأثیرات اجتماعی و تناسب جمعیت و فعالیت‌ها (آمایش سرزمین) در توسعه نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها موردتوجه قانون‌گذار نبوده است. باز اگر برگردیم به سیاست‌های کلی درزمینه انرژی، باید گفت که تأکید بر سیاست‌های ایجاد تنوع در منابع انرژی کشور (بند «۱» بخش «ب») و تلاش برای کسب فناوری و دانش فنی انرژی‌های نو و ایجاد نیروگاه‌ها از قبیل بادی و خورشیدی و پیل‌های سوختی و زمین‌گرمایی در کشور (بند «۴» بخش «ب»)؛ در برنامه چهارم بازتاب نداشته و هنوز رویکرد مبتنی بر منابع تجدیدناپذیر حاکم است. در بند «ب» ماده «۱۲۵»، برنامه پنجم دولت مکلف شد بر مبنای سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و سیاست‌های کلی نظام درزمینه انرژی و با پشتوانه کامل کارشناسی، «سند ملی راهبرد انرژی کشور» را به‌عنوان سند بالادستی بخش انرژی برای یک دوره زمانی بیست و پنج ساله ظرف حداکثر شش ماه پس از تصویب قانون برنامه تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. هم‌چنین طبق تبصرهٔ این بند وزارتخانه‌های نفت و نیرو موظف شدند با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط «برنامه اجرایی طرح جامع انرژی کشور» را ظرف دوازده ماه پس از تصویب قانون سند ملی راهبرد انرژی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران برسانند. با وجود تأکید قانون؛ سند ملی و برنامه اجرایی مذکور در طول برنامه به تصویب نرسید.

قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی به فاصله کمتر از دو ماه بعد از برنامه پنجم به تصویب رسید که می‌تواند بخشی از غفلت‌های رویکرد اجتماعی در حوزه مدیریت مصرف را پوشش دهد. اگرچه سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، قبل از تصویب قانون برنامه بوده که در آن بر اقدامات نهادی و فرهنگی در سیاست‌گذاری مدیریت مصرف انرژی تأکید شده است. قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، رویکرد اجتماعی برجسته‌تری در مقایسه با سیاست‌گذاری مدیریت مصرف در برنامه‌های توسعه دارد. به‌طورکلی باید گفت که نقشه راه رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری انرژی حوزه مدیریت مصرف، با ابلاغ این دو سند بالادستی، در طول برنامه پنجم فراراه حکمرانی حوزه انرژی بوده است. در خصوص مدیریت طرح‌های توسعه‌ای با توجه به اهمیت ارزیابی تأثیرات و پیامدهای آنها بر زندگی اجتماعی و حوزه فرهنگ از یک طرف و همراهی مردم با اقدامات از طرفی دیگر، سیاست‌گذاری مبتنی بر رویکرد اجتماعی، اهمیت و ضرورت بیشتری دارد. اگرچه در خصوص «تهیه پیوست‌های فرهنگی برای طرح‌های مهم و جدید» در ماده ۲ برنامه پنجم تأکید شده اما اقدام عملی صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد در برنامه ششم، با توجه به بالادست بودن قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، به مباحث مدیریت مصرف کمتر پرداخته شده است. در بند «الف» ماده «۱۲۰»، دولت مجدداً مکلّف به تدوین سند ملی راهبرد انرژی کشور شد که در ۱۳۹۶/۰۴/۲۸ بعد از تصویب شورای عالی انرژی (۱۳۹۵/۰۱/۲۳)، به تصویب هیئت وزیران رسید امّا بر اساس تکلیف قانون، به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. در مورد برنامه اجرایی طرح جامع انرژی نیز مجدداً دولت در ماده ۴۵ قانون برنامه ششم، مکلف به تدوین و تصویب آن شد که در ۱۳۹۹/۰۱/۲۴ به تصویب هیئت دولت رسید. سند ملّی راهبرد انرژی کشور در افق سال ۱۴۲۰ به‌عنوان سند بالادستی چارچوب سیاست‌گذاری بخش انرژی کشور تلقی می‌شود. این سند بر مبنای سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و سیاست‌های کلّی نظام در بخش انرژی بوده است. برنامه اجرایی جامع انرژی کشور نیز در راستای همین سند و نیز اسناد اشاره‌شده تدوین و تصویب شده است. ازاین‌رو رویکرد اجتماعی مندرج در سند چشم‌انداز بیست‌ساله (تأکید بر «عدالت اجتماعی»، «امنیت اجتماعی»، «سرمایه اجتماعی»، «تأمین اجتماعی»، «فرصت‌های برابر»، «توزیع مناسب درآمد»، «نهاد مستحکم خانواده»، «مسئولیت‌پذیری»، «داشتن روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی»، «توجه و عنایت جدی به مشارکت عامه مردم») و سیاست‌های کلی انرژی و دو سندی که اشاره شد، می‌تواند فصل‌الخطاب سیاست‌گذاری انرژی و جامعه در این حوزه باشد.

تأکید برنامه ششم بر نظارت بر ارزیابی راهبردی محیط زیست (*SEA*) در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای و ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (*EIA*) طرح‌های بزرگ، تدوین سند ملّی آمایش سرزمین و تصویب آن در شورای عالی آمایش سرزمین (مورخ

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱۳۹۹/۱۲/۱۱) و نیز تأکید بر تهیه و تدوین پیوست‌های اجتماعی در طراحی کلیه برنامه‌های کلان توسعه‌ای ملی و بومی (ماده «۸۰» بند «الف» جزء «۲»: ارزیابی تأثیرات اجتماعی) که البته فراتر از حوزه انرژی هستند امّا به نوعی بیانگر اهمیت این برنامه در توجه ابعاد توسعه پایدار در حوزه انرژی و دیگر حوزه‌ها هستند. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰)، ارزیابی تأثیرات اجتماعی به لحاظ تدوین رویه‌های اجرایی و عملیاتی از موفقیت چندانی برخوردار نبوده است.

تحلیل کلی اسناد بالادستی به لحاظ اتخاذ رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری، گویای تحول در اعمال رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری انرژی بوده امّا این موضوع باز به معنای آن نیست که مقولات اجتماعی تمام و کمال لحاظ شده باشد. همان‌طورکه مشاهده شد در همه اسناد هم در طرح‌های توسعه‌ای و هم مدیریت مصرف، موارد زیادی از اعمال رویکرد اجتماعی نادیده گرفته شده است. چرخش محسوس‌تر در دو برنامه اخیر و همزمانی آنها با تصویب اسناد مهم بالادستی حوزه انرژی که چند مورد از آنها تکلیف این دو برنامه نیز بوده بیانگر نکات مهمی است که در تدوین برنامه هفتم نیاز است تا با هدف اعمال رویکرد اجتماعی موردتوجه قرار گیرند. تحلیل محتوایی مفاد برنامه‌ها و دیگر اسناد بالادستی حوزه انرژی، بیانگر تأکید بر اهمیت رویکرد اجتماعی در قالب ارزیابی تأثیرات اجتماعی، رعایت الگوهای پایداری (زیست‌محیطی) همه طرح‌های کلان ملّی، محلی و بومی (فارغ از حوزه انرژی) است. ضمن آنکه به تناسب فعالیت و جمعیت در قالب آمایش سرزمین سمت و سو داشته و نیز تأکید ویژه‌ای بر فرهنگ‌سازی و ترویج در حوزه تولید و مصرف انرژی شده است.

آنچه به لحاظ اعمال رویکرد اجتماعی در برنامه هفتم توسعه و نیز بودجه‌های سنواتی و رویه‌های عملیاتی اسناد بالادستی، ضرورت دارد تأکید بر چارچوب‌های اسناد بالادستی این حوزه و تجربه برنامه‌های قبلی که در این پژوهش به آن پرداخته شد در تدوین این اسناد است. تحلیل‌ها نشان داد که سیاست‌گذاری مدیریت مصرف انرژی لازم است دربردارنده سیاست‌ها و اقدامات متعددی باشد. هر کدام از سیاست‌های مذکور زمانی اثربخش بوده و کارایی خود را نشان خواهد داد که علاوه بر تدوین نظام اجرا و پایش آن، مبتنی بر اعمال در چارچوب رویکرد اجتماعی نیز باشد. هر کدام از اقدامات توسعه‌ای حوزه انرژی نیز اعم از طرح‌های توسعه‌ای نیز لازم است متکی بر رویکرد اجتماعی به‌ویژه جلب مشارکت عمومی، ارزیابی تأثیرات اجتماعی، رعایت الگوهای پایداری، متقاعدسازی و پذیرش اجتماعی باشد.

درواقع با رعایت به روزآوری دیدگاه‌های اجتماعی، مفادی از برنامه ششم و اسناد بالادستی که اشاره شد خود بستر مناسبی در اشاعه و تداوم رویکرد اجتماعی به لحاظ الزام دولت در تقویت این رویکرد در سیاست‌گذاری خواهند بود. البته نباید فراموش کرد که لازم است تحولات سیاستی همگام با تحولات در پیدایش گفتمان‌های جدیدتر در پیشبرد تعامل بهتر و بیشتر جامعه و سیاست‌گذاری انرژی باشد. الگوی پیشنهادی این پژوهش برای اعمال رویکرد اجتماعی تأکید بر دسته‌بندی سیاست‌ها و اقدامات مندرج در اسناد بالادستی و اتکاء به مؤلفه‌های رویکرد اجتماعی در بخش نظری پژوهش است که با توجه به این موضوع، تلاش شد تا محتوای اسناد بالادستی انرژی به صورت کیفی تحلیل شود.

بررسی و تحلیل رویکرد اجتماعی در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا وزارت نیرو نشان داد که در سطح کلان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی وزارت نیرو تا حدودی رویکرد اجتماعی در مأموریت‌ها و وظایف و نیز راهبردها اتخاذ شده و به لحاظ نهادی نیز گام‌هایی برداشته شده است. صرفنظر از کاستی‌هایی در این زمینه باید گفت ضعف رویکرد اجتماعی در حوزه تصدی‌گری یا همین حوزه اجرا وزارت نیرو که شرکت‌های مادرتخصصی متولی آن هستند، به وضوح احساس می‌شود. ممکن است بر این دیدگاه انتقاد وارد شود که ضرورتی برای درج رویکرد اجتماعی در وظایف و یا مأموریت‌ها لازم نباشد و یا اینکه نیازی به راهبردهای اجتماعی نباشد اما آنچه در این زمینه اهمیت دارد، این است که اهداف، مأموریت‌ها و وظایف و به‌ویژه راهبردها سرلوحه و مبنای اقدامات مدیریتی و توسعه‌ای هستند. بنابراین تدوین نظام هنجاری به‌منظور اجرای آن ضرورت دارد. پس اتخاذ رویکرد توسعه پایدار به‌طور عام و رویکرد اجتماعی به‌طور خاص نیز مشمول این وضعیت خواهد شد. تدوین نظام هنجاری از این دست باید به‌عنوان بخشی از نظام ارزشی سازمان نیز در پیشبرد امور تلقی شود. همان‌طورکه اشاره کردیم رویکرد اجتماعی در مواردی اتخاذ و اعمال شده و در مواردی نیاز به طرح و اعمال دارد که پیشنهادات لازم ارائه شد. امّا مسئله‌ای که نباید به راحتی از کنار آن گذشت این است که

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

سازوکار برنامه‌ریزی، ارزیابی و نظارت بر عملکرد چنین رویکردی چه توسعه پایدار و چه اجتماعی پیش‌بینی نشده است. آنچه در سطح ستادی وجود دارد جنبه توصیه سیاستی و بسترسازی علوم اجتماعی و کاربست آن است و هنوز اقدام الزام‌آوری در این حوزه وجود ندارد. به همان میزان در سطح زیرمجموعه نیز چنین مشکلی وجود دارد. ازاین‌رو همان‌طورکه در هر بخش اشاره شد، نیاز به ایجاد ساختاری جدید و یا تکمیل و بازنگری ساختارهای موجود برای طراحی و اتخاذ و اعمال رویکرد اجتماعی و نظارت و پایش و ارزیابی عملکرد آن وجود دارد. برای این منظور ضرورت دارد واحدی به‌عنوان متولی از این نظر تقویت شود و متناسب با آن نیز همان‌طورکه پیشنهاداتی ارائه شد، در سطح زیرمجموعه نیز اقدامات مشابهی صورت گیرد. به‌طورکلی ضرورت دارد در سطح ستادی واحدی مأموریت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه پایدار را راهبری کند. برخی از وظایف این واحد که می‌تواند مواردی همجون «راهبری و مدیریت دانش اجتماعی»، «توسعه ظرفیت‌ها و تعاملات اجتماعی»، «نظارت و ارزیابی عملکرد توسعه پایدار یا اجتماعی و زیست‌محیطی» و «تدوین سیاست‌های اجتماعی و زیست‌محیطی» باشد. به همان نسبت واحدهای زیرمجموعه نیز می‌تواند با عنوان واحدها یا دفاتری نظیر برنامه‌ریزی، ارزیابی و نظارت بر توسعه پایدار؛ وظایف «نظارت و ارزیابی عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی»، «سیاست‌پژوهی، فرهنگ‌سازی و ترویج» و «توسعه ظرفیت‌ها و تعاملات اجتماعی» را برعهده داشته باشد.

یکی از راهبردهای بسیار مهم وزارت نیرو و زیرمجموعه راهبرد مشارکتی است که به نظر می‌رسد متن بیانیه آن که توسط وزیر ابلاغ شده، دارای گزاره‌های جامع و فراگیر به لحاظ مسئولیت اجتماعی وزارت نیرو در حوزه مشارکت عمومی است. پیشنهاد بر این است که دستورالعمل اجرایی آن تدوین و سپس طبق ساختار پیشنهادی، عملکرد آن موردارزیابی قرار گیرد. واحدهای عمومی ارزیابی عملکرد ممکن است نتوانند اهداف آن را محقق کنند.

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از زیرعرصه نهادهای صنفی به‌عنوان بخش سوم حکمرانی صنعت برق باید گفت؛ بررسی چند مورد از انجمن‌های صنفی که در سطح ملّی مطرح بوده و به لحاظ مأموریت و اهداف و نیز اعضاء خود گسترده هستند و نیز بورس انرژی ایران به‌عنوان تشکلی خودانتظام در حوزه بازار انرژی نشان داد خود موضوع تشکل‌یافتگی و ایجاد چنین نهادهایی بستر مهمی در انتظام و تدوین نظام هنجاری صنعت برق و انرژی به‌شمار می‌آید. اگرچه این سؤال ممکن است پیشاروی محققان اجتماعی حوزه انرژی باشد که چرا ایجاد تشکل‌ها در حوزه کارفرمایی و شرکت‌ها زمینه بروز و ظهور داشته و در حوزه کارگری چنین اتفاقاتی نیافتاده است. البته بررسی این موضوع در این مجال نمی‌گنجد اما می‌توان آن را به‌عنوان مسئله‌ای قابل بررسی گوشزد نمود.

تشکل‌یابی اصناف به‌عنوان نظام بخش خصوصی، ابزار و بستر مهمی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به‌شمار می‌آید که مشارکت این بخش را در سیاست‌گذاری و حکمرانی مبتنی بر مشارکت بخش سوم ارتقا خواهد داد. این موضوع در اهداف و راهبردهای همه اصنافی که اشاره شد، بازتاب یافته است اما در عمل چه اتفاقی می‌افتد، قابل‌بررسی در مطالعات حکمرانی است. در هر صورت چنین ظرفیت‌هایی بخشی از واقعیت نظام تصمیم‌گیری هستند که نمی‌شود آنها را نادیده گرفت و یا بر واقعیت‌های این حوزه سرپوش گذاشت. قدرت نهفته در نظام‌های صنفی بر هیچ کسی پوشیده نیست. اگرچه فعالیت‌های اجتماعی این انجمن‌ها بیشتر درزمینه مباحث درون‌سازمانی بوده اما ظرفیت‌های آنها در سیاست‌گذاری عمومی آن‌گونه که در اهداف خود درج شده و سرلوحه کارشان است مسیر فعالیت در حوزه عمومی جامعه را نیز هموار ساخته است. خوشبختانه در اهداف آنها بر موضوعات عمومی اجتماعی تأکید شده هر چند نیاز دارد تا به مرحله‌ای برسد که چنین موضوعاتی به دغدغه اصلی آنها تبدیل گردد و در راستای تحقیق و نیز عملیاتی کردن آن گام بردارند. در جدول شماره ۲-۲۶ خلاصه‌ای از این مباحث و نوع نگاه و رویکرد اجتماعی و ظرفیت‌های انجمن‌های مذکور ارائه شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۲۶: واکاوی رویکرد اجتماعی و ضرورت اعمال آن در اهداف انجمن‌های صنفی صنعت برق و انرژی

عنوان	اعضاء و حوزه فعالیت	وجود رویکرد اجتماعی و ضرورت اعمال آن
سندیکای صنعت برق ایران	بالغ بر ۵۸۵ شرکت سازنده تجهیزات، پیمانکار، مهندسی مشاور و بازرگانی- خدمات اعضاء و توسعه ارتباطات بین آنها و تنظیم و توسعه صنعت	تأکید بر توسعه منظم و همه‌جانبه صنعت برق کشور، حمایت از توسعه درونزا و برونگرا، عدالت در رقابت، مشارکت در بهبود کیفیت تولید و خدمات، کارآفرینی مبتنی بر نوآوری، مشارکت و همفکری با مراکز تصمیم‌گیری، رایزنی و مذاکره و زمینه‌سازی ایفای نقش مؤثر در فرایند سیاست‌گذاری عمومی و پایش تصمیمات و ترویج ارتباطات و گسترش تفاهم درون خانواده صنعت - عدم برخورداری از کمیته اجتماعی- دارای نشریه «ستبران»
سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق	۵۰ شرکت بخش خصوصی - حمایت از منافع مشترک اعضاء و مشارکت گروهی بخش خصوصی تولید کننده برق	تأکید بر مشارکت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، جلوگیری از رقابت ناسالم، رفع اختلافات اعضاء و حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری به‌عنوان مباحث اجتماعی درون‌سازمانی و هماهنگی بین‌بخشی- عدم برخورداری از کمیسیون و کمیته‌ای به نام توسعه پایدار و یا اجتماعی به‌ویژه مسئولیت اجتماعی در قبال اجتماعات محلی- دارای نشریه «نیرو و سرمایه»
انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های توزیع برق	۳۸ شرکت توزیع نیرو-دفاع از حقوق شرکت‌های توزیع و مطالبه آن از مراجع ذیربط	تأکید بر همکاری بین‌بخشی و با سازمان‌های مردمی، شناسایی نیازها و تدوین روش‌های مناسب منطبق با ضروریات اجتماعی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، بالابردن آگاهی جامعه در زمینه‌های توزیع نیروی برق مانند مدیریت مصرف و رعایت مسائل ایمنی حرفه ای و فردی و محیط زیست — انجمن به لحاظ ظرفیت‌سازی اجتماعی دارای دو کمیسیون مصرف و کمیسیون خدمات مشترکین است که البته کارگروه و یا کمیته‌ای در عرصه اجتماعی و فرهنگی ندارند و به لحاظ عملکردی نقشه راه مشخصی در خصوص فرهنگ مصرف و یا مطالعات اجتماعی مصرف در این حوزه وجود ندارد- استقرار کمیته رابط سیرد ایران در انجمن- دارای فصلنامه «پیام توزیع برق»
انجمن شرکت‌های خدمات انرژی ایران	۳۴ عضو (شرکت) - ساماندهی خدمات انرژی کشور و برقراری ارتباطات مؤثر میان دولت و بخش خصوصی	تأکید بر همکاری‌های بین اعضاء و توسعه همکاری با دستگاه‌های دولتی و مجامع سیاست‌گذاری و نهادهای عمومی و تلاش برای مرجعیت در عرصه ملی و بین‌المللی؛ تأکید ویژه بر توسعه فرهنگ و آگاهی‌های عمومی و حفاظت از منابع انرژی، توسعه فرهنگ و آگاهی‌های مردم و جامعه در مورد خدمات انرژی، اعتلای مدیریت انرژی به‌منظور حفاظت از منافع ملی، و منابع انرژی و توجه به اصول توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست- دارای دو کارگروه فرهنگی و کارگروه قوانین و سیاست‌گذاری
انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی ایران	۲۷ عضو (شرکت) - ساماندهی و حمایت کلیه واحدهای فنی، مهندسی، مشاوران، تولیدی، بازرگانی در عرصه فرهنگ‌سازی، ترویج، ممیزی، طراحی، پیاده‌سازی، تولید و تجهیز ادوات و راه‌کارهای مناسب در جهت بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور	علاوه بر مشارکت در برنامه‌ها و تدوین قوانین و مقررات و آموزش اصول بهینه‌سازی حوزه‌های مختلف، تأکید ویژه‌ای بر حفظ منابع انرژی جهت نسل‌های آینده، ایجاد فرهنگ مناسب مصرف و توزیع عادلانه انرژی و مدیریت تولید، انتقال و توزیع انرژی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها شده است- عدم برخورداری از کمیته‌های اجتماعی و فرهنگی
انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران	۳۹ عضو (شرکت) - شناسایی مشکلات صنعتگران فعال درزمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و ارجاع آن به مراکز دولتی و تعامل با کلیه شرکت‌ها، موسسات، متخصصین و تمامی افرادی که می‌توانند در جهت توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر فعالیت نمایند.	-تأکید بر ترویج فرهنگ استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، تعیین جایزه ملی انرژی‌های تجدیدپذیر و نیز دوره‌های آموزشی مدارس و طبیعت خلاق -ضرورت داشتن نشریه مبتنی بر مطالعات ابعاد اجتماعی انرژی‌های تجدیدپذیر
شرکت بورس انرژی ایران	ساماندهی، پذیرش، نظارت و تسهیل انجام معاملات حامل‌های انرژی و اوراق بهادار مبتنی بر حامل‌های انرژی-۲۲ شرکت تولید برق در آن عرضه‌کننده هستند.	تأکید بر خودانتظام بودن تشکّل، انجام تحقیقات، آموزش و فرهنگ‌سازی مرتبط با فعالیت بورس انرژی برای تسهیل، بهبود و گسترش دادوستد در بورس انرژی، مشارکت بین‌بخشی در سطح ملّی و بین‌المللی-ضرورت مطالعات دیپلماسی عمومی و فرهنگ بورس در کشورهای دیگر

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲-۴. بررسی جایگاه علوم اجتماعی در عرصه آموزش، پژوهش و توسعه فناوری صنعت برق و انرژی

مقدمه

در این بخش از گزارش، وضعیت آموزش مفاهیم و حوزه‌های علوم اجتماعی را در آموزش‌های تخصصی و کاربردی صنعت برق و انرژی که برگرفته از نظام جامع آموزش وزارت نیرو بوده، بررسی خواهیم کرد. سپس به بررسی سیلابوس درسی رشته‌های علوم اجتماعی به لحاظ طرح مباحث علوم اجتماعی انرژی و دیگر رشته‌های مرتبط با صنعت برق و انرژی به لحاظ طرح مباحث علوم اجتماعی خواهیم پرداخت.

در عرصه پژوهش و توسعه فناوری نیز تلاش بر این است تا نخست جایگاه علوم اجتماعی در ساختار پژوهشی و توسعه فناوری وزارت نیرو بررسی شده سپس این وضعیت در اهداف و مأموریت‌های مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی حوزه صنعت برق و انرژی و حوزه علوم اجتماعی بررسی گردد. در پایان نیز فراتحلیلی از مجلات علمی و پژوهشی حوزه علوم اجتماعی به لحاظ مطالعات ابعاد اجتماعی و فرهنگی صنعت برق و انرژی ارائه خواهد شد. لازم به یادآوری است که پژوهشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، پژوهشکده‌ها و انجمن‌های علمی زیادی در سطح کشور در حوزه صنعت برق و انرژی و یا علوم اجتماعی به پژوهش و توسعه فناوری می‌پردازند اما ما در این پژوهش آن بخش از مراکز پژوهشی و انجمن‌های علمی را احصاء کرده‌ایم که گستره فعالیت آنها در سطح ملی و حتی بین‌المللی بوده و به لحاظ مأموریتی و فلسفهٔ تشکیل خود در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری حوزه صنعت برق و انرژی تأثیرگذار هستند.

۲-۴-۱. عرصه آموزش

۲-۴-۱-۱. نگاهی به دوره‌های آموزشی نظام جامع آموزش صنعت آب و برق

بررسی دوره‌های آموزش شغلی وزارت نیرو بر اساس نظام جامع (۳۱۱۰ دوره آب و برق تا ۱۴۰۰/۰۴/۱۲)، نشان می‌دهد که بالغ بر ۱۹ دوره آموزشی با ماهیت علوم اجتماعی تصویب شده است (جدول ۲-۲۷). این دوره‌ها بیشتر در حوزه آب بوده و دیگر دوره‌ها مشترک بین بخش آب و برق و انرژی است. از میان ۲۲۳ دوره آموزشی نیز که برای مدیران در رده‌های مختلف مدیریتی تعیین شده، می‌توان گفت در حدود هشت دوره دارای ماهیت اجتماعی و فرهنگی (دوره‌های با محتوای سرمایه اجتماعی، مدیریت مشارکتی، بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی کشور، جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی، مفهوم‌شناسی فرهنگ و مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگ، ارتباط مدیر با مردم، نظارت همگانی و سرمایه اجتماعی و مدیریت بحران‌های اجتماعی) هستند. به نظر می‌رسد در این دوره‌ها با توجه به سرفصل‌های پیشنهادی، بیشتر به مطالعات اجتماعی عمومی توجه شده تا مطالعات اجتماعی آب و برق. در واقع آب و به‌ویژه برق و انرژی به‌عنوان متغیر وابسته و موضوع موردبررسی و تحلیل اجتماعی نبوده و هدف همان‌طورکه اشاره ارائه آموزش مفاهیم و ادبیات این حوزه بدون کاربست در عرصه آب، صنعت برق و انرژی است[۱].

۱ این اطلاعات از پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو (دفتر آموزش، تحقیقات و فناوری) اخذ شده است. نشانی پایگاه: https://trt.moe.gov.ir

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

اگرچه در حوزه آموزش وضعیت بد نبوده اما ابعاد اجتماعی و فرهنگی انرژی و برق، ضرورت تدوین دوره‌های آموزشی بیشتری را می‌طلبد. نیاز است به ابعاد متنوع ملاحظات اجتماعی و فرهنگی، مسئولیت اجتماعی، پذیرش و متقاعدسازی مردم و جلب مشارکت عمومی در زنجیره تولید، توزیع و انتقال در سرفصل‌های آموزشی مشاغل حوزه صنعت برق و انرژی توجه شود. ناگفته نماند که مبانی کاربست علوم اجتماعی نیز بخشی از دوره‌ها باید باشد تا بتوان نقش‌آفرینی علوم اجتماعی در عرصه صنعت برق و انرژی را نشان داد ضمن آنکه تبیین نمود که کاربست این دانش در مقایسه با دیگر دانش‌ها در فرایند زنجیره چگونه است. ازاین‌رو این نیاز احساس می‌شود که با توجه به گسترده‌شدن ابعاد اجتماعی برق و انرژی نیاز است دوره‌های تخصصی در این باره تعریف و تصویب شود.

۱. ملاحظات اجتماعی و فرهنگی در فرایند حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی،
۲. ایفای مسئولیت اجتماعی در اقدامات مدیریتی و توسعه‌ای،
۳. چگونگی کسب موافقت و پذیرش و متقاعدسازی مردم در رابطه با اقدامات توسعه‌ای و سیاست‌های وزارت
۴. شیوه‌های جلب مشارکت عمومی در سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت
۵. ارتقاء تاب‌آوری اجتماعی در بحران‌های اجتماعی
۶. توسعه بومی و مردم‌گرایانه
۷. نوآوری اجتماعی
۸. سواد انرژی
۹. مبانی کاربست علوم اجتماعی
۱۰. تأخر فرهنگی در توسعه فناوری و ....

جدول ۲-۲۷: دوره‌های آموزشی شغلی با ماهیت علوم اجتماعی در نظام جامع آموزش وزارت نیرو

عنوان دوره آموزشی	حوزه
اصول و مبانی ارزیابی تأثیرات اجتماعی و کاربرد آن در طرح‌های منابع آب/ آب و توسعه پایدار/ کلیات برنامه‌ریزی مشارکتی و شیوه‌های فراتسهیل‌گری (سه دوره)/ مسئولیت‌های اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی در صنعت آب/ رویکرد اجتماعی در آب، مؤلفه‌ها و فرایندها/ مدیریت منازعات اجتماعی آب	آب
آشنایی با ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی رویکرد توسعه پایدار/ جامعه‌شناسی/ مبانی جامعه‌شناسی/ حکمرانی آب و انرژی (درک الزامات اجتماعی برای حکمرانی آب و انرژی و مدیریت تقاضا و مصرف)/ ارتباطات مردمی/ آگاهی‌های سیاسی و فرهنگی/ اصول ارتباطات/شناخت افکار عمومی/ مبانی، اصول و روش‌های روابط عمومی/ روابط عمومی و توسعه/ برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی/ مسئولیت اجتماعی در رویکرد اجتماعی به آب و برق/ توسعه روستایی	آب و برق

مأخذ: دفتر آموزش، تحقیقات و فناوری: https://trt.moe.gov.ir

۲-۴-۱-۲. بررسی جایگاه علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در آموزش عالی کشور

بررسی سیلابوس درسی رشته‌های علوم اجتماعی به لحاظ طرح مباحث علوم اجتماعی انرژی و دیگر رشته‌های مرتبط با صنعت برق و انرژی به لحاظ طرح مباحث علوم اجتماعی از اهداف این بخش است. در این میان تمامی گرایش‌های رشته علوم اجتماعی و رشته‌هایی که با نام و ماهیت صنعت برق و یا انرژی هستند (البته با رویکرد بین‌رشته‌ای نه رشته‌های با ماهیت فنی صرف مانند

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مهندسی برق) انتخاب شده‌اند. برای این منظور برنامه‌های درسی مصوب مندرج در پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی) بررسی شده‌اند[۱].

نحوه بررسی به این صورت بوده که چه سرفصل‌های درسی در حوزه علوم اجتماعی وجود دارد که مرتبط با حوزه برق و انرژی بوده و یا اینکه ظرفیتی برای پرداختن به این موضوعات خواهند بود. در حوزه رشته‌های با رویکرد بین‌رشته‌ای نیز، بررسی خواهد شد که تا چه حد زمینه مباحث علوم انسانی به‌طور عمومی (ابعاد حکمرانی و مدیریتی، ابعاد حقوقی، ابعاد اقتصادی و استراتژیک) و علوم اجتماعی (ابعاد اجتماعی و فرهنگی) فراهم بوده و در هر دو حوزه چه پیشنهاداتی را برای تقویت علوم اجتماعی برق و انرژی می‌توان ارائه کرد. نتایج بررسی رشته‌های علوم اجتماعی در جدول شماره ۲-۲۸ و رشته‌های غیرعلوم اجتماعی در جدول شماره ۲-۲۹ ارائه شده است.

جدول ۲-۲۸: بررسی جایگاه علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در آموزش عالی کشور (برق و انرژی در رشته‌های علوم اجتماعی)

نام رشته - گرایش	مقطع تحصیلی	دروس مرتبط با برق و انرژی (مباحث اجتماعی برق و انرژی)	پیشنهاد مباحث برق و انرژی
علوم اجتماعی –برنامه‌ریزی اجتماعی و تعاون	کارشناسی	توسعه پایدار/ جامعه‌شناسی محیط زیست (انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های نوین، حفاظت از منابع طبیعی)/ جامعه‌شناسی اقتصادی (جامعه‌شناسی مصرف و تغییرات سبک زندگی)	–جامعه‌شناسی محیط زیست، فرصت مناسبی برای پرداختن به مباحث هم‌بست انرژی، محیط زیست و جامعه است. این درس قبل از اینکه به‌طور خاص، مطالعات اجتماع و انرژی راه بیفتد لازم است درسی مشترک در همه گرایش‌های علوم اجتماعی تدوین شود. –برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی بدون توجه به مصرف انرژی و بهینه‌سازی آن با رعایت رفاه مردم و استانداردهای موردنیاز ممکن نیست پس لازم است مباحث مصرف انرژی در درس جامعه‌شناسی اقتصادی لحاظ شود.
علوم اجتماعی –جامعه‌شناسی	کارشناسی	جامعه‌شناسی صنعتی/ جامعه‌شناسی توسعه	–برق و انرژی به‌عنوان زیرساخت اساسی توسعه لازم است از منظر اجتماعی به‌طور ویژه در جامعه‌شناسی توسعه و صنعت موردبحث قرار گیرند که در این زمینه حداقل به لحاظ تعریف سرفصل‌ها غفلت شده است. –با توجه به تحولات اجتماعی و فناوری، ضرورت تعریف درسی به نام جامعه و انرژی و یا حداقل درسی مشترک در قالب جامعه‌شناسی محیط زیست موردنیاز است.
برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی توسعه	ر. ک.: جامعه‌شناسی توسعه – کارشناسی
جامعه‌شناسی	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی علم و فناوری	لزوم اختصاص سرفصلی ویژه به فناوری‌های نوین در عرصه انرژی در چارچوب جامعه با توجه به مسائل نوین و نوپدید محیط زیستی ناشی از انرژی
پژوهش علوم اجتماعی	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی صنعتی	ر. ک.: جامعه‌شناسی صنعتی – کارشناسی
توسعه محلی	کارشناسی ارشد	محیط زیست و توسعه/ارزیابی اجتماعی و فرهنگی سیاست‌ها و طرح‌های توسعه شهری/دانش بومی و توسعه	–در این رشته از علوم اجتماعی، با توجه به کلان‌نگری و یکپارچه دیدن توسعه اجتماعی، ضرورت دارد مباحث توسعه انرژی و برق و محیط زیست، اهمیت ارزیابی طرح‌های نیروگاهی و انرژی در محیط شهری و ارزیابی آن و دانش بومی تأمین و حفاظت از انرژی موردتوجه جدّی قرار گیرد. –ضمناً این ظرفیت وجود دارد که نسبت بین توسعه محلی و انرژی نیز در درسی مستقل تعریف و تدوین گردد.
جامعه‌شناسی– اقتصاد و توسعه	دکتری تخصصی	جامعه‌شناسی اقتصاد، جامعه‌شناسی صنعتی، جامعه‌شناسی توسعه، جامعه‌شناسی پایدار، جامعه‌شناسی تکنولوژی و توسعه	علاوه بر مباحثی که در هر یک از این دروس، اشاره شد، به نظر می‌رسد با توجه به پیوند عمیق توسعه و انرژی، ضرورت دارد در درسی مستقل این مباحث از حیث تحولات نظری، فناوری، ارتباطات بین‌الملل و تحول در قدرت، تمرکززدایی و انرژی‌های تجدیدپذیر، کنشگری سازه‌های انرژی، مصرف انرژی و رفاه خانوار و ... مورد آموزش و پژوهش قرار گیرد.
جامعه‌شناسی – فرهنگی	دکتری تخصصی	جامعه‌شناسی علم و تکنولوژی	ر. ک.: جامعه‌شناسی علم و فناوری – کارشناسی ارشد

۱ https://prog.msrt.ir

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۲۹: بررسی جایگاه علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در آموزش عالی کشور (علوم اجتماعی در رشته‌های مرتبط با برق و انرژی)

نام رشته - گرایش	مقطع تحصیلی	دروس مرتبط با علوم انسانی (اجتماعی برق و انرژی)	پیشنهاد مباحث اجتماعی برق و انرژی
حقوق انرژی	کارشناسی ارشد	مبانی حقوقی انرژی (تأکید بر مبانی اجتماعی حقوق انرژی نظیر مباحث عدالت، توسعه پایدار، مسئولیت اجتماعی دولت)	-ضرورت طرح مباحث حقوق شهروندی انرژی در کنار تکالیف آنان، حقوق شهروندان در آسیب‌های اجتماعی ناشی از توسعه انرژی - ضرورت طرح مباحث الزامات دولت در برآورد تأثیرات اجتماعی و بسترسازی نهادی آن، ابعاد حقوقی پیوست‌نگاری اجتماعی و فرهنگی منابع انرژی - ضرورت طرح مباحث ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در قانون‌گذاری انرژی و نیز اختلافات محلی
علوم اقتصادی- اقتصاد انرژی	کارشناسی ارشد	-	در کنار مباحث تخصصی اقتصاد انرژی، ضرورت طرح مباحث اجتماعی نیز به لحاظ اقتصاد اجتماعی در اقتصاد انرژی وجود دارد، نظیر: محاسبه هزینه‌های اجتماعی و اقتصاد محلی متأثر از توسعه انرژی، فرهنگ و نقش آن در سبد مصرفی انرژی خانوار، سیاست‌های اقتصادی انرژی و تبعات اجتماعی آن، مشارکت مردمی و کاهش هزینه‌ها و ... (پیشنهاد درس با عنوان اقتصاد اجتماعی انرژی)
مدیریت کسب و کار-انرژی	کارشناسی ارشد	تحلیل سیستم‌های انرژی (تأکید بر اهمیت اجتماعی بخش انرژی و انرژی و توسعه جامعه بشری)/ سیاست‌گذاری انرژی/ سیستم‌های انرژی تجدیدپذیر/ اقتصاد انرژی (ارزیابی هزینه‌های اجتماعی و عدالت بین‌نسلی، تئوری رفتار خانواده و خدمات انرژی)	-ضرورت دارد در درس سیاست‌گذاری به سیاست‌های اجتماعی انرژی پرداخت. -ضرورت طرح مبحث توجیه (امکان‌سنجی) و یا برآورد اثرات اجتماعی انرژی‌های تجدیدپذیر در درس سیستم‌های انرژی تجدیدپذیر -با توجه به سطح فعالیت کسب و کارهای انرژی اختصاص درسی تخصصی به موضوع «کسب و کارهای انرژی و اجتماع» ضرورت دارد.
معماری و انرژی	کارشناسی ارشد	طراحی معماری انرژی (تأکید بر مباحث فرهنگی و مذهبی و عوامل انسانی در طراحی)/ مبانی معرفتی علوم معماری در اسلام (ساخت و قناعت)/معماری، اقلیم و آسایش (تأکید بر امور فرهنگی ومذهبی)/ تحلیل انرژی (اهمیت اجتماعی انرژی)/مدیریت انرژی در معماری و شهرسازی	-در درس معماری، اقلیم و آسایش لازم است مبحثی تحت عنوان دانش بومی تأمین و حفاظت از انرژی در معماری طرح گردد. -در درس مدیریت انرژی در معماری و شهرسازی ضرورت دارد مبحثی با عنوان زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مدیریت مطرح گردد (توجه به ارزش‌ها و نگرش‌ها، نقش نهادهای اجتماعی، عوامل جمعیتی و هویتی و ...)
مهندسی انرژی	کارشناسی	مبانی تحلیل سیستم‌های انرژی (تأکید بر اهمیت اجتماعی انرژی و نقش انرژی در توسعه جامعه بشری)/ آثار زیست‌محیطی انرژی (ارتباط انرژی با ازدیاد جمعیت)/ کارآیی انرژی (نگرش‌های جهانی در خصوص محیط زیست)/ سیاست‌گذاری انرژی (مسئولیت اجتماعی شرکت‌های انرژی)	-در درس آثار زیست‌محیطی انرژی، طرح مباحثی نظیر نگرش‌های زیست‌محیطی و تأثیر آن بر ارتباط محیط زیست و انرژی و درک مردم از مسائل زیست‌محیطی انرژی، تعادل جمعیت و فعالیت‌های انرژی در آمایش سرزمین، مسائل زیست‌محیطی انرژی و تبعات اجتماعی آن ضروری است. -در درس اصول کار نیروگاه‌های آبی، به مباحث اقتصادی و زیست‌محیطی در طراحی و امکان‌سنجی آن پرداخته شده امّا جای مبحث برآورد تأثیرات اجتماعی خالی است. -در درس سیاست‌گذاری انرژی، طرح مبحث مشارکت ذی‌نفعان و مردم در سیاست‌گذاری ضروری است و اینکه در سیاست‌گذاری انرژی به چه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی باید پرداخت. -به‌طورکلی طرح درسی با عنوان انرژی و اجتماع با توجه به مباحثی که مطرح شد، در این رشته ضروری می‌باشد (با مباحثی نظیر: متقاعدسازی و پذیرش فناوری‌های انرژی، نیروگاه‌ها و اجتماعات محلی، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی سیاست‌گذاری و حکمرانی انرژی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مشارکتی، مدیریت ریسک مشارکتی، محیط زیست، انرژی و جامعه و ...).

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ادامه جدول ۲-۲۹: بررسی جایگاه علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در آموزش عالی کشور (علوم اجتماعی در رشته‌های مرتبط با برق و انرژی)

نام رشته - گرایش	مقطع تحصیلی	دروس مرتبط با علوم انسانی (اجتماعی برق و انرژی)	پیشنهاد مباحث اجتماعی برق و انرژی
مهندسی برق – برنامه‌ریزی و مدیریت سیستم‌های انرژی الکتریکی	کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی و مدیریت سیستم‌های انرژی/اقتصاد انرژی الکتریکی/مدیریت انرژی/	سرفصل‌های درسی این رشته با توجه به برنامه‌ریزی سیستم‌های انرژی، ضرورت دارد به مباحثی نظیر توسعه پایدار (به‌ویژه اولویت‌های بهره‌برداری از منابع انرژی متناسب با معیارهای توسعه پایدار) بپردازد. ضمن اینکه مثل دیگر رشته‌های مرتبط با سیستم‌های انرژی، طرح مباحث اجتماعی انرژی ضرورت دارد.
مهندسی انرژی‌های تجدیدپذیر	کارشناسی ارشد	انرژی و محیط زیست (انرژی و توسعه پایدار)/ مدیریت و اقتصاد انرژی	-ضرورت دارد یا درس مدیریت و اقتصاد انرژی و یا در درس تخصصی مستقل، مباحث اجتماعی انرژی‌های تجدیدپذیر مطرح گردد. جنبه فنی این نوع منابع انرژی اگرچه مهم است امّا این نوع از منابع بر خلاف منابع فسیلی، وجه اجتماعی قوی‌تری به لحاظ پذیرش و همراهی اجتماعی و تمرکززدایی از قدرت دارند.
مهندسی انرژی‌های تجدیدپذیر	دکتری تخصصی	مبانی انرژی‌های تجدیدپذیر (اقتصاد انرژی و جنبه‌های حقوقی انرژی)/ انرژی و محیط زیست (انرژی و توسعه پایدار)/ انرژی بیوماس و بیوگاز (ابعاد اجتماعی تولید و به‌کارگیری سوخت‌های زیستی)/ مدیریت و اقتصاد انرژی	-ضرورت طرح مبحث پذیرش اجتماعی فناوری‌های تجدیدپذیر در درس مبانی انرژی‌های تجدیدپذیر -در مورد درس مدیریت و اقتصاد انرژی مانند دوره کارشناسی ارشد اقدام گردد. -به‌طورکلی، درس انرژی‌های تجدیدپذیر و جامعه مانند الگوی پیشنهادی در دوره کارشناسی مهندسی انرژی پیشنهاد می‌شود.
مهندسی سیستم‌های انرژی - مدلسازی	دکتری تخصصی	تحلیل سیستم‌های انرژی (اهمیت اجتماعی بخش انرژی، اثرات اجتماعی، انرژی و توسعه جامعه بشری)/ اقتصاد منابع انرژی پایان‌پذیر/ مبانی اقتصاد (با تکیه بر نمونه‌های انرژی)/آینده‌پژوهی سیستم‌های انرژی/سیاست‌گذاری انرژی (اهداف و پیامدهای سیاست‌گذاری انرژی بر اقشار آسیب‌پذیر، عدالت انرژی، حکمرانی انرژی و حکمرانی گذار انرژی، انرژی و پایداری و انرژی و توسعه)/ امنیت انرژی/اقتصاد انرژی/ قوانین ملی و بین‌المللی انرژی	-در سرفصل‌های درسی علوم انسانی این رشته توجه مناسبی به مباحث اجتماعی شده است (بویزه در تحلی سیستم‌های انرزی و سیاست‌گذاری انرژی). -به هر حال ارتباط این رشته با اجتماع، تعریف درس مستقلی را در حوزه اجتماع و سیستم‌های انرژی می‌طلبد.
مهندسی سیستم‌های انرژی – سیستم‌های انرژی	کارشناسی ارشد	تحلیل سیستم‌های انرژی (اهمیت اجتماعی بخش انرژی، اثرات اجتماعی، انرژی و توسعه جامعه بشری) / سیاست‌گذاری انرژی (اهداف و پیامدهای سیاست‌گذاری انرژی بر اقشار آسیب‌پذیر، عدالت انرژی، حکمرانی انرژی و حکمرانی گذار انرژی، انرژی و پایداری و انرژی و توسعه)/ قوانین ملی و بین‌المللی انرژی/اقتصاد انرژی/آینده‌پژوهی سیستم‌های انرژی/امنیت انرژی	ر. ک.: به توضیحات رشته مهندسی سیستم‌های انرژی - مدلسازی
مهندسی سیستم‌های انرژی – تکنولوژی انرژی	کارشناسی ارشد	تحلیل سیستم‌های انرژی (اهمیت اجتماعی بخش انرژی، اثرات اجتماعی، انرژی و توسعه جامعه بشری)	ر. ک.: به توضیحات رشته مهندسی سیستم‌های انرژی – مدلسازی و مهندسی انرژی‌های تجدیدپذیر در مقاطع نام‌برده شده.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ادامه جدول ۲-۲۹: بررسی جایگاه علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در آموزش عالی کشور (علوم اجتماعی در رشته‌های مرتبط با برق و انرژی)

نام رشته - گرایش	مقطع تحصیلی	دروس مرتبط با علوم انسانی (اجتماعی برق و انرژی)	پیشنهاد مباحث اجتماعی برق و انرژی
مهندسی سیستم‌های انرژی - فناوری انرژی	دکتری تخصصی	تحلیل سیستم‌های انرژی (اهمیت اجتماعی بخش انرژی، اثرات اجتماعی، انرژی و توسعه جامعه بشری)	ر. ک.: به توضیحات رشته مهندسی سیستم‌های انرژی – مدلسازی و مهندسی انرژی‌های تجدیدپذیر در مقاطع نام‌برده شده.
مهندسی سیستم‌های انرژی –انرژی و محیط زیست	کارشناسی ارشد	تحلیل سیستم‌های انرژی (اهمیت اجتماعی بخش انرژی، اثرات اجتماعی، انرژی و توسعه جامعه بشری)/ انرژی و محیط زیست/ ارزیابی فنی و اقتصادی محیط زیست (ارتباط انرژی با ازدیاد جمعیت، بررسی روش‌ها و امکانات صرفه‌جویی)/مدیریت زیست‌محیطی تولید و مصرف انرژی / اقتصاد انرژی و محیط زیست (پایداری و توسعه پایدار، ارزیابی اثرات اجتماعی)	ر. ک.: به توضیحات رشته مهندسی سیستم‌های انرژی – مدلسازی و مهندسی انرژی‌های تجدیدپذیر در مقاطع نام‌برده شده.
مهندسی سیستم‌های انرژی - انرژی و محیط زیست	دکتری تخصصی	تحلیل سیستم‌های انرژی (اهمیت اجتماعی بخش انرژی، اثرات اجتماعی، انرژی و توسعه جامعه بشری)/ انرژی و محیط زیست (هزینه‌های اجتماعی آلودگی محیط زیست)/ارزیابی فنی و اقتصادی محیط زیست (ارتباط انرژی با ازدیاد جمعیت، بررسی روش‌ها و امکانات صرفه‌جویی)/ مدیریت زیست‌محیطی تولید و مصرف انرژی/ اقتصاد انرژی و محیط زیست (پایداری و توسعه پایدار، ارزیابی اثرات اجتماعی)	ر. ک.: به توضیحات رشته مهندسی سیستم‌های انرژی – مدلسازی و مهندسی انرژی‌های تجدیدپذیر در مقاطع نام‌برده شده.

۲-۴-۲. عرصه پژوهش و توسعه فناوری

۲-۴-۲-۱. جایگاه علوم اجتماعی در ساختار پژوهش و توسعه فناوری وزارت نیرو

نقطه آغازین بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی در وزارت نیرو را می‌توان در پژوهش‌ها و همایش‌هایی جستجو کرد که در اواخر دهه هفتاد و دهه هشتاد شمسی با هدف صرفه‌جویی و بهینه‌سازی مصرف انرژی از منظر علوم اجتماعی (بیشتر مبتنی بر دیدگاه‌های روان‌شناسی اجتماعی و علوم ارتباطات اجتماعی) انجام شده‌اند. برای نمونه می‌توان به تحقیقات معاونت انرژی وزارت نیرو (۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۹الف، ۱۳۷۹ب، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۴)[۱]؛ پژوهشگاه نیرو (۱۳۸۱

۱ پروژه پژوهشی بررسی راهبردهای آموزش و اطلاع‌رسانی صرفه‌جوئی در مصرف انرژی (۱۳۷۵)، مدیر پروژه: غلامعباس توسلی/ پروژه پژوهشی تدوین راهنمای برنامه‌ریزی و تشخیص بهترین فعالیت‌ها و خصوصیات محتوائی آگاه‌سازی در مصرف انرژی و راه‌های افزایش آن (۱۳۷۶)، مدیر پروژه: حمیدرضا مساوات/ پروژه پژوهشی بررسی اثربخشی فعالیت‌های آموزشی و آگاه‌سازی در خصوص صرفه‌جوئی انرژی در دانش‌اموزان ابتدائی و راهنمایی شهر تهران (۱۳۷۹)، مدیر پروژه: حمیدرضا مساوات/ پروژه پژوهشی ارزیابی اثربخشی پیام‌های بهسامان در خصوص برچسب انرژی از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹)، مدیر پروژه: رضا دولتیار باستانی/ پروژه

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

و ۱۳۸۵)[۱]؛ شرکت برق منطقه‌ای تهران (۱۳۸۲)[۲] و برگزاری اولین همایش ملی فرهنگ، آموزش و بهینه‌سازی مصرف انرژی در سال ۱۳۷۹ توسط سازمان بهره‌وری انرژی ایران و همایش ملی برق و رسانه در سال ۱۳۸۴ توسط شرکت مادرتخصصی توانیر اشاره کرد. ضمن آنکه کنفرانس بین‌المللی برق نیز که با مشارکت توانیر و پژوهشگاه نیرو هر ساله برگزار می‌شود، از همین دهه، مقاله‌های برگرفته از مطالعات اجتماعی را پذیرش نموده؛ البته از چندین دوره قبل‌تر، مباحث مدیریتی و اقتصادی موردتوجه بوده است. در سال‌های اخیر هم به لحاظ پژوهشی و هم به لحاظ نهادسازی، علوم اجتماعی (به‌ویژه مطالعات جامعه‌شناختی در کنار بهره‌گیری از دیگر شاخه‌های این علوم) موردتوجه بیشتری قرار گرفته که ایجاد گروه‌های پژوهشی مرتبط با حوزه علوم انسانی و اجتماعی در پژوهشگاه نیرو از جمله این اقدامات است.

نشریه علمی پژوهشی پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی در وزارت نیرو به لحاظ عملکرد انتشار مقالات با رویکرد اجتماعی در سال‌های اخیر از وضعیت نسبتاً خوبی در مقایسه با مجلات حوزه علوم اجتماعی برخوردار است. این موضوع می‌تواند نویدبخش توجه به ابعاد اجتماعی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حوزه برق و انرژی باشد. مقالاتی که با این رویکرد منتشر شده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. بررسی تأثیر عوامل اجتماعی- فرهنگی بر الگوی مصرف انرژی در خانوارهای شهر یزد، ۱۳۹۴
۲. عوامل بازدارنده اجتماعی بهره‌وری مصرف انرژی در ساختمان در ایران، ۱۳۹۵
۳. نقش عامل انسانی در بهینه‌سازی مصرف انرژی در نیروگاه هسته‌ای بوشهر، ۱۳۹۷
۴. بررسی عوامل مؤثر بر سواد انرژی: مطالعه موردی جامعه دانشگاهی شمالغرب کشور، ۱۳۹۸
۵. عوامل مؤثر بر تمایل به پرداخت مصرف‌کنندگان برای خودروهای برقی در کشور، ۱۳۹۹
۶. روش‌شناسی تحلیل اجتماعی حوادث و سوانح درصنعت برق: مطالعه موردی خاموشی‌های استان خوزستان در بهمن ۱۳۹۵، ۱۳۹۹
۷. چارچوب سیاست‌گذاری فناوری بر اساس ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی: مطالعه موردی فناوری نانو در صنعت برق و انرژی، ۱۳۹۹

معماری پژوهش و توسعه فناوری صنعت برق بیانگر آن است که سیاست‌گذاری این حوزه توسط معاونت تحقیقات و توسعه منابع انسانی وزارت نیرو انجام می‌گیرد که در کنار آن شرکت‌های مادرتخصصی به‌عنوان کارفرما و راهبر در مدیریت پژوهش و پژوهشگاه نیرو نیز به‌عنوان مجری فرایند را پیش خواهند برد. در این رابطه باید گفت پژوهشگاه نیرو بازوی پژوهش و توسعه فناوری صنعت برق است. از جمله وظایف وزارت نیرو در این حوزه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تدوین اولویت‌های پژوهشی و طرح‌های کلان پژوهش و فناوری
۲. ایجاد نظام مدیریت دانش و نشر دستاوردهای پژوهشی
۳. حمایت از تجاری‌سازی نتایج پژوهش و حقوق مالکیت فکری
۴. راهبری تدوین استانداردها و شبکه آزمایشگاه‌های مرجع صنعت برق و انرژی
۵. ایجاد شبکه مراکز رشد و پارک‌های فناوری در صنعت برق
۶. حمایت از توسعه دانش کاربردی و تولید ایده به‌ویژه در تعامل با دانشگاه‌ها و تشکل‌ها
۷. راهبری پژوهش با رویکرد انجام پروژه‌های مشترک دانشگاه و صنعت

پژوهشی بررسی اثربخشی فعالیت‌های آموزش و آگاه‌سازی صرفه‌جوئی مصرف انرژی در داش‌آموزان مدارس پیشتازان و فرزانگان شهر تهران (۱۳۸۱)، مدیر پروژه: مجید صفاری‌نیا/ (۱۳۸۴)، کتاب روان‌شناسی تغییر نگرش رفتار مصرف‌کنندگان انرژی (۱۳۸۴)، تألیف مجید صفاری‌نیا.

۱ پروژه پژوهشی بررسی الگوهای رفتار فرهنگی و اجتماعی مصرف‌کنندگان خانگی و تجاری در تهران بزرگ (۱۳۸۱)، مدیر پروژه: مریم رفعت‌جاه/ پروژه پژوهشی ارزیابی مقایسه‌ای مکانیسم‌های اطلاع‌رسانی درباره مصرف انرژی الکتریکی بر میزان مصرف برق مصرف‌کنندگان خانگی انرژی (۱۳۸۵)، مدیر پروژه: محمدرضا کلاهی.

۲ بررسی الگوی مصرف و میزان رضامندی مشترکین خانگی برق تهران (۱۳۸۲)، مدیر پروژه: شراره مهدی‌زاده.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۸. توسعه فناوری‌های نوین صنعت برق و انرژی در سطح ملی
۹. ایجاد نظام پایش تحولات فناوری در سطح بین‌الملل
۱۰. انجام مطالعات و برنامه‌ریزی برای استقرار نظام صلاحیت حرفه‌ای
۱۱. ایجاد شبکه متخصصین در صنعت برق
۱۲. حمایت از پژوهشگران صنعت برق برای توسعه فردی در سطح ملی

به‌طورکلی باید گفت که مأموریت پژوهشگاه نیرو، «توسعه پژوهش و نوآوری در راستای ارتقاء فناوری»، «پشتیبانی علمی از سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری» و «ارتقاء ظرفیت‌های حوزه‌های آزمون، بازرسی و استاندارد» بوده که مبتنی بر کاربرد استراتژی‌های «مدیریت و جریان‌سازی پژوهش و نوآوری» و «به‌کارگیری حداکثری از ظرفیت‌های کشور» در چارچوب مدل اجرای استراتژی «زیست‌بوم پژوهش و نوآوری صنعت برق» است.

با توجه به مباحثی که ذکر شد، پژوهشگاه نیرو[1] با برخورداری از چهار پژوهشکده تولید، انتقال، توزیع و انرژی و محیط زیست و نیز ۲۳ گروه پژوهشی از یک سو و نیز ۴۰ سند راهبردی مصوب توسعه فناوری (شکل ۲-۳) از دیگر سو و هم‌چنین تشکیل مرکز توسعه فناوری صنعت برق و انرژی به‌عنوان مرکز رشد پژوهشگاه در راستای تکمیل زیست‌بوم نوآوری و فناوری وزارت نیرو به‌منظور ارائه خدمات حمایتی به شرکت‌های مستقر در مرکز و پشتیبانی از کسب و کارهای دانش‌بنیان و فناورانه در صنعت برق و انرژی و برنامه‌ریزی ایجاد و توسعه پارک فناوری نیرو؛ پژوهش و توسعه فناوری در صنعت برق و انرژی را مدیریت و راهبری می‌کند. پژوهشگاه در کنار تحقیقات علوم فنی و مهندسی، در یک دهه اخیر به تحقیقات حوزه علوم انسانی از جمله علوم اجتماعی، مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی، حقوق و اقتصاد ورود کرده و بسترهای نهادی آن را نیز از جمله تشکیل گروه‌های پژوهشی مربوطه و نقشه راه پنج‌ساله اولویت‌های پژوهشی فراهم کرده و به جذب پژوهشگران به‌ویژه در قالب هیئت علمی اقدام نموده است. از جمله پژوهش‌های قابل‌توجه پس از تشکیل گروه مدیریت و علوم اجتماعی که با رویکرد رشته‌ای علوم اجتماعی انجام‌شده می‌توان به بررسی اجتماعی قطعی برق در خوزستان، گفتمان صنعت برق، آسیب‌شناسی مطالعات اجتماعی و مدیریتی، تدوین نقشه راه پژوهش‌های علوم اجتماعی، سنجش رضایت مشترکین صنعت برق و طراحی و استقرار مدل شایستگی اعتماد در توزیع برق تهران بزرگ اشاره کرد. ضمن آنکه گروه مدیریت و علوم اجتماعی تلاش دارد تا زمینه انجام پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای را فراهم نماید. از جمله پروژه‌های پژوهشی در دست اجرا نیز می‌توان به «شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش سرمایه اجتماعی در صنعت برق و راه‌کارهای بهبود آنها»، «تشکیل اتاق فکر در زمینه‌های علوم اجتماعی در صنعت برق»، «پیمایش ملی آگاهی‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای ایرانیان در حوزه آب و انرژی» و «مطالعه الگوی مصرف مشترکین صنعت برق با تأکید بر عوامل اجتماعی–فرهنگی» اشاره کرد. مطالعات تک‌رشته‌ای علوم اجتماعی نسبتاً به جریان افتاده امّا در مطالعات گروه‌های فنی و مهندسی حسب ماهیت برخی از پروژه‌ها که نیازمند مطالعات بین‌رشته‌ای و یا چندرشته‌ای به‌ویژه از جنبه اجتماعی و فرهنگی است، عملکرد قابل‌ملاحظه‌ای مشاهده نمی‌شود. بیشتر پروژه‌ها به‌ویژه پروژه‌های امکان‌سنجی؛ به توجیه فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی اکتفا و از توجیه یا ملاحظات اجتماعی غفلت کرده‌اند. این مشکل شاید از آنجا ناشی شود که اولاً رویکرد توسعه پایدار در توسعه فناوری پذیرش نشده و یا اگر شده صرفاً ابعاد فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی بوده و در هر صورت خلأ ناشی از مطالعات با ابعاد اجتماعی و فرهنگی در این عرصه وجود دارد. به موازات نهادینه‌نشدن رویکرد توسعه پایدار در پژوهش و توسعه فناوری، می‌توان گفت مطالعات بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای نیز جایگاهی برای خود نیافته است. این مسئله در اسناد راهبردی توسعه فناوری بارزتر بوده به گونه‌ای که نه تنها در راهنمای تهیه شرح خدمات تدوین اسناد به ابعاد اجتماعی توجهی نشده بلکه در راهنمای اخیر نیز که با تأکید بر بازنگری مطالعات بازار ارائه شده، باز مطالعات اجتماعی را نادیده گرفته است. ازاین‌رو ضروری است که راهنمای تدوین اسناد با رویکرد مطالعات اجتماعی نیز مورد بازنگری قرار گیرد. از طرفی دیگر لازم است در دیگر مطالعات تخصصی فنی و مهندسی

۱ اطلاعات مورداستفاده در رابطه با عملکرد پژوهشگاه نیرو از گزارش «کارنامه پژوهش و توسعه فناوری پژوهشگاه نیرو–۱۳۹۸» اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

گروه‌های پژوهشی نیز الزامی مبنی بر اینکه این ابعاد دیده شود، صورت گیرد. از جمله نکاتی که در باب مطالعات اجتماعی در راهنمای تدوین اسناد می‌توان اشاره کرد اولاً در توجیه‌پذیری بازنگری سند باید گفت که جنبه اجتماعی توسعه پایدار فناوری موردنظر نادیده گرفته شده است. بی‌توجهی به مرزبندی‌های اجتماعی و نیز ذی‌نفعان تأثیرگذار که می‌توانند در راهبری ظرفیت‌های محلی نقش داشته باشند از جمله موارد دیگری بوده که دیده نشده است. در رابطه با کاربست فناوری‌ها موضوعاتی مانند پذیرش اجتماعی و نیز تأخر فرهنگی ناشی از فناوری مطلبی به میان نیامده است. در طراحی سناریوها نیز راه‌کارهایی برای تعدیل و جبران تبعات منفی ناشی از توسعه فناوری پیش‌بینی نشده است. توجه به توانمندی مالی و اقتصادی شرکت‌ها و تولیدکنندگان و غفلت از مسئولیت اجتماعی آنها از مشکلات دیگری در راهنمای تدوین است. افزون بر این لازم است در بررسی محیط کلان و نیز مشتریان باید به ابعاد اجتماعی محیطی مثل امنیت عمومی و احساس امنیت، فضای فرهنگی و مقبولیت و پذیرش اجتماعی محصول از دیدگاه مشتریان پرداخت. نکته مهمی دیگری که باید اشاره کرد این است که در بخش برنامه‌ریزی استراتژیک باید اهداف و راهبردها سازگار با شرایط اجتماعی در جهت تحقق توسعه پایدار تدوین و تعریف شود. بر اساس مباحثی که گفته شد، بازنگری در اسناد توسعه فناوری با رویکرد مطالعات اجتماعی ضروری بوده و باید راهنمای موردنظر تدوین گردد. ضمن آنکه در جهت نهادینه کردن مطالعات بین‌رشته‌ای به‌ویژه با رویکرد اجتماعی باید شرح خدمات راهنمای مطالعات اجتماعی در پروژه‌های فنی و مهندسی مستلزم اتخاذ رویکرد توسعه پایدار تهیه شود. در صورت نیاز به انجام مطالعات اجتماعی در پروژه‌های فنی و مهندسی، ضرورت دارد مطالعات این بخش یا با نظارت گروه مدیریت و علوم اجتماعی باشد و یا اینکه در صروت لزوم مطالعات آن توسط آن گروه انجام گیرد. البته این موضوع نیازمند یک فعالیت نهادی نیز بوده به این معنا که با توجه به وجود چهار پژوهشکده متناسب با ابعاد فنی صنعت برق در پژوهشگاه از یک سو و نیز وجود گروه‌های علوم انسانی از سوی دیگر که مرتبط با مطالعات ملاحظات توسعه پایدار صنعت برق هستند، بنابراین ضرورت دارد پژوهشکده‌ای نیز علاوه بر چهار پژوهشکده قبلی که پشتیبان مطالعات توسعه پایدار بوده و می‌تواند در توسعه فناوری این الزامات را نهادینه کند، با مأموریت مطالعات توسعه پایدار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صنعت برق ایجاد شود. عنوان پیشنهادی که می‌توان ارائه کرد، «پژوهشکده سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه پایدار صنعت برق و انرژی» است. در این پژوهشکده ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، استراتژیک و مالی توسعه فناوری و نوآوری در صنعت برق مطالعه و بررسی و متناسب با شرایط نیز اسناد و گزارش‌های سیاستی تدوین خواهد شد. در کنار این اقدام نهادی متولی پژوهش، اقدام دیگری که فراتر از پژوهش بوده و به نوعی فرارشته‌ای می‌توان قلمداد کرد تشکیل اتاق فکر مسائل اجتماعی صنعت برق و انرژی است که مستلزم بررسی و تصمیم‌سازی با رویکرد خرد جمعی در خصوص اقدامات اضطراری و یا دیگر اقداماتی است که نیاز به زمان دارد. نظر به اهمیت این موضوع پروژه پژوهشی تشکیل اتاق فکر مسائل اجتماعی در گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی دنبال می‌شود.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150



شکل ۲-۳: فهرست مراکز و اسناد توسعه فناوری پژوهشگاه نیرو (مأخذ: www.nri.ac.ir)

موضوع مهمی که در باره پژوهش‌های علوم اجتماعی باید اشاره کرد، اجرای این نوع از پژوهش‌ها در عرصه‌های عملیاتی حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی است. بررسی عملکرد شرکت‌های مادرتخصصی برق حرارتی و توانیر در این زمینه بیانگر آن است که بسیار کم به پژوهش‌های علوم اجتماعی پرداخته شده است.

عملکرد پژوهشی شرکت‌های تابعه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی (سامانه جامع و یکپارچه تحقیقات برق (سیب)) به این شرح است که از مجموع ۱۶ تحقیق نهایی‌شده (قراردادهای نهایی شده در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸)، ۱۴ قرارداد خاتمه یافته (در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۶) و ۷ قرارداد جاری شرکت‌های تابعه از سنوات قبلی، یعنی در مجموع ۳۷ پژوهش، هیچ موردی که بخواهد عناصر و یا رویکرد اجتماعی را نیز در پژوهش خود دنبال کند، یافت نشد. بیشتر این مطالعات مسائل حوزه برق و انرژی را از منظر فنی و اقتصادی و در برخی موارد زیست‌محیطی بررسی کرده بودند.

از میان ۱۹۲۴ پروژه پژوهشی به انجام‌رسیده شرکت توانیر (دبیرخانه تحقیقات برق) از ده سال گذشته تا ۱۳۸۸ سهم مطالعاتی که به نحوی به علوم اجتماعی مرتبط است، ۲۱ فقره پژوهش بوده (تقریباً در حدود یک درصد به عبارتی از هر ۱۰۰ پژوهش فقط یک پژوهش) که آنهم در مواردی جنبه مدیریتی آن غالب بوده است تا اینکه به تحلیل و تبیین ریشه‌ها و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی یا تحقیقات جامعه‌شناسی ناب بپردازد.

۱. راهبردها و راه‌کارهای بهره‌گیری از سازمان‌های مردم نهاد برای ارتقاء بهره‌وری انرژی صنایع سنگین، جامعه و فرهنگ‌سازی آن در استان یزد
۲. بررسی نقش رسانه‌ها در نهادینه‌کردن فرهنگ مدیریت مصرف برق بین مشترکین خانگی برق شهر یزد

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۳. بررسی و سنجش میزان رضایت‌مندی مشترکین برق خانگی و شناسایی راه‌های ارتقاء و بهبود ارائه خدمات در استان چهارمحال و بختیاری
۴. بررسی میزان اثربخشی روش‌های آگاه سازی و ارتقاء سطح فرهنگ عمومی مشترکین خانگی با محوریت روشنایی، موانع موجود و راه‌کارهای عملی مطلوب جهت اصلاح الگوی مصرف مشترکان شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ
۵. بررسی عوامل مؤثر بر تمایل استفاده مشترکین برق از خدمات اینترنتی با استفاده از مدل تعمیم‌یافته پذیرش تکنولوژی دیوس
۶. طراحی سیستم کنترل بهینه روشنایی معابر عمومی با حداقل سرمایه گذاری ومبتنی بر مطالعات فرهنگی و جغرافیایی در شهرستان سیرجان
۷. بررسی میزان رضایت‌مندی مشترکین شرکت توزیع برق استان لرستان در سال ۱۳۹۱
۸. فرهنگ‌سازی مصرف برق با استفاده از تلفنهای هوشمند
۹. بررسی تأثیر عوامل اجتماعی, فرهنگی در میزان مصرف برق خانگی
۱۰. بررسی روش‌های فرهنگ‌سازی کاربردی انرژی پاک و طراحی و مونتاژ خودروی تولید و ذخیره انرژی خورشیدی
۱۱. تدوین مدل مسئولیت اجتماعی شرکت توزیع نیروی برق مشهد
۱۲. بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان کارکنان شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان
۱۳. تحلیل سیستمی عوامل اجتماعی–فرهنگی موثر بر میزان مصرف برق در بخش خانگی استان هرمزگان و تدوین سیاست‌های فرهنگ سازی برای کاهش مصرف
۱۴. تعیین الگویی در راستای توسعه فرهنگ مدیریت مشارکتی در شرکت توزیع نیروی برق استان هرمزگان
۱۵. بررسی مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت دانش در شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی
۱۶. بررسی اثر شرایط محیطی اهواز بر راندمان سلول‌های خورشیدی با هدف امکان‌سنجی استفاده گسترده و فرهنگ‌سازی
۱۷. بررسی موانع فنی، اقتصادی، اداری و فرهنگی سرمایه‌گذاری در صنعت نیروگاه‌های زباله‌سوز در استان هرمزگان و ارائه راه‌کارها
۱۸. تعیین الگویی در راستای توسعه فرهنگ مدیریت مشارکتی در شرکت توزیع نیروی برق استان هرمزگان
۱۹. بررسی نقش رسانه‌ها در نهادینه کردن فرهنگ مدیریت مصرف برق بین مشترکین خانگی برق شهر یزد

نکته قابل ذکر این است که در خیلی از این مطالعات مسائل فرهنگی و اجتماعی در کنار سایر مسائل دیده شده است، نه به صورت مجزا و مستقل. مطالعات غالباً با رویکرد فنی و اقتصادی انجام می‌شوند حتی در جایی که وجود بینش اجتماعی و فرهنگی در آنها بسیار احساس می‌شود مانند طراحی و ساخت سیستم تشخیص برق‌دزدی برای مشترکین خانگی و صنعتی، طراحی سیستم حفاظت از ترانس‌های شرکت توزیع برق شیراز در برابر سرقت، ساخت دستگاه آگاه‌ساز مشترکین از چگونگی مصرف خود در زمان اوج مصرف و امکان‌سنجی اجمالی فنی و اقتصادی نیروگاه تونل (برج) خورشیدی برای استان یزد و ...؛ چنین موضوعی نادیده گرفته شده است.

هنوز تحقیقات اجتماعی در عرصه‌های عملیاتی و یا کسب و کار صنعت (تولید، انتقال و توزیع) و حتی مصرف در ابتدای راه بوده و جریانی در این زمینه شکل نگرفته است و این تا حدود زیادی به فقدان و یا ضعف رویکرد اجتماعی در عرصه‌های حکمرانی و مدیریت برمی‌گردد. اولویت‌های تحقیقاتی توانیر و زیرمجموعه در سال ۱۴۰۰ بیانگر آن است که رویکرد غالب هنوز فنی‌محور است و اگر به ابعاد علوم انسانی نیز توجهی شده بیشتر در عرصه پروژه‌های مدیریتی و اقتصادی است و پروژه‌های مبتنی بر رویکرد علوم اجتماعی انگشت‌شمار است. برای مثال در حوزه خدمات مشترکین موضوع سنجش رضایت مشترکین استان کرمانشاه (مجموع نه اولویت) و در حوزه مطالعات مدیریتی و راهبری موضوعی با عنوان مشارکت شهروندان در حفظ و حراست از تحقیقات توزیع برق

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

استان هرمزگان (مجموع ۱۸ اولویت) ارائه شده است. در رابطه با اولویت‌های تحقیقاتی برق حرارتی نیز در سال ۱۳۹۹ (در مجموع ۲۶ اولویت) چنین وضعیتی مشاهده می‌شود. در واقع اولویتی با عنوان «طرح مطالعاتی ارائه مدل بومی نقش و مسئولیت زنان در مدیریت مصرف آب، برق و انرژی» در حوزه اجتماعی تعریف شده است. اولویت‌های تحقیقاتی سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی (ساتبا) نیز، هیچ‌گونه اولویتی را با رویکرد علوم اجتماعی تدوین نکرده است. این در حالی است که این سازمان بسته به نوع فعالیتش در حوزه توسعه تجدیدپذیرها (به لحاظ توزیع‌کنندگی قدرت و استفاده و خصلت مردمی و محلی) و بهره‌وری انرژی، شرایط مناسبی برای اتخاذ رویکرد اجتماعی دارد.

در مجموع باید گفت با بررسی وضعیت در سال‌های پیشین و وضعیت کنونی حوزه حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی، اگرچه تحقیقات اجتماعی، هرازگاهی انجام شده و یا می‌شود اما گویای شکل‌گیری جریانی پویا نبوده و بیشتر حالت مقطعی دارد. این موضوع جدا از فعالیت‌هایی است که در پژوهشگاه نیرو، گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی آغاز شده است. در این زمینه این ضرورت احساس می‌شود که گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو و یا مرکز امور اجتماعی وزارت با انعقاد تفاهمنامه‌ای با دفتر تحقیقات و توسعه فناوری وزارت نیرو، سالانه اولویت‌های تحقیقاتی اجتماعی حوزه ستادی و زیرمجموعه را احصاء و تعریف و تدوین کرده و با نظارت بر اجرای آن و یا انجام آن زمینه شکل‌گیری جریان پژوهش‌های اجتماعی را تقویت نمایند.

یکی از بسترهایی که برای توسعه مطالعات علوم اجتماعی می‌تواند نویدبخش باشد، کنفرانس سالانه بین‌المللی برق است که با برخورداری از کمیته اقتصادی و اجتماعی زمینه مناسبی برای اطلاع‌رسانی در این حوزه است. بیش از بیست سال است که این کمیته فعال بوده اما هنوز بخش اجتماعی آن نیاز به تقویت جهت تشویق و ترغیب پژوهشگران برای فعالیت در این کنفرانس دارد برای مثال مقالات اجتماعی در مقایسه با مطالعات اقتصادی ارائه‌شده در کنفرانس بسیار اندک است (در کنفرانس سی و چهارم، ۲ مقاله از ۱۲ مقاله تأییدشده در کمیته با ماهیت علوم اجتماعی تدوین شده بود). کنفرانس برق در سی و چهارمین سال برگزاری، رییس انجمن جامعه‌شناسی ایران (دکتر سید حسین سراج‌زاده –جامعه‌شناس) را به‌عنوان سخنران کلیدی کنفرانس دعوت نمود که ایشان با موضوع «ملاحظات اجتماعی و فرهنگی توسعه صنعت برق» به سخنرانی در این کنفرانس پرداخت.

۲-۴-۲-۲. جایگاه مطالعات علوم اجتماعی در ساختار مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی مرتبط با صنعت برق و انرژی

در این بخش از عرصه پژوهش و توسعه فناوری، ابتدا جایگاه مطالعات علوم اجتماعی در ساختار مراکز پژوهشی و توسعه فناوری مرتبط با صنعت برق و انرژی (پژوهشگاه مواد و انرژی، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، پژوهشگاه استاندارد، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و پژوهشکده مطالعات فناوری) و سپس جایگاه علوم و رویکرد اجتماعی در ساختار انجمن‌های علمی صنعت برق و انرژی (انجمن انرژی ایران، انجمن مهندسی بهره‌وری در صنعت برق ایران، انجمن علمی فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر ایران و انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی ایران)، بررسی خواهد شد.

۲-۴-۲-۲-۱. پژوهشگاه مواد و انرژی

اهداف و مأموریت‌های حوزه انرژی پژوهشگاه مواد و انرژی[۱] (وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) در پژوهشکده انرژی دنبال می‌شود. همزمان با تأسیس پژوهشگاه مواد و انرژی، پژوهشکده انرژی به‌منظور تحقیق، مطالعه و ارزیابی منابع انرژی‌های

۱ اطلاعات این پژوهشگاه از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://www.merc.ac.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۷ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تجدیدپذیر راه‌اندازی شد و فعالیت‌های این پژوهشکده بر روی منابع انرژی تجدیدپذیر و آلاینده‌های محیط زیست پیگیری شد. هم‌اکنون این پژوهشکده به لحاظ برخورداری از نیروی انسانی متخصص و تجهیزات پیشرفته یکی از مجهزترین مراکز تحقیق و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و یکی از مراکز شناسایی و آنالیز کمی و کیفی آلاینده‌ها در کشور به‌شمار می‌آید. این پژوهشکده دارای سه گروه محیط زیست و انرژی (عمده فعالیت‌ها: کنترل آلودگی هوا، فناوری تصفیه آب و فاضلاب، کاربرد بیوتکنولوژی در صنعت، بازیافت مواد، کاتالیست و سنسور، سوخت‌های زیستی و بیولیچینگ مواد معدنی)، انرژی خورشیدی (عمده فعالیت‌ها: سیستم‌های گرمایش و سرمایش خورشیدی، کاربرد نانوذرات در سیستم‌های خورشیدی و مدیریت و بازرسی انرژی) و گروه تبدیل و ذخیره انرژی (تبدیل انرژی خورشیدی، باد و هیدروژنی به الکتریسیته، سیستم‌های فوتوولتائیک، توربین‌های بادی، پیل سوختی، سوخت‌های جایگزین، بیودیزل و بیوگاز و ذخیره هیدروژنی) است. آن‌طورکه از عناوین گروه‌ها و مأموریت و اهداف آنها و پژوهشکده برمی‌آید باید گفت مطالعات اقتصادی و اجتماعی بخش مهمی در این دسته از اقدامات حوزه انرژی است که لازم است در قالب گروه‌های موجود یا گروهی مستقل به آن پرداخت. به نظر می‌رسد اقدام مناسب در این راستا پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در داخل هر یک از گروه‌های نامبرده باشد. توسط و بسط فناوری‌های نوین و نوآوری در این زمینه بدون تردید نمی‌تواند بستر جامعه و فرهنگ را نادیده بگیرد به‌ویژه اینکه عمده فعالیت‌های پژوهشی و فناورانه حوزه انرژی این پژوهشکده، در ارتباط با حوزه‌ای از انرژی است که مستلزم متقاعدسازی و پذیرش اجتماعی این حوزه و به تبع آن درگیری و مشارکت عمومی در پیاده‌سازی و آمادگی برای گذار به این حوزه نو است.

پژوهشگاه مواد و انرژی با همکاری بنیاد دانشنامه نگاری، طرح تهیه و تدوین دانشنامه انرژی به زبان فارسی را در دست انجام دارد. این دانشنامه انرژی یک مجموعه‌ای چهار جلدی شامل موضوعات و اصطلاحات علمی و فنی مرتبط با انرژی بوده و به تشریح و ارائه اطلاعات جامع و مانع درباره آن‌ها می‌پردازد. موضوعات مطرح در دانشنامه انرژی (تحت عنوان مداخل دانشنامه)، در پیوند مستقیم با حداقل یکی از زمینه‌های: منابع انرژی، فناوری‌های تبدیل انرژی، مصارف انرژی، جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی وابسته به انرژی، و مدیریت انرژی هستند. جامع بودن و پیوند با رشته‌های گوناگون علمی دو ویژگی بارز یک دانشنامه به‌شمار می‌روند، بنابراین این دانشنامه بسیاری از زمینه‌ها اعم از زمین‌شناسی و معادن، آمار، مکانیک، شیمی، مهندسی‌شیمی، بهداشت محیط، جغرافیا، علوم زیست‌محیطی، سیاست، اقتصاد، جامعه شناسی، روابط بین‌الملل، مدیریت، تاریخ و غیره را دربر می‌گیرد. در این راستا از اساتید، دانشجویان دکتری و کارشناسان خبره دعوت نموده تا در نگارش مقالات دانشنامه انرژی مشارکت کنند. فهرست موضوعی مداخل دانشنامه در حوزه‌های مرتبط با انرژی و اجتماع بدین شرح است: انتقال تکنولوژی و توسعه پایدار، انرژی و نحوه زندگی، انرژی، معماری ایرانی، انرژی، تمدن و انرژی، فرهنگ مصرف انرژی، فیلانتروپی (بشردوستی) و انرژی، مشاهیر انرژی ایران و جهان، مصرف انرژی و مسافرت، مصرف انرژی و مناطق عشایری، مصرف انرژی، تأثیر رسانه‌ها، واکنش اجتماعی به توسعه انرژی، واکنش اجتماعی به حریم تأسیسات انرژی و ورزش و تفریح، هزینه‌های انرژی. مجله انرژی‌های تجدیدپذیر و محیط زیست از جمله نشریات علمی پژوهشی با اعتبار الف است که با همکاری مشترک پژوهشگاه و انجمن مهندسی شیمی ایران به صورت فصل‌نامه و به زبان انگلیسی در زمینه‌های انرژی تجدیدپذیر و محیط زیست با سرفصل‌های: تولید، ذخیره‌سازی، تبدیل، توزیع، مدیریت (اقتصاد، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی) و پایداری محیط زیست منتشر می‌شود. ازاین‌رو باید گفت با توجه به سرفصل‌ها امکان ارسال و بررسی مقالات با محتوای اجتماعی وجود دارد هر چند در این حوزه اقدامات بسیار محدودی انجام شده که از جمله می‌توان به مقاله‌های «نیات ستودنی، تفکر محلی: تغییرات آب و هوا، گرمایش جهانی و نگرانی های انرژی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

پاک در تصمیمات سرمایه‌گذاری در مورد پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در لهستان[۱]» و «ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی انرژی بادی در ایران با تمرکز بر توسعه نیروگاه‌های بادی[۲]» اشاره کرد.

۲-۴-۲-۲-۲. سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران[۳] (وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) در سال ۱۳۵۹ با تصویب شورای انقلاب اسلامی تأسیس شد و از بدو پیدایش تاکنون مأموریت‌های مختلفی را در حوزه‌های گوناگون مرتبط با توسعه علوم و فناوری کشور برعهده داشته است. این سازمان از یک سو بنا بر ضرورت‌ها و نیازهای جامعه به‌عنوان نهادی پیشتاز عهده‌دار ایجاد، توسعه و یا انتقال فناوری‌های موردنیاز در رفع معضلات پیش روی کشور بوده و از سوی دیگر با طراحی فرایندها و ایجاد بسترهای مربوطه، متولی راهبری و هدایت محققین از ایده تا تولید بوده است. ازاین‌رو در هر دو مقوله توسعه فناوری و حمایت و راهبری پژوهشگران، فعال بوده و آن‌طورکه در اطلاعات مندرج در وب‌سایت این سازمان آمده؛ بسیاری از طرح‌ها و فعالیت‌های سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران الهام‌بخش دیگر مراکز پژوهشی و دانشگاهی در این حوزه‌ها بوده و نقشی بنیادین در الگودهی و اشاعه اینگونه فعالیت‌ها به سایر مراکز علمی و پژوهشی ایفا کرده است. موارد متعدد ایجاد و توسعه دانش‌های فنی از مرحله پژوهش تا فناوری در سازمان ایجاد شده است که از آن جمله می‌توان به فناوری‌هایی در حوزه‌های هوا و فضا (ماهواره و تونل باد)، محیط زیست (بازیافت ضایعات و تصفیه پساب‌های صنعتی)، انرژی (سلول‌های خورشیدی، پیل سوختی، سوخت های پاک و ...)، سلامت (تجهیزات پزشکی، داروهای سنتزی و گیاهی) اشاره کرد. در سال‌های اخیر نیز علاوه بر حوزه‌های فوق، با توجه به معضلات کنونی جامعه، زمینه‌هایی همچون آب و ریزگرد نیز به این اولویت‌ها افزوده شده و با توجه به سیاست‌گذاری‌های صورت‌گرفته، سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی در این حوزه‌ها در حال انجام هستند. با توجه به آنکه غالباً توسعه فناوری از طریق همکاری تیم‌های تخصصی متشکل از رشته‌ها و گرایش‌های مختلف تحقق می‌یابد نحوه سازمان‌دهی بخش‌های فعال درزمینه پژوهش و فناوری به شکلی بوده است که دربرگیرندهٔ زمینه‌های اصلی موردنیاز برای ایجاد و توسعه فناوری‌های موردنظر باشد. بنا بر همین ضرورت در سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران هفت پژوهشکده برق و فناوری اطلاعات، مواد پیشرفته و انرژی‌های نو، فناوری‌های شیمیایی، زیست فناوری، کشاورزی، مکانیک و مطالعات فناوری‌های نوین مشتمل بر گروه‌های تخصصی مربوطه تشکیل شده که هم‌اکنون بیش از ۱۵۰ عضو هیئت علمی و کارشناس پژوهشی در آنها مشغول فعالیت‌های تحقیقاتی و فناورانه هستند. بر این اساس حوزه پژوهش و توسعه فناوری صنعت برق و انرژی در سه پژوهشکده برق و فناوری اطلاعات (گروه‌های فناوری اطلاعات و سامانه‌های هوشمند، فناوری‌های مخابراتی و فضایی و مهندسی پزشکی)، مواد پیشرفته و انرژی‌های نو (گروه انرژی‌های نو) و پژوهشکده مکانیک (گروه بهره‌وری و تبدیل انرژی) دنبال می‌شود.

پژوهشکده مطالعات فناوری‌های نوین به لحاظ ماهیتی بیشتر مطالعات بین‌رشته‌ای در حوزه‌های فعالیتی سازمان را دنبال می‌کند که مرتبط با عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه فناوری به لحاظ ابعاد راهبردی، سیاستی، حقوقی، فرهنگی و ... می‌باشد. این پژوهشکده در جهت انجام مطالعات راهبردی در عرصه مبانی نظری و کاربردی درزمینه مدیریت فناوری فعالیت می‌کند و در سال ۱۳۷۱ ایجاد شده است. با نظری به اهداف و وظایف سازمان در سطح بخشی و ملی، تاکنون پژوهشکده به‌عنوان کانونی نقش مطالعاتی و مشاوره‌ای خود را در جهت بهبود فعالیت‌های حمایتی و پژوهشی سازمان و هم‌چنین تأمین نیازهای مطالعاتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سطح کلان، بخش و بنگاه ایفا نموده و همواره نقش بازوی فکری و مشورتی سازمان

---

۱ *Laudable Intentions, Parochial Thinking: Climate Change, Global Warming and Clean Energy Concerns in Investment Decisions Regarding Renewable Energy Projects in Poland (*Volume 8, Issue 1 , Winter 2021, Pages 44-48*)*

۲ *Assessing Economic, Social, and Environmental Impacts of Wind Energy in Iran with Focus on Development of Wind Power Plants (*Volume 7, Issue 3 , Summer 2020, Pages 67-79*)*

۳ اطلاعات این سازمان از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://irost.org/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۷ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

و هم‌چنین وزارتخانه را ایفا کرده است. پژوهشکده مطالعات ضمن مطالعه و ژرف‌نگری در ابعاد گوناگون توسعه فناوری و مطالعات درزمینه پیش‌بینی، تعیین اولویت‌ها و ارزیابی فناوری، حقوق دارائی‌های فکری، نوآوری و کارآفرینی، هم‌چنین مطالعات تطبیقی در کشورهای گوناگون، بر اساس یافته‌های خود پیشنهادها و راهکارهای علمی و کاربردی جهت دستیابی به توسعه مطلوب در اختیار مدیران مربوط قرار داده است.

در مجموع مطالعه، تحقیق، مشاوره، آموزش و انتشار در زمینه‌های «برنامه‌ها، سیاست‌ها و راهبردهای توسعه فناوری، مطالعه در سیاست‌های علوم، فناوری و نوآوری، مبانی نظری توسعه فناوری، مدیریت تحقیق و توسعه در سطح کلان، بخش و بنگاه، همکاری‌های بین‌المللی در توسعه فناوری، ارزیابی توانمندی‌ها و نقش آن در توسعه فناوری، نظام ملی نوآوری، نظام جامع دارایی‌های فکر، آینده پژوهی و تعیین اولویت‌های فناوری، انتقال و توسعه فناوری، تجاری سازی نتایج تحقیقات و کارآفرینی، مدیریت دانش، عارضه‌یابی، برنامه‌ریزی و بهبود توانمندی‌های صنعت در حوزه‌های فنی و مدیریتی و یادگیری سازمانی و مدیریت تغییر در سازمان‌ها»، فعالیت‌های اصلی این پژوهشکده در قالب گروه‌های پژوهشی چهارگانه راهبردها و سیاست‌های توسعه فناوری، نوآوری و کارآفرینی، ارزیابی و آینده‌پژوهی فناوری و فرهنگ و فناوری به‌شمار می‌رود. پژوهش خاصی که مرتبط با ابعاد اجتماعی انرژی باشد در پژوهشکده یافت نشد اما یکی از اقدامات جدی این پژوهشکده در کنار ساختار نهادی مطالعات راهبردی و فرهنگی، برخورداری از فصلنامه‌ای علمی و پژوهشی تحت عنوان مدیریت توسعه فناوری است که یکی از زمینه‌های انتشار مقاله در آن حوزه فرهنگ و فناوری می‌باشد. اگرچه انتشار مطالعات انرژی و فرهنگ مثل حوزه پژوهشی فرهنگ و انرژی، در ابتدای راه بوده و هنوز اقدام مشخصی انجام نگرفته است. در واقع باید گفت بیشتر بسترهایی برای پذیرش چنین موضوعات فراهم شده است.

۲-۴-۲-۲-۳. مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی[۱]، وابسته به وزارت نفت و از مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی تابع ضوابط وزارت علوم, تحقیقات و فناوری مأموریت خورد را در سال ۱۳۷۰ به‌عنوان یک مرکز پژوهشی شروع کرد. رسیدن به اهداف ترسیم شده در چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران و تحقق نقش مهم صنعت نفت در مجموعه فعالیت‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی کشور و کمک به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مدیران عالی صنعت نفت از طریق توجه به مطالعات اقتصاد انرژی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت مالی و برنامه‌ریزی، راهبرد فناوری، سناریوهای جهانی انرژی، بازارهای بین‌المللی نفت و گاز و موضوعات راهبردی در سطح کلان صنعت نفت از اهداف میان‌مدت و بلندمدت مؤسسه است. بر همین اساس فعالیت‌های مؤسسه با تصویب هیئت امنای آن در چارچوب پژوهشکده‌های اقتصاد انرژی (گروه‌های منابع هیدروکربوری و صیانت از منابع، عرضه و بهینه‌سازی مصرف انرژی و بازار انرژی و قیمت‌گذاری) و مطالعات راهبردی فناوری انرژی (گروه راهبردها و آینده‌پژوهی فناوری، مدیریت نوآوری، تحقیق و توسعه فناوری و مدیریت فناوری، محیط زیست و توسعه پایدار) انجام می‌شود. آن‌طورکه مشاهده می‌گردد بستر نهادی مطالعات علوم انسانی در هر دو پژوهشکده فراهم بوده و به نوعی باید گفت این مؤسسه، با مأموریت مطالعات علوم انسانی صنعت نفت و انرژی تأسیس شده است.

مطالعات علوم اجتماعی و آنچه که مرتبط با ابعاد اجتماعی و فرهنگی و تدوین راهبردهای سیاستی این حوزه است بنابر ماهیت مأموریتی گروه‌ها باید در پژوهشکده مطالعات راهبردی فناوری انرژی و بیشتر در گروه مدیریت فناوری، محیط زیست و توسعه پایدار قرار گیرد اما به نظر می‌رسد مطالعات علوم اجتماعی به‌عنوان مطالعات بین‌رشته‌ای دنبال می‌شود و مأموریت و جایگاه مشخصی برای آن در ساختار مشاهده نمی‌شود. انجام مطالعات راهبردی در حوزه مدیریت فناوری، انرژی و محیط‌زیست، پایش مستمر تحولات فناوری انرژی، شناسایی شکاف بین فناوری‌های موجود و فناوری‌های نوین و تدوین نقشه راه فناوری، سناریونگاری

۱ اطلاعات این مؤسسه از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://iies.mop.ir/portal/home/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۲ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جهت برنامه‌ریزی بخش عرضه و مدل‌سازی بخش تقاضای انرژی، تصمیم‌سازی و ارائه راهکار تخصصی راهبردی به‌منظور تسهیل فعالیت تصمیم‌گیران ارشد حوزه انرژی به‌ویژه صنعت نفت و گاز، با استفاده از روش‌های نوآورانه و علمی و ایجاد شبکه هم‌افزا و گسترده از متخصصین ملی و بین‌المللی و با رعایت ارزش‌های سازمانی از جمله مأموریت‌های این پژوهشکده است.

مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی به‌عنوان کانون فکر و مشاوری معتمد برای مدیران و تصمیم‌گیرندگان عالی صنعت نفت از سال ۱۳۸۶ سعی داشته است نتایج پژوهش‌ها و مطالعات و یافته‌های نوین را در قالب فصلنامه‌های علمی – پژوهشی منتشر کند که فصلنامه مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی در این راستا تدوین و انتشار می‌یابد. مدیریت پژوهش و نوآوری و فناوری در صنعت نفت و انرژی، راهبردی‌های مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی، راهبردهای توسعه زنجیره ارزش نفت و انرژی، راهبردهای دیپلماسی انرژی، بازار، سرمایه‌گذاری و بورس انرژی و آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری در صنعت نفت و انرژی از جمله محورهای مقالات در این نشریه هستند. هم‌چنین بولتن تخصصی پژوهشکده مطالعات راهبردی فناوری مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، باهدف ارائه مجموعه تحقیقات و مطالعات در موضوعات مرتبط با چشم‌انداز و آینده پژوهی انرژی، رصد فناوری‌های نوین انرژی، افزایش بهره‌وری انرژی، تکمیل و توسعه زنجیره ارزش، حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار و ابزار و سیستم‌های هوشمند فناوری انرژی منتشر می‌شود تا محیط مناسبی برای ارائه مباحث تخصصی محققان در این زمینه باشد.

از جمله پروژه‌های پژوهشی این مؤسسه می‌توان به این موارد اشاره کرد: بررسی عوامل مؤثر بر انگیزش و میزان رضایتمندی کارکنان حراست شرکت ملی نفت ایران و توابع، بررسی و تجزیه و تحلیل فرهنگی–اجتماعی الگوی مصرف انرژی کشور، تدوین راهنمای عمل ارزیابی تأثیرات اجتماعی در پروژه‌های صنعت نفت و گاز کشور، مأخذشناسی مطالعات اجتماعی – فرهنگی در حوزه نفت، مطالعات فاز صفر طرح جامع مطالعات فرهنگی و اجتماعی عسلویه، بازنگری و تدوین محورهای مطالعاتی اجتماعی صنعت نفت، تدوین مسؤلیت‌های اجتماعی شرکت‌ها (موردمطالعه: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی)، تدوین نقشه راه سند راهبردی توسعه اجتماعی و فرهنگی منطقه ویژه پارس در تعامل با استان بوشهر، مطالعات ذی‌نفعان و اجتماعی طرح جامع و نقشه راه ایجاد جزیره سیری، مطالعه جامع پیامدهای فرهنگی – اجتماعی استقرار صنعت نفت و گاز در سطح جوامع و اجتماعات منطقه ویژه اقتصادی پارس (با تأکید بر ارائه راه‌کارهای ساماندهی، هدایت و کنترل پیامدها)، بررسی عوامل و ابعاد مشکلات و مسائل اسکان و زندگی کارکنان صنعت نفت و گاز در منطقه عسلویه و تدوین راهبردها و خطوط کلی سیاست‌های اسکان و زندگی در آینده، گفتگو و توسعه: همسویی بین ذی‌نفعان در عسلویه، بررسی نقش سیاسی، اقتصادی، اجتماعی منطقه جاسک در افق آینده ایران و طرح جامع مطالعات اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و زیست‌محیطی مناطق نفتی غرب کارون.

پژوهشگاه صنعت نفت[1] نیز به‌عنوان یکی از مراکز پژوهشی وابسته به وزارت نیرو در حوزه‌های بالادستی، پایین‌دستی و نیز مباحث زیست‌محیطی منابع انرژی هیدروکربوری به تحقیق و توسعه فناوری می‌پردازد اما در این پژوهشگاه مباحث و چالش‌های فنی و مهندسی صنعت نفت موردنظر بوده و همان‌طورکه تشریح شد مطالعات راهبردی صنعت نفت در مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی انجام می‌گیرد.

۲–۴–۲–۲–۴. پژوهشگاه استاندارد

پژوهشگاه استاندارد[2] وابسته به سازمان استاندارد، دارای پژوهشکده‌ها و گروه‌های پژوهشی متعددی در راستای مأموریت‌های خود است. پژوهشکده فناوری و مهندسی یکی از ۴ پژوهشکده پژوهشگاه استاندارد است که با استفاده از ۵۶ نیروی تخصصی و بهره‌گیری از امکانات ۵۷ آزمایشگاه تخصصی و فعال در ۵ گروه پژوهشی مکانیک و فلزشناسی، برق (انرژی)، خودرو، ساختمانی و

۱ نشانی وب‌سایت پژوهشگاه صنعت نفت: https://www.ripi.ir/

۲ اطلاعات این مرکز از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی http://www.standard.ac.ir/fa در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۶ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

معدنی و مهندسی پزشکی در حوزه‌های پژوهش، آزمون، آموزش، تدوین و برگزاری مسابقات کیفیت فعالیت می‌کند. این پژوهشکده یکی از بزرگ‌ترین پژوهشکده‌های پژوهشگاه استاندارد به‌شمار می‌آید. گروه پژوهشی برق (انرژی) دارای کمیته‌های متناظری نیز بوده که از جمله کمیته‌های مرتبط با مباحث اجتماعی می‌توان سه کمیته مدیریت انرژی، ارزیابی صرفه‌جویی‌های انرژی و مدیریت و صرفه‌جویی انرژی را نام برد. گروه مهندسی برق، دارای هفت آزمایشگاه شامل: الکترونیک، بالاست، الکتروموتور، لوازم خانگی، سیم و کابل، قطع و وصل، لوله های محافظ هادی است. این گروه در زمینه‌های مختلف کاری با کمیته بین‌المللی برق همکاری تنگاتنگی در خصوص ارسال تدوین و اظهار نظر در حوزه‌های مختلف برقی دارد. اگرچه ماهیت مأموریت‌های گروه مذکور بیشتر فنی و مهندسی است امّا با توجه به کمیته‌های متناظری که نام برده شد و نیز ماهیت اجتماعی استانداردها، می‌توان گفت مباحث مرتبط با فرهنگ‌سازی و پذیرش اجتماعی استانداردها و نیز نهادینه کردن فرهنگ استاندارد در حوزه انرژی می‌تواند بخشی از مطالعات بین‌رشته‌ای پژوهشکده فنی و مهندسی و یا گروه برق (انرژی) و یا به‌طورکلی یکی از گروه‌های مطالعاتی بین‌رشته‌ای در حوزه تمامی فعالیت‌های آن پژوهشگاه باشد به گونه‌ای که یکی از سرفصل‌های آن گروه هم مطالعات اجتماعی مرتبط با استانداردهای حوزه انرژی و برق باشد.

۲-۴-۲-۲-۵. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری[۱] به‌عنوان نهاد مشورتی شخص رئیس‌جمهور و به‌منظور انجام مطالعات و پژوهش‌های سیاستی و ارائه طرح‌ها و پیشنهادهای نهایی راجع به راهبردهای (استراتژی‌های) ملی؛ و مطالعه سیاست‌گذاری عمومی کشور با رعایت سیاست‌های کلی نظام، در ۱۰ حوزه: ۱. سیاست داخلی؛ ۲. سیاست زیرساختی؛ ۳. سیاست اجتماعی؛ ۴. سیاست فرهنگی؛ ۵. سیاست نظامی-امنیتی؛ ۶. سیاست حقوقی؛ ۷. سیاست محیط زیست؛ ۸. سیاست بهداشت و سلامت؛ ۹. سیاست علم، فناوری و نوآوری؛ و ۱۰. سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، و با تأکید خاص بر مطالعات آینده‌پژوهی در هر یک از ۱۰ حوزه مذکور فعالیت می‌کند. آن‌طورکه در فعالیت‌های مرکز مشاهده می‌شود در دو حوزه امکان طرح مباحث اجتماعی و فرهنگی انرژی وجود دارد یکی بررسی‌های سیاست علم، فناوری و نوآوری و دیگری بررسی‌های محیط زیست (مباحث انرژی‌های نو، سمن‌های محیط زیستی و توسعه پایدار). ناگفته نماند که زیرحوزه انرژی یکی از مباحث بررسی‌های سیاست اقتصادی است و در حوزه سیاست اجتماعی و فرهنگی با توجه به قلمرو موضوعی تعریف‌شده، امکان طرح مسائل اجتماعی انرژی از منظر عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی، مسئولیت اجتماعی و مشارکت‌های اجتماعی وجود دارد. هم‌چنین مرکز دارای فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی است که در حوزه مطالعات سیاست‌های مذکور منتشر می‌شود.

۲-۴-۲-۲-۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی[۲] با هدف انجام دادن طرح های مطالعاتی و تحقیقاتی به‌منظور ارائه نظرهای کارشناسی و مشورتی به نمایندگان، کمیسیون‌ها و هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی تأسیس شده است. وظایف این نهاد به این شرح است: الف) مطالعه، بررسی و ارائه نظرهای کارشناسی بر روی تمام طرح‌ها و لوایح ب) گردآوری، نقد و تنظیم نظرهای محققان و پژوهشگران مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی، دستگاه‌های اجرایی، نهادها، گروه‌ها و احزاب سیاسی و افکار عمومی در مورد نیازهای جامعه ج) مطالعه، بررسی و تحقیق نسبت به حسن اجرای قوانین و سایر ابعاد نظارتی مجلس و ارائه پیشنهادهای کارشناسانه برای رفع موانع و مشکلات اجرایی د) تأمین نیازهای اطلاعاتی کمیسیون‌ها و نمایندگان مجلس از طریق تدارک و برقراری نظام اطلاع‌رسانی هـ) انجام پژوهش‌های موردی حسب درخواست هیئت رئیسه، کمیسیون‌ها و نمایندگان مجلس و) انجام مأموریت‌های

۱ اطلاعات این مرکز از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی http://www.css.ir/fa/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۴ اخذ شده است.
۲ اطلاعات این مرکز از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://rc.majlis.ir/fa در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۷ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

محوله در رابطه با کتابخانه‌های مجلس که این‌گونه موارد زیر نظر مستقیم رئیس مجلس قرار می‌گیرند؛ ز) اشاعه نتایج مطالعات پژوهشی از طریق نشر کتب و نشریات ح) انعکاس نظرات به واحدها و دستگاه‌های ذیربط با نظر هیئت رئیسه مجلس. در ساختار سازمانی مرکز پژوهش‌ها یازده معاونت پژوهشی و دو معاونت اجرایی وجود دارد.

مطالعات و تحقیقات در مرکز پژوهش‌ها عمدتاً در دفاتر مطالعاتی انجام می‌شوند. ساختار تشکیلاتی گروه‌های دفاتر مطالعاتی، مرکب از مدیر، چندین محقق ارشد و دستیاران تحقیقاتی است. دفترها موظف به تعریف، نظارت و در صورت لزوم هدایت طرح‌های پژوهشی، تضمین هویت عمومی و تخصصی آن‌ها هستند؛ هم‌چنین موظف‌اند روند پیشرفت امور و دستاوردها و نتایج فعالیت‌ها را به معاونت پژوهشی منتقل کنند. گروه‌های پژوهشی، کانون‌های اصلی فعالیت‌های پژوهشی مرکز شناخته می‌شوند. هم‌چنین «شورای مشاوران تخصصی» دفترها، دفترهای تخصصی را در زمینه‌های مختلف مطالعاتی از نظر ارزیابی فنی و علمی مطالعات انجام یافته، حمایت می‌کند. مرکز پژوهش‌های مجلس دارای دفاتر تخصصی است که هر دفتر مشمول چندین گروه تخصصی است. گروه تخصصی انرژی در دفتر مطالعاتی امور تولید قرار گرفته است. قاعدتاً این مرکز با دارا بودن دفاتر و گروه‌های اجتماعی و فرهنگی، از ظرفیت مطالعات بین‌رشته‌ای در حوزه مطالعات انرژی برخوردار است اگرچه اقدامات عملیاتی مشخصی در این زمینه مشاهده نشده است. یکی از ظرفیت‌های مناسب این مرکز در مطالعات بین‌رشته‌ای علوم اجتماعی انرژی با نگاهی سیاستی و استراتژیک، فصل‌نامه علمی پژوهشی مجلس و راهبرد است.

۲-۴-۲-۲-۷. پژوهشکده مطالعات فناوری

پژوهشکده مطالعات فناوری[۱] وابسته به ریاست جمهوری می‌کوشد با انجام و پشتیبانی از تحقیقات میان‌رشته‌ای، چندرشته‌ای و کاربست‌محور در کلاس جهانی؛ کمک به شکل‌گیری جامعه‌ی متخصصان و پژوهشگران؛ و تلاش برای هماهنگی افراد و گروه‌های مرتبط، مهم‌ترین مسائل کشور در حوزه‌ی رشد و توسعه‌ی فناوری را شناسایی کند و به آن‌ها پاسخ دهد.

اندیشکده حکمرانی انرژی و منابع ایران[۲] آن‌طورکه در وب‌سایت اینترنتی آن آمده، به‌عنوان تخصصی‌ترین کانون تفکر انرژی در کشور، وابسته به این پژوهشکده، به‌منظور ارتقای سطح کیفیت تصمیم‌سازی و اثرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری درزمینه تدوین سیاست‌های بخش انرژی تأسیس شده است. این اندیشکده با رویکرد مسئله‌محوری ضمن تشخیص موضوعات کلیدی بخش انرژی، آسیب‌شناسی آن‌ها را در دستورکار خود قرار داده و در نهایت به تصمیم‌گیران این عرصه راه‌کارهای سیاستی را پیشنهاد می‌دهد. محورهای کاری اندیشکده عبارت‌اند از: ساختار حکمرانی انرژی، بهره‌وری انرژی، تأمین انرژی، تجارت و دیپلماسی انرژی، زنجیره ارزش نفت و گاز، زنجیره تأمین و رصد تحولات بین‌المللی حوزه انرژی. اندیشکده در راستای اهمیت بخش انرژی در کشور و ضرورت ارائه راهبردهای تجویزی و عملیاتی و نیز رصد و پایش رویدادها و تغییر و تحولات جهانی به تدوین گزارش‌هایی تحت عنوان سیاست‌نامه، گزارش‌های رصدی و گزارش‌های راهبردی اقدام کرده است. هم‌چنین مرکز پایش تحولات انرژی جهان وابسته به اندیشکده، با تکیه بر ظرفیت دانش نخبگانی خود از میان انبوه مطالب در حوزه انرژی، اتفاقات و رویدادهای مهم و هم‌چنین اظهارات، تصمیمات و عملکرد مسئولین خارجی را در قالب اخبار جمع‌آوری کرده و به تحلیل و ارزیابی آن‌ها می‌پردازد. اخبار و تحلیل‌های این مرکز، خوراک لازم برای تولید گزارش‌های رصدی این اندیشکده را فراهم می‌کند. اگرچه ماهیت حکمرانی خود بیانگر رویکرد اجتماعی در اداره امور است اما در این اندیشکده بیشتر به جنبه‌های مدیریتی، راهبردی، اقتصادی و دیپلماتیک موضع حکمرانی انرژی پرداخته می‌شود و هنوز باب حکمرانی مبتنی بر استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی و حکمرانی مشارکتی در گفتمان حکمرانی انرژی حاکم بر این اندیشکده، باز نشده است. ناگفته نماند پژوهشکده مطالعات فناوری با توجه به برخورداری از گروه جامعه و پیشرفت و نیز سیاست نوآوری و آینده‌نگاری، امکان پرداختن به مطالعات بین‌رشته‌ای انرژی و حکمرانی انرژی را دارد. از

۱ اطلاعات این پژوهشکده از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://tsi.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۷ اخذ شده است.

۲ اطلاعات این اندیشکده از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://iranerqi.com/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۷ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جمله شرح وظایف گروه جامعه و پیشرفت می‌توان به توسعه نظریه‌ها و الگوهای بومی پیشرفت و گفتمان‌سازی آن در میان نخبگان، حاکمیت و عموم جامعه؛ رصد، مسئله‌یابی، فرصت شناسی، یافتن راه‌حل‌های بومی و کنشگری فعال در زیست‌بوم تحول و پیشرفت کشور؛ توسعه مدل‌های بومی و اسلامی برای پیشرفت، ترویج و گفتمان‌سازی آن؛ مشارکت در حل مسائل اولویت‌دار تحول و پیشرفت با در نظر گرفتن اقتضائات اجتماعی و فرهنگی کشور؛ مسئله‌یابی و شبکه‌سازی با نهادها و بازیگران فعال در راستای نیل به پیشرفت و مطالعات اجتماعی مرتبط با توسعه علم و فناوری اشاره کرد. هم‌چنین گروه سیاست نوآوری و آینده‌نگاری وظایفی همچون انجام مطالعات عمیق و در سطح ملی در زمینه تدوین و طراحی سیاست‌های نوآوری و ارزیابی اثرات آنها؛ بازطراحی نقش سازمان‌ها و سیستم‌های نوآوری برای تحقق حکمرانی خوب؛ تشکیل اتاق‌های فکر و اقدام برای موضوعات راهبردی کشور در حوزه‌های علم، فناوری، نوآوری و صنعت از قبیل آب، صنعت ماشین‌سازی، صنایع دریایی و ... و برنامه‌ریزی و کمک به کاربست نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط را برعهده دارد.

۲-۴-۲-۲-۸. انجمن علمی انرژی ایران

انجمن انرژی ایران[۱]، گسترش و پیشبرد و ارتقای علمی مباحث انرژی و توسعه کیفی نیروهای متخصص و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه‌های منابع انرژی، برنامه‌ریزی و بهینه‌سازی انرژی در بخش‌های عرضه و تقاضا، مدیریت و خدمات انرژی و مسائل مرتبط با موضوعات انرژی و محیط زیست، اقتصاد انرژی، انرژی‌های تجدیدپذیر، سیستم‌های انرژی و مواردی از این قبیل را در زمره فعالیت‌های خود قرار داده است. آن‌طورکه در وب‌سایت اینترنتی این انجمن درج شده؛ «ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دارنده ذخایر انرژی‌های فسیلی و یکی از صادرکنندگان مهم نفت و گاز و یکی از اعضای مهم سازمان اوپک دارای یک قرن سابقه درزمینه اکتشاف، تولید و استخراج و فعالیت در صنعت انرژی است. با وجود سابقه بسیار طولانی ایران درزمینه فعالیت‌های انرژی، به دلیل انحصاری بودن فعالیت‌ها و تمرکز آن در بخش دولتی، سهم بخش دانشگاهی و مجامع علمی مستقل چندان زیاد نبوده است. در مقایسه با دیگر کشورها ملاحظه می‌شود که نقش مجامع علمی دانشگاهی و انجمن‌های تخصصی انرژی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها در ایران بسیار کمرنگ است. به دلیل عدم شکل‌گیری انجمن‌های علمی انرژی فعال، مجامع تصمیم‌گیری انرژی نیز اتکای کمتری به بهره‌گیری از مجامع علمی خارج از دستگاه تصمیم‌گیری خود داشته‌اند، بنابراین وجود انجمن‌های علمی توانا که عملکرد و بازوی فکری نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر باشند، یک ضرورت حیاتی برای کشور تلقی می‌شود». این انجمن علاوه بر اعضاء حقیقی، ۳۵ عضو حقوقی نیز دارد که در حوزه‌های مختلف فعالیت‌های انرژی قرار می‌گیرند. گروه‌های تخصصی انجمن عبارت‌اند از: انرژی نفت، انرژی گاز، انرزی الکتریکی، انرژی هسته‌ای، انرژی‌های تجدیدپذیر، بهینه‌سازی انرژی، انرژی و محیط زیست، اقتصاد انرژی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری انرژی، حقوق و مقررات انرژی.

با توجه به فعالیت‌های متعدد انجمن در حیطه آموزش، پژوهش و توسعه و ترویج علم و فناوری در حیطه‌های مختلف انرژی، به نظر می‌رسد متناسب با آن نیز گروه‌های تخصصی شکل گرفته است. آنچه در این میان به لحاظ تخصصی و نیز رویکرد بین‌رشته‌ای ضرورت دارد گروه تخصصی مطالعات اجتماعی و یا علوم اجتماعی انرژی است که در مقایسه با امور مدیریتی، حقوقی، اقتصاد و محیط زیست که ابعاد مهم توسعه پایدار انرژی هستند، موردغفلت قرار گرفته است. با شکل‌گیری این گروه تخصصی می‌توان زمینه را برای ترویج رویکرد اجتماعی در انرژی فراهم ساخت و متخصصان و پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی را در این عرصه فعال کرد. انجمن دارای «ژورنال تکنولوژی و مدیریت انرژی»[۲] به زبان انگلیسی بوده که در حوزه‌های فناوری‌های جدید برای تولید انرژی، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی، تجزیه و تحلیل، مدل‌سازی و پیش‌بینی انرژی، صرفه‌جویی در انرژی و بهره‌وری، مدیریت انرژی، بهینه‌سازی سیستم‌های انرژی، منابع انرژی پایدار، سیستم‌های ذخیره انرژی، منابع انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی،

۱ اطلاعات این انجمن از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی http://iranea.ir در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۹ اخذ شده است.

۲ *Journal of Energy Management and Technology (JEMT)*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

آبی، باد، زمین گرمایی و انرژی اقیانوسی و سیستم‌های انرژی یکپارچه به انتشار مقالات علمی و پژوهشی می‌پردازد. با توجه به ماهیت فعالیت‌های انجمن و نیز انتشارات علمی آن، ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی به صورت نهادی از طریق ایجاد گروه تخصصی علوم اجتماعی انرژی جهت ترویج گفتمان اجتماعی در صنعت برق و انرژی وجود دارد.

۲-۴-۲-۲-۹. انجمن علمی مهندسی بهره‌وری صنعت برق ایران

انجمن مهندسی بهره‌وری صنعت برق ایران[۱] به‌منظور گسترش و پیشبرد و ارتقای علم بهره‌وری صنعت برق و توسعه کمی و کیفی نیروهای متخصص و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه‌های مربوط، تشکیل شده است. انجمن دارای گروه‌های تخصصی بهره‌وری (نیروی کار، مدیریت، ابزار و ماشین‌آلات، سرمایه، انرژی، تکنولوژی و روش‌های) و کمیته‌های تخصصی (کیفیت توان، هماهنگی امور مناطق، آموزش و پژوهش و روابط بین‌الملل، استاندارد و کیفیت تجهیزات، تعیین مؤلفه‌های بهره‌وری و ارزیابی عملکرد) است.

بر اساس برنامه راهبردی، انجمن این اهداف را برای خود تعریف کرده است: اولویت دادن به بهره‌وری و ایجاد تحول، پایداری و پویایی در اقتصاد ملی و حضور فعال و رقابت‌آمیز در بازار بین‌المللی، ترویج فرهنگ کیفیت برای تولید کالا و ارائه خدمات با کیفیت به‌منظور توسعه رفاه اجتماعی و درخشش ایران در جامعه جهانی از نظر تولید و تجارت، ارتقاء سطح فرهنگی همه اقشار و طبقات جامعه به‌ویژه دانش‌پژوهان سطوح مختلف و دست‌اندرکاران تولید و تجارت به خصوص مدیران و تصمیم‌گیران نسبت به اصول، علوم و فنون بهره‌وری از طریق افزایش دانش و تجربه و مبادله آن با سازمان‌های حرفه‌ای مشابه، رشد و شکوفایی توانایی‌های بالقوه و هماهنگ کردن توانایی‌های بالفعل برای افزایش کیفیت در فعالیت‌های افراد، سازمان‌ها و جامعه در همه زمینه‌ها، بهره‌گیری از آخرین یافته‌های علمی درزمینه کیفیت و ترغیب به اجرای آنها در حوزه‌های تولید، خدمات و تجارت از طریق نهادینه کردن آموزش‌های همگانی و تخصصی و ارائه مشاوره و راهنمایی و تربیت و آموزش مدرسان شایسته با استفاده از امکانات موجود و منابع موثق و معتبر و اعتباربخشی به سطوح علمی و حرفه‌ای متخصصان کیفیت در ایران برابر درجات شناخته شدهٔ بین‌المللی.

از جمله اقدامات مهم فرهنگی و اجتماعی انجمن می‌توان به تهیه و تدوین کتاب یکصد سال صنعت برق ایران، تهیه یکصد عدد فیلم پیشکسوتان صنعت برق ایران (به مناسبت یکصدمین سال برق)، تهیه کتاب خاطرات آقای مهندس تیمور لکستانی، تهیه کتاب خاطرات آقای مهندس اکبر نیلچیان، انتشار مجله علمی و پژوهشی (کیفیت و بهره وری صنعت برق ایران)، انجام پروژه واژه‌گزینی با فرهنگستان (۱۲۳ واژه مصوب) زبان و ادبیات فارسی و برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی اشاره کرد. با توجه به اینکه مجله علمی پژوهشی این انجمن، مفهوم کیفیت و بهره‌وری را هم از منظر مدیریت و هم مهندسی در نظر می‌گیرد امکان انتشار مقالات مرتبط با این حوزه که با رویکرد اجتماعی باشد وجود دارد. از جمله مقالات انتشاریافته با رویکرد اجتماعی می‌توان به مقاله «تأثیر سرمایه اجتماعی بر مصرف برق خانگی در استان‌های ایران، ۱۳۹۷» و «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر نگرش‌ها بر مصرف انرژی، ۱۳۹۳» اشاره کرد.

به‌طورکلی انجمن به لحاظ اهداف سازمانی و نیز تا حدودی عملکردی، آمادگی پذیرش رویکرد اجتماعی در پیشبرد اهداف ارتقاء بهره‌وری و کیفیت صنعت برق را دارد. یکی از الزامات استقرار این رویکرد و نهادینه‌شدن آن، ایجاد کمیته‌ای تخصصی با ماهیت «ایفای مسئولیت اجتماعی در کیفیت و بهره‌وری» و یا کمیته‌ای به نام «کمیته فرهنگی و اجتماعی بهره‌وری و کیفیت» که با هدف ارتقاء مسئولیت اجتماعی و نیز ترویج فرهنگ کیفیت و بهره‌وری باشد، استقرار یابد. این کمیته از دو منظر می‌تواند مؤثر واقع شود یکی در داخل صنعت و دیگری در ارتباط صنعت با جامعه و دیگر مجامع مرتبط.

۲-۴-۲-۲-۱۰. انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی ایران

۱ اطلاعات مربوط به انجمن از پایگاه اطلاع‌رسانی آن به نشانی https://iranipa.com/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۹ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی ایران[1] به‌منظور گسترش و پیشبرد و ارتقای علمی و فنی مدیران و کارشناسان و توسعه کیفی نیروهای متخصص و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه‌های مدیریت مصرف انرژی، تشکیل شده است. در این راستا با انجام تحقیقات علمی و فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی با محققان و متخصصان که به گونه‌ای با علوم مرتبط با مقوله انرژی و مدیریت مصرف انرژی سروکار دارند ارتباط برقرار کند و انجمن در چشم‌انداز خود با ارائه آموزش‌ها و تحقیقات بتواند در بهینه‌سازی مصرف انرژی و کاهش تلفات انرژی در کشور سهیم بوده و نیروهای انسانی متخصص و کارآزموده که ضمن آشنایی بتوانند فناوری‌های جدید بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور را اجرا و پیاده کنند، فعالیت می‌کند. انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی ایران در راستای ترویج فرهنگ بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور و به‌منظور اشتراک گذاشتن دانش و علوم انرژی، از افراد علاقه‌مند و دارای حداقل مدرک کارشناسی در تمام رشته‌های مهندسی، اقتصاد، انرژی، محیط زیست و رشته‌های وابسته جهت عضویت، دعوت به عمل می‌آورد. ازاین‌رو انجمن به‌منظور دستیابی به اهداف خود رویکردی بین‌رشته‌ای را دنبال می‌نماید. انجمن مدیریت مصرف با توجه به مقوله مصرف، نزدیک‌ترین ارتباط را می‌تواند با علوم اجتماعی حتی در مقایسه با دیگر انجمن‌های حوزه صنعت برق و انرژی داشته باشد.

دیدگاه انجمن در رابطه با «مدیریت مصرف انرژی»، به معنای مصرف نکردن نیست بلکه صحیح مصرف کردن است. «منظور ما کاهش رفاه جامعه نبوده بلکه هدف ما کاربرد منطقی و بخردانه از انرژی است. کارایی بیشتر، هزینه کمتر با استفاده بهینه امکان‌پذیر است. مدیریت مصرف به زبانی دیگر عبارت است از اعمال روش‌های مدیریتی بر مصرف‌کنندگان انرژی و ارائه یک الگوی صحیح و مناسب جهت افزایش کارایی استفاده از انرژی برق و بهره‌گیری از آن». گروه‌های تخصصی انجمن مشتمل بر سه گروه آموزش، تحقیقات و پژوهش و آمار و اطلاع‌رسانی (ترویج و آگاه‌سازی و بهینه‌سازی مصرف انرژی) هستند. انجمن در مدیریت مصرف رویکرد فنی بهینه‌سازی مصرف انرژی را در کنار رویکرد غیرفنی مبتنی بر مصرف پایدار را دنبال می‌کند.

۲-۴-۲-۲-۱۱. انجمن علمی فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر ایران

انجمن علمی فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر ایران[2] به‌منظور گسترش، پیشبرد و ارتقای علمی دانش انرژی‌های تجدیدپذیر و توسعه کیفی نیروهای متخصص و بهبودبخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی درزمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و هم‌چنین توسعه و بهره‌برداری از انرژی‌های تجدیدپذیر، فعالیت‌های خود را آغاز کرده است.

انجمن دارای کمیته‌هایی همچون راهبردی، فناوری و صنعت و دیگر کمیته‌های عمومی مانند آموزش، پژوهش، روابط عمومی و انتشارات است. یکی از جنبه‌های مرتبط با رویکرد اجتماعی در این انجمن که با توجه به ماهیت انرژی‌های تجدیدپذیر (امکان توسعه در سطوح خرد و محلی و نیز تکیه بر همراهی و مشارکت مردمی در توسعه و ترویج این نوع از منابع) می‌طلبد که چنین رویکردی را اتخاذ کند، وجود کارگروه تخصصی ترویج و فرهنگ‌سازی در کنار کارگروه‌های تخصصی سیاست‌گذاری و دانش و فناوری است. ناگفته نماند که دو کارگروه بعدی نیز درصورتی‌که قائل به رویکرد توسعه پایدار باشیم نیاز است تا در چارچوب ادبیات همان رویکرد توسعه‌ای که ملاحظه ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی است طراحی و راهبری شوند. موفقیت در فرهنگ‌سازی مستلزم استفاده از ظرفیت‌های علوم اجتماعی است اما ظاهراً امکان عضویت افراد حقیقی فارغ‌التحصیل در این رشته‌ها وجود ندارد. لازم است چنین بستری فراهم شود. در هر صورت همان‌طورکه اشاره شد، توسعه و ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر بیشتر از دیگر منابع انرزی مستلزم همراهی و مشارکت مردم است. چه بهتر که بسترسازی مشارکت مردم از همین نهادهای علمی و تخصصی آغاز شود. به لحاظ عملکردی، گزارشی در حوزه فرهنگ‌سازی مشاهده نشد.

---

۱ اطلاعات این انجمن از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی http://emaoi.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۹ اخذ شده است.

۲ اطلاعات این انجمن از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://iretsa.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۱ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲-۴-۲-۳. جایگاه مطالعات صنعت برق و انرژی در ساختار مراکز پژوهشی و انجمن‌های علمی مرتبط با علوم اجتماعی

در این قسمت، جایگاه مطالعات صنعت برق و انرژی در ساختار مراکز پژوهشی مرتبط با علوم اجتماعی و توسعه پایدار (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار سازمان حفاظت محیط زیست و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری) و جایگاه صنعت برق و انرژی در ساختار انجمن‌های علمی حوزه علوم اجتماعی (انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن انسان‌شناسی ایران و انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات) موردبحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۴-۲-۳-۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی[۱] (وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) دارای پژوهشکده‌ها و گروه‌های پژوهشی متعددی بوده که در این پژوهشکده مطالعات اجتماعی که دارای رویکردی میان‌رشته‌ای بوده و با توجه به گروه‌هایی که در داخل آن به فعالیت مشغول هستند می‌توان گفت تا حدودی دارای ظرفیت‌هایی (از جمله گروه مطالعات توسعه و تغییرات اجتماعی) در جهت مطالعات اجتماعی و فرهنگی حوزه انرژی باشد. مسائل اجتماعی توسعه صنعت برق و انرژی و گذار انرژی می‌تواند به‌عنوان بخشی از حوزه پژوهشی توسعه و تغییرات اجتماعی تعریف شود. مجموعه مطالعات این پژوهشکده طیف وسیعی از مسائل جامعه و فرهنگ ایران معاصر را دربر می‌گیرد. مطالعات مذکور در حوزه مطالعات تجربی و نظری در خصوص شناسایی ایران معاصر بوده و طیف گسترده‌ای را در زمینه‌های گوناگون: ریشه‌شناسی تطور هویت ایرانی از ایران باستان تا به امروز، تحلیل مدرنیته در ایران، تاریخ فرهنگی ایران مدرن، دانشنامه ایرانی امنیت، گفتمان‌های سیاست فرهنگی در ایران معاصر، ویژگی‌های نظام دیوان‌سالاری تاریخی ایران، تلقی از مفهوم عدالت و عقلانیت در نظریه‌های غربی، علوم انسانی و اجتماعی در ایران: چالش‌ها و راهبردها، تبارشناسی جنسیت در سنت اسلامی، نقش همسری در زندگی مشترک، مشارکت اجتماعی زنان ایرانی در جبهه جنگ، تحلیل و نقادی مسئله زن، مطالعات سبک زندگی در تهران، نگاه مطهری به توسعه در ایران، مطالعه اخلاق مراقبت، تطبیق دیدگاه‌های روان‌شناسی اجتماعی تعلیم و تربیت با دیدگاه‌های بومی در ایران، بررسی آسیب‌های اجتماعی استفاده از تلفن همراه، اعتیاد، شناسایی آثار بازی‌های رایانه‌ای و بررسی آسیب‌های اجتماعی در اسناد بالادستی را دربر می‌گیرد. این مطالعات در راستای اهداف آکادمیک علوم اجتماعی و تقویت بنیادهای معرفتی تحقیقات تجربی از یک سو و بسط و اشاعه و فهم مفهومی از جامعه و فرهنگ ایران از سوی دیگر صورت می‌گیرد. این نوع مطالعات به صورت گزارش‌های تحقیقاتی، کتاب‌های تألیفی و ترجمه و مقالات انتشار می‌یابد. پژوهشکده مطالعات اجتماعی طی تمام دوره حیات برای اشاعه دانش و گسترش بینش‌های نظری و تجربی برآمده از فعالیت‌های پژوهشی همکاران این پژوهشکده، مجموعه وسیعی از نشست‌ها، سخنرانی‌ها و همایش‌هایی را در درون پژوهشگاه و بیرون آن و با همکاری انجمن‌های علمی و دانشگاهی و سازمان‌های گوناگون برگزار کرده است.

۲-۴-۲-۳-۲. مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

۱ اطلاعات این پژوهشگاه از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://www.ihcs.ac.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۳ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی[1] (وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، با هدف «پژوهش در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی و توسعه و ارتقای علوم انسانی و اجتماعی» تأسیس شده است. ایده اولیه نیاز به تأسیس پژوهشکده‌های مستقل در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی با تأکید بر نیازهای علمی دانشگاهی کشور، از تحقیقات و مطالعاتی به‌دست آمد که در دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شد. نیاز به انجام پژوهش‌ها و مطالعاتی که هدف آنها ارائه نظریه، ایده و راهبرد به نظام تصمیم‌گیری باشد، هم‌چنین، ضرورت ارتباط پیاپی با صاحبنظران و نخبگان و تداوم فعالیت مرکزی برای تحلیل و نظریه‌پردازی درباره آموزش عالی ایران، سبب تأسیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی شد. به‌طورکلی این مؤسسه در حوزه‌های پژوهش در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، علم و فناوری، مطالعه آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه و آموزش عالی، مطالعه در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، توسعه کانون‌های تفکر در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی و توسعه علمی، آینده‌نگری دانشگاه و شناخت نیازهای جدید آموزش عالی در حوزه مسائل فرهنگی و اجتماعی، شناخت و بسط روش‌های توسعه علمی و مطالعات میان‌رشته‌ای و پژوهش در حوزه فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران فعالیت می‌کند. مطالعات اجتماعی علم و فناوری و نیز مطالعات میان‌رشته‌ای و وجود گروه مطالعات علم و فناوری در این مؤسسه، ظرفیت مناسبی در جهت مطالعات اجتماعی فناوری‌های نوین حوزه انرژی و نیز ملاحظات پیامدهای اجتماعی و فرهنگی تحولات فناورانه در این حوزه است. از جمله اهداف اجرایی گروه مطالعات علم و فناوری مؤسسه می‌توان به این موارد اشاره کرد: شناسایی خط سیر حرکت پیشین، فعلی و آتی نظام علم و فناوری در جهان و ایران، توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی به‌کارگیری علوم و فنون جدید در عرصه عمومی، مشارکت در فرایند سیاست‌گذاری توسعه علم و فناوری در ایران، پژوهش در زمینه‌های مشترک فرایند توسعه علم و فناوری و بسط مطالعات فرهنگی و اجتماعی علم و فناوری.

هم‌چنین یکی از بسترهای مناسب توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای در مؤسسه، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی است که توسط مؤسسه منتشر می‌شود. این فصلنامه درصدد است تا در بین پژوهش‌های تجربی، عملی و نظری رشته‌های مختلفِ حوزه علوم انسانی، به‌ویژه علوم اجتماعی و آموزش عالی فضای گفتمانی ایجاد کرده و بتواند در ترویج و غنای علمی دانش میان‌رشته‌ای، و هم‌چنین تفسیر و رفع مسائل جامعه معاصر گام مؤثری بردارد.

۲-۴-۲-۳-۳. پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری[2] (وابسته به وزارت صنایع دستی، میراث فرهنگی و گردشگری) دارای پژوهشکده مردم‌شناسی در رابطه با ظرفیت مطالعات اجتماعی انرژی بوده که قدیمی‌ترین مرکز مطالعات علوم اجتماعی ایران و یکی از نخستین مراکز پژوهشی درزمینه مردم‌شناسی در خاورمیانه است. این پژوهشکده از گذشته تاکنون مطالعات مردم‌شناسی در حوزه علوم انسانی مرتبط با میراث فرهنگی ایران را نمایندگی می‌کند. این پژوهشکده دارای سه گروه مطالعاتی مردم‌شناسی زیست‌محیطی، اسطوره و آیین و اجتماعی است. آن‌طورکه از مأموریت‌های این گروه پژوهشی استنباط می‌شود، آنچه که بیشتر با موضوع ما ارتباط پیدا می‌کند، گروه مردم‌شناسی زیست‌محیطی است. گروه مردم‌شناسی زیست‌محیطی به پژوهش درزمینه روابط انسان با محیط زیست می‌پردازد و به مباحثی چون فنون و روش‌های بهره‌برداری انسان از محیط زیست طبیعی و فرهنگی، دانش بومی، فناوری‌های سنتی و بومی ایران، قوم جانورشناسی و قوم باستان‌شناسی و مواردی چون رابطه انسان و آب، قنات‌ها، جنگل‌ها، نظام‌های خوراک در نواحی مختلف ایران، قوم گیاه‌شناسی و... توجه دارد. این گروه می‌کوشد تا به تحقیقاتی بپردازد که راه‌های دستیابی به توسعه پایدار را در درک رابطه میان انسان و محیط زیست و میراث طبیعی آشکار ساخته و چگونگی کاربرد دانش بومی و فرهنگی را در

۱ اطلاعات مربوط به این مؤسسه از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی http://iscs.ac.ir/ در مورخه ۱۴۰۰/۰۹/۰۳ اخذ شده است.

۲ اطلاعات مربوط به این مؤسسه از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی http://www.richt.ir/Portal/Home/ در مورخه ۱۴۰۰/۰۹/۰۳ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تنظیم رابطه انسان و محیط در نقاط گوناگون کشور نشان دهد. بر اساس اهداف کلان پژوهشگاه، پژوهش‌های راهبردی چون تهیه بخش زیست‌محیطی اطلس مردم‌نگاری ایران و کمک به انجام و تهیه پیوست‌های فرهنگی چون بررسی پیاهدهای فرهنگی و اجتماعی ایجاد سدها و فعالیت‌های صنعتی از سوی این گروه به انجام می‌رسد. با توجه به نیازهای کاربردی کشور و برنامه‌های راهبردی مربوط به توسعه پایدار، پژوهشکده مردم‌شناسی پیشنهاد تغییر نام گروه یادشده را به گروه مردم‌شناسی زیست‌محیطی و مطالعات زیست‌بوم در سال ۱۳۹۴ ارائه داده است.

از جمله پروژه‌های پژوهشی این پژوهشکده که مرتبط با محیط زیست و انرژی هستند می‌توان به این موارد اشاره کرد: مطالعه میان‌رشته‌ای آلودگی زیست‌محیطی رودخانه‌های گوهررود و زرجوب رشت با رویکردهای مردم‌شناختی، مدیریتی، شیمی و میکروبیولوژیک با تأکید بر مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، تدوین سناریوهای ارتقاء سازگاری جامعه محلی در برخورد با خشکسالی با تمرکز بر دانش بومی (خراسان جنوبی)، مردم‌شناسی محیط زیست: میراث طبیعی و بحران زیست‌محیطی در اهواز، بحران آب و مسائل اجتماعی و نقش مسئولیت اجتماعی در مدیریت انرژی، آب و پسماند در صنعت گردشگری پایدار.

۲-۴-۲-۳-۴. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی[۱] (وابسته به جهاد دانشگاهی) علاوه بر پژوهشکده‌ها و گروه‌های مختلف در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، به لحاظ مطالعات علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی دارای مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی است. با توجه به موضوع و زمینه فعالیت مرکز، ارزیابی تأثیرات اجتماعی مبتنی بر این اصل بوده که هر پروژه‌ای خواه پیاده‌راه، بزرگراه، تقاطع غیرهمسطح، سد، نیروگاه، پایانه‌ی مسافربری و یا در سطحی بالاتر هر سیاست، برنامه و طرحی می‌تواند در نظام کلان شهری و یا ملی تغییراتی را ایجاد کند، لازم است با نگاهی سیستمی به آن نگریست. چرا که هر پدیده‌ای به‌عنوان بخشی از نظام بر سایر بخش‌های این نظام تأثیرگذار خواهد بود و در مقابل از سایر بخش‌ها نیز تأثیر خواهد گرفت. با این نگاه این تغییرات ممکن است در نگاه نخست ابعادی اجتماعی به خود نگیرد و از منظر مخاطبان به تأثیراتی ترافیکی، کالبدی، زیست‌محیطی و... تفسیر شود، اما در ادامه و به واسطه چندبعدی و پیچیدگی متغیرهای اجتماعی می‌تواند منجر به پیامدهایی اجتماعی گردد که جبران برخی از آن‌ها بسیار پرهزینه و زمان‌بر خواهد بود و اگر بتوان با دانشی (همچون ارزیابی تأثیرات) تخصصی و با نگاهی آینده‌بین از پیامدهای آن کاست از اتلاف زمان و هزینه در برنامه‌های اجراشده جلوگیری به عمل خواهد آمد. از جمله این موارد می‌توان به تغییرات در حوزه‌هایی چون کیفیت زندگی، هویت محلی، احساس امنیت، شیوه گذران اوقات فراغت، سبک زندگی، مصرف فرهنگی و... اشاره کرد که بخش کوچکی از متغیرهایی است که به واسطه‌ی یک سیاست، برنامه و یا پروژه ممکن است دچار تغییر شود. برخی از این تغییرات از جمله پیامدهای خواسته و آشکار پروژه‌ها است و برخی ممکن است از پیامدهای ناخواسته و پنهان پروژه‌ها باشد که آگاهی نسبت به آن‌ها می‌تواند در موفقیت پروژه و دستیابی به هدف‌های آن اثرگذار باشد. بر این اساس آگاهی از پیامدهای هر پروژه (ماهیت، شدت، ابعاد، اهمیت و...) و هم‌چنین زمان بروز پیامد و افراد، نهادها و سازمان‌های ذی‌مدخل و ذی‌نفع و... از جمله اطلاعاتی است که به مسئولان کمک خواهد کرد با نگاهی آینده‌نگرانه بتوانند برای پیامدهای احتمالی آتی پیشنهادهایی اجتنابی، تعدیلی و یا جبرانی ارائه کرده و برای پیامدهای احتمالی مثبت نیز راه‌کارهایی در جهت افزایش بیان کند. ارزیابی تأثیرات اجتماعی سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها هرچند به صورت موردی نیز می‌تواند از هزینه‌های اجتماعی طرح بکاهد و در موفقیت آن تأثیرگذار باشد، اما ساختارمند بودن آن و تبدیل این مهم به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام مدیریتی و شهری می‌تواند در میان‌مدت و بلندمدت از اتلاف هزینه و زمان و مهم‌تر از آن کاهش سرمایه اجتماعی شهروندان کاسته و در فرایندی منطقی به نهادینه شدن تصمیم‌های خردمندانه که حاصل توجه به نظر کارشناسان متخصص، مسئولان، شهروندان، نهادها و

۱ اطلاعات این مرکز از وب‌سایت اینترنتی ان به نشانی http://ihss.ac.ir/fa در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۴ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

سازمان‌های دولتی و غیردولتی و در یک کلام تمام ذی‌نفعان پروژه است، منجر شده و توسعه‌ی پایدار را موجب شود. این مرکز فصلنامه‌ای نیز با همین عنوان ارزیابی توسعه پایدار دارد.

با توجه به مأموریت‌های این مرکز در ارزیابی تأثیرات اجتماعی، می‌توان گفت حوزه فعالیتی آن می‌تواند به هر اقدام توسعه‌ای تسری یابد بنابراین ارتباط تنگاتنگی با توسعه صنعت برق و انرژی دارد که لازم است مطالعاتی از این دست در خصوص اقدامات مرتبط با آن انجام پذیرد.

۲-۴-۲-۳-۵. پژوهشکده مطالعات راهبردی

پژوهشکده مطالعات راهبردی[۱] وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بوده که به‌عنوان مرکز پژوهشی پیشگام در تحقیقات حوزه مطالعات راهبردی و امنیت ملی، فعالیت می‌کند. پیچیدگی‌ها، چالش‌ها و بحران‌های دنیای امروز ضرورت تصمیم‌گیری آگاهانه و انسجام سیاست‌ها را اجتناب‌ناپذیر کرده است. پژوهشکده مطالعات راهبردی با درک ضرورت نهادینه‌سازی تحقیقات راهبردی، از طریق انتشارات هدفمند و فراگیر، آموزش و برگزاری سمینارها، پلی میان نظام دانشگاهی و مراکز تصمیم‌گیری را ایجاد کرده است. ازاین‌رو اهدافی مانند تولید و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و امنیت ملی و بومی‌سازی آنها، گسترش فرهنگ امنیت ملی پایدار در جامعه، دیده‌بانی علمی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ارائه برآوردهای بهنگام و دقیق از محیط راهبردی آن و پایش و سنجش کارآمدی نظام کشورداری برعهده دارد. این پژوهشکده با داشتن گروه پژوهشی مطالعات ایران (با محورهای مطالعاتی نظیر مسائل زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی، مدیریت بحران، وضعیت زیرساخت‌ها، شاخص‌ها و روندهای علم و فناوری در کشور، سبک زندگی و مصرف فرهنگی و تغییر و تحول هنجارها و ارزش‌های اجتماعی) از زمینه نهادی مناسبی برای مطالعات اجتماعی و راهبردهای اجتماعی متناسب با مسائل اجتماعی حوزه انرژی برخوردار است.

۲-۴-۲-۳-۶. مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور[۲] وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به‌عنوان کانون تفکر درزمینه سیاست‌پژوهی و سیاست‌سازی علم، پژوهش و فناوری در سطح ملی و به‌صورت فرابخشی در کنار شورای شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف) ایفای نقش می‌کند. هم‌اکنون این مرکز با داشتن شش گروه علمی با عنوان‌های: گروه پژوهشی ارزیابی سیاست‌ها و پایش علم، فناوری و نوآوری، گروه پژوهشی تأمین مالی و اقتصاد علم، فناوری و نوآوری، گروه پژوهشی سیاست علوم و تحقیقات، گروه پژوهشی سیاست فناوری و نوآوری، گروه پژوهشی مطالعات آینده علم و فناوری و گروه پژوهشی مطالعات نظری علم، فناوری و نوآوری وظایف مهم شناسایی درخت علم و مطالعه در تعیین سهم مطلوب کشور از آن در آینده، تحقیق در بومی‌سازی روش‌های علمی سنجش علم و فناوری و تعیین وضع موجود با استفاده از آنها، مسئله‌شناسی نظام علمی کشور با تمرکز بر حوزه پژوهش و فناوری با رویکرد فرابخشی و تصمیم‌سازی، خط مشی‌سازی و تهیه راهبرد و برنامه برای رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب، مطالعه و ارائه روش‌های مناسب ترویج علم در راستای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعهٔ علمی، انجام تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای، کاربردی بر اساس اصل مأموریت‌گرایی و با تمرکز خاص در زمینه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی را به عهده دارد. ازاین‌رو این مرکز از ظرفیت‌های نهادی مناسبی در جهت مطالعات علوم اجتماعی انرژی و فناوری‌های نو در عرصه انرژی برخوردار است. گروه پژوهشی مطالعات نظری علم، فناوری و نوآوری به‌طور ویژه به ابعاد اجتماعی حوزه‌های علم، فناوری و نوآوری می‌پردازد. فعالیت درزمینهٔ اخلاق علم، پژوهش، فناوری و نوآوری، فعالیت و مطالعه مراودات و تعاملات میان علم و جامعه، توجه

۱ اطلاعات این پژوهشکده از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://risstudies.org/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۷ اخذ شده است.

۲ اطلاعات این مرکز از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://nrisp.ac.ir/fa در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۷ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

به پیشرفت‌های نظری (شامل مطالعات فلسفی، اجتماعی، اخلاقی در حوزه سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری) و توجه به وجه اجتماعی و اخلاقی حوره سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری از جمله شرح وظایف این گروه است.

۲-۴-۲-۳-۷. پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار سازمان حفاظت محیط زیست

پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار[۱] به‌عنوان مرکز تحقیقات و سیاست‌گذاری پژوهشی سازمان حفاظت محیط زیست کشور، با چهار گروه پژوهشی اقتصاد محیط زیست، ارزیابی و مخاطرات محیط زیست، تنوع زیستی و ایمنی زیستی و مهندسی محیط زیست و پایش آلاینده‌ها در حال فعالیت است. پژوهشکده اهدافی نظیر مدیریت پژوهش‌های هدفمند در عرصه فناوری‌های نوین زیست محیطی، تبدیل شدن به یک مرکز علمی پیشتاز برای تقویت امنیت و ارتقا سطح محیط زیست کشور، حفاظت از منابع پایه و بسترهای زیست‌محیطی و کمک به توسعه پایدار، پیش‌بینی تغییرات بلندمدت محیط زیست کشور در نتیجه تغییرات جهانی و شفاف‌سازی شرایط واقعی، مدیریت جریان نوآوری دانش محیط زیست و ایجاد حلقه اتصال بین دانشگاه و محیط زیست و بخش تولید، ارزیابی و آمایش روش‌های نوآورانه در حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری، نظارت و توسعه ظرفیت زیست‌محیطی جامعه را دنبال می‌کند. آن‌طورکه از عنوان گروه‌ها و فعالیت‌های آنها برمی‌آید سرفصل یا مأموریت ویژه‌ای در حوزه انرژی و نیز مباحث اجتماعی مرتبط با محیط زیست و انرژی تعریف نشده است. امّا انرژی خود به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در حفاظت از محیط زیست می‌تواند بخشی از مطالعات محیط زیستی باشد؛ کما اینکه در حوزه‌های صنعتی یکی از محورهای مطالعات آن حوزه نسبت آن صنعت با محیط زیست است. اما موضوعی که به لحاظ مطالعات توسعه پایدار و نسبت آن با محیط زیست به‌طور عام و انرژی به‌طور خاص در این پژوهشکده موردغفلت قرار گرفته، تعریف ساختار نهادی مشخصی در ارتباط با مطالعات اجتماعی محیط زیست است. عنوان و مأموریت توسعه پایدار پژوهشکده این ضرورت را القا می‌کند. در میان ابعاد توسعه پایدار، بیشتر ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی آن برجسته شده و به ابعاد اجتماعی نه در بسترسازی نهادی و نه در عملکرد پژوهشی بهای چندانی داده نشده است. در هر صورت این پژوهشکده یکی از حوزه‌های مهم مرتبط با مطالعات محیط زیست و انرژی است و به نظر می‌رسد نیاز است که مطالعات اجتماعی محیط زیست به‌طور عام و انرژی و محیط زیست به‌طور خاص در قالب مأموریتی مبتنی بر مطالعات بین‌رشته‌ای در داخل گروه‌های موجود و یا گروهی مستقل دنبال شود.

۲-۴-۲-۳-۸. مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری[۲] سازمان برنامه و بودجه کشور به‌منظور کمک به تحقق اهدافِ سازمان و نیز استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، برای انجام پژوهش‌های موردنیاز درزمینه توسعه و آینده‌نگری تأسیس شده است. مرکز به‌عنوان بازوی پژوهشی سازمان برنامه‌وبودجه کشور، به دنبال پشتیبانی اندیشه‌ای از نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور، ارائه رویکردهای علمی در مسیر پیشرفت، توسعه، بهبود و همچنین توانمندسازی و ارتقاء نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی جمهوری اسلامی ایران است. همچنین مرکز به دنبال آن است که با رویکردی آینده‌نگرانه، نیازهای پژوهشی، فناوری و آموزشی سازمان برنامه و بودجه کشور درزمینه بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی و توسعه را پاسخ‌گو باشد. در این مرکز فعالیت‌های پژوهشی در قالب پنج گروه انجام می‌پذیرد. اگرچه به‌طور ویژه گروهی با عنوان اجتماعی و یا انرژی وجود ندارد اما ظرفیت برخی از گروه‌ها نظیر گروه آمایش سرزمین، توسعه و توازن منطقه‌ای، توسعه امور بخشی و محیط زیست و آینده‌نگری و فناوری‌های نو از ظرفیت مطالعات بین‌رشته‌ای انرژی و انرژی برخوردار هستند. مواردی همچون تدوین اطلس فرهنگی و منابع انرژی در ایران، انرژی و محیط زیست و مشارکت‌های اجتماعی و زمینه‌های اجتماعی فناوری‌های نو در حوزه انرژی در حیطه مطالعات بین‌رشته‌ای در این مرکز، قابلیت

۱ اطلاعات این پژوهشکده از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://rcesd.ac.ir/fa در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۶ اخذ شده است.
۲ اطلاعات این مرکز از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://www.mporg.ir در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۸ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تبدیل به یک برنامه پژوهشی را دارا هستند. در هر صورت ضرورت دارد که به لحاظ نهادی بستر چنین مطالعاتی با تأکید بر رویکرد توسعه پایدار تقویت شود.

۲-۴-۲-۳-۹. انجمن علمی جامعه‌شناسی ایران

انجمن علمی جامعه شناسی ایران[۱]، انجمنی غیرانتفاعی است که در سال ۱۳۷۰ تأسیس شده و در زمینه‌های علمی، پژوهشی، کارشناسی و مشاوره فعالیت می‌کند. این انجمن در نهمین جشنواره تجلیل از پژوهشگران برتر کشور (۱۳۸۷)، که از سوی وزارت علوم تحقیقات و فناوری برگزار می‌شود، به‌عنوان «انجمن علمی برتر» معرفی شد. اهداف انجمن تولید و ترویج دانش جامعه‌شناختی، تدوین و تصریح قواعد (هنجارهای رویه‌ای و هنجارهای اجتماعی یا اخلاق علمی) برای کنشگران حوزهٔ جامعه‌شناسی، تقویت ارزش و حیثیت جامعه‌شناسی (کسب شأن علمی و اجتماعی)، تقویت تعهد علمی و هویت صنفی کنشگران جامعه‌شناسی و بسط، گسترش و غنی‌سازی روابط انجمنی در اجتماع علمی و جامعه است. سیاست‌های انجمن مبتنی بر کاربردی کردن جامعه‌شناسی از طریق طرح مسائل اساسی جامعه و کوشش در جهت توصیف، تبیین و حل آنها، بسط تعامل علمی با نهادهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی کشور، ارائه خدمات علمی، آموزشی و پژوهشی به بخش خصوصی و دولتی، برگزاری گردهمایی‌های علمی ـ تخصصی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی، انتخاب و معرفی آثار برجستهٔ سال در حوزهٔ جامعه‌شناسی، تدوین اصول و قواعد کار و فعالیت در حوزهٔ جامعه‌شناسی از جمله: تعیین ملاک‌های علمی حداقلی برای ارزشیابی کارهای آموزشی ـ پژوهشی و انتشاراتی در حوزهٔ جامعه‌شناسی و تدوین قواعد اخلاق تحقیق اجتماعی می‌باشد.

انجمن جامعه‌شناسی ایران بخش وسیعی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود را در قالب گروه‌های علمی- تخصصی مختلف انجام می‌دهد. در حال حاضر، در این انجمن، تعداد زیادی گروه علمی- تخصصی به کار مشغول‌اند که هر یک، به حوزه‌ای خاص در جامعه‌شناسی و علوم‌اجتماعی اختصاص داشته و اعضای آنها را نیز متخصصان این حوزه‌ها تشکیل می‌دهند. این گروه‌ها با برگزاری جلسات متناوب، سمینارها، همایش‌ها و کارگاه‌ها، انتشار مقاله و کتاب، انجام طرح‌های پژوهشی در حوزه فعالیت خود، از جمله ارکان اصلی انجمن جامعه‌شناسی ایران شناخته می‌شوند. اگرچه ابعاد مختلف اجتماعی صنعت برق و انرژی را می‌توان ذیل گروه‌های مختلف تخصصی انجمن قرار داد اما گروه‌های تخصصی جامعه‌شناسی اقتصاد (اقتصاد و جامعه)، جامعه‌شناسی توسعه و دگرگونی‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی صنعت، جامعه‌شناسی علم و فناوری، جامعه‌شناسی فرهنگ (فرهنگ و جامعه)، جامعه‌شناسی محیط زیست، جامعه‌شناسی مصایب و بلایای طبیعی و مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی ارتباط بیشتر و کاربردی‌تری با مطالعات اجتماعی صنعت برق و انرژی دارند. اگرچه در قالب گروه‌های مذکور می‌توان به مطالعات اجتماعی ابعاد تولید و انتقال برق و انرژی از جمله تأثیرات زیست‌محیطی و نیز اجتماعی و افکار عمومی مرتبط با آن و نیز ابعاد توزیع و مصرف به لحاظ فرهنگ مصرف و مشارکت در اقدامات این حوزه پرداخت اما با توجه به اینکه انرژی در مسیر بحرانی‌شدن گام برداشته و دارد به‌عنوان یک مسئله اجتماعی برساخته می‌شود ضرورت توجه ویژه به آن در اجتماع علمی جامعه‌شناسی وجود دارد.

از جمله ظرفیت‌های مهم علمی این انجمن می‌توان به دو نشریه علمی پژوهشی آن مجله جامعه‌شناسی ایران با امتیاز علمی پژوهشی (فصلنامه) و مجله مطالعات اجتماعی ایران اشاره کرد. ضمن اینکه انجمن هم به صورت مستقل و هم در مشارکت با دیگر حوزه‌ها به برگزاری همایش‌های علمی در حوزه‌های مختلف مسائل اجتماعی از جمله اولین همایش ملی «جامعه، منابع طبیعی، آب و محیط زیست؛ چالش‌ها و راه‌کارها» (سال ۱۳۹۴)، دومین همایش ملی «مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، علم و فناوری و فضای سایبر در ایران (۱۴۰۰)، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت خطرپذیری سوانح طبیعی (۱۳۹۸)، دومین همایش راه‌کارهای توسعه فرهنگ صنعتی (۱۳۹۸)، اولین همایش ملی ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت (۱۳۹۷)، اولین همایش

۱ اطلاعات این انجمن از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی http://www.isa.org.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۱ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

بین‌المللی دین، فرهنگ و فناوری (۱۳۹۶)، چهاردهمین همایش ملی ارزیابی اثرات محیط زیستی ایران (۱۳۹۵)، نخستین همایش مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی (۱۳۹۵)، نخستین همایش مطالعات اجتماعی فناوری (۱۳۹۳) و همایش ملی ارزیابی تأثیر اجتماعی؛ سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها (۱۳۸۹) اقدام کرده است.

۲-۴-۲-۳-۱۰. انجمن علمی انسان‌شناسی ایران

انجمن علمی انسان‌شناسی ایران[۱]، تلاش دارد که عرصه‌ای برای حضور، تبادل نظر و همکاری تمامی علاقه‌مندان به انسان‌شناسی و رشته‌های نزدیک مهیا کند. تعریف انجمن از انسان‌شناسی بر اساس تعریف چهارمیدانه و شامل زیرشاخه‌های انسان‌شناسی اجتماعی–فرهنگی، انسان‌شناسی زیستی، انسان‌شناسی باستان‌شناختی، و انسان‌شناسی زبان‌شناختی است. برنامه‌ها و همکاری‌های علمی انجمن به هدف ترویج و ارتقای کیفی این رشته و برآورد نیازهای جامعه علمی، از جمله نیازهای آموزشی و مهارتی، و همین‌طور بر اساس مسائل کشور و با توجه به نیاز مخاطب عام صورت می‌گیرند. ارتقای کمی و کیفی مباحث انسان‌شناختی و نیز برقراری ارتباطات و همکاری‌های ملی و بین‌المللی از دیگر استراتژی‌های انجمن انسان‌شناسی ایران است. از طرف دیگر علایق و منافع صنفی و رشته‌ای دیگر مبنای فعالیت‌های انجمن است.

مجله علمی پژوهشی نامه انسان‌شناسی (انسان‌شناسی) از سال ۱۳۸۱ تأسیس شده و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مجلات علمی–پژوهشی تخصصی انسان‌شناسی مشغول به فعالیت بوده است. افزون بر آن، انجمن انسان‌شناسی ایران در مشارکت با نهادها و مؤسسات دیگر اقدام به انتشار ویژه‌نامه‌ها و نیز کتاب‌هایی درزمینه تخصصی انجمن و در حوزه علایق مشترک کرده است.

اگرچه اطلاعات چندانی در رابطه با گروه‌های تخصصی در وب‌سایت اینترنتی انجمن یافت نشد، امّا موضوعات مختلفی در حوزه برق و انرژی وجود دارد که می‌توان از ظرفیت‌های این انجمن در مستندسازی و ترویج آن بهره گرفت. سنت‌های مشارکتی، فرهنگ مصرف و دانش بومی تولید، تأمین و مصرف انرژی، توسعه مردم‌گرایانه در حوزه برق و انرژی از جمله مباحث انسان‌شناسی انرژی هستند. بخشی از مسائل و چالش‌های حوزه انرژی ریشه در مباحث مردم‌شناسانه دارند که بستر گفتمان‌سازی جهت برساخت این مسئله در انجمن وجود دارد.

۲-۴-۲-۳-۱۱. انجمن علمی ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات

انجمن علمی ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات[۲] یک نهاد علمی غیرانتفاعی مرتبط با رشته‌های علوم ارتباطات و مطالعات فرهنگی با حضور دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و اساتید است. اعضاء انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات گرایش‌های سیاسی و فکری متفاوتی دارند، نقطه اتصال و اشتراک اعضاء تحصیل در یکی از رشته‌های علوم ارتباطات و مطالعات فرهنگی از هر دانشگاهی است. ازاین‌رو مجموعه انجمن در قالب یک نهاد، گرایش خاصی به هیچ تفکر و جریان سیاسی ندارد.

انجمن گروه‌های تخصصی در موضوعات زیر دارد: مطالعات سینما و تئاتر، آینده‌پژوهی، مطالعات فضای مجازی، سیاست‌گذاری فرهنگی، مطالعات علم و رسانه، ارتباطات سلامت، ارتباطات محیط زیست، ارتباطات و حمل و نقل، شهر و زندگی روزمره، مطالعات کودکی، مطالعات جامعه مدنی، ارتباطات صلح، مطالعات میدانی و مردم‌نگاری. گروه تخصصی ارتباطات محیط زیست فرصت مناسبی برای مطالعات حوزه انرژی از جمله ارتباطات انرژی جهت مطالبه‌گری و برساخت مسائل این حوزه، فرهنگ‌سازی، متقاعدسازی و ایجاد گفتمان است.

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی و ارتباطات نیز از جمله ظرفیت‌های مهم بوده که توسط انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات منتشر می‌شود. این فصلنامه درصدد است تا در بین پژوهش‌های تجربی، عملی و نظری رشته‌های مختلفِ حوزه علوم اجتماعی، به‌ویژه

۱ اطلاعات این انجمن از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی https://asi.org.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۱ اخذ شده است.

۲ اطلاعات این انجمن از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی http://www.iaocsc.ir/ در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۱ اخذ شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مطالعات فرهنگی و ارتباطات فضای گفتمانی ایجاد کرده و بتواند در ترویج و غنای علمی دانش میان‌رشته‌ای، و هم‌چنین تفسیر و رفع مسائل جامعه معاصر گام مؤثری بردارد.

۲-۴-۲-۴. فراتحلیل مجلات علمی و پژوهشی علوم اجتماعی در حوزه مطالعات صنعت برق و انرژی

در فراتحلیل مجلات علمی و پژوهشی حوزه علوم اجتماعی داخل کشور تلاش شده تا سهم دانش علوم اجتماعی موجود را در مهیاسازی بسترهای توجه به ابعاد انسانی و اجتماعی صنعت برق و انرژی نشان داده و نسبت بین دانش علوم اجتماعی و صنعت برق و انرژی را در طی چند دهه از انباشت دانش علوم اجتماعی را موردبازخوانی قرار دهیم.

نشریاتی که جهت فراتحلیل مقالات مرتبط با مطالعات اجتماعی انتخاب شده‌اند، نشریاتی هستند که در فهرست نشریات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (معاونت پژوهش و فناوری-کمیسیون نشریات علمی) درج شده‌اند. این فهرست مشتمل بر نشریاتی است که پیش از تصویب آیین‌نامه نشریات علمی مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۲ از کمیسیون نشریات علمی عنوان علمی-پژوهشی یا علمی-ترویجی دریافت کرده‌اند و بر اساس آیین‌نامه جدید تحت عنوان نشریه علمی هستند[۱]. گروه‌های علمی نشریات در این کمیسیون مشتمل بر علوم انسانی؛ فنی مهندسی؛ کشاورزی، منابع طبیعی و دامپزشکی؛ علوم پایه و هنر و معماری هستند. گروه علوم انسانی نیز دارای زیرگروه‌های تاریخ (۳۱ نشریه)، ادبیات و زبان‌ها (۹۷ نشریه)، علوم سیاسی (۵۱ نشریه)، علوم اجتماعی (۹۰ نشریه)، علوم قرآن و حدیث (۳۲ نشریه)، اخلاق (یک نشریه)، ادیان، مذاهب و عرفان (۱۱ نشریه)، فلسفه و کلام (۴۳ نشریه)، فقه و حقوق (۴۰ نشریه)، روانشناسی (۴۲ نشریه)، علوم تربیتی (۵۴ نشریه)، کتابداری، آرشیو و نسخه‌نویسی (۱۶ نشریه)، تربیت بدنی (۳۰ نشریه)، جغرافیا (۵۳ نشریه)، اقتصاد (۴۰ نشریه)، حسابداری (۱۹ نشریه)، مالی (۱۰ نشریه) و مدیریت (۷۸ نشریه) است. هدف نشان دادن این موضوع است که با توجه به نقش‌آفرینی علوم اجتماعی، در پژوهش‌های انتشاریافته در این حوزه، صنعت برق و انرژی چگونه بازنمایی شده و آیا توانسته به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی نهادینه شود. ازاین‌رو صرفاً زیرگروه علوم اجتماعی به‌عنوان نمونه و مطالعهٔ موردی انتخاب شده است. ممکن است در دیگر نشریات مرتبط با علوم انسانی به‌ویژه در علوم اجتماعی عام مثل علوم سیاسی، اقتصاد، حقوق، تاریخ، جغرافیا و مدیریت؛ رویکرد اجتماعی مبتنی بر چارچوب‌های علوم اجتماعی خاص (جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و جمعیت‌شناختی) و یا خارج از این چارچوب‌ها مورداستفاده قرار گرفته باشد. علیرغم این موضوع؛ هدف فهم رویکرد مجلات علوم اجتماعی خاص نسبت به حوزه برق و انرژی و نه رویکرد اجتماعی صرف در دیگر رویکردهای علوم انسانی اجتماعی مدنظر بوده است. منطق نمونه‌گیری این فراتحلیل، کیفی (هدفمند و نظری) بوده یعنی انتخاب مجلاتی که در سطح ملی انتشار یافته و گستره موضوعی آنها عمومی و در سطح کشور و نه شهر و منطقه‌ای خاص بوده است. ازاین‌رو از میان ۹۰ نشریه زیرگروه علوم اجتماعی در نهایت، ۲۵ نشریه انتخاب شد تا مورد فراتحلیل قرار گیرند. منظور از ابعاد اجتماعی؛ موضوعات مرتبط با کنش و ساختارهای اجتماعی، پدیده و مسئله اجتماعی، ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی (زمینه‌های نهادی، جمعیتی، جنسی، اقشار و طبقات اجتماعی، سنت‌ها و سبک زندگی و ...)، ایفاء مسئولیت اجتماعی، متقاعدسازی و پذیرش اجتماعی، جلب مشارکت عمومی و مواردی از این قبیل در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی به لحاظ تبیین عوامل، شناخت فرایندها و سازوکارها، توصیف و تفسیر و فهم و نیز پیامدها و تأثیرات و تدوین نحوه مواجهه در عرصه عرضه/تقاضا یا تولید، انتقال، توزیع و مصرف برق و انرژی است. اگرچه منظور از برق و انرژی؛ صنعت برق و انرژی‌های تجدیدپذیر بوده که در

۱ فهرست نام‌برده‌شده از پایگاه اینترنتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به نشانی زیر (تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶) اخذ شده است:
https://rppc.msrt.ir/file/download/download/1596017991-98.pdf

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

حیطه حکمرانی و مدیریت وزارت نیرو قرار دارد، اما مطالعات مرتبط با دیگر منابع انرژی نیز نظیر نفت و گاز واکاوی شده است. افزون بر این تلاش شده تا مطالعات موردی هر دو حوزه اجتماع عمومی و اجتماع صنعت (منابع انسانی صنعت برق و دیگر منابع انرژی) مطالعه و بررسی شود.

در جدول شماره ۲-۳۰، مشخصات مجلات موردبررسی و نیز تعداد مقالاتی که به مباحث اجتماعی برق و انرژی پرداخته‌اند، ارائه شده است. همان‌طورکه ملاحظه می‌شود، به‌طورکلی، کمتر از یک درصد (۰/۴۷ درصد) از کل مقالات انتشاریافته در این نشریات به مطالعات اجتماعی صنعت برق و انرژی اختصاص دارد. این در حالی است که اکثر مجلات بیش از ۱۰ دوره است که منتشر می‌شوند. از میان ۲۵ نشریه انتخابی نیز، فقط ۱۳ فقره به این موضوعات پرداخته‌اند. از این حیث باید گفت نشریات علوم اجتماعی همسو با نشریات بین‌المللی مرتبط در این حوزه مطالعاتی نیستند. دسته‌بندی مقالات بر اساس نوع منبع انرژی و عرصه موردنظر (تولید/مصرف یا عرضه/تقاضا/مصرف) در جداول ۲-۳۱ و ۲-۳۲ بیانگر این واقعیت است که مقالات، بیشتر از جنس مطالعه موردی و بررسی پیامدها و یا بررسی عوامل مرتبط با مصرف بوده است. فقط دو مقاله «بررسی زمینه‌ها و عوامل ایجاد شکاکیت در نقش انرژی‌های تجدیدناپذیر در تولید یک مخاطره جهانی (موردمطالعه: تغییرات آب و هوایی)» و «ارائه مدلی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی در صنعت نفت و گاز ایران» به مباحث نظری و روش‌شناختی در خصوص ارزیابی تأثیرات اجتماعی و مخاطره‌های حوزه انرژی اختصاص یافته است.

توزیع مقالات حسب نوع منابع انرژی، تقریباً یکسان بوده اما نکته قابل‌ملاحظه، تأکید مقالات نفت و گاز بر عرصه تولید و مقالات برق بر حوزه مصرف است. از میان ۱۶ مقاله نفت و گاز، ۱۴ مقاله در رابطه با تولید و درواقع بررسی پیامدهای اجتماعی توسعه صنعتی انرژی‌های فسیلی بر عرصه و پیرامون آن به‌ویژه اجتماعات محلی بوده است. دو مقاله‌ای که به مصرف پرداخته‌اند مربوط به گاز بوده که با توجه به توسعه شبکه گاز در سطح کشور، انتظار می‌رود مطالعات این حوزه بیشتر از این می‌بود اما آنچه که بر این حوزه چیرگی یافته تأثیرات ناگوار و جبران‌ناپذیر توسعه انرژی‌های فسیلی است و به نوعی مصرف گاز را به‌ویژه در بخش خانگی در حاشیه قرار داده است. ناگفته نماند که نفت هنوز هم در برخی از مناطق کشور به‌عنوان منبع سوخت خانگی مصرف می‌شود و تا قبل از توسعه شبکه گاز و برق نیز، به‌عنوان یکی از خدمات عمومی دولت خودنمایی می‌کرد اما جالب اینجاست که در مطالعات علوم اجتماعی موردتوجه نبوده است. مطالعات اجتماعی حوزه توسعه محلی و نیز مطالعات مردم‌شناختی، عرصه مناسبی برای چنین مطالعاتی تلقی می‌شود.

مطالعات برق اگرچه کاملاً به مصرف اختصاص یافته و حتی در گفتمان غالب صنعت برق نیز علوم اجتماعی برق را به مصرف تقلیل داده‌اند اما مسائل مرتبط با توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، مشارکت در اقدامات توسعه‌ای، ارزیابی تأثیرات اجتماعی نیروگاه‌های و شبکه‌های انتقال و توزیع و آلودگی‌های اخیر در کلان‌شهرها که سرمنشأ آن نیروگاه‌های برق حرارتی هستند، مطالعات در تمامی زنجیره صنعت برق را به ضرورتی اساسی تبدیل می‌کند. با احتساب مقالات حوزه انرژی که به مصرف اختصاص یافته است، می‌توان گفت مطالعات مصرف انرژی (برق و گاز) در کنار عرصه تولید، تقریباً نیمی از مطالعات را دربر می‌گیرد. عرصه‌های انتقال و توزیع موردغفلت واقع شده این درحالی است همان‌طورکه اشاره شد، شبکه برق و گاز در اکثر مناطق کشور توسعه یافته و یکی از شاخص‌های توسعه کشور به‌شمار می‌آید. از دیدگاه صاحبنظران کنش‌گر-شبکه، هر یک از این شبکه‌ها به‌مثابه عامل‌هایی بوده که کنش را از سطح انسانی به کنش ساختارها تسری داده است. در واقع این دسته از ساختارهای دارای عاملیت، زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و جا دارد مطالعات اجتماعی به آن توجه ویژه‌ای داشته باشد.

عرصه حکمرانی نیز عرصه مغفول در مطالعات بوده که اتفاقاً تحلیل گفتمان‌های تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری این عرصه، ممکن است ریشه بسیاری از مشکلات و مسائل و چالش‌هایی باشد که امروزه در رابطه با شدت مصرف انرژی، عدالت، آلودگی هوا، ناپایداری توسعه، عدم توسعه تجدیدپذیرها و .... با آن مواجه هستیم.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

در هر صورت رقم تعداد مقالات حوزه برق و انرژی با توجه به اینکه عرصه مهمی در اقتصاد و توسعه کشور بوده، بسیار پایین بوده و ضرورت توجه ویژه احساس می‌شود. تدوین ویژه‌نامه‌های برق و انرژی در این نشریات و نیز تخصیص اعتباراتی توسط سازمان‌های متولی توسعه امر انرژی به این نشریات گامی هر چند کوچک در گفتمان‌سازی این حوزه به‌شمار می‌آید. در مجموع با وجود رقم ناچیز مطالعات حوزه برق و انرژی، حدود یک دهه است که این مطالعات آغاز شده اما هنوز جای پای محکمی را برای خود فراهم نکرده و می‌توان ادعا کرد که این نوع مطالعات نهادینه نشده است. اطلاعات روندی در شکل شماره ۲-۴ نشان داده شده که بیانگر نامشخص‌بودن روند است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۳۰: مشخصات نشریات زیرگروه علوم اجتماعی مورد بررسی در فراتحلیل مباحث اجتماعی برق و انرژی

ردیف	عنوان نشریه	سال	دوره	شماره	تعداد مقاله	مقاله مرتبط	درصد از کل
۱	بررسی مسائل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی سابق) – دانشگاه تهران	۱۳۸۹-۱۳۹۹	۱۱	۲۰	۲۰۲	۳	۱,۴۹
۲	مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران-مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران	۱۳۹۱-۱۴۰۰	۱۰	۴۰	۳۰۱	۴	۱,۳۳
۳	برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی-دانشگاه علامه طباطبائی	۱۳۸۸-۱۳۹۹	۱۲	۴۴	۱۶۳	۲	۱,۲۳
۴	توسعه محلی (روستایی-شهری) (توسعه روستایی سابق) (نامه علوم اجتماعی سابق)-دانشگاه تهران	۱۳۸۸-۱۳۹۹	۱۲	۲۵	۱۹۶	۲	۱,۰۲
۵	مطالعات توسعه اجتماعی ایران-دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات	۱۳۸۷-۱۴۰۰	۱۳	۵۰	۴۴۳	۴	۰,۹۰
۶	نامه انسان‌شناسی (انسان‌شناسی سابق)-انجمن انسان‌شناسی ایران	۱۳۹۱-۱۳۹۹	۸	۱۴	۱۱۴	۱	۰,۸۸
۷	جامعه‌شناسی کاربردی (پژوهشی سابق)-دانشگاه اصفهان	۱۳۸۸-۱۴۰۰	۱۳	۵۰	۵۱۳	۴	۰,۷۸
۸	راهبرد اجتماعی و فرهنگی –پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۹۱-۱۴۰۰	۹	۳۶	۲۹۲	۲	۰,۶۸
۹	جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی –دانشگاه مازندران	۱۳۹۳-۱۴۰۰	۷	۱۶	۱۴۸	۱	۰,۶۸
۱۰	مجله جامعه‌شناسی ایران – انجمن جامعه‌شناسی ایران	۱۳۸۱-۱۳۹۹	۱۸	۶۵	۴۴۲	۲	۰,۴۵
۱۱	مسائل اجتماعی ایران (ادبیات و علوم انسانی سابق)-دانشگاه خوارزمی	۱۳۸۳-۱۴۰۰	۱۱	۲۸	۲۴۹	۱	۰,۴۰
۱۲	مطالعات توسعه اجتماعی –فرهنگی مؤسسه آموزش عالی سبز با همکاری انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات	۱۳۹۱-۱۳۹۹	۸	۳۲	۲۵۴	۱	۰,۳۹
۱۳	مطالعات فرهنگی و ارتباطات-انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات	۱۳۸۴-۱۴۰۰	۱۷	۳۰	۲۶۳	۱	۰,۳۸
۱۴	پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران (نامه علوم اجتماعی سابق) – دانشگاه تهران	۱۳۹۰-۱۳۹۸	۹	۱۸	۱۴۴	۰	۰
۱۵	پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر-دانشگاه بوعلی سینا همدان	۱۳۹۲-۱۳۹۹	۹	۱۵	۱۱۳	۰	۰
۱۶	پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران-دانشگاه اصفهان	۱۳۹۱-۱۳۹۹	۹	۳۱	۲۲۸	۰	۰
۱۷	تحقیقات فرهنگی ایران-پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم	۱۳۸۷-۱۳۹۹	۱۳	۵۱	۳۵۶	۰	۰
۱۸	تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری (پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی سابق)-دانشگاه شهید بهشتی	۱۳۸۹-۱۳۹۶	۵	۹	۶۰	۰	۰
۱۹	توسعه اجتماعی-دانشگاه شهید چمران اهواز	۱۳۹۲-۱۴۰۰	۸	۲۹	۲۳۸	۰	۰

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ادامه جدول ۲-۳۰: مشخصات نشریات زیرگروه علوم اجتماعی مورد بررسی در فراتحلیل مباحث اجتماعی برق و انرژی

ردیف	عنوان نشریه	سال	دوره	شماره	تعداد مقاله	مقاله مرتبط	درصد از کل
۲۰	جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه- دانشگاه تبریز	۱۳۹۰ - ۱۴۰۰	۱۰	۱۷	۱۲۸	۰	۰
۲۱	علوم اجتماعی (ادبیات و علوم انسانی سابق)-دانشگاه فردوسی مشهد	۱۳۸۳- ۱۴۰۰	۱۱	۳۵	۳۰۰	۰	۰
۲۲	مطالعات اجتماعی ایران-انجمن جامعه‌شناسی ایران	۱۳۸۵- ۱۳۹۹	۱۳	۴۶	۳۲۴	۰	۰
۲۳	مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)-دانشگاه تهران	۱۳۹۰- ۱۳۹۹	۹	۱۸	۲۱۹	۰	۰
۲۴	مطالعات رفتار مصرف‌کننده-دانشگاه کردستان	۱۳۹۴- ۱۴۰۰	۷	۱۰	۱۱۴	۰	۰
۲۵	مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی-مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۸۸- ۱۴۰۰	۱۳	۵۲	۱۷۰	۰	۰
جمع کل		-	-	-	۵۹۷۴	۲۸	۰,۴۷

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۳۱: مشخصات مقالات مرتبط با علوم اجتماعی برق و انرژی در نشریات علمی و پژوهشی زیرگروه علوم اجتماعی

عنوان مجله	عنوان مقاله، سال انتشار	تعداد کل مقاله	درصد مقاله مرتبط	نوع منبع انرژی	عرصه مورد بررسی
بررسی مسائل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی سابق) – دانشگاه تهران	۱. تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه، ۱۳۸۷ ۲. تحلیل اجتماعی رفتار مصرف برق، ۱۳۹۳ ۳. راهبردهای اجتماعی به‌مثابه بدیل‌های غیرقیمتی در حل مسئله اصلاح الگوی مصرف انرژی در کشور، ۱۳۸۸	۲۰۲	۱,۴۹	۱.گاز ۲.برق ۳.انرژی	۱.تولید (فسیلی) ۲.مصرف ۳.مصرف
مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران–مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران	۱. بررسی زمینه‌ها و عوامل ایجاد شکاکیت در نقش انرژی‌های تجدیدناپذیر در تولید یک مخاطره جهانی (مورد مطالعه: تغییرات آب و هوایی)، ۱۴۰۰ ۲. تحلیل اجتماعی عادت مصرف انرژی با تأکید بر مصرف گاز خانگی، ۱۳۹۹ ۳. بررسی وضعیت سواد انرژی در بین شهروندان منطقه ۱۹ شهرداری تهران و رابطه آن با مصرف کالاهای فرهنگی، ۱۳۹۶ ۴. سنجش تأثیر عوامل فرهنگی بر رفتار مصرف گاز خانگی (مورد مطالعه: مشترکان گاز خانگی شهری در مازندران)، ۱۳۹۴	۳۰۱	۱,۳۳	۱.انرژی ۲.گاز ۳.انرژی ۴.گاز	۱.تولید ۲.مصرف ۳.مصرف ۴.مصرف
برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی– دانشگاه علامه طباطبائی	۱. ارزیابی کلی نقش مدیریت شهری در کنترل پیامدهای رشد صنعت نفت و گاز در شهر عسلویه، ۱۳۹۶ ۲. بررسی عوامل مؤثر بر مصرف انرژی (برق) خانوار شهری با رهیافت نظریه بنیانی (منطقه ۵ تهران)، ۱۳۹۹	۱۶۳	۱,۲۳	۱.نفت و گاز ۲.برق	۱.تولید (فسیلی) ۲.مصرف
توسعه محلی (روستایی– شهری) (توسعه روستایی سابق) (نامه علوم اجتماعی سابق)– دانشگاه تهران	۱. تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای حضور صنعت نفت بر توسعه اجتماعی – اقتصادی فرهنگی مناطق نفت‌خیز از منظر ذی‌نفعان محلی (مورد مطالعه: ساکنان حوزه میدان نفتی دارخوین)، ۱۳۹۶ ۲. بررسی آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی (مطالعه موردی قطب رشد صنعتی عسلویه)، ۱۳۹۰	۱۹۶	۱,۰۲	۱.نفت ۲.گاز	۱.تولید (فسیلی) ۲.تولید (فسیلی)
مطالعات توسعه اجتماعی ایران–دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات	۱. نقش صنعت نفت در توسعه اجتماعی اقتصادی شهر گچساران از دیدگاه شهروندان، ۱۳۹۱ ۲. طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تأثیر سرمایه فرهنگی بر ابعاد توسعه پایدار شهری با تأکید بر انرژی‌های پاک، ۱۳۹۴ ۳. بررسی و سنجش سرمایه اجتماعی در میان کارکنان و مدیران شرکت پایانه‌های نفتی ایران، ۱۳۸۸ ۴. تأثیر رفتارهای اجتماعی زیست‌محیطی بر توسعه اجتماعی موردمطالعه کارکنان پارس جنوبی (عسلویه)، ۱۳۹۲	۴۴۳	۰,۹۰	۱.نفت ۲.انرژی ۳.نفت ۴.گاز	۱.تولید (فسیلی) ۲.مصرف– تجدیدپذیر ۳.تولید (فسیلی) ۴.تولید (فسیلی)
نامه انسان‌شناسی (انسان‌شناسی سابق)–انجمن انسان‌شناسی ایران	تحلیل مردمنگارانه از تأثیر صنعت نفت بر نابرابری اجتماعی: مطالعه موردی حوزه نفتی غرب کارون، ۱۳۹۹	۱۱۴	۰,۸۸	نفت	تولید (فسیلی)

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ادامه **جدول ۲-۳۱: مشخصات مقالات مرتبط با علوم اجتماعی برق و انرژی در نشریات علمی و پژوهشی زیرگروه علوم اجتماعی**

عنوان مجله	عنوان مقاله، سال انتشار	تعداد کل مقاله	درصد مقاله مرتبط	نوع منبع انرژی	عرصه مورد بررسی
جامعه‌شناسی کاربردی (پژوهشی سابق)-دانشگاه اصفهان	۱. بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مصرف انرژی خانوار پس از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، ۱۳۹۳ ۲. بررسی تأثیر ازخودبیگانگی اجتماعی در مسئولیت اجتماعی مورد مطالعه: کارکنان شرکت نفت کرمانشاه، ۱۳۹۳ ۳. بررسی تأثیر جامعه‌پذیری سازمانی بر مسئولیت اجتماعی کارکنان (مورد مطالعه شرکت نفت کرمانشاه)، ۱۳۹۱ ۴. بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها (*CSR*) (وزارت نیرو به‌عنوان مورد مطالعه)، ۱۳۸۹	۵۱۳	۰,۷۸	۱.انرژی ۲.نفت ۳.نفت ۴.برق	۱.مصرف ۲.تولید (فسیلی) ۳.تولید (فسیلی) ۴.مدیریت برق
راهبرد اجتماعی و فرهنگی – پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱. بررسی تأثیر توسعه منطقه عسلویه بر کیفیت زندگی (با رویکرد رشد صنعتی)، ۱۳۹۳ ۲. تحلیل اجتماعی الگوهای مصرف انرژی در شهر تهران، ۱۳۹۴	۲۹۲	۰,۶۸	۱.گاز ۲.انرژی	۱.تولید (فسیلی) ۲.مصرف
جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی – دانشگاه مازندران	رابطه آگاهی از کارایی انرژی برق و صرفه‌جویی در مصرف برق در بین زنان شهر یاسوج، ۱۳۹۳	۱۴۸	۰,۶۸	برق	مصرف
مجله جامعه‌شناسی ایران – انجمن جامعه‌شناسی ایران	۱. تحلیل کیفی پیامدهای اجتماعی- اقتصادی کار اقماری در ایستگاه‌های تقویت فشار شرکت ملی گاز، ۱۳۹۶ ۲. تعیین اولویت عوامل مؤثر بر تعهد سازمانی کارکنان (مطالعه موردی در شرکت‌های پالایش گاز فجر و بیدبلند)، ۱۳۸۴	۴۴۲	۰,۴۵	۱.گاز ۲.گاز	۱.تولید (فسیلی) ۲.تولید (فسیلی)
مسائل اجتماعی ایران (ادبیات و علوم انسانی سابق)-دانشگاه خوارزمی	تبیین جامعه‌شناختی الگوی مصرف برق شهروندان مازندران، ۱۳۹۵	۲۴۹	۰,۴۰	برق	مصرف
مطالعات توسعه اجتماعی – فرهنگی مؤسسه آموزش عالی سبز	ارائه مدلی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی در صنعت نفت و گاز ایران، ۱۳۹۳	۲۵۴	۰,۳۹	نفت و گاز	تولید (فسیلی)
مطالعات فرهنگی و ارتباطات- انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات	نگرش جدید نسبت به محیط زیست و مصرف انرژی، ۱۳۸۹	۲۶۳	۰,۳۸	برق	مصرف

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۳۲: مشخصات مقالات مرتبط با علوم اجتماعی برق و انرژی در نشریات علمی و پژوهشی زیرگروه علوم اجتماعی به تفکیک بررسی نوع منبع انرژی و عرصه

نوع منبع انرژی	تعداد	عرصه مورد بررسی	تعداد
نفت	۰	حکمرانی و مدیریت	۰
	۶	تولید	۶
	۰	انتقال و توزیع	۰
	۰	مصرف	۰
گاز		حکمرانی و مدیریت	
	۶	تولید	۶
	۰	انتقال و توزیع	۰
	۲	مصرف	۲
نفت و گاز	۰	حکمرانی و مدیریت	۰
	۲	تولید	۲
	۰	انتقال و توزیع	۰
	۰	مصرف	۰
برق	۱	حکمرانی و مدیریت	۱
	۰	تولید	۰
	۰	انتقال و توزیع	۰
	۵	مصرف	۵
انرژی	۰	حکمرانی و مدیریت	۰
	۱	تولید	۱
	۰	انتقال و توزیع	۰
	۵	مصرف	۵
جمع	۲۸	جمع	۲۸

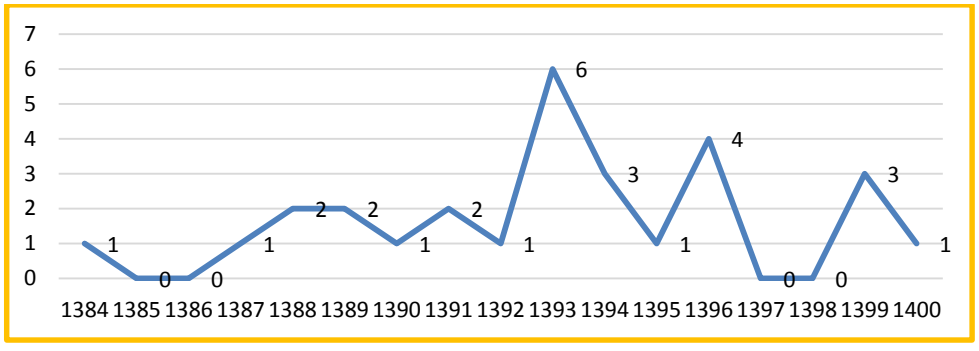

شکل ۲-۴: روند انتشار مقالات مرتبط با علوم اجتماعی برق و انرژی در نشریات علمی و پژوهشی زیرگروه علوم اجتماعی به تفکیک سال

جمع‌بندی

عرصه آموزش به‌عنوان دومین عرصه‌ای که در رابطه با بسترهای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن بررسی شد، بیانگر وضعیت چندان قابل‌قبولی نیست. در زیرعرصه نظام آموزشی کارکنان وزارت نیرو چه دوره‌های مدیریتی و چه دوره‌های کارشناسی، آموزش‌های اجتماعی مرتبط با برق و انرژی معدود بوده و اگر به موضوعات اجتماعی نیز پرداخته شده، بیشتر حوزه عمومی بوده است. آموزش‌های دانشگاهی نیز

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

چه در رشته‌های حوزه فنی برق و انرژی و رشته‌های سیاست‌گذاری این حوزه و چه در رشته‌های علوم اجتماعی، توجه چندانی به سیلابوس‌های درسی علوم اجتماعی انرژی نداشته است.

به لحاظ ملاحظات اجتماعی و نیز مطالعات ابعاد اجتماعی در عرصه پژوهش و توسعه فناوری باید گفت که در ساختار وزارت نیرو اقداماتی از دهه ۷۰ شمسی در حال انجام است و حتی منجر به بسترسازی نهادی در حوزه پژوهش نیز شده است. در عین حال باید گفت مطالعات اجتماعی چه در حوزه ستادی و چه در زیرمجموعه، رقم قابل‌توجهی نبوده و در مقایسه با مطالعات فنی و مهندسی بسیار ناچیز است. اسناد فناورانه صنعت برق نیز که توسط پژوهشگاه نیرو راهبری می‌شود اگرچه به ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی پرداخته‌اند اما به بعد اجتماعی توسعه پایدار بی‌توجه بوده‌اند. در هر صورت در عرصه حکمرانی دولتی صنعت برق، جریان نوپایی در خصوص ملاحظات اجتماعی و توجه به مطالعات اجتماعی شکل گرفته اما شکل مستحکمی نداشته و نتوانسته خود را در صنعت برق به‌طور اساسی نهادینه کند.

بررسی ساختار مراکز پژوهشی و توسعه فناوری صنعت برق و انرژی و نیز انجمن‌های علمی این حوزه، بیانگر بسترسازی نهادی به لحاظ توجه به ابعاد اجتماعی بوده اما این وضعیت بیشتر فراهم نمودن بسترهای اولیه بوده و با وجود اهمیت این موضوع، از منظر عملکردی، گفتمان اجتماعی نتوانسته جاپایی را برای خود باز کند و در واقع در این عرصه پژوهشی و توسعه فناوری نیز، نیاز وجود دارد تا رویکردهای اجتماعی ترویج گردد (ر. ک. به: جداول ۲–۳۳ و ۲–۳۴). در رابطه با مراکز پژوهشی حوزه علوم انسانی و اجتماعی و نیز مرتبط با توسعه پایدار و انجمن‌های علمی این حوزه، ظرفیت‌های نهادی برای بررسی‌های صنعت برق و انرژی وجود دارد اما پرداختن به این موضوعات و مطالعات اجتماعی و توجه به ابعاد اجتماعی آن در ظرفیت‌های مذکور بازتاب نیافته است. درواقع ظرفیت‌ها بیشتر حول و حوش موضوعاتی سازمان یافته که به نوعی می‌توان آن را با برق و انرژی مرتبط کرد (ر. ک. به: جداول ۲–۳۵ و ۲–۳۶).

فراتحلیل نشریه‌های علمی–پژوهشی حوزه علوم اجتماعی نیز نشان داد که پرداختن به موضوعات برق و انرژی در حد بسیار ناچیزی بوده و کمتر از یک درصد است. این مبحث از آنجا اهمیت دارد که علوم اجتماعی در تولید و ترویج مطالعات اجتماعی حوزه انرژی چه نقشی داشته و تا چه توانسته در انباشت دانش در این حوزه مطالعاتی مؤثر باشد که در حال حاضر موفقیت چندانی به‌دست نیاورده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۳۳: جایگاه علوم اجتماعی در ساختار مراکز پژوهشی و توسعه فناوری صنعت برق و انرژی

نام مرکز پژوهشی و توسعه فناوری	پژوهشکده‌ها (گروه‌های حوزه برق و انرژی)	ظرفیت‌های ترویج مباحث مرتبط با علوم اجتماعی برق و انرژی	ضرورت انجام اقدامات مرتبط با علوم اجتماعی
پژوهشگاه مواد و انرژی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)	پژوهشکده انرژی (گروه محیط زیست و انرژی، انرژی خورشیدی و تبدیل و ذخیره انرژی)	-مشارکت در تدوین دانشنامه انرژی (موضوعات اجتماع و فرهنگ) -مجله علمی پژوهشی انرژی‌های تجدیدپذیر و محیط زیست (با توجه به سرفصل‌های امکان انتشار مطالعات با ابعاد اجتماعی وجود دارد)	ضرورت بسترسازی نهادی مطالعات بین‌رشته‌ای با محوریت علوم اجتماعی به‌ویژه در حوزه پذیرش اجتماعی و متقاعدسازی، مطالعات مبتنی بر اطلس اجتماعی و فرهنگی انرژی‌های نو و جلب مشارکت عمومی
سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)	پژوهشکده برق و فناوری اطلاعات (گروه‌های فناوری اطلاعات و سامانه‌های هوشمند، فناوری‌های مخابراتی و فضایی و مهندسی پزشکی)، مواد پیشرفته و انرژی‌های نو (گروه انرژی‌های نو) و پژوهشکده مکانیک (گروه بهره‌وری و تبدیل انرژی) و پژوهشکده مطالعات فناوری‌های نوین (گروه‌های راهبردها و سیاست‌های توسعه فناوری، نوآوری و کارآفرینی، ارزیابی و آینده‌پژوهی فناوری و فرهنگ و فناوری)	-برخورداری از پژوهشکده مطالعات فناوری‌های نوین مبتنی بر مطالعات راهبردی و بین‌رشته‌ای و نیز گروه مطالعاتی فرهنگ و فناوری) -فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت توسعه فناوری (امکان انتشار مقالات فرهنگ و انرژی)	بستر نهادی فراهم است اما گفتمان‌سازی و اقدامات عملیاتی صورت نگرفته است.
مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی (وزارت نفت)	پژوهشکده مطالعات راهبردی فناوری انرژی (گروه راهبردها و آینده‌پژوهی فناوری، مدیریت نوآوری، تحقیق و توسعه فناوری و مدیریت فناوری، محیط زیست و توسعه پایدار) و پژوهشکده اقتصاد انرژی (گروه‌های منابع هیدروکربوری و صیانت از منابع، عرضه و بهینه‌سازی مصرف انرژی و بازار انرژی و قیمت‌گذاری)	-برخورداری از پژوهشکده مطالعات راهبردی فناوری انرژی و گروه پژوهشی مدیریت فناوری، محیط زیست و توسعه پایدار -فصلنامه مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی و بولتن تخصصی پژوهشکده مطالعات راهبردی فناوری انرژی -انجام مطالعات با ماهیت علوم اجتماعی در اجتماعات محلی عرصه و بلافصل پروژه‌های صنعتی و تدوین دستورالعمل‌های مربوطه	بستر نهادی مطالعات بین‌رشته‌ای فراهم است و مبتنی بر ارائه عملکرد نیز بوده اما به جهت اهمیت حوزه‌های مطالعاتی بین‌رشته‌ای ضرورت داشت در این موضوع در مأموریت‌ها انعکاس یابد.
پژوهشگاه استاندارد (سازمان ملّی استاندارد)	پژوهشکده فناوری و مهندسی (گروه برق (انرژی))	- استقرار کمیته‌های متناظر با گروه برق (انرژی) مرتبط با مباحث اجتماعی از جمله مدیریت انرژی، ارزیابی صرفه‌جویی‌های انرژی و مدیریت و صرفه‌جویی انرژی	ضرورت بسترسازی مطالعات اجتماعی استانداردها و توسعه فرهنگ استاندارد در مأموریت گروه برق (انرژی) و یا مأموریت‌های پژوهشگاه با استقرار گروهی مبتنی بر مطالعات بین‌رشته‌ای که از جمله یکی از محورهای فعالیت آن مطالعات اجتماعی استانداردهای برق و انرژی باشد.
مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری	بررسی‌های سیاست علم، فناوری و نوآوری، بررسی‌های محیط زیست (مباحث انرژی‌های نو، سمن‌های محیط زیستی و توسعه پایدار) و بررسی‌های سیاست اقتصادی (انرژی)	-ربط حوزه‌های بررسی موجود با مباحث اجتماعی انرژی و نیز برخورداری از حوزه‌های بررسی‌های اجتماعی و فرهنگی به‌طور عمومی -فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی	بسترسازی نهادی لازم وجود دارد. امکان فعال کردن بررسی‌های اجتماعی در حوزه کیفیت زندگی، مسئولیت اجتماعی و نیز مشارکت اجتماعی و ارتباط آن با حوزه مصرف انرژی و فرهنگ‌سازی و تقویت نگرش‌های عمومی و زیست‌محیطی
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	دفتر مطالعات تولید (گروه انرژی)	-برخورداری مرکز از دفاتر مطالعاتی حوزه اجتماعی و فرهنگی به‌مثابه ظرفیتی در مطالعات بین‌رشته‌ای -برخورداری از فصلنامه علمی پژوهش مجلس و راهبرد	بسترسازی نهادی وجود دارد اما ظاهراً ارتباط بین مطالعات اجتماعی و مطالعات انرژی برقرار نشده است.
پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری	اندیشکده حکمرانی انرژی و منابع ایران	-برخورداری پژوهشکده از اندیشکده حکمرانی به‌مثابه ظرفیتی در ملاحظات اجتماعی حکمرانی انرژی -برخورداری از گروه‌های پژوهشی جامعه و پیشرفت و گروه سیاست نوآوری و آینده‌نگاری	بسترسازی نهادی وجود دارد اما ملاحظات و مطالعات اجتماعی در گفتمان حکمرانی انرژی در جایگاه مشخصی قرار ندارد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۳۴: جایگاه علوم اجتماعی در ساختار انجمن‌های علمی صنعت برق و انرژی

نام انجمن علمی	گروه/کمیته‌های تخصصی	ظرفیت‌های ترویج مباحث مرتبط با علوم اجتماعی برق و انرژی	ضرورت انجام اقدامات مرتبط با علوم اجتماعی
انجمن انرژی ایران	انرژی نفت، انرژی گاز، انرژی الکتریکی، انرژی هسته‌ای، انرژی‌های تجدیدپذیر، بهینه‌سازی انرژی، انرژی و محیط زیست، اقتصاد انرژی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری انرژی، حقوق و مقررات انرژی.	-برخورداری از ماهیت رویکرد توسعه پایدار و مطالعات بین‌رشته‌ای در ساختار سازمانی -برخورداری از نشریه علمی پژوهشی ژورنال تکنولوژی و مدیریت انرژی با امکان انتشار مقالات با رویکرد اجتماعی	-ضرورت تشکیل گروه تخصصی با ماهیت رویکرد اجتماعی نظیر جامعه و انرژی یا مطالعات اجتماعی انرژی
انجمن مهندسی بهره‌وری صنعت برق ایران	گروه‌های تخصصی بهره‌وری (نیروی کار، مدیریت، ابزار و ماشین‌آلات، سرمایه، انرژی، تکنولوژی و روش‌های) و کمیته‌های تخصصی (کیفیت توان، هماهنگی امور مناطق، آموزش و پژوهش و روابط بین‌الملل، استاندارد و کیفیت تجهیزات، تعیین مؤلفه‌های بهره‌وری و ارزیابی عملکرد)	-رویکرد اجتماعی مبتنی بر توسعه و ترویج فرهنگ بهره‌وری و کیفیت -برخورداری از مجله علمی پژوهشی کیفیت و بهره‌وری صنعت برق ایران با امکان انتشار مقالات مبتنی بر رویکرد اجتماعی -نگاه یکپارچه به کیفیت و بهره‌وری -فعالیت‌های علمی با محتوای اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه تاریخ صنعت برق و واژه‌گزینی در مشارکت با فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی	ضرورت تأسیس کمیته‌ای تخصصی با ماهیت کمیته فرهنگی و اجتماعی کیفیت و بهره‌وری صنعت برق
انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی ایران	گروه‌های تخصصی آموزش، تحقیقات و پژوهش و آمار و اطلاع‌رسانی (ترویج و آگاه‌سازی و بهینه‌سازی مصرف انرژی)	-تأکید بر مدیریت مصرف از ابعاد مختلف (رویکرد بین‌رشته‌ای و توسعه پایدار) مبتنی بر استفاده منطقی و بخردانه از انرژی و عدم کاهش رفاه جامعه -تأکید بر فرهنگ بهینه‌سازی مصرف انرژی و تعیین گروه تخصصی بدین منظور	درج امکان پذیرش عضویت از حوزه علوم اجتماعی در وب‌سایت اینترنتی آن به‌منظور نقش‌آفرینی علاقمندان این حوزه در فرهنگ‌سازی مصرف بهینه انرژی
انجمن علمی فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر ایران	کمیته‌های راهبردی، فناوری و صنعت آموزش، پژوهش، روابط عمومی و انتشارات و کارگروه‌های تخصصی ترویج و فرهنگ‌سازی، سیاست‌گذاری و دانش و فناوری	-بسترسازی نهادی مبتنی بر کارگروه تخصصی ترویج و فرهنگ‌سازی	ضرورت فراهم کردن بستر نهادی جهت حضور متخصصان و پژوهشگران حوزه‌های علوم انسانی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۳۵: ظرفیت‌های مراکز پژوهشی علوم اجتماعی و توسعه پایدار در حوزه مطالعات صنعت برق و انرژی

نام مرکز پژوهشی	پژوهشکده (گروه پژوهشی) برخوردار از ظرفیت مطالعات علوم اجتماعی حوزه صنعت برق و انرژی	انتشارات و دیگر ظرفیت‌های مرتبط با مطالعات علوم اجتماعی حوزه صنعت برق و انرژی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)	پژوهشکده مطالعات اجتماعی (گروه توسعه و تغییرات اجتماعی)	
مؤسسه مطالعات اجتماعی و فرهنگی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)	گروه مطالعات علم و فناوری	فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی
پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری (وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری)	پژوهشکده مردم‌شناسی (گروه مردم‌شناسی زیست‌محیطی)	
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (جهاد دانشگاهی)	مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی	فصل‌نامه ارزیابی تأثیرات اجتماعی
پژوهشکده مطالعات راهبردی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)	گروه مطالعات ایران (با محورهای مطالعاتی نظیر مسائل زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی، مدیریت بحران، وضعیت زیرساخت‌ها، شاخص‌ها و روندهای علم و فناوری در کشور، سبک زندگی و مصرف فرهنگی و تغییر و تحول هنجارها و ارزش‌های اجتماعی)	فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی
مرکز تحقیقات سیاست علمی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)	گروه پژوهشی مطالعات نظری علم، فناوری و نوآوری (با مأموریت مطالعات ابعاد اجتماعی)	مجله دانشگر فصل‌نامه سیاست‌پژوهی علم، فناوری و نوآوری «رهیافت» فصل‌نامه علمی پژوهشی سیاست علم وفناوری
پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار (سازمان حفاظت محیط زیست)	تأکید بر مفهوم توسعه پایدار در عنوان پژوهشکده	
مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری (سازمان برنامه و بودجه کشور)	گروه‌های پژوهشی آمایش سرزمین، توسعه و توازن منطقه‌ای، توسعه امور بخشی و محیط زیست و آینده‌نگری و فناوری‌های نو	-فصلنامه علمی پژوهش‌های برنامه و توسعه -گاهنامه پایش توسعه و آینده‌نگری

جدول ۲-۳۶: ظرفیت‌های انجمن‌های علمی علوم اجتماعی در حوزه مطالعات صنعت برق و انرژی

نام انجمن علمی	گروه/کارگروه/کمیته تخصصی مرتبط با مطالعات اجتماعی صنعت برق و انرژی	انتشارات و دیگر ظرفیت‌های مرتبط با مطالعات علوم اجتماعی حوزه صنعت برق و انرژی
انجمن جامعه‌شناسی ایران	گروه‌های تخصصی جامعه‌شناسی اقتصاد (اقتصاد و جامعه)، جامعه‌شناسی توسعه و دگرگونی‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی صنعت، جامعه‌شناسی علم و فناوری، جامعه‌شناسی فرهنگ (فرهنگ و جامعه)، جامعه‌شناسی محیط زیست، جامعه‌شناسی مصایب و بلایای طبیعی و مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی	-مجله جامعه‌شناسی ایران (فصل‌نامه علمی - پژوهشی) -مجله مطالعات اجتماعی ایران (فصل‌نامه علمی - پژوهشی) -برگزاری همایش‌های علمی مرتبط با حوزه صنعت برق و انرژی
انجمن انسان‌شناسی ایران	اطلاعاتی در این زمینه به‌ویژه در مورد گروه‌های تخصصی ارائه نشده است.	-مجله علمی پژوهشی نامه انسان‌شناسی (انسان‌شناسی)
انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات	گروه تخصصی ارتباطات محیط زیست	-فصل‌نامه علمی مطالعات فرهنگی و ارتباطات

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲-۵. کارکردهای علوم اجتماعی برای مواجهه با چالش‌های حکمرانی صنعت برق و عوامل امکان و امتناع پذیرش و کاربست آن از دیدگاه خبرگان صنعت برق و علوم اجتماعی

مقدمه

مطالعه دیدگاه‌های نظری و تجارب پژوهشی در خارج از کشور نشان داد که بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و نیز کاربست آن در عرصه حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی با عوامل متعددی مواجه بوده که ممکن است زمینه امکان یا امتناع را برای آن فراهم کنند. در واقع شکل‌گیری جریانی که به پذیرش علوم اجتماعی و بهره‌گیری از دستاوردهای آن در این عرصه بینجامد مسیری بس دشوار بوده و با ناهمواری‌های فراوانی دست و پنجه نرم خواهد کرد اگرچه عواملی نیز وجود دارند که امکان گذر از سنگلاخ‌های پیش رو را تسهیل خواهد نمود. علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی نه تنها در مهد تکوین آن با موانع و عوامل محدودکننده‌ای مواجه بوده و همین‌طور عواملی نیز تسهیل‌گیر و تقویت‌کننده جریان آن هستند، در ایران با وضعیتی به مراتب وخیم‌تر، متفاوت‌تر و ناهموارتری روبه‌روست. هم‌چنین بررسی وضعیت موجود اقدامات مرتبط با بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه‌های اسناد بالادستی صنعت برق و انرژی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی وزارت نیرو و زیرمجموعه آن و نیز تشکل‌های صنفی صنعت برق، عرصه آموزش در سرفصل‌های آموزشی نظام آموزش کارکنان وزارت نیرو و نیز حوزه آموزش عالی و عرصه پژوهش و توسعه فناوری وزارت نیرو و انجمن‌های علمی و نشریات علمی پژوهشی نشان داد که وضعیت چندان مطلوب نبوده و تلاش آنچنانی برای ترویج و نهادینه کردن گفتمان علوم اجتماعی و کاربست آن صورت نگرفته و به تبع آن رویکرد اجتماعی نیز که یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار صنعت برق به‌شمار می‌آید متوسط به پایین ارزیابی می‌شود.

بنابر اهمیت این موضوع در این فصل از گزارش تلاش شده تا با اخذ دیدگاه‌های خبرگان دو حوزه علوم اجتماعی و صنعت برق و انرژی، ابتدا چالش‌هایی را که در حکمرانی صنعت برق، نیاز به مداخله اجتماعی دارند، از نظر خبرگان این عرصه شناسایی نماییم. قاعدتاً مواجهه با چالش‌های اجتماعی مستلزم استفاده از علوم اجتماعی است تا علوم فنی و مهندسی. از این رو برای شناسایی ظرفیت‌های این حوزه دانشی در مواجهه با چالش‌ها، دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی را که در حوزه مطالعاتی برق و انرژی تجربه دارند، اخذ شده است. به این معنا که اگر چالش‌هایی در حکمرانی صنعت برق و انرژی وجود دارد که مستلزم مداخله اجتماعی هستند، علوم اجتماعی چه دستاوردهایی را در این زمینه می‌تواند ارائه نماید. پس از بررسی چالش‌های صنعت و ظرفیت‌های علوم اجتماعی برای مواجهه با آن، به واکاوی عوامل امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن خواهیم پرداخت. ازاین‌رو ابتدا داده‌ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک یا مضمونی مبتنی بر کدگذاری در جداول کدگذاری باز، کدگذاری محوری (توسعه تم‌ها) و کدگذاری متمرکز؛ پالایش، دسته‌بندی و سنخ‌شناسی شده و در ادامه تشریح و تبیین آنها ارائه خواهد شد.

۲-۵-۱. چالش‌های مستلزم مداخله اجتماعی در حکمرانی صنعت برق

عرصه حکمرانی صنعت برق، در برخی از مأموریت‌های خود با چالش‌هایی مواجه می‌شود که راهکار فنی نمی‌تواند برای رفع، اصلاح و یا برون‌رفت از آن کافی باشد و یا اینکه ماهیت چالش از جنس فنی نبوده و مستلزم اتخاذ رویکرد غیرفنی است. در واقع در این عرصه با چالش‌هایی مواجه می‌شویم که می‌توان آن را تحت عنوان چالش اجتماعی آن عرصه از حکمرانی تلقی کرد. از این رو

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

می‌طلبد با استفاده از دستاوردهای علوم اجتماعی به رفع، پیشگیری و یا اصلاح آن پرداخت. دستاوردهای علوم فنی و مهندسی قادر به ارائه فهم و تبیین و نیز تدوین راه‌کارهای مواجهه با مسئله نیست و یا اینکه کفایت نمی‌کند. در هر صورت مسائلی وجود دارد که از ماهیت اجتماعی برخوردارند و راه‌کار آنها غیرفنی است. خبرگان صنعت برق در پاسخ به این پرسش که با چه چالش‌های اجتماعی در حیطه حکمرانی صنعت برق و انرژی روبرو هستیم؛ عرصه‌های مختلفی را نام می‌برند. از نظر آنها، تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری به طور کل و نیز عرصه‌های مدیریت طرح‌های توسعه‌ای (تولید، انتقال، توزیع و بهره‌وری انرژی)، مدیریت مصرف، مدیریت مشترکین و مدیریت مخاطرات عرصه‌هایی هستند که نیاز به این موضوع دارد که مداخله اجتماعی شود. ضرورت تعامل و ارتباط با مردم، همراهی مردم، تبعات اجتماعی اقدامات و ... مواردی از این قبیل، چالش‌های فنی را به چالش‌های غیرفنی یا اجتماعی تبدیل می‌کند. در ادامه با توجه به روایت‌های خبرگان (جدول شماره ۲-۳۷)، این موضوع را بیشتر بررسی خواهیم نمود.

اقدامات توسعه‌ای (اعم از طرح‌ها و پروژه‌ها) در زنجیره تولید، انتقال و توزیع؛ از یک‌سو پیامدها و تبعاتی گریزناپذیر بر اجتماعات محلی و نیز عرصه‌های فراگیرتر اجتماعی داشته و از دیگرسو نیاز به متقاعدسازی و پذیرش اجتماعی و همراهی و جلب مشارکت عمومی دارند. ارزیابی تأثیرات اجتماعی طرح‌ها و پروژه‌هایی نظیر نیروگاه‌سازی (رفت و آمد نیروهای فنی و کارگری به منطقه‌ای که در آن نیروگاه احداث شده و آثار فرهنگی و نیز تبعات اقتصای ناشی از احداث آن)، سدسازی، شبکه انتقال، توسعه پنل‌های خورشیدی روستایی، فرهنگ استفاده از فناوری در حوزه تجدیدپذیرها، بسته‌های توسعه پایدار روستایی (درآمد پایدار برای روستا با استفاده از منابع انرژی و امرار معاش و جلوگیری از کوچ روستایی) مرتبط با تجدیدپذیرها و زمینه‌سازی اجتماعی (توجه به ابعاد اجتماعی جهت مواجهه با مردم) به لحاظ پیامدهای اجتماعی ضرورتی اساسی است. علاوه بر این امر، متقاعدسازی مردم جهت پذیرش این اقدامات و جلب مشارکت آنها بخشی مهم از مدیریت اقدامات توسعه‌ای مواجهه با مقاومت‌ها و موانع و یا استفاده از ظرفیت‌های آنها در پیشبرد بهتر امور می‌باشد. چنین اقداماتی در راستای ایفای مسئولیت وزارت نیرو نیز بوده که در مدیریت اقدامات توسعه‌ای خود ملاحظات اجتماعی را مدنظر داشته باشد و با تحقق مسئولیت خود زمینه احساس تکلیف در شهروندان را نیز تقویت نماید. با چنین اقداماتی ایفای مسئولیت اجتماعی شکلی متقابل در رابطه بین وزارت نیرو و شهروندان به خود می‌گیرد. از یک طرف حق شهروندان موردتوجه بوده و شهروندان نیز به وظیفه خود در قبال انتظارات صنعت عمل خواهند کرد. ازاین‌رو مطالعات اجتماعی پیرامون ارزیابی تأثیرات و تبیین زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در جهت برنامه‌ریزی و اجرای اقدامات توسعه‌ای با مردم ضرورت دارد.

دیگر حوزه‌های تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری با هدف مشارکت دادن مردم در این فرایند، مدیریت خدمات مشترکین با هدف ارائه خدمات کیفی، مدیریت مخاطرات با هدف مدیریت جامعه‌محور بحران‌ها و حوادث و تأمین امنیت سازه‌ها و مدیریت مصرف با هدف بهینه‌سازی و اصلاح الگوی مصرف با رعایت استانداردهای رفاه اجتماعی؛ بی‌نیاز از اتخاذ رویکرد اجتماعی و مطالعات مرتبط با آن نبوده و مداخله اجتماعی نیاز ضروری تلقی می‌شود. در هر صورت ملاحظات اجتماعی و تهیه پیوست‌های مرتبط با آن در مدیریت اقدامات توسعه‌ای؛ جلب رضایت همه ذی‌نفعان و مشارکت آنها در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و به بن‌بست رسیدن راهبردهای آمرانه و غیرمشارکتی در این عرصه؛ نیاز به آگاه‌سازی اجتماعی و جلب مشارکت مردم در مخاطرات؛ درخواست خدمت توسط مردم و نیاز به تعامل دوطرفه با شرکت برق و ضرورت خدمت‌رسانی بهینه و پیشگیری از جرایم حوزه خدمات مشترکین و در نهایت، آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی، تکنیک‌های تسهیل‌گری اجتماعی، فهم الگوهای مصرف برحسب زمینه اجتماعی و فرهنگی و جلب اعتماد و مشارکت مردم در همراهی با مدیریت عرصه مصرف ضرورتی انکارناپذیر است. چنین چالش‌هایی که حکمرانی و مدیریت صنعت برق با آن مواجه بوده، مستلزم به‌کارگیری علوم اجتماعی بوده که نگرشی نو به رویارویی و مدیریت بهتر این چالش‌ها دارد.

هر یک از عرصه‌های حکمرانی صنعت برق چه در تصمیم‌سازی و سیاستگذاری به طور عام و چه در دیگر عرصه‌های مدیریت طرح‌های توسعه‌ای، خدمات مشترکین، مخاطرات و مصرف با چالش‌هایی مواجه هستند که بیانگر روابط درهم‌تنیده آنها با جامعه می‌باشد. در اینجا می‌توان چالش‌های اجتماعی حکمرانی را به مثابه منظومه‌ای تلقی کرد که بر گرد جامعه می‌چرخد (شکل ۲-۵).

DOI: 10.30503/nripress.2020.150



شکل ۲-۵: چالش‌های مستلزم مداخله اجتماعی در حکمرانی صنعت برق (دیدگاه خبرگان صنعت برق)

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۳۷: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه صنعت برق و انرژی در خصوص چالش‌های مستلزم مداخله اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران

کدگذاری متمرکز	کدگذاری محوری (مضمون‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
چالش‌های مستلزم مداخله اجتماعی	چالش‌های اجتماعی در عرصه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری	عدم بهره‌برداری حکمرانی و مدیریت از ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی و عملیاتی نشدن آن در سیاست‌گذاری و اجرا علیرغم شکل‌گیری نگاه مثبت/ نبود و یا توجه ناکافی به اجتماعی کردن سیاست‌های برق و انرژی/ شناسایی شکاف‌های قانونی و ضرورت ورود متخصصان اجتماعی و حقوقی/ ضرورت اصلاح مقررات و سازوکارهای خلاف قانون/ مطالعات آینده‌نگارانه در حوزه اجتماعی صنعت برق و پیش‌بینی سازوکارهای مرتبط با مدیریت آن/ ضرورت ورود مباحث حقوقی در رصد و پایش عملکرد اجتماعی و نیز غیراجتماعی مندرج در قوانین و مقررات/ ضرورت وجود پیوست‌های حقوقی و اجتماعی در سیاست‌گذاری و اجرا/ تقاطع حوزه مدیریت برق و انرژی با جامعه (و به تبع آن تقاطع با علوم اجتماعی و دیگر دیسیپلینها)/ آگاهی‌رسانی به عنوان وظیفه دولت/ جلب رضایت و اعتماد ذینفعان و نقش علوم اجتماعی در آن/ ضرورت پژوهش در باب نظام مطالبه‌گری از دیدگاه علوم اجتماعی/ نقش علوم اجتماعی در فهم و شناخت زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی برای مدیریت و سیاست‌گذاری صنعت برق/ نقش تبلیغات و حوزه رسانه و جلب روانی در رسانه‌ای شدن و اثر آن بر سیاست‌گذاران (قدرت رسانه) در برساخت مسائل صنعت برق و انرژی/ لزوم ایجاد مسئولیت‌پذیری در مردم/ برنامه‌ریزی انرژی و سیاست‌گذاری و لزوم مداخلات اجتماعی در آن/ لزوم توجه به گذشته در حل مسائل صنعت برق/ عدم منجر به نتیجه نشدن اسناد بالادستی در حوزه انرژی و ضرورت ورود متخصصان حقوقی و اجتماعی در جهت نحوه عملیاتی نمودن آن/ ضرورت بازنگری در فرایندها و سازوکارهای تصمیم‌سازی با تأکید بر مشارکت ذینفعان / تغییرات در جامعه و به بن‌بست رسیدن سیاست‌های آمرانه و بدون نگاه اجتماعی/ عدم توجه به ابعاد اجتماعی (نظیر ابعاد حقوقی در حذف قبض برق که در صورت قطع برق نمی‌تواند مبنای حقوقی مناسبی داشته باشد و یا بستر پذیرش آن به لحاظ فرهنگی و اجتماعی فراهم نشده است) در تصمیمات برای اتخاذ سیاست‌ها/ ضرورت بررسی جامعه‌شناختی در خصوص عملکرد خصوصی‌سازی و مناسبات قدرت نهفته در آن/
	چالش‌های اجتماعی در عرصه مدیریت اقدامات توسعه‌ای	عدم ارزیابی تأثیرات اجتماعی طرح‌ها به طور ناکافی/ عدم اجرای پروژه‌های توسعه پایدار روستایی مرتبط با منابع انرژی مبتنی بر بستر اجتماعی روستاها/ عدم انجام مطالعات مبتنی بر ملاحظات اجتماعی در اقدامات توسعه‌ای/ عدم توجه به ملاحظات اجتماعی در توسعه نیروگاههای تجدیدپذیر و توجه ویژه به اینکه بخش خصوصی خودش کارش را باید انجام دهد/ بی‌توجهی ذینفعان و متولیان به مطالعات توسعه پایدار و عدم توجه به مسئولیت اجتماعی/ نبود کار عمیق اجتماعی در حوزه حریم و بلافصل نیروگاه‌ها/ عدم ملاحظات اجتماعی در اقدامات/ بی‌توجهی به اثرات نیروگاه‌سازی، سدسازی، شبکه انتقال و... بر جامعه/ عدم فرهنگسازی در توسعه پنلهای خورشیدی روستایی و تبدیل آن به درب طویله در یک تجربه/ عدم متوجه شدن مردم به آثار خارجی زیست محیطی صنعت برق و ضرورت اهمیت دادن به رضایت مردم به عنوان یک مسئولیت اجتماعی/ آمیختگی زندگی مردم با برق از شبکه تولید تا توزیع (اثرگذاری رفتار مردم بر شبکه برق)/ رفت و آمد نیروهای فنی و کارگری به منطقه‌ای که در آن نیروگاه احداث شده و آثار فرهنگی و نیز تبعات اقتصای ناشی از احداث نیروگاه و توجه به مطالعات اجتماعی/ تأثیر مسائل نیروی کار روی اجتماع محلی/بسته‌های سرمایه‌گذاری ناشی از توسعه تجدیدپذیرها و ضرورت توجه به ابعاد توسعه پایدار/ ضرورت توجه به بحثهای فرهنگی در توسعه تجدیدپذیرها/ لزوم فرهنگ استفاده از فناوری در حوزه تجدیدپذیرها/ بسته‌های توسعه پایدار روستایی (درآمد پایدار برای روستا با استفاده از منابع انرژی و امرار معاش و جلوگیری از کوچ روستایی) مرتبط با تجدیدپذیرها و ضرورت زمینه‌سازی اجتماعی (ضرورت توجه به فاکتورهای اجتماعی جهت مواجهه با مردم)/ ضرورت پذیرش اجتماعی اقدامات تجدیدپذیر/ضرورت توجه به مباحث رفاه اجتماعی ناشی از طرح های درآمدی مبتنی بر منابع انرژی/ تقویت جنبه جامعه‌نگر فناوری/ ضرورت همکاری‌های بین‌بخشی در توسعه هاضم‌ها و انرژی‌های تجدیدپذیر/ ضرورت اتکای دولت به مسئولیت اجتماعی به طور عام و وزارت نیرو به طور خاص در حوزه توسعه صنعت برق/ امکان برقی کردن همه مصارف و لزوم توجه به توسعه پایدار در این فرایند/ بی‌توجهی به رویکردها و سازوکارهای اجتماعی در مسیر توسعه کشور در جنبه‌های مختلف به طور عام و برق به طور خاص/ نیاز زنجیره ارزش به دانش‌های مختلف فنی و غیرفنی در جهت تحقق اهداف/ بخش فنی بدون توجه به بخش اجتماعی توان پیشبرد کار را ندارد/ نیاز بیشتر صنعت به ابعاد اجتماعی تا فنی/
	چالش‌های اجتماعی در عرصه مدیریت خدمات مشترکین	توجه بسیار کمتر به نقش علوم اجتماعی و مردم در خدمات مشترکین/ خدمات ارائه شده توسط صنعت برق به مشترکان و مصرف‌کنندگان و نیاز به علوم اجتماعی جهت ارائه خدمات بهینه‌تر و جلب رضایت آنها (نقش علوم اجتماعی در سرفصل خدمات مشترکین توجه به جنبه فنی و اجتماعی موضوع)/ درخواست خدمت توسط مردم و نیاز به تعامل دوطرفه با شرکت برق و ضرورت خدمت بهینه/ نیاز به ساختارهایی نظیر شرکت‌های خدمات انرژی و ضرورت بسترسازی پذیرش اجتماعی/

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ادامه جدول ۲-۳۷: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه صنعت برق و انرژی در خصوص چالش‌های مستلزم مداخله اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران

کدگذاری باز (مفاهیم)	کدگذاری محوری (مضمون‌ها)	کدگذاری متمرکز
لزوم همراهی مردم در مواقع بحرانی/علاوه بر تاب‌آوری در شبکه، مردم هم باید بتوانند خود را در شرایط مخاطره‌آمیز بازیابی کنند/ نقش رویداد خشکسالی در ضرورت سازگاری اجتماعی و استفاده از علوم اجتماعی در دوره جدید وزارت نیرو/ نبود توجه کافی به ریشه‌ها و زمینه اجتماعی در سیاست‌گذاری مدیریت بحران‌های ناشی از صنعت برق و انرژی/ عدم برجستگی مسائل صنعت برق به عنوان یک مسأله‌ای که برای جامعه می‌تواند مخرب و آسیب‌زا باشد/ ماهیت اجتماعی صنعت برق با توجه به ارتباط و درگیری آن با اکثریت مردم و نقش آن در ایجاد مشکلات و بحران‌های اجتماعی در صورت رخ دادن مشکلات فنی آن و توجه به این موضوع در تصمیمات و سیاست‌ها/ بررسی واکنش‌های مردم به صادرات برق علیرغم خاموشی‌های داخلی/ جلوگیری از برق دزدی و نیاز به تعامل با مردم در این زمینه/ کمک علوم اجتماعی و انسانی در برجسته کردن مسائل صنعت برق که آینده تاب‌آوری امنیت انرژی، پایداری محیط زیست، اقتصاد یارانه‌ای و... متاثر می‌کند/ گرمایش جهانی و مسأله‌ساز بودن آن و ضرورت توجه به ابعاد زیست محیطی و علوم اجتماعی/ فاجعه پسماندهای شهری و نبود هماهنگی بین دستگاهی و نیاز به دیپلماسی عمومی (ضرورت دیپلماسی عمومی در توسعه تجدیدپذیرها و مشارکت و تعامل بین‌بخشی)/	**چالش‌های اجتماعی در عرصه مدیریت مخاطره**	
عدم توجه به اقتصاد رفتاری در حوزه مصرف/ مطالعه اثرات مدیریت مصرف مبتنی بر مدیریت در صنایع انرژی‌بر و اثرات آن بر جامعه و کارگران و اعتماد عمومی/ مدیریت بار و ضرورت ابعاد حقوقی و اجتماعی/ تقاطع مدیریت مصرف و جامعه و علوم اجتماعی به عنوان فصل مشترک آن دو و شدت نیاز به علوم اجتماعی (اعم از همه زیرشاخه‌های آن مثل اقتصاد و ارتباطات اجتماعی و دیگر شاخه‌ها)/ ملاحظات زیست‌محیطی تولید و مصرف انرژی و ارتباط نزدیک آن با جامعه و ضرورت مطالعات اجتماعی مرتبط با آن/ نیاز زنجیره عرضه به استفاده از ابزار علوم اجتماعی (برای تأمین کیفیت و شناسایی نیاز مصرف‌کننده، شکل‌گیری ارتباط متقابل با او، تأثیرات و پیامدهای مصرف)/ ضرورت سروکار داشتن با مردم در مدیریت مصرف و اصلاح رفتاری و نیاز به علوم اجتماعی برای ارتقاء این حوزه/ شکل‌گیری تعامل با سازمان‌ها و اصناف جهت مدیریت مصرف و جبران کمبود برق تولیدنشده/ نیاز شدید به مردم و تعاملات اجتماعی در پیشبرد امور مصرف در نتیجه نیاز به متخصصان علوم اجتماعی/ لزوم توجه به علوم اجتماعی در کل زنجیره برق به ویژه مصرف/ در برق امید دنبال این هستیم که چگونه از تعاملات اجتماعی استفاده کنیم/ ظرفیت علوم اجتماعی در حل مشکلات معطوف به مصرف/ مدیریت تقاضای انرژی و سروکار آن با مردم/ مدیریت مصرف در بخش خانگی و لزوم به تصویر کشیدن وضعیت مردم/ آگاه سازی و آگاهی بخشی به مردم در حوزه مصرف و نیاز به ابزارهای اجتماعی/ آموزش راه‌کارها به مردم در حوزه مصرف و منطقی کردن مصرف/ ارتباط با جامعه صنایع و مدیران صنایع و ارائه راه‌کارها و آگاهسازی جهت منطقی کردن مصرف/ لزوم ترجمه راه‌کارها به زبان مردم و فهم مردم از آنها و به تبع ضرورت ورود متخصصین اجتماعی در این موضوع (مثلاً لامپ اضافه خاموش شود یا حفاظت انرژی را چگونه باید به مردم منتقل و مردم را متوجه کرد). لزوم حلقه بین وزارت نیرو و مردم و ترجمه خواسته‌های آنها)/ مصرف خارج از زنجیره صنعت برق است اما مشارکت مردم در مصرف بر توسعه عرضه نقش دارد/ محدودیت‌های جدی در عرضه و توسعه زیرساختهای صنعت برق و به تبع آن لزوم اهمیت مشارکت مردم در حوزه مصرف/ نیاز به مشارکت مردم در مدیریت مصرف/ استفاده از ظرفیتهای انجمنها مثل انجمن مدیریت مصرف در آگاهسازی/ وجود چالش های اجتماعی پررنگ تر و برجسته تر شدن گفتمان اجتماعی و به همین دلیل هم در صنعت برق حوزه مصرف برجسته است/ مدیریت بار و یا مصرف مبتنی بر راه‌کارهای اجتماعی و آگاهسازی و جلب مشارکت صنایع و دیگر مشترکان بزرگ که مبتنی بر مشارکت و رضایت و انعقاد قرارداد است/ توقع صنعت برق از علوم اجتماعی مبتنی بر ترجمه انتظارات صنعت به زبان مردم و اثربخشی آن در مصرف/ضرورت بسترسازی حقوقی جهت متقاعدسازی مردم جهت همراهی با مدیریت مصرف/ استفاده از ظرفیت اجتماعی برای پیشبرد اهداف و سیاستهای خود وزارت نیرو ورای مبحث حکمرانی خوب بوده مثل مبحث مدیریت مصرف و دست یاری گرفتن وزارت به سمت مردم به دلیل از عهده برنیامدن تأمین برق	**چالش‌های اجتماعی در عرصه مدیریت مصرف**	

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲-۵-۲. کارکرد علوم اجتماعی در فهم چالش‌های برق و مواجهه با آن

از نظر خبرگان حوزه علوم اجتماعی، کارکردهایی که این حوزه علمی دارد می‌تواند پاسخگوی چالش‌ها از نقطه‌نظر اجتماعی باشد. علوم اجتماعی با تقویت ادراک اجتماعی و نقّادی در حکمرانان و مردم، شناخت زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، تسهیگری و جلب مشارکت عمومی، متقاعدسازی و پذیرش و ایفای بهتر مسئولیت اجتماعی؛ ظرفیت‌هایی را فراهم می‌کند که بتوان با هر یک از این چالش‌ها مواجه شد و راه‌کار مرتبط را تدوین نمود.

تقویت ادراک اجتماعی و نقّادی در حکمرانان و مردم مشتمل بر ایفاء نقش علوم اجتماعی در صورت‌بندی مسائل انسانی و غیرتکنیکی (صورت‌بندی و مفهومی- نظری کردن واقعیتهای انضمامی برق)، شناسایی، فهم و تعریف دقیق مسئله با داشتن نگاه چندبعدی و فراهم آوردن زمینه برنامه‌ریزی، ارتقاء ظرفیت خودانتقادی، نقد قدرت (امکان نقد اقتصاد سیاسی حکمرانی برق و انرژی)، امکان برساخت مسئله در حوزه سیاست‌گذاری انرژی، به سرآمدن دوره تصور از کنشگر فقط به‌عنوان انسان (با توجه به سازه‌های عظیم صنعت برق و بزرگ‌مقیاسی انرژی) و اداره سازمان وسیع برق در کل کشور است. هر یک از این دستاوردها به تعبیر میلز می‌تواند در راستای تقویت بینش جامعه‌شناختی[۱] حکمرانان و مردم در زنجیره برق مؤثر واقع شود.

شناخت زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، دال بر توصیف، فهم و تبیین عوامل و شرایط اجتماعی و فرهنگی مرتبط با اقدامات و مسائل مختلف است که از جمله می‌توان به این موارد بر اساس دیدگاه‌های خبرگان حوزه علوم اجتماعی اشاره کرد: ابعاد فرهنگی و مردم‌شناختی (مختصات دینی، هویتی و قومیتی) و سنخ‌شناسی الگوهای مصرف در سیاست‌گذاری این حوزه، فهم دیدگاه‌ها، کنشگری و مطالبات مردمی، فهم شکاف‌های ادراکی بین مردم و مدیران، ساخت اجتماعی بازار برق و انرژی، چگونگی شکل‌گیری فساد و مهار آن، سواد انرژی، ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک زندگی مردم، مطالعات تاریخی و تاریخ اجتماعی صنعت برق، زمینه‌ها و ساختارهای سیاسی و حکمرانی و گره‌های اجتماعی سیاست‌گذاری انرژی و برق.

نقش علوم اجتماعی در ایفای مسئولیت اجتماعی حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی، مصادیق متعددی را دربر می‌گیرد که از جمله می‌توان به ضرورت ارتقای سواد انرژی شهروندان و حوزه حکمرانی، ضرورت تدوین نقشه عدالت انرژی و برق (لکه‌گیری عدالت)، مسئولیت وزارت نیرو در توسعه پایدار و همه‌جانبه به‌منظور تأمین انرژی و توجه به مهم بودن مردم در طرح‌های توسعه‌ای، سیاست‌گذاری، ترویج مسئولیت اجتماعی و فرهنگ مدیریت مشارکتی، تعارض منافع در حوزه انرژی، توجه به پیامدها و ارزیابی تأثیرات اجتماعی در سازه‌های صنعت برق و چگونگی تنظیم منابع مالی و سرمایه‌گذاری در جهت رفاه عمومی اشاره کرد. در واقع ایفاء مسئولیت اجتماعی فرایندی است که ابعاد متعددی را دربر می‌گیرد و نه تنها حکمرانی باید در آن به وظیفه خود عمل کند بلکه شهروندان نیز در قبال حقوق شهروندی خود، تکالیفی را در همراهی با صنعت برق برعهده خواهند داشت. دو بعد مهم مسئولیت اجتماعی حکمرانی صنعت برق، متقاعدسازی و جلب مشارکت شهروندان است که این دو حوزه در ادامه بیشتر تشریح خواهد شد. توجه وزارت نیرو به حقوق شهروندان، مستلزم متقاعدسازی و جلب مشارکت آنها نیز خواهد بود تا شهروندان نیز متقابلاً نقش خود را در قبال برق و انرژی به‌عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی ایفاء کنند.

متقاعدسازی شهروندان و پذیرش آنها نسبت به اقدامات توسعه‌ای و مدیریتی وزارت نیرو، مبتنی بر اقناع مردم برای نمونه در در حوزه توسعه انرژی‌های نو بوده که در اثر غفلت تفکرات فنی و مهندسی مغفول واقع می‌شود. ازاین‌رو زمینه‌سازی استقبال عمومی (عمومیت دادن) و پذیرش، به رسمیت شناختن مقوله ارتباطی و ابزاری در جهت آموزش و جامعه‌پذیری در حوزه مصرف و ایجاد نگرش مثبت نسبت تولید و مشارکت در فرایندهای سیاست‌گذاری بخشی از اقدامات متقاعدسازی است که می‌تواند در بسترسازی همراهی مردم با صنعت برق، نقش مهمی را ایفاء کند.

---

۱ *The Sociological Imagination*

سی رایت میلز، جامعه‌شناس شهیر آمریکایی، کتابی را با همین عنوان در سال ۱۹۵۹ تألیف کرده است که در ایران توسط عبدالمعبود انصاری در شرکت سهامی انتشار (چاپ نهم ۱۴۰۱) به زبان فارسی ترجمه شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تسهیل‌گری و جلب مشارکت عمومی بیانگر نقش متخصصان علوم اجتماعی در تبیین و شناخت مشارکت عمومی و تسهیل‌گری، ظرفیت‌های نوآوری اجتماعی در حل مسائل اجتماعی، تلاش برای تدوین نظام‌نامه تعامل با سازمان‌های مردم‌نهاد، نقش سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری و حکمرانی برق و انرژی به دلیل بی‌اعتمادی و مقاومت مدنی (بحران سرمایه اجتماعی و ضرورت بازیابی آن) و راه‌کارهای کسب اعتماد و سرمایه اجتماعی جهت پیشی گرفتن مصرف از توان تولید وزارت نیرو و مواردی از این قبیل می‌باشد. لازم به یادآوری است جلب مشارکت عمومی زمینه‌ها و ابعاد متعددی دارد که در گام اول شناخت زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است که به آن اشاره شد. در واقع پیش‌نیاز جلب مشارکت عمومی و تسهیل‌گری که برخاسته از دستاوردهای علوم است، فهم و تبیین زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است که بر اساس چنین شناختی متناسب با جامعه هدف می‌توان الگوی مشارکتی را طراحی کرد.

به‌طورکلی می‌توان گفت دستاوردهای علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی، زمینه‌های مختلفی را دربر می‌گیرد که اثر هم‌افزایی نیز بر یکدیگر دارند. در شکل شماره ۲-۶ روابط بین اجزاء کارکردی علوم اجتماعی ترسیم شده است.



شکل ۲-۶: کارکرد علوم اجتماعی در فهم چالش‌های صنعت برق و مواجهه با آن (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی)

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۳۸: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه علوم اجتماعی در خصوص کارکردهای علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران

کدگذاری متمرکز	کدگذاری محوری (مضمون‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
کارکرد علوم اجتماعی در فهم چالش‌های صنعت برق و مواجهه با آن	ادراک اجتماعی و نقّادی	نقش علوم اجتماعی در صورت‌بندی مسائل، فهم و تعریف دقیق مسئله با داشتن نگاه چندبعدی و فراهم آوردن زمینه برنامه‌ریزی/ هدف اصلی علوم اجتماعی شناسایی مسائل و مشکلات اجتماعی و ارائه راه‌کار برای آن و ارتقا سطح زندگی است/ ظرفیت علوم اجتماعی در خودانتقادی/ نقش علوم اجتماعی در آینده‌پژوهی مسائل برق با توجه به مشکلات و چالش‌های پیش رو/ امکان نظر دادن علوم اجتماعی در سیاست‌گذاری انرژی به لحاظ مطالعه و طراحی و نقد قدرت در آن/ امکان برساخت مسئله در حوزه سیاست‌گذاری انرژی/ امکان نقد اقتصاد سیاسی حکمرانی برق و انرژی/ نقش علوم اجتماعی در صورتبندی مسائل انسانی و غیرتکنیکی صنعت برق و انرژی/ نقش علوم اجتماعی در صورت‌بندی و مفهومی- نظری کردن واقعیتهای انضمامی برق/ فهم برق و انرژی در زنجیره نیازمند ورود علوم اجتماعی است/ مواجهه صنعت برق با مشکلات و لزوم توجه به ابعاد اجتماعی و نرم توسعه صنعتی پس از گذار از مدیریت فراوانی انرژی و ورود به دوره کمبودها و اهمیت یافتن مدیریت مصرف (و این مسئله اقتصادی نیست که راه‌کار اقتصادی داشته باشد)/ لزوم توجه به علوم اجتماعی در حرکت و گذار به سمت تغییرات در عرصه انرژی/ نیاز به دانش اجتماعی جهت اداره سازمان وسیع برق در کل کشور/ به سرآمدن دوره تصور از کنشگر فقط به‌عنوان انسان/ بالا بودن سطح کنشگری صنعت برق به لحاظ رویکردهای نظری کنشگر شبکه (شبکه صنعت برق به‌مثابه کنشگر)/
	شناخت زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی	درهم‌تنیدگی زیاد میان علوم مختلف در حوزه انرژی به‌ویژه علوم اجتماعی در مباحث تأثیر فرهنگ و شرایط اجتماعی مرتبط با اهداف مدیریتی حوزه انرژی/ ضرورت توجه به ابعاد فرهنگی و مردم‌شناختی در سیاست‌گذاری مصرف و زنجیره و توسعه انرژی تجدیدپذیر/ نقش تحقیقات علوم اجتماعی در سنخ شناسی الگوهای مصرف در حوزه انرژی/ ظرفیت بالای علوم اجتماعی در رشته‌های مختلف زیرمجموعه آن به لحاظ جنبه شناختی (فهم دیدگاه‌ها و کنشگری مردم، فهم شکاف‌های ادراکی بین مردم و مدیران) و هنجاری (توجه به اهمیت و مهم بودن مردم، معیشت مردم، مطالبات مردمی و زیست‌محیطی)/ نقش‌افرینی علوم اجتماعی در زنجیره صنعت برق و انرژی (اقتصاد تولید و مصرف (شناخت ساخت اجتماعی بازار برق و انرژی، چگونگی شکل‌گیری فساد و مهار آن)، مدیریت مصرف (توجه به پیشی نگرفتن شتاب مصرف از تولید)، محیط زیست)/ ظرفیت تحقیقات علوم به لحاظ روش‌شناسی و نظری در شناخت صنعت برق و نیرو مثل پیمایش‌های اجتماعی سبک زندگی و مصرف، انتخاب فناوری‌های مناسب تولید بر حسب اقلیم، مختصات فرهنگی، قومیتی/ شناسایی الگوهای بهینه مصرف بومی در اقصی نقاط کشور/ شناخت ابعاد اجتماعی و غیرفنی برق مانند برق‌دزدی/ ضرورت توجه به شناخت جامعه جهت دنبال کردن منافع صنعت برق/ مطالعات تاریخی صنعت برق و تاریخ اجتماعی صنعت برق/ بررسی تاریخ تکنولوژی یک کار جامعه‌شناختی است/ مطالعه زمینه و ساختارهای سیاسی و حکمرانی سیاست‌گذاری انرژی و برق/ نقش علوم اجتماعی در مطالعات تکنولوژی و تبعات آن/ نقش علوم اجتماعی در مطالعه تاریخی و ارزیابی سیاست‌گذاری‌های مختلف در دوره های زمانی/ نقش علوم اجتماعی در فهم و شناخت گره‌های اجتماعی مرتبط با حکمرانی برق/ پیوند عمیق انرژی و برق با زندگی روزمره مردم/ حضور برق در زندگی روزمره مردم/ نگرانی و دغدغه‌های جدید افکار عمومی در باب انرژی و برق/ خاموشی‌های تابستان و مسئله شدن آن برای مردم / تنیدگی مسئله مصرف در کنش و رفتار اجتماعی/ عمومی بودن صنعت برق/ نقش صنعت برق بر بحران‌های اجتماعی
	ایفای مسئولیت اجتماعی	ضرورت ارتقای سواد انرژی/ لزوم توجه به تأثیرات منفی کمتر صنعت برق بر جامعه/ مسئولیت وزارت نیرو در توسعه پایدار و همه‌جانبه به‌منظور تأمین انرژی و لزوم توجه به علوم اجتماعی به تبع آن/ سیاست‌گذاری، ترویج مسئولیت اجتماعی و فرهنگ مدیریت مشارکتی/ بررسی مصادیق تعارض منافع در حوزه انرژی/ ضرورت توجه به مهم بودن مردم در طرح های توسعه پایدار/ ضرورت تدوین نقشه عدالت انرژی و برق (لکه‌گیری عدالت)/ توجه به پیامدها و ارزیابی تأثیرات اجتماعی در سازه‌های صنعت برق مثل نیروگاه/ چگونگی تنظیم منابع مالی و سرمایه‌گذاری در جهت رفاه عمومی/ عدالت در مصرف و توزیع آن به‌عنوان مسئله اجتماعی/ تأثیرات اجتماعی صنعت برق بر جامعه در اثر غفلت مهندسان
	متقاعدسازی و پذیرش اجتماعی	اقناع مردم در حوزه انرژی/ توسعه انرژی‌های نو و نیاز به علوم اجتماعی با توجه به رویکردهای تمرکززدایانه و برنامه‌ریزی محلی/ تشریح داستان‌ها و مسائل صنعت برق/ ضرورت به رسمیت شناختن مقوله ارتباطی و ابزاری در وزارت نیرو/ توسعه انرژی‌های نو (زمینه‌سازی استقبال عمومی (عمومیت دادن) و پذیرش)/ نقش علوم اجتماعی در شناخت جامعه برای توسعه صنعت برق مبتنی بر نیاز اجتماعی/ آموزش و جامعه‌پذیری در حوزه مصرف و ایجاد نگرش مثبت نسبت تولید و مشارکت در فرایندهای سیاست‌گذاری/ نقش علوم اجتماعی در معنادارکردن و ساده کردن مفاهیم برق و ارتباطات برق (مثل بابابرقی)/ فرهنگ‌سازی الگوهای بهینه مصرف/
	تسهیل‌گری و جلب مشارکت عمومی	نقش متخصصان علوم اجتماعی در تبیین و شناخت مشارکت عمومی و تسهیل‌گری در حوزه برق و انرژی/ ظرفیت‌های نوآوری اجتماعی در حل مسائل اجتماعی حوزه انرژی/ احتیاج صنعت برق به علوم اجتماعی و دیگر علوم جهت ارتقا بهره‌وری و توسعه بیشتر صنعت برق و توجه ویژه به ابعاد اجتماعی/ نقش تسهیل‌گری علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت/ تلاش برای تدوین نظام‌نامه تعامل با سازمان‌های مردم‌نهاد/ نیاز به انواع سرمایه از جمله سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری و حکمرانی برق و انرژی به دلیل بی‌اعتمادی و مقاومت مدنی (بحران سرمایه اجتماعی و ضرورت بازیابی آن)/ کسب اعتماد و سرمایه اجتماعی جهت پیشی گرفتن مصرف از توان تولید وزارت نیرو

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲-۵-۳. عوامل امکان پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن

با توجه به اهداف پژوهش، مصاحبه‌های مبتنی بر بررسی عوامل امکان پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی از دیدگاه خبرگان دو حوزه پس از پیاده‌سازی، در جداول شماره ۲-۳۹ (دیدگاه خبرگان حوزه صنعت برق و انرژی) و ۲-۴۰ (دیدگاه خبرگان حوزه علوم اجتماعی) مبتنی بر کدگذاری ارائه شده است. در ادامه به تحلیل عوامل امکان خواهیم پرداخت.

۲-۵-۳-۱. تغییر نسبی نگرش در وزارت نیرو

چالش‌های صنعت از یک طرف که مستلزم مداخله اجتماعی بوده و کارکردهای علوم اجتماعی از طرفی دیگر در کنار شکل‌گیری نگرشی نو نسبت به علوم اجتماعی و سازوکارهای اجتماعی در وزارت نیرو که می‌توان آن را «تغییر نسبی نگرش» معنا کرد، نویدبخش بستری اثرگذار در پذیرش و کاربست علوم اجتماعی است. خبرگان هر دو حوزه بر این نگرش جدید که در مقایسه با گذشته تغییر معناداری یافته تأکید دارند. مؤلفه‌های این تغییر نسبی نگرش در سطح حکمرانی و مدیریت صنعت برق بر اساس تحلیل دیدگاه‌های خبرگان مذکور مبتنی بر اهتمام به تعامل با مردم، باور (هر چند اندک) به علوم اجتماعی و بسترسازی نهادی رویکرد اجتماعی است.

چالش‌های پیشاروی صنعت برق و ناترازی در تولید و مصرف، چرخشی را در رویکردهای مدیریتی وزارت نیرو مبتنی بر تمرکز بر حوزه مصرف و بهینه‌سازی آن را در جهت جبران کمبودهای عرضه و هم‌تراز کردن این دو حوزه به‌وجود آورده است. ازاین‌رو تعامل با مردم گامی اساسی در پیشبرد چنین استراتژی نو مدیریتی خواهد بود. پس مصرف حوزه مهمی است که بر اساس شواهدی می‌توان گفت اهتمام به تعامل با مردم در آن شکل گرفته است. مصرف ملموس‌ترین عرصه ارتباط با مردم و گفتگو با آنها و جلب همراهی‌شان می‌باشد. گفتگو با مردم در پیک مصرف، مدیریت مصرف و نیاز به مشارکت و همراهی مردم (راه‌کارهای مبتنی بر همراهی مردم در مدیریت مصرف مثل استفاده از کولرهای منطبق بر اقلیم و ....) و اهمیت ویژه فرهنگ‌سازی در وزارت نیرو باعث شده تا مدیریت بار و مدیریت مصرف با روش‌های اجتماعی ارجح بر توسعه ظرفیت‌های فنی باشد. همان‌طورکه در اسناد بالادستی (قوانین برنامه پنج‌ساله، قانون اصلاح الگوی مصرف و دیگر اسناد انرژی) مشاهده می‌شود یکی از موارد بیانگر رویکرد اجتماعی در صنعت برق و انرژی، توجه ویژه به حوزه مصرف است. قاعدتاً این موضوع در ایجاد نگرش مثبت نسبت به علوم اجتماعی به‌عنوان حوزه دانشی که دستاوردهای نظری و عملیاتی در مواجهه با چنین چالش‌هایی داشته، نقش دارد. ازاین‌رو پذیرش برخی مباحث علوم اجتماعی و مدیریت و اقتصادی (کلاً حوزه علوم انسانی) نسبت به قبل در صنعت برق، اعتقاد به راه‌حل‌های غیرفنی و تأکید ویژه بر سازوکارهای اجتماعی در مدیریت مصرف در چند سال اخیر (مطرح شدن برخی از ضرورت‌های اجتماعی برای مدیران مثل مدیریت مصرف و مشارکت مردم)، غریبه نبودن مباحث توسعه پایدار برای مدیران نسبت به قبل مثل مباحث اجتماعی و آلایندگی زیست‌محیطی، تفاوت بارز در رویکرد مثبت نسبت به علوم اجتماعی در صنعت برق نسبت به دو دهه گذشته و بهتر شدن وضعیت نگاه اجتماعی در وزارت نیرو نسبت به دهه‌های گذشته (پیگیری ایده‌های اجتماعی)، شناخته شدن غفلت از ابعاد اجتماعی صنعت برق توسط متولی آن و حداقل اقبال مهندسان به علوم اجتماعی، به بن بست رسیدن مسیر تکنوکراتیک و فنی و علاقمند شدن به مباحث اجتماعی (مطالبه‌گری اجتماعی و خواست حداقلی علوم اجتماعی در حد نیاز نه به‌مثابه زیرساخت و ضرورت منطقی در نزد مدیران) و بیشتر شدن لزوم توجه به مباحث نرم و علوم انسانی در سیاست‌گذاری و توسعه کشور از جمله در صنعت برق طی چندین سال گذشته از جمله نشانه‌هایی هستند مبنی بر اینکه در عرصه حکمرانی و مدیریت صنعت برق، باورهای مثبتی هر چند اندک نسبت به پذیرش و کاربست علوم اجتماعی به‌وجود آمده است. به تبع ایجاد باور نسبی به پذیرش علوم اجتماعی، به بسترسازی نهادی آن در صنعت برق منجر شده است اگرچه نهادهای برآمده از آن که در بخش امتناع به آن اشاره خواهیم کرد چندان ثباتی نداشته و به نوعی باید گفت با شرایط آنومیک مواجه هستند. بسترسازی نهادی در صنعت برق بیانگر تغییر نگاه در برنامه راهبردی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

وزارت نیرو نسبت به مباحث اجتماعی و توسعه پایدار، توسعه نهادهای تحقیقی و ترویجی علوم اجتماعی در وزارت نیرو و پژوهشگاه نیرو در چند سال اخیر (وجود مراکز علمی در دل صنعت مانند پژوهشگاه نیرو در جهت شناسایی مسائل اجتماعی صنعت برق و صورت‌بندی آن و درگیری عالمان اجتماعی با آن و وجود یک نهاد در وزارت جهت مراقبت اجتماعی در سیاست‌گذاری و اجرا و برافراشته بودن پرچم اجتماعی) و حرکت هر چند کند به سمت مطالعات بین‌رشته‌ای بوده که می‌توان به‌عنوان دوره نضج گرفتن علوم اجتماعی در صنعت برق و امکان حمایت از علوم اجتماعی با توجه به بسترسازی موجود در وزارت نیرو تلقی کرد. در شکل ۲-۷ رابطه بین مؤلفه‌های سه‌گانه تغییر نسبی نگرش در وزارت نیرو نشان داده است.



شکل ۲-۷: بسترهای امکان پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر تغییر نسبی نگرش در وزارت نیرو (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی و صنعت برق)

۲-۵-۳-۲. تحولات پارادایمی

به باور خبرگان حوزه علوم اجتماعی، تحولات پارادایمی مبتنی بر مؤلفه‌های گذار به توسعه از جنس توسعه پایدار و جایگزین، فراگیر شدن رویکرد بین‌رشته‌ای در عرصه‌های پژوهشی علوم انسانی و علوم فنی و نضج گرفتن گفتمان جهانی علوم اجتماعی برق و انرژی، زمینه و فرصت‌های مناسبی را برای امکان علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی فراهم می‌سازد. سه مؤلفه مذکور مانند چرخدنده‌هایی هستند که پیوندی تنگاتنگ با هم داشته و به صورت هم‌افزا، زمینه نگاه جامع و متوازن به پژوهش، توسعه فناوری و سیاست‌گذاری در باب صنعت برق را فراهم می‌کنند (شکل شماره ۲-۸). به همین دلیل است که می‌توان آن را بستری در آماده‌سازی امکان پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن فراهم کرد. گذار جهانی به توسعه پایدار، به چالش کشیده شدن رویکردهای اقتصادی و فنی به توسعه در پارادایم‌های جدید توسعه در سطح جهان و اثرگذاری آن بر توجه به رویکرد اجتماعی و وجود زمینه مناسب‌تر در میان مدیران صنعت برق و انرژی برای توجه به این موضوع و سوق یافتن به سمت علوم اجتماعی برای پاسخگویی به این چالش‌ها و تأثیرپذیری از کشورهای دیگر به لحاظ توجه به ابعاد اجتماعی است. ازاین‌رو منسوخ شدن و کارکرد منفی رویکرد تک‌بعدی فنی و اقتصادی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و لزوم توجه به ابعاد اجتماعی در دستور کار قرار خواهد گرفت. رویکرد توسعه پایدار در ارتباط تنگاتنگ با نگاه و مطالعات بین‌رشته‌ای معنی پیدا خواهد کرد. خبرگان علوم اجتماعی در این زمینه، وجود مطالعات بین‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای در حوزه‌های جامعه‌شناسی مانند ورزش و سلامت، تجربه گفتمان‌سازی علوم اجتماعی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

در حکمرانی شهری و بهداشت و سلامت در ایران، برجسته شدن الگوهای حکمرانی خوب، وجود گفتمان تعاملی و بین‌رشته‌ای و باور به تنیدگی علوم در سطح بین‌المللی را به‌مثابه ظرفیت‌هایی در تقویت توسعه پایدار و توجه به علوم اجتماعی تلقی می‌کنند که بر غنای مطالعات صنعت برق و انرژی به لحاظ رویکرد اجتماعی خواهد افزود. در کنار این دو رویداد تحول دانشی و نهادی به‌مثابه ویژگی‌های تحول پارادایمیک؛ گفتمان علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی، بسط و توسعه یافته و حوزه جدیدی در علوم اجتماعی به‌طور عام و جامعه‌شناسی به‌طور خاص را شکل داده است. این گفتمان در ایران به صورت جریانی نوپا بوده اما متأثر از گفتمان جهانی در حال تقویت و رشد است.



شکل ۲-۸: بسترهای امکان پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر تحولات پارادایمی (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی)

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۳۹: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه صنعت برق در خصوص عوامل امکان پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران

کدگذاری متمرکز	کدگذاری محوری (مضمون‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
تغییر نسبی نگرش در وزارت نیرو	اهتمام به تعامل با مردم	وجود نگاه مثبت به ملاحظات اجتماعی در بخش توزیع به لحاظ ماهیت و نیاز به تعامل با مردم/ گفتگو با مردم در پیک مصرف ۱۳۹۹/ وجود فضا و بستر برای پرداختن به مباحث و موضوعات اجتماعی به لحاظ نیاز حوزه مصرف/ تبلیغات وسیع مدیریت صنعت برق از اردیبهشت هر سال برای مدیریت مصرف و نیاز به مشارکت و همراهی مردم (راه‌کارهای مبتنی بر همراهی مردم در مدیریت مصرف مثل استفاده از کولرهای منطبق بر اقلیم و ....)/ مدیریت بار و مدیریت مصرف با روش های اجتماعی ارجح بر توسعه ظرفیتهای فنی بوده است/ اهمیت ویژه فرهنگ‌سازی در وزارت نیرو/
	بسترسازی نهادی رویکرد اجتماعی	تغییر نگاه در برنامه راهبردی وزارت نیرو نسبت به مباحث اجتماعی و توسعه پایدار/ توسعه پژوهشکده علوم انسانی در ساختمان مرکزی پژوهشگاه/ وجود یک نهاد در وزارت جهت مراقبت اجتماعی در سیاست‌گذاری و اجرا و برافراشته بودن پرچم اجتماعی/ دوره نضج گرفتن علوم اجتماعی در صنعت برق/ انجام پژوهش‌های اجتماعی در پژوهشگاه نیرو/ توسعه نهادهای تحقیقی و ترویجی علوم اجتماعی در وزارت نیرو و پژوهشگاه نیرو در چند سال اخیر/ امکان حمایت از علوم اجتماعی با توجه به بسترسازی موجود در وزارت نیرو/ وجود تفکر اجتماعی و علوم انسانی در پژوهشگاه نیرو به‌عنوان یک واحد پژوهشی فنی/
	باور (هر چند اندک) به علوم اجتماعی	پذیرش برخی مباحث علوم اجتماعی و مدیریت و اقتصادی (کلاً حوزه علوم انسانی) نسبت به قبل در صنعت برق/ توجه ویژه به علوم اجتماعی (ارتباطات اجتماعی و جامعه شناسی) تا حدودی در حوزه مصرف و سابقه دیرین آن/ نگاه مثبت به ابعاد اجتماعی در حوزه مدیریت مصرف و آثار زیست محیطی/ وجود نگاه و رویکرد مثبت به گفتمان اجتماعی هر چند اندک/ تغییر نگاه مثبت به علوم اجتماعی نسبت به قبل هر چند در حدی که نامطلوب است/ غریبه نبودن مباحث توسعه پایدار برای مدیران نسبت به قبل مثل مباحث اجتماعی و آلایندگی زیست‌محیطی/ نگاه مثبت به حوزه علوم اجتماعی در حل چالش‌های صنعت برق/ وجود باور به موضوع اجتماعی/ تلاش بر ورود موضوعات اجتماعی در مدیریت در چند سال اخیر/ تفاوت بارز در رویکرد مثبت نسبت به علوم اجتماعی در صنعت برق نسبت به دو دهه گذشته/ شکل‌گیری نگاه باز و پذیرا در متخصصان و مجریان صنعت برق علیرغم رویکرد فنی‌شان نسبت به علوم اجتماعی/ ضرورت نقش‌آفرینی متخصصان علوم اجتماعی با توجه به فضای باز پذیرش علوم اجتماعی در صنعت برق/ اعتقاد به راه‌حل‌های غیرفنی در بیشتر چالش‌ها و مشکلات صنعت برق و انرژی/ وجود باور اجتماعی/ تأکید ویژه بر سازوکارهای اجتماعی در مدیریت مصرف در چند سال اخیر/ آمادگی پذیرش مسئولین نسبت به سازوکارهای اجتماعی در حوزه مدیریت مصرف/ ورود هر چند ضعیف علوم اجتماعی در گفتمان سیاسی وزارت نیرو

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۴۰: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه علوم اجتماعی در خصوص عوامل امکان پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران

کدگذاری متمرکز	کدگذاری محوری (مضمون‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
تحولات پارادایمی	توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای	وجود مطالعات بین رشته ی و میان رشته‌ای در حوزه های جامعه‌شناسی ورزش و سلامت و مواردی از این قبیل به‌عنوان الگوی توسعه علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی/ تجربه گفتمان‌سازی علوم اجتماعی در حکمرانی شهری و بهداشت و سلامت در ایران به‌مثابه نمونه‌ای برای اجرای آن در صنعت برق و انرژی/ برجسته شدن الگوهای حکمرانی خوب/ ورود گفتمان اجتماعی در مطالعات شهری و پلیس (مثل ارزیابی تأثیرات اجتماعی)/ وجود گفتمان تعاملی و بین‌رشته‌ای و باور به تنیدگی علوم در سطح بین المللی و ارتقاء غنای مطالعات صنعت برق و انرژی/
	گفتمان جهانی علوم اجتماعی برق و انرژی	وجود تجارب خارجی علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در خارج از کشور/ اجتماعی –تکنیکی بودن سیستم برق و انرژی و نه تکنیکی به لحاظ مفهومی و منطقی در علم و فناوری (ضرورت منطقی کاربست علوم اجتماعی)/ توجه نظریات جدید مثل کنشگر شبکه به صنعت برق/ شکل‌گیری جریانی در دنیا به جهت جدیت بخشیدن به علوم اجتماعی انرژی/ وجود ادبیات مفهومی و نظری اجتماعی برق و انرژی به‌عنوان زیرمجموعه تکنولوژی/
	گذار جهانی به توسعه پایدار	به چالش کشیده شدن رویکردهای اقتصادی و فنی به توسعه در پارادایم‌های جدید توسعه در سطح جهان و اثرگذاری آن بر توجه به رویکرد اجتماعی و وجود زمینه مناسبتر در میان مدیران صنعت برق و انرژی برای توجه به این موضوع و سوق یافتن به سمت علوم اجتماعی برای پاسخگویی به این چالش‌ها/ تأثیرپذیری از کشورهای دیگر به لحاظ توجه به ابعاد اجتماعی/ منسوخ شدن و کارکرد منفی رویکرد تک بعدی فنی و اقتصادی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و لزوم توجه به ابعاد اجتماعی/ گذار انسانی به سمت توسعه پایدار در حوزه انرژی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی در جهان در دستور کار سیاسی توسعه قرار گرفتن واژه توسعه پایدار در جهان از دهه هشتاد/
تغییر نسبی نگرش در وزارت نیرو	بسترسازی نهادی رویکرد اجتماعی	وجود مراکز علمی در دل صنعت مانند پژوهشگاه نیرو در جهت شناسایی مسائل اجتماعی صنعت برق و صورت‌بندی آن و درگیری عالمان اجتماعی با آن/ نشانه های تغییر گرایش مثل دفتر امور اجتماعی، رویکرد اجتماعی وزیر و گروه‌های علوم اجتماعی و انسانی در پژوهشگاه نیرو/ راه‌اندازی گروه ها و نهادهای علوم اجتماعی در صنعت برق/ وجود ارتباط بین برق و علوم اجتماعی با توجه نهادهای مرتبط با علوم اجتماعی آن/ حرکت هر چند کند به سمت مطالعات بین‌رشته‌ای/
	باور (هر چند اندک) به علوم اجتماعی	بهتر شدن وضعیت نگاه اجتماعی در وزارت نیرو نسبت به دهه‌های گذشته (پیگیری ایده‌های اجتماعی)/ شناخته شدن غفلت از ابعاد اجتماعی صنعت برق توسط متولی آن و حداقل اقبال مهندسان به علوم اجتماعی/ به بن بست رسیدن مسیر تکنوکراتیک و فنی و علاقمند شدن به مباحث اجتماعی (مطالبه‌گری اجتماعی و خواست حداقلی علوم اجتماعی در حد نیاز نه به‌مثابه زیرساخت و ضرورت منطقی در نزد مدیران)/ مطرح شدن برخی از ضرورتهای اجتماعی برای مدیران مثل مدیریت مصرف و مشارکت مردم/ بیشتر شدن لزوم توجه به مباحث نرم و علوم انسانی در سیاست‌گذاری و توسعه کشور از جمله در صنعت برق طی چندین سال گذشته/

۲-۵-۴. عوامل امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن

بررسی عوامل امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی از دیدگاه خبرگان حوزه صنعت برق و انرژی و علوم اجتماعی آن‌طورکه در جداول شماره ۲-۴۱ و ۲-۴۲ به صورت کدگذاری تحلیل شده است نشان می‌دهد که عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند. در ادامه به تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

۲-۵-۴-۱. غلبه تفکر فنّی–بوروکراتیک

از دیدگاه خبرگان صنعت برق، غلبه تفکّر فنی–بوروکراتیک که مبنی بر ویژگی‌های مأموریت مبتنی بر تأمین خدمت در یک چارچوب فنی، نگرش سازه‌ای و فن‌محور در توسعه صنعت و صلاحیّت حرفه‌ای مهندسی‌محور بوده؛ از موانع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست دستاوردهای آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی تلقّی می‌شود. هر یک از عناصر این تفکّر، به گونه‌ای هم‌افزا و به شکلی متقابل بر همدیگر اثرگذار بوده و غلبه این تفکّر را تقویت خواهند کرد (شکل شماره ۲-۹).

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مؤلفه نگرش سازه‌ای و فن‌محور در توسعه صنعت برق؛ معطوف بودن آن به محصول و دانش فنی، تکنیک‌محور بودن صنعت برق و توسعه زیرساختهای تکنولوژیک، تأکید بر حوزه فنی و بازار برق در حل چالش‌های صنعت، روشن بودن صورت مسئله برق به لحاظ فنی و ارائه راه‌کار فنی (تجویز راه‌حل‌های فناورانه)، تفکّر مبتنی بر مدیریت صنعتی (برق به‌مثابه خطّ تولید) و عدم توجه بوروکراتها به سیستم‌های اجتماعی–فنی و توجه به ابعاد تکنیکال می‌باشد. درواقع سازه‌نگری و فن‌محوری در توسعه صنعت برق، بیانگر توجه ویژه به ابعاد فنی و سازه‌ای اقدامات توسعه‌ای و غفلت از اقدامات غیرسازه‌ای (ابعاد اجتماعی) است. از جمله در چنین نگرشی، رویکرد فنی در احداث نیروگاه‌ها غلبه یافته و تبعات اجتماعی و یا درگیری اجتماعات محلی در آن مانند مدیریت آمادگی مردم بی‌اهمیت دانسته می‌شود. عدم تفکیک، عارضه‌یابی و مسئله‌یابی که نیازمند علوم اجتماعی است و به عبارتی دیگر نبود تقاضا توسط صنعت در این حوزه، نگاه کوتاه‌مدت به تکنولوژی وارداتی و عدم توجه به جنبه‌های بلندمدت آن، توجه خاص به مسائل فنی و بی‌توجهی یا توجه اندک به ابعاد اجتماعی سیاست‌ها، تصمیمات و اجرا در صنعت برق، فاقد معنای اجتماعی محتوای اسناد فناورانه توسعه صنعت برق، عدم شناخت مدیران از مشکلات اجتماعی و عدم شناخت از نحوه رویارویی با آن، نبود تفکر در هم‌تنیده اقتصاد و اجتماع و محیط زیست و جای کم رنگ دانش علوم اجتماعی در عرصه تصمیمات و سیاست‌گذاری صنعت برق را می‌توان از دیگر مصادیق سازه‌نگری تلقی کرد.

مأموریت مبتنی بر تأمین خدمت در یک چارچوب فنی، از دیگر مؤلفه‌های تفکّر فنّی–بوروکراتیک است که از جمله مصادیق آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: ضعف گفتمان مدیریتی سیاست‌گذاری، رگلاتوری و تنظیم مقررات در وزارت نیرو و غلبه تفکّر تصدی‌گری، غلبه رویکرد مأموریت ارائه برق با کیفیت در وزارت نیرو بر مأموریت مبتنی بر فلسفه تأمین رضایت حداکثری در تأمین خدمات، کمی‌گرایی مدیران (تصمیمات مدیریتی مبتنی بر آمارهای تخصصی حوزه انرژی و بیشتر بر مبنای اقتصاد بدون در نظر گرفتن المان‌های اجتماعی)، پیگیری اقدامات در معرض دید و به تبع آن بالارفتن انتظارات جامعه و کمی شدن نگرش‌ها، عادت به ارائه خدمتی در یک چارچوب مشخص و در دیسیپلین‌های مالی و فنی و حسابداری و نبود نگاه مثبت به ابعاد و تعاملات اجتماعی به دلیل ریشه‌داربودن خدمت عمومی فنی برق و سنتی بودن تصور فنی از این خدمت و به تبع آن عدم توجه به ابعاد اجتماعی قضیه در ارائه خدمات مشترکین، غلبه هدف تولید برق بر هدف ارتقای رفاه مردم در وزارت نیرو، بی‌توجهی به منطق پیشرفت به لحاظ اجتماعی (مثل دسترسی به سررسید و سرخوش از پیشرفت کنونی مثل افزایش مقدار تولید و بی‌توجهی به دیروز)، پروژه‌محور بودن پژوهش‌ها و مبتنی بر رویکرد سودآوری و تفکر برنامه‌ریزی مبتنی بر رشد.

صلاحیت حرفه‌ای مهندسی‌محور به این معناست که به‌کارگیری متخصصان حوزه مهندسی به‌ویژه مهندسی برق در امور کارشناسی و مدیریتی در اولویت است. بنابراین عدم و یا کمتر به‌کارگیری متخصصان علوم انسانی در مناصب مدیریتی، نبود افراد دارای مدارک علوم انسانی در پست و مناصب مدیریتی و کارشناسی به‌منظور رایج شدن گفتمان علوم انسانی، کمیاب بودن افراد متخصص علوم انسانی جهت اجرا و مدیریت امور، اشغال جایگاه‌های مدیریتی توسط مهندسان، وجود تفکر انتقال نیروهای خبره به حوزه علوم فنی و مهندسی برق مثل نخبگان کنکور که این عملاً صنعت برق را (عمدتاً از دانشگاه شریف) مهندسی برق کرده، تعیین و انتصاب مدیریت صنعت برق توسط مهندسان و فنی‌هایی که از مسیر کنکور بالا آمده‌اند و به تبع آن مشاوران نیز فنی خواهند بود و ترکیب شورای پژوهشی و دیگر مراکز مبتنی بر ترکیب فنی بیانگر مبنای مهندسی در تعیین صلاحیت و شایستگی حرفه‌ای مشاغل گوناگون است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150



شکل ۲-۹: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر غلبه تفکّر فنی-بوروکراتیک (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی و صنعت برق)

۲-۵-۴-۲. ساختار حکمرانی غیرمشارکتی

حکمرانی صنعت برق دارای ویژگی‌هایی است که نمی‌توان آن را در چارچوب مفهومی حکمرانی خوب قرار داد. انحصار دولتی در راهبری زنجیره تأمین، به تبع آن ضعف تعامل با مردم (با توجه به وجهه فنی ارائه خدمات برق) به سیاست‌گذاری از بالا به پایین یا تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری غیرمشارکتی انجامیده است به گونه‌ای که به بیان خبرگان هر دو حوزه، باید گفت حکمرانی صنعت برق، یک نوع حکمرانی غیرمشارکتی بوده و همین سبب شده تا پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن با موانع جدّی از این حیث مواجه باشد (شکل شماره ۲-۱۰).

انحصار دولت در راهبری زنجیره عرضه به‌عنوان مانع در تحقق استفاده از پتانسیل‌های دانش علوم اجتماعی و دیگر دانش‌ها و اثربخشی و کارآمدی آنها است. نبود نگرش بهره‌گیری از سازوکارهای اجتماعی به دلیل اقتصاد دولتی و عدم نیاز به این موارد (نبود ریسک از دست دادن بازار و ضرورت ارتقای کیفیت و مشتمری‌مداری متناسب با آن)، فاصله با شهروندان و خود را بی‌بهره دانستن از آنها، بهره‌گیری دولت از توسعه خدمات برق به همه جای کشور به‌منظور ایجاد مشروعیت خود در جامعه، توجه به علوم اجتماعی در عرصه مصرف حسب نیازی که به مشارکت مردم هست، عدم تصمیم‌گیری در باب تعرفه‌ها و غلبه تفکّر پایین نگه‌داشتن صدا و اعتراض مردم نه بهبود و اعتلای زندگی جامعه، تصور از انرژی به‌مثابه یک امر طبیعی و حق مردم که دولت باید آن را فراهم کند، تصدی‌گری دولت در ارائه برق و جایگاه برق در افکار عمومی به‌مثابه یک خدمت عمومی دولتی و ارزان (درک مردم از صنعت برق به‌عنوان حوزه خدمت‌رسان و نه ارائه‌کننده کالا)، عدم نگاه دولت در تولید به شهروندان و اکوسیستم، عدم توجه به مردم در عرضه انرژی به دلیل مدیریت توزیع توسط دولت و نبود مطالبه‌گری موردنیاز (مثل عدم اعتراض به ردشدن خطوط انتقال از مزارع کشاورزی و ضربه به کشاورزی به دلیل نبود مطالبه‌گری) بخشی از واقعیت‌های انحصار دولتی در زنجیره تأمین و عرضه حکمرانی صنعت برق به‌شمار می‌آید. از طرفی دیگر، خاورمیانه‌ای بودن و رانتیر بودن دولت در این منطقه که انرژی جزو انفال و مایملک دولت است، عدم نگاه توسعه پایدار به انرژی در دولت‌های رانتیر (گاز، نفت و برق تا حدودی)، تولید انرژی در دولت‌های رانتیر بر اساس مصلحت تولید و توزیع آن بدون توجه به شهروندان و مباحث زیست‌محیطی، ضعف مسئولیت اجتماعی و توجه به مسائل

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

زیست‌محیطی در اثر تفکر و حاکمیت دولت رانتیر و در نتیجه ضعف در شناسایی مسائل توسط دولت و عدم به‌کارگیری عالمان علوم انسانی متناسب با آن از دیگر عناصر و تبعات انحصار دولت به‌شمار می‌آید.

نشانه‌هایی از ضعف تعامل با مردم در حکمرانی برق وجود دارد که از جمله می‌توان به تجربه اندک در تعاملات اجتماعی، نبود واحد تعاملات اجتماعی در بخش توزیع (شرکت‌ها)، توجه به ارائه خدمات بهینه مبتنی بر پرهیز از اصطکاک با مردم اما بدون توجه به تعامل با مردم در جهت تأمین خواست مردم متناسب با شرایط آنها، اهمیت و اولویت متقاعدسازی نهادها بیش از مردم (به دلیل عدم نیاز به مردم و ضرورت جذب منابع دولتی و نهادها –حتی اگر متخصص علوم اجتماعی هم وجود داشته باشد یا بهره‌گیری از دانش اجتماعی هم شود برای این موضوعات است)، نبود فعالیت و یا تعامل با سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه محیط زیست، برق و انرژی، ارباب رعیتی بودن رابطه شهروندان و دولت، سطح ارتباطی حداقلی وزارت نیرو با شهروندان در مقایسه با نهادهایی مثل شهرداری (اکثر امور مثل طرح ترافیک و پسماند و ... با آن گره خورده و طبیعی است که توجه بیشتری به علوم اجتماعی در آن به دلیل درگیری با ساحت‌های مختلف زندگی مردم وجود دارد) و آموزش و پرورش (ارتباط خیلی مشخص در حد مأمور قرائت کنتور برق) به دلیل جنسی که نهاد وزارت نیرو برای خود تعریف کرده که ارتباط با شهروندان به حداقل برسد، عدم شفافیت در اطلاع‌رسانی به شهروندان در خصوص پیامدهای زیست‌محیطی تولید برق و عدم توجه به هزینه‌های اجتماعی و سلامت شهروندان و عدم حمایت از کنشگران رسانه‌ای و نهادهای مدنی در تشخیص چالش‌ها و شکل‌دهی به افکار عمومی برای این موضوع، اشاره کرد.

قاعدتاً حاصل در رأس امور قرار گرفتن دولت در حکمرانی برق و ضعف تعامل با مردم چیزی جز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری غیرمشارکتی یا سیاست‌گذاری از بالا به پایین را دربر نخواهد داشت. بر این اساس سیستم به‌طور تاریخی اقتدارگرایانه بوده و مبتنی بر عدم جلب نظر و واکنش‌های مردم است. بی‌توجهی به مشارکت ذی‌نفعان و جامعه مدنی و نگاشت نهادی در سیاست‌گذاری، حکمرانی توسعه‌ای صنعت برق مبتنی بر خدمت‌رسانی به جامعه و توسعه اقتصادی کشور و بی‌توجهی به ظرفیت‌های اجتماعی در توسعه برق، نهادینه نشدن ارتباط بین ذی‌نفعان صنعت برق و ارتباطات یک طرفه معمولاً از لایه بالا به پایین، طرز فکر خودمحورانه در سیاست‌گذاری و بدون اخذ نظر مردم (جلب مشارکت مبتنی بر اخذ نظر و نه اعمال و ارائه بازخورد)، ساخت سیاسی مبتنی بر عدم آمادگی قدرت برای واگذاری امور و یا ارتباط با شهروندان، نبود منطق اجتماعی (نبود سازوکار مشاوره، مشورت و اخذ دیدگاه‌های شهروندان) در تعریف و اجرا و ارزیابی پروژه‌های پژوهشی و صنعتی و مدیریتی، مردسالارانه و از بالا به پایین بودن و اقتدارگرایانه بودن فرهنگ سازمانی، عدم ارتباط با جامعه مدنی و نبود سازوکار اخذ مسئله از اجتماع مدنی، نمایشی بودن برنامه‌ریزی مشارکتی و تمرکززدایی، نبود شفافیت در رابطه بین حکمرانی و مردم، برداشت از مشارکت به‌مثابه همراهی مردم با طرح و پروژه‌های دولتی (تصمیم‌گیری برای مردم و نه با مردم)، عدم تعریف جایگاه شهروندان در ارتباط با نگرش نسبت طرح‌های توسعه صنعت برق و انرژی (مثل تمایل به پرداخت هزینه‌های تولید برق ناشی از انرژی هسته‌ای) و فردمحور بودن ساختار حکمرانی از جمله مؤلفه‌های این نوع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150



شکل ۲-۱۰: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر ساختار حکمرانی آمرانه (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی و صنعت برق)

۲-۵-۴-۳. فرهنگ سازمانی مبتنی بر روزمرّگی

روزمرّگی به بخشی از چالش‌های مدیریتی تبدیل شده است. سازمان با برخورداری از چنین فرهنگی، محدودیت‌های اساسی را بر سر راه پذیرش و کاربست علوم اجتماعی ایجاد می‌کند. بر اساس نظر خبرگان صنعت برق، این فرهنگ دارای سه ویژگی چشم‌انداز نامشخص، غفلت از اقدامات نهادی و اساسی و مدیریت اورژانسی است که در چنین شرایطی نمی‌توان بر اقدامات نهادی و اساسی پافشاری کرد زیرا فرصتی برای پرداختن به این موضوعات وجود ندارد. روابط هم‌افزای این سه عنصر فرهنگ سازمانی دچار روزمرّگی، روزبروز بر تعمیق آن می‌افزاید (شکل شماره ۲-۱۱).

چشم‌انداز نامشخص به نبود افق روشن مدیریتی و دخالت نهادهای مختلف قدرت در انتصابات مدیریتی، کوتاه‌مدت بودن دوره‌های مدیریتی و ابتلا به روزمرگی در پیشبرد امور و به تبع آن عدم امکان زمان برای پرداختن به خلاقیت در مدیریت، برنامه‌محور نبودن صنعت برق و معطوف شدن همه انرژی و توان آنان مدیران صنعت به برآوردن نیاز مصرف و پیشگیری از قطع شدن برق به‌ویژه در تابستان و غلبه تفکر و رویکرد کوتاه‌مدتی، محدودنگری مدیران به دلیل نداشتن تفکر استراتژیک و متکثر و حرفه‌ای در انجام امور، تغییر سریع قوانین و مقررات در صنعت برق مثل برق رمزارزها و نقش آن در بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران و مردم، افق چشم‌انداز کوتاه‌مدت و مبتنی بر مسئله‌های روی میز، نگاه بلندمدت سیاست‌پژوهان در صنعت برق و روزمرگی صنعت و افق‌های کوتاه‌مدت، اشاره دارد.

غفلت از اقدامات نهادی و اساسی مانند درگیری حوزه حقوقی ستاد و شرکت‌های زیرمجموعه صنعت برق به امور جاری (روزمرگی) و بی‌توجهی به بسترسازی حقوقی و اجتماعی مسائل پژوهشی مرتبط با آن و شناسایی مسائل حقوقی در حوزه کار، غلبه جریان روزمرگی و فنی در مدیران و غفلت از موضوعات اساسی، طوفان روزمره مشکلات و نبود وقت برای پرداختن به ابعاد دیگر حوزه مدیریت، نامشخص بودن مسائل به دلیل نبود تفکر در این باره و روزمرگی امور و پاسخگویی به نهادهای بالادستی و نگاه مدیریتی مبتنی بر تحولات سریع که ماهیت بطئی تغییرات اجتماعی و ایجاد اقدامات نهادی و اساسی را برنمی‌تابد، از جمله ویژگی‌های روزمرّگی است. لزوماً نمی‌شود در چنین شرایطی، نتیجه‌ای را از اقدامات حوزه اجتماعی سریع گرفت.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مدیریت اورژانسی از دیگر مؤلفه‌های روزمرّگی فرهنگ سازمانی به‌شمار می‌آید. اورژانسی بودن بیانگر وقت داشتن برای پرداختن به اقدامات اضطراری و رفع آنهاست و فرصتی برای پرداختن به اقدامات پیوسته نیست. حاکمیت تفکر مدیر به‌مثابه آتش‌نشان (صرفاً آتش را خاموش می‌کند)، تبدیل شدن احتمال دایمی قطعی برق به مسئله دایمی مدیران و دخالت‌های سلیقه‌ای و غیرتخصصی و اولویت یافتن پرداخت بدهی پیمانکاران و حقوق کارکنان، غلبه تفکر مدیریت جمع کردن بحران در سطح کلان حکمرانی و تأثیر بر حوزه برق و انرژی به جای مدیریت بهتر کردن زندگی مردم (برای مثال پایین نگه داشتن قیمت برق برای اینکه صدای مردم درنیاید)، روزمرگی شدن مدیران و کارشناسان در انجام امور و موقعیتی و مقطعی بودن اقدامات و انقطاع سریع در فرایند آن، بیانگر ویژگی‌های مدیریت اورژانسی است.



شکل ۲-۱۱: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر فرهنگ سازمانی مبتنی بر روزمرّگی (دیدگاه خبرگان صنعت برق)

۲-۵-۴-۴. شرایط آنومیک رویکرد توسعه پایدار

توسعه پایدار به‌مثابه پارادایمی نو در حکمرانی توسعه صنعت برق، از شرایط مبهم، نامشخص و نابهنجاری برخوردار است. تحلیل دیدگاه‌های خبرگان این حوزه نشان می‌دهد این رویکرد، قائم به فرد و دارای سازوکارهای نامشخص بوده و مبتنی بر زیست‌بوم نیست. ضمن آنکه قابلیت دانش اجرایی مرتبط با آن نیز ضعیف برآورد می‌شود. آنومیک بودن رویکرد توسعه پایدار، عرصه را بر پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن تنگ خواهد کرد و به نوعی باید گفت وضعیتی را به‌وجود می‌آورد که مانعی برای پیشبرد این موضوع خواهد بود. این عناصر در ارتباط متقابل با همدیگر و تأثیر و تأثری که بر همدیگر دارند، بستری مبتنی بر شرایط آنومیک را برای رویکرد توسعه پایدار در صنعت برق فراهم آورده‌اند (شکل شماره ۲-۱۲).

نهادهای مرتبط با توسعه پایدار قائم به فرد بوده و از ویژگی‌های بارز چنین اقداماتی عدم‌ساخت‌یافتگی و نهادینه نشدن آنهاست (مثل HSE[۱] در زمان چیت‌چیان وزیر دولت یازدهم و مرکز امور اجتماعی در زمان اردکانیان ویزر دولت دوازدهم که هر دو در آغاز

۱ دفتر بهداشت، ایمنی و محیط زیست

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

مدیریت جدید از ساختار وزارتخانه حذف شدند). ازاین‌رو رویکردهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی نیز قائم به فرد بوده که در دوره‌ای بر یکی از ابعاد توسعه پایدار و یا بی‌توجهی به آن در این فرایندها تأکید می‌شود. در چنین شرایطی، تفکرات مدیریتی و به جریان انداختن ایده‌های یک مدیر پس از رفتنش از حیز انتفاع می‌افتد.

نامشخص بودن سازوکارها و یا فقدان رویه‌ای مشخص در ارتباط با رویکرد توسعه پایدار در موارد متعددی مشاهده می‌شود. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: نبود سازوکاری برای ارزیابی ابعاد اجتماعی اقدامات توسعه‌ای، نبود ضمانت اجرا در اسناد و قوانین و مقررات به‌ویژه در حوزه ابعاد اجتماعی سیاست‌گذاری و اجرای صنعت برق، عدم شفافیت ارتباط بین مطالعات پژوهشی (پژوهشگاه) و تصمیم‌گیری (وزارت نیرو) در حوزه‌های فنی و غیرفنی (نبود سازوکار مشخصی برای مدیریت تحقیقات)، بلاتکلیفی و نامشخص بودن صورت مسئله تعامل با مردم در انتخاب بهترین روش‌ها یا فرم آسایش در مصرف برق، نامشخص بودن نقش مرکز امور اجتماعی وزارت نیرو در تصمیم‌سازی و اجرا، فقدان نظام مطالبه‌گری از سیاست‌های تدوین‌شده و نبود تعهد اجرا و عدم الزام افراد به آن، نبود نمود رویکرد اجتماعی در اجرای اقدامات و دستورالعمل‌ها ورویه‌های اجرایی آن، نبود ضمانت اجرا برای تصمیمات مبتنی بر اخذ نظرات بخش خصوصی، نبود شفافیت در فرایند مدیریت امور و عدم بیان شفاف مشکلات صنعت به مردم، اولویت روابط بر ضوابط، نبود بستر مناسب تشخیص و شناسایی چالش‌ها و به تبع آن ارائه راه‌کارهای استفاده از ظرفیت دانش‌های گوناگون در رفع و اصلاح آنها، عدم شکل‌گیری مسئله اجتماعی به دلیل حکمرانی بدون توجه به توسعه پایدار و عدم نیاز به علوم اجتماعی متناسب با این وضعیت و نوع حکمرانی.

نبود نگاه سیستمی و مبتنی بر زیست‌بوم بیانگر آن بوده که نگاه جامعی در تصمیم‌گیری‌ها و توجه به ملاحظات اجتماعی مثل ارتباط شهرک‌های نیروگاه‌ها با اجتماع پیرامون وجود ندارد. نبود رویکرد جامع و همه‌جانبه توسعه پایدار بر بی‌توجهی به حوزه اجتماعی اثرگذار بوده است. عدم توجه به همکاری‌های بین‌بخشی و ضربه وارد نمودن به ابعاد پایداری در توسعه تجدیدپذیرها، نبود رویکرد و مطالعات بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای در مطالعات کاربردی صنعت برق و انرژی و انجام مطالعات به صورت مستقل به‌ویژه در پژوهشگاه نیرو، تقلیل علوم اجتماعی به مصرف و عادت به کاربرد همه روش‌ها و جامع‌الاطراف بودن بدون داشتن تفکر اکوسیستمی از مصادیق فقدان نگرش زیست‌بومی در حکمرانی و مدیریت به‌شمار می‌آید.

علاوه بر عواملی که در ایجاد شرایط آنومیک در بالا به آن اشاره شد، دانش اجرایی ایده‌های مرتبط با رویکرد توسعه پایدار نیز در وضعیت مناسبی قرار ندارد. نبود توان و عدم پختگی در ارزیابی حکمرانی خوب به‌طور عام و ملاحظات اجتماعی به‌طور خاص، ناتوانی در به‌کارگیری دانش روز به‌منظور فهم و اجرای توسعه پایدار، عدم به‌کارگیری علوم اجتماعی در حل مسائل در بدنه تصمیم‌گیر صنعت علیرغم اقدامات نهادی مرتبط با توسعه و ترویج علوم اجتماعی ناشی از نبود توانمندی و قابلیت استفاده از دستاوردهای علوم اجتماعی (ضعف دانش غیرفنی مدیران و ناتوانی در مدیریت بسترهای اجتماعی و فرهنگی و عدم موفقیت در ایجاد حساسیت در جامعه مدنی برای دغدغه مندی مسائل مبتلابه صنعت برق)، عدم شناخت از اینکه مطالعات شرایط اجتماعی چه کمکی به جنبه‌های تکنیکی می‌کند، نبود دروس اجتماعی کاربردی در دوره‌ها و یا ناکافی بودن آن برای مدیران و کارشناسان در دیدن تجربه‌های موفق تعامل اجتماعی، نبود آموزش‌های عمومی مبتنی بر چگونگی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و مشارکت، غلبه چارچوب‌های قدیمی در مدیریت صنعت برق، نبود ساختار سازمانی مناسب جهت اجرای بهترین سیاست‌های تدوین‌شده و شکاف اسناد بالادستی با وضع موجود به دلیل نداشتن قابلیت اجرا در سازمان‌های متولی امر؛ بیانگر ضعف قابلیت دانش اجرایی در جهت پیگیری و عملیاتی نمودن رویکرد توسعه پایدار به‌شمار می‌آید.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150



شکل ۲-۱۲: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر شرایط آنومیک رویکرد توسعه پایدار (دیدگاه خبرگان صنعت برق)

۲-۵-۴-۵. فقدان بستر گفتمانی مشترک صنعت برق با علوم اجتماعی

اگرچه خبرگان صنعت بر شرایط آنومیک رویکرد توسعه پایدار به‌عنوان امتناع علوم اجتماعی تأکید داشتند خبرگان حوزه علوم اجتماعی نیز با بیانی دیگر بر این باورند که بستر گفتمانی مشترکی بین صنعت و علوم اجتماعی نگرفته و این موضوع، شرایط را برای بسط و ترویج علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی، سخت‌تر کرده است. از جمله عناصر فقدان چنین بستری می‌توان به فقدان راهبرد بهینه تعامل با علوم اجتماعی در سیاست‌پژوهی، درک متفاوت علوم اجتماعی، غلبه رویکرد نمایشی نسبت به علوم اجتماعی و نبود تقاضا برای علوم اجتماعی اشاره کرد. مجموعه این ناصر در ارتباطی متقابل و هم‌افزا با یکدیگر قرار داشته و امتناع را تشدید می‌کنند (شکل شماره ۲-۱۳).

درک متفاوت علوم اجتماعی: از جمله چالش‌های مهمی که پیشاروی حوزه علوم اجتماعی قرار دارد، درک متفاوت مدیران از علوم اجتماعی است که بنا به نظر خبرگان حوزه علوم اجتماعی، بیانگر همسویی با واقعیت‌های دانشی این حوزه علمی نیست. درک مبتنی بر دانش مهندسی با توجه به غلبه تفکّر مهندسی از این حوزه علمی، به شکاف ادراکی انجامیده است و انتظار فوری از اقدامات اجتماعی را مطالبه می‌کند. این در حالی است که ویژگی بارز دانش علوم اجتماعی بر خلاف دانش فنّی مهندسی که مبتنی بر رویکرد حل‌مسئله، خروجی عینی و محصول فوری است؛ علوم اجتماعی بر فهم و تفسیر مسئله و گفتگو در باب آن و برساخت مسئله تأکید دارد. زمان‌بر بودن و تدریجی بودن تأثیر مطالعات اجتماعی در سیاست‌گذاری و نامشخص بودن رسالت در علوم اجتماعی و مشخص بودن و خدماتی بودن علوم فنی و تجربی بخشی دیگر از واقعیت‌های این حوزه است. دنیای متفاوت دو رشته علوم اجتماعی و فنی و عدم راهیابی به عرصه‌های یکدیگر، غلبه نگاه ابزاری به علوم اجتماعی جهت پیشبرد بهتر کارها (تأمین اهداف مهندسی) نه با هدف رضایت حداکثری مردم و قرار گرفتن مهندسی در خدمت آن، تصور از علوم اجتماعی به‌مثابه سازوکار

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

و ابزار ترویج و تعامل با مردم در مباحث فنی، تقلیل مسائل اجتماعی برق به فرهنگ‌سازی حوزه مصرف و نگاه انقباضی مبتنی بر نگاه حل مسئله فوری و بدون نگاه به آینده در حکمرانی و مدیریت از دیگر عناصر تفاوت ادراکی به‌شمار می‌آید.

فقدان راهبرد بهینه تعامل با علوم اجتماعی در سیاست‌پژوهی بیانگر نبود هماهنگی در جهت شکل‌گیری رابطه‌ای پویا، سیستماتیک و مؤثر بین صنعت برق و دانشگاه و دشواری در آن بوده و این ارتباط حداقلی صاحبنظران و صنعت به عدم شکل‌گیری مسئله اجتماعی انجامیده است. مناقشه بین پژوهشگران و سیاست‌گذاران مبتنی بر گفتمان بایدها و نبایدها توسط پژوهشگران و محدودیتها توسط سیاست‌گذاران (بی‌گفتمانی و نبود زمینه و بستر گفتگو) و دو تا زبان مختلف بین سیاست‌گذاران و پژوهشگران، به تضعیف بیشتر راهبرد بهینه تعامل دامن زده است. ازاین‌رو سابقه ذهنی مدیران در چند سال گذشته مبتنی بر تعریف بهترین سیاست‌ها توسط پژوهشگران و عدم به نتیجه رسیدن آنها بر پژوهش‌های پیش رو تأثیر گذاشته است. از جمله مصادیق دیگر فقدان راهبردی بهینه در تعامل با علوم اجتماعی می‌توان به نامشخص بودن منشأ پروژه‌های تحقیقاتی (مسئله از کجا می‌آید و چیست)، نامشخص بودن انتظارات لایه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی صنعت برق از علوم اجتماعی و نامشخص بودن و نبود استراتژی بهینه تعامل در تعریف مسائل مرتبط و ذی‌نفعان و عدم طرح آن در اتاق‌های فکر و اندیشکده‌ها و پژوهشگاه‌ها اشاره کرد.

درک متفاوت و فقدان راهبرد بهینه تعامل به چالشی جدید دامن زده که می‌توان از آن به‌عنوان نبود تقاضا برای علوم اجتماعی از طرف صنعت نام برد. عدم تحریک تقاضا به‌عنوان مفهومی اقتصادی، خود مانع مهمی است که در ایجاد بستر گفتمانی مشترک، مشکل‌آفرینی می‌کند. به باور خبرگان علوم اجتماعی نبود تقاضا برای آن از جانب متولی صنعت برق و انرژی به دلیل غلبه رویکرد و نگاه فنی و عدم تخصیص بودجه برای مطالعات اجتماعی و فراخوان اولویت‌های پژوهشی با رویکرد اجتماعی در زمره امتناع محسوب می‌شود. ازاین‌رو باید گفت مسائل توسعه صنعت نیز موردتوجه حوزه علوم اجتماعی نبوده است. عدم ارائه پروژه‌های جدی به دانشگاه توسط صنعت برق و نبود تمایل از طرف صنعت برق به علوم اجتماعی و ظرفیت‌سازی برای آن به ناشناخته بودن مسائل و چالش‌های حوزه برق برای حوزه علوم اجتماعی و نبود رویکرد اجتماعی به انرژی در خود دانشگاه انجامیده است. نبود سابقه مطالعات اجتماعی توسعه و صنعت در قدیمی‌ترین مرکز تحقیقات اجتماعی (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران) جلوه‌ای دیگر از واقعیت عدم تقاضا است.

در چنین شرایطی که علوم اجتماعی با استقبال چندانی مواجه نیست، از تفاوت ادراکی رنج می‌برد و بستر بهینه‌ای برای تعامل با صنعت ندارد، نتیجه‌ای جز غلبه رویکرد نمایشی نسبت به علوم اجتماعی نمی‌تواند داشته باشد. در واقع اگر علوم اجتماعی موردتوجه هم قرار می‌گیرد پذیرش و کاربست واقعی در عمل نبوده و ابزاری برای نمایش تصمیمات مدیریتی به حساب می‌آید. حتی در مواقعی باید گفت لباس علم را بر تن تصمیمات خود کرده‌اند. بنابراین دخالت علوم اجتماعی و کاربست آن به‌مثابه یک امر سیاسی و نه علمی بوده و صنعت به‌مثابه موضوعی بیگانه به علوم اجتماعی می‌نگرد. نگاه مبتنی بر رفع تکلیف و روی آوردن به علوم اجتماعی و عدم بهره‌برداری از دستاوردهای علوم اجتماعی، نمایشی بودن مفاهیم و نهادهای علوم اجتماعی، تأکید بر اهمیت عوامل اجتماعی به‌مثابه پرستیژ و نه اجرا در عمل و توجه بیشتر به رویکردها و سازوکارهای اجتماعی اما عدم شکل‌گیری باور جدی، گویای بخشی دیگر از واقعیت‌هاست.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150



شکل ۲-۱۳: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر فقدان بستر گفتمانی مشترک بین برق و علوم اجتماعی (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی)

۲-۵-۴-۶. فقدان رویکردی جامع و بین‌رشته‌ای در عرصه آکادمیک

عرصه آکادمیک نیز به مانند عرصه حکمرانی صنعت برق، به‌عنوان بخشی از عوامل بسترساز امتناع علوم اجتماعی به‌شمار می‌آید. این عرصه بر اساس دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی از سه ناحیه فقدان تفکّر، آموزش و پژوهش بین‌رشته‌ای با چالش مواجه بوده و بنابراین در ایجاد موانع برای نقش‌آفرینی علوم اجتماعی در صنعت سهیم است. این سه عنصر به صورت هم‌افزا فقدان رویکرد و نگاه بین‌رشته‌ای را تقویت می‌کنند. فقدان تفکّر بین‌رشته‌ای بر آموزش متناسب با آن و آموزش نیز بر پژوهش‌های مرتبط تأثیرگذار خواهد بود و چنین وضعیتی به بازتولید فقدان تفکّر بین‌رشته‌ای خواهد انجامید (شکل شماره ۲-۱۴).

فقدان تفکّر بین‌رشته‌ای بیانگر عملکرد جزیره‌ای علوم مختلف در ایران و عدم ارتباط آنها با همدیگر، عدم آگاهی متخصّصین علوم مختلف از دستاوردهای مختلف رشته‌های همجوار به لحاظ پارادایمی و یا حوزه مطالعاتی، عدم تعامل رشته‌ها در فضای دانشگاهی، مورد پذیرش نبودن حوزه بین‌رشته‌ای توسط اجتماع علمی علوم اجتماعی و دیگر حوزه‌های دانشی، نبود درک و فهم چندگانه توسط کسانی که مطالعات بین‌رشته‌ای دارند از سوی هم رشته خودشان و هم رشته‌های دیگر مثلاً همین حوزه انرژی و عدم همزیستی متخصّصان حوزه‌های علوم انسانی و فنی و نبود مفاهمه متقابل و راه‌حل‌های ترکیبی، است.

فقدان آموزش‌های بین‌رشته‌ای بیانگر عدم آموزش دانشگاهی در رشته‌های مهندسی مبتنی بر علوم توسعه پایدار و اجتماعی جهت پایدار شدن اقدامات توسعه‌ای، عدم آموزش ملاحظات مبتنی بر کسب و کار و بی توجهی به مباحث اقتصادی و اجتماعی در علوم مهندسی، نبود محتوای مسئولیت‌های اجتماعی در سیستم آموزشی و عدم تربیت محققان بین‌رشته‌ای است.

به لحاظ فقدان پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، مواردی از قبیل عدم تبیین مسائل و چالش‌ها بدون نگاه و رویکرد چندرشته‌ای، نبود نگاه جامع به پروژه‌های پژوهشی به‌ویژه در صنعت برق، توجه کمتر به رویکردها و دیدگاه‌های چندجانبه در شناسایی و حل مسائل در همه حوزه‌ها نه فقط برق و انرژی، در الویت نبودن تحقیقات چندرشته‌ای و ارتباط علوم در حل مشکلات و مسائل، درک ناکافی از

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

سیاست‌گذاری و عدم باور به علوم اجتماعی و رویکرد بین‌رشته‌ای و عدم طرح رویکرد فنی –اجتماعی در پژوهش‌های صنعت برق، مدنظر است.



شکل ۲-۱۴: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر فقدان رویکرد بین‌رشته‌ای و جامع در عرصه آکادمیک (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی)

۲-۵-۴-۷. چالش‌های درون‌گفتمانی علوم اجتماعی

خبرگان حوزه علوم اجتماعی به عناصری نظیر غلبه گفتمان انتقادی و کلان‌نگرانه، نبود و یا ضعف مهارت عملیاتی و بیگانگی علوم اجتماعی نسبت به حوزه فنی (برق) اشاره کرده‌اند که نشان‌دهنده نوعی چالش درون‌گفتمانی این دسته از علوم انسانی است که از آن به‌عنوان موانع بسترسازی برای این حوزه دانشی می‌توان یاد کرد. این سه عنصر در ارتباطی هم‌افزا و تنگاتنگ، چالش‌های درون گفتمانی را به‌وجود آورده‌اند که صنعت پذیرای آن نباشد (شکل شماره ۲-۱۵).

غلبه گفتمان انتقادی و کلان‌نگرانه سرآغاز چالش‌های اساسی است که حوزه فنی ممکن است چندان آن را برنتابد و مانعی برای کاربردی کردن دستاوردهای علوم اجتماعی تلقی شود. از نظر خبرگان این حوزه، علوم اجتماعی چه در مباحث روشی چه مباحث نظری و دانشی با نوعی عقب‌ماندگی مفهومی و پس‌زدگی پرداختن به قلمرو موضوعی سایر علوم از منظر اجتماعی مواجه بوده است. عدم شناسایی حوزه‌های کنشی توسط علوم اجتماعی در ایران و گسترش میدان تحقیق در سطح دانشی، نگاه انتقادی علوم اجتماعی به صنعت به دلیل بیگانگی با آن به‌طور عام و صنعت برق به‌طور خاص و ماهیت علوم اجتماعی در ایران مبنی بر سوق پیدا کردن به ساحت انتقادی و به نحوی انتزاعی مبتنی بر رسالت رهایی‌بخشی و شکل‌گیری گفتمان انتقادی برای نمونه دانشجویان خوب که معمولاً گرایش‌های مخالفت‌گرایانه و گاهاً براندازانه را دارند باعث شده تا از وجوه واقع‌گرایانه و کاربردی علوم اجتماعی در صنعت غفلت گردد. ویژگی تاریخی علوم اجتماعی در ایران که عمدتاً متوجه توسعه در ابعاد کلان بوده و بی‌توجه به صنعت به‌طور خاص بوده نیز مزید بر علت است. روشنفکرزدگی فضای آکادمیک به‌ویژه علوم اجتماعی، عدم انجام تحقیقات تجربی در

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

علوم اجتماعی و آکادمیک نبودن آن، ایفای نقش انتقادی و روشنفکرانه توسط علوم اجتماعی، توجه بیشتر به مباحث تئوریک در علوم اجتماعی در ایران و در دنیا، باقی‌ماندن عرصه‌های آکادمیک و علوم اجتماعی در حصار آکادمیک، از دیگر عناصر چنین گفتمانی است. ازاین‌رو از نظر اصحاب صنعت، علوم اجتماعی ماهیتی عرفاً انتقادی و انتزاعی دارد که چنین نگاهی در نزد آنها، انعکاسی نیافته و پیش‌فرض آنها مبتنی بر عدم ارائه راه‌حل توسط اصحاب علوم اجتماعی است.

نبود و یا ضعف مهارت عملیاتی، بیشتر بیانگر آن است که توجه کمتری به تکنیک‌های برنامه‌ریزی و تسهیل‌گری و بیشتر به جنبه‌های تئوریک، روش‌شناختی و مبانی معرفتی پرداخته شده است. بنابراین نبود برنامه آموزشی در علوم انسانی برای نسخه‌پیچی در صنعت برق و تسلط بیشتر به مباحث شناختی و کلان، ضعف آموزش‌های علوم اجتماعی درزمینه تسهیل‌گری و مهارت‌های آن، عدم ارائه گزارش‌های مدیریتی مبتنی بر ارائه سیاست و ایجاد فهم در سیاست‌گذاران، موفق بودن علوم انسانی در فاز شناخت اما اشکال در ارائه راه حل و عدم ارائه دستاوردهای ملموس توسط علوم اجتماعی برای مهندسان برق بخشی از چالش‌های درون‌گفتمانی از منظر آموزش مهارت‌های عملیاتی و کاربردی به‌شمار می‌آید.

بیگانگی نسبت به حوزه فنی (برق) نیز بر اساس دیدگاه‌های خبرگان، از جمله چالش‌های درون‌گفتمانی است که با چالش‌هایی که اشاره شد، ارتباط مستقیمی دارد. برخی از مصادیق بیگانگی عبارت‌اند از: فهم صنعت برق به‌مثابه تکنولوژی و یک امر صرف فنی و به تبع آن عدم ورود مباحث اجتماعی، عدم آشنایی علوم اجتماعی با صنعت برق و در نتیجه عدم تشخیص مسائل آن، عدم آشنایی متخصصان علوم اجتماعی به زبان فنی حوزه انرژی و دیگر صنایع و بیگانگی با آن، بی‌توجهی دانشکده‌های علوم اجتماعی به حوزه برق و انرژی، عدم وصل و پیوند صنعت و توسعه در ایران با علوم اجتماعی به‌طور عام و برق به‌طور خاص، وارداتی بودن تکنولوژی و بی‌توجهی به ابعاد فلسفی و تبعات آن بر خلاف غرب که تکنولوژی و مسائل آن با هم موردتوجه بوده‌اند، نبود مسئله اجتماعی در تولید و توزیع برق از جانب شهروندان و به تبع آن عدم پیگیری و سراغ علوم اجتماعی رفتن و پاسخ عالمان اجتماعی (مثل قرارگیری منازل در خطوط انتقال برق فشار قوی و آثار سوء آن بر سلامت مردم اما در این مورد در رشته‌های مرتبط کاری نشده و مسئله‌ای هم به تبع آن شکل نگرفته است)، علاقه و توجه کمتر متخصصین حوزه علوم اجتماعی به پژوهش‌هایی که ساختار به ظاهر فنی‌تری دارند و توجه بیشتر به مسائلی که اجتماعی‌تر (تمرکز تحقیقات علوم اجتماعی بر مسائل و آسیب‌های اجتماعی) هستند، شناخته شدن علوم اجتماعی در ایران به رویکردهای آسیب‌شناختی و حل آسیب‌ها و مسائل و بی‌توجهی به دیگر حوزه‌های مانند صنعت (حتی توجه به صنعت نیز مثل صنعت نفت و گاز در عسلویه من باب آسیب‌شناختی (تبعات) بوده است و نگاه علوم اجتماعی به صنعت به‌عنوان یک موضوع بیگانه.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150



شکل ۲-۱۵: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر چالش‌های درون‌گفتمانی علوم اجتماعی (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی)

۲-۵-۴-۸. فرهنگ عمومی مبتنی بر عناصر محدودکننده

فرهنگ عمومی جامعه دارای عناصری است که می‌توان از آن به‌عنوان یکی از شرایط امتناع علوم اجتماعی در صنعت برق یاد کرد. بر اساس دیدگاه‌های خبرگان علوم اجتماعی، فرهنگ عمومی از آنجا در این زمینه سبب ایجاد محدودیت و مانع برای پذیرش و کاربست علوم اجتماعی می‌شود که مبتنی بر مطالبه‌گری نبوده و حس بی‌اعتمادی نیز وضعیت را تشدید کرده است. ضمن آنکه تصور جامعه از برق به‌مثابه یک امر فنّی بوده و به‌عنوان یکی امر اجتماعی مطرح نیست. علاوه بر این فن‌سالاری یکی از ویژگی‌های ساخت اجتماعی و سیاسی جامعه است. این عناصر در ارتباطی تنگاتنگ و مبتنی بر تأثیر و تأثر، فرهنگ عمومی را از بستری تسهیلگر به بستری ناهموار که راه را بر ترویج علوم اجتماعی مسدود کرده، تبدیل نموده است (شکل ۲-۱۶).

از جمله مؤلفه‌های ضعف مطالبه‌گری که با بی‌اعتمادی نهادی نیز همراه بوده، می‌توان گفت در کنشگران رسانه‌ای و نهادهای مدنی نسبت به مجاب کردن دولت در توجه به مباحث اجتماعی و زیست‌محیطی صنعت برق و انرژی مطالبه‌ای وجود ندارد و این مسئله در شهروندان نیز که مبتنی بر عدم مطالبه‌گری شهروندان برای کسب اطلاعات بیشتر است احساس می‌شود. البته نبود نظام مطالبه‌گری و فرهنگ مطالبه یک ویژگی عمومی فرهنگی است و صرفاً در عرصه برق و انرژی مشاهده نمی‌شود. نادیده گرفتن و کم رنگ شدن مسئولیت اجتماعی در میان مردم و از دست رفتن اعتماد آنها به مسئولین و نبود واکنش‌های مثبت در مردم و گوش دادن به حرف‌های آنها (بی‌توجهی مردم در مقابل درخواست مسئولین مبنی بر همراهی با صنعت برق) و ذهنیت و فرهنگ عمومی مبتنی بر عدم گفتگو از دیگر عناصر ضعف مطالبه‌گری است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

تصوّر از برق به‌مثابه خدمت فنی بخشی دیگر از واقعیت‌های فرهنگ عمومی جامعه در رابطه با برق و انرژی است. برق هنوز به‌مثابه خدمتی فنی و نه امری اجتماعی تلقّی می‌شود. در واقع باید گفت هنوز به یک سازه اجتماعی تبدیل نشده (عدم برساخت اجتماعی واقعیت برق) و به‌عنوان مسئله یا امری اجتماعی در کف جامعه در مقایسه با منابعی مانند آب جانیفتاده است. تصور مردم مبنی بر فراوانی برق و منابع انرژی، برخورداری جامعه از انرژی ارزان و تصور از انرژی به‌مثابه یک امر طبیعی و حق مردم که دولت باید آن را فراهم سازد، به برداشت مردم از برق به‌عنوان خدمت فنّی مهندسی دامن زده و درک مردم از صنعت برق به‌عنوان یک حوزه خدمت‌رسان را تثبیت کرده است. ازاین‌رو نبود روایت برق (صنعت برق داستان ندارد)، بیگانگی مردم با نیروگاه و صنعت برق (تصور یک سازه عظیم صنعتی از برق)، نبود پیوند بین هنر و زندگی روزمره و برق و انرژی (عدم انعکاس برق در هنر و روابط اجتماعی) و نبود روایت یا تاریخی مبنی بر اقدامات مهندسان در توسعه صنعت برق در وضعیت جنگ تحمیلی نشانه‌هایی از تصور فنی برق است. خاموشی‌های اخیر و نیز مسائل زیست‌محیطی ممکن است حداقل در بعد مصرف زمینه را برای تقویت گفتمان اجتماعی فراهم سازد که در بخش امکان به آن به تفصیل اشاره شده است.

ساخت اجتماعی–سیاسی فن‌سالار بیانگر نهادینه‌شدن و ساخت واقعیت‌های فرهنگی و سیاسی مبتنی بر اهمیت امر و رویکرد فنّی تا رویکردی فنّی–اجتماعی است. به لحاظ گفتمانی باید گفت، فناوری و تکنولوژی به دال مرکزی فرهنگ و سیاست تبدیل شده که عناصر خود را در عرصه‌های گوناگون جامی‌اندازد. سازوکارهای اجتماعی در حاشیه متن فن‌سالاری قرار گرفته و بنابراین ساختارهای فن‌سالار، بستری برای امتناع پذیرش علوم اجتماعی تلقی می‌شوند. هدایت تحصیلی دانش‌آموزان مستعد به رشته‌های فنی و مهندسی و کم‌استعدادها به علوم انسانی و تصور بی‌نیازی از علوم انسانی با توجه به ریشه آن در هدایت تحصیلی، شکاف کلی بین رشته‌های علوم انسانی و رشته‌های علوم فنی و مهندسی، وجود نگاه اجتماعی عدم فهم رشته‌های علوم انسانی از ریاضی و فیزیک و عدم فهم رشته‌های فنی و مهندسی از تاریخ و ادبیات، نگاه سطحی به علوم انسانی در جامعه (چه در سطح کلان و چه در سطوح خردتر و فردی‌تر)، تصور کم‌هوشی از دانش‌آموزان علوم انسانی، ارزش‌گذاری اجتماعی رشته‌های علوم انسانی و ریاضی و تجربی، عدم آموزش تفکر فلسفی و انتقادی در مدرسه و تداوم آن در دانشگاه، تقویت نگرش تمایل به علوم فنی در آموزش عالی از طریق کنکور، موفقیت‌های علمی بیشتر در حوزه فنی و پزشکی، قائل نشدن ارزش برای کارهای غیر نتایج عملی و توجه بیشتر به عینیت و عدم توجه به مسائل ذهنی ناشی از علوم اجتماعی که زمینه گفتگو و تعامل را فراهم می‌کند بخشی از ساخت فرهنگی به‌شمار می‌آید که رویکردی فن‌سالارانه دارد. این موضوع در عرصه سیاسی نیز عینیت یافته و باید گفت حتّی این عرصه ممکن است عرصه فرهنگ را تحت تأثیر خود قرار داده باشد. بخشی از نشانه‌های این رویکرد را می‌توان مواردی از این قبیل ذکر کرد: عجین شدن ساخت سیاسی و حکمرانی با تفکر تکنیکال از جمله در برق و انرژی، ذهنیت مدیریتی در کشور مبتنی بر علوم فنی و مهندسی و حتی پزشکی، حضور بیشتر مدیران تحصیل کرده در علوم فنی و مهندسی در عرصه‌های کلان و خرد مدیریتی، نهادینه‌شدن تفکر فنی مهندسی و سازه‌محوری نسبت به کنش انسانی، رویکرد دولت‌ها و حکومت‌ها در امر توسعه (قبل و بعد از انقلاب) مبنی بر نگاه به توسعه به‌مثابه امر اقتصادی، فنی و تکنیکی و مغفول ماندن جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی و استمرار طولانی‌مدت رویکرد فنی در توسعه صنعتی به دلیل فزونی منابع در اختیار دولت مثل نفت و به تبع آن بی‌توجهی به جنبه‌های نرم صنعت.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150



شکل ۲-۱۶: بسترهای امتناع پذیرش و کاربست علوم اجتماعی از منظر فرهنگ عمومی مبتنی بر عناصر محدودکننده (دیدگاه خبرگان علوم اجتماعی)

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۴۱: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه صنعت برق در خصوص عوامل امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران

کدگذاری متمرکز	کدگذاری محوری (مضمون‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
شرایط آنومیک رویکرد توسعه پایدار	قائم به فرد بودن	قائم به فرد بودن نهادهای مرتبط با توسعه پایدار در وزارت نیرو و عدم ساخت‌یافتگی و نهادینه‌شدن آنها (مثل HSE در زمان مهندس چیت‌چیان، مرکز امور اجتماعی در زمان اردکانیان)/ قائم به فرد بودن رویکردهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در وزارت نیرو (تأکید دوره‌ای بر یکی از ابعاد توسعه پایدار و یا بی‌توجهی به آن در این فرایندها)/ قائم به فرد بودن تفکرات مدیریتی و به جریان انداختن ایده‌های یک مدیر که پس از رفتنش از جایگاه انتفاع می‌افتد/ تغییرات ساختاری در توجه به توسعه پایدار در سطح وزارت نیرو بر اساس تغییرات مدیریتی و نهادینه نشدن آن (نهادینه‌نشدن و نامشخص بودن رویکرد توسعه پایدار در وزارت‌خانه)/حذف دفتر HSE در ساختار وزارت‌خانه/ قائم به فرد بودن رویکردهای اجتماعی و توسعه پایدار در وزارتخانه و حرکات سینوسی آن با توجه به تغییرات دوره‌های مدیریتی و نهادینه‌نشدن آن/ ورود ضعیف در علوم اجتماعی با مرکز امور اجتماعی که ممکن است بعد از وزیر فعلی جمع شود/
	نامشخص‌بودن سازوکارها	نبود سازوکاری برای ارزیابی ابعاد اجتماعی اقدامات توسعه‌ای/ نبود ضمانت اجرا در اسناد و قوانین و مقررات به‌ویژه در حوزه ابعاد اجتماعی سیاست‌گذاری و اجرای صنعت برق/ عدم شفافیت ارتباط بین مطالعات پژوهشی (پژوهشگاه) و تصمیم‌گیری (وزارت نیرو) در حوزه‌های فنی و غیرفنی (نامشخص بودن و نبود رویه‌ای مبنی بر ارتباط پژوهشگاه و وزارت نیرو (نبود سازوکار مشخصی برای مدیریت تحقیقات)/ بلاتکلیفی و نامشخص بودن صورت مسئله تعامل با مردم در انتخاب بهترین روش‌ها یا فرم آسایش در مصرف برق/ نامشخص بودن نقش مرکز امور اجتماعی وزارت نیرو در تصمیم‌سازی و اجرا/ نبود مطالبه‌گری از سیاست‌های تدوین‌شده و نبود تعهد اجرا و عدم الزام افراد به آن/ نبود نمود رویکرد اجتماعی در اجرای اقدامات و دستورالعمل‌ها ورویه‌های اجرایی آن/ نبود ضمانت اجرا برای تصمیمات مبتنی بر اخذ نظرات بخش خصوصی/ نبود ارزیابی عملکرد و یک نظام مطالبه‌گر/ نبود شفافیت در فرایند مدیریت امور/ عدم بیان شفاف مشکلات صنعت به مردم/ اولویت روابط بر ضوابط/ خصوصی‌سازی مبتنی بر روابط از قبل (همکاران بازنشسته و یا همکاران قبلی که در صنعت برق روابطی داشته‌اند) و یا مبتنی بر تعارض منافع/ نبود بستر مناسب تشخیص و شناسایی چالش‌ها و به تبع آن ارائه راه‌کارهای استفاده از ظرفیت دانش‌های گوناگون در رفع و اصلاح آنها/ عدم ورود مرکز امور اجتماعی در مسائل وزارت نیرو/ غلبه رویه‌های دانشگاهی بر مرکز امور اجتماعی وزارت نیرو/ عدم شکلگیری مسئله اجتماعی به دلیل حکمرانی بدون توجه به توسعه پایدار و عدم نیاز به علوم اجتماعی متناسب با این وضعیت و نوع حکمرانی/
	فقدان رویکرد مبتنی بر زیست‌بوم	عادت به کاربرد همه روش‌ها و جامع‌الاطراف بودن مثلاً همزمان دنبال تقویت رویکرد اجتماعی مدیران بودن و مداخله اجتماعی در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها/ نبود نگاه جامع در تصمیم‌گیری‌ها و توجه به ملاحظات اجتماعی مثل ارتباط شهرک‌های نیروگاه‌ها با اجتماع (نبود نگاه سیستمی و مبتنی بر زیست‌بوم)/ تمرکز گروههای پژوهشگاه بر مأموریت‌های خود و عدم شکل‌گیری ارتباط بین‌رشته‌ای و بی‌توجهی به توسعه پایدار ابعاد فعالیت‌ها و اقدامات آنها/ نبود رویکرد جامع و همه‌جانبه توسعه پایدار) و تأثیر آن بر حوزه اجتماعی/ عدم توجه به همکاری‌های بین‌بخشی و ضربه وارد نمودن به ابعاد پایداری در توسعه تجدیدپذیرها/ نبود رویکرد و مطالعات بین‌رشته‌ای و فراترشته‌ای در مطالعات کاربردی صنعت برق و انرژی و انجام مطالعات به صورت مستقل به‌ویژه در پژوهشگاه/ تقلیل علوم اجتماعی به مصرف/
	ضعف قابلیت دانش اجرایی	نبود توان و عدم پختگی در ارزیابی حکمرانی خوب وزارت نیرو به‌طور عام و ملاحظات اجتماعی به‌طور خاص/ ناتوانی سیستم وزارت در به‌کارگیری دانش روز به‌منظور فهم و اجرای توسعه پایدار/ نبود توانمندی و قابلیت استفاده از دستاوردهای علوم اجتماعی در ارائه خدمات بهینه به مشترکین در صنعت برق/ عدم به‌کارگیری علوم اجتماعی در حل مسائل در بدنه تصمیم گیر صنعت با وجود اقدامات نهادی مرتبط با توسعه و ترویج علوم اجتماعی ناشی از ناآگاهی مدیران به این دانش‌ها/ عدم شناخت از اینکه مطالعات شرایط اجتماعی چه کمکی به جنبه‌های تکنیکی می‌کند/ ضعف دانش غیرفنی مدیران و ناتوانی در مدیریت بسترهای اجتماعی و فرهنگی/ نبود دروس اجتماعی کاربردی در دوره‌ها و یا ناکافی بودن آن برای مدیران و کارشناسان در دیدن تجربه‌های موفق تعامل اجتماعی/ نبود آموزش‌های عمومی مبتنی بر چگونگی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و مشارکت/ ناتوانی و عدم موفقیت در ایجاد حساسیت در جامعه مدنی برای دغدغه مندی مسائل مبتلابه صنعت برق/ غلبه چارچوب‌های قدیمی در مدیریت صنعت برق/ عدم ارائه نتایج و دستاورد ملموس و عینی توسط مرکز امور اجتماعی وزارت نیرو/ ناموفق بودن مرکز امور اجتماعی در اجتماعی کردن و فهم مسائل وزارت نیرو// نبود عملکرد مناسب توسط علوم اجتماعی‌ها و ارائه برنامه اقدام توسط آنها (اینکه نمی گوییم مدیران چیکار کنند و یافته‌ها کلان است این ضعف علوم انسانی است)/ نبود ساختار سازمانی مناسب جهت اجرای بهترین سیاست‌های تدوین‌شده/ شکاف اسناد بالادستی با وضع موجود به دلیل نداشتن قابلیت اجرا در سازمان‌های متولی امر/

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

فرهنگ سازمانی مبتنی بر روزمرگی	**غفلت از اقدامات نهادی و اساسی**	غلبه جریان روزمرگی و فنی در مدیران صنعت برق و غفلت از موضوعات اساسی نه اینکه علاقمند نباشند بلکه دچار روزمرّگی و ساعت‌مرّگی شده‌اند/ درگیری حوزه حقوقی ستاد و شرکتهای زیرمجموعه صنعت برق به امور جاری (روزمرگی) و بی‌توجهی به بسترسازی حقوقی و مسائل پژوهشی مرتبط با آن و شناسایی مسائل حقوقی در حوزه کار/ طوفان روزمره مشکلات و نبود وقت برای پرداختن به ابعاد دیگر حوزه مدیریت/ نامشخص بودن مسائل اجتماعی و حقوقی ستاد و زیرمجموعه به دلیل نبود تفکر در این باره و روزمرگی امور و پاسخگویی به نهادهای بالادستی/ ماهیت بطئی تغییرات اجتماعی و نگاه مدیریتی مبتنی بر تحولات سریع (لزوماً نمی‌شود نتیجه‌ای را از اقدامات حوزه اجتماعی سریع گرفت)/
	چشم‌انداز نامشخص	نامشخص بودن جایگاه مدیران به دلیل نبود افق روشن مدیریتی و دخالت نهادهای مختلف قدرت در انتصابات مدیریتی/ کوتاه‌مدت بودن دوره‌های مدیریتی و ابتلا به روزمرگی در پیشبرد امور و به تبع آن عدم امکان زمان برای پرداختن به خلاقیت در مدیریت/ برنامه‌محور نبودن صنعت برق و معطوف شدن همه انرژی و توان آنان مدیران صنعت به برآوردن نیاز مصرف و پیشگیری از قطع شدن برق به‌ویژه در تابستان و غلبه تفکر و رویکرد کوتاه‌مدتی/ پارادوکس انتظار از یک مدیر دولتی فراتر از ظرفیت یک مدیر دولتی (اقدامی فراتر از ظرفیت جذب سیستم مدیریت دولتی (اولویت چیز دیگری است))/ محدودنگری مدیران به دلیل نداشتن تفکر استراتژیک و متکثر و حرفه‌ای در انجام امور/ تغییر سریع قوانین و مقررات در صنعت برق مثل برق رمزارزها و نقش آن در بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران و مردم/ نبود دستورالعملی برای انباشت دانش و استفاده از آن به هنگام نیاز فوری در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری/ افق چشم‌انداز کوتاه‌مدت و مبتنی بر مسئله‌های روی میز و مسائل روز توسط حکمرانی برق/ نگاه بلندمدت سیاست‌پژوهان در صنعت برق و روزمرگی صنعت و افق‌های کوتاه‌مدت/
	مدیریت اورژانسی	حاکمیت تفکر مدیر به‌مثابه آتش‌نشان (صرفاً آتش را خاموش می‌کند)/ تبدیل شدن احتمال دایمی قطعی برق به مسئله دایمی مدیران و دخالت‌های سلیقه‌ای و غیرتخصصی و اولویت یافتن پرداخت بدهی پیمانکاران و حقوق کارکنان/ غلبه تفکر مدیریت جمع کردن بحران در سطح کلان حکمرانی و تأثیر بر حوزه برق و انرژی به جای مدیریت بهتر کردن زندگی مردم (برای مثال پایین نگه داشتن قیمت برق برای اینکه صدای مردم درنیاید)/ روزمرگی شدن مدیران و کارشناسان در انجام امور/ موقعیتی و مقطعی بودن اقدامات و انقطاع سریع در فرایند آن/
غلبه تفکّر فنی- بوروکراتیک	**مأموریت مبتنی بر تأمین خدمت در یک چارچوب فنی**	غلبه تفکّر تصدی‌گری بر رگلاتوری و تنظیم مقررات / غلبه رویکرد مأموریت تأمین آب و انرژی در وزارت نیرو بر مأموریت مبتنی بر فلسفه تأمین رضایت حداکثری در تأمین خدمات آب و انرژی/ غلبه تفکّر مهندسی و ارائه برق با کیفیت نه حداکثر کردن رضایت مردم و مشتریان/ مدیران ما مهندس هستند و کمی‌گرا پس به دنبال کارهای کمی و در معرض دید هستند/ ریشه‌دار بودن خدمت عمومی فنی برق و سنتی بودن تصوّر فنی از این خدمت و به تبع آن عدم توجه به ابعاد اجتماعی قضیه در ارائه خدمات مشترکین (عادت به ارائه خدمتی در یک چارچوب مشخص و در دیسیپلینهای مالی و فنی و حسابداری و نبود نگاه مثبت به ابعاد و تعاملات اجتماعی/ غلبه هدف تولید برق بر هدف ارتقای رفاه مردم / غلبه نظام ارزیابی کمی‌گرا و به تبع آن بالارفتن انتظارات جامعه و کمی شدن نگرش‌ها/ حاکمیت نگاه فنی و عدم تشخیص برخی از دردها که نیاز به دیسیپلین علوم اجتماعی دارد (عدم تفکیک و عارضه‌یابی و مسئله‌یابی که نیازمند علوم اجتماعی است و به عبارتی دیگر نبود تقاضا توسط صنعت در این حوزه)/ تصمیمات مدیریتی مبتنی بر آمارهای تخصصی حوزه انرژی و بیشتر بر مبنای اقتصاد بدون در نظر گرفتن المان‌های اجتماعی/ بی‌توجهی به منطق پیشرفت به لحاظ اجتماعی (مثل دسترسی به سررسید و سرخوش از پیشرفت کنونی مثل افزایش مقدار تولید و بی‌توجهی به دیروز)/ پروژه‌محور بودن پژوهش‌ها و مبتنی بر رویکرد سودآوری/ غلبه تفکر فنی و مهندسی در برنامه‌ریزی/ غلبه عقلانیت ابزاری بر عقلانیت ارتباطی/ تفکر برنامه‌ریزی مبتنی بر رشد/ بی‌توجهی یا توجه اندک به ابعاد اجتماعی سیاست‌ها، تصمیمات و اجرا در صنعت برق/
	صلاحیّت حرفه‌ای مهندسی‌محور	عدم و یا کمتر به‌کارگیری متخصصان علوم انسانی در مناصب مدیریتی/ نبود آدم‌های علوم انسانی در پست و مناصب مدیریتی و کارشناسی به‌منظور رایج شدن گفتمان علوم انسانی/ کمیاب بودن آدم متخصص علوم انسانی جهت اجرا و مدیریت امور/ اشغال جایگاه‌های مدیریتی توسط مهندسان/ وجود تفکر انتقال نیروهای خبره به حوزه علوم فنی و مهندسی برق مثل نخبگان کنکور که این عملاً صنعت برق را (عمدتاً از دانشگاه شریف) مهندسی برق کرده است/ تعیین و انتصاب مدیریت صنعت برق توسط مهندسان و فنی‌هایی که از مسیر کنکور بالا آمده‌اند و به تبع آن مشاوران نیز فنی خواهند بود/ ترکیب شورای پژوهشی و دیگر مراکز مبتنی بر اعضاء فنی/
	نگرش سازه‌ای و فن‌محور در توسعه صنعت	غلبه رویکرد فنی در احداث نیروگاه‌ها و بی اهمیت دانستن تبعات اجتماعی و یا درگیری اجتماعات محلی در آن نظیر مدیریت آمادگی مردم (بی‌توجهی حوزه اجرا به ابعاد اجتماعی دلیل بر بی اهمیتی ملاحظات اجتماعی بوده است)/ توجه خاص به مسائل فنی و بی‌توجهی به ابعاد مختلف صنعت برق در سیاست‌گذاری/ غلبه رویکرد فنی در مدیریت صنعت برق و عدم توجه آن به ابعاد اقتصادی و اجتماعی/ عدم توجه به برق به‌مثابه صنعت/ نگاه کوتاه‌مدت به تکنولوژی وارداتی و عدم توجه به جنبه‌های بلندمدت آن/ ما واردکننده تکنولوژی و اجراکننده آن بوده‌ایم و ملاحظات دیگری را در نظر نگرفته‌ایم/ توجه ساتبا صرفاً به خرید تضمینی و بی‌توجهی به ملاحظات توسعه پایدار و فرایندهای مرتبط با آن/ معطوف به محصول و دانش فنی بودن اسناد فناورانه و ضرورت مطالعات همه‌جانبه/ توسعه زیرساختهای تکنولوژیک (پارادایم غالب فنی است و نه انسانی)/ تأکید بیشتر بر حوزه فنی و بازار برق در حل چالش‌های

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

		صنعت برق/ غلبه راه‌حل‌های فنی بر راه‌کارهای غیرفنی در مدیریت/ غالب بودن گفتمان فنی و توسعه تکنولوژیک (سرچشمه اصلی مشکلات در صنعت برق همین گفتمان غالب است)/ غلبه نگاه و دانش مهندسی در سیاست گذاری و برنامه‌ریزی صنعت برق و بی‌توجهی به دانش‌های علوم انسانی حتی کسب و کار و اقتصاد چه برسد به علوم اجتماعی/ فاقد معنای اجتماعی محتوای اسناد فناورانه توسعه صنعت برق/ نحوه رویارویی مبتنی بر تفکر مهندسی با سازوکارهای اجتماعی و علوم اجتماعی در اسناد بالادستی/ عدم شناخت مدیران از مشکلات اجتماعی و عدم شناخت از نحوه رویارویی با آن (به دلیل غلبه تفکر فنی)/ رغبت کم و بی‌توجهی به ابعاد صنعت برق و انرژی به دلیل تفکر فنی و مهندسی/ نبود تفکر توسعه پایدار و مشارکتی (تفکر در هم‌تنیده اقتصاد و اجتماع و محیط زیست) در سیستم حکمرانی صنعت برق و به تبع آن عدم تحول در رابطه صنعت برق و علوم اجتماعی/ جای کم‌رنگ دانش علوم اجتماعی در عرصه تصمیمات و سیاست‌گذاری صنعت برق/ مهندسی و فنی نگریستن مدیران صنعت برق/ برداشت از برق و انرژی به‌مثابه امر فنی و تکنیکی/ تفکر مدیریت صنعتی در توسعه صنعت برق/ مدیریت بوروکراتیک فنی و صنعتی نه فنی اجتماعی/ تکنیک‌محور بودن صنعت برق/ بی‌نیاز بودن مدیران صنعت برق از نزدیکی به علوم اجتماعی به دلیل نگاه و رویکرد تکنیکی/ روشن بودن صورت مسئله برق به لحاظ فنی و ارائه راه‌کار فنی/ بالا بودن وجهه فنی و تکنیکال برق/ برداشت مدیران از مسائل به‌عنوان مسائل فنی و نه انسانی و تجویز راه‌حل فناورانه برای آن/ اولویت مسائل فنی تا اجتماعی در صنعت برق/ بی‌توجهی بوروکرات‌ها (پشت میز نشین‌ها) به سیستم‌های اجتماعی–فنی و توجه به ابعاد تکنیکال/
ساختار حکمرانی غیرمشارکتی	**سیاست‌گذاری از بالا به پایین**	عدم طی فرایند سیاست‌های مربوط به مشارکت مردم در فرایند سیاست‌گذاری/ سیستم اقتدارگرایانه تاریخی و عدم جلب نظر و واکنش‌های مردم/ بی‌توجهی به مشارکت ذی‌نفعان و جامعه مدنی و نگاشت نهادی در سیاست‌گذاری/ حکمرانی توسعه ای صنعت برق مبتنی بر خدمت رسانی به جامعه و توسعه اقتصادی کشور و بی‌توجهی به ظرفیتهای اجتماعی در توسعه برق/ نگاه بالا به پایین حتی در خصوصی‌سازی و نه مبتنی بر نگرش و رفتار مشارکتی/ جلب مشارکت مبتنی بر اخذ نظر و نه اعمال و ارائه بازخورد/ نهادینه نشدن ارتباط بین ذی‌نفعان صنعت برق و ارتباطات یک طرفه معمولاً از لایه بالا به پایین/ طرز فکر خودمحورانه در سیاست‌گذاری و بدون اخذ نظر مردم/
	ضعف تعامل با مردم	تجربه اندک در تعاملات اجتماعی/ نبود واحد تعاملات اجتماعی در بخش توزیع (شرکت‌ها)/ توجه وزارت نیرو بر ارائه خدمات بهینه مبتنی بر پرهیز از اصطکاک با مردم اما بدون توجه به تعامل با مردم در جهت تأمین خواست مردم متناسب با شرایط آنها/ اهمیت و اولویت متقاعدسازی نهادها بیش از مردم (به دلیل عدم نیاز به مردم و ضرورت جذب منابع دولتی و نهادها –حتی اگر متخصص علوم اجتماعی هم وجود داشته باشد یا بهره‌گیری از دانش اجتماعی هم شود برای این موضوعات است)/ توجه به علوم اجتماعی در عرصه مصرف حسب نیازی که به مشارکت مردم هست/
	انحصار دولتی در راهبری زنجیره تأمین	انحصار دولت در زنجیره عرضه به‌عنوان مانع در تحقق استفاده از پتانسیل‌های دانش علوم اجتماعی و دیگر دانش‌ها و اثربخشی و کارآمدی آنها/ چالش انتظار فراتر از معماری و اتمسفر وضعیت موجود و وجود موانعی همچون انحصار دولت/ نبود نگرش بهره‌گیری از سازوکارهای اجتماعی به دلیل اقتصاد دولتی و عدم نیاز به این موارد (نبود ریسک از دست دادن بازار و ضرورت ارتقای کیفیت و مشتمری‌مداری عدم احساس نیاز به علوم اجتماعی)/ بهره گیری دولت از توسعه خدمات برق به همه جای کشور و تقویت مشروعیت حکمرانی انحصاری در صنعت برق/ تحت لوای دولت بودن صنعت برق و ضرورت حفظ استقلال خود از دولت علیرغم استفاده از بودجه‌های دولت/ عدم تصمیم‌گیری وزارت نیرو در باب تعرفه‌ها و غلبه تفکّر پایین نگه‌داشتن صدا و اعتراض مردم نه بهبود و اعتلای زندگی جامعه/ تصور از انرژی به‌مثابه یک امر طبیعی و حق مردم که دولت باید آنرا فراهم نماید/ تصدی‌گری دولت در ارائه برق و جایگاه برق در افکار عمومی به‌مثابه یک خدمت عمومی دولتی و ارزان (درک مردم از صنعت برق به‌عنوان حوزه خدمت‌رسان و نه ارائه‌کننده کالا)

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۴۲: کدگذاری مصاحبه با خبرگان حوزه علوم اجتماعی در خصوص عوامل امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق ایران

کدگذاری متمرکز	کدگذاری محوری (مضمون‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
چالش‌های درون‌گفتمانی علوم اجتماعی	غلبه گفتمان انتقادی و کلان‌نگرانه	مواجه بودن علوم اجتماعی چه در مباحث روشی چه مباحث نظری و دانشی با نوعی عقب ماندگی مفهومی و پس‌زدگی پرداختن به قلمرو موضوعی سایر علوم از منظر اجتماعی/ عدم شناسایی حوزه های کنشی توسط علوم اجتماعی در ایران و گسترش میدان تحقیق در سطح دانشی/ نگاه انتقادی علوم اجتماعی به صنعت به دلیل بیگانگی با صنعت به‌طور عام و صنعت برق به‌طور خاص/ ماهیت علوم اجتماعی در ایران (سوق پیدا کردن به ساحت انتقادی و به نحوی انتزاعی مبتنی بر رسالت رهایی‌بخشی و شکل‌گیری گفتمان انتقادی برای نمونه دانشجویان خوب معمولاً گرایش‌های مخالفت گرایانه و گاهاً براندازانه را دارند) و بی‌توجهی به وجوه واقع‌گرایانه و کاربردی علوم اجتماعی در صنعت/ تأکید مراکز و تحقیقات اجتماعی بر رویکردهای کلان توسعه مانند توسعه روستایی/ ویژگی تاریخی علوم اجتماعی در ایران که عمدتاً متوجه توسعه در ابعاد کلان بوده و بی‌توجه به صنعت بوده است/ روشنفکرزدگی فضای آکادمیک به‌ویژه علوم اجتماعی/ عدم انجام تحقیقات تجربی در علوم اجتماعی و آکادمیک نبودن آن/ ایفای نقش انتقادی و روشنفکرانه توسط علوم اجتماعی/ توجه بیشتر به مباحث تئوریک در علوم اجتماعی در ایران و در دنیا/ باقی‌ماندن عرصه‌های آکادمیک و علوم اجتماعی در حصار آکادمیک/ عدم انعکاس مثبت نگاه انتقادی و انتزاعی علوم اجتماعی در نزد مسئولان صنعت و تصور عدم ارائه راه‌حل توسط اصحاب علوم اجتماعی/ ماهیت عرفاً انتقادی و انتزاعی علوم اجتماعی برای اصحاب صنعت/
	نبود و یا ضعف مهارت عملیاتی	نبود برنامه آموزشی در علوم انسانی برای نسخه‌پیچی در صنعت برق و تسلط بیشتر به مباحث شناختی و کلان/ ضعف آموزش‌های علوم اجتماعی درزمینه تسهیل‌گری و مهارت‌های آن/ عدم ارائه گزارش‌های مدیریتی مبتنی بر ارائه سیاست و ایجاد فهم در سیاست‌گذاران/ موفق بودن علوم انسانی در فاز شناخت اما اشکال در ارایه راه حل/ عدم ارائه دستاوردهای ملموس توسط علوم اجتماعی برای مهندسان برق/
	بیگانگی نسبت به حوزه فنی (برق)	فهم صنعت برق به‌مثابه تکنولوژی و یک امر فنی/ فنی بودن موضوع برق و پیور بودن دانش فنی برق و به تبع آن عدم ورود مباحث اجتماعی/ عدم آشنایی علوم اجتماعی با صنعت برق و در نتیجه عدم تشخیص مسائل آن/ عدم آشنایی متخصصان علوم اجتماعی به زبان فنی حوزه انرژی و دیگر صنایع و بیگانگی با آن/ بی‌توجهی دانشکده‌های علوم اجتماعی به حوزه برق و انرژی/ عدم تبدیل صنعت برق به مسئله علوم اجتماعی/ نامشخص بودن مسائل و چالش‌های اجتماعی در صنعت برق/ جدید بودن پارادایم‌های توجه به جامعه‌شناسی صنعت برق در جهان/ عدم وصل و پیوند صنعت و توسعه در ایران با علوم اجتماعی به‌طور عام و برق به‌طور خاص/ وارداتی بودن تکنولوژی و بی‌توجهی به ابعاد فلسفی و تبعات آن بر خلاف غرب که تکنولوژی و مسائل آن با هم موردتوجه بوده‌اند/ نبود مسئله اجتماعی در تولید و توزیع برق از جانب شهروندان و به تبع آن عدم پیگیری و سراغ علوم اجتماعی رفتن و پاسخ عالمان اجتماعی (مثل قرارگیری منازل در خطوط انتقال برق فشار قوی و آثار سوء آن بر سلامت مردم اما در این مورد در رشته‌های مرتبط کاری نشده و مسئله‌ای هم به تبع آن شکل نگرفته است)/ علاقه و توجه کمتر متخصصین حوزه علوم اجتماعی به پژوهش هایی که ساختار به ظاهر فنی‌تری دارند و توجه بیشتر به مسائلی که اجتماعی‌تر هستند/ کم‌توجهی متخصصین علوم اجتماعی به امور فنی و عدم آگاهی نسبت به آن/ عدم احساس نیاز پژوهشگران به حضور پژوهش‌های مرتبط آن‌ها در عرصه‌های مدیریتی انرژی/ عدم عرضه دانش متخصصین علوم اجتماعی در مسئله‌یابی و تبیین مسئله صنعت برق/ نگاه علوم اجتماعی به صنعت به‌عنوان یک موضوع بیگانه/ ترس علوم اجتماعی از صنعت/ تمرکز تحقیقات علوم اجتماعی بر مسائل و آسیبهای اجتماعی/ شناخته شدن علوم اجتماعی در ایران به رویکردهای آسیب‌شناختی و حل آسیب‌ها و مسائل و بی‌توجهی به دیگر حوزه‌های مانند صنعت (حتی توجه به صنعت نیز مثل صنعت نفت و گاز در عسلویه من باب آسیب‌شناختی (تبعات) بوده است/
فقدان رویکرد بین‌رشته‌ای و جامع در	فقدان تفکّر بین‌رشته‌ای	عملکرد جزیره‌ای علوم مختلف در ایران و عدم ارتباط با هم/ عدم آگاهی متخصصین علوم مختلف از دستاوردهای مختلف آن رشته‌ها/ عدم تعامل رشته‌ها در فضای دانشگاهی/ مورد پذیرش نبودن حوزه بین‌رشته‌ای توسط اجتماع علمی علوم اجتماعی و دیگر علوم/ نبود درک و فهم چندگانه توسط کسانی که مطالعات بین‌رشته‌ای دارند از سوی هم رشته خودشان و هم‌رشته‌ای دیگر مثلاً همین حوزه انرژی/ جزیره‌ای شدن دانش‌ها و نبود یکپارچگی در آنها/ فقدان تفکر بین‌رشته‌ای در بدنه علمی و دانشگاهی حوزه علوم اجتماعی/ عدم همزیستی متخصصان حوزه‌های علوم انسانی و فنی و نبود مفاهمه متقابل و نبود راه‌حل‌های ترکیبی/

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

عدم تبیین مسائل و چالش‌ها بدون نگاه و رویکرد چندرشته‌ای/ عدم نگاه جامع به پروژه‌های پژوهشی/ نبود پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در صنعت برق/ توجه کمتر به رویکردها و دیدگاه‌های چندجانبه در شناسایی و حل مسائل در همه حوزه‌ها نه فقط برق و انرژی/ در الویت نبودن تحقیقات چندرشته ای و ارتباط علوم در حل مشکلات و مسائل/ نبود نگاه جامع در عرصه حکمرانی و مدیریت و تأثیر بر مطالعات بین‌رشته‌ای و جامع/ درک ناکافی از سیاست‌گذاری و عدم باور به علوم اجتماعی و رویکرد بین‌رشته‌ای/ عدم طرح رویکرد فنی –اجتماعی در پژوهش‌های صنعت برق/	**فقدان پژوهش‌های بین‌رشته‌ای**	**عرصه آکادمیک**
عدم آموزش دانشگاهی در رشته‌های مهندسی مبتنی بر علوم توسعه پایدار و اجتماعی و فرهنگ جهت پایدار شدن اقدامات توسعه‌ای/ عدم آموزش ملاحظات مبتنی بر کسب و کار و توجه به مباحث اقتصادی و اجتماعی در علوم مهندسی/ نبود محتوای مسئولیت‌های اجتماعی در سیستم آموزشی/ عدم تربیت محققان بین‌رشته‌ای/	**فقدان آموزش‌های بین‌رشته‌ای**	
نبود هماهنگی در جهت ایجاد ارتباط یک رابطه پویا، سیستماتیک و مؤثر بین صنعت برق و دانشگاه و دشواری در آن/ عدم شکل‌گیری مسئله به دلیل ارتباط حداقلی صاحبنظران و وزارت نیرو/ عدم شکل‌گیری مسئله اجتماعی و به تبع آن عدم ارتباط با پژوهشگر و تعریف پژوهش/ مناقشه بین پژوهشگران و سیاست‌گذاران مبتنی بر گفتمان بایدها و نبایدها توسط پژوهشگران و محدودیت‌ها توسط سیاست‌گذاران (بی‌گفتمانی و نبود زمینه و بستر گفتگو)/ دو تا زبان مختلف بین سیاست‌گذاران و پژوهشگران/ سابقه ذهنی مدیران در چند سال گذشته مبتنی بر تعریف بهترین سیاست‌ها توسط پژوهشگران و عدم به نتیجه رسیدن آنها و تأثیر آن بر پژوهش‌های پیش رو/ نامشخص بودن منشأ پروژه‌های تحقیقاتی (مسئله از کجا می‌آید و چیست)/ نامشخص بودن انتظارات لایه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی صنعت برق از علوم اجتماعی/ نبود احساس نیاز در مسئولین مدیریتی برای حضور پژوهشگران علوم اجتماعی/ نامشخص بودن و نبود استراتژی بهینه تعامل در تعریف مسائل مرتبط و ذی‌نفعان و عدم طرح آن در اتاق‌های فکر و اندیشکده‌ها و پژوهشگاه‌ها/	**فقدان راهبرد بهینه تعامل با علوم اجتماعی در سیاست‌پژوهی**	**فقدان بستر گفتمانی مشترک صنعت برق با علوم اجتماعی**
انتظار فوری از اقدامات رسانه‌ای و مطالعات اجتماعی/ تفکر مهندسی مبتنی بر خروجی عینی از علوم اجتماعی/ دنیای متفاوت دو رشته علوم اجتماعی و فنی و عدم راهیابی به دنیای همدیگر/ غلبه نگاه ابزاری به علوم اجتماعی جهت پیشبرد بهتر کارها (تأمین اهداف مهندسی) نه هدف رضایت حداکثری مردم و قرار گرفتن مهندسی در خدمت آن/ انتظار محصول فوری از کاربست علوم اجتماعی/ رویکرد علوم فنی بر حل مسئله و علوم اجتماعی بر فهم و تفسیر مسئله و گفتگو در باب آن و برساخت مسئله/ زمانبر بودن و تدریجی بودن تأثیر مطالعات اجتماعی در سیاست‌گذاری/ نامشخص بودن رسالت در علوم اجتماعی و مشخص بودن و خدماتی بودن علوم فنی و تجربی/ تصور از علوم اجتماعی به‌مثابه سازوکار و ابزار ترویج و تعامل با مردم در مباحث فنی/ تقلیل مسائل اجتماعی برق به فرهنگ‌سازی حوزه مصرف/ نگاه انقباضی و نگاه حل مسئله فوری و بدون نگاه به آینده در حکمرانی و مدیریت/	**درک متفاوت علوم اجتماعی**	
دخالت علوم اجتماعی و کاربست آن به‌مثابه یک امر سیاسی و نه علمی/ نگاه صنعت به علوم اجتماعی به‌مثابه موضوعی بیگانه/ نگاه مبتنی بر رفع تکلیف و روی آوردن به علوم اجتماعی و عدم بهره‌برداری از دستاوردهای علوم اجتماعی/ نمایشی بودن مفاهیم و نهادهای علوم اجتماعی در وزارت نیرو/ تأکید بر اهمیت عوامل اجتماعی به‌مثابه پرستیژ و نه اجرا در عمل (رویکرد نمایشی)/ توجه بیشتر به رویکردها و سازوکارهای اجتماعی اما عدم شکل گیری باور جدی/	**غلبه رویکرد نمایشی نسبت به علوم اجتماعی**	
عدم تخصیص بودجه برای مطالعات اجتماعی و فراخوان اولویت‌های پژوهشی با رویکرد اجتماعی/ تقاضامحور بودن علوم اجتماعی در سیاست‌گذاری و نبودن تقاضا برای آن از جانب متولی صنعت برق و انرژی به دلیل غلبه رویکرد و نگاه فنی/ نبود تقاضا برای تحقیقات اجتماعی صنعتی/ نبود تقاضامحوری و به تبع آن نبود رویکرد علوم اجتماعی مرتبط با صنعت برق و انرژی در حوزه علوم اجتماعی (حداقل علوم اجتماعی موجود بررسی پیامدهای اجتماعی ناشی از بی‌توجهی به امور اجتماعی و فرهنگی در اقدامات توسعه‌ای بوده است)/ موردتوجه نبودن مسائل توسعه صنعت برق از جانب علوم اجتماعی به دلیل عدم تقاضای آن/ عدم ارائه پروژه‌های جدی به دانشگاه توسط صنعت برق/ نبود تقاضا برای تحریک تحقیقات اجتماعی انرژی و ضرورت تحریک آن توسط صنعت برق/ نبود تمایل از طرف صنعت برق به علوم اجماعی و ظرفیت‌سازی برای آن/ عدم اختصاص منابع مالی برای انجام پروژه‌های پژوهشی اجتماعی/ عدم تقاضا و اعلام ضرورت مطالعات اجتماعی توسط وزارت نیرو/ عدم تخصیص اعتبارات برای انجام مطالعات اجتماعی حوزه برق و انرژی/ ناشناخته بودن مسائل و چالش‌های حوزه برق برای حوزه علوم اجتماعی به دلیل نبود تقاضا و تحریک از طرف صنعت برق/ نبود سابقه مطالعات اجتماعی توسعه و صنعت در قدیمی‌ترین مرکز تحقیقات اجتماعی (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران) به دلیل عدم تقاضای متولیان توسعه و صنعت/ نبود رویکرد اجتماعی به انرژی در خود دانشگاه و ضرورت ایجاد تحرک در این زمینه و تحریک تقاضا/	**نبود تقاضا برای علوم اجتماعی**	
تعامل کمتر ساختارها با سطوح اجتماعی و تصمیم گیری از بالا به پایین/ ساخت سیاسی عدم آمادگی قدرت برای واگذاری امور و یا ارتباط با شهروندان/ نبود منطق علوم اجتماعی (نبود سازوکار مشاوره، مشورت و اخذ دیدگاه‌های شهروندان) در تعریف و اجرا و ارزیابی پروژه های پژوهشی و صنعتی و مدیریتی/ مردسالارانه و از بالا به پایین بودن و اقتدارگرایانه بودن فرهنگ سازمانی صنعت برق/ عدم ارتباط با جامعه مدنی و مشکل در نهادینه‌سازی علوم اجتماعی در صنعت برق (مثل نبود سازوکار اخذ مسئله از اجتماع مدنی)/ شوآف بودن برنامه‌ریزی مشارکتی و تمرکززدایی/ ساختار حکمرانی مانع تسهیل‌گری/ نبود شفافیت در رابطه بین حکمرانی و مردم/ برداشت از مشارکت به‌مثابه همراهی مردم با طرح و پروژه‌های	**سیاست‌گذاری از بالا به پایین**	**ساختار حکمرانی غیرمشارکتی**

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

		دولتی (تصمیم گیری برای مردم و نه با مردم)/ عدم تعریف جایگاه شهروندان در ارتباط با نگرش نسبت طرح های توسعه صنعت برق و انرژی (مثل تمایل به پرداخت هزینه‌های تولید برق ناشی از انرژی هسته‌ای)/ فردمحور بودن ساختار حکمرانی/ عدم درنظر گرفتن تعامل و مشارکت مردم در مدیریت/ارباب رعیتی بودن رابطه شهروندان و دولت/
	ضعف تعامل با مردم	نبود فعالیت و یا تعامل با سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه محیط زیست، برق و انرژی/سطح ارتباطی حداقلی وزارت نیرو با شهروندان در مقایسه با نهادهایی مثل شهرداری (اکثر امور مثل طرح ترافیک و پسماند و ... با آن گره خورده و طبیعی است که توجه بیشتری به علوم اجتماعی در آن به دلیل درگیری با ساحت‌های مختلف زندگی مردم وجود دارد) و آموزش و پرورش (ارتباط خیلی مشخص در حد مأمور قرائت کنتور برق) به دلیل جنسی که نهاد وزارت نیرو برای خود تعریف کرده که ارتباط با شهروندان به حداقل برسد/ عدم شفافیت در اطلاع‌رسانی به شهروندان در خصوص پیامدهای زیست‌محیطی تولید برق و عدم توجه به هزینه‌های اجتماعی و سلامت شهروندان/ عدم حمایت از کنشگران رسانه‌ای و نهادهای مدنی در تشخیص چالش‌ها و شکل‌دهی به افکار عمومی برای این موضوع/ تعامل اندک سازمان‌های مردم‌نهاد و صنعت برق/ فاصله دولت با شهروندان در حوزه انرژی و به تبع آن عدم نیاز به علوم اجتماعی/
	احصار دولتی در راهبری زنجیره تأمین	خاورمیانه‌ای بودن و رانتیر بودن دولت در این منطقه که انرژی جزو انفال و مایملک دولت است/ عدم نگاه توسعه پایدار به انرژی در دولت‌های رانتیر (گاز، نفت و برق تا حدودی)/ تولید انرژی در دولت‌های رانتیر بر اساس مصلحت تولید و توزیع آن بدون توجه به شهروندان و مباحث زیست‌محیطی/ دولت رانتیر تولیدکننده و توزیع‌کننده انرژی و به تبع آن بی‌توجهی به شهروندان و عدم بهادادن به آنها/ عدم نگاه دولت در تولید به شهروندان و اکوسیستم/ ضعف مسئولیت اجتماعی و توجه به مسائل زیست‌محیطی در اثر تفکر و حاکمیت دولت رانتیر/ دولتی بودن و بی‌توجهی به مردم در فضای رانتیری (فاصله با شهروندان و خود را بی‌بهره دانستن از آنها) برخلاف اروپا/ ضعف در شناسایی مسائل توسط دولت و عدم به‌کارگیری عالمان علوم انسانی متناسب با آن/ عدم توجه به مردم در عرضه انرژی به دلیل مدیریت توزیع توسط دولت و نبود مطالبه‌گری مورد نیاز (مثل عدم اعتراض به ردشدن خطوط انتقال از مزارع کشاورزی و ضربه به کشاورزی به دلیل نبود مطالبه‌گری)/
فرهنگ عمومی مبتنی بر عناصر محدودکننده	**ضعف مطالبه‌گری**	ضعف مطالبه‌گری در کنشگران رسانه‌ای و نهادهای مدنی نسبت به مجاب کردن دولت در توجه به مباحث اجتماعی و زیست‌محیطی صنعت برق و انرژی/ عدم مطالبه‌گری شهروندان برای کسب اطلاعات بیشتر/ نبود نظام مطالبه‌گری در سطح جامعه/ نبود فرهنگ مطالبه/ نادیده گرفتن و کم رنگ شدن مسئولیت اجتماعی در میان مردم / ذهنیت و فرهنگ عمومی مبتنی بر عدم گفتگو/ بی‌اعتمادی مردم نسبت به اقدامات مثل برق امید/ از دست رفتن اعتماد مردم به دولت و نبود واکنش‌های مثبت در مردم/ نبود اعتماد مردم به مسئولین و گوش دادن به حرف‌های آن (بی‌توجهی مردم در مقابل درخواست مسئولین مبنی بر همراهی با صنعت برق)/
	تصور از برق به‌مثابه خدمت فنّی	تصور مردم مبنی بر فراوانی برق و منابع انرژی/ برخورداری جامعه از انرژی ارزان و تصور از انرژی به‌مثابه یک امر طبیعی و حق مردم که دولت باید آنرا فراهم نماید/ برداشت مردم از برق به‌عنوان خدمت و نه کالا/ درک مردم از صنعت برق به‌عنوان حوزه خدمت‌رسان و نه ارائه‌کننده کالا/ نبود روایت برق (صنعت برق داستان ندارد)/ بیگانگی مردم با نیروگاه و صنعت برق (تصور یک سازه عظیم صنعتی از برق)/ نبود پیوند بین هنر و زندگی روزمره و برق و انرژی (عدم انعکاس برق در هنر و روابط اجتماعی)/ نبود روایت یا تاریخی مبنی بر اقدامات مهندسان در توسعه صنعت برق در وضعیت جنگ/ عدم اجتماعی شدن مسئله برق و به کف جامعه نرسیدن آن/
	ساخت اجتماعی- سیاسی فن‌سالار	هدایت نخبگان دانش‌آموزی به رشته‌های فنی و مهندسی و هدایت کم استعدادها به علوم انسانی/ تصور بی‌نیازی از علوم انسانی با توجه به ریشه هدایت تحصیلی نخبگان به علوم فنی/ عجین شدن ساخت سیاسی و حاکمیت با تفکر تکنیکال از جمله در برق و انرژی/ ذهنیت مدیریتی در کشور مبتنی بر علوم فنی و مهندسی و حتی پزشکی/ موفقیت‌های علمی بیشتر در حوزه فنی و پزشکی/ حضور بیشتر مدیران تحصیل کرده در علوم فنی و مهندسی در عرصه مدیریت/ نهادینه‌شدن تفکر فنی مهندسی و سازه‌محوری نسبت به کنش انسانی/ رویکرد دولت‌ها و حکومت‌ها در امر توسعه (قبل و بعد از انقلاب) مبنی بر نگاه به توسعه به‌مثابه امر اقتصادی، فنی و تکنیکی و مغفول ماندن جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی/ استمرار طولانی‌مدت رویکرد فنی در توسعه صنعتی به دلیل فزونی منابع در اختیار دولت مثل نفت و به تبع آن بی‌توجهی به جنبه‌های نرم صنعت/ شکاف کلی بین‌رشته‌های علوم انسانی و رشته‌های علوم فنی و مهندسی/ وجود نگاه اجتماعی عدم فهم رشته‌های علوم انسانی از ریاضی و فیزیک و عدم فهم رشته‌های فنی و مهندسی از تاریخ و ادبیات/ نگاه سطحی به علوم انسانی در جامعه (چه در سطح کلان و چه در سطوح خردتر و فردی‌تر) و هدایت دانش‌آموزان مستعدتر به رشته‌های تجربی و ریاضی فیزیک/ تصور کم‌هوشی از دانش‌آموزان علوم انسانی/ ارزش‌گذاری اجتماعی رشته‌های علوم انسانی و ریاضی و تجربی/ عدم آموزش تفکر فلسفی و انتقادی در مدرسه و تداوم آن در دانشگاه/ تقویت نگرش تمایل به علوم فنی در آموزش عالی از طریق کنکور/ قائل نشدن ارزش برای کارهای غیر نتایج عملی و توجه بیشتر به عینیت و عدم توجه به مسائل ذهنی ناشی از علوم اجتماعی که زمینه گفتگو و تعامل را فراهم می‌کند/

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جمع‌بندی

وجود چالش‌هایی در حکمرانی صنعت برق در ایران که مستلزم مداخله اجتماعی هستند و راهکار فنی ندارند و یا اینکه راهکار فنی به تنهایی کفایت نمی‌کند، نشان داد که ورود علوم اجتماعی به این عرصه از حکمرانی و ادغام عرصه فنی و دانش اجتماعی ضرورت دارد. چالش‌ها و تنگناهای اجتماعی پیشاروی حکمرانی صنعت برق، به یک عرصه مانند مصرف که تصور معمول بر کاربست دانش اجتماعی، به همین عرصه تقلیل یافته، محدود نمی‌شوند. اتفاقاً طرح‌های توسعه‌ای زنجیره عرضه یا تأمین با توجه به اثراتی که بر وضعیت اجتماعی دارند، مسأله حکمرانی را برای ایفای مسئولیت اجتماعی از نظر ارزیابی تأثیرات اجتماعی و توانمندسازی اجتماعات محلی و دیگر ذینفعان برجسته‌تر می‌کند. گذار انرژی به ایده پایداری، حساسیت این موضوع را بیشتر می‌کند. تأکید بر تدوین پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی اقدامات توسعه‌ای کلان، ملّی و محلی در اسناد بالادستی کشور، بخشی از این واقعیت را به نمایش گذاشته است.

مدیریت ارائه خدمات بهینه به مشترکین و پرداختن به مسائل این حوزه با تأکید بر ظرفیت‌های اجتماع محلی و مشترکین در تلفات غیرفنی مانند پیشگیری و مقابله با جرایم برق‌دزدی و حفاظت از سازه‌ها، از دیگر چالش‌های حکمرانی است که نیازمند مداخله اجتماعی است. اتخاذ رویکرد جامعه‌محوری در مدیریت مخاطرات نیز با تأکید بر شناسایی پتانسیل‌های بحران و نیز مشارکت در بحران‌ها و حوادث برق؛ خود یک دلیل محکم دیگری بر روی‌آوردن به مداخله اجتماعی است. افزایش تاب‌آوری در سیستم‌های تأمین برق به مباحث فنی ختم نشده و ضرورت دارد زمینه تاب‌آوری و بازتوانی جامعه را نیز فراهم نمود.

علاوه بر عرصه‌های عملیاتی و اجرایی حکمرانی که در بالا اشاره شد، عرصه تصمیم‌سازی و سیاستگذاری نیز بر اساس نظرات خبرگان صنعت برق، با چالش‌های اجتماعی مواجه بوده و نیازمند اتخاذ رویکرد اجتماعی است. اجتماعی کردن سیاست‌ها، شناخت ظرفیت‌ها و زمینه‌های اجتماعی و بهره‌برداری از آنها در این عرصه، مباحث شفافیت و جلب رضایت و اعتماد مردم و به طور کلّی مشارکت ذینفعان در فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری که تأکید جدّی بر آن در اسناد بالادستی کشور از قانون اساسی تا قوانین برنامه توسعه و موضوعی وجود دارد، به عنوان ابعاد اجتماعی تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری در فرایند حکمرانی صنعت برق هستند که خبرگان به بیان آنها در چارچوب چالش‌های مستلزم مداخله اجتماعی پرداخته‌اند.

سازوکارهای اجتماعی در مواجهه با این چالش‌ها بیانگر ضرورت تبیین تجهیز حکمرانی به رویکرد اجتماعی مبتنی بر فهم عمومی از مسائل و نقادی آن، شناخت زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در سیاست‌گذاری، اجرا و بهره‌برداری، ایفاء مسئولیت اجتماعی حکمرانی در پیشگیری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از طرح‌های توسعه‌ای و توانمندسازی ذینفعان و نیز تقویت حس شهروندی در آنها برای همکاری‌های متقابل صنعت و جامعه، متقاعدسازی مردم برای پذیرش طرح‌های توسعه‌ای و مدیریتی و مشارکت آنان در فرایندهای تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری، اجرا، ارزشیابی و بهره‌برداری است. آنطور که خبرگان علوم اجتماعی بیان کردند، دستاوردهای علوم اجتماعی در این زمینه می‌تواند به نحو احسن نقش‌آفرینی کند. ازاین‌رو، مواجهه اجتماعی و یا غیرفنی مستلزم کاربست علوم اجتماعی است. در هر صورت برق و انرژی در هیئت یک واقعیت اجتماعی گام برداشته و بدون تردید زنجیره ارزش آن نیز در پیوند با جامعه و تأثیر و تأثر متقابل با آن، با چالش‌هایی از جنس اجتماعی مواجه خواهد بود که مستلزم مداخله اجتماعی است. دستاوردهای دانشی و بینشی علوم اجتماعی همگام با تحولات پارادایمی در سطح جهانی و تغییر نسبی نگرش در حکمرانی صنعت برق؛ نویدبخش ظرفیت‌سازی و نقش‌آفرینی در فهم و مدیریت چالش‌ها خواهد بود. امّا بسترسازی برای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن زمانی ممکن خواهد بود که بتوان با استفاده از توانمندی‌های موجود به رفع و اصلاح موانع پیش رو پرداخت. ایجاد گفتمان علوم اجتماعی در حکمرانی و یا تقویت عناصر گفتمانی آن، با شناخت عوامل امکان و امتناع پذیرش و کاربست آن پی‌ریزی خواهد شد.

آن‌طورکه ملاحظه شد، خبرگان صنعت برق ضمن اشاره به چالش‌های صنعت برق که مستلزم مداخله اجتماعی هستند بر تغییر نسبی نگرش در وزارت نیرو تأکید دارند که ممکن است بستر پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را فراهم آورد. این موضوع که

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

راه‌کار مواجهه با برخی چالش‌های صنعت برق از مسیر استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی می‌گذرد و به عبارتی دیگر، مداخله اجتماعی را الزامی می‌داند، در کنار اذعان به تغییر نسبی نگرش و تصورات نسبت به این دسته از دانش‌ها که در عرصه مدیریتی وزارت نیرو به‌وجود آمده، عرصه امکانی را قوّت می‌بخشد. خبرگان حوزه علوم اجتماعی نیز همسو با خبرگان حوزه صنعت برق بر این باور هستند که در اندیشه‌های حکمرانی و مدیریتی وزارت نیرو با توجه به نشانه‌هایی که وجود دارد، تغییراتی در نگرش و تصورات نسبت به رویکرد اجتماعی رخ داده که می‌توان از این تغییرات به نوعی تلقی نگرش مثبت نسبت به شرایط قبل از آن داشت. این دسته از خبرگان اذعان دارند که با گذار به توسعه پایدار و پارادایم‌های نو در حکمرانی برق و انرژی در سطح کلان بین‌الملل از یک سو و زمینه‌سازی گفتمان آن در کشور (در عرصه آکادمیک و سیاستی) و کارکرد علوم اجتماعی در فهم چالش‌های برق و انرژی و مواجهه با آن از سوی دیگر به دلیل پیوندی که برق و انرژی با جامعه دارد؛ امکان دارد بسترهای بیشتری را در جهت ترویج و پذیرش علوم اجتماعی و استفاده از دستاوردهای آن تدارک دید.

از نظر خبرگان حوزه صنعت برق، عوامل امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن مواردی همچون شرایط آنومیک رویکرد توسعه پایدار در وزارت نیرو، فرهنگ سازمانی مبتنی بر روزمرّگی، غلبه تفکّر فنی–بوروکراتیک و ساختار حکمرانی غیرمشارکتی هستند. همگی عوامل مدنظر خبرگان صنعت برق، عواملی درون سازمانی هستند. بر این اساس شرایط و بسترهایی در داخل صنعت برق وجود دارد که بر سر راه پذیرش علوم اجتماعی در این صنعت و کاربست دستاوردهای آن، مانع ایجاد کرده و امکان آن را با محدودیت مواجه می‌سازد.

در سمت مقابل خبرگان حوزه علوم اجتماعی نیز ضمن تأکید بر ساختار حکمرانی غیرمشارکتی، بر این باورند که عوامل دیگری نیز هستند که خارج از بدنه سازمانی وزارت نیرو، زمینه امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را در عرصه حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی فراهم کرده‌اند. در واقع از نظر این دسته از خبرگان اگرچه عامل تأثیرگذاری مانند ساختار حکمرانی غیرمشارکتی در حکمرانی صنعت برق به‌عنوان عامل درون‌سازمانی، مانع مهمی در امتناع به‌شمار می‌آید اما علاوه بر این، فقدان بستر گفتمانی مشترک صنعت برق با علوم اجتماعی نیز وجود دارد که بر محدودیت‌ها از جانب صنعت افزوده است. در فهرست عوامل امتناع مدنظر خبرگان علوم اجتماعی، باید چالش‌های درون‌گفتمانی علوم اجتماعی و فقدان رویکرد بین‌رشته‌ای و جامع در عرصه آکادمیک به‌عنوان محدودیت‌های معرفتی را از یکسو و فرهنگ عمومی را نیز که مبتنی بر عناصر محدودکننده است، از دیگر سو وارد نمود. خبرگان حوزه علوم اجتماعی عوامل امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را در سه عرصه سازمانی صنعت برق، عرصه معرفتی علوم اجتماعی و دانشگاهی و عرصه عمومی جامعه جستجو می‌کنند. این دسته از خبرگان اذعان دارند که بستر جامعه نیز بر شدت مسائل مرتبط با امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در صنعت برق افزوده است. از طرفی دیگر این حوزه دانشی نیز خود با مسائلی درونی مواجه است که بر تأثیرگذاری آن در این مسیر نقش دارد. فرهنگ عمومی جامعه به‌مثابه بستر اصلی تحولات با توجه به مختصاتی که دارد راه را بر مطالبه‌گری از جانب جامعه، مسدود کرده و حتی با توجه به ویژگی فن‌سالارانه، برساخت اجتماعی مسئله برق را با مشکل مواجه نموده و به تأخیر انداخته است. آنان بر این نکته تأکید دارند که باوجود تنیدگی و پیوند این صنعت با جامعه که زمینه امکان بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی در صنعت برق به‌شمار می‌آمد اما برق و انرژی به‌عنوان واقعیتی اجتماعی برساخته نشده و فرهنگ عمومی تصور دیگری از آن دارد. به اذعان خبرگان این حوزه، چالش‌های درون‌گفتمانی علوم اجتماعی و فقدان و یا ضعف رویکرد بین‌رشته‌ای و جامع در عرصه آموزش‌های دانشگاهی به‌طور عام و علوم اجتماعی به‌طور خاص و بی‌توجهی به آن در عرصه حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی نیز، به‌عنوان مانعی اساسی تلقی می‌شود که ممکن است بستری برای امتناع بیشتر باشد زیرا غلبه چنین تفکری امکان نزدیکی و آشتی بین بخش‌های متفاوت علوم را متأثر کرده و مطالعات و نیز سیاست‌گذاری بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای را با موانع جدّی مواجه می‌سازد.

همان‌طورکه در شکل شماره ۲–۱۷ نشان داده شده، مجموعه‌ای از عوامل درون‌سازمانی مشتمل بر شرایط داخلی و ویژگی‌های حکمرانی صنعت برق، عوامل معرفتی و گفتمانی علوم اجتماعی و عوامل اجتماعی (فرهنگ عمومی) در بسترسازی امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن از دیدگاه خبرگان صنعت برق و انرژی و علوم اجتماعی وجود دارند. ریشه موانع سازمانی را قبل از

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

اینکه در ساختارهای مدیریتی جستجو کرد باید در فرهنگ عمومی جامعه پیگیری کرد. به نظر می‌رسد ساختار حکمرانی غیرمشارکتی و نیز غلبه تفکّر فنی–بوروکراتیک به نوعی برخاسته از آن دسته از ویژگی‌های فرهنگ عمومی باشد که دال مرکزی گفتمان سیاسی و فرهنگ آموزشی آن، فن‌سالاری است ضمن آنکه مطالبه‌گر نبوده و مبتنی بر برداشت خدمت فنّی از برق است که واقعیت اجتماعی آن را نادیده می‌گیرد. از طرفی دیگر، حکمرانی غیرمشارکتی با تقویت و نهادینه‌شدن تفکرّ فنی–بوروکراتیک، تقویت شده و رویکردهای مبتنی بر توسعه پایدار را در ساختار حکمرانی صنعت برق با شرایط مبهم و آنومیک‌تری مواجه می‌سازد. روزمرّگی فرهنگ سازمانی نیز مزید بر علّت شده و در ایجاد شرایط آنومیک سهیم خواهد شد. فقدان بستر گفتمانی مشترک صنعت برق با علوم اجتماعی که خبرگان علوم اجتماعی به‌عنوان بستر امتناع اشاره کرده، متأثر از عوامل درون‌سازمانی که گفته شد، بوده و به‌صورتی هم‌افزا بر شدت وخامت آن می‌افزایند. البته بخشی دیگر از شرایط سهیم در فقدان چنین بستری، چالش‌های درون‌گفتمانی علوم اجتماعی است. بنا به اذعان خبرگان علوم اجتماعی، چالش‌های درون‌گفتمانی در کنار عوامل درون‌سازمانی، فضای مشترک گفتمانی را که ارتباطات صنعت برق و علوم اجتماعی را ارتقاء دهد با وضعیت نازل‌تری مواجه ساخته است. ناگفته نماند که فقدان و یا تضعیف رویکردهای بین‌رشته‌ای در عرصه آکادمیک، چالش‌های درون‌گفتمانی را تقویت کرده و به صورت توأمان محدودیت‌ها و موانع را افزایش داده‌اند.

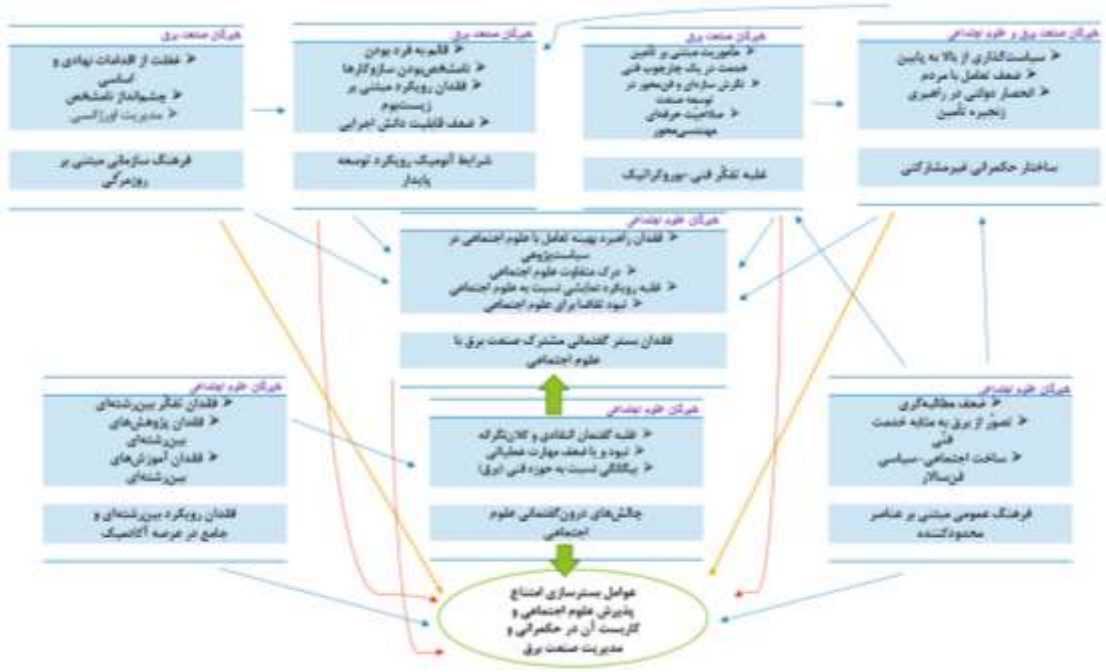

شکل ۲–۱۷: عوامل بسترسازی امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق از دیدگاه خبرگان صنعت برق و علوم اجتماعی

اگر عوامل امکان و امتناع را به پیروی از بِنِت و همکاران (۲۰۱۶)، به چهار دسته عوامل ایدئولوژیک، عوامل نهادی، عوامل معرفتی و عوامل ظرفیتی دسته‌بندی کنیم؛ خبرگان صنعت برق بیشتر بر عواملی تأکید داشتند که مرتبط با ظرفیت‌های نهادی در حکمرانی صنعت و یا رویکردهای ایدئولوژیک آن بوده است. این در حالی است که از منظر خبرگان حوزه علوم اجتماعی، علاوه بر موارد مرتبط با حوزه حکمرانی از منظر ظرفیتی، نهادی و ایدئولوژیک، عوامل دیگری نیز که ریشه در فرهنگ عمومی و حوزه معرفتی دانش علوم اجتماعی و تحولات پارادایمی دارند تسهیلگر و یا محدودیت‌کننده هستند (جدول شماره ۲–۴۳). شکل ۲–۱۸ ارتباط بین عوامل امکان و امتناع را با همدیگر نشان داده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۴۳: ویژگی‌ها و ابعاد عوامل امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی صنعت برق

نوع	عنوان	مؤلفه‌ها	ماهیت	عرصه	دیدگاه خبرگان
عوامل امکان	تغییر نسبی نگرش در وزارت نیرو	اهتمام به تعامل با مردم	ایدئولوژیک/ نهادی	حکمرانی	صنعت برق
		بسترسازی نهادی رویکرد اجتماعی			صنعت برق و علوم اجتماعی
		باور (هر چند اندک) به علوم اجتماعی			صنعت برق و علوم اجتماعی
	تحولات پارادایمی	توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای	معرفتی	بین‌الملل	علوم اجتماعی
		گفتمان جهانی علوم اجتماعی برق و انرژی			
		گذار جهانی به توسعه پایدار			
عوامل امتناع	شرایط آنومیک رویکرد توسعه پایدار	قائم به فرد بودن	نهادی	حکمرانی	صنعت برق
		نامشخص‌بودن سازوکارها	نهادی		
		فقدان رویکرد مبتنی بر زیست‌بوم	نهادی		
		ضعف قابلیت دانش اجرایی	ظرفیتی		
	فرهنگ سازمانی مبتنی بر روزمرگی	غفلت از اقدامات نهادی و اساسی	نهادی	حکمرانی	صنعت برق
		چشم‌انداز نامشخص			
		مدیریت اورژانسی			
	غلبه تفکر فنی- بوروکراتیک	نگرش سازه‌ای و فن‌محور در توسعه صنعت	ایدئولوژیک	حکمرانی	صنعت برق
		مأموریت مبتنی بر تأمین خدمت در یک چارچوب فنی			
		صلاحیّت حرفه‌ای مهندسی‌محور			
	ساختار حکمرانی غیرمشارکتی	سیاست‌گذاری از بالا به پایین	نهادی	حکمرانی	صنعت برق و علوم اجتماعی
		ضعف تعامل با مردم	نهادی		
		انحصار دولتی در راهبری زنجیره تأمین	نهادی		
	چالش‌های درون‌گفتمانی علوم اجتماعی	غلبه گفتمان انتقادی و کلان‌نگرانه	معرفتی	دانشگاه	علوم اجتماعی
		نبود و یا ضعف مهارت عملیاتی			
		بیگانگی نسبت به حوزه فنی (برق)			
	فقدان رویکرد بین‌رشته‌ای و جامع در عرصه آکادمیک	فقدان تفکّر بین‌رشته‌ای	ایدئولوژیک	دانشگاه	علوم اجتماعی
		فقدان پژوهش‌های بین‌رشته‌ای	معرفتی		
		فقدان آموزش‌های بین‌رشته‌ای	معرفتی		
	فقدان بستر گفتمانی مشترک صنعت برق با علوم اجتماعی	فقدان راهبرد بهینه تعامل با علوم اجتماعی در سیاست‌پژوهی	ایدئولوژیک	حکمرانی	علوم اجتماعی
		درک متفاوت علوم اجتماعی	ایدئولوژیک		
		غلبه رویکرد نمایشی نسبت به علوم اجتماعی	ایدئولوژیک		
		نبود تقاضا برای علوم اجتماعی	ظرفیتی		
	فرهنگ عمومی مبتنی بر عناصر محدودکننده	ضعف مطالبه‌گری	نهادی	جامعه	علوم اجتماعی
		تصور از برق به‌مثابه خدمت فنّی	ایدئولوژیک		
		ساخت اجتماعی-سیاسی فن‌سالار	نهادی		

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

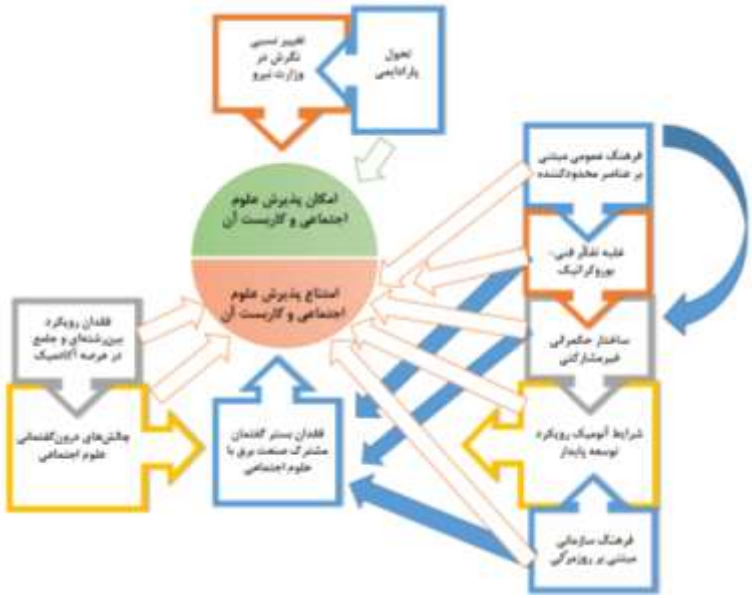

شکل ۲-۱۸: عوامل بسترسازی امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق از دیدگاه خبرگان صنعت برق و علوم اجتماعی

بررسی مقایسه‌ای یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های پیشین، نشان داد که چالش‌هایی در حوزه صنعت برق به عنوان بخش مهمی از عرصه انرژی وجود دارد که مستلزم مداخله اجتماعی هستند و ضرورت ورود و ادغام عرصه دانشی علوم اجتماعی در این عرصه از حکمرانی انرژی احساس می‌شود. واکاوی عوامل امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن نیز حاکی از آن بود که با موانع بیشتری در مقایسه با عوامل تسهیلگر مواجه هستیم و این موضوع در پژوهش‌های پیشین نیز وجود داشت. امّا واقعیتی که در پژوهش پیش رو به آن دست یافتیم، متفاوت بودن جنس چالش‌ها در حکمرانی صنعت برق ایران بود که در بستری متمایز شکل گرفته است. بنابراین نیاز به مواجهه متفاوت نیز دارد. عوامل امکان و امتناع در بستر حکمرانی صنعت برق ایران با توجه به ابعاد ظرفیتی، ایدئولوژیک، معرفتی و نهادی این عرصه را دارد و برای رفع و پیشگیری و اصلاح آن نیز باید با توسل به رویکردهای بومی اقدام نمود. در این پژوهش بخشی از واقعیت‌ها بررسی شد و نیاز به مطالعات بیشتری در حکمرانی صنعت برق و دیگر بخش‌های انرژی وجود دارد تا چالش‌های اجتماعی انرژی و ضرورت مواجهه اجتماعی تبیین و تجویز گردد. هرگونه اقدامی در جهت ترویج علوم اجتماعی در عرصه صنعت برق و انرژی به‌منظور بهره‌برداری از دستاوردهای آن در حکمرانی و مدیریت توسعه مستلزم شناسایی بسترهای امکان و امتناع و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای رفع، پیشگیری و یا اصلاح موانع و ارتقاء عوامل امکانی است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

نتیجه‌گیری بخش دوم

تحولات پارادایمی در حوزه توسعه مبتنی بر تأکید بر توسعه همه‌جانبه، پایدار و مردم‌گرایانه و شکل‌گیری حوزه‌های مطالعاتی بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای از یک سو و تحولات نهادی مرتبط با آن در عرصه آکادمیک و سیاستی؛ بیانگر شکل‌گیری گفتمانی جدید در عرصه بین‌الملل است که در حوزه برق و انرژی نیز مسیر تکامل خود را طی می‌کند. آنچه مشخص است مطالعات اجتماعی حوزه انرژی به‌عنوان بخشی از جریان تحولاتی که اشاره شد، به صورت یک گفتمان و جریان اصلی در آمده و مبتنی بر سازوکارهایی در عرصه‌های سیاستی، دانشی و پژوهشی است که با استفاده از آن، عناصر خود را تقویت می‌نماید. بررسی مراکز پژوهشی و آموزشی و مأموریت‌های آنان در رابطه با علوم اجتماعی انرژی، نشان داد که کاربست علوم اجتماعی و استفاده از دستاوردهای این حوزه دانشی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی، علاوه بر الزام قانونی، مستلزم بسترسازی از طریق تولید ادبیات علمی، آموزش‌های متناسب با آن و نیز نشر و ترویج این دستاوردها است. دیده شد که رویکرد اجتماعی در اسناد راهبردی حوزه انرژی نیز منعکس شده است. واقعیت امر این است که توجه به رویکرد اجتماعی به‌عنوان یکی از عناصر سه‌گانه توسعه پایدار صنعت برق و انرژی، در کشورهای توسعه‌یافته به جریان اصلی در کنار رویکردهای فنی و مهندسی تبدیل شده است.

واکاوی دیدگاه‌های نظری جریان‌سازی و گفتمان‌سازی پیرامون پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی، بیانگر ضرورت اتخاذ یک رویکرد ترکیبی، مشارکتی و فراگیر مبتنی بر برساخت مسئله اجتماعی انرژی، حرفه‌ای نمودن و نهادی کردن است. به این معنا که نیاز است با اتکا به الزام در برخی از زمینه‌هایی که مستلزم ایجاد اقتدار سازمانی برای پیشبرد امور است، رویکرد مشارکتی مبتنی بر اقناع و متقاعدسازی و در نهایت بهره‌گیری از ظرفیت‌های تشویق و ترغیب مبتنی بر مبادله اجتماعی، مسائل صنعت برق و انرژی را از منظر اجتماعی، برجسته نموده و با سازوکارهای حرفه‌ای نمودن و نهادی کردن، به جاانداختن و گفتمان‌سازی آن و به عبارتی دیگر، گفتمان‌سازی آن کمک کرد. چنین اقداماتی، به لحاظ نظری، بسترهای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را فراهم می‌سازد. ازاین‌رو علوم اجتماعی با کارکردهایی که دارد در چنین بستری و با اتکا به مدل‌ها و الگوهای تجربه‌شده در سطح دیگر کشورها البته در صورتی مبتنی بر شرایط بومی داخل کشور تعدیل شود، مؤثر واقع شده و می‌تواند نقش تسهیل‌گری را ایفا کند. در هر صورت گفتمان‌سازی، ضرورت داشته و بدون آن ممکن است همین جریان نوپای موجود نیز از پا درآید. برای اینکه بتوان، نقشه‌ای را به همین منظور طراحی کرد، لازم بود تا وضعیت بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی در ایران و کاربست در ایران در سه عرصه بررسی شود که خلاصه نتایج آن در جدول شماره ۲-۴۴، نشان داده شده است. وضعیت موجود چندان قابل‌قبول نبوده اما بیانگر فقدان رویکرد اجتماعی نیز نیست یا به زبانی دیگر می‌توان گفت لااقل زمینه‌ها و ظرفیت‌هایی وجود دارد اما به لحاظ عملکردی چندان توفیقی حاصل نشده است. بررسی عوامل امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن نیز از دیدگاه خبرگان حوزه علوم اجتماعی و صنعت برق و انرژی، نشان داد که عوامل و شرایطی در سطح حکمرانی، عرصه بین‌الملل، فرهنگ عمومی و دانشگاه وجود دارد که اگرچه بسترهایی را فراهم می‌کنند که تقویت‌کننده رویکرد اجتماعی باشند اما در همان حال، عوامل مانع و محدودیت‌کننده بیشتری وجود دارند که بسترساز امتناع هستند. بنابراین با توجه به چنین وضعیتی، تلاش شده تا مرحله سوم پژوهش (گزارش بخش سوم)، با اتکا به رویکردهای مرسوم نظری بتوان بسترهای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن را در صنعت برق و انرژی فراهم کرد. در واقع سعی بر آن است تا در پرتو دیدگاه‌های نظری و پای نهادن بر زمین واقعیت‌ها، سازوکارهای گفتمان‌سازی علوم اجتماعی در صنعت برق را پیشنهاد نمود.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۲-۴۴: نحوه شناسایی و تحلیل اقدامات بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی (ایران)

عرصه	حوزه مورد مطالعه	محورها و نمونه‌های موردبررسی	اقدامات بسترسازی موجود و امکان توسعه و ارتقاء آنها
سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا	سیاست‌گذاری کلان (اسناد بالادستی)	تحلیل محتوای اسناد بالادستی حوزه صنعت برق و انرژی (مشتمل بر برنامه‌های توسعه/سیاست‌های کلّی نظام در بخش انرژی/سند ملی راهبردی انرژی کشور/طرح جامع انرژی/قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی/سند ملّی آمایش سرزمین) به لحاظ ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن	وجود رویکرد اجتماعی هر چند نامنسجم اما ضعف در ارائه برنامه‌ها و اقدامات عملی امکان پیشنهاد و ارائه رویکرد اجتماعی در تدوین اسناد آتی و بازنگری اسناد و نیز رویه‌های اجرایی مترتب بر آنها
	وزارت نیرو	تحلیل محتوای وظایف و مأموریت‌ها و برنامه‌های راهبردی وزارت نیرو (حوزه ستادی و زیرمجموعه شرکت برق حرارتی، توانیر و ساتبا) به لحاظ ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن	وجود رویکرد اجتماعی نسبتاً انسجام‌یافته‌تر در مقایسه با اسناد بالادستی انرژی در عرصه راهبردی امّا نامشخص و کمترعملیاتی‌شده‌تر در عرصه برنامه‌ریزی و اجرا امکان پیشنهاد و ارائه رویکردهای اجتماعی در بازنگری و نیز رویه‌های اجرایی مترتب بر آنها
	نهادهای صنفی	بررسی رویکرد اجتماعی در اهداف و مأموریت‌های نهادهای صنفی صنعت برق و انرژی (بورس انرژی ایران، انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی ایران، انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران، سندیکای صنعت برق ایران، انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های توزیع برق، سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق، انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های خدمات انرژی ایران)	تأکید نسبی بر رویکرد اجتماعی در اهداف و وظایف اما نبود و یا کمبود برنامه‌ها و اقدامات عملیاتی در اجرا وجود ظرفیت‌های انتشار مباحث در قالب نشریات علمی تخصصی و فضای رسانه‌ای
آموزش	آموزش‌های تخصصی و کاربردی	بررسی دوره‌های آموزشی تخصصی و کاربردی علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در مرکز آموزش‌های تخصصی آب و برق	کمبود بسیار شدید در ارائه محتواهای آموزشی اجتماعی بر خلاف محتواهای فنی و مدیریتی امکان پیشنهاد و ارائه محتواهای اجتماعی برحسب تجربیات خارجی و شرایط مقتضی صنعت برق
	رشته‌های تحصیلی دانشگاهی	بررسی سیلابوس درسی رشته‌های علوم اجتماعی به لحاظ طرح مباحث علوم اجتماعی انرژی و دیگر رشته‌های مرتبط با صنعت برق و انرژی به لحاظ طرح مباحث علوم اجتماعی	ضعف نگاه و رویکرد توسعه پایدار و عدم تأکید بر رویکرد اجتماعی در علوم فنی و انرژی و عدم پرداختن به موضوع انرژی در علوم اجتماعی امکان پیشنهاد و ارائه سیلابوس‌های مرتبط حسب تجربیات خارجی و شرایط مقتضی صنعت برق
پژوهش و توسعه فناوری	مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی	بررسی جایگاه علوم اجتماعی در ساختار پژوهش و توسعه فناوری وزارت نیرو	مواجهه مثبت و نهادسازی پژوهشی و کمبود شدید مطالعات و رویکرد اجتماعی در عرصه پژوهش و توسعه فناوری امکان پیشنهاد و ارائه راه‌کارهای تقویت و بازنگری نهادی و نیز مسئله‌مند نمودن پژوهش‌های اجتماعی
		بررسی جایگاه علوم اجتماعی در ساختار انجمن‌های علمی صنعت برق و انرژی (انجمن انرژی ایران، انجمن مهندسی بهره‌وری در صنعت برق ایران، انجمن علمی فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر ایران، انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی ایران، اتحادیه انجمن های علوم انرژی ایران) و بررسی جایگاه صنعت برق و انرژی در انجمن‌های علمی حوزه علوم اجتماعی (انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن انسان‌شناسی ایران، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات)	فقدان تعریف جایگاهی ساختاری برای علوم اجتماعی در عین حال تأکید بر فرهنگ‌سازی و توسعه ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی در انجمن‌های انرژی و صنعت برق فقدان تعریف جایگاهی ساختاری برای انرژی در عین حال تأکید بر مطالعات اجتماعی صنعت، محیط زیست و سازمان در انجمن‌های علمی حوزه علوم اجتماعی امکان توسعه ارتباطات و تقویت ظرفیت‌های حرفه‌ای و نهادی
	نشریات علمی و پژوهشی	فراتحلیل مجلات علمی و پژوهشی حوزه صنعت برق و انرژی و علوم اجتماعی به لحاظ مطالعات ابعاد اجتماعی و فرهنگی صنعت برق و انرژی	وجود حجم بسیار اندک مطالعات اجتماعی صنعت برق و انرژی امکان توسعه ارتباطات علمی و تقویت جایگاه پژوهش‌های اجتماعی انرژی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

بخش سوم: تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و راه‌کارهای کاربست علوم اجتماعی

مقدمه

در مرحله اول پژوهش، تلاش بر این شد تا نسبت بین علوم اجتماعی و حکمرانی صنعت برق و انرژی، الزامات و الگوهای کاربست علوم اجتماعی و نیز سازوکارهای جریان‌سازی و گفتمان‌سازی آن به‌منظور بسترسازی پذیرش این حوزه از دانش در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی تشریح و تبیین شود. در این راستا گفته شد که اگر به دنبال ترویج علوم اجتماعی و اینکه دستاوردهای این دانش در کنار گفتمان فنی–بوروکراتیک به‌کار برده شود، باید بستر پذیرش علوم اجتماعی که مبتنی بر رفع موانع و ارتقاء عوامل و شرایط تقویت‌کننده و توانمندساز با تکیه بر مدل‌های تجربه‌شده‌ای که در عرصه‌های مختلف وجود دارد؛ فراهم شود و سپس با پیروی از مدل‌های کاربست دانش، از دستاوردهای علوم اجتماعی استفاده گردد. در این راستا در مرحله دوم پژوهش، واقعیت امکان و امتناع علوم اجتماعی و کاربست آن توصیف و تبیین شده و با مرور تجارب خارج از کشور زمینه‌ای فراهم شد تا الگوی پیشنهادی کاربست علوم اجتماعی ضمن اینکه متکی به استدلال نظری و کفایت ذهنی بوده از وجهی انضمامی و کفایت عینی نیز برخوردار باشد. به‌طورکلی به‌منظور شناخت وضعیت موجود امکان وامتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه‌های گوناگون؛ اقدامات بسترسازی آن در ایران و خارج از کشور بررسی و شناسایی و نیز دیدگاه‌های خبرگان حوزه‌های صنعت برق و انرژی و علوم اجتماعی در خصوص عوامل امکان و امتناع اخذ و تحلیل شد.

در مرحله پیش رو که مرحله آخر پژوهش بوده و تحت عنوان بخش سوم گزارش پژوهش آمده است، تلاش بر این است تا با بهره‌گیری از الگوهای جریان‌سازی و گفتمان‌سازی که در مرحله اوّل تشریح شد و نیز وضعیت امکان و امتناع علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه‌های متعدد که در مرحله دوم بررسی و تحلیل شد؛ سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن مبتنی بر پارادایم سه‌گانه جریان‌سازی (تبدیل به جریان اصلی) سلسله‌مراتبی، فردگرایانه و ارتباطی در قالب راهبردهای گفتمان‌سازی متناسب با آنها (مبتنی بر مسئله‌مند کردن، حرفه‌ای کردن و نهادسازی)، تدوین شود. در واقع در این مرحله، سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن که برگرفته از الگوی پیشنهادی و واقعیت‌های موجود امکان و امتناع آنها بوده تدوین و ارائه خواهد شد. در این راستا، در فصل اول، ضمن اشاره‌ای مقدماتی به الگوی استخراج سازوکارها که در بخش اول تدوین شد، وضعیت موجود و مسائل مرتبط مرور شده و در نهایت سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن تدوین خواهد شد. در فصل دوم نیز، راه‌کارهای عملیاتی متناسب با سازوکارهای کلان به‌عنوان پایان‌بخش این مرحله ارائه خواهد شد. اجرای راه‌کارهای عملیاتی به‌منظور جاری و ساری شدن علوم اجتماعی در صنعت برق و در نهایت کاربست آن، مستلزم برنامه‌ریزی توسط متولیان امر است. ازاین‌رو در گزارش این مرحله راه‌کارها صرفاً در مرحله پیشنهاد بوده و هر کدام مستلزم برنامه‌ریزی و اختصاص منابع به‌منظور طراحی اقدام پژوهشی و یا اقدام اجرایی خواهد بود.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۳-۱. تدوین سازوکارها

مقدمه

در این فصل نخست روش‌شناسی تدوین سازوکارها، ارائه و سپس سازوکارهای مقتضی جهت بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن ارائه خواهند شد.

۳-۱-۱. روش‌شناسی تدوین سازوکارها

کاربست علوم اجتماعی که مبتنی بر استفاده از دستاوردهای این حوزه دانشی است، نیاز دارد تا بستری فراهم شود که عوامل امکان تقویت شده و عوامل امتناع، اصلاح، رفع و یا از گسترش آنها پیشگیری گردد. این گام مهم در کاربست علوم اجتماعی، متکی بر پارادایم‌ها و الگوهای متداولی است که در سطح دنیا تجربه شده و با بومی‌کردن آنها می‌توان در شرایط ایران نیز از آنها در ترویج و گفتمان‌سازی علوم اجتماعی در فرایند حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی بهره‌برداری کرد. الگوی این پژوهش همان‌طورکه در بخش اول اشاره شد، الگویی تلفیقی بوده که تحت عنوان «ماتریس تدوین سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی» نامیده می‌شود (جدول شماره ۳-۱). در واقع الگوی تلفیقی سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن مبتنی بر ماتریسی است که حاصل تجزیه و تحلیل عناصر جریان‌سازی مبتنی بر الزام، تشویق و ترغیب و تعامل (مشارکت) از یک طرف و از طرفی دیگر راهبردهای گفتمان‌سازی مبتنی بر مسئله‌مندی، حرفه‌ای شدن و نهادی‌شدن است. ازاین‌رو با ارائه این ماتریس متناسب با هدف و مسئله‌ای که در رابطه با امکان و امتناع علوم اجتماعی وجود دارد سازوکارهای مرتبط با بسترسازی و کاربست آن پیشنهاد می‌شود. بر این اساس، سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن مبتنی بر فرایندی است که هم الزام را دربر دارد و هم تشویق و ترغیب و هم اینکه می‌تواند بر مبنای مشارکت و تعامل باشد ضمن اینکه سازوکارهای نهایی در چنین چارچوبی به گونه‌ای تدوین خواهند شد که بر اساس راهبردهای گفتمانی متناسب با آنها به صورت یک گفتمان جا انداخته شوند که در این راستا لازم است راهبردهای مسئله‌مندی، حرفه‌ای کردن و نهادی‌شدن ارائه شوند.

جدول ۳-۱: ماتریس تدوین سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی با اتکا به فرایندها و عناصر دیدگاه جریان‌سازی و گفتمان‌سازی

عرصه مدنظر	اقدامات بسترسازی موجود و امکان و امتناع توسعه و ارتقاء آنها	راهبردی گفتمان‌سازی / روش‌های جریان‌سازی	مسئله‌مند کردن	حرفه‌ای شدن	نهادی شدن	سازوکار مربوطه
		الزام (سلسله‌مراتبی)				
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)				
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)				

پس تلفیقی بودن الگوی ما دربردارنده رویکردی جامع است که تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از روش‌های جریان‌سازی و راهبردهای گفتمان‌سازی، سازوکار متناسب با وضعیت پیش‌آمده را تدوین کند. با این اوصاف با ذکر توضیحاتی در ادامه به تدوین سازوکارها می‌پردازیم. وضعیت اقدامات بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست در عرصه‌هایی که در مرحله دوم پژوهش بررسی شد نشان داد که وضعیت نه چندان مطلوب علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی، مستلزم بهره‌گیری از یک الگوی ترکیبی به‌منظور بسترسازی اثربخش و کارآمد خواهد بود.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

به‌طورکلی، روش کار برای تدوین سازوکارهای مدنظر بر اساس وضعیت عرصه از نظر مشکل و چالش پیش‌آمده و شرایط و عوامل امکان و امتناع آن، نخست دربردارنده یکی از اقدامات مبتنی بر روش جریان‌سازی بوده و سپس آن اقدام با یکی از راهبردهای گفتمان‌سازی ادغام و در نهایت سازوکار مناسب که تلفیقی و حاصل ادغام روش‌های جریان‌سازی و راهبردهای گفتمان‌سازی سه‌گانه خواهد بود ارائه می‌شود. پس بسترسازی برای پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در هر عرصه و حسب وضعیت موجود نخست باید یکی از سه حالت ذیل را انتخاب کند:

۱. بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن مبتنی بر اقدامات الزام‌آور در چارچوب پارادایم سلسله‌مراتبی
۲. بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن مبتنی بر الگوهای مبادله، تشویق و ترغیب در چارچوب پارادایم فردگرایانه
۳. بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن مبتنی بر الگوهای تعاملی، تشریک مساعی و عقلانیت ارتباطی در چارچوب پارادایم ارتباطی

سپس در ادامه با اتکا به یکی از راهبردهای سه‌گانه مسئله‌مندی، حرفه‌ای کردن و نهادی‌شدن، تلاش می‌شود تا اقدامات الزام‌آور، مبادله و تشویق و یا تعاملی را عملی کرد. بنابراین اتخاذ هرگونه الگوی الزام، تشویق و ترغیب و مشارکتی یا ترکیبی از آنها را باید با یکی از راهبردهای مسئله‌مند کردن، حرفه‌ای نمودن و نهادی شدن یا ترکیبی از آنها عملیاتی نمود. پس اگر برای مثال می‌خواهیم سازوکاری را تدوین کنیم که مبتنی بر الزام باشد و از بالا و به صورت دستورالعمل الزام‌آور تعیین تلکیف نماییم باید مشخص کنیم که با چه راهبردی آن را به پیش ببریم تا منجر به تقویت عناصر گفتمانی و یا ایجاد گفتمان مدنظر ما گردد. در واقع بر این باور هستیم که الزام و یا تشویق و ترغیب و یا مشارکت و روش‌های تعاملی به تنهایی کافی نبوده و لازم است هر سه روش را به‌کار گرفت به گونه‌ای آنها هم در قالبی ارائه شوند که به نهادینه‌شدن کاربست علوم اجتماعی کمک کند بنابراین بهتر است بر مبنای الگوهای گفتمان‌سازی ارائه شوند. پس از این به بعد تلاش خواهد شد تا سازوکارها که در واقع اهداف راهبردی بوده که حاصل ادغام روش‌های سه‌گانه جریان‌سازی و نیز راهبردهای سه‌گانه گفتمان‌سازی در عرصه‌های مدنظر خواهد بود تدوین شود. برای این منظور ماتریسی به شرح جدول شماره ۳-۲ تهیه شده که متناسب با هر عرصه و در چارچوب روش‌های جریان‌سازی و با به‌کارگیری راهبرد متناسب با آن روش و عرصه، سازوکار مربوطه به‌عنوان اقدام بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن تدوین و طراحی شده است.

لازم به توضیح است که عرصه‌های انتخاب‌شده برای جریان‌سازی همان‌طورکه در بررسی وضعیت موجود سه عرصه کلان انتخاب شده بود در اینجا نیز، اهداف راهبردی بر مبنای همان سه عرصه کلان و زیرعرصه‌های آنها تدوین شده و متناسب با اهداف هر عرصه، راه‌کارهای عملیاتی در فصل بعدی ارائه خواهد شد.

قبل از اینکه به سازوکارها پرداخت، لازم است شیوه کار در ماتریس عملیاتی تشریح شود. برای مثال در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا و زیرعرصه اسناد بالادستی، با توجه به قوانین و مقررات که تا چه حد می‌توانیم در تغییرات نقش داشته باشیم می‌توان گفت که وزارت نیرو در این حوزه تنها نقشی که می‌تواند ایفا کند اقدام در چارچوب تعامل، مشارکت و ارتباطات و یا اتکا به پارادایم ارتباطی در جریان‌سازی است که مناسب‌ترین راهبرد جهت پیشبرد اهداف در این زمینه و با اتکا به این پارادایم، مسئله‌مندی در این حوزه است که با توجه به مطالعات انجام‌شده، رویکرد اجتماعی چندان جایگاه مشخص و منسجمی را در اسناد بالادستی انرژی نداشته و بنابراین تنها راهبرد ممکن اتکا به برساخت این مسئله با توجه به ظرفیت‌های تعامل، مشارکت و ارتباطات نهادی و رسانه‌ای است. اما در نقطه مقابل آن، تقویت رویکرد اجتماعی در وزارت نیرو می‌تواند با اتکا به الزام و بهره‌مندی از راهبردهای حرفه‌ای شدن و نهادی‌شدن اتفاق بیفتد؛ زیرا پروژه در سطح وزارت نیرو اجرا می‌شود و می‌توان با اتکا به مسئله‌مندی در چارچوب تعامل و مشارکت زمینه الزام را به صورت حرفه‌ای و نهادی فراهم کرد. به همان میزان امکان بسترسازی نهادی به‌منظور تشویق و ترغیب سطوح مدیریتی در جهت اتخاذ رویکرد اجتماعی در اقدامات مدیریتی و توسعه‌ای نیز وجود دارد. ازاین‌رو در چارچوب هر سه دسته از روش‌های جریان‌سازی و نیز اتخاذ راهبردهای سه‌گانه متناسب با آن، می‌توان سازوکارها یا اهدافی راهبردی را برای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن تدوین کرد. در عرصه آموزش‌های کاربردی علوم اجتماعی در

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

سطح وزارت نیرو سعی شده با اتکا به هر سه روش جریان‌سازی و راهبردهای سه‌گانه و تدوین راهبردی متناسب با آن، مانند عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا عمل کرد. در حوزه آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اتکا به همه این خط‌مشی‌ها و راهبردها ممکن نبوده و تنها راه برداشتن گام در مسیر تعامل و کنش ارتباطی با تأکید بر برساخت مسئله ضعف رویکرد اجتماعی و نیز توسعه پایدار در متون درسی دانشگاهی است تا لااقل بتوان بستری را برای بسط دانش علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی فراهم کرد. اقداماتی از این دست در عرصه پژوهش و در تعامل و ارتباطات مشارکتی با نهادهای علمی که در قالب مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن علمی هستند می‌تواند تا جایی پیش برود که با راهبرد مسئله‌مندی و با اتکا به عقلانیت ارتباطی، حتی به دستاوردهای حرفه‌ای شدن و نهادی شدن علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در این دسته از مراکز و انجمن‌ها دست یافت. بنابراین با این توضیحات در بخش بعدی سازوکارهای متناسب با هر عرصه و زیرعرصه تدوین و تشریح خواهد شد. وضعیت هر یک از عرصه‌ها در بخش دوم (جدول شماره ۲-۴۲) نشان داده شده است. پس سازوکارهای متناسب با هر عرصه و زیرعرصه با توجه به وضعیت موجود آنها تدوین شده است. در هر سازوکار تدوین‌شده تلاش شده تا با اشاره به وضعیت موجود یکی از روش‌های جریان‌سازی و گفتمان‌سازی را با هم تلفیق کرد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۳-۲: ماتریس تدوین سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی

عرصه	زیرعرصه	راهبرد گفتمان‌سازی / روش‌های جریان‌سازی	مسئله‌مند کردن	حرفه‌ای شدن	نهادی شدن
سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا	اسناد بالادستی	الزام (سلسله‌مراتبی)			
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)			
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	✓		
	وزارت نیرو	الزام (سلسله‌مراتبی)		✓	✓
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)	✓		✓
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	✓		
	نهادهای صنفی	الزام (سلسله‌مراتبی)			
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)			
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	✓		
آموزش	آموزش‌های تخصصی و کاربردی (وزارت نیرو)	الزام (سلسله‌مراتبی)		✓	✓
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)	✓	✓	✓
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	✓		
	رشته‌های تحصیلی دانشگاهی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)	الزام (سلسله‌مراتبی)			
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)			
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	✓		
پژوهش و توسعه فناوری	وزارت نیرو	الزام (سلسله‌مراتبی)		✓	✓
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)	✓	✓	✓
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	✓	✓	
	مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی	الزام (سلسله‌مراتبی)			
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)			
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	✓	✓	✓
	نشریات علمی پژوهشی	الزام (سلسله‌مراتبی)			
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)	✓		✓
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	✓	✓	

۳-۱-۲. سازوکارها

در مجموع با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۳-۲ می‌توان ۲۸ سازوکار یا هدف راهبردی را تدوین کرد. اما واقعیت امر این است که می‌توان برخی از اهداف را در عرصه‌های مذکور با هم تلفیق نمود و به صورتی جامع‌تر اهداف را تبیین ساخت. ازاین‌رو چنانچه در جدول ۳-۳ مشاهده می‌شود، با تلفیق اهداف، در مجموع ۱۱ هدف راهبردی استخراج می‌گردد که نهایتاً اطلاعات مربوط به آنها در جدول ۳-۴ نشان داده شده است. ازاین‌رو بر اساس اهداف راهبردی تدوین‌شده در فصل بعدی، راه‌کارهای عملیاتی متناسب با هر سازوکار و عرصه مربوطه تشریح می‌شود.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۳-۳: تحلیل سازوکارهای بسترسازی علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی

عرصه	زیرعرصه	راهبرد گفتمان سازی / روش‌های جریان‌سازی	مسئله‌مند کردن	حرفه‌ای شدن	نهادی شدن
سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا	اسناد بالادستی	الزام (سلسله‌مراتبی)			
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)			
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	۱		
	وزارت نیرو	الزام (سلسله‌مراتبی)		۲	۲
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)	۳		۳
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	۱		
	نهادهای صنفی	الزام (سلسله‌مراتبی)			
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)			
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	۱		
آموزش	آموزش‌های تخصصی و کاربردی (وزارت نیرو)	الزام (سلسله‌مراتبی)		۴	۴
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)	۵	۵	۵
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	۶		
	رشته‌های تحصیلی دانشگاهی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)	الزام (سلسله‌مراتبی)			
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)			
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	۷		
پژوهش و توسعه فناوری	وزارت نیرو	الزام (سلسله‌مراتبی)		۸	۸
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)	۹	۹	۹
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	۱۰	۱۰	
	مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی	الزام (سلسله‌مراتبی)			
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)			
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	۱۱	۱۱	۱۱
	نشریات علمی پژوهشی	الزام (سلسله‌مراتبی)			
		تشویق و ترغیب (فردگرایانه)	۹		
		تعامل، مشارکت و ارتباطات (ارتباطی)	۱۱	۱۱	

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۳-۴: سازوکارهای بسترسازی علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی

عرصه	زیرعرصه	سازوکارها
سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا	اسناد بالادستی وزارت نیرو نهادهای صنفی	۱. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت اعمال و تقویت رویکرد اجتماعی در اسناد بالادستی صنعت برق و انرژی، در مأموریت‌ها و برنامه راهبردی وزارت نیرو و اهداف و مأموریت‌های نهادهای صنفی
	وزارت نیرو	۲. بسط و بازنگری رویکرد اجتماعی در مأموریت‌ها و برنامه راهبردی وزارت نیرو مبتنی بر اشاعه و کاربست دانش اجتماعی و بسترسازی نهادی اجرا و نظارت بر آن
		۳. بسترسازی نهادی نظام ترغیب مبتنی بر مشوق‌های عادلانه برای تضمین ملاحظات توسعه پایدار در اقدامات توسعه‌ای و مدیریتی با تأکید بر مسئله‌مند کردن رویکرد فنی و تکنوکراتیک
آموزش	آموزش‌های تخصصی و کاربردی (وزارت نیرو)	۴. بسط، تولید و توسعه آموزش‌های تخصصی و کاربردی علوم اجتماعی مبتنی بر اقتضائات صنعت برق و تجارب جهانی و الزام به کسب آن در چارچوب نظام آموزش کارکنان
		۵. بسترسازی نهادی نظام ترغیب به‌منظور مشارکت کارکنان در تولید، کسب و اشاعه دانش علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی با تأکید بر مسئله‌مند کردن رویکرد فنی و تکنوکراتیک
		۶. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت تقویت آموزش‌های تخصصی و کاربردی علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در وزارت نیرو
	رشته‌های تحصیلی دانشگاهی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)	۷. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نهادهای علمی حوزه علوم اجتماعی و انرژی به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت تدوین رشته‌ها و برنامه‌های درسی مرتبط با علوم اجتماعی انرژی
پژوهش و توسعه فناوری	وزارت نیرو	۸. بسط و توسعه مطالعات اجتماعی صنعت برق و انرژی در مجموعه وزارت نیرو مبتنی بر بسترسازی نهادی اجرا و نظارت بر آن
		۹. بسترسازی نهادی نظام ترغیب به‌منظور مشارکت پژوهشگران و نهادهای علمی و پژوهشی علوم اجتماعی در تولید و اشاعه دانش علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی با تأکید بر مسئله‌مند کردن ضرورت کاربست این دانش
		۱۰. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت انجام مطالعات اجتماعی و نیازسنجی آن در مجموعه وزارت نیرو
	مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی	۱۱. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای با مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی به‌منظور اقناع و توافق مبتنی بر عقلانیت ارتباطی تولید و ترویج علوم اجتماعی انرژی و بسترسازی ساختار نهادی آن با تأکید بر طرح مسئله اجتماعی انرژی

جمع‌بندی

در این فصل تلاش شد که سازوکارهای بسترسازی برای پذیش علوم اجتماعی و کاربست آن ارائه شود. بر همین اساس، با ترکیب پارادایم‌های سه‌گانه جریان‌سازی و راهبردهای گفتمان‌سازی و با توجه به وضعیت هر یک از عرصه‌ها از نظر امکان و امتناع کاربست، سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی در سه عرصه «سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا»، «آموزش» و «پژوهش و توسعه فناوری» تدوین شد و با توجه به زیربخش‌های شناسایی‌شده در هر عرصه در قالب ۱۱ سازوکار عملیاتی تدوین و ارائه شده است. ارتباط بین راهبردهای گفتمان‌سازی و پارادایم‌های جریان‌سازی در تدوین سازوکارهای ارائه شده در نمودار ۳-۱ نشان داده شده است.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

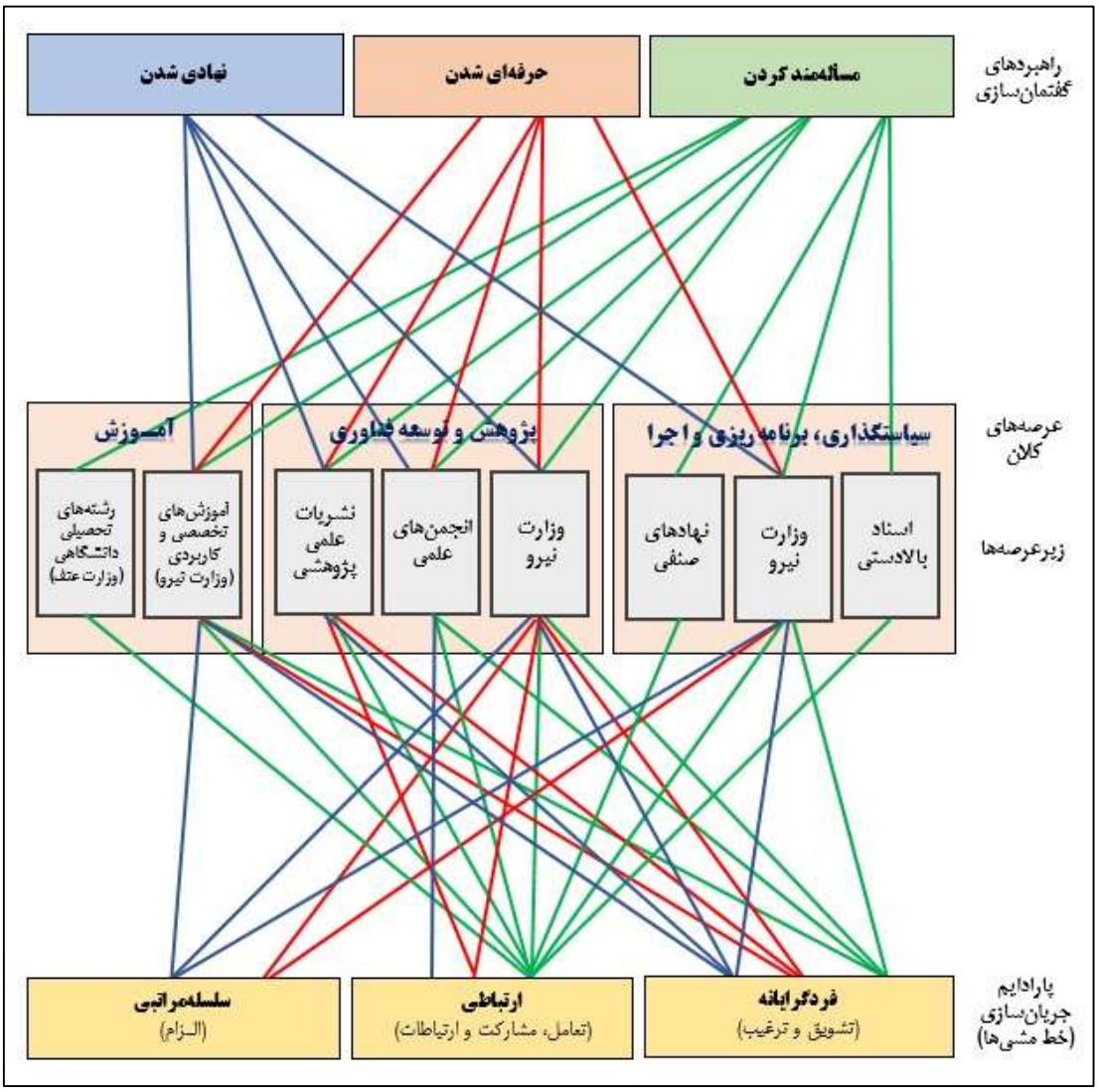

شکل ۳-۱: مدل ارتباط راهبردهای گفتمان‌سازی با عرصه‌های کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی و خط‌مشی‌های ارائه شده جهت جریان‌سازی علوم اجتماعی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۳-۲. تدوین راه‌کارهای عملیاتی

مقدمه

در این فصل که فصل نهایی مرحله سوم و در واقع بخش انتهایی گزارش پژوهش است، راه‌کارهای عملیاتی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی که متناسب با سازوکارها در هر عرصه است، ارائه می‌شود. ازاین‌رو این فصل از سه بخش اصلی متناسب با سازوکارها در عرصه‌های سه‌گانه تشکیل شده است.

۳-۲-۱. عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا

این عرصه مشتمل بر سه زیرعرصه اسناد بالادستی، وزارت نیرو و نهادهای صنفی حوزه صنعت برق و انرژی است. به‌منظور بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در این عرصه، سه سازوکار تدوین شده است (جدول شماره ۳-۵). به‌منظور تحقق این اهداف، تلاش شده تا در زیرعرصه‌ها، راه‌کارهای عملیاتی مطابق با آنچه که در جدول شماره ۳-۶ ارائه شده، طراحی شود.

جدول ۳-۵: سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا

عرصه	زیرعرصه	سازوکارها
سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا	اسناد بالادستی (مشتمل بر برنامه‌های توسعه/سیاست‌های کلّی نظام در بخش انرژی/سند ملی راهبردی انرژی کشور/سیاست‌های کلّی اصلاح الگوی مصرف/قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی/سند ملّی آمایش سرزمین) وزارت نیرو (حوزه ستادی و زیرمجموعه شرکت برق حرارتی، توانیر و ساتبا) نهادهای صنفی (بورس انرژی ایران، انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی ایران، انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران، سندیکای صنعت برق ایران، انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های توزیع برق، سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق، انجمن صنفی کارفرمایی شرکت های خدمات انرژی ایران)	۱. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت اعمال و تقویت رویکرد اجتماعی در اسناد بالادستی صنعت برق و انرژی، در مأموریت‌ها و برنامه راهبردی وزارت نیرو و اهداف و مأموریت‌های نهادهای صنفی
	وزارت نیرو (حوزه ستادی و زیرمجموعه شرکت برق حرارتی، توانیر و ساتبا)	۲. بسط و بازنگری رویکرد اجتماعی در مأموریت‌ها و برنامه راهبردی وزارت نیرو مبتنی بر اشاعه و کاربست دانش اجتماعی و بسترسازی نهادی اجرا و نظارت بر آن
		۳. بسترسازی نهادی نظام ترغیب مبتنی بر مشوق‌های عادلانه برای تضمین ملاحظات توسعه پایدار در اقدامات توسعه‌ای و مدیریتی با تأکید بر مسئله‌مند کردن رویکرد فنی و تکنوکراتیک

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۳-۶: راه‌کارهای عملیاتی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا

سازوکار	عرصه	راه‌کار عملیاتی	واحد متولی/مجری	واحد همکار	توضیحات
۱. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت اعمال و تقویت رویکرد اجتماعی	اسناد بالادستی	۱. پیشنهاد اعمال و یا ارتقاء رویکرد اجتماعی و یا بازنگری آن در رویه‌های اجرایی اسناد	گروه[1]	معاونت حقوقی، پشتیبانی و مجلس وزارت	
		۲. پیشنهاد برای گنجاندن ملاحظات اجتماعی توسعه پایدار در تدوین برنامه هفتم توسعه و رویه‌های اجرایی مرتبط با آن با توجه به تجربه برنامه‌های قبل	//	//	
		۳. پیشنهاد پژوهشی مبنی بر تدوین اطلس اجتماعی فرهنگی مصرف انرژی در چارچوب سند آمایش سرزمین	//	پژوهشکده	
		۴. پیشنهاد عضویت حقیقی صاحبنظران حوزه «علوم اجتماعی» در شوراهای مرتبط با انرژی در سطح کلان سیاست‌گذاری مثل شورای عالی انرژی	معاونت حقوقی، پشتیبانی و مجلس وزارت	گروه	
	وزارت نیرو	۱. برساخت مسئله ضعف توجه به رویکرد اجتماعی در اهداف، مأموریت‌ها و راهبردهای وزارت نیرو و زیرمجموعه از طریق گفتگوهای مبتنی بر ارائه مباحث و پیشنهادات	گروه	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	
		۲. پیشنهاد ایجاد واحدی با هدف برنامه‌ریزی، ارزیابی و نظارت بر توسعه پایدار یا بازمهندسی ساختار موجود در راستای این هدف (توسعه ارتباطات و ظرفیت‌ها، ارزیابی عملکرد و سیاست‌پژوهی و فرهنگ‌سازی) به‌ویژه در زیرمجموعه	گروه	//	
		۳. طراحی و اجرای صفحه‌ای در وب سایت اینترنتی پژوهشگاه نیرو با عنوان همبست صنعت برق و جامعه	گروه	روابط عمومی پژوهشگاه	
		۴. مشارکت در ارتقاء مباحث اجتماعی پایگاه کودک و انرژی ساتبا با هدف جامعه‌پذیری	گروه	روابط عمومی ساتبا	
	نهادهای صنفی	۱. تبیین ضرورت اتخاذ و اعمال رویکرد اجتماعی در اهداف و مأموریتها مبتنی بر گفتگوها و ظرفیتهای رسانه‌ای نهادهای صنفی	گروه		
		۲. پیشنهاد پروژه پژوهشی تبیین عوامل تشکل‌یابی صنفی، کارکردها و آسیب‌شناسی نهادهای صنفی کارفرمایی و کارگری با هدف تقویت نقش آن در زنجیره صنعت برق	گروه	پژوهشکده	
۲. بسط و بازنگری رویکرد اجتماعی در مأموریت‌ها و برنامه راهبردی وزارت نیرو مبتنی بر اشاعه و کاربست دانش اجتماعی و بسترسازی نهادی اجرا و نظارت بر آن	وزارت نیرو	۱. بازنگری در وظایف و برنامه راهبردی وزارت نیرو و زیرمجموعه بر مبنای رویکرد اجتماعی و ملاحظات توسعه پایدار	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	گروه	
		۲. تسریع در تدوین و تصویب شرح خدمات مطالعات اجتماعی طرح‌های نیروگاهی و توسعه‌ای و تسری آن به دیگر اقدامات توسعه‌ای صنعت برق	پژوهشکده	//	
		۳. بازنگری در راهبرد مشارکتی وزرات نیرو و زیرمجموعه بر مبنای سازوکارهای عملیاتی (مبتنی بر دستورالعمل‌های مشخص در اجرا، پایش و نظارت) جلب مشارکت عمومی و بخش خصوصی (نهادهای صنفی)	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	//	
		۴. ارزیابی عملکرد، نظارت و پایش رویکرد اجتماعی در اقدامات مدیریتی و توسعه‌ای وزرات نیرو و زیرمجموعه	دفتر بازرسی و مدیریت عملکرد وزارت	//	
		۵. پیشنهاد پژوهشی ارزیابی حکمرانی خوب وزارت نیرو در بازه زمانی مشخص	پژوهشکده	//	
		۶. الزام به ترکیب اعضاء هیئت مدیره شرکت‌ها مبتنی بر تخصص‌های علوم انسانی	دفتر وزارتی	گروه	
		۷. تدوین اطلس اجتماعی فرهنگی افکار عمومی ایرانیان در حوزه برق و انرژی مبتنی بر پیمایش های سنواتی در سطح ملی	پژوهشکده	//	
		۸. تقویت و بسترسازی مدیریت مخاطره، بحران و پدافند غیرعامل جامعه‌محور مبتنی بر تاب‌آوری اجتماعی	دفاتر مدیریت بحران و پدافند غیرعامل وزارت	//	

۱ منظور از گروه در همه جداولی که در ادامه نیز خواهد آمد، گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو و منظور از پژوهشکده، پژوهشکده مطالعات سیاست‌گذاری و حکمرانی پژوهشگاه خواهد بود.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ادامه جدول ۳-۶: راه‌کارهای عملیاتی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا

سازوکار	عرصه	راه‌کار عملیاتی	واحد متولی/مجری	واحد همکار	توضیحات
۳. بسترسازی نهادی نظام ترغیب مبتنی بر مشوق‌های عادلانه برای تضمین ملاحظات توسعه پایدار در اقدامات توسعه‌ای و مدیریتی با تأکید بر مسئله‌مند کردن رویکرد فنی و تکنوکراتیک	وزارت نیرو	۱. تدوین نظام‌نامه ترغیب مدیران به اتخاذ و اعمال رویکرد اجتماعی و ملاحظات توسعه پایدار در اقدامات مدیریتی و توسعه‌ای	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	//	
		۲. حمایت از ایده های اجتماعی و مردمی در فرایندهای حکمرانی و مدیریت مبتنی بر نوآوری اجتماعی	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	//	
		۳. تقویت و ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی در اجتماعات محلی به‌منظور بهره‌گیری از مشارکت عمومی در اقدامات مدیریتی و توسعه‌ای	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	//	

۳-۲-۲. عرصه آموزش

راه‌کارهای عملیاتی این عرصه در دو بخش آموزش‌های تخصصی و کاربردی (وزارت نیرو) و رشته‌های تحصیلی دانشگاهی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) تدوین شده است. سازوکارها و زیرعرصه‌های آن در جدول شماره ۳-۷ و راه‌کارهای عملیاتی آن در جدول شماره ۳-۸ ارائه شده است.

جدول ۳-۷: سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه آموزش

عرصه	زیرعرصه	سازوکارها
آموزش	آموزش‌های تخصصی و کاربردی (وزارت نیرو)	۴. بسط، تولید و توسعه آموزش‌های تخصصی و کاربردی علوم اجتماعی مبتنی بر اقتضائات صنعت برق و تجارب جهانی و الزام به کسب آن در چارچوب نظام آموزش کارکنان
		۵. بسترسازی نهادی نظام ترغیب به‌منظور مشارکت کارکنان در تولید، کسب و اشاعه دانش علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی با تأکید بر مسئله‌مند کردن رویکرد فنی و تکنوکراتیک
		۶. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت تقویت آموزش‌های تخصصی و کاربردی علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در وزارت نیرو
	رشته‌های تحصیلی دانشگاهی علوم اجتماعی و فنی مهندسی و سیاست‌گذاری انرژی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)	۷. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نهادهای علمی حوزه علوم اجتماعی و انرژی به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت تدوین رشته‌ها و برنامه‌های درسی مرتبط با علوم اجتماعی انرژی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۳-۸: راه‌کارهای عملیاتی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه آموزش

سازوکار	عرصه	راه‌کار عملیاتی	واحد متولی/مجری	واحد همکار	توضیحات
۴. بسط، تولید و توسعه آموزش‌های تخصصی و کاربردی علوم اجتماعی مبتنی بر اقتضائات صنعت برق و تجارب جهانی و الزام به کسب آن در چارچوب نظام آموزش کارکنان	وزارت نیرو	۱. بسط و تدوین سرفصل‌های آموزشی علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی بر اساس تجربیات جهانی و اقتضائات صنعت برق	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	گروه	
		۲. الزام مدیران و کارکنان به آموزش‌های اجتماعی انرژی و برق در چارچوب نظام آموزش کارکنان	//	//	
		۳. الزام پژوهشگران حوزه فنی پژوهشگاه نیرو به آموزش‌های اجتماعی و حوزه علوم انسانی به آموزش های فنی	معاونت پژوهشی پژوهشگاه نیرو	//	
۵. بسترسازی نهادی نظام ترغیب به‌منظور مشارکت کارکنان در تولید، کسب و اشاعه دانش علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی با تأکید بر مسئله‌مند کردن رویکرد فنی و تکنوکراتیک	وزارت نیرو	۱. تدوین نظام‌نامه ترغیب مدیران و کارکنان وزارت نیرو و زیرمجموعه به شرکت در دوره‌های بین‌رشته‌ای (فنی ـ اجتماعی)	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	//	
		۲. تدوین نظام‌نامه ترغیب کارکنان وزارت نیرو به تولید و اشاعه دانش اجتماعی انرژی و برق	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	//	
۶. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت تقویت آموزش‌های تخصصی و کاربردی علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی در وزارت نیرو	وزارت نیرو	۱. برساخت مسئله ضعف آموزش‌های علوم اجتماعی انرژی و برق در سرفصلهای آموزشی نظام کارکنان	گروه	//	
		۲. ارائه پیشنهاد پژوهشی مبنی بر تدوین سرفصل‌های آموزشی علوم اجتماعی انرژی و برق	پژوهشکده	//	
۷. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نهادهای علمی حوزه علوم اجتماعی و انرژی به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت تدوین رشته‌ها و برنامه‌های درسی مرتبط با علوم اجتماعی انرژی	رشته‌های تحصیلی دانشگاهی	۱. طرح مسئله نیاز به آموزش‌های دانشگاهی علوم اجتماعی انرژی در رشته‌های علوم اجتماعی و نیز سیلابوس‌های درسی رویکرد اجتماعی در رشته‌های فنی و سیاست‌گذاری انرژی در تعامل با وزارت علوم بر مبنای تحولات جهانی	گروه		
		۲. پیشنهاد پژوهشی تدوین سیلابوس‌های درسی علوم اجتماعی در رشته‌های دانشگاهی مذکور	معاونت پژوهشی	گروه	
		۳. برگزاری دوره‌های بین‌رشته‌ای/چندرشته‌ای با موضوع علوم اجتماعی انرژی در دانشکده‌های علوم اجتماعی یا دانشکده‌های مهندسی انرژی	معاونت پژوهشی پژوهشگاه نیرو	//	
		۴. برگزاری دوره‌ها و پروژه‌های کوتاه‌مدت پسادکتری با محوریت علوم اجتماعی انرژی یا توسعه پایدار	//	//	

۳-۲-۳. عرصه پژوهش و توسعه فناوری

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

راه‌کارهای عملیاتی عرصه پژوهش و توسعه فناوری در دو زیرعرصه وزارت نیرو (ساختار پژوهش و توسعه فناوری) و مراکز علمی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی ارائه شده است. در جدول شماره ۳-۹ سازوکارهای این عرصه و در جدول شماره ۳-۱۰، راه‌کارهای عملیاتی مشاهده می‌شود.

جدول ۳-۹: سازوکارهای بسترسازی علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه پژوهش و توسعه فناوری

عرصه	زیرعرصه	سازوکارها
پژوهش و توسعه فناوری	وزارت نیرو	۸. بسط و توسعه مطالعات اجتماعی صنعت برق و انرژی در مجموعه وزارت نیرو مبتنی بر بسترسازی نهادی اجرا و نظارت بر آن
		۹. بسترسازی نهادی نظام ترغیب به‌منظور مشارکت پژوهشگران و نهادهای علمی و پژوهشی علوم اجتماعی در تولید و اشاعه دانش علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی با تأکید بر مسئله‌مند کردن ضرورت کاربست این دانش
		۱۰. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت انجام مطالعات اجتماعی و نیازسنجی آن در مجموعه وزارت نیرو
	مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی حوزه صنعت برق و انرژی (انجمن انرژی ایران، انجمن مهندسی بهره‌وری در صنعت برق ایران، انجمن علمی فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر ایران، انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی ایران، اتحادیه انجمن‌های علوم انرژی ایران) و انجمن‌های علمی حوزه علوم اجتماعی (انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن انسان‌شناسی ایران، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات)	۱۱. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای با مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و انجمن‌های علمی به‌منظور اقناع و توافق مبتنی بر عقلانیت ارتباطی تولید و ترویج علوم اجتماعی انرژی و بسترسازی ساختار نهادی آن با تأکید بر طرح مسئله اجتماعی انرژی

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

جدول ۳-۱۰: راه‌کارهای عملیاتی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه پژوهش و توسعه فناوری

سازوکار	عرصه	راه‌کار عملیاتی	واحد متولی/مجری	واحد همکار	توضیحات
۸. بسط و توسعه مطالعات اجتماعی صنعت برق و انرژی در مجموعه وزارت نیرو مبتنی بر بسترسازی نهادی اجرا و نظارت بر آن	وزارت نیرو	۱. الزام به تصویب بودجه مطالعات توسعه پایدار و اجتماعی در وزارت نیرو و زیرمجموعه	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	پژوهشکده	
		۲. بازنگری در اسناد توسعه فناوری صنعت برق با رویکرد اجتماعی	معاونت فناوری پژوهشگاه نیرو	پژوهشکده	
		۳. ایجاد پژوهشکده سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه پایدار صنعت برق در پژوهشگاه نیرو[1]	هیئت رئیسه پژوهشگاه نیرو	معاونت پژوهشی پژوهشگاه نیرو/ گروه	
		۴. تدوین و انتشار مجله علمی ـ پژوهشی بین‌رشته‌ای مطالعات سیاست‌گذاری و حکمرانی توسعه پایدار صنعت برق	معاونت پژوهشی پژوهشگاه نیرو	پژوهشکده	
		۵. الزام به مطالعات منطقه‌ای اجتماعی و فرهنگی با هدف اطلس مناطق توسط شرکت‌های زیرمجموعه و مبتنی بر ظرفیت دانشگاهای محلی	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	//	
		۶. تشکیل اتاق فکر پشتیبانی سیاست‌گذاری و حکمرانی توسعه پایدار در پژوهشگاه نیرو[2]	پژوهشکده	گروه	
		۷. الزام ارائه نتایج و دستاوردهای پروژه‌ها در نشست‌های همبست صنعت برق و جامعه	معاونت پژوهشی پژوهشگاه نیرو	پژوهشکده	
۹. بسترسازی نهادی نظام ترغیب به‌منظور مشارکت پژوهشگران و نهادهای علمی و پژوهشی علوم اجتماعی در تولید و اشاعه دانش علوم اجتماعی صنعت برق و انرژی با تأکید بر مسئله‌مند کردن ضرورت کاربست این دانش	وزارت نیرو	۱. دعوت از پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و تعریف اولویت‌های پژوهشی در قالب پروژه‌های بنیادی و دانشجویی	معاونت پژوهشی پژوهشگاه نیرو	گروه	
		۲. تدوین مجموعه‌های علمی علوم اجتماعی انرژی و برق مبتنی بر ترجمه کتب و مقالات خارجی	پژوهشکده	//	پیوست شماره ۱
		۳. تدوین ویژه‌نامه‌های مرتبط با علوم اجتماعی انرژی در مجلات علمی و پژوهشی	گروه	معاونت پژوهشی پژوهشگاه نیرو	
		۴. تعیین جایزه تدوین متون سیاستی حاصل از مطالعات پژوهشی و دانشگاهی حوزه برق	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	پژوهشکده/گروه	

۱ پژوهشکده مذکور با عنوان «پژوهشکده مطالعات سیاست‌گذاری و حکمرانی» در مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ به تصویب هیأت رئیسه پژوهشگاه نیرو رسید. گروه در تعامل با معاونت پژوهشی با استفاده از دستاوردهای پژوهش حاضر نقش مهّمی را در تبیین ضرورت تأسیس، عنوان و تدوین مأموریت‌ها با توجه به تجارب کشورهای توسعه‌یافته ایفاء کرد.

۲ مطالعات پشتیبان این ایده در گروه در حال انجام بوده که پس از خاتمه و با توجه به تأسیس پژوهشکده مطالعات سیاست‌گذاری و حکمرانی نیاز است مراتب راه‌اندازی دبیرخانه آن در پژوهشکده توسط گروه دنبال شود.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

ادامه جدول ۳-۱۰: راه‌کارهای عملیاتی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در عرصه پژوهش و توسعه فناوری

سازوکار	عرصه	راه‌کار عملیاتی	واحد متولی/مجری	واحد همکار	توضیحات
۱۰. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای به‌منظور مسئله‌مند کردن ضرورت انجام مطالعات اجتماعی و نیازسنجی آن در مجموعه وزارت نیرو	وزارت نیرو	۱. تعامل و مذاکره با حوزه‌های تحقیقات وزارت نیرو و زیرمجموعه با هدف برساخت مسئله فقدان و یا ضعف تحقیقات اجتماعی	گروه	پژوهشکده	
		۲. تعامل و همفکری با معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت در نیازسنجی تحقیقات اجتماعی واحدهای ستادی و زیرمجموعه	گروه	معاونت تحقیقات و منابع انسانی وزارت	
		۳. مذاکره و گفتگو برای تشکیل کمیته مستقل علوم اجتماعی در کنفرانس برق	پژوهشکده	گروه	
		۴. تعامل با پژوهشگران و پژوهشگاه‌های بین‌المللی در حیطه علوم اجتماعی	گروه	معاونت پژوهشی پژوهشگاه نیرو	
۱۱. توسعه تعامل، مذاکره و ارتباطات نهادی، علمی و رسانه‌ای با انجمن‌های علمی به‌منظور اقناع و توافق مبتنی بر عقلانیت ارتباطی تولید و ترویج علوم اجتماعی انرژی و بسترسازی ساختار نهادی آن با تأکید بر طرح مسئله اجتماعی انرژی	انجمن های علمی و مراکز پژوهشی و توسعه فناوری	۱. مذاکره و گفتگو پیرامون تشکیل گروه و یا کمیته‌های انرژی در انجمن‌های علوم اجتماعی و مراکز پژوهشی و توسعه فناوری و تقویت رویکرد اجتماعی در انجمن‌های انرژی و صنعت برق	گروه	معاونت پژوهشی پژوهشگاه نیرو	
		۲. گفتگو و تعامل جهت اختصاص ویژه‌نامه‌های علوم اجتماعی انرژی در نشریات علمی و تخصصی انجمن‌ها و دیگر نشریات مراکز پژوهشی و توسعه فناوری ذیربط و عضویت در تحریریه	//	//	
		۳. فراتحلیل نشریات علمی پژوهشی حوزه علوم اجتماعی و انسانی از منظر انتشار مقالات مرتبط با حوزه صنعت برق و انرژی	//	//	

جمع‌بندی

تدوین سازوکارها و نیز راه‌کارهای عملیاتی بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی، می‌توان گفت به نوعی طراحی نقشه راه تحقق این هدف مهم است. طراحی سازوکارها تا این مرحله مسیر راه نهادینه شدن علوم اجتماعی را با توجه به وضعیت موجود و در حد بضاعت علمی و نیز کمبودها و تنگناهای نهادی را نشان داده است. برداشتن گام‌های عملی در این مسیر مستلزم اختصاص منابع علمی و مالی با هدف برنامه‌ریزی‌های پژوهشی و اجرایی است و گرنه اکتفا به تدوین نقشه راه نمی‌تواند ضامن تحقق اهداف بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و در نهایت ایجاد گفتمان علوم اجتماعی یا تقویت عناصر گفتمانی آن باشد تا بتوان از دستاوردهای آن در بهبود حکمرانی و مدیریت توسعه صنعت برق و انرژی استفاده کرد. با توجه به مشخص ساختن متولی اجرای هر یک از راه‌کارها انتظار می‌رود بتوان در یک بازه زمانی مشخص لااقل زمینه علمی و پژوهشی و بسترهای اجرایی را فراهم کرد.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

نتیجه‌گیری بخش سوم

تدوین سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی، زمانی عملیاتی خواهد شد که مبتنی بر راهبری جدّی، تقسیم کار سازمانی که اشاره شد و پایش و ارزشیابی عملکرد باشد. به نظر می‌رسد نهادها یا نهادی که با هدف ترویج توسعه پایدار در صنعت برق، راهبری اصلی کار را برعهده بگیرد از جایگاه سازمانی مشخصی برخوردار نیست. در حال حاضر مناسب‌ترین ظرفیت در این زمینه پژوهشگاه نیرو با توجه به استقرار و راه‌اندازی گروه‌های پژوهشی علوم اجتماعی و علوم انسانی است. درصورتی‌که در سطح وزارت نیرو بتوان این ظرفیت را به‌عنوان بازوی پژوهشی و نظارتی در عرصه توسعه پایدار صنعت برق تعریف کرد، مسیر تقویت گفتمان اجتماعی هموارتر خواهد شد. در هر صورت با تأکید بر مواردی که اشاره شد، الگوی نهایی پیشنهادی کاربست علوم اجتماعی باید مبتنی بر رویکردهای نظری متقن و واقعیت‌های انضمامی صنعت برق و انرژی جهت بسترسازی و کاربست آن باشد. در الگویی که در این پژوهش پیشنهاد شد، تلاش شد تا ابتدا رویکردهای نظری جریان‌سازی و گفتمان‌سازی و نیز کاربست واکاوی شده سپس تجارب خارجی بررسی شود و در پایان با تأکید بر وضعیت موجود کشور و تبیین عوامل امکان و امتناع، راه‌کارهای عملیاتی مناسب را به لحاظ اجرایی و پژوهشی پیشنهاد کرد. الگوی پیشنهادی بیانگر این واقعیت است که زمانی رویکرد اجتماعی به یک گفتمان تبدیل خواهد شد که ضرورت پیامدهای کاربست علوم اجتماعی را توسعه پایدار صنعت برق درک کنیم.

کاربست علوم اجتماعی مبتنی بر ایفای نقش دستاوردهای این حوزه دانشی در ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در حکمرانی و مدیریت، ارتقاء مسئولیت اجتماعی صنعت برق و مردم، پذیرش اجتماعی و متقاعدسازی مردم در اقدامات توسعه‌ای و مردمی و در نهایت جلب مشارکت عمومی در فرایند حکمرانی و مدیریت و اقدامات توسعه‌ای است. هر یک از کارکردها می‌تواند با مدل‌ها و الگوهای مرسوم به کار بسته شود. بنابراین مدل‌های کاربست می‌تواند به صورت ابزاری، مفهومی، فرایندی و نمایشی و یا به صورت‌های متداول دیگر اجرا گردد. ازاین‌رو نباید تصوری صرفاً ابزاری و مبتنی بر رویکرد فنی و مهندسی از کاربست علوم اجتماعی داشت اگرچه این علوم نیز نیازمند استفاده از الگوهای مفهومی هستند. بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن نیز باید در چارچوبی طراحی گردد که با اتکا بر الگوهای عملیاتی، علوم اجتماعی را نهادینه کند. ازاین‌روست که ضرورت دارد روش‌های جریان‌سازی الزام، تشویق و ترغیب و مشارکتی و ارتباطی به صورت ترکیبی، فراگیر و مشارکتی مبتنی بر راهبردهای برساخت مسئله، حرفه‌ای نمودن و نهادسازی در عرصه‌های تأثیرگذار نظیر «سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا»، «آموزش» و «پژوهش و توسعه فناوری» موردتوجه قرار گیرند.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

منابع و مآخذ

۱. اسدی، علی (۱۳۷۱)، افکار عمومی و ارتباطات، تهران: سروش.

۲. انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران، اطلاعات انجمن، قابل‌دسترسی بر روی: http://irrea.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

۳. انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی ایران، اطلاعات سندیکا، قابل‌دسترسی بر روی: http://www.iranecs.com/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰

۴. انجمن شرکت‌های خدمات انرژی، اطلاعات انجمن، قابل‌دسترسی بر روی: http://www.escoiran.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰

۵. انجمن علمی انرژی ایران، اطلاعات انجمن، قابل‌دسترسی بر روی: http://iranea.ir؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

۶. انجمن علمی انسان‌شناسی ایران، اطلاعات انجمن، قابل‌دسترسی بر روی: https://asi.org.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

۷. انجمن علمی ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، اطلاعات انجمن، قابل‌دسترسی بر روی: http://www.iaocsc.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

۸. انجمن علمی جامعه شناسی ایران، اطلاعات انجمن، قابل‌دسترسی بر روی: http://www.isa.org.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

۹. انجمن علمی فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر ایران، اطلاعات انجمن، قابل‌دسترسی بر روی: https://iretsa.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

۱۰. انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی ایران، اطلاعات انجمن، قابل‌دسترسی بر روی: http://emaoi.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

۱۱. انجمن علمی مهندسی بهره‌وری صنعت برق ایران، اطلاعات انجمن، قابل‌دسترسی بر روی: https://iranipa.com/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

۱۲. انجمن کارفرمایی شرکت‌های توزیع برق، اطلاعات سندیکا، قابل‌دسترسی بر روی: http://www.edca.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰

۱۳. اندیشکده حکمرانی انرژی و منابع آن، اطلاعات پژوهشکده، قابل‌دسترسی بر روی: https://iranergi.com/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

۱۴. ایمان، محمّدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، ۳(۲)، ۱۵-۴۴.

۱۵. بلاغت، س. ر. (۱۳۹۰)، «بررسی چالش‌های توسعه علوم انسانی و میان‌رشته‌های آن در ایران». فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۳(۴)، ۱۲۹-۱۱۷.

۱۶. بلیکی، ن. (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمهٔ حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

۱۷. بهشتی، سید صمد؛ قاسمی، وحید؛ قاضی طباطبائی، محمود و رفعت‌جاه، مریم (۱۳۹۳)، «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر نگرش‌ها بر مصرف انرژی»، فصلنامه کیفیت و بهره‌وری صنعت برق ایران، ۳(۶)، ۱۰-۳.

۱۸. بیرو، آ. (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه کیهان.

۱۹. بینگلر، اتولر (۱۳۷۶)، ارتباطات اقناعی، ترجمه علی رستمی، تهران: مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۲۰. پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار سازمان حفاظت محیط زیست، ، اطلاعات پژوهشکده، قابل‌دسترسی بر روی: https://rcesd.ac.ir/fa؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

۲۱. پژوهشکده مطالعات راهبردی، اطلاعات پژوهشکده، قابل‌دسترسی بر روی: https://risstudies.org/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

۲۲. پژوهشکده مطالعات فناوری، اطلاعات پژوهشکده، قابل دسترسی بر روی: https://tsi.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

۲۳. پژوهشگاه استاندارد، اطلاعات مؤسسه، قابل دسترسی بر روی: http://www.standard.ac.ir/fa؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

۲۴. پژوهشگاه صنعت نفت، نشانی پایگاه اطلاع‌رسانی: https://www.ripi.ir/

۲۵. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، اطلاعات پژوهشگاه، قابل‌دسترسی بر روی: اطلاعات این مرکز از وب‌سایت اینترنتی آن به نشانی http://ihss.ac.ir/fa در مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۴ اخذ شده است.

۲۶. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، اطلاعات پژوهشگاه، قابل‌دسترسی بر روی: https://www.ihcs.ac.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

۲۷. پژوهشگاه مواد و انرژی، اطلاعات پژوهشگاه، قابل‌دسترسی بر روی: https://www.merc.ac.ir/ ؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷

۲۸. پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، اطلاعات پژوهشگاه، قابل‌دسترسی بر روی: http://www.richt.ir/Portal/Home/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

۲۹. پژوهشگاه نیرو (۱۳۹۹)، کارنامه پژوهش و توسعه فناوری پژوهشگاه نیرو-۱۳۹۸

۳۰. پسندیده، اشرف‌السادات (۱۳۹۸)، گزارش پژوهش ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حادثه قطعی برق خوزستان در سال ۱۳۹۵، تهران: پژوهشگاه نیرو، وزارت نیرو.

۳۱. تقوی، ن. (۱۳۷۸)، مبانی جمعیت‌شناسی، تبریز: انتشارات جامعه‌پژوه و دانیال.

۳۲. توسلی، عباس (۱۳۷۵)، گزارش پژوهش بررسی راهبردهای آموزش و اطلاع‌رسانی صرفه‌جویی در مصرف انرژی، معاونت انرژی وزارت نیرو

۳۳. جعفرصالحی، سحر (۱۳۸۸)، بررسی الگوی رفتاری گردشگران در محیط زیست مقصد (مقایسه رفتار زیست محیطی گردشگران تفریحی و گردشگران فرهنگی در شهرهای اصفهان و چالوس)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

۳۴. خنجری، ملیحه (۱۳۹۷)، گزارش پژوهش تدوین نقشه راه مباحث مدیریتی و علوم اجتماعی در صنعت برق ایران، پژوهشگاه نیرو، وزارت نیرو.

۳۵. خنجری، ملیحه (۱۳۹۹)، گزارش پژوهش آسیب‌شناسی پژوهش‌های حوزه مدیریت و علوم اجتماعی صنعت برق ایران، پژوهشگاه نیرو،وزارت نیرو.

۳۶. خنجری، ملیحه (۱۴۰۰)، گزارش پژوهش تشکیل اتاق فکر در زمینه‌های علوم اجتماعی در صنعت برق، پژوهشگاه نیرو، وزارت نیرو.

۳۷. خورسندی طاسکوه، ع. (۱۳۸۸)، «میان‌رشتگی و مسائل آن در آموزش عالی». فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی، ۴(۲).

۳۸. خورشیدی، غ. و پیشگامی، ش. (۱۳۹۱)، «پیش‌نیازها و موانع تحقق توسعه علوم انسانی میان‌رشته‌ای». فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۴(۲)، ۱۵-۱.

۳۹. دفتر آموزش، تحقیقات و فناوری وزارت نیرو، دوره‌های آموزش شغلی وزارت نیرو، قابل‌دسترسی بر روی: https://trt.moe.gov.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۴۰. دورکیم، امیل (۱۳۸۶)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

۴۱. دولتیار، رضا (۱۳۷۹)، گزارش پژوهش ارزیابی اثربخشی پیام‌های به‌سامان در خصوص برچسب انرژی از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران، معاونت انرژی وزارت نیرو

۴۲. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، «رسانه و فرهنگ‌سازی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۲(۸)، ۲۰۸-۱۷۹.

۴۳. رحیمی، ا.؛ مروت، ح. و فریدزاده، ع. (۱۳۹۵)، «بررسی نقش نگرش‌ها و عقاید بر مصرف انرژی الکتریکی خانوارها در ایران»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۶، ۱۶۲-۱۲۹.

۴۴. رحیمی، ص. (۱۳۹۴)، «توسعه پایدار از منظر دین مبین اسلام»، مهندسی فرهنگی، ۱۰(۸۶).

۴۵. رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۱)، گزارش پژوهش بررسی الگوهای رفتار فرهنگی و اجتماعی مصرف کنندگان خانگی و تجاری برق در تهران بزرگ، تهران: پژوهشگاه نیرو- وزارت نیرو.

۴۶. رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۱)، گزارش پژوهش بررسی الگوهای رفتار فرهنگی و اجتماعی مصرف‌کنندگان خانگی و تجاری در تهران بزرگ، پژوهشگاه نیرو (وزارت نیرو)

۴۷. رفیعیان، مجتبی؛ خدایی، داداش پور، زهرا و هاشم (۱۳۹۳)، «ظرفیت سازی اجتماعات محلی به‌مثابه رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱(۲)، ۱۶۰-۱۳۳.

۴۸. ریتزر، جرج (۱۳۸۰)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی.

۴۹. زاهدی، ش. و نجفی، غ. (۱۳۸۵)، «بسط مفهومی‌توسعه پایدار»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۰ (۴)، ۷۶-۴۳.

۵۰. زورق، محمدحسین (۱۳۶۸)، مبانی تبلیغ، تهران: سروش.

۵۱. سازمان استاندارد ملی ایران (۱۴۰۰)، استاندارد «مسئولیت اجتماعی و خیر همگانی -راهنما»، شماره ۲۹۹۱۰، چاپ اوّل.

۵۲. سازمان پژوهش‌های صنعتی، اطلاعات سازمان، قابل دسترسی بر روی: https://irost.org/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷

۵۳. سازمان ساتبا، اهداف و مأموریت‌های سازمان، قابل‌دسترسی بر روی: http://www.satba.gov.ir/fa/aboutorganization/introduction، تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

۵۴. سام‌آرام، ع. و منصوری، س. (۱۳۹۶)، «تبیین و بررسی مفهوم تاب‌آوری اجتماعی و ارزیابی تحلیلی شاخص‌های اندازه‌گیری آن»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸(۳۲)، ۳۱-۱.

۵۵. سبحانی‌نژاد، مهدی و عبدالله افشار (۱۳۸۹)، «اصلاح الگوی مصرف با تأکید بر نقش آموزش در مدیریت مصرف انرژی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، ۱(۲)، سال اوّل، ۱۷۰-۱۵۵

۵۶. سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: انتشارات سمت.

۵۷. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ابلاغی مقام معظم رهبری (۱۳۸۲/۰۸/۱۳)

۵۸. سند ملّی آمایش سرزمین (مصوب شورای عالی آمایش سرزمین - مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۱)

۵۹. سند ملی راهبرد انرژی کشور (مصوب هیئت وزیران- مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۸)

۶۰. سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق، اطلاعات سندیکا، قابل‌دسترسی بر روی: https://www.pgcsyndicate.ir/Home.aspx؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰

۶۱. سندیکای صنعت برق، اطلاعات سندیکا، قابل دسترسی بر روی: http://www.ieis.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

۶۲. سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف (ابلاغی مقام معظم رهبری-مورخ ۱۳۸۹/۰۴/۱۴)

۶۳. سیاست‌های کلی نظام در بخش انرژی (ابلاغی مقام معظم رهبری- مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۰)

۶۴. شاه‌محمدی، عبدالرضا (۱۳۸۵)، اقناع و تبلیغ، تهران: زرباف اصل.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۶۵. شرکت بورس انرژی ایران، اطلاعات شرکت، قابل‌دسترسی بر روی: http://www.irenex.ir/DefaultUser.aspx؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

۶۶. شرکت توانیر، دبیرخانه تحقیقات برق)، نشانی پایگاه اطلاع‌رسانی: http://satab.tavanir.org.ir

۶۷. شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی، سامانه جامع و یکپارچه تحقیقات برق (سیب))، نشانی پایگاه اطلاع‌رسانی: https://sib.nri.ac.ir/

۶۸. شرکت مادرتخصصی برق حرارتی، اطلاعات شرکت برق حرارتی، قابل‌دسترسی بر روی: https://www.tpph.ir/SitePages/MainPage.aspx؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

۶۹. شرکت مادرتخصصی توانیر، اطلاعات شرکت توانیر، قابل‌دسترسی بر روی: https://www.tavanir.org.ir/pages/p122.php؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

۷۰. شریف‌زاده، ر. (۱۳۹۷)، مذاکره با اشیا، تهران: نشر نی.

۷۱. شورای عالی حفاظت محیط زیست، مصوبه شماره ۴۵۸۸۰/۱۴۴۴۷۹ مورخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

۷۲. صدفی، ذبیح‌الله و محسنی، علیرضا (۱۳۹۴)، «تبیین جامعه‌شناختی نظم متقاعدسازی مصرف رسانه‌ای»، فصلنامه تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی (پژوهشنامه علوم انسانی)، ۷(۲)، ۳۳-۱.

۷۳. صرافی، مظفر (۱۳۹۲)، «توسعه به‌مثابه حکمروائی شایسته»، در کتاب مبانی توسعه پایدار در ایران، نویسندگان: جواد اطاعت، فرهاد دژپسند، علی دینی ترکمانی، محمود سریع‌القلم، مظفر صرافی، وحید محمودی و بهروز هادی زنور، چاپ اول، تهران: نشر علم، صص: ۸۸-۵۱.

۷۴. صفاری‌نیا، مجید (۱۳۸۱)، گزارش پژوهش بررسی اثربخشی فعالیت‌های آموزش و آگاه‌سازی صرفه‌جویی مصرف انرژی در داش‌آموزان مدارس پیشتازان و فرزانگان شهر تهران، معاونت انرژی وزارت نیرو

۷۵. صفاری‌نیا، مجید (۱۳۸۴)، روان‌شناسی تغییر نگرش رفتار مصرف‌کنندگان انرژی، تهران: وزارت نیرو- سازمان بهره وری انرژی ایران(سابا).

۷۶. طالبیان، سیدامیر؛ گلچین، مسعود و عمرانی مجد، عبداله (۱۳۸۷)، «بررسی میزان پذیرش اجتماعی طرح سهمیه‌بندی بنزین و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت، ۲(۴)، ۹۳-۶۰.

۷۷. عبداله‌پور، جمال (۱۳۹۶)، واکاوی نقش نخبگان سنتی روستایی در راهبری توسعه اجتماعات محلی (موردمطالعه: روستاهای شهرستان سردشت)، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۷۸. عبداله‌پور، جمال (۱۳۹۸)، «گونه‌شناسی مشارکت عمومی در برق‌رسانی روستائی: پژوهشی کیفی در روستاهای شهرستان سردشت»، ارائه‌شده در سی و چهارمین کنفرانس بین‌المللی برق.

۷۹. عبداله‌پور، جمال (۱۳۹۹)، «توسعه به‌مثابه خلق و مدیریت جهان سوم: رویکرد انتقادی اسکوبار به تجربه جهانی گفتمان‌سازی توسعه»، ارائه‌شده در نهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: زمینه‌های تحقق و ضمانت‌های اجرا.

۸۰. عربیون، ق. (۱۳۷۸)، تجزیه و تحلیل، شناخت و بهبود وضعیت روستائیان جامه‌شوران علیا و سفلی، قمشه سیدقاسم و تپه با رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA) در استان کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی کرمانشاه.

۸۱. عسکری، محسن (۱۳۸۵)، «پذیرش اجتماعی شاخصی فراگیر در مسائل ترافیکی و حمل و نقل»، هفتمین همایش مهندسی حمل و نقل و ترافیک ایران.

۸۲. علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، مشارکت در اداره امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

۸۳. علی نژاد، م. و سلمانپور، ع. (۱۳۹۵)، نقش عوامل اقتصادی و جمعیتی بر مصرف انرژی برق خانگی (مطالعه موردی: منتخبی از استان‌های کشور)، دومین کنفرانس بین‌المللی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد، تهران.

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۸۴. عنبری، موسی (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

۸۵. فاضلی، م. (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، تهران انتشارات، تهران: انتشارات صبح صادق.

۸۶. فاضلی، محمد (۱۳۸۹)، ارزیابی تأثیرات اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

۸۷. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، «مقاومت فرهنگی در برابر نوآوری‌ها و فناوری‌های تازه در ایران»، رشد علوم اجتماعی، ۱۱(۱)، ۴-۹.

۸۸. فتاحی، ش.؛ بهاری‌پور، س. و ا. رضایی (۱۳۹۵)، «ارزیابی تأثیر ساختار جمعیت برمصرف برق (مطالعه موردی مقایسه مصرف انرژی برق استان‌های غرب و شرق کشور)»، نشریه علمی پژوهشی کیفیت و بهره‌وری صنعت برق ایران، ۴.

۸۹. فهرست مراکز و اسناد توسعه فناوری پژوهشگاه نیرو، قابل‌دسترسی بر روی: www.nri.ac.ir؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

۹۰. قاراخانی، م. (۱۳۹۳)، «شرایط امکان و دلایل امتناع میان‌رشته‌ای سیاست اجتماعی در ایران». فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۶(۲)، ۵۵-۲۳.

۹۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۹۲. قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی (مصوب مجلس شورای اسلامی-مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۰۴)

۹۳. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۸)، مصوب مجلس شورای اسلامی- مورخ ۱۳۶۸/۱۱/۱۱.

۹۴. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، مصوب مجلس شورای اسلامی- مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵.

۹۵. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، مصوب مجلس شورای اسلامی- مورخ ۱۳۸۳/۰۶/۱۱.

۹۶. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸-۱۳۷۴)، مصوب مجلس شورای اسلامی- مورخ ۱۳۷۳/۰۹/۲۰.

۹۷. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، مصوب مجلس شورای اسلامی- مورخ ۱۳۷۹/۰۱/۱۷.

۹۸. قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، مصوب مجلس شورای اسلامی- مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۱۶.

۹۹. کاظمی‌پور، ش. (۱۳۸۳)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

۱۰۰. کامفیروزی، م. و بنیادی نایینی، ع. (۱۴۰۰)، «بررسی تأثیر سیستمی موانع و چالش‌های مطالعات میان‌رشته‌ای با استفاده از روش دیمتل خاکستری»، نشریه علمی پژوهش‌های پیشرفت: سیستم‌ها و راهبردها، ۲(۱)، ۱۳۲-۱۰۳.

۱۰۱. کبیری، مسعود (۱۳۸۸)، «مدل‌های کاربست یافته‌های پژوهشی و نقش آنها در مدیریت پژوهشی به‌مثابه یک حوزه میان‌رشته‌ای»، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱(۴)، ۱۶۸-۱۴۷.

۱۰۲. کدخدایی، محسن؛ جعفرزاده، محمدرضا و علی عباسی (۱۴۰۰)، «رتبه‌بندی روش‌های فرهنگ‌سازی مصرف بهینه خانگی آب در کلان‌شهرها با استفاده از مدل تلفیقی *Grey-AHP* و *Grey-TOPSIS*»، مجله آب و فاضلاب، ۳۲(۱)، ۴۰-۲۷.

۱۰۳. کلاهی، محمدرضا (۱۳۸۵)،گزارش پژوهش ارزیابی مقایسه‌ای مکانیسم‌های اطلاع‌رسانی درباره مصرف انرژی الکتریکی بر میزان مصرف برق مصرف‌کنندگان خانگی انرژی، پژوهشگاه نیرو (وزارت نیرو)

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱۰۴.کلاهی، محمدرضا. (۱۳۸۵)، گزارش پژوهش ارزیابی مقایسه‌ای مکانیسم‌های اطلاع‌رسانی درباره مصرف انرژی الکتریکی بر میزان مصرف برق مصرف‌کنندگان خانگی انرژی، تهران: پژوهشگاه نیرو، وزارت نیرو.
۱۰۵.کلود، تاپیا (۱۳۷۹)، درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر نی.
۱۰۶.کوئن، بروس (۱۳۸۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات توتیا.
۱۰۷.گلابی، ف. و اخشی، ن. (۱۳۹۴)، «مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶(۳)، ۱۶۰-۱۳۹.
۱۰۸.گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۱۰۹.محمّدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی ضد روش: مراحل و روّیه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۱۰.محمّدی اردهالی، مرتضی و امیر ادهم (۱۳۸۷)، «مدل‌سازی سیاست‌گذاری انرژی با ملاحظات فنی، اقتصادی و اجتماعی: به‌کارگیری الگوریتم ژنیتکی مرتب‌سازی جواب‌های نامغلوب نخبه‌گرا در مطالعه موردی موضوع تخصیص منابع»، فصل‌نامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۵(۱۶)، ۱۱۰-۸۱.
۱۱۱.مختارپور، رجبعلی و عبداله‌پور، جمال (۱۳۸۸)، دانش بومی در معماری سنتی کیش، تهران: انتشارات سازمان منطقه آزاد کیش.
۱۱۲.مرزبان، ا؛ محمدی، م.؛ پورعزت، ع. ا. و قادری، ف. (۱۳۹۷)، «آینده حکمرانی در عرصه تسهیلات عام‌المنفعه: عوامل کلیدی و روندهای نوظهور (مطالعه موردی: توزیع انرژی برق)»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۷)، ۱۳۲-۱۰۹.
۱۱۳.مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، اطلاعات مرکز، قابل‌دسترسی بر روی: http://www.css.ir/fa؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴
۱۱۴.مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، ، اطلاعات مرکز، قابل‌دسترسی بر روی: https://www.mporg.ir؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸
۱۱۵.مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اطلاعات مرکز، قابل‌دسترسی بر روی: https://rc.majlis.ir/fa؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷
۱۱۶.مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون اساسنامه ساتبا، قابل‌دسترسی بر روی: https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1006642؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳
۱۱۷.مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، اطلاعات مرکز، قابل دسترسی بر روی: https://nrisp.ac.ir/fa؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷
۱۱۸.مساوات، حمیدرضا (۱۳۷۴)، گزارش پژوهش بررسی اثربخشی فعالیت‌های آموزشی و آگاه‌سازی در خصوص صرفه‌جویی انرژی در دانش‌اموزان ابتدائی و راهنمائی شهر تهران، معاونت انرژی وزارت نیرو
۱۱۹.مساوات، حمیدرضا (۱۳۷۶)، گزارش پژوهش تدوین راهنمای برنامه‌ریزی و تشخیص بهترین فعالیت‌ها و خصوصیات محتوائی آگاه‌سازی در مصرف انرژی و راه‌های افزایش آن، تهران: معاونت امور انرژی، دفتر بهینه‌سازی وزارت نیرو.
۱۲۰.مساوات، حمیدرضا (۱۳۷۶)، گزارش پژوهش تدوین راهنمای برنامه‌ریزی و تشخیص بهترین فعالیت‌ها و خصوصیات محتوائی آگاه‌سازی در مصرف انرژی و راه‌های افزایش آن، معاونت انرژی وزارت نیرو
۱۲۱.مهدوی‌زاهد، م. (۱۳۹۹)، «امکان و امتناع مطالعات میان‌رشته‌ای در حقوق؛ موردکاوی جامعه‌شناسی حقوق عمومی». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۲۱(۶۶)، ۲۹۱-۲۶۹.
۱۲۲.مهدی‌زاده، شراره (۱۳۸۲)، گزارش پژوهشی بررسی الگوی مصرف و میزان رضامندی مشترکین خانگی برق تهران، شرکت برق منطقه‌ای تهران

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱۲۳.مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، اطلاعات مؤسسه، قابل‌دسترسی بر روی: https://iies.mop.ir/portal/home/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

۱۲۴.مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، اطلاعات مؤسسه، قابل‌دسترسی بر روی: http://iscs.ac.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

۱۲۵.مؤمنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم و ناصر مزینی (۱۳۹۲)، «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۱۴(۴)، ۲۲۲-۱۸۷.

۱۲۶.میر ساردو، ا. ک. و ابراهیم زاده، ر. (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر بحران هویت جوانان»، پژوهشنامه علوم اجتماعی.

۱۲۷.نیک‌گهر، ع (۱۳۷۳)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: نشر رایزن.

۱۲۸.وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی)، فهرست رشته‌های تحصیلی آموزش عالی، قابل دسترسی بر روی: https://prog.msrt.ir؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

۱۲۹.وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (معاونت پژوهش و فناوری-کمیسیون نشریات علمی)، فهرست نشریات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی، قابل دسترسی بر روی: https://rppc.msrt.ir/file/download/download/1596017991-98.pdf؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

۱۳۰.وزارت نفت (۱۳۹۸)، سیاست‌ها و نظام‌نامه نحوه ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در صنعت نفت و آیین‌نامه اجرایی «سیاست‌ها و نظامنامه نحوه ایفای مسئولیت های اجتماعی در صنعت نفت»، قابل‌دسترسی بر روی (تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰): https://csr.nigc.ir/index.aspx?siteid=70&&siteid=70&pageid=367

۱۳۱.وزارت نفت، آیین‌نامه اجرایی نظام‌نامه نحوه ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در صنعت نفت، قابل‌دسترسی بر روی: https://csr.nigc.ir/index.aspx?siteid=70&&siteid=70&pageid=3674؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

۱۳۲.وزارت نفت، سیاست‌ها و نظام‌نامه نحوه ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در صنعت نفت، قابل‌دسترسی بر روی: https://csr.nigc.ir/index.aspx?siteid=70&&siteid=70&pageid=3674؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

۱۳۳.وزارت نیرو (۱۳۸۹)، وظایف حاکمیتی و تصدی وزارت نیرو، قابل‌دسترسی بر روی: https://www.moe.gov.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

۱۳۴.وزارت نیرو (۱۳۹۷)، سند ساختار و کارکردهای مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی (مردادماه ۱۳۹۷)، قابل‌دسترسی بر روی: https://www.moe.gov.ir/ ؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

۱۳۵.وزارت نیرو (۱۳۹۸)، بیانیه راهبرد مشارکت عمومی، قابل‌دسترسی بر روی: https://moe.gov.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

۱۳۶.وزارت نیرو (۱۳۹۹)، سند نظام مفهومی متقاعدسازی اجتماعی برای اصلاح تعرفه‌های آب و برق (نسخه دوم – اردیبهشت‌ماه).

۱۳۷.وزارت نیرو (۱۳۹۹)، فهرست خدمات مطالعات اجتماعی طرح‌های وزارت نیرو، قابل دسترسی بر روی: https://csawe.moe.gov.ir/؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

۱۳۸.وزارت نیرو (۱۴۰۰)، گزارش عملکرد مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی وزارت نیرو از زمان تأسیس (مرداد ۱۳۹۷) لغایت سال ۱۴۰۰

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

۱۳۹.وزارت نیرو، طرح تدوین سند چشم‌انداز و برنامه راهبردی وزارت نیرو تا افق ۱۴۰۴، قابل‌دسترسی بر روی: https://www.moe.gov.ir/ ؛ تاریخ اخذ: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

۱۴۰.یاوری، ک. و احمدی‌زاده، خ. (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه مصرف انرژی و ساختار جمعیت (مطالعه مورد کشورهای آسیای جنوب غربی)» فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۷(۲۵)، ۶۵-۳۳.

141. *Albaek, E. (1995). "Between knowledge and power: Utilization of social science in public policy making", Policy Sciences, 28(1), 79-100.*
142. *Amara, N.; Ouimet, M. & Landry, R. (2004). "New Evidence on Instrumental, Conceptual, and Symbolic Utilization of University Research in Government Agencies", Science Communication, 26(1), 75-106.*
143. *American Sociological Association (2021). Web Site Address: https://www.asanet.org/asa-communities/sections*
144. *Backer, T. E. (1991), "Knowledge Utilization: The Third Wave", Science Communication, 12(3), 225-240.*
145. *Barry, A.; Born, G. & Weszkalnys, G. (2008). "Logics of interdisciplinarity", Econ. Soc., 37(1), 20-49.*
146. *Batel, S. (2017). "A critical discussion of research on the social acceptance of renewable energy generation and associated infrastructures and an agenda for the future", journal of environmental policy & planning, 14(27), 1-14.*
147. *Bazmi, AA. & Zahedi, G. (2011). "Sustainable energy systems: role of optimization modelinging techniques in power generation and supply - a review", Renew Sustain Energy Rev, 15(1), 3480-3500.*
148. *Bennet, N. J. & Terre Satterfield, T. (2018). "Environmental governance: A practical framework to guide design, evaluation, and analysis", Conservation Letters, 1(1), 1-13.*
149. *Bennett, N. J.; Roth, R.; Klain, S. C.; Chan, K. M.; Clark, D. A.; Cullman, G.; Epstein, G.; Nelson, M. P.; Stedman, R.; Teel, TL.; Thomas, R. E.; Wyborn, C.; Curran, D.; Greenberg, A.; Sandlos, J. and Veríssimo, D. (2016). Mainstreaming the social sciences in conservation. Conservation Biology, 6(1), 56-66.*
150. *Bennett, N., Roth, R., Klain, S. C. et al. (2017). "Conservation social science: Understanding and integrating human dimensions to improve conservation," Biological Conservation, 205(1), 93-108.*
151. *Beyer, J. M. (1997). "Research Utilization: Bridging a Cultural Gap between Communities", journal of management, 6(1), 17-22.*
152. *Buckly, M.R.; Beu, Ds. & Frink D.D. (2001), "Ethical Issues in Human Resources Systems", Human Resource Management Review, 11-29.*
153. *Budiman, I. (2018). "Enabling Community Participation for Social Innovation in the Energy Sector", Indonesian Journal of Energy, 1(1), 21-31.*
154. *Caplan, N. (1979). "The two-communities theory and knowledge utilization", American Behavioral Scientist, 22(1), 459-470.*
155. *Center on Global Energy Policy (2021). Web Site Address: https://www.energypolicy.columbia.edu/*
156. *Cherney, A. & McGee T. R. (2010). "Utilization of social science research: Results of a pilot study among Australian", Journal of Sociology, 47(1), 144-162.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

157. *Cherney, A.; Head, B.; Boreham, P.; Povey, J. & Ferguson, M. (2013). "Research Utilizationin the Social Sciences: a Comparison of Five Academic Disciplines in Australia," Science Communication, 35(6), 780-809.*
158. *Cooper, C. (2017). "Building physics into the social: Enhancing the policy impact of energy studies and energy social science research", Energy Research and Social Science, 26(April), 80-86.*
159. *Corfee – Morlot, J.; Kamal-Chaoui, L.; Donovan Michael G.; Cochran, I.; Robert, A. & Teasdale, PierreJonathan (2009). "cities,climate change and multilevel governance", OECD Environmental Working Papers N. 14, OECD Publishing.*
160. *Course Schedule of Energy, Environment and Society (2021). Available at: https://courses.students.ubc.ca/cs/courseschedule*
161. *Cousins, J. B. and Leithwood, K. A. (1993). "Enhancing knowledge utilization as a strategy for school improvement", Knowledge: Creation, Diffusion, Utilization 14(1), 305-333.*
162. *De Waters, J. (2011). Energy Literacy and the Broader Impacts of Energy Education among Secondary Students in New York State, PhD Thesis in Philosophy, Environmental Science and Engineering, Clarkson University.*
163. *Depuru S.S.S.R.; Wang L., & Devabhaktuni, V. (2011). Electricity theft: overview, issues, prevention and a smart meter based approach to control theft, Energy Policy, 39(2), 1007–1015.*
164. *Devine-Wright, P. (2005). "Beyond NIMBYSIM; towards an integrated framework for understanding public perceptions of wind energy", Wind Energy, 8, 125–139.*
165. *Devine-Wright, P. (2011). "Place attachment and public acceptance of renewable energy: A tidal energy case study", Journal of Environmental Psychology, 31(4), 336-343.*
166. *Devine-Wright, P. (2011). "Place attachment and public acceptance of renewable energy: A tidal energy case study", Journal of Environmental Psychology, 31(4), 336-343.*
167. *Dewaters, J. E. and powers, s. (2012). "Establishing Measurement Criteria for an Energy Literacy Questionnaire", the journal of Environmental Education, 44(1), 38-55.*
168. *Donahue, j. (2004). on collaborative governance, a working paper of the: corporate social responsibility initiative, Harvard University.*
169. *Dunlop, T. (2016). "Mind the gap: A social sciences review of energy efficiency," Energy Research & Social Science, 56(1), 1-12.*
170. *Elliott, S. J.; O'Loughlin, J.; Robinson, K.; Eyles, J.; Cameron, R.; Harvey, D.; Raine, K. and Gelsky, D. (2003). "Conceptualizing Dissemination Research and Activity: The Case of the Canadian Heart Health Initiative", Health Education & Behavior, 30(3), 267-282.*
171. *Ellis, Geraint; Barry, John & Clive Robinson (2007). "Many ways to say 'no', different ways to say 'yes': Applying Q-Methodology to understand public acceptance of wind farm proposals", Journal of Environmental Planning and Management, 50(4), 517-551.*
172. *Escobar, Arturo (1984). "Discourse and Power in Development: Michel Foucault and the Relevance of his Work to the Third World", Alternatives, 10(3), 377–400.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

173. *Escobar, Arturo (1987). Power and Visibility: The Invention and Management of Development in the Third World, Unpublished Ph.D. dissertation, University of California, Berkeley.*
174. *Escobar, Arturo (1988). "Power and Visibility: Development and the Invention and Management of the Third World", Cultural Anthropology, 3(4), 428-443.*
175. *Escobar, Arturo (1995). Encountering Development: the making and unmaking of the third world, Princeton, NJ: Princeton University Press.*
176. *Escobar, Arturo (2000). "Beyond the Search for a Paradigm? Post-development and Beyond", Development, 43 (4), 11–14.*
177. *Escobar, Arturo (2004). "Beyond the Third World: Imperial Globality, Global Coloniality, and Anti-Globalisation Social Movements", Third World Quarterly, 25 (1), 207–230.*
178. *Escobar, Arturo (2007). "Post-development as concept and social practice", in Aram Ziai, Exploring Post-development: Theory and practice, problems and perspectives, First published, New York: Routledge.*
179. *Estabrooks, A. (1999). "Modeling the Individual Determinants of Research Utilization. Western Journal of Nursing Research", 20(6), 758-772.*
180. *European Sociological Association (2021). Web Site Address: https://www.europeansociology.org/*
181. *Falkner, R. (2014). "Global environmental politics and energy: mapping the research agenda". Energy Research & Social Science, Vol. 1, 188–197.*
182. *Ferreira, P.; Araújo, M. and O'Kelly, M. E. J. (2010). "The Integration of Social Concerns into Electricity Power Planning: A Combined Delphi and AHP Approach" in Rebennack, S. and et al (editors), I, 343-364" in Handbook of Power Systems, New York: Springer, 343-364.*
183. *Florini, A., & Sovacool, B. (2011). "Bridging the gaps in global energy governance", global energy governance, 17 (1), 57-74.*
184. *Fournis, Y. & Fotin, Marie-José, (2017). "From social 'acceptance' to social 'acceptability' of wind energy projects: towards a territorial perspective", Journal of Environmental Planning and Management, 60(1), 1-21.*
185. *Freeman, j. (2000). "The Private Role in Public Governanc". New York: University Law Review, 75(101), 47-58.*
186. *Galvin, R. (2020). "Power, evil and resistance in social structure: A sociology for energy research in a climate emergency," Energy Research & Social Science, 61(1), 1-8.*
187. *Giddens, A. (1984). The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration. Cambridge: Polity Press.*
188. *Goldblatt, D. L.; Minsch, J.; Flüeler, T. and Spreng, D. (2012). "Introduction in Tackling Long-Term Global Energy Problems: The Contribution of Social Science", New York: Springer, 3-10.*
189. *Guidance of Helping Consumers with Energy (2021). Available at: https://www.gov.uk/government/publications/helping-consumers-with-energy/helping-consumers-with-energy*
190. *Halvorsen, B., & Larsen, B. (2001). "The Flexibility of Household Electricity Demand over Time", Resource and Energy Economics, 23(1), 1-18.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

191. *Head, B. (2010). "From knowledge transfer to knowledge sharing? Towards better links between research, policy and practice", in Bridging the 'Know-Do' Gap, Canberra: ANU E press, 109-123.*
192. *Head, B. W. (2015). "Toward More Evidence-Informed Policy Making", Public Administration Review ,76(3), 472-484.*
193. *Head, B.; Ferguson, M.; Cherney, A. and Boreham, P (2014). "Are policy-makers interested in social research? Exploring the sources and uses of valued information among public servants in Australia", Policy and Society ,33(1), 89-101.*
194. *Hess, D. J. and Sovacool, B. K., (2020). "Sociotechnical matters: Reviewing and integrating science and technology studies with energy social science", Energy Research & Social Science, Vol. 65, 1-17.*
195. *Holtedahl, P., & Joutz, F. (2004). "Residential Electricity Demand in Taiwan", Energy Economics, 26(2), 201-224.*
196. *Horta, A., Wilhite, H., Schmidt, L. and Bartiaux, F. (2014). "Socio-Technical and Cultural Approaches to Energy Consumption: An Introduction", Nature and Culture, 2(9), 115-121.*
197. *Hummel, Brunner R. (2000). "A systems approach to evaluation", paper prepared for the 4th EES2 conference, Lousanne, October.*
198. *Ingeborgrud, L.; Heidenreich, S.; Ryghaug, M.; Skjølsvold, T. M.; Foulds, C.; Robinson, R.; Buchmann, K. and Mourik, R. (2020). "Expanding the scope and implications of energy research: A guide to key themes and concepts from the Social Sciences and Humanities", Energy Research & Social Science , 63(1), 1-13.*
199. *Institute for Resources, Environment and Sustainability (IRES)-The University of British Columbia (2021). Web Site Address: http://ires.ubc.ca/research/*
200. *International Association for Public Participation (IAP2) (2014), spectrum of public participation.*
201. *International Journal of Energy Research (2021). Web Site Address: https://onlinelibrary.wiley.com/journal/1099114x*
202. *International Sociological Association (2021). Web Site Address: https://www.isa-sociology.org/en/research-networks/research-committees*
203. *Jacobson, N., Butterill, D. and Goering, P. (2004), "Organizational Factors that Influence University-Based Researchers' Engagement in Knowledge Transfer Activities", Science Communication, 25(3), 246-259.*
204. *Jamil, F. (2013). "On the electricity shortage, price and electricity theft nexus", Energy Policy, Vol. 54, 267–72.*
205. *Johnson, R. B. (1998). "Toward a theoretical model of evaluation utilization", Evaluation and Program Planning, 21(1), 93-110.*
206. *Journal of Energy for Sustainable Development (2021). Web Site Address: https://www.journals.elsevier.com/energy-for-sustainable-development*
207. *Journal of Energy Policy (2021). Web Site Address: https://www.sciencedirect.com/journal/energy-policy*
208. *Journal of Energy Research & Social Science (ERSS) (2021). Web Site Address: https://www.sciencedirect.com/journal/energy-research-and-social-science*
209. *Jowett, G. & O'Donnell, V. (1992). Propaganda & Persuasion (Chapter 4). 2nd edn.*
210. *Junichi, M. (2008). "The social responsibility of nuclear", Nuclear EnergyMarch, 50(2), 694-699.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

211. *Kersbergen, K. & Warrden, F. (2004). "Governancas aridge between disciplines: Cross-disciplinary ispiration regarding shifts in governance and problems of Governability. Accunting and Ligitimacy", Eue J Pol Res, 43(2), 143-71.*
212. *Ketefian, S. (2001). "Issues in the application of research to practice". Rev Latino-am Enfermagem , 7(5), 7-12.*
213. *Landry, R., Amara, N. and Lamari, M. (2001). "Utilization of social science research knowledge in Canada", Research Policy, 30(1), 333-349.*
214. *Lee, Lung-Sheng; Lee, Yi-Fang; Altschuld, J. W. & JuPanc, Ying (2015). "Energy Literacy: Evaluating Knowledge, Affect, and Behavior of Students in Taiwan", Energy Policy, Vol. 76, 98-106.*
215. *Lennon, Breffní; Dunphy, Niall P. and Estibaliz Sanvicente (2019). "Community acceptability and the energy transition: a citizens' perspective", Energy, Sustainability and Society, 9:35, 1-18.*
216. *Lester, P. (1993). "The Utilization of Policy Analysis by State Agency Officials", Knowledge: Creation, Diffusion, Utilization, 14(3), 267-290.*
217. *Leucht, M.; Kölbel, T.; Laborgne, P. & Nicolai K. (2010). "The Role of Societal Acceptance in Renewable Energy Innovations´ Breakthrough in the Case of Deep Geothermal Technology", Proceedings World Geothermal Congress, Bali, Indonesia, April, 25-29.*
218. *Liu, L.; Bouman, T.; Perlaviciute, G. & Linda S. (2019). "Effects of trust and public participation on acceptability of renewable energy projects in the Netherlands and China", Energy Research & Social Science, Vol. 53, 137-144.*
219. *Lorenzen, J. A. (2014). "Convincing people to go green: managing strategic action by minimising political talk", Environmental Politics, 23:3, 454-472*
220. *Lutzenhiser, L. (1993). "Social and Behavioral Aspects of Energy Use". Annual Review of energy and environment.*
221. *MA Sustainable Development (2021). Available at: https://www.ed.ac.uk/studying/undergraduate/degrees/index.php?action=view&code=HL23*
222. *Mallaband, B.; Wood, G.; Buchanan, K.; Staddon. s.; Mogles, N. M. & Gabe-Thomas, E. (2017). "The reality of cross-disciplinary energy research in the United Kingdom: A social science perspective". Energy Research & Social Science, 25(1), 9-18.*
223. *Master in Energy, Environment and Society (2021). Available at: https://www.uis.no/en/studies/master-energy-environment-and-society*
224. *Master's Program in Social-ecological resilience for sustainable development; Sociology of the Planet: Culture, institutions and social relations in the pursuit of sustainability (2021). Available at: https://www.su.se/english/search#?cludoquery=resilience*
225. *Miller, C. A., Iles, A. & Jones, C. F. (2013). "The Social Dimensions of Energy Transitions," Science as Culture, 22(2), 135-148.*
226. *Minsch, J., Goldblatt, D. L., Flueler, T. and Spreng, D. (2012). "The Indispensable Role of Social Science in Energy Research", in Tackling Long-Term Global Energy Problems: The Contribution of Social Science, New York: Springer, 23-44.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

227. *Mistur, Evan M. (2017). "Health and energy preferences: Rethinking the social acceptance of energy systems in the United States", Energy Research & Social Science, Vol. 34, 184-190.*
228. *Moula, M. E.; Moula, J.; Hamdy. M.; Fang, T.; Jung, N. and Lahdelma, R. (2013). "Researching social acceptability of renewable energy technologies in Finland", International Journal of Sustainable Built Environment, 2(1), 89-98.*
229. *Murakami, Tomoko (2017). "Creating Better Social Acceptance for Electric Power Infrastructure", Economic Research Institute for ASEAN and East Asia, ERIA Research Project FY2016 No.05 Published in October*
230. *National Science Fundaiton (1969). Knowledge into Action: Improving the Nation's use of the Social Sciences, Washington D. C.: U.S. Government Printing Office, Newbury Park, CA: Sage Publications.*
231. *Newman, J. (2014). "Revisiting the two communities metaphor of research utilisation", International Journal of Public Sector Management, 27(7), 614-627.*
232. *Newman, J.; Cherney, A. and Head, B.; (2016). "Policy Capacity And Evidence-Based Policy In The Public Service", Public Management Review, 1-20.*
233. *Norwegian Centre for Energy Transition Strategies- Norwegian University of Science and Technology (2022). Web Site Address: https://www.ntnu.edu/ntrans/ntrans*
234. *Nutley, S., Walter, I. and Davies, H. (2007). Using Evidence: How Research Can, Bristol: Policy Press.*
235. *OECD (2001). The DAC guidelines, strategies for sustainable development, Paris: OECD.*
236. *Oh, C. H. (1997). "Issues for the New Thinking of Knowledge Utilization: Introductory Remarks", Knowledge and Policy: The International Journal of Knowledge Transfer and Utilization, 3.*
237. *Olson, J. & Zanna, M. (1993). "Attitudes and attitude change", Annual Review of Psychology, 44, 117-154.*
238. *Oyedepo, S. O. (2014). "Towards achieving energy for sustainable development", Renewable and Sustainable Energy Reviews, 34(1), 255-272.*
239. *Piccioto, R. (2002). "The Logic of Mainstreaming," Evaluation, 8(3), 322-339.*
240. *Pike, Andy & John Tomany (2009). "the state and uneven development: the governance of economic development in England in the post – devolution UK", Cambridge Journal of Regions, Economy and Society , V. 2, pp: 13-34.*
241. *Poortinga, W.; Steg, L. & Velek, C. (2004), "Values, Environmental Concern, and Environmental Behaviour: A Study into Household Energy Use", Environment and Behavior, 36 (1), 70-93.*
242. *Promberger, M. et al. (2014). "Patterns of Resilience during Socioeconomic Crises among Households in Europe (RESCuE), Concept, Objectives and Work Packages of an EU FP 7 Project", Institute for Employment Research, Brussels.*
243. *Rhodes, R. (1996). "The new governance: governing without government", Pol Stud, 652-67, 44(4).*
244. *Rich, R. F. (1991). "Knowledge Creation, Diffusion, and Utilization: Perspectives of the Founding Editor of Knowledge", Knowledge, 12(3), 319-337.*
245. *Rohracher, H. (2008). "Energy systems in transition: contributions from social sciences", Int. J. Environmental Technology and Management, 9(2/3), 144-161.*
246. *Rokeach, M. (1973), the nature of human values, New York: Free Press.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

247. *Ryan. S. E.; Hebdon. C. & Dafoe, J. (2014). "Energy research and the contributions of the social sciences: A contemporary examination", Energy Research & Social Science, 3(1), 186-197.*
248. *Schmidt, S. & Weigt, H. (2015). "Interdisciplinary energy research and energy consumption: What, why, and how?", Energy Research & Social Science, 10(1), 206-219.*
249. *School of Sustainable Energy Engineering (SEE)-Simon Fraser University (2021). Web Site Address: https://www.sfu.ca/see/about.html*
250. *Schult, P. Wesley & Lynnette Z. (1999). "Values as Predictors of Environmental Attitudes: Evidence For Conssistency Acrodd 14 Countries", Journal of Environmental Psychology, Vol. 19, 255-265.*
251. *Sharmina, M., Ghanem, D. A., Browne, A. L., Hall, S. M., Mylan, J., Petrova, S. & Wood, R. (2019). "Envisioning surprises: How social sciences could help models represent 'deep uncertainty' in future energy and water demand", Energy Research & Social Science, Vol. 50, 18-28.*
252. *Smith, T. (2004). "Electricity theft: a comparative analysis", Energy Policy, 32(18), 2067–2076.*
253. *Sovacool, B. K. & Dworkin, M. H. (2015). "Energy justice: Conceptual insights and practical applications", Applied Energy, 142(1), 435-444*
254. *Sovacool, B. K. (2014a). "What are we doing here? Analyzing fifteen years of energy scholarship and proposing a social science research agenda", Energy Research &Social Science, 6, 1-29.*
255. *Sovacool, B. K. (2014b). "Energy studies need social science". Nature, 511(1), 529-530.*
256. *Sovacool, B. K. and Mukherjee, I. (2011). "Conceptualizing and measuring energy security: A synthesized approach", Energy, 36(1), 5343-5355.*
257. *Sovacool, B. K.: Saleem, S.: D'Agostino, A. L.: Ramos, C. R.: Trott, K. & Ong, Y. (2012). What About Social Science and Interdisciplinarity? A 10-Year Content Analysis of Energy Policy in Tackling Long-Term Global Energy Problems: The Contribution of Social Science, New York: Springer, 47-71.*
258. *Sovacool, B. K.; Axsen, J. & Sorrell, S. (2018). "Promoting novelty, rigor, and style in energy social science: Towards codes of practice for appropriate methods and research design", Energy Research & Social Science, 48(November), 12-42.*
259. *Sovacool, B. K.; Ryan, S. E.; Stern, P.C.; Janda, K.; Rochlin. G.; Spreng, D.; Pasqualetti, M. J.; Wilhite, H. & Lutzenhiser, L. (2015). "Integrating social science in energy research", Energy Research & Social Science ,6(1), 95-99.*
260. *Sovacool, B., & Florini, A. (2012, 30 (3)). Examining the complications of global energy governance. J Energy Nat Res Law, 235-63.*
261. *Stern, P. C. (2017). "How can social science research become more influential in energy transitions?", Energy Research & Social Science, Vol. 482, 1-5.*
262. *Stirling, A. (2014). "Transforming power: Social science and the politics of energy choices", Energy Research & Social Science, Vol. 1, 83-95.*
263. *Stjepcevic, J. & Siksnelyte, I. (2017), "Corporate Social Responsibility in Energy Sector", Transformations in Business & Economics, 16(1), 21-33.*
264. *Tasdoven, H., Fiedler, B., & Garayev, V. (2012). "Improving electricity efficiency in Turkey by addressing illegal electricity consumption: a governance approach", Energy Policy, 226–34.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150

265. *Thapa, K. & Thompson, S. (2017). "Significance of Social Science Mainstreaming for Sustainable Conservation of Natural Resources", Agricultural Research & Technology, 4(1), 1-3.*
266. *The Course of Energy and Society (2021). Available at: https://socioanthro.uoguelph.ca/course-outlines/energy-and-society*
267. *The Course of Energy and Society (2021). Available at: https://study.unisa.edu.au/courses/100944*
268. *The Helmholtz Association of German Research Centers (2021). Web Site Address: https://www.helmholtz.de/en/about-us/helmholtz-centers*
269. *The Institute of Energy and Environment (IEMA) (2021). Web Site Address: http://energiaeambiente.org.br/home-page*
270. *Tiwari, P. (2000). "Architectural, Demographic, and Economic Causes of Electricity Consumption in Bombay", Policy Modeling, 22(1), 81-98.*
271. *Treib, O.; Bähr, H., & Falkner, G. (2007). "Modes of governance: towards a conceptual clarification", J Eur Publ Policy, 14(1), 1-20.*
272. *Turner, J. (1997). The Institutional Order. New York: Longman.*
273. *UCL Energy Institute (2021). Web Site Address: https://www.ucl.ac.uk/bartlett/energy/research/energy-and-buildings*
274. *Undergraduate Courses of University of Connecticut (UCONN) (2021). Available at: https://catalog.uconn.edu/directory-of-courses/course/SOCI/3407W/*
275. *Undergraduate Program in Environmental Sociology (2021). Available at: https://as.vanderbilt.edu/sociology/undergraduate/environmental-sociology-major/*
276. *Wehmeier, S. (2005). Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English, Oxford.*
277. *Weiss, C. (1980). "Knowledge Creep and Decision Accretion", Science Communication, 3(1), 381-404.*
278. *Weiss, C. H. (1979). "The many meanings of research", Public Administration Review, Vol. 29, 426-431.*
279. *West, S. and Smith, C. L., (2013). "Essential SSH Research for the Societal Challenge 'Secure, clean and efficient energy", in The Future of The Social Sciences and Humanities in Europe, Belgium, Leuven, LERU publication, 19-22.*
280. *Winskel, M. (2014). "Embedding Social Science in Interdisciplinary Research: Recent Experiences from Interdisciplinary Energy Research", Science as Culture, 23(3), 413-418.*
281. *Wong-Parodi, G.; Krishnamurti, T.; Davis, A.; Schwartz, D. & Fischhoff, B. (2016). "A decision science approach for integrating social science in climate and energy solutions", Nature Climate Change, 6(1), 563-569.*
282. *Wortmann, K., & Schuster, K. (1999). The behaviorial approach to energy conservation: an opportunity still not taken by policy. Retrieved from ecee:*
283. *Wüstenhagen, R.; Wolsink, M. & Bürer, M. J. (2007). "Social acceptance of renewable energy innovation: An introduction to the concept", Energy Policy, 35(5), 2683-2691.*
284. *www.eceee.org/library_links/proceedings/1999/abstract/panel3/ece99_3_17.lasso*
285. *Zografakis, N.; Menegaki, A. & Tsagarakis, K. (2008). "Effective education for energy efficiency", Energy Policy, 36 (8), 3226–3232.*

DOI: 10.30503/nripress.2020.150